

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجلی اخلاص و ایثار

یادنامه بزرگداشت اولین سالگرد ارتحال
حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)

انتشارات دانشگاه قم

مقدمه.....	۱۱
مروری اجمالی بر زندگی حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (ره).....	۱۵
فصل اول: مصاحبه ها.....	۲۱
مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی «دامت برکاته».....	۲۳
مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی سبحانی «دامت برکاته».....	۲۶
مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی «دامت برکاته».....	۳۰
مصاحبه با حضرت آیت الله مؤمن قمی «دامت برکاته».....	۳۴
مصاحبه با حضرت آیت الله محقق داماد «دامت برکاته».....	۳۹
مصاحبه با حضرت آیت الله طاهری خرم آبادی «دامت برکاته».....	۴۳
تلاش رژیم برای عدم انتساب حوزه علمیه خرم آباد به امام.....	۴۴
پیشنهاد طرفداران آیت الله کمالوند به امام.....	۴۴
چاپ یک خبر در روزنامه و موضع گیری علاقه مندان امام.....	۴۵
مشورت حضرت امام در مورد حوزه خرم آباد.....	۴۵
تضمیم امام مبنی بر اعطای وکالت به آیت الله قاضی (ره).....	۴۶
فعالیت های آیت الله قاضی و حساسیت رژیم نسبت به ایشان.....	۴۸
شیطنت منافقین در مورد آیت الله قاضی.....	۴۹
مصاحبه با حضرت آیت الله مقتدایی «دامت برکاته».....	۵۱
مصاحبه با حضرت آیت الله سید محمد نقی شاهرخی خرم آبادی «دامت برکاته» نماینده مردم استان لرستان در مجلس خبرگان رهبری.....	۵۵
مصاحبه با آیت الله دکتر احمد بهشتی سرپرست دانشگاه قم.....	۵۷
مصاحبه با حضرت آیت الله حاج شیخ عباسعلی صادقی «دامت برکاته» رئیس حوزه علمیه کمالیه خرم آباد.....	۶۰
مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید احمد میرعمادی نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم آباد.....	۶۹
مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید عیدی استاد دانشگاه های استان لرستان.....	۷۲
مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین محمد روشن از اعضای جامعه روحانیت خرم آباد.....	۷۸

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احمدرضا شاهرخي استاديار گروه فلسفه و كلام اسلامي دانشگاه قم.....	۹۱
مصاحبه با جناب آقای حاج عبدالرحمن قاضی «برادر بزرگتر رئیس فقید دانشگاه قم».....	۱۰۲
مصاحبه با جناب آقای حاج محمد جعفر قاضی «فرزند رئیس فقید دانشگاه قم».....	۱۰۶
مصاحبه با سرکار خانم حسینی «مسئول واحد خواران دانشگاه قم».....	۱۱۲
فصل دوم: مقالات	۱۱۵
خدمت بی منت قاضی در محضر قاضی /حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد ذبیحی.....	۱۱۷
درآمد.....	۱۱۷
اهمیت و ضرورت پرداختن به زندگی بزرگان	۱۲۰
آشنایی با حاج آقای قاضی.....	۱۲۶
مهاجرت به قم.....	۱۳۰
ویژگی های شخصی مرحوم قاضی.....	۱۳۵
شهرت گریزی.....	۱۳۵
تواضع و فروتنی.....	۱۳۸
ویژگی های مدیریتی مرحوم قاضی.....	۱۴۲
شرح صدر.....	۱۴۳
اعتدال و میانه روی.....	۱۴۶
سخت گیری در اموال عمومی و گشاده دستی در اموال شخصی.....	۱۴۹
امید و همت.....	۱۵۳
دل پاک.....	۱۵۸
مبارزات سیاسی.....	۱۶۰
اهتمام به کار فرهنگی.....	۱۶۲
روحانیون.....	۱۶۳
جوانان.....	۱۶۴
توده مردم.....	۱۶۷
فعالیت های اجتماعی و خدمات مردمی.....	۱۶۹
نقش آیت الله قاضی در انقلاب اسلامی.....	۱۷۲
بنیان گذاری دانشگاه قم.....	۱۷۵
پایان زندگی و آرام گرفتن در جوار حضرت معصومه (س).....	۱۸۱

کتابنامه	۱۹۳
آیت الله قاضی (ره) سیمای اعتدال و میانه روی / حجت الاسلام و المسلمین دکتر عزیزاله فهیمی	۱۹۵
چکیده	۱۹۵
مقدمه:	۱۹۶
قسمت نخست: اعتدال و جایگاه آن در منابع دینی	۱۹۸
۱. معنی لغوی و اصطلاحی اعتدال	۱۹۸
۲. اهمیت اعتدال	۱۹۸
۱-۲. در قرآن کریم:	۱۹۸
۲-۲. در روایات	۲۰۰
قسمت دوم: انواع اعتدال و مظاهر آن در زندگی حضرت آیت الله قاضی (ره)	۲۰۳
۱. اعتدال در سخن	۲۰۳
۲. اعتدال در امور بیت المال	۲۰۴
۳. اعتدال سیاسی	۲۰۵
۴. اعتدال در هنگام بروز فتنه	۲۰۸
فتنه سال ۱۳۷۷ در دانشگاه قم:	۲۱۰
اما ذکر خاطره‌ای در مورد فتنه سال ۱۳۷۷:	۲۱۴
فتنه ۸۸:	۲۱۴
۵. اعتدال در مدیریت	۲۱۵
خاتمه	۲۱۹
منابع و مأخذ	۲۲۱
بیت المال از دیدگاه آیت الله قاضی (ره) / حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدابراهیم ایزدخواه	۲۲۳
مقدمه:	۲۲۳
۱- اخلاص در عمل بدون چشم داشت مالی	۲۲۵
۳- عدم استفاده از بیت المال	۲۲۶
۴- کمک مالی	۲۲۷
۵- خستگی ناپذیری	۲۲۷
۵- خستگی ناپذیری	Error! Bookmark not defined.
۶- انضباط در اشتغالات فکری	۲۲۹
۷- تقوی	۲۲۹

۸- تعبد	۲۳۰
۹- دقت در مصرف بیت المال و تعبد به قانون	۲۳۰
۱۰- امانت داری	۲۳۱
فرمان به امانتداری	۲۳۲
۱۱- زهد گرایی و دعوت به زهد	۲۳۳
۱۲- آینده نگری	۲۳۶
۱۳- حساسیت نسبت به حق دانشجو	۲۳۷
بررسی و ارزیابی مدیریت و اندیشه‌های حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) از دیدگاه فنی و مهندسی / دکتر محمد رضا عدل پرور	۲۳۹
چکیده	۲۳۹
۱. مقدمه	۲۴۱
۲. نحوه مدیریت، برخورد و ارجاعات کارهای فنی مهندسی	۲۴۲
۴. دیدگاه بزرگان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه و دانشگاه در حیطه فنی و مهندسی	۲۴۵
۵. نتیجه‌گیری	۲۵۰
منابع و مراجع	۲۵۳
اسوه همت و کار مضاعف: آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی (ره) / دکتر مرضیه مصطفوی	۲۵۵
چکیده:	۲۵۵
مقدمه:	۲۵۶
۱- تربیت دینی و زهد و ایثار	۲۵۷
تحصیل علوم دینی تا اجتهاد	۲۵۷
یاد کثیر خداوند	۲۵۸
تسلط بر نفس	۲۵۸
مجاهدت و تلاش	۲۶۰
ولایت مداری رمز محبوبیت	۲۶۱
زهد و ایثار	۲۶۲
رازداری و بردباری	۲۶۴
۲- مدیریت دانشگاه	۲۶۷
عمل به وعده‌ها و مخفی کردن کارها	۲۶۷
مشاوره با متخصصین	۲۶۸

گذشت و قاطعیت.....	۲۷۰
مدیری همیشه در دسترس.....	۲۷۱
تفکیک جنسیتی دانشگاه.....	۲۷۱
۳- دانشگاه و انقلاب اسلامی.....	۲۷۶
فهرست منابع:.....	۲۷۸
مساعی حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره) در راستای تحقّق آرمان‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در خصوص بانوان / دکتر اقدس یزدی.....	۲۷۹
چکیده.....	۲۷۹
مقدمه.....	۲۸۰
زن در عصر پیش از ظهور اسلام.....	۲۸۰
زن در ایران قبل از انقلاب اسلامی.....	۲۸۲
زن در اروپا.....	۲۸۳
منزلت زن از دیدگاه اسلام.....	۲۸۴
تساوی زن و مرد در طی مراتب کمال معنوی از دیدگاه قرآن.....	۲۸۵
زن از منظر حضرت امام خمینی (ره).....	۲۸۶
تحصیل علم، حق انسانی زن.....	۲۸۸
ضرورت اکید تحصیل علم برای بانوان.....	۲۸۸
استقلال اقتصادی زن از منظر قرآن.....	۲۹۰
حق مشارکت سیاسی زنان از نظر قرآن.....	۲۹۰
لزوم مشارکت و فعالیت زنان همگام با رعایت موازین شرعی و محوریت حفظ نهاد خانواده.....	۲۹۱
لزوم مشارکت اجتماعی زنان در راستای قرب الهی.....	۲۹۱
حضرت زهرا(س) اسوهی تمام عیار زنان.....	۲۹۲
حضرت زینب (س) دیگر اسوهی زنان.....	۲۹۳
زن در عصر انقلاب اسلامی.....	۲۹۴
مرحوم حضرت آیت ا.. قاضی خرم آبادی و انقلاب اسلامی.....	۲۹۶
تلاش‌های مرحوم حضرت آیت ا.. قاضی خرم آبادی (ره) در تحقق آرمانهای امام خمینی (ره) پیرامون بانوان.....	۲۹۷
فهرست منابع و مآخذ:.....	۲۹۹
دانشگاه اسلامی و حریم روابط / حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر.....	۳۰۱

چکیده:.....	۳۰۱
مقدمه:.....	۳۰۲
"دانشگاه و حریم روابط":.....	۳۰۳
" دانشگاه اسلامی " و "حریم روابط":.....	۳۰۴
"حریم ارتباطات در دانشگاه".....	۳۰۵
(۱) تفکیک جنسیتی کادر آموزشی و اداری:.....	۳۰۵
۱/۱. تفکیک جنسیتی دانشجویان:.....	۳۰۵
۲/۱. تفکیک جنسیتی اساتید:.....	۳۰۷
۳/۱. تفکیک جنسیتی کادر اداری:.....	۳۰۸
ادله تفکیک جنسیتی:.....	۳۰۸
(۲) بستر سازی بسیج ازدواج مجموعه کادر آموزشی و اداری:.....	۳۱۵
(۲) فرهنگ سازی معرفی و معنوی برای مجموعه افراد.....	۳۱۷
بعضی از دیدگاهها:.....	۳۱۷
منابع:.....	۳۱۹
سایتها:.....	۳۱۹
ضمائم.....	۳۲۰
ضمیمه (۱): نامه به رهبری:.....	۳۲۰
ضمیمه (۲): استفتاء از مراجع.....	۳۲۴
ضمیمه (۳): طرحنامه پیشنهادی به وزارت.....	۳۲۷
حضرت آیت‌الله قاضی (ره) از دیدگاه آقای دکتر علی احمد ناصح.....	۳۳۱
زندگی و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی آیت الله قاضی (ره) از زبان داماد ایشان جناب آقای حاج سید محمدرضا طاهری.....	۳۳۵
نمایندگی حضرت امام در لرستان و سرپرستی حوزه علمیّه کمالیه خرم آباد.....	۳۴۰
ایجاد شهرک مدرن و زیبای قاضی آباد.....	۳۴۱
تشکیل جلسات مذهبی و دعوت از شخصیت های علمی و انقلابی.....	۳۴۲
احداث و تاسیس موسسه مذهبی فاطمیه.....	۳۴۴
تاسیس دبیرستان علوی.....	۳۴۵
بی اعتنایی به رژیم پهلوی و تحقیر مهره های شاهنشاهی.....	۳۴۷
دعوت از آیت الله مدنی برای سرپرستی حوزه علمیه و تحركات انقلابی.....	۳۴۸

زندانیان و تبعیدیان سیاسی و نقش آقای قاضی در تامین مخارج زندگی و دلگرمی آنها	۳۵۰
رابطه نزدیک با حضرت امام در طول تبعید در نجف اشرف	۳۵۱
حرکتی انقلابی در سال ۵۷ و دستگیری ایشان	۳۵۲
پیروزی انقلاب و نقش آقای قاضی در امنیت و آرامش شهر	۳۵۴
تحصن ایشان و دیگر علمای شهر در دانشگاه تهران جهت رفع مشکلات انقلاب	۳۵۵
جوسازی و ترور شخصیت ایشان در راستای توطئه حذف شخصیت های موثر انقلاب	۳۵۶
تأسیس مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب حوزه علمیه قم	۳۵۷
هیأت عفو حضرت امام	۳۵۸
معاونت شورای عالی قضایی	۳۵۹
سعه صدر و توانمندی در کار	۳۶۰
احترام شدید نسبت به روحانیت	۳۶۲
بنده هیچ ارزش و جایگاهی ندارم و کار مثبتي انجام نداده ام و تنها امید و افتخار و امتیاز من این است که ملبس به این لباس مقدس هستم	۳۶۳
تقوای مالی	۳۶۴
ساده زیستی	۳۶۵
سخاوت و روحیه مهمان پذیری و انفاق	۳۶۶
زیستن افتخارآمیز و با شرافت و مردنی با عزت	۳۶۹
آقای قاضی در کلام و پیام رهبر انقلاب	۳۷۰
فصل سوم: لطف	۳۷۵
فصل چهارم: جفا	۴۰۱
فصل پنجم: پیام های تسلیت	۴۶۵
پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):	۴۶۷
پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی:	۴۶۸
پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی:	۴۶۹
پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی سبحانی:	۴۷۰
پیام تسلیت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی:	۴۷۱
پیام تسلیت وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:	۴۷۲
پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:	۴۷۴
پیام تسلیت حوزه علمیه قم و جامعه مدرسین:	۴۷۵

پیام تسلیت مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران سراسر کشور	۴۷۶
پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم آباد:	۴۷۷
پیام تسلیت استاندار استان قم:	۴۷۸
پیام تسلیت استاندار لرستان:	۴۷۹
پیام تسلیت قائم مقام دانشگاه قم:	۴۸۰
فصل ششم: تصاویر	۴۸۱
الف) تصاویری از باقیات الصالحات	۴۸۳
ب) تصاویر برخی از اساتید حضرت آیت الله قاضی (ره)	۵۰۱
ج) تصاویری از معظم له از جوانی تا فوت	۵۰۹

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا محمد (ص) و آله اجمعين

انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ ایران، اسلام و جهان بوده است. حضرت امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی با بر نتافتن از رژیم ستم شاهی و طغیان علیه طاغوت و حامیانش همت مضاعفش را با کاری بس مضاعف قرین نمود و در این راه شاگردان و پیروانش با اقتدای به آن رهبر عالیقدر راهی دشوار ولی همراه با نصرت الهی پیمودند. بر همین اساس و با استفاده از آموزه های آن امام راحل است که امسال از سوی حضرت آیت الله خامنه ای مقام معظم رهبری به نام همت مضاعف و کار مضاعف نام نهاده شده است.

نیروی انسانی کار آمد که سرلوحه اش اراده موکد و کار متراکم است، در ایجاد کار با بهره وری بالا نقش اساسی دارد؛ زیرا هر کار عظیمی بدون انگیزه بزرگ و مضاعف حاصل نمی شود. از این رو باورها و اعتقادات دینی در فرهنگ اسلامی نقش مستقیمی در بلندی همت و کار همراه با بهره وری دارد. ارائه الگوی عملی از همت مضاعف و کار

مضاعف می تواند دسترسی به اهداف بلند را برای نسل جوان امری امکان پذیر جلوه دهد و نشان دهد که یک انسان معتقد با عزم جدی و کار متراکم همراه با بهره وری زیاد، افق های والایی را مسخر خویش می سازد. این الگوی عملی مرد نادر روزگار حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره) : «بنیان گذار و رئیس فقید دانشگاه قم» است. انسان فرهیخته ای که شخصیت کم نظیرش با آرمان های بزرگش پیوند خورده است. او با همت بلندش اهدافی را پیموده که تصور رسیدن به آنها برای انسان های کوشا هم دشوار به نظر می رسد. ایمان، توکل به ذات ربوبی و حب اهل البیت «علیهم السلام» آن چنان عزمی به او اعطاء کرده بود که بر کارش آن قدر مداومت می ورزید تا آن را به پایان برساند مداومت و خستگی ناپذیری در انجام امور همراه با کمترین امکانات هر نظاره گری را در کارش به حیرت وادار می نمود.

از آنجا که تجلیل از خدمات برجسته این شخصیت کم نظیر مورد اهتمام جامعه علمی و دانشگاهی خصوصاً اعضای محترم هیات علمی دانشگاه قم و کارمندان و دانشجویان این مرکز است و چنین موضوعی علی رغم درخواست مکرر در طول دوران حیات آن عالم فرزانه مورد پذیرش ایشان واقع نشد، شورای فرهنگی دانشگاه در تاریخ ۸۹/۳/۱۹ محورهای را جهت هر چه باشکوه تر برگزار شدن بزرگداشت یکمین سالگرد ارتحال آن روحانی دانا و توانا تعیین نمود و در تاریخ ۸۹/۶/۸ ستاد بزرگداشت یکمین سالگرد ارتحال حضرت آیت قاضی خرم آبادی بنیان گذار و رئیس فقید دانشگاه قم به طور رسمی به این ترتیب تعیین شد.

آیت الله دکتر احمد بهشتی سرپرست محترم دانشگاه به عنوان رئیس ستاد و دوازده نفر از اعضای محترم هیات علمی به عضویت آن درآمدند.

دیر ستاد و دبیرخانه، کمیته های علمی، تبلیغات و اطلاعات، نمایشگاه فیلم و عکس، تدارکات و پشتیبانی و کمیته مصاحبه ها از دیگر ارکان این ستاد قرار گرفتند. هر یک از کمیته های یاد شده از رئیس و اعضای تشکیل یافتند.

ستاد و زیر مجموعه های یاد شده وظایف مربوطه را با جدیت دنبال نمودند که حاصل آن کتاب پیش روی شما در محورهای زیر است.

مصاحبه با برخی از مراجع بزرگوار تقلید و تعدادی از آیات عظام و جمع دیگری که ارتباطی نزدیک و صمیمی با رئیس فقید دانشگاه داشتند، و این توسط کمیته مصاحبه ها به عمل آمد.

مقالات علمی که حاصل تلاش اساتید محترم دانشگاه قم است که توسط کمیته علمی و رئیس محترم آن فراهم گردید.

قریب به پانزده نامه از حضرت امام راحل به بنیان گذار دانشگاه قم از سال ۱۳۴۳ شمسی تا ۱۳۵۷ که توسط دبیرخانه جمع آوری شد.

جمع آوری قریب به صد برگ از اسناد سازمان امنیت و اطلاعات رژیم ستم شاهی (ساواک) علیه ایشان که جهت طولانی نشدن بخشی از آن ها چاپ و منتشر گردید.

جمع آوری برخی از تصاویر ایشان و فیلم و تصاویری از خدمات علمی، مذهبی، فرهنگی، مبارزاتی، سیاسی و عمرانی که در طول حیاتشان انجام داده اند. این کار توسط کمیته تبلیغات و اطلاعات و با همکاری کمیته مصاحبه ها صورت گرفته است. البته دبیرخانه و کمیته های یاد شده کارهای دیگری هم انجام دادند که هر یک در نوع خودش نیکو و پسندیده است.

این کارها بدین شرح است:

پنج شماره نشریه تحت عنوان «تجلی اخلاص و ایثار» و فیلم مستندی از زندگی وی که توسط کمیته تبلیغات و اطلاعات تهیه گردید.

عملکردی از رئیس فقید دانشگاه در قالب آمار و نمودار که توسط واحد برنامه، بودجه و تشکیلات دانشگاه و با همکاری دبیرخانه آماده شد.

نمایشگاه فیلم و عکس که با تلاش و جدیت واحد خواهران دانشگاه و پی گیری مسئول آن واحد و کمیته نمایشگاه فیلم و عکس دایر گردید.

افتتاح کتابخانه کم نظیر دانشگاه توسط حضرت آیت الله العظمی سبحانی در روز برگزاری مراسم به نام بنیان گذار و رئیس فقید دانشگاه قم صورت پذیرفت. در این مرحله و مراحل قبلی همکاری لازم از جانب مسئول کمیته تدارکات و پشتیبانی و اعضای محترم آن و مساعدت لازم از مهندسی مربوطه به عمل آمد.

در این خصوص از رئیس محترم ستاد و اعضای آن که با حسن تدبیر این نقطه عطف را به وجود آوردند و دبیرخانه و رؤسای کمیته های یاد شده و اعضای پرتلاش آنها و همه عزیزانی که از روی معرفت در این امر خطیر به یاری ما شتافتند سپاسگزارم.

قطعاً در تمام این مراحل همکاری های خانواده محترم رئیس فقید دانشگاه قم امری مشهود و در پیشبرد امور تأثیر بسزایی داشت که این خود جای تشکر دارد.

در هر حال آن چه پیش رو دارید با تلاش فراوانی از سوی جمع زیادی فراهم آمده که بدین وسیله زحمات همه آن سروران قابل تقدیر و احترام است.

لازم به یادآوری است، مسئولیت محتوا و مطالب کتاب حاضر متوجه صاحبان و نویسندگان آن است.

بدیهی است با تمام کوشش هایی که ویراستاران و دست اندرکاران نشر به عمل آمده ممکن است در مواردی با کاستی هایی همراه باشد که پیشاپیش عفو خواهید فرمود.

امید است این مجموعه مورداستفاده همه دانشگاهیان و حوزویان قرار گیرد و روح بلند آن عزیز راضی و خشنود گردد.

دکتر سید احمد رضا شاهرخی

عضو هیأت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی و

دبیر ستاد بزرگداشت یکمین سالگرد ارتحال

حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی (ره)

پدرش مرحوم حاج آقا رضا از تجار و متدینین و معتمدین و خیرین به نام بودند که خاطره انفاق و نیکو کاری های ایشان به خصوص در ایام قحطی در اذهان معمرین خرم آباد محفوظ است.

بعد از طی دوره تحصیلات ابتدائی و متوسطه در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی در عمل به آیه کریمه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین جهت تحصیل علوم دینی در اوان نوجوانی به قم هجرت نموده و وارد حوزه علمیه قم شده در مدرسه فیضیه سکنی گزیدند.

دروس مقدمات و سطح را نزد اساتیدی همچون آیات مرحوم: صاحب الداری، اشتهاوردی، اشراقی، سلطانی طباطبائی، علامه کرباسچی، صدوقی یزدی، مشکینی و محقق داماد فرا گرفت و در درس خارج آیات عظام بروجردی، امام خمینی و کمالوند شرکت نمود و به مصداق آیه شریفه «ولینذروا قومهم اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» در معیت حضرت آیت الله العظمی کمالوند به وطن مراجعت نموده و به تحصیل و تدریس پرداخت و پس از فوت ایشان به درخواست روحانیون و طلاب سالیان سال با کسب اجازه از رهبر کبیر انقلاب و وکالت تام الاختیار از اکثر مراجع تقلید وقت مسئولیت حوزه علمیه کمالیه را عهده دار بود.

جهت تبلیغ دین اسلام و روشنگری سیاسی از شخصیت‌هایی همچون آیات عظام مکارم شیرازی، سبحانی، شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید هاشمی نژاد، مرحوم فلسفی بارها جهت سفر به خرم آباد دعوت نموده و به دعوت او شهید مدنی در این شهر اقامت گزید و تاثیر فراوانی در منطقه به خصوص در جوانان به جا گذاشت که باعث شد مرحوم شهید مدنی توسط رژیم به نور آباد ممسنی تبعید گردد.

در اوان جوانی روزنامه صدای لرستان را منتشر نمود و در آن مقالات انقلابی تندی نوشت که باعث تعطیلی آن گردید. (۱۳۳۰ ه. ش)

در تاسیس موسسه خیریه فاطمیه همگام با سایر خیرین نقش بسزائی داشت. (۱۳۵۱ ه. ش)

مروری اجمالی بر زندگی حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم آبادی (ره)

معظم له در ۲۰ بهمن ماه سال ۱۳۰۶ هجری شمسی در شهرستان خرم آباد و در خانواده‌ی مذهبی پا به عرصه گیتی نهادند این روز مصادف با نیمه شعبان المعظم زاد روز موفور السرور حضرت ولی عصر امام زمان ارواحنا فداه بوده که بدین مناسبت به نام مهدی مسمی گردیدند.

نیاکان و اقوام پدری ایشان از اهل علم و فضیلت و پرهیزگاری بوده که به مرحوم آشیخ اسد الله قاضی (متوفی ۱۳۲۲ هجری قمری) که از مجتهدین و تحصیل کردگان حوزه علمیه نجف بودند میتوان بعنوان نمونه بارز این مدعی اشاره نمود.

جد اعلای ایشان مرحوم آمیرزا محسن از علماء و قاضی القضاات منطقه لرستان بودند و وجه تسمیه نام خانوادگی ایشان بدین لحاظ است.

دراستان لرستان اقدام به تاسیس امور عام المنفعه بسیاری نمود که از آن جمله تاسیس کارخانه روشنائی بود که قبل از راه اندازی شبکه برق سراسری نیروی برق شهرستان خرم آباد را تولید و توزیع می نمود. (۱۳۳۵ ه. ش)

احداث شهرک قاضی آباد طبق اصول نوین شهرسازی و واگذاری اقساطی آن به اقشار کم درآمد و حقوق بگیران دیگر باقیات الصالحات ایشان است.

همچنین تاسیس دبیرستان علوی که در آن آموزه های دینی تعلیم می شد در دوران خفقان پهلوی خود امری بس دشوار و مهم بود که پس از مدتی به علت تن ندادن به خواسته های رژیم توسط ساواک تعطیل گردید. (۱۳۵۲-۱۳۴۹ ه. ش)

همزمان با شروع نهضت از پیشگامان این حرکت بود و ارتباط نزدیکی با بنیان گذار جمهوری اسلامی داشت و چندین مرتبه در ایام تبعید در نجف اشرف و پاریس به محضر ایشان رسید.

در زمان اوج گیری مبارزات بر علیه رژیم ستمشاهی حلقه اتصال مراجع علی الخصوص خمینی کبیر با استان و مبارزین بود که حمایت های همه جانبه بویژه حمایت های مالی ایشان در خاطر روحانیون و مبارزین محفوظ است بدین لحاظ سالها تحت نظر بود تا سر انجام دستگیر و به کمیته مشترک ضد خرابکاری تهران منتقل شد

با نزدیک شدن پیروزی انقلاب همراه با سایر سیاسیون از زندان آزاد شد و در امر استقبال از رهبر کبیر انقلاب و استقرار ایشان و هدایت حرکت های مردمی خصوصا در استان لرستان نقش بسزائی داشت.

در بدو پیروزی انقلاب بعنوان نماینده ایشان در استان لرستان ابقا شد و در خرم آباد در کنار سایر روحانیون مسئولیت مدیریت امور جاری استان و کمیته انقلاب اسلامی را بعهدہ داشت و در اعزام نیرو و هدایت مردم جهت خاتمه دادن به غائله خوزستان نقش مهمی ایفا کرد.

در سال ۱۳۵۸ پس از اصرار فراوان به امام خمینی و موافقت ایشان به قم عزیمت نمود و در کنار شهیدان بهشتی و با هنر و با حمایت های جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مدرسه عالی تربیتی و قضائی طلاب قم را جهت تربیت قضات و دبیران علوم دینی از میان طلاب پایه گذاری کرد و ریاست آنرا از ابتدا بر عهده داشت.

در این ایام با حضور چند روز در هفته در تهران معاونت شورای عالی قضائی را اداره می نمود و توسط رهبر کبیر انقلاب به عنوان دبیر و عضو هیئت عفو منصوب شد.

چند سال معاون شورای مدیریت حوزه علمیه قم بود و خدمات ارزنده ای را به حوزه های علمیه و ساماندهی و انسجام آنها از خود به یادگار گذاشت.

در سال ۱۳۷۶ با تصویب شورای عالی گسترش آموزش کشور موفق به تبدیل وضعیت از مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب قم به دانشگاه جامع قم گردید که اکنون در زمینی به مساحت بیش از ۱۴۰ هکتار و با زیربنای یکصد و هشتاد هزار متر مربع قرار دارد و دارای ۵ دانشکده ۲۵ گروه آموزشی و بیش از ۵۴ رشته تحصیلی در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و مشغول به فعالیت است.

همزمان توسط مقام معظم رهبری به ریاست هیئت مدیره مرکز خدمات حوزه های علمیه منصوب شدند که خدمات شایانی را به طلاب و خانواده های آنان به انجام رساندند. در سالیان اواخر عمر پربرکتش در مرکز شهرک قاضی آباد و مرغوبترین نقطه خرم آباد زمین وسیعی برای موسسه مذهبی و خیریه اختصاص داد که در از محل ثلث اموال برادر مرحومش حضرت حجت الاسلام حاج شیخ علی اصغر قاضی در ۳ طبقه با امکانات امروزی شروع به ساخت گردیده و از نام گذاری آن به اسم خود امتناع نمود و جهت معطوف نمودن توجه به اهمیت حادثه تاریخی غدیر و عرض ارادت به محضر امیر المومنین آن را به نام الغدیر تسمیه نمود.

در هشتمین دهه پر برکت عمرشان مبتلا به بیماری مزمن کلیوی گردیده که این بیماری با توجه به نیاز به درمان های مرتب و ۳ بار در هفته دیالیز خللی در عزم استوارش

پدید نیاورد و شکورانه و صبورانه تا آخرین روزهای عمرش از تلاش شبانه روزی بی ادعا و بی منت و مزد و بی هیاهو دست برداشت و خاموش نشست

سر انجام در سحر گاهان ۱۳۸۸/۰۹/۰۲ در اثر ایست قلبی بعد از جراحی عروق در بیمارستان ایرانمهر تهران دار فانی را وداع گفت و بر سر دست علاقمندان و در میان تاجر و اشک فرزندان معنوی خویش و آنان که عمری بی تکلف در کنارشان بود و به آنان عشق میورزید و هیچ گاه نخواست که بر آنان ریاست کند و همیشه حلال مشکلاتشان بود و سنگ صبور دردهایشان تشیع و در کنار مضجع شریف حضرت معصومه سلام الله علیها و در جوار مومنان و صالحان این پیکر پر تلاش و خستگی نا پذیر در دل خاک آرام گرفت.

عاش سعیداً و مات سعیداً - روحش شاد و یادش گرامی

احمد قاضی

مصاحبه ها

مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی «دامت برکاته»

بنده با مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای قاضی (ره) پیش از انقلاب آشنا شدم. سفری برای تبلیغ به خرم‌آباد رفته بودم. وی در آن زمان جوانی فعال و روحانی مبرز بود و از همان هنگام او را دارای مدیریتی قوی می‌دانستند.

وی شهرکی ساخته و کارخانه برق خصوصی به آن شهر آورده است. درباره مدیریت وی خیلی سخن می‌گفتند. با گذشت زمان آشنایی ما با ایشان بیشتر شد. از نزدیک که با وی بیشتر آشنا شدم، صفات برجسته‌ای را در او دیدم که به اختصار به آنها اشاره می‌کنم. علاوه بر مقام فضیلت علمی، مسئله مهم دیگر، مدیریت قوی ایشان بود. در هر کاری وارد می‌شد، می‌توانست آن کار را اداره کند و توسعه بدهد و بهترین دلیلش اداره کردن دانشگاه قم و توسعه و آباد کردن آن است.

در باره مدیریت قوی ایشان بحثی نبود. امتیاز دیگر جنبه اخلاقی و سلامت نفس و اعتدال روح ایشان بود. انسانی کاملاً معتدل بود. نه افراطی بود و نه تفریطی. برخورد ایشان با افراد، بسیار مودبانه و شخصی دوست داشتنی بود. یکی دیگر از امتیازات ایشان این بود که اهل تظاهر و تبلیغات نبود. آن همه کار می‌کرد، هیچ گونه تبلیغات و تظاهری نداشت. نه تنها نداشت، اگر کسی دیگر نیز می‌خواست اقدامی در این باره کند، نسبت به او تمایلی نشان نمی‌داد. در مجموع بنده در تمام مدت دوستی با ایشان، که سالیان درازی به طول انجامید خلافتی از ایشان ندیدم.

کارهای او خوب بود و روی حساب و به کار خود مشغول بود و یکی دیگر از امتیازات ایشان این بود که به دنبال انجام کارهای بزرگ بود و به انجام کارهای کوچک قانع نبود.

آخرین جمله‌ای که در باره ایشان عرض می‌کنم نظم دقیقی که بر زندگی ایشان حاکم بود خیلی منظم و مرتب بود و یکی از عوامل مهم پیشرفت ایشان همان نظم و پشتکار و نیز نیت خالص وی بود. در مجموع، این صفات را یکجا در خیلی از افراد نمی‌توان یافت و افرادی که دارای این صفات باشند واقعا نمونه هستند. خداوند ایشان را غریق رحمت بگرداند و با اولیایش محشور بفرماید.

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی در ادامه می‌فرمایند: یک آشنایی دیگر ما وقتی بود که ایشان رئیس دبیرخانه شورای عالی حوزه علمیه قم بودند، من هم رئیس شورا بودم. در مدتی که بنده ریاست شورای عالی حوزه علمیه را داشتم؛ نظم ایشان در دبیرخانه و فکر سنجیده او را در جلسات کاملاً می‌دیدم، چون در جلسات حضور داشتند. و می‌دیدم بسیار خوب کارهای خود را اداره می‌کند و بیشتر با علو فکر و همت‌شان آشنا شدم.

ایشان می‌افزایند: آیت الله قاضی (ره) مسئولیت ریاست دانشگاه قم را نیز داشتند. گاهی شخصاً به دانشگاه قم می‌رفتم و از نزدیک کارهای ایشان را می‌دیدم و متوجه می‌شدم که واقعاً دانشگاه را به خوبی اداره می‌کنند.

مفسر بزرگ قرآن کریم در خصوص همت والای حضرت آیت الله مهدی قاضی می‌فرمایند: ایشان برای توسعه دانشگاه قم، زمین بسیار وسیعی گرفته بودند و ساختمان‌های بسیار خوب و فضای سبز بسیار گسترده‌ای را احداث نمودند و حتی تا اواخر عمرشان هم که بیماری ایشان شدت یافته بود؛ و مرتباً برای مشکل کلیه باید جهت دیالیز می‌رفتند، وقتی تحقیق و سؤال می‌کردم؛ می‌گفتند: ایشان در دانشگاه حاضر می‌شوند و کارها را انجام می‌دهند. من باور نمی‌کردم که به دانشگاه بروند؛ ولی گفتند: به دانشگاه نیز می‌روند و کارها را انجام می‌دهند.

آیت‌الله مکارم شیرازی (دامت‌برکاته) در بیان چند صفت ویژه بنیانگذار و رئیس دانشگاه قم می‌فرماید: صفاتی که در ایشان خیلی بارز بود، یکی پرکاری‌شان بود که از کار خسته نمی‌شدند. خودشان یک بار به من گفتند: در مغز من رگی هست که نمی‌گذارد من خاموش باشم و بنشینم و دائماً این رگ مرا تحریک می‌کند. سوم، خیلی مخلص بودند، اهل تظاهر و ریاکاری نبودند و حتی من شنیدم که ایشان مطلقاً حقوق برداشت نمی‌کردند و اگر از تلفن دانشگاه استفاده شخصی می‌کردند، حتماً پولش را حساب می‌کردند. ایشان شخصیتی بودند که سی سال کار مخلصانه، بدون دریافت حقوق، با رعایت تمام موازین اسلامی انجام دادند. علیرغم اصرار برخی برای اختلاط کلاس‌های دختران و پسران، تا آخر مخالفت و بر عقیده خود پافشاری نمودند.

در پایان آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی می‌افزایند: این دانشگاه از بنیاد توسط جامعه مدرسین تشکیل شده بود، و جامعه مدرسین هم سی سال به ایشان اعتماد نموده و این مسئولیت خطیر را در اختیار ایشان قرار دادند. این‌ها صفات پاکی بود که من در ایشان به خاطر داشتم. امیدوارم که خداوند روح پاکشان را غریق رحمت گرداند و به بازماندگان ایشان صبر و اجر مضاعف عنایت فرماید و انشاءالله آثاری که از این مرد وارسته باقی مانده هم چنان بدرخشد.

والسلام علیکم ورحمت‌الله و برکاته

مصاحبه با حضرت آیت‌الله العظمی سبجانی «دامت برکاته»

در محضر حضرت آیت‌الله العظمی سبجانی (دامت برکاته) هستیم به مناسبت یکمین سالگرد نکوداشت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی. ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی و شخصیتی و منحصر به فرد آقای قاضی (ره) و خاطرات شخصی و علمی و معنوی در موردی به عنوان رئیس دانشگاه قم و علت انتخاب او را به عنوان معاون حضرت آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی و نقش و تاثیر دانشگاه را بیان فرمایید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين. والصلاة والسلام على خير خلقه و آله الطاهرين . اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. «قل انما اعظكم بواحدة أن تقوموا لله مثنى و ثلاث و فرادی ثم تفكروا...»^۱ بنده با کمال تأثر و تأسف، سالگرد درگذشت عالم ربانی، خدمتگزار صادق، انسان کم‌هوی، مرد علاقه‌مند به اهل بیت، مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی را بار دیگر تسلیت می‌گویم و از خداوند متعال خواهانم درجات وی عالیت، متعالی بفرماید.

در دو موضوع یکی از نظر ویژگی اخلاقی و دیگری سخت‌کوشی او در کار سخن می‌گویم. از نظر ویژگی اخلاقی مصداق آیه ای بود که قرائت کردم. انما اعظکم بواحدة؛ قرآن کریم می‌فرماید: من شما را به یک مطلب توصیه می‌کنم و آن اینست که کارهای جمعی و فردی شما برای خدا باشد. در حقیقت همین برنامه اخلاقی به نام اخلاص، همه چیز نهفته است. روح تمام عبادات ما اخلاص است. نماز ما دارای حرکات و سکونات است و زمانی ما را به خدا نزدیک می‌کند که بر بال اخلاص سوار شود و در حقیقت ما را به آن مقام ربوبی برساند. شخصیت در گذشته ما، مرحوم آیت‌الله قاضی واقعاً انسانی

مخلص بود. من نمی توانم بگویم بی هوی بود، چون تنها معصوم بی هوی است. اما کم هوی بود. واقعا برای خدا کار می کرد. چه دورانی که در خرم آباد بود و چه در دورانی که بعد از انقلاب در قم مشغول خدمت شد. دورانی که در خرم آباد بود، مدرسه‌ی آنجا را اداره کرد و کارهای عام المنفعه انجام می داد. علاوه بر اداره حوزه علمیه خرم آباد، آوردن مدرّس، دعوت خطیب و گوینده از جمله کارهای ایشان بود. خلاصه روحانیت و معنویت شهر را در نظر داشت. دبیرستانی عالی در حقیقت نمونه دوم دبیرستان عالی علوی تهران را در خرم آباد ایجاد کرد که بتواند جوانان متدین را وارد اجتماع کند که هم عالم باشند و هم مجهز به تقوی باشند. چون مسئله دیگر مسئله فاطمیه است. در آن زمان که من در خرم آباد بودم مسئله حجاب خیلی ناگوار بود، اما چون زنان از پایگاهی برخوردار نبودند که آنها را تبلیغ کنیم من پیشنهاد کردم جلساتی در جمعه ها و پنج شنبه ها برای زنان برقرار شود و این جلسات تشکیل شد و رفته رفته به آنجا رسید که در آنجا مجتمعی به نام فاطمیه تشکیل شد تا پناهگاه زنان و دختران آنجا باشد. بحمدالله پذیرفتند و آنجا را ساختند و در اندک زمانی بنای فاطمیه ساخته شد و برای بسیاری از زنان و دختران پناهگاهی گشت و وضع حجاب در آنجا تغییر کرد. هنگامی که به قم منتقل شدند، آن هم بخاطر اسباب خاصی که وجودش در قم لازم بود، چون از لیاقت و به اصطلاح، شخصیت برخوردار بود تجربه نشان داده بود وی تنها در خرم آباد با مدیریت خود یک کارخانه عظیم برق ایجاد کرد. در آن زمان مسأله برق آنجا بسیار ناگوار و توجه دولت کم بود. او شخصاً توانست با مدیریت چنین کارخانه ای را در خرم آباد بوجود آورد. او مرد علم و تدبیر و خدمت بود. آن گونه نبود که در خانه بنشیند یا در مدرسه درس بگوید؛ بلکه به کارهای دیگر نیز می رسید تا بتواند بگوید علما در قلب اجتماعند و دور از اجتماع نیستند. اگر کاری از دستش بر می آمد انجام می داد. چرا مدیریت دانشگاه را به وی سپردند؟ چون لیاقت و ساختار وجودی و فکری او محرز بود. در این سی سال شب و روز در دانشگاه

حضور داشت. جمعه ها که ما می خواستیم با ایشان انس بگیریم در دانشگاه بود. شب و روز در دانشگاه توانست دسته گل تحویل ما بدهد. افزون بر این، در اخلاق و در مدیریت آنجا رعایت اخلاق می کرد. خواهران در یک مرکزی هستند و برادران در مرکزی دیگر هستند. هیچ گونه اختلاطی باهم ندارند. ما به اولیاء امور مکرر می گوییم اگر می خواهید جوانان اصلاح شوند دانشگاه را اصلاح کنید. این اختلاط سبب می شود که خرمن ایمان دختر و پسر به آتش کشیده شود. ساختمان کتابخانه عظیمی ساخته که شاید در قم کم نظیر باشد. در مورد آجرهای آنجا و در نما و در همه چیز دقت می کرد. من از مدیریت محترم دانشگاه حضرت حجت الاسلام والمسلمین دکتر بهشتی که از دوستان ما هستند و از ارادتمندان ایشان هستند، خواهش می کنم هرچه زودتر این کتابخانه را به نام حضرت آیت الله قاضی ثبت کند تا نام این مرد در آن دانشگاه محفوظ بماند. البته اعمال این مرد در رستاخیز و، در عالم برزخ هست. «مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَ سَنَجْزِيَنَّهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱ خدا اجرش را خواهد داد. امیر مومنان به مالک اشتر می نویسد نیکوکار و بدکار نباید در نزد شما یکسان باشد «و لا یكونن المحسن والمُسيئ، عندک لمنزلة سواء» بنابراین از مدیریت خواهش می کنم هرچه زودتر این کار صورت بگیرد و ما بتوانیم لافل به دیگران افتخار کنیم که یک شخصیت روحانی بدون اینکه یک دینار از دانشگاه استفاده کند، این دانشگاه را ساخت و آباد کرد و به ما تحویل داد تا بدانند علما و روحانیان همیشه در خدمت علم و در خدمت دین اند. علم و دین از یکدیگر جدا نیستند. عرایض را خاتمه می دهم و عرض می کنم فقدان ایشان، فقدان یک فرد نبود، بلکه فقدان جمعی بود. از شمار دو چشم یک تن کم وز شمار

خرد هزاران بیش. بار دیگر به بستگان و فرزندان‌شان و کسانی که در این دانشگاه درس خوانده‌اند و به دوستان ایشان تسلیت عرض می‌کنم و امیدوارم خداوند منان درجات او عالیت، متعالی بفرماید.

● **حضرت عالی یکی از کسانی هستید که در حوزه اندیشه اسلامی بسیار تأثیر گذارید. این دانشگاه در روند رشد علم در استان چه اندازه موثر بوده و چقدر مورد نیاز بوده و به رشد علم در قم چه مقدار کمک کرده است؟**

آنچه که من می‌توانم بیان کنم به رشد اخلاقی و علمی دانشجویان کمک کرده است. درخصوص رشد اخلاقی، وی بسیار مراقب اساتید و نیز دانشجویان بود. که اگر خدایی نکرده استاد جمله غیر صحیحی را اشتبهاً یا تصوراً بگوید فوراً تذکر دهد که از نظر فکری، دانشجویان در سطح عالی باشند و فکرشان عوض نشود. از نظر علمی نیز ایشان کوشش می‌کرد بهترین اساتید را برای تدریس، از تهران دعوت کند. البته اساتیدی در قم وجود داشتند و اساتیدی از تهران دعوت می‌کرد و مراقب بود که استاد در درجه خوب و عالی باشد. بدیهی است یک مدیر، باید هم از نظر اخلاقی و هم از نظر علمی، مدیریت نماید.

علم در حقیقت، موتور و اخلاق یک نوع ترمز است. باید هر دو را موازنه کنیم تا ان شاء الله به نتیجه برسد. والسلام علیکم ورحمت الله و برکاته

● **از این که ما را به حضور پذیرفتید سپاسگزاریم.**

مصاحبه با حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی «دامت برکاته»

یکی از نکات جالب توجه درباره آقای قاضی (ره) این است تا آنجایی که من وی را می‌شناختم شخصیتی اخلاقی و کم نظیر بود. در خوراکش مواظب بود به مقدار زیاد و حتی به مقدار کافی غذا نخورد. با من دو سه بار مسافرت کرده‌اند و در مسافرت هایش غذای اندکی میل می‌کرد و کاهو می‌گرفت و ناهار و شام کاهو می‌خورد. اگر در سفره غذاهای رنگارنگ بود دست نمی‌زد و حتی طمع نمی‌کرد بگوید یک لقمه‌ای بخورم بینم چه طعمی دارد. او به من می‌گفت مدتی معمولی غذا می‌خوردم؛ ولی غیر معمولی چاق می‌شدم، روزی از حسن آباد تهران رد می‌شدم یک فردی به من نگاهی کرد و گفت: ماشاء الله چقدر ایشان چاق‌اند! من فهمیدم که بیش از اندازه چاق شدم. از آن زمان تصمیم گرفتم غذای کمتری بخورم. چای نیز اندک و یا اصلاً نمی‌خورد. مکرر اینجا می‌آمد و چای که می‌آوردند من به جای ایشان می‌گفتم وی چای نمی‌خواهد. آن نحوه غذاایش و آن هم چای او بود.

وی مقسم امام بود، وقتی که در ایران بوده. وجوهات می‌داده و تعداد زیادی قبض داشته است. قبوض را از امام گرفته و پول داده بود به ایشان و بعدها او را متهم کردند که آقای قاضی بخاطر پول آمده در دستگاه قضایی کار می‌کند. در آنجا با ما همکاری بود. حتی بنزین اتومبیل خود را (در آنجا جایگاه بنزین بود که همه اتومبیل‌های بزرگ و کوچک رایگان استفاده می‌کردند جز آقای قاضی (ره)) که هزینه بنزین را می‌داد. مشاهده کردم وی در اتاقش یک کنتوری گذاشته بود پرسیدم این چیست؟ پاسخ داد: گاهی که ما اینجا کار می‌کنیم، از برق دادگستری مصرف می‌کنیم من کنتور گذاشتم که هزینه برق را خودم بدهم. او پول نمی‌گرفت و پول برق دادگستری را می‌پرداخت و برای دادگستری هم کار می‌کرد و اگر روزی صفحه کاغذی از دادگستری آمیخته می‌شد به

کاغذهای او که آن هم برای دادگستری مصرف می‌شد، از بیرون کاغذ می‌خرید. برگه‌ها را بیرون از دادگستری برای او چاپ می‌کردند. در سفر ایشان مشاهده می‌کردم حتی یک ریال نیز از پول عمومی هزینه نمی‌کرد. با این که در دادگستری معاون اینجانب بود.

گاهی که من نبودم برق را روشن نمی‌کرد. در سفر نیز همین گونه بود. درباره اشخاص گفتگو نمی‌کرد که کار فلانی بد یا کار فلانی خوب است یا اگر فلانی فلان کار نمی‌کرد خوب بود یا بد. گاهی دیگران که چیزی در این مورد می‌گفتند، آنها را رد می‌کرد و گاهی نیز رد نمی‌کرد، اما به آن‌ها ترتیب اثر هم نمی‌داد.

مدت طولانی در دادگستری با یکدیگر همکاری داشتیم من با ایشان مأنوس شدم و به خانه اش رفت و آمد می‌کردم، زیاد مهمانی می‌داد. در مهمانی‌ها بعضاً خودش غذا می‌پخت ولی به هزینه خود نه از پول دولت. او نه برای معاونتش و نه برای رفت و آمد و نه برای کارش وجهی دریافت نمی‌کرد. هر کاری از دستش بر می‌آمد انجام می‌داد و نمی‌گفت وظیفه یا کار من نیست. اگر می‌توانست آن کار را انجام دهد انجام می‌داد.

آنچه من در مورد آقای قاضی (ره) می‌دانستم مربوطه به دوره کار دادگستری و کار قضاوت بود. وی پس از آن به دانشگاه آمد. من او را یک مسلمان واقعی و انسان کامل می‌دانستم. البته در حد خودش، وی در سخن گفتن و در کارهایش دقت می‌کرد. در مرگ ایشان بسیار متاثر شدم. ما به مقتضای شغلان افراد زیاد و حالات مختلفی دیدیم و کارهایی را که برای ظاهر سازی می‌شود نیز می‌دانیم. افرادی را مشاهده کردیم که در ظاهر کارهایی انجام می‌دهد و در باطن کارهای دیگری انجام می‌دهند که با یکدیگر همخوانی ندارند. من در قاضی چنین عملی را ندیدم و در این اواخر شنیدم که متأسفانه بیمار شده اند. چندین بار خواستم به عیادت ایشان بودم. یکبار گفتم بروم آقای قاضی (ره) را ببینم که گفتند آقای قاضی (ره) مرحوم شد.

● تأثیری که ایشان در دیگران داشتند چه بود؟

از تأثیری که وی در دیگران داشته اطلاعی ندارم. چون آن گونه که باید، قاضی را نمی‌شناختند، وی را حتی دوستان خودش نمی‌شناختند چون تظاهر نداشت و کسی که اهل تظاهر نباشد بیشتر در خودش فرو می‌رود. لذا ندیدم جایی از خودش چیزی بگوید این افراد را آن گونه که من و دیگران می‌بینیم نمی‌دیدند.

● دانشگاه چقدر اثر گذار بوده است؟ وقتی که مدرسه عالی بود و تربیت قضات را برعهده داشت بعد دانشگاه شد چقدر تأثیر گذاشت؟ مدیریت ایشان در معاونت شما چگونه بود؟

خوب بود. اشتباه او خیلی بسیار کم و دقتش بسیار زیاد بود. پول نمی‌گرفت. برای دیگران نیز کار نمی‌کرد و تنها برای خدا کار می‌کرد. اما در دانشگاه چه مقدار دارای تأثیر بود و طلبه‌ها را چه مقدار اعمالشان مطابق عملکرد او بود اطلاع ندارم چون از رابطه ایشان با دیگران آگاهی چندانی نداشتم.

● خود دانشگاه در قم چقدر تأثیر گذار بود؟ میزان همکاری شما با دانشگاه چقدر بود؟

همکاری دانشگاهی با ایشان نداشتم و علتش این بود که ایشان دانشگاه را به شیوه‌ای و ما به روش دیگری اداره می‌کردیم. ما از همان آغاز، دور دولت را قلم گرفته بودیم که از دولت یا افراد وابسته به دولت پول نگیریم.

● اگر خاطراتی از ایشان دارید بفرمایید؟

اخلاق و خلوص آقای قاضی برای من بسیار جالب توجه بود. کارهایش خالص و برای خدا بود نه برای خود و دیگران. که پستی به وی بدهند یا از او تعریف کنند. این چیزها اصلاً در منش او نبود. من در ایشان هیچ انحرافی ندیدم.

● قبل از انقلاب نیز ایشان را می‌شناختید؟

بله می‌شناختم. طلبه قم بود، ولی من خیلی نزدیک نبودم، در آن دوران آنها با همشهری‌های خود و ما نیز با همشهری‌های خودمان سر و کار داشتیم.

● نکته پایانی اگر هست بفرمایید؟

من راجع به اعمال و رفتار ایشان چیزی که برایم جالب بود خلوص ایشان بود و در این دوره فاسد کسی برای پول کار نکند، کسی که برای پست کار نکند خیلی عجیب است. شاید اگر من بدبین نباشم از چند صد نفر یک نفر این گونه پیدا نمی‌شود.

روایتی از خلیفه دوم راجع به حضرت علی (ع) نقل شده که می‌گفته: ما در دوران پیامبر به علی (ع) که از دور نگاه می‌کردیم او را مانند ستاره‌ای در شب تاریک می‌دیدیم. من وقتی دیگران را می‌دیدم و ایشان را نیز می‌دیدم، او را مانند یک ستاره در بین مردم می‌دیدم.

● توصیه و سفارشی که برای دانشجویان و کارکنان دانشگاه دارید بفرمایید؟

من گاهی به آقای قاضی می‌گفتم که آقای قاضی شما آدم مخصوصی هستید. چه کار کردید که این گونه شدید؟ راهش را بگویید؟ می‌گفت راهی ندارد و آخر هم به ما نگفت.

هیچ وقت نمی‌گفت فلانی چه شد؟ فلانی چرا مقام گرفت؟ چرا فلانی کنار زده شد؟ این قبیل موارد را هیچ وقت عنوان نمی‌کرد.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته

مصاحبه با حضرت آیت الله مؤمن قمی «دامت برکاته»

من خود اهل قم هستم و متولد ۱۳۱۶ و در قم به دنیا آمده‌ام. بالاخره خدا خواست که من بیایم طلبه شوم. من وقتی سال دوم طلبگی بودم از همان سالها با آقای طاهری خرم‌آبادی آشنا شدم و بحمدالله.. تا حالا هم این آشنایی ادامه دارد، تا اینکه در سال ۱۳۵۳ تبعید شدم و مدتی فرستاده شدم به شهر کرمان (مدت سه سال) و بقیه را در تویسرکان بودم.

مرحوم آیت الله قاضی برای برگزاری مراسم تشییع آقای تالهی که از شاگردان آقای بروجردی و ملای درجه یک آنجا بود، آمد تویسرکان. چون ایشان ملای درجه یک آنجا بود. تا آن موقع هنوز ارتباط من و آقای قاضی (ره) خیلی نبود، تا اینکه ما دوران تبعیدمان سال ۵۶ تمام شد و از آنجا برگشتیم به قم. چون جناب آقای طاهری با من رفیق بودند، من و یکی از رفقا به دیدن آقای طاهری خرم‌آبادی به خرم‌آباد رفتیم و در آنجا مرحوم آقای قاضی ما را دعوت کردند، در باغی که بیرون از شهر بود. پذیرایی از ما کرد و آنجا ما با آقای قاضی از نزدیک آشنا شدیم. سال ۵۶ حوزه تقریباً تعطیل بود و سال ۵۷ هم انقلاب پیروز شد. من وضع خرم‌آباد را نمی‌دانم چطور بوده. آقای قاضی (ره) در آن زمان به قم آمد و به ما گفتند با اینکه بسیار کمک‌های ارزشمندی به مردم خرم‌آباد داشته، با این حال بعضی از بچه‌های بی ادب نسبت به ایشان ادب لازم را رعایت نکرده بودند و حاج آقا به خاطر اینکه حفظ حیثیت بشود، به قم آمدند. وقتی که آمدند قم دیگر آشنایی نزدیک ما با آقای قاضی شروع شد. اشخاصی که از آقای مرحوم قاضی مطلع بودند به تقوی و دیانت و متانت ایشان اذعان داشتند و همچنین از تبحر ایشان در امور مالی که این کار را هم در خرم‌آباد هم داشتند، از ایشان خیلی تعریف کردند. من تقریباً در سال ۱۳۶۱ یا ۱۳۶۰ به عنوان عضو شورای عالی قضایی انتخاب شدم که از ۵ نفر تشکیل می‌شد. رییس دیوان

عالی کشور بود، دادستان کل کشور بود و سه نفر از علما و بالاخره من هم جزء آن سه نفر انتخاب شدم. آنجا برای اداره امور دادگستری که مورد اعتماد باشد و امور مالی دادگستری را برعهده بگیرد، و با اطلاعی که از مرحوم آیت ا. قاضی داشتم، از جهت دانایی و تقوا و دیانتش و هم اینکه کارهای مالی در خرم‌آباد داشته و با این کارها آشناست، دعوت از آقای قاضی (ره) را به شورای عالی قضایی پیشنهاد کردم و آنها هم قبول کردند. آقای قاضی (ره) هم پذیرفت و تشریف آورد در تهران و مسئولیت امور مالی دادگستری را برعهده گرفت. ما می‌دانستیم که همه کارهایش صحیح و روی حساب است. بعد از چند سالی ایشان آمدند به قم و حوزه علمیه قم که از سال ۱۳۵۷ به صورت شورایی اداره می‌شد چه برای سروسامان دادن به این امور، ایشان را برای حوزه تعیین کردند. البته افراد دیگری هم بودند که ایشان را کمک می‌کردند. ایشان چند تا اتاق در مدرسه فیضیه داشتند و آقای قاضی هم در یکی از آن اتاق‌ها حضور داشتند و کارها را انجام می‌دادند. وقتی حضرت آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری، در سال ۷۰ یا ۷۱ که آن زمان من خودم عضو چند ساله شورای نگهبان بودم، آن موقع آقا تشریف آوردند قم و یک سخنرانی عمومی برای حوزه داشتند و ایشان فرمودند که من عقیده‌ام اینست که مدیریت حوزه شورایی باشد و چند نفر از فضلاء حوزه را به عنوان سرپرستان اصلی حوزه از طرف آقایان مراجع و علما تعیین شوند و مدیر حوزه هم کارگردان باشد. در آن صحبتی که کردند بنا شد که چند نفر به عنوان اعضای شورای حوزه انتخاب شوند. شورای عالی هفت نفره از طرف جامعه مدرسین انتخاب شد و مراجع و مقام معظم رهبری به عنوان اعضای شورای عالی هفت نفره معرفی شدند و مراجع و مقام معظم رهبری هم تایید فرمودند و اتفاقاً من هم یکی از این اعضاء هفت نفره بودم. حالا باید یک مدیری تعیین می‌شد. البته این شورای عالی اساسنامه دارد و اساسنامه اش هم به تصویب رسیده است و به تایید مقام معظم رهبری هم رسیده است. آقایان مرا بعنوان مدیر انتخاب کردند و

مدیریت من از سال ۱۳۷۱ شروع شد. جناب آقای قاضی (ره) هم رییس کل بود. محل کارشان در مدرسه فیضیه بود. ایشان یک راهنمای خوب و موثری برای مدیر حوزه بود. انصاف قضیه این است که آقای آیت الله قاضی (ره) شخصی عالم، فاضل، متدین و بزرگواری بود که هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواست و خوب کار می‌کرد و کمک کار و راهنمای خوبی برای من بود. بعد این ساختمان مدرسه دارالشفاء در اختیار مدیریت داده شد و یک اتاقی هم به ما دادند و آیت الله قاضی هم رییس همه ما بود. قسمت تبلیغات حوزه آنجا بود. بالاخره ما آرام آرام عذر آنها را خواستیم. آقای قاضی (ره) وقتی من آمدم در همه جلسات حضور داشت. آقای قاضی به عنوان معاون اجرایی بودند و همه کارها دست ایشان بود. ما مخلص آقای قاضی بودیم. مرد بسیار بزرگوار و شریفی بود و از جهات مالی، هیچ چیزی برای خودش نمی‌خواست. ایشان همه ساله ایام نوروز حداقل یک یا دو کتابی به کارمندان به عنوان عیدی می‌داد. الحمدا.. خیلی کارها خوب پیش می‌رفت. من تا شهریور ۱۳۷۴ آنجا بودم و بعد استعفا دادم و آمدم بیرون. من که رفتم آقای قاضی هم می‌خواست بیاید بیرون، ولی ایشان را آقایان شورای عالی مدیریت نگه داشتند. در ایامی که آنجا بودند، مراجعه طلاب خیلی زیاد بود و همه زحمات به دوش ایشان بود. پدر مهربانی بود برای همه افرادی که معمولاً سنشان از خود ایشان بیشتر بود. یادم هست ایامی که تازه به قم آمدند، به من فرمودند که می‌خواهم کار فرهنگی بکنم. دلم می‌خواهد یک دانشگاهی باشد که من آنرا بچرخانم. در همان ایام من خاطرم هست که مرحوم آیت الله شهید دکتر بهشتی و مرحوم شهید باهنر باهنر اینها هردو در شورای انقلاب فرهنگی بودند. اینها به قم آمده بودند. یک روزی منزل آیت الله طاهری بودم، این دو بزرگوار نیز بودند. من به آقای بهشتی گفتم ما هم می‌توانیم از این طلبه‌هایی که به درد بخور هستند، در قسمت‌های مختلف، برای تدریس در دانشگاه‌ها و مدارس و فرمانداری‌ها و استانداری‌ها و .. کشور استفاده کنیم. شما می‌توانید این را تصویب کنید. خدا رحمت

کند شهید بهشتی را، خیلی آدم فهمیده‌ای بود، گفت: خیلی خوب. و فوراً پذیرفت و بنا شد در شورای انقلاب این را تصویب کنند و پس از حدود یک هفته یک ماده واحده گذراندند که مدرسه عالی قضایی تربیتی طلاب را تصویب کردند. وقتی تصویب شد، بنا شد که برنامه ریزی کنیم. ما جمعی از علما و فضلا را جمع کردیم و بنای تأسیس مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم را نهادیم. خود آقای قاضی نیز در این جلسه تشریف داشتند. آقایان بزرگوار مرحوم آقای مشکینی بود، آقای ربانی املشی بود و خود آقای قاضی خرم‌آبادی بود همه جلسات در قم بود. ما ابتدا طلاب را فقط می‌پذیرفیم و اینها را آموزش می‌دادیم و می‌فرستادیم برای دادگاهها. و برای بخش تربیتی عده‌ای از آموزش و پرورش‌ها که از نظر تحصیلات نیاز داشتند که تحصیلاتشان را بالا ببرند، اینها هم اسم نوشتند و آمدند. ما برای هر دو گروه قضایی و تربیتی برنامه ریزی داشتیم. دوره اول شش تا هفت ماه طول کشید. افراد قوی تری انتخاب کرده بودیم. اساتیدشان نیز روحانیون فاضلی بودند. دوره بعد سه ساله شد. بالاخره آقای قاضی مسئولیت اداره این مدرسه را بر عهده داشتند. شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب کرد که به اینها لیسانس داده شود. آقای قاضی در همان دوران به فکر افتادند که به اینجا عنوان دانشگاه داده شود. دانشگاه که تصویب شد به دست آقای قاضی بود. هیچ مکانی هم نداشت. در همان محلی که به مدرسه عالی داده شده بود، کلاسهای دانشگاه تشکیل شد. من از اول عضو هیات امنا نبودم، ولی در جلسه حضور داشتم. زمینش را هم آیت الله محقق که از اول عضو هیات امنا بود، از منابع طبیعی گرفتند. زمینش برای ما خرجی نداشت و بنا شد مخارجش را دولت تامین کند. آقای قاضی با پشتکار و همتی که داشت، پیگیری کرد که بودجه‌ای برای دانشگاه تصویب شد و اجرایش با خود آقای قاضی بود. آقای قاضی این بنایی را که به نام دانشگاه قم است با نظارت و پشتکار بنا کرد. ارادت من نسبت به آقای قاضی ادامه پیدا کرد. من مدیر ایشان بودم و ایشان رییس ما بودند. ایشان دو تا شماره تلفن به من داد و

گفت یکی برای صبح‌ها در قسمت آموزشی و دیگری برای بعداز ظهرهاست در قسمتی که ساختمان سازی است. کار را ادامه دادند تا اینکه همه دانشجویان را منتقل کردند به اینجا. آقای هاشمی رفسنجانی را دعوت کرده بودیم به قم که ایشان گفت: شما با این پولهای ناچیزی را که از ما گرفتید توانسته اید چنین بنای وسیعی را درست کنید؟ انصافاً آقای قاضی (ره) خیلی خوب کار می‌کرد و در دانشگاه جهات شرعی و قانونی را تا می‌توانست رعایت می‌کرد و به هیچ کس هم کاری نداشت و واقعاً یک مجری خوبی بود، برای انجام کارهای دانشگاهی هم از لحاظ قانونی و هم از لحاظ شرعی. از اقدامات ایشان این است که قسمت خواهران را از قسمت برادران جدا کرد مخالفت‌هایی هم شد. من یادم هست که از وزارتخانه چند باری ما را خواستند و من رفتم و دفاع کردم از کار آقای قاضی. کسی از آقای قاضی از جهات مادی گله‌ای ندارد.

مصاحبه با حضرت آیت‌الله محقق داماد «دامت برکاته»

• محضر استاد حوزه حضرت آیت‌الله محقق داماد هستیم از خدمت ایشان تقاضا داریم که با توجه به اینکه در آستانه یکمین سالگرد حضرت آیت‌الله قاضی (ره) قرار داریم لطفاً هرگونه خاطره‌ای از آقای قاضی دارید جهت استفاده اساتید و دانشجویان محترم بیان بفرمائید.

ابتدا خیلی از شما آقایانی که درصدد برآمدید به شکلی، خاطره مرحوم آقای قاضی را زنده نگهدارید تشکر می‌نمایم. تجلیل، احترام و تکریم از افراد باید در حد خودش و متناسب با شخصیت آنان باشد، البته مشکل از بنده است که در عین حال که انس نسبتاً طولانی حدود پنجاه ساله با مرحوم قاضی داشتم حافظه زیادی ندارم که بتوانم مطالب متناوب و ارزشمندی را خدمتتان عرض کنم.

بنده طی چندین سفر که قبل از انقلاب در معیت حضرت آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی به استان لرستان داشتم، در یکی از سفرهایم به استان لرستان در حوزه علمیه کمالیه خرم‌آباد ایشان را زیارت نمودیم که در آن جلسه ذکر خیری از اعمال عام المنفعه ایشان نظیر کارخانه برق تمام شهر خرم‌آباد، مؤسسه فاطمیه و دبیرستان علوی مطرح شد، از همان زمان مشخص بود که ایشان نسبت به عمران، آبادی و خدمت به مردم اهتمام خاصی داشتند.

لکن عمده انس ما بعد از انقلاب و اوایل انقلاب بود که مرحوم آقای بهشتی و باهنر احساس کردند که برای حل معضل دستگاه قضایی از میان طلاب فاضل و متدین قضایی تربیت و وارد دستگاه قضایی شوند لذا در همین راستا مدرسه عالی قضایی را به سرپرستی آقای قاضی در شورای انقلاب تصویب شد و آموزش و پرورش نیز طی یک تفاهم‌نامه بنام هر ساله تعدادی دانشجوی در رشته معارف تربیت و به پیکره آموزش و پرورش تزریق شوند.

در این راستا مدرسه عالی قضایی توسعه یافته و دوره آموزشی از ۶ ماه به یک سال و تا اینکه به حالت استاندارد از حیث تعداد رشته‌ها و تبدیل به دانشکده و در نهایت تبدیل به دانشگاه جامع قم گردید از همان ابتدا مدیریت این مؤسسه تا زمان رحلت مرحوم قاضی برعهده ایشان بود.

محل این مدرسه ابتداءً که تأسیس شد یک ساختمانی بود که سالها قبل از انقلاب تولیت به عنوان یک مدرسه ساخته بود بعد از مدتی مرحوم آقای قاضی و هیئت مدیره به این فکر افتادند که یک محل مناسب خریداری و احداث شود و این زمین فعلی از جانب بنده پیشنهاد شد و مرحوم آقای قاضی این پیشنهاد را پذیرفت و با کوششهای شبانه‌روزی دانشگاه به این وضع موجود رسید و این یکی از نمادهای فعالیت‌های حضرت آقای قاضی (ره) بود و عمده مطلب این بود که ما از حضور ایشان کاملاً درک کردیم خلوص و قصد قربت و اخلاص ایشان در کار بود هرکاری را که از ایشان بر می‌آمد دریغ نمی‌کرد. ایشان در تمام این موارد این مناصب جز قصد قربت چیز دیگری نداشتند تا وقتی که من آنجا عضو هیأت مدیره بودم و از نزدیک ناظر بودم. ایشان هیچ گونه حقوقی دریافت نمی‌کرد. مخارج زندگی ایشان از درآمدهای شخصی خودشان تأمین می‌شد. تا آنجا که از همان درآمد شخصی خودش در همین مسائل عمومی که در اختیارشان بود خرج و هزینه می‌کردند، بدون اینکه منافعی عایدش گردد در پرتو این اخلاص شاگردانی که از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند منشأ آثار خیر فراوانی در سطح کشور شده‌اند و در عین حال اکثریت آنها نسبت به آقای قاضی (ره) احساس دین نموده و دعاگوی ایشان هستند.

• لطفاً در خصوص شخصیت آقای قاضی (ره) و سعه صدری که ایشان در مدیریت دانشگاه داشتند توضیح دهید؟

تا کسی دست اندرکار این جور کارهای اجتماعی نباشد، قضاوت خیلی مشکل است که بتواند درک کند و بفهمد، به قول معروف حلوائی لن ترانی تا نخوری ندانی، لذا یک

مؤسسه چندین هزار نفره با افراد مختلف از شهرهای مختلف، با آداب و رسوم و افکار مختلف دور هم جمع می‌شوند هدایت و کنترل و مدیریت آنها کاری است فوق‌العاده مشکل، این کار بزرگ درگیریهایی فراوانی را نیز می‌طلبد، شما مستحضر هستید موجهایی مختلفی که طی این سالهای گذشته به مناسبت‌های مختلف اتفاق افتاد، شاید در بسیاری از شهرستانها، دانشگاهها گرفتار مشکلات زیادی شدند تا جایی که منجر به تعطیلی بعضی از دانشگاهها گردید، ولی جایی که گرفتار بحران نشد و توانست این موج‌ها را به راحتی از سر بگذراند دانشگاه قم بود.

علتش خصوصیات شخصی آقای قاضی(ره) بود، هم از نظر سعه صدر، حلم و بردباری بسیار وسیعی که داشت و هم از نظر وقت گذاشتن و تماس با دانشجویان و توجه به مشکلات آنها موجب شد که ایشان بتواند این بحرانها را به راحتی پشت سر بگذارد.

بنده در طول این مدت ندیدم که هیچوقت ایشان عصبانی بشوند، اینکه ذاتاً عصبانی بشود و اختیار از دست بدهد من در هیچ موردی این گونه احساس نکردم، اینها نشان دهنده کمال بردباری و به اصطلاح سعه صدر شخصیت ایشان بود، حتی اگر کسی می‌آمد مقابلش می‌ایستاد و شروع به بدگویی و ناسزا می‌کرد، خیلی به آسانی تحمل می‌کرد و به نحوی جواب می‌داد و توجیهش می‌کرد و ازش عبور می‌کرد و اگر جز این بود نمی‌توانست این مسئولیتهای مهم را پذیرفته و مدیریتی موفق ارائه نماید.

● **باتشکر از حضرتعالی اگر خاطره‌ای هست که فکر می‌کنید در معرفی شخصیت ایشان مؤثر است ارائه می‌دهد بیان فرمائید؟**

در هر حال عمر گذراست و سرانجامی است برای همه انسانها، عمده این است که انسان جویری زندگی کند و اعمالش را ترتیب بدهد که وقتی نگاه به پشت سر می‌کند موجب پشیمانی و تأسف نباشد و آمادگی داشته باشد برای حرکت الی الله. الحق و الانصاف مرحوم آقای قاضی را در این سالهای آخر که ایشان را در بیمارستان زیارت

می‌کردم چون که ایشان هر دو روز یک بار به قصد دیالیز به بیمارستان تشریف می‌آوردند هرکسی به این بیماری مبتلا می‌شد طبعاً شاید از ادامه زندگی مأیوس می‌شد ولی در وجود ایشان با طمأنینه و اطمینان به آینده را انسان درک می‌کرد و چه در زمان حیات و چه در بعد از مرگ جز نیکی از ایشان مطرح نشده است. در حقیقت ایشان مصداق آیه شریفه «یا ایتهال نفس المطئنة ارجعی الی ربک راضیه مریضة» است.

و آنچه که مهم و آموزنده است، همین است که یک جویری زندگی کنیم که یک روز پشیمان نشویم و چون که انسان در بحران زندگی خیلی جاها شیطان به سراغش می‌آید، باید بتواند که خودش را حفظ کند چون که اگر مراقب نباشد اطاعت از شیطان موجب پشیمانی می‌شود و این پشیمانی جبران‌ش خیلی مشکل است به خصوص در مدیریتهایی که همه‌اش حق الناس است. الحمدلله ایشان توانست از این گرداب واقعی به سلامت عبور کند. عمده هدف از این گرامیداشت این است که چراغ راه آیندگان باشیم.

مصاحبه با حضرت آیت الله طاهری خرم‌آبادی «دامت برکاته»

مسئله مهمی که در سال ۱۳۴۳ پس از فوت آیت الله کمالوند مطرح شد این بود که اداره مدرسه علمیه ایشان در خرم‌آباد بر عهده چه کسی باشد؟ این مسئله هم از لحاظ سیاسی و هم از ابعاد دیگر مهم بود. بعد از اینکه مجالس ختم آیت الله کمالوند تمام شد، زمزمه‌هایی شروع شد مبنی بر اینکه بالاخره تکلیف مدرسه ایشان در خرم‌آباد چه می‌شود. هر کس کوشش می‌کرد تا اداره مدرسه را به مرجعی که خودش می‌خواست منتسب کند. آقای گلپایگانی، آقای شریعتمداری، امام، آقای خوانساری در تهران، آقای خویی و آقای حکیم در نجف مطرح بودند. دولت نیز بر روی حوزه علمیه خرم‌آباد حساسیت ویژه‌ای داشت و شاید دست‌هایی را به کار انداخت تا این حوزه که نامش کمالیه بود، تحت سرپرستی امام قرار نگیرد. نیروهای طرفدار امام و انقلاب هم علاقه داشتند و کوشش می‌کردند که این حوزه حتما تحت اداره و سرپرستی حضرت امام باشد. یک چنین اصطکاکی در مورد اداره حوزه خرم‌آباد به جود آمده بود.

علما و روحانیت خرم‌آباد، در دو طیف جداگانه قرار داشتند. یک طیف از باقیمانده‌های حوزه آیت الله کمالوند، یعنی مدرسین حوزه و طلاب و فضایی که طرفدار ایشان بودند و یک طیف هم آقایان جزایری‌ها، مرحوم حاج آقا عیسی جزایری و مرحوم حاج آقای حسین جزایری که جوان‌تر از حاج آقا عیسی بود. اینها در واقع در زمان آیت الله کمالوند در طیف مقابل ایشان قرار داشتند. البته نه اینکه اصطکاک‌هایی دائمی بین آیت الله کمالوند و این طیف وجود داشته باشد، بلکه در گذشته یک اصطکاک‌هایی وجود داشت، اما با شروع نهضت این مسائل تقریباً مرتفع شده بود و همگی در مسیر انقلاب و جلساتی که مربوط به انقلاب بود در طرفداری از امام تشریک مساعی می‌کردند.

تلاش رژیم برای عدم انتساب حوزه علمیه خرم‌آباد به امام

مسئله دیگری که وجود داشت، تلاش دولت بود برای این که حوزه خرم‌آباد به امام منسوب نشود. در اولین قدم، آقای شریعتمداری پیش دستی کرد و یک چک به مبلغ حدود سه هزار تومان به عنوان مثلاً اداره حوزه برای آقای جزایری فرستاده بود. حاج آقای حسین جزایری هم این مسئله را در منبر مطرح کرد که مثلاً حوزه باید تحت نظر ما اداره شود و این مطلب را گفته بود که آقای شریعتمداری یک برگ سبزی هم برای اداره حوزه فرستاده است و خلاصه یک برخورد لفظی و منبری را با حوزه، طرفداران و اساتید حوزه آغاز کرد که کار بسیار اشتباهی بود. از این مسائل این گونه نتیجه‌گیری می‌شد که این طیف می‌خواهند حوزه را زیر نظر آقای شریعتمداری قرار دهند.

پیشنهاد طرفداران آیت‌الله کمالوند به امام

من آن زمان در آبادان بودم و از این مسائل مطلع نبودم. بعداً از جریانات اطلاع پیدا کردم. در همان روزها، عده‌ای از طرفداران آیت‌الله کمالوند به وسیله نامه و پیام، به امام پیشنهاد کردند که شما به یک کسی وکالت بدهید تا حوزه را از طرف شما اداره کند. کاندیدای این آقایان، آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بود. آیت‌الله قاضی آن وقت در خرم‌آباد بود. او از جمله افرادی بود که هر دو طرف او را به دیانت و تدین قبول داشتند و او نیز علاقه شدیدی به امام داشت. آیت‌الله قاضی در آن زمان معمم و آدم درس خوانده‌ای بود و در حوزه نیز درس می‌گفت؛ اما ارتزاقش از سهم امام و وجوهات نبود.

او آدم فعالی بود که کارهای عام‌المنفعه نیز انجام می‌داد. مثلاً زمانی که خرم‌آباد برق نداشت، ایشان به اتفاق برادرش برق شهر را تأمین کردند. و یا اینکه یک جایی را آباد کرده بود و یک شهرکی ساخته بود؛ از این قبیل کارها می‌کرد. در هر حال ایشان مورد

اعتماد طرفین بود؛ هم با آیت الله کمالوند و طیف طرفداران ایشان ارتباط داشت و هم طیف مقابل به وی اعتماد و اطمینان داشتند.

از طرفی رویه امام این بود، تا زمانی که اختلاف وجود داشت در این قبیل کارها دخالت نمی‌کردند و همیشه سعی ایشان بر این بود که اختلاف برطرف شود. به همین دلیل امام گفتند که من فعلاً در این گونه مسائل دخالت نمی‌کنم و نمی‌خواهم جلو بيفتم.

چاپ یک خبر در روزنامه و موضع‌گیری علاقه‌مندان امام

در همین اثنا یک خبر کوتاهی در روزنامه منتشر شد، مبنی بر اینکه اداره حوزه علمیّه خرم‌آباد تحت نظر آیت‌الله خوانساری قرار گرفت. من هیچ چیزی در مورد اینکه چه کسی این خبر را به روزنامه داده بود، نمی‌دانم. این مسائل طیف طرفداران امام و علاقه‌مندان به نهضت، چه آنهایی که در خرم‌آباد بودند و چه آنهایی که در تهران بودند را به تکاپو و موضع‌گیری واداشت.

این مسئله را بگویم که بحث حوزه در این میان اصل نبود. چون یک وقت فقط بحث حوزه است، این حوزه حالات تحت نظر آیت‌الله خوانساری باشد یا تحت نظر دیگران، چندان مهم نبود. بحث وی این مسئله بود که نهضت در ابتدای راه بود و لرستان می‌بایست یکی از کانون‌های گرم آن می‌بود. بر روی عشایر لرستان در مقابله با دولت، حساب می‌شد و گفته می‌شد باید اوضاع طوری باشد که هرگاه لازم باشد بتوانیم عشایر لرستان را حرکت دهیم.

با این شرایط، حوزه خرم‌آباد اگر تحت نظر آیت‌الله خوانساری و یا تحت نظر دیگر آقایان قرار می‌گرفت خیلی تفاوت می‌کرد با اینکه تحت نظر امام قرار می‌گرفت.

مشورت حضرت امام در مورد حوزه خرم‌آباد

من همان روزها بود که برای شرکت در مراسم چهلم آیت الله کمالوند از آبادان به

قم رفته بودم. وقتی به قم رسیدم از دفتر امام به من گفتند که امام با شما کار دارند و مایلند شما را ببینند. قرار شد که من شب خدمت امام برسم. شب رفتم در بیرونی منزل امام نشستم. کس دیگری هم نبود امام به بیرونی تشریف آوردند. فرمودند: خب، ما چه کنیم با حوزه خرم‌آباد. به امام خیلی فشار می‌آمد که به آیت الله قاضی (ره) برای سرپرستی حوزه وکالت بدهند. ایشان گفتند، نمی‌شود کاری کنید که این مسئله حل شود و اختلاف برطرف شود؟ من عرض کردم که اگر بشود که این دو طیف باهم در این مسئله حضور داشته باشند، خیلی خوب خواهد شد و شاید اختلاف برطرف شد. من می‌دانستم که اگر امام اداره حوزه را به آیت الله قاضی واگذار می‌کردند، آنها به طور کلی از انقلاب و امام جدا می‌شدند. این روحیه آنها دستم بود. از این طرف اگر می‌خواستند حوزه را به آیت‌الله قاضی بدهند و به دست آنها بسپارند، این هم نه کار درستی بود و نه قابل اجرا و عملی.

تلاش و کوشش من در این جهت بود که اگر بشود این اختلاف را به گونه‌ای حل کنیم که هر دو طیف راضی باشند. مثلاً در نظرم این بود که یک نوع سرپرستی به آقای جزایری، یعنی حاج آقای عیسی جزایری که حساسیت کمتری روی ایشان بود، داده شود و آیت الله قاضی هم اداره کننده حوزه باشند و جنبه‌های مالی و اجرایی حوزه را بر عهده داشته باشند.

تصمیم امام مبنی بر اعطای وکالت به آیت الله قاضی (ره)

در نهایت امام این طور تصمیم گرفتند که وکالت را به آیت‌الله قاضی بدهند یک نامه‌ای هم به آقای جزایری نوشتند و از ایشان به طور مجدانه درخواست کردند که شما پدری کرده و بر حوزه سرپرستی و نظارت داشته باشید. بدین وسیله حضرت امام وکالت

و جنبه مالی را به آیت الله قاضی واگذار کرده و ایشان را وکیل خودشان قرار دادند. منتهی همانطور که گفته بودم از آقای جزایری هم خواستند که بیاید و سرپرستی کند.

در همین روزها بود که من به علت هوای گرم قم به خرم‌آباد رفتم و اتفاقاً در آنجا، به تب مالاریا مبتلا شدم. در این اثنا آقای سید محمد ورامینی که از اعضای بیت امام و از نزدیکان ایشان بود و سابقه فعالیت در خرم‌آباد را هم داشت، همراه با برنامه‌های امام به خرم‌آباد آمد و وارد منزل بنده شد. آقای ورامینی نزد آقای عیسی جزایری رفت و او هم پس از شنیدن جریان، ناراحت و متأثر شد و خلاصه کارها را به این شکل پذیرفت. جلساتی هم با ایشان برگزار شد که من چون مریض بودم در آنها شرکت نکردم؛ ولی می‌دانم که چنین جلساتی با ایشان برگزار شد که در نهایت هم بی‌نتیجه بود و ایشان قبول نکرد. ظاهراً آقای جزایری یک نامه‌ای هم در پاسخ به نامه امام می‌نویسد و از پذیرش تصمیم امام عذرخواهی می‌کند.

به این ترتیب آنها از حوزه که جدا بودند، با این جریان از امام هم ناراحتی پیدا کردند. توقع و انتظار زیادی از امام داشتند که مثلاً ما طرفداری از انقلاب کردیم و آقای جزایری پیرمرد در جریان زندانی شدن امام چند ماه به تهران هجرت کرد و آن یک مثلاً فلان کار را کرد. امام هم کسی نبود که این گونه مسائل را بر مصالح نهضت و انقلاب ترجیح دهند.

به این ترتیب، حوزه علمیه خرم‌آباد تحت سرپرستی امام قرار گرفت و وکیل تام و مطلق امام نیز آیت الله قاضی شد.

حاج آقا حسین جزایری آدم پرجنبه‌ای بود. خیلی خوب صحبت می‌کرد و سخنران ماهری بود. فضلش خوب بود و از حافظه خوبی نیز برخوردار بود. در حوزه قم درس خوانده و شاگرد آیت الله بروجردی و امام بود. ولی از وجود او در مسیر انقلاب هیچ

استفاده‌ای نشد، همچنین جدایی او از نهضت و امام، باعث مسائل ناگواری شد که میل ندارم در مورد آنها سخنی بگویم.

حاج آقا عیسی جزایری به واسطه این که بزرگ علمای خرم‌آباد محسوب می‌شد و با خصوصیات اخلاقی و سوابقی که داشت، با آیت الله قاضی و حوزه ارتباط بیشتری داشت و مورد احترام بود و گاهی هم از وجود او استفاده می‌شد. از جمله این که در یکی از سال‌ها در روز عید فطر، نماز عید با شکوه و عظمت خاصی به امامت ایشان برگزار شد و همه نمازها تعطیل شد. این نماز در آن مقطع به نوبه خود در برابر رژیم اثر مطلوبی داشت. در زمانی که مرحوم شهید مدنی به دعوت آیت الله قاضی و اساتید حوزه به خرم‌آباد آمده بودند، ارتباط گرمی بین آیت الله قاضی و آیت الله مدنی وجود داشت و مرحوم شهید مدنی به ایشان احترام می‌کرد. در اواخر سال‌های حکومت ستم‌شاهی که ابعاد نهضت گسترده‌تر شد، مرحوم حاج آقا حسین جزایری هم داخل انقلاب آمد و با سخنرانی و شرکت در راهپیمایی، در انقلاب حضور داشت.

فعالیت‌های آیت الله قاضی و حساسیت رژیم نسبت به ایشان

به هر حال در آن دوران، حوزه زیر نظر امام قرار گرفت و آیت الله قاضی (ره) وکیل تام ایشان شد. روی همین جهت، رژیم وقت روی حوزه و آیت الله قاضی (ره) حساسیت زیادی پیدا نموده و پرونده بسیار سنگینی هم برای ایشان درست کرده بود.

در سفر هویدا به خرم‌آباد برای او برنامه گذاشته بودند تا از شهرکی که آیت الله قاضی (ره) ساخته بود، بازدید کند. آیت الله قاضی (ره) یک جایی را به عنوان شهرک ساخته بود که خیلی جالب بود به آیت الله قاضی (ره) فشار زیادی آورده بودند که باید در زمان بازدید هویدا در محل حضور داشته باشد. ساواک خیلی ایشان را تهدید کرده بود که اگر نیایند، چنین و چنان می‌کند؛ ولی آیت الله قاضی به هیچ وجه زیربار ملاقات با

هویدا نرفت. البته هویدا رفت و شهرک را نگاه کرد و این هم مسئله‌ای بود که او رفت ولی صاحب شهرک نیامده بود.

آیت‌الله قاضی محور و محرک برای فعالیت‌های فرهنگی و انقلابی بود و در این راستا از سخنرانان و فضایی مانند آیات عظام فلسفی، مطهری، مکارم شیرازی، سبحانی و دیگران دعوت می‌کرد و مردم از سخنان آنها بهره‌مند می‌شدند. آخر هم در سال ۵۷ ایشان را دستگیر کردند، ولی نیروهای انقلاب و حوزوی همه با ایشان بودند. از این قبیل مسائل خیلی پیش آمد. مثلاً ایشان با نظر مرحوم دکتر بهشتی دبیرستان را تأسیس کردند، نظیر دبیرستان علوی تهران، این دبیرستان برنامه‌های آموزشی و تربیتی خاصی داشت که در آن نیروهای مؤمن و انقلابی تربیت می‌شدند. زمانی رژیم به آیت‌الله قاضی (ره) فشار آورده بود که باید عکس شاه را در آن دبیرستان نصب کنند. این اواخر بود که به من گفت به آقای دکتر بهشتی بگویید که من در بین این دو راه قرار دارم که یا دبیرستان را تعطیل کنم و یا به خواسته آنها عمل کنم. حتی آقای بهشتی نظرش این بود که آیت‌الله قاضی (ره) مقداری به خواسته آنها عمل کند تا اصل دبیرستان به دلیل ثمرات فرهنگی و مذهبی تعطیل نشود. ولی با این حال آیت‌الله قاضی (ره) نه عکس شاه را نصب کرد و نه به چیزهای دیگری که آنها می‌گفتند عمل کرد و در نهایت هم این مسئله به انقلاب اسلامی منتهی شد.

شیطن منافقین در مورد آیت الله قاضی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آیت‌الله قاضی (ره) تا سال ۵۸ و اوایل ۵۹ در خرم‌آباد حضور داشت و بعد از آن به قم آمد. دلیلش هم این بود که منافقین که آن‌روزها در بیشتر شیطن‌ها حضور داشتند، در این مسئله هم نقش داشتند. مثلاً می‌گفتند که آیت‌الله قاضی (ره) پول‌دار و سرمایه‌دار است و از این قبیل حرف‌های بی‌محتوا و بی‌منطق، با اینکه

ایشان وجود فعالی بود و همه مسائل و مشکلات روزهای اول انقلاب در خرم‌آباد بردوش ایشان بود.

در روزهای نخست انقلاب اسلامی، کمیته‌ای متشکل از علما برای برطرف کردن مشکلات و بحران‌هایی که معمولاً در روزهای اول هر انقلابی پیش می‌آید، تشکیل شده بود که آیت‌الله قاضی هم در آن کمیته حضور داشت، ولی اینها داد و فریاد سردادند که ایشان سرمایه‌دار است و نباید جزو این کمیته باشد بعد هم یک بار دفتر امام به ایشان گفت که حتماً به خرم‌آباد برو؛ چون مسائلی در آنجا اتفاق افتاده بود که حضور ایشان را می‌طلبید. عده‌ای از حزب‌اللهی‌هایی که در برابر منافقین بسیار داغ و تند بودند و از طرفداران ایشان به حساب می‌آمدند؛ یک عده‌ای هم از انقلابیون بودند که مثلاً طرفدار بنی‌صدر بودند این دو دسته ظاهراً با هم اختلافاتی داشتند. البته منافقین هم آتش بیار معرکه بودند و روی این مسائل انگشت می‌گذاشتند. این بود که آیت‌الله قاضی به دستور امام، یک ماه به خرم‌آباد رفت و بعد از آن دوباره به قم برگشت و تا زمان رحلتشان در قم حضور داشتند و خدمات ارزشمندی به حوزه‌های علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ارائه کردند.

مصاحبه با حضرت آیت الله مقتدایی «دامت برکاته»

در رابطه با حضرت آقای قاضی می‌توانم همین اندازه عرض کنم که وی شخصیت ممتازی بود و ویژگی‌های اخلاقی و عملی بالایی در او وجود داشت. ما تقریباً از همان آغاز پیروزی انقلاب، با ایشان آشنا شدیم. از جمله در شورای عالی قضایی سال ۱۳۶۰ که مرحوم شهید آیت ا. بهشتی و مرحوم شهید آیت ا. قدوسی از اعضای شورای عالی قضایی، شهید شدند. دو تن از پنج نفر شورای عالی کم شدند. بین قضات سراسر کشور انتخابات صورت گرفت و دونفر انتخاب شدند که یکی از آنها من بودم. آن زمان در راس قوه قضایی شورایی به عنوان پنج مجتهد عادل در قانون اساسی بود. حضرت آقای قاضی - رضوان ا. تعالی علیه - معاون شورای عالی قضایی و بسیاری از امور قضات از نظر جذب و تقسیم آنها بین تشکیلات قضایی در سراسر کشور به عهده جناب آقای قاضی بود. برخورد بسیار نیک و توأم با احترام و اخلاق با قضات داشتند که معمولاً قضاتی که برای شروع کار یا ادامه کار یا برای گرفتن پست به او مراجعه می‌کردند راضی بودند. شورای عالی قضایی حداقل هفته‌ای دو جلسه داشت که ایشان در جلسات شورا حضور پیدا می‌کردند و از آنجا با وی آشنا شدیم. یکی از ویژگی‌هایی او تقید به نماز اول وقت بود. واقعا تعهد داشت، تقید داشت و یکی از افتخارات ایشان به شمار می‌آمد.

از جمله ویژگی‌های او شدت احتیاط بود، در امور جاری بسیار رعایت می‌کردند و از آنچه خلاف شرع بود، پرهیز می‌کردند. حتی از آنچه مناسب با روش اسلامی نبود هرچند مباح بود، اجتناب می‌کرد. او به شدت احتیاط را رعایت می‌کرد و به هیچ وجه از امکانات دستگاه قضایی همچون تلفن، ابزار، قلم و کاغذ حتی چای یا میوه، غذا اصلاً استفاده نمی‌کرد. در جلساتی که شرکت می‌کردند میوه و چای نمی‌خورند. با هزینه خود غذایی و میوه‌ای در اتاقش تهیه می‌کرد. شدت احتیاطی که ایشان در غذا و خوراک

و پوشاک داشت و در زندگی و در معیشت یا زندگی اهل احتیاط بود. یکی از ویژگی‌های اولیای خداست که این گونه حتی از مباحات اجتناب بکنند که نکند مرتکب خلافی بشوند و این کار از امتیازات وی محسوب می‌شد.

ما در قم عضو شورای عالی حوزه بودیم. ایشان نیز به عنوان معاون شورای عالی حوزه تشریف داشتند. همان روش دستگاه قضایی را در حوزه نیز داشتند. طلاب و فضایی که با شورای عالی کار داشتند، به ایشان مراجعه می‌کردند و جدا از برخورد او از حمایت‌های وی و کمک‌هایی که به طلاب و فضلا می‌کرد راضی بودند. در جلسه شورای عالی شرکت می‌کردند و عمده کارهای شورا به وسیله وی اجرا می‌شد از طرف جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، مدرسه عالی تربیتی قضایی افتتاح شد که آقایان احساس کردند هم نسبت به دستگاه قضایی و هم نسبت به دانشگاه‌ها و مدارس تکلیف دارند که برای شرکت در دستگاه قضایی و همچنین آموزش و پرورش و دانشگاه نیروهای انقلابی و مسلمان تربیت کنند. به همین مناسبت از سوی آیت الله شهید قدوسی و آیت الله شهید بهشتی حمایت شد و مدرسه عالی قضایی تشکیل داد. ریاست این مدرسه با حضرت آقای قاضی بود و ایشان در دو رشته، دانش پژوه می‌گرفتند. یکی برای قضاء و یکی برای آموزش و پرورش. مربی‌های فراوانی برای آموزش و پرورش و قضاتی را برای دستگاه قضایی تربیت کردند و در آن بخش تلاش و کوشش بسیار چشمگیری داشتند که ان شاء الله پاداش و مزدش را در آن عالم خواهند گرفت. خداوند پاداش این خدمات را به نحو کامل خواهد داد. او مدرسه عالی را به دانشگاه تبدیل کرد که هم اکنون به دانشگاه قم مشهور است.

یکی از خدمات ایشان، همین ساختمان فعلی دانشگاه است. بسیاری از همایش‌هایی که در قم برگزار می‌شود، در آن محل به گونه‌ای آبرومند برگزار می‌شود. فضای آموزشی امروزی که درست شده با همت آن مرد بزرگ ایجاد گشته است. ریاست

دانشگاه به عهده ایشان بود و افرادی را در این دانشگاه تربیت کردند که پس از فارغ التحصیلی به هر جا که بروند، مایهٔ ایمانی و تقوایی در آنها وجود دارد. عیناً دانشجویان را همانند طلاب حوزه با معنویت تربیت می‌کرد.

لازمه دانشگاه موضوعاتی بود که با وضع حوزوی تناسبی نداشت. دانشجویان نیز علاقمند بودند مانند سایر دانشگاه‌ها آزاد باشند و ایشان ایستادگی می‌کرد و برخوردهای خشن و توأم با ناراحتی را فقط به خاطر خدا تحمل می‌کرد و تا آخر عمر بحمدالله موفق بود، همان گونه که در دیگر کارهایش موفق بود، تا سرانجام با همین سمت دنیا را وداع گفت. خداوند ایشان را رحمت کند. قبلاً دانشگاه به صورت مدرسهٔ عالی قضایی تربیتی تاسیس شد. مربوط به زمانی بود که اول انقلاب اقتضا داشت نیروهای مؤمن و متعهدی برای دستگاه قضایی و آموزش و پرورش تربیت شود و آن مراحل گذشت، دستگاه قضایی دانشگاهی تأسیس کرد و او احساس تربیت قاضی ضرورتی ندارد و آموزش و پرورش کارهایی کردند که احساس می‌شد تربیت مربی برای آموزش و پرورش ضرورتی ندارد. از سویی فارغ التحصیلانی که مدرک دانشگاهی داشته باشند و بتوانند در دانشگاه‌های کشور منشاء اثر باشند، جایز خالی بود. که دانشگاهی تشکیل بشود و فارغ التحصیلانی با مدارک دانشگاه در دانشگاه‌ها یا در هر بخش لازم دیگری وجود داشته باشند. لذا تشکیل دانشگاه با همین دیدگاه انجام شد و با مدیریتی که ایشان داشتند، توانستند روش‌هایی اسلامی و مطابق شأن حوزه در این دانشگاه ایجاد کنند. تفکیک بین خواهران و برادران از اموری بود که بعضی جاها عنوان می‌کردند؛ ولی عمل نمی‌شد. دغدغه‌ای که علما و مراجع داشتند، وی این کار را انجام داد. با او مخالفت نیز شد؛ ولی برای خدا ایستادگی و تحمل می‌کرد. سرانجام این تفکیک را انجام داد که می‌تواند برای کل دانشگاه‌های سراسر کشور الگو باشد. همچنین رعایت‌های دیگر دینی - اسلامی از نظر

رفت و آمد و برخوردها و تشکیل کلاسها و غیره کارهایی که او انجام می‌داد بر اساس موازین اسلامی بود و سختی‌ها را برای خدا تحمل می‌کرد.

خاطرات زیادی با ایشان داشتیم، گاهی خدمت ایشان در منزلشان می‌رسیدیم و در جلساتی که باهم داشتیم خاطرات خوبی از ایشان هست؛ ولی عمده چیزی که من در برخوردهایم با ایشان داشتم، همان تواضع ایشان بود. او فردی متواضع و متعهد بود. در جلسات غیبت نمی‌کرد. اهل غیبت نبود، برخوردهای ایشان کاملاً منطبق با موازین اسلامی بود و ما از روش و اخلاق و تقید ایشان به نماز اول وقت حسرت می‌خوردیم و اموری که ایشان رعایت می‌کردند، به گونه‌ای بود که من حتی در روحانیون معظم کمتر می‌دیدم. اخلاق ایشان واقعا اخلاقی اسلامی بود.

● پیام و توصیه شما به کارکنان، اساتید و دانشجویان دانشگاه چیست؟

امید است مرحوم آقای قاضی (ره) الگویی برای اساتید، مدیران حتی رئیس باشد که این روش را ادامه دهند. روش ایشان روش اسلامی و اخلاقی بود. من از همه برادران بزرگوarm کارکنان، دانشجویان، اساتید خواهش می‌کنم روش آقای قاضی (ره) را الگو قرار دهند و آن را تغییر ندهند. اگر ان شاء.. الگوگیری از رفتار ایشان بشود، باقیات صالحاتی می‌شود که دیگران آنرا ادامه خواهند داد، که این عزیزان نیز پاداش دنیایی و اخروی دارند سنتی را که وی تاسیس کرده به یقین پاداش اخروی نصیب او خواهد داد. والسلام علیکم

مصاحبه با حضرت آیت‌الله سید محمد نقی شاه‌رخ‌ی خرم‌آبادی «دامت برکاته» نماینده مردم استان لرستان در مجلس خبرگان رهبری

● خواهشمنداست مختصری از زندگی آیت‌الله آقای حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی بفرمایید.

مرحوم قاضی در خانواده‌ای اصیل و محترم پا به عرصه گیتی نهاد و در خرم‌آباد پس از تحصیلات ابتدایی به تحصیلات علوم دینی و حوزی پرداخت و برای ادامه تحصیلات به حوزه علمیه قم آمد و از فضلا و اساتیدی کسب علم کردند و سپس برای همکاری محترم با آیت‌الله کمالوند در جهت تاسیس و راه اندازی حوزه علمیه کمالوند به خرم‌آباد عزیمت کردند.

پس از درگذشت مرحوم آیت‌الله کمالوند از سوی حضرت امام خمینی(ره) به سرپرستی حوزه کمالیه منصوب شد. ایشان در مبارزات علیه استبداد پهلوی، فعالیت‌های مفید و موثری را انجام داد و پس از تظاهرات مردم بر ضد رژیم طاغوت در اثر سخنرانی کوبنده‌ای که داشت به اتفاق آیت‌الله صادقی دستگیر و روانه زندان کمیته ضد خرابکاری شد. این جانب را نیز که در مسجد اراک تهران سخنرانی می‌کردم دستگیر و به همین زندان بردند و به هنگام بازجویی جرائمی را به من نسبت دادند مانند تحریک مردم، فرستادن مردم برای شرکت در تظاهرات هفده شهریور. آنان خون عده‌ای را که خودشان شهید کرده بودند، به گردن این جانب نوشته بودند. همچنین باید یاد کرد از دعوت آیت‌الله آل‌اسحاق به خرم‌آباد و مکالمه ایشان با آیت‌الله قاضی مبنی بر اینکه حاج آقای آل‌اسحاق تذکر دهد از هجدهم ماه مبارک رمضان مطالب کوبنده اش را بر ضد حکومت دیکتاتور بیان کنند.

● مرحوم آیت‌الله قاضی را پس از پیروزی انقلاب اسلامی چه اقدام موثری انجام دادند؟

ایشان منشأ خدمات شایسته فرهنگی حوزوی بودند از جمله تأسیس دانشگاه قم، همکاری با جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای مدیریت و مرکز خدمات حوزه علمیه قم. مدتی نیز به عنوان معاونت شورای عالی قضایی به ریاست آیت‌الله موسوی اردبیلی بودند و بیشتر توجهشان به بررسی اوضاع زندانیان و سعی در عفو و آزادی کسانی که احساس می‌کردند که استحقاق آنرا دارند. خلاصه ایشان از خانواده‌ای خوشنام، خیر اصیل و مورد احترام بودند و منشأ خیرات، برکات در خرم‌آباد و قم و تهران و حوزه‌های علمیه بودند.

مصاحبه با آیت الله دکتر احمد بهشتی سرپرست دانشگاه قم

به خواست خدا قرار است نکوداشتی در دانشگاه قم، از موسس و بنیان گذار این دانشگاه برگزار گردد. بسیار به جاست از اینگونه شخصیت‌ها در جامعه و کشور ما تجلیل و قدردانی به عمل آید. زیرا «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» اگر کسی سپاسگزار خلق خدا نباشد سپاسگزار خدا نیز نخواهد بود. اولویت این سپاس‌گزاری و تشکر این است که در درجه نخست اهمیت این کار در حال حیات شخص انجام پذیرد و اگر مقدور نشد در غیر حیات نیز این تشکر و قدردانی مفید است.

اگر در حال حیات باشد باعث تشویق و دلگرمی خود اشخاص می‌شود و چنانچه پس از ارتحالشان این قدردانی صورت گیرد، نشان روح سپاسگزاری خود ماست. این تشکر و سپاسگزاری از افراد که بعد از مرگشان انجام پذیرد، فایده دیگری نیز دارد و آن تشویق جوانها و افراد جامعه است. به‌ویژه زمانی که چهره‌ای را می‌شناسند. هم اکنون شاید بسیاری از افراد، با ابعاد شخصیتی ایشان آشنا نباشند، بنابراین نکوداشت‌هایی که بعداً انجام می‌گیرد معرفی شخص و بیان تلاش‌ها و زحمات و کوششهایی است که داشته‌اند.

من از سال ۵۷ با مرحوم آیت الله قاضی در محیط زندان آشنا شدم. در محیطی که در تهران معروف به کمیته بود و هم اکنون موزهٔ عبرت شده چون درس عبرت می‌دهد.

ماه مبارک رمضان سال ۵۷ من نیز در آنجا بازداشت بودم. ابتدا در سلول انفرادی و بعد به سلول غیر انفرادی منتقل شدم. در یکی از سلولهای غیر انفرادی با مرحوم آیت الله قاضی هم سلول شدیم و آشنایی پیدا کردیم. وی را با عدهٔ دیگری از علمای خرم‌آباد دستگیر و به تهران آورده بودند. سلول بزرگ و تعداد نیز زیاد بود. در آن سلول چهارده نفر بودیم یکی از آن افراد مرحوم شهید شاه‌آبادی بود که بعد از پیروزی انقلاب وارد مجلس شورای اسلامی شد و سپس در سفری که به منطقه جنگی داشت به شهادت رسید.

دوستان دیگری نیز بودند که از بعضی‌ها هیچ‌گونه اطلاع و خبری نداریم و از بعضی هم بی‌خبر نیستیم. آن‌جا محیط آنسی بود.

من از آنجا با خصوصیات مرحوم آقای قاضی آشنایی پیدا کردم. آقای قاضی خیلی معتدل بود. ضمن اینکه اعتقادات محکمی داشت و در مسایل دینی و اعتقادی و سیاسی، در مسیری که از آغاز انتخاب کرده بود، تا آخر ادامه داد. بی‌اینکه به این سو و آن سو تمایل پیدا کند. با آن روحیهٔ اعتدالی که داشت صبورانه و با حوصله حرکت می‌کرد. یادم هست در همان سلول، شخصی بود که قدری با ما تفاهم سیاسی نداشت. هر چند تفاهم اعتقادی بود. او گرایشهای خاصی نظیر گرایش ملی‌گرایی داشت. اصطکاکاتی از این قبیل با هم داشتیم. ما جوان بودیم و برخوردمان با آن شخص خوب نبود. همان زمان آقای قاضی آرام نزد من آمد و گفت: با این افراد برخورد نکنید. ما باید اینها را جذب کنیم، نباید با آنان دعوا کنیم. درست است در مسائل سیاسی اختلاف سلیقه داریم ولی نباید دفعشان کنیم، بلکه آن‌ها را جذب کنیم. تذکری که وی داد ناشی از روح اعتدال ایشان بود. برای ثبات قدم با روح اعتدال حرکت می‌کرد. من نیز آهسته به او گفتم: چشم من مراعاتش می‌کنم. اگر خواستیم باهم بحثی نیز کنیم دوستانه باهم بحث خواهیم کرد نه به گونه‌ای که بینمان تنش ایجاد شود.

بعدها دیدیم که مرحوم آیت الله قاضی در این تقریباً سی سال طی فعالیت‌هایی که داشت در همین خط اعتدال حرکت کرد و همین خط اعتدالش بود که به وی قدرت مدیریتی خوب و ارزنده داده بود و خوب می‌توانست مدیریت کند.

امیر مومنان (ع) می‌فرماید: «آلة الرياسة سعة الصدر»؛ ابزار ریاست شرح صدر است. اگر کسی این ابزار را نداشته باشد، نمی‌تواند ریاست کند. ریاست نه به معنای اینکه انسان نسبت به دیگران امتیازی داشته باشد، بلکه ریاست به معنای مسئولیت است. انجام مسئولیت نیز شرح صدر می‌خواهد. اگر ایشان توانست مدت حدود سی سال کاری را از

صفر آغاز و مدیریت کند تا این دانشگاه قم به جایی برسد که در این شهر نمونه است. (شاید در بین دانشگاه‌های دیگر نیز نسبت به بسیاری از دانشگاه‌های نمونه باشد) و مسیر آن هم مسیری است که همواره به سمت نمونه بودن در سطح کشور و سطح دنیا پیش می‌رود. این امور نتیجه اعتدال و شرح صدر و تدبیر و آینده نگری وی بود که مسئولیت‌های متعددی داشتند. زمانی هم که قوه قضاییه شورایی بود، او در شورای عالی قضایی عضویت داشت.

● بعنوان آخرین سوال بفرمایید ضرورت تأسیس مدرسه عالی قضایی در آن زمان، چه بود؟

وقتی که انقلاب پیروز شد دو تا نیروی کارآمد می‌خواستیم. یکی برای امور تربیتی و یکی برای امور قضایی. بالاخره این خلأی بود برای نظام نوپای جمهوری اسلامی. از لحاظ تربیتی برای تربیت معلم و مربی و استاد خلاء وجود داشت و باید هر چه زودتر و سریع‌تر نیروهای تربیت و به بدنه جامعه تزریق می‌شدند. بنابراین، مدرسه عالی فقط قضایی نبود، تربیتی نیز بود. دو گروه در آن فعالیت می‌کردند: عده‌ای در چهارچوب مسایل تربیتی و عده‌ای در چهارچوب مسایل قضایی فعالیت می‌کردند. این خلاء در جامعه می‌بایست به صورت ضربتی پر می‌شد. لذا نیروهایی که آمادگی داشتند، پس از طی دوره‌های کوتاه و اخذ مدرک، جذب می‌شدند و در تشکیلات آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و قوه قضاییه تزریق می‌شدند. مدرسه عالی تربیتی و قضایی این خلاء را به سرعت پر می‌کرد.

از وقتی که در اختیار ما گذاشتید متشکرم.

انشاءالله موفق باشید.

مصاحبه با حضرت آیت‌الله حاج شیخ عباسعلی صادقی «دامت برکاته» رئیس حوزه علمیه کمالیه خرم‌آباد

● ابتدای آشنایی شما از کجا بود؟

از ابتدای طلبگی با وی آشنا شدم. من پنج یا شش سال جلوتر به حوزه آمده بودم و ایشان حدود ۱۳۲۴ به اتفاق ده نفر دیگر از خرم‌آباد آمدند.

من هم در آن دوران، ادبیات درس می‌گفتم. در مدرسه فیضیه مشغول به درس گفتن بودم، اینها با من آشنا شدند و جزء شاگردان من حساب شدند. مرحوم آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی (ره) از استعداد بسیار سرشاری برخوردار بود. اگر ایشان آن گونه که اول شروع کرده بود، تحصیل را ادامه می‌داد، شاید به مرجعیت تقلید می‌رسید، زیرا استعداد فوق العاده‌ای داشت. گاهی بعضی استعداد دارند، ولی ذهنشان مشغول است و زود به واقع مطلب نمی‌رسند. ایشان زود به واقع مطلب می‌رسید. هر مطلب ادبی، منطقی علمی حوزوی را زود می‌گرفت. استعداد وی به گونه‌ای بود که به سرعت مطالب را درک می‌کرد. پس از یکی دو سال این آقایان اصرار کردند که شما تابستان بیایید خرم‌آباد که ما در آنجا درس را ادامه دهیم. من نیز به این مناسبت برای اولین بار به خرم‌آباد آمدم (۱۳۲۶). اوایل مرجعیت مرحوم آیت‌الله بروجردی بود که با مرحوم آقای کمالوند هم آشنا شدم و خدمت ایشان درس نیز می‌خواندم. در عین حال رفت و آمد صمیمانه‌ای با آیت‌الله کمالوند داشتیم. هر شب پنج شنبه آقای کمالوند در منزل شخصی خود روضه داشتند و مرحوم آیت‌الله طباطبایی، صاحب تفسیر المیزان و مرحوم محقق داماد و امام (ره) در روضه مرحوم آقای کمالوند شرکت می‌کردند. من هم به آن مجلس می‌رفتم و در نتیجه با این آقایان نیز آشنایی پیدا کردم و با آقای کمالوند آشنایی بیشتر یافتیم. وقتی آقایان طلبه‌ها مرا دعوت کردند به خرم‌آباد بروم، سه ماه تمام مهمان حاج شیخ مهدی

قاضی بودم. درواقع مهمان مرحوم حاج آقا رضا پدرایشان. البته دیگران نیز از جمله آیت‌الله کمالوند دعوت می‌کردند و جاهای دیگر می‌رفتیم، اما منزل رسمی من همان‌جا بود. بعد نیز همین ارتباط را داشتیم، تا اینکه مردم خرم‌آباد از آقای بروجردی تقاضا کردند که آیت‌الله کمالوند به خرم‌آباد بازگردند.

آقای کمالوند به آقای بروجردی پیشنهاد کرد که اگر من تنها به خرم‌آباد بروم، فایده ندارد. مگر اینکه اجازه دهید تشکیل حوزه بدهم. مرحوم آقای کمالوند به دستور آقای بروجردی به خرم‌آباد آمد و همین حوزه علمیه کمالیه را تشکیل داد. البته این محل مخروبه بود. حجراتی را با آجر ساختند که بعداً من آن حجرات را تخریب و به شکل کنونی با آهن ساختم. در زمان مرحوم آقای کمالوند حجرات با آجر و طاق ساخته شد هنوز آهن رسم نشده بود.

گاهی نیز می‌آمدم خرم‌آباد و ارتباط به اصطلاح صمیمانه‌ای با طلاب اینجا پیدا کرده بودم. مخصوصاً حاج شیخ مهدی که استعداد بسیار خوبی داشت. علاقه‌مند بودم که ایشان پیشرفت تحصیلی کند. حوزه خرم‌آباد که تاسیس شد نیاز به مدرس داشت، اولین مدرس مرحوم آقای خلیق طلبه تحصیل کرده نجف بود. روزی آقای حاج شیخ مهدی آمدمنزل ما، گفت: آقای کمالوند دستور داده‌اند که من بیایم از شما تقاضا کنم که برای درس دادن به طلاب به خرم‌آباد بیایید. درنتیجه من به عنوان یک سال آمدم خرم‌آباد ولی اکنون ۵۰ سال است در خرم‌آباد هستم.

درطول مدتی که حوزه خرم‌آباد تاسیس شد به دستور مرحوم آقای بروجردی و فداکاری مرحوم آقای کمالوند، حاج شیخ مهدی درپیشرفت حوزه و در رفع مشکلات حوزه یار و یاور مرحوم آقای کمالوند بود. آقای قاضی پس از فوت پدر کمی ذوق اقتصادی و رسیدگی به مردم داشت، لذا قاضی آباد را خرید و شروع به خانه سازی کرد، ولی درعین حال باحوزه در ارتباط بود.

وقتی مرحوم آقای کمالوند درگذشت، من رفتم خدمت امام، چون با امام خیلی رابطه نزدیک داشتم، زیرا در منزل مرحوم آقای کمالوند با ایشان رابطه پیدا کردم و استادم بود.

پس از ارتحال آقای کمالوند، خواستیم برای حوزه خرم‌آباد شخصی به اصطلاح دارای مدیریت پیدا شود و بومی خرم‌آباد نیز باشد. در زمان مرحوم آقای کمالوند، من به عنوان استاد بودم، جناب آقای مجلسی که هم اکنون در اصفهان است، جناب آقای عبودیت که وی نیز اکنون ساکن اصفهان است. ولی ما همه غریب بودیم، هرچند کنون بومی خرم‌آباد شده‌ام ولی آن زمان غریب بودم، آقایان مجلسی و عبودیت نیز غریب بودند.

چند جلسه تشکیل دادیم، من بودم، آقای عبدی، آقای مجلسی، آقای عبودیت و خود آقای قاضی، که برای حوزه یک نفر را تعیین کنیم که به اصطلاح بومی خرم‌آباد باشد و درعین حال مدیریت سرپرستی حوزه را نیز داشته باشد.

جناب آقای مجلسی و آقای عبودیت با مراجع قم خیلی ارتباط نداشتند و تحصیل کرده نجف بودند و من تنها کسی بودم که (هم) با قم، هم با مرحوم آقای گلپایگانی و هم با امام ارتباط داشتم.

در قم با مرحوم آقای گلپایگانی صحبت کردم که آقای کمالوند فوت شده، حوزه‌ای هم تشکیل شده، من هم در آنجا هستم، ولی غریبم، بنابراین می‌خواهیم یک نفر را معرفی کنیم و حوزه خرم‌آباد را با قم مرتبط سازیم. مرحوم گلپایگانی که با من خیلی صمیمی بود، گفت: آقای شیخ عباسعلی! شما حوزه خرم‌آباد را که می‌خواهید با قم مرتبط بکنید با یکی از ما، یا آقای خمینی یا آقای شریعتمداری به گونه‌ای که تشمت نباشد، در نتیجه شما حضور دارید و او مشکلاتتان را رفع می‌کند، درخرم‌آباد هم روی او تبلیغ می‌کنید، و حوزه هم سروسامان می‌گیرد.

من مجدد اُبرگشتم خرم آباد. گفتم: حوزه را باید با یکی از آقایان مرتبط کنیم. نظر مسئولین حوزه به اتفاق، بیشتر متوجه امام بود. من رفتم قم، خدمت امام عرض کردم که مرحوم آقای کمالوند که دوست صمیمی شما بود فوت کردند - درتشیع جنازه آقای کمالوند خود امام شرکت کرده بودند - هم اکنون ما بی سرپرست مانده‌ایم. نظر مسئولین حوزه و دلسوزان حوزه کمالیه این است که این مدرسه تحت سرپرستی شما باشد.

امام گفت: چه کسی را در نظر گرفته اید از طرف من نیابت داشته باشد از مردم وجوه بگیرد و امور مالی حوزه را اداره کند، مشکلات حوزه را بررسی کند؟

گفتم: من که خود غریبم، بنا ندارم زیاد بمانم، شاید یکسال دیگر بمانم. قصد دارم برگردم. آقای مجلسی طلبه فاضلی است، ولی ایشان می‌خواهد برود به اصفهان. آقای قاضی، از نظر مالی که اگر گاهی وجوه کم برسد، می‌تواند خودش اداره کند و فرد موجهی است. مردم خرم آباد به ایشان علاقه دارند شما به ایشان اجازه دهید. همین طور که، من و امام تنها داخل اتاق نشسته بودیم، نامه‌ای مقابل وی گذاشتند که در آن نامه نوشت:

(قریب به این مضمون) جناب آقای قاضی، از جانب من مجاز هستم در خرم آباد وجوهات بگیرند و...

در نتیجه، حوزه خرم آباد از نظر مادی و امور حوزه و وجوهات تحت نظرایشان قرار گرفت. حتی اشخاصی که به من وجوه می‌دادند، به جناب مرحوم حاج شیخ مهدی قاضی می‌سپردم و حوزه را اداره می‌کردند.

در جریان انقلاب، وی فردی پیشگام بود و برای به ثمر رسیدن انقلاب و تبلیغ ارزشهای حضرت امام همکاری صمیمانه‌ای داشتیم. با همه گونه سختی ساخته بودیم. هر چه امام می‌گفت همان بود. وقتی هم در ترکیه بود هر چه پیغام می‌داد همان بود. در نجف هم که بود هر چه امام دستور می‌داد در خرم آباد اجرا می‌کردیم، بدون اینکه ترسی داشته باشیم.

● از جریانات آن زمان هم خاطره‌ای دارید؟

ماه رمضان ۵۷ اوج تظاهرات بود. ما نیز در همه کارها پیشگام بودیم. در نتیجه آقای لیقوانی رئیس ساواک و آقای فضایل احمدی که رئیس شهربانی خرم آباد و رئیس دادگستری بود، به همراه استانداری به این نتیجه رسیده بودند که جز دستگیری و زندانی کردن ما هیچ راهی ندارند. لذا نیمه شب، ساعت ۳ بامداد ما را گرفتند و به شمشیر آباد ورودی شرقی شهر بردند. مسئولینی که می‌خواستند ما را بفرستند زندان همه جمع بودند. من نمی‌دانستم غیر از من چه کسی رادستگیر کرده اند. ناگهان صدای حاج شیخ مهدی قاضی را شنیدم، فهمیدم او را نیز دستگیر کرده‌اند، بعد صدای مرحوم شهید نورالدین رحیمی، معلوم شد وی را نیز گرفته‌اند. بعد از این آقای آل اسحق را دستگیر کرده و به زندان بردند. به آقای ورامینی گفتیم که در مسجد علوی نماز بخواند و مسجد نباید تعطیل شود که آقای ورامینی را نیز گرفته بودند. بعد ما را به تهران کمیته مشترک بردند که ساختمان مربوط به زندانی‌های سیاسی خطرناک بود. وقتی که پیاده شدیم، پس از ماجراهایی و ۶۵ روز حبس ما را آزاد کردند. هر زندانی که آزاد می‌شد سیل جمعیت برای استقبال از وی به حرکت در می‌آمد.

بعد از پیروزی انقلاب نیز با مرحوم قاضی همکاری صمیمانه‌ای داشتیم. خواسته‌ها و تقاضاهای صنفی زیاد بود، همه سهم می‌خواستند، با شاه مبارزه کرده بودند و در نتیجه می‌خواستند یک وزیر هم از منافقین در کابینه باشد، امام نیز زیر بار این حرف‌ها نمی‌رفت. در نتیجه تا یکسال تحمل کردند و بعد منافقین اعلام جنگ کردند و در همان زمان خیلی از مردم شهید شدند و امام نیز دستور داد که با منافقین برخورد کنند.

● برگردیم به ورود آیت‌الله مدنی به خرم آباد ونحوه ورود ایشان به حوزه کمالیه؟

شنیدیم که مرحوم آیت‌الله شهید مدنی (ره) به دلیل کسالت به همدان آمده‌اند، زیرا آب و هوای همدان مناسب و معتدل و آب و هوای نجف گرم است. گفتیم بهتر است

تقاضا کنیم وی به خرم‌آباد بیایند. بیشتر آقای شیخ مهدی قاضی اصرار داشت که ایشان را به خرم‌آباد بیاورد، چون برای اینکه خودش کار زیاد داشت، می‌خواست سرپرست حوزه باشد. من به اتفاق حاج شیخ مهدی و مرحوم حاج آقا نورالدین و دو طلبه دیگر رفتم همدان از ایشان تقاضا کردیم که به خرم‌آباد تشریف بیاورند. ایشان نیز آمدند و دوسه سال بودند و اداره حوزه را هم برعهده گرفتند و آقای قاضی امور مالی را هم به ایشان واگذار کرد. ایشان نیز حوزه را بسیار خوب اداره کردند و بعد او دستگیر و به نورآباد ممسنی تبعید کردند.

● باتوجه به اینکه آقای قاضی در لرستان نماینده امام بودند، نحوه ارتباط آقای قاضی با امام در دوران تبعید امام به چه شکل بود؟

ما بانجف ارتباط داشتیم، خصوصاً آقای شیخ مهدی مرتب ارتباط داشت، بدون اینکه نامه‌ای به امام بنویسند و ساواک از آن اطلاعی پیدا کند. به وسیله آقای خلخالی درنجف، نامه به آقای خلخالی می‌نوشتند، نامه که می‌رفت برای آقای خلخالی (البته این شخص غیر از آقای صادق خلخالی مشهور بود)، مشخص بود که این نامه برای امام نوشته شده است. امام نیز دستور می‌دادند و آقای خلخالی جواب می‌نوشتند و مشخص بود که صحبت‌ها و دستورات امام است با اینکه زیر آن امضای آقای خلخالی بود. در نتیجه کارها خوب جریان داشت. ساواک و شهربانی هم این چیزها را می‌دانستند، ولی خب چاره‌ای نداشتند و نمی‌توانستند با همه مردم برخورد تند داشته باشند. گاهی هم از طلبه‌ها می‌گرفتند و تبعید می‌کردند؛ مثلاً آقای سیدشکرالله طاهری را گرفتند و تبعید کردند، و حجت الاسلام آقایان ایمانی، روشنی و حجت الاسلام و المسلمین شهید سید فخرالدین رحیمی مرتب یا تبعید بود یا زندان.

مرحوم شیخ مهدی قاضی (ره) شخصیتی بود بسیار بلند نظر و با کسی کدورت و کینه نداشت. در ماه مبارک رمضان ۱۳۵۷ پس از آن که پیام‌هایی از سوی استانداری و

ساواک و شهربانی به ما دادند که شما تند می‌روید ما را دستگیر کرده و زندانی کردند. چند تن از روحانیون و سخنرانان شهر گرفته بودند و می‌خواستند به تهران اعلام کنند. من و آقای مهدی قاضی در یک اتومبیل بودیم که معمولی نبود در آمبولانسی چهار صندلی گذاشته بودند اما به شکل آمبولانس بود تا در مسیر شناخته نشوند.

تا گردنه زالیان (بین بروجرد و اراک) چند اتومبیل ما را اسکورت می‌کردند که نکند مردم در بروجرد با خبر شده باشند و کسی بیاید جلوی ما را بگیرند. در گردنه زالیان نگه داشتند و اتومبیل برگشتند. در همان جا یک نفر از شهربانی الیگودرز با ما همراه شد.

افراد شهربانی خرم‌آباد با این که طرفدار رژیم بودند، اما ما را می‌شناختند و در نتیجه گمان می‌رفت که اگر شخصی از شهربانی خرم‌آباد باشد، ما را شکنجه نمی‌دهد، فردی را از الیگودرز آوردند که روی ما شناخت نداشته باشد. او به شکنجه کردن ما پرداخت و مرتب با مشت به سر و صورت او و پیشانی ما می‌زد، فقط ما با دو دست چشم‌هایمان را گرفته بودیم که به چشمان صدمه نزنند.

او در طول مسیر ما را اذیت کرد، چه زبانی و چه کتک کاری نسبت به من و مرحوم حاج شیخ مهدی قاضی به زندان کمیته مشترک و به اصطلاح زندان افراد سیاسی خطرناک برند در آنجا شکنجه‌ای در کار نبود، چون زمانی بود که عفو بین الملل به مزدوران شاه فشار آورده بود که شما شکنجه می‌کنید و نباید این کار را بکنید و سرانجام بعد از دو ماه و نیم ما را آزاد کردند. مردم استقبال خوبی از ما کردند و بعد نیز که در ۲۲ بهمن پیروز شدیم با پیروزی انقلاب، حکم حاکم شرعی به نام من آمد؛ یعنی با توافق خودمان قرار شد من بعنوان حاکم شرع باشم. بنا داشتیم همه یکصدا باشیم به‌ویژه من و حاج شیخ مهدی قاضی با یکدیگر هماهنگ بودیم و بیشتر برنامه ریزی با ما دو نفر بود. لیقوانی رئیس ساواک وقت را زندانی کردیم، فضایل احمدی رئیس شهربانی وقت را گرفتیم، رئیس کلانتری را که در نزدیکی مسجد صاحب الزمان سکونت داشت دستگیر

کردیم و همراهان از بروجرد و دیگر شهرها نیز هر کسی را دستگیر می‌کردند، به اینجا می‌آوردند. چند نفر از آنها اعدام شدند و دو سه تن از آنها را آزاد کردیم. شخصی که در بین راه ما را شکنجه کرد و در اثر آن تقریباً تا حدود ده روز در زندان شهربانی من نمی‌توانستم در اثر درد وضو بگیرم و دستم را به صورت بکشم. آقای قاضی نیز همین‌گونه بود. فرد شکنجه‌گر را دستگیر و به زندان آورده بودند و زیر دست من بود. یک شب رفتم زندان و دیدم یکی از زندانیان ما شکنجه‌گر ما بوده است. او به دست و پای من افتاد، خیال کرد که می‌خواهم مقابله به مثل کنم، اما من تصمیم‌گیری را به آینده موکول کردم. بعد از یک هفته وقتی به زندان سر زدم آن شخص را ندیدم فهمیدم آقای حاج شیخ مهدی قاضی او را آزاد کرده، با اینکه من حاکم شرع بودم، وی این کار را کرده بود. بعدها به مرحوم قاضی گفتم که آن زندانی که ما را شکنجه کرد آزادش کردید؟ گفت: آری، گفتم چرا؟ گفت دیدم طرف این زندانی فقط من و شما هستیم و او ما را شکنجه کرده است. نه شما اهل کینه هستید و نه من. بنابراین او را عفو کردم، شما نیز وی را عفو کن. او خیلی بلند نظر بود؛ یعنی اگر کسی نسبت به او جسارتی نیز می‌کرد، هیچ‌گاه به دل نمی‌گرفت. من انسانی با این به اصطلاح بلند نظری کم دیده‌ام.

● به عنوان آخرین سوال، با اینکه آقای قاضی بر ضد شاه و رژیم وقت مبارزه شدید داشت، اما هیچ‌گونه پرونده و دلیل محکمی برای بازداشت و یا تبعید ایشان به ساواک نیفتاد؟

علت این است که بنا بود از آغاز، وی مستقیم وارد میدان مبارزان نشود. ملاحظه کنید از خرم‌آباد آقای روشنی و آقای ایمانی یکی از طلبه‌های خوب ما و عده دیگری را تبعید کردند. قرار بر این بود که من و حاج شیخ مهدی قاضی در این مبارزه‌ها به گونه‌ای مستقیم وارد نشویم. زیرا افرادی را که تبعید می‌کنند، به حوزه لطمه کمتری وارد شود و امور حوزه معطل نماند. از سویی خانواده‌های آنان مشکل نداشته باشند، لذا ایشان بنا نبود

مستقیم دخالت کند، ولی برنامه ریزی دست ایشان بود. دستگاه حاکم نیز می‌دانست اما نمی‌توانستند کاری بکنند، چون ایشان سخنرانی نداشت. من در مسجد جواد الائمه سخنرانی کوبنده داشتم. در پایان کار ما را دستگیر کردند معلوم شد همه سخنرانی‌ها را ضبط و به تهران فرستاده‌اند و تنها برنامه ریزی جلسات با ایشان و بسیار سیاستمدار بود و برنامه ریزی‌های وی نیز دقیق بود. ارتباط حوزه خرم‌آباد با امام که در نجف بود، برقرار بود و مرتب نامه رد و بدل می‌شد.

مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین سید احمد میرعمادی نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد

در خصوص مرحوم آیت الله قاضی باید عرض کنم که وی از شخصیت‌های برجسته و اسوه فضیلت و تقوی و مجاهدی خستگی‌ناپذیر بود. با نگاهی به زندگی این عالم جلیل‌القدر باید بگویم که او در طول عمر پر برکت خود منشاء خدمات علمی اجتماعی و فرهنگی فراوان چه قبل از پیروزی انقلاب و چه در دوران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بود. قبل از پیروزی انقلاب به عنوان مبارزی سیاسی و به عنوان یکی از شاگردان و یاران حضرت امام در ایجاد انقلاب و راه اندازی تظاهرات، راهپیمایی‌ها و اعتراضات علیه رژیم شاهنشاهی نقش کلیدی و اساسی داشت. از روحانیون مبارز استان لرستان به شمار می‌آمد. معمولاً در جهت تقویت مرجعیت امام بزرگوار و سوق دادن مردم در انقلاب اسلامی نقش مهمی را ایفا کرد. در مبارزات او چه در خرم‌آباد و چه در قم و چه سفرهایی که به نجف و ملاقاتی که با حضرت امام داشتند، گویای این قضیه است که پیوندی عمیقی بین ایشان و حضرت امام وجود داشت. به همین دلیل امام بزرگوار ایشان را به عنوان اولین نماینده خود در استان لرستان معرفی کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی ایشان منشاء خدمات فراوانی در استان لرستان و در قم بودند. در استان لرستان آثار ارزشمندی از خود به جای گذاشته‌اند. سرپرستی حوزه علمیه کمالیه را داشتند و تربیت طلاب و وقف زمین برای مسجد و مجتمع‌های فرهنگی برای امور خیریه از جمله کارهای او بود. در استان لرستان هر مسجدی بنا شد و ایشان مطلع گشت به آن مسجد کمک کردند. یعنی در کنار کمک معنوی به مساجد، کمک مادی نیز داشتند. اقدام ایشان در تاسیس دانشگاه قم که ابتدا به عنوان مدرسه عالی قضایی بود و همچنان پیشرفت که امروزه به عنوان دانشگاه جامع قم مطرح است و در تربیت قضات و

دانشجویان بسیار موثر و مفید بوده است. مرحوم آیت ا. شیخ مهدی قاضی خصوصیات روحی و فردی منحصر به فردی داشتند. وی اخلاص باطنی عجیبی داشتند. هیچ‌گاه راضی نبود عملکرد و کارهای خود را ارائه بدهد و همواره می‌گفتند: آنهایی که انجام دادیم معلوم است و کارهایی که انجام ندادیم که هیچ. ما بیاییم چی بگویم چه کار کردیم و چه کار انجام دادیم. لذا شدیداً از اینکه خودش را نشان بدهد پرهیز می‌کرد و از اینکه اقداماتی را که انجام داده، بیان کند می‌گریخت رمز ماندگاری و اثر بخشی و برکت کارهای ایشان نیز در همین اخلاص ایشان بود. یعنی اگر اخلاص وی نبود بی تردید این کارهای پربرکت شکل نمی‌گرفت. نکته دوم در خصوصیات روحی و فردی او ابتکار و خلاقیت و جنبه مدیریتی ایشان داشت. سی سال مدیریت یک دانشگاه برای شخصیتی روحانی یک دوره با ارزشی است که خود جای تجزیه و تحلیل دارد. از سوی دیگر طرح پی ریزی دانشگاه، مدارس علمیه و مجتمع‌های فرهنگی و حتی شهرک‌هایی که برای خانه دار کردن افراد محروم در شهرستان خرم‌آباد منطقه قاضی آباد از ابتکار و خلاقیت ایشان است. هم اکنون نیز پس از گذشت چهل سال به گونه‌ای طراحی شده که هیچ‌گونه ترافیک و مشکلات شهری در آن وجود ندارد. با یک مهندسی بسیار زیبا و ارزشمندی شکل گرفته است. این خلاقیت و ابتکار ایشان ستودنی است و برای شاگردان و علاقمندان به او الگوی بی‌نظیری می‌تواند به حساب بیاید.

مسئله بسیار مهم دیگری، فداکاری و ایثار اوست که هم ایثار مالی داشتند و هم ایثار جانی. قبل از پیروزی انقلاب، ایثار جانی می‌کرد و خانه وی مأمن و پناهگاه مبارزان و علمایی بود که بر ضد رژیم شاه مبارزه می‌کردند. در استان لرستان که علما در منزل او جمع می‌شدند و مبارزه می‌کردند و جانشان را برای نهضت حضرت امام و پیروزی انقلاب در طبق اخلاص گذاشته بودند. ایثار مالی، کمک‌های فراوان مالی به مبارزان دوره ستم شاهی می‌کردند. دستگیری از فقرا و نیازمندان داشتند، به طلاب، روحانیت و افرادی که

در جهت تقویت دین تلاش می‌کردند کمک می‌کرد و هیچ‌گونه مضایقه و محدودیتی نداشت. یعنی هرچه در توان داشت ایثار می‌کرد. حتی گاهی اتفاق می‌افتاد چیزهایی که خود نیازمند بود، برای تقویت دین و تقویت فرهنگ اهل بیت ایثار و تقدیم می‌کرد. قضیه اخلاق ایشان برای طلاب و دانشجویان و تاثیر نفوسی که ایشان در جمع طلبه‌ها داشتند، از مسائل مهم است. وقتی در جمع طلبه‌ها صحبت می‌کرد چون از اخلاص و ایمان کافی برخوردار بود، تاثیر عجیبی بر روحیه افراد می‌گذاشت. او به صورت رسمی درس اخلاق نمی‌گفت اما وقتی در بعضی از موارد می‌آمدند و بحث را شروع می‌کردند و تذکر و نصیحت را ارائه می‌دادند، آن‌چنان در دلها اثر گذار بود که کمتر کسی در مجلس بود منقلب نشده باشد. در هر صورت آنچه امروز برای ما ضایعه است، فقدان این عالم جلیل القدر است با خدمات ارزشمند علمی، فرهنگی و اجتماعی که واقعاً باید بگوییم ما امروز شخصیتی را از دست دادیم که به تعبیر روایات ما «لا یسلدها شیء» هیچ چیزی نمی‌تواند جبران کند و با آن صفای باطنی و تاثیر کلامی که این شخصیت داشت، امروز برای ما دردناک است.

این ضایعه دردناک را به محضر مبارک بقیه الله الاعظم - ارواحاله الفداه - و به پیشگاه مقام معظم رهبری - مدظله العالی - مراجع تقلید، حوزه‌های علمیه، روحانیت، اساتید و دانشجویان عزیز و مردم ولایتمدار استان لرستان بویژه به بازماندگان این مرحوم فقید تسلیت عرض می‌کنم. از خداوند متعال آمرزش و مغفرت برای ایشان و صبر و اجر برای همه مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته.

مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حمید عیدی استاد دانشگاه‌های استان لرستان

● بفرمایید کجا و چگونه با مرحوم آیت الله قاضی آشنا شدید؟

اینجانب از دوران کودکی با مرحوم حاج شیخ مهدی قاضی آشنا شدم. ما در یک محله زندگی می‌کردیم، درواقع با هم بزرگ شدیم؛ گرچه من دو یا سه سال از وی بزرگتر بودم.

درباره آشنایی این جانب با آقای قاضی، باید عرض کنم چون از اوان طفولیت با هم در یک محله و یک کوچه بزرگ شدیم، هنگامی که تعدادی از دانش آموزان خرم‌آباد برای تحصیل درحوزه علمیه عازم قم شدند، ما باهم بودیم. تعدادی از بچه‌های خرم‌آباد از جمله، ایشان به قم رفتیم و مدت هشت سال تمام در قم با هم تحصیل کردیم.

● در سال ۱۳۲۲ تا ۱۳۳۰ که در قم بودید، اساتید آقای قاضی (ره) چه کسانی بودند؟

در آن زمان مدرسین فراوانی در قم تدریس می‌کردند، از جمله امام (ره) درس اخلاقی داشت که تعدادی از طلبه‌های جوان شرکت می‌کردند. از درس اخلاق امام هم مدتی بهره مند شدیم.

● کدام درس‌ها را با کدام اساتید گذراندند؟

در درس آیت‌الله صدوقی و مرحوم آیت‌الله سلطانی طباطبایی و مرحوم آیت‌الله کمالوند و دیگران، با هم شرکت داشتیم و تحصیل می‌کردیم. نهایت تا سال ۱۳۳۰ در قم بودیم. سال ۱۳۳۰ مرحوم آیت‌الله کمالوند به دستور آیت‌الله بروجردی، حوزه علمیه خرم‌آباد را تجدید حیات کرد، و به آن رونق داد و آن را تکمیل نمود. از جمله کسانی که با ایشان از قم به خرم‌آباد مراجعت کردند، آقای آیه الله قاضی بود. البته ما نیز برگشتیم

خرم‌آباد. مرحوم آقای قاضی جزء آن کسانی بود که در تجدیدحیات حوزه علمی و همکاری با آیت‌الله کمالوند همکاری جدی و صمیمانه داشت.

● با توجه به اینکه شما از احوال دوران جوانی و نوجوانی آقای قاضی خبر دارید انگیزه ورود ایشان به حوزه چه بود؟

من خود شخصاً علاقه‌مند بودم و در ذهنم بود که باید وارد این لباس بشوم؛ جریانی رخ داد و آزادی منبر به وجود آمد و مبلغین از قم برای تبلیغ آمدند یکی از مبلغینی که بسیار مردی جدی بود، علاقه داشتند تعدادی طلبه انتخاب کنند لذا با اولیای بچه‌ها، تماس مستقیم گرفتند؛ پدر من، پدر آقای قاضی و دیگران... و با خود ما نیز مکرر صحبت کردند و ما را ترغیب به رفتن به قم نمودند. وجود آن روحانی عزیز و تبلیغات چند ساله او در خرم‌آباد، در ایام عزاداری محرم و صفر و ایام ماه رمضان موجب شد تعدادی حدود ده تا دوازده نفر از دانش آموزان خرم‌آباد برای رفتن به قم ترغیب شدند افزون بر آن آقای قاضی در خانواده‌ای بزرگ شده بود که خودشان در اصل و از ناحیه جدشان ریشه روحانی داشتند. دو روحانی بزرگ در نجف داشتند که یکی از آنها پس از برگشتن در خرم‌آباد زندگی کرد و در همین شهر از دنیا رفت که مزار ایشان در قبرستان خضر است. این مزار مقبره‌ای باشکوه دارد.

● شما به عنوان جوانانی مذهبی تحصیل کرده و روحانی، در سال ۱۳۳۰ به شهر خرم‌آباد برمی‌گردید، خوب در آن سال دسته‌جات و احزاب مختلفی در این شهر فعال بودند. از نحوه مبارزات آقای قاضی در آن سال‌ها برایمان بفرمایید.

وی مبارزه داشت. دارای روزنامه‌ای بود که در آن مقاله می‌نوشت. تحت تعقیب نیز قرار گرفت. او در مبارزه با افراد به اصطلاح مخصوص جدی بود. «صدای لرستان!» و «ندای لرستان». دادستان وی را تعقیب کرد و ایشان مدتی از خرم‌آباد خارج گشت تا قضیه حل شد. به هر حال با افراد مخالف اسلام مبارزه می‌کرد.

● خیلی‌ها معتقدند شخصیت اقتصادی و اجتماعی مرحوم قاضی بر شخصیت روحانی و علمی وی غلبه داشته است. آیا این قضیه را قبول دارید؟

من نیز معتقدم ایشان از نظرشم اقتصادی واجتماعی و سیاسی خیلی قوی بودند. شاهد عرضم تأسیس دبیرستان علوی بود که با وضع عجیبی بسته شد و جلوی آن گرفته شد. در آنجا دانش آموزان خوبی آموزش می‌دیدند اصول آموزش نیز فقط اسلام و دین بود و دانش آموزان را خوب تربیت می‌کردند. دبیرستان علوی علامت و نشانه این اندیشه بود. ایشان در تأسیس ساختمان فاطمیه نیز نقش عمده‌ای داشت. فاطمیه زمینی خالی بود و ملک خانمی بود. او نیز ملک را نمی‌فروخت. ما با چند جلسه گفتگو، آن خانم را راضی کردیم تا زمین را در اختیارمان گذاشت. البته مرحوم حاج نبی مصطفی زاده، بیشتر مخارج ساختمان را متقبل شد. ولی در ساختن و راه اندازی و تامین و برنامه‌های مختلف آن آقای حاج شیخ مهدی قاضی نقش موثری را ایفا کردند. افزون بر این، آن مرحوم، در تأسیس حوزه علمی و کمک به آیت‌الله کمالوند نقش عمده‌ای داشت. بالاتر از این، وقتی مرحوم آیت‌الله کمالوند از دنیا رفت، وی مدتی مدیریت حوزه علمی را برعهده گرفت و وجوهات به دست او می‌رسید. می‌توان گفت جنبه اداری حوزه بعد از مرحوم آیت‌الله کمالوند بیشتر به عهده ایشان بود.

● شما یک جمله فرمودید از نظر شخصیت اقتصادی ایشان.

وی از نظر خدمت به مردم نمونه بود. مدت‌ها خرم‌آباد از نظر برق ضعیف بود. برق نداشت. ایشان دودستگاه تولید برق با همکاری برادرش و با هزینه خودشان آوردند و مدت‌ها برق خرم‌آباد را تامین و اداره کردند. یک اداره برق خصوصی را راه اندازی کردند. از این گذشته، شهرک سازی قاضی آباد را ملاحظه کنید هیچ کس چنین جرأتی ندارد این همه ساختمان بسازد و به مردم بدهد. روزی در اتاق کارش بودم. پرونده‌ای رومیزش بود پر از کاغذ، پرسیدم چیست؟

گفت: اسناد بدهکاری افرادی است که ازمن خانه گرفته اند. مقداری داده‌اند و بقیه پولش را نمی‌دهند. می‌خواهم که این باقی مانده‌ها را بگیرم. مدارک زیادی از چندین نفر داخل آن پوشه بود. گفت این‌ها ازمن زمین اقساطی درقاضی آباد خریده اند، یک قسط داده‌اند وباقی مانده اقساط را نمی‌دهند ومن می‌خواهم اقساط باقی مانده را ببخشم. بسیاری ازافراد درقاضی آباد دارای خانه شدند و ایشان از آنها پول نگرفت. از این رو باید گفت که وی نقش عمده‌ای دراقتصاد مردم و به خصوص شهر خرم‌آباد داشت.

سرمایه داربودن واقتصادی بودن وی به خانواده ایشان مربوط بود، زیرا درخانواده مالک و ثروتمندبزرگ شده بود. این مطلب اشاره خوبی است که عرض کنم صرف نظر ازهمه جنبه‌ها، جدۀ بزرگوار مرحوم قاضی، خانمی به نام «آغا مریم» بوده که درکتاب یادگار عمر این مطلب را ذکر کرده‌ام و من آن خانم را ندیدم، پدرم دیده بود. مرحوم «آغا مریم» زمانی که خرم‌آباد از نظر نظافت و بهداشت، مشکل داشت حمامی با سرمایه خود می‌سازد و دراختیارمردم می‌گذارد. مدت‌ها حمام آغامریم دایر بود و مردم از آن استفاده می‌کردند. این کار در آن روزگاران اقدام مهمی است.

خودحاج آقا رضای قاضی پدر حاج شیخ مهدی قاضی(ره) نیز مرد بسیارخیرّی بوده. وی نیز و مثل مادرش حمامی بنا می‌کند به نام حمام آقارضا. مدت‌ها این حمام دایر بوده و هم اکنون جایش را به ارشاد داده است. این کتابخانه ارشاد کنارپل حاجی، قبلاً، حمام بوده است. سال قحطی(۱۳۲۰) را یادم هست که بنده درآن زمان ۱۸ساله بودم؛ در خرم‌آباد نان و آرد و هیچ مواد خوراکی نبود، مردم از گرسنگی می‌مردند. شب می‌خوابیدیم، صبح که به خیابان می‌رفتیم، ده - بیست تا سی جنازه کنارکوچه‌ها وبازار افتاده بود. حاج آقارضای قاضی، پدرحاج شیخ مهدی نان پزی(ساج) دایر کرده بود. چند خانم نان پز را به کارگرفته بود وبه اندازه کافی آرد و خمیرتهیه می‌کرد. با پول خودش

آرد می‌خرید وآن خانم‌ها نان می‌پختند و ظهر و شب به مردم می‌دادند. مردم دوسال تمام می‌آمدند درخانه حاج آقارضاقاضی صف می‌کشیدند ونان رایگان می‌بردند.

حد یقین یک سال ونیم قحطی درخرم‌آباد دوام داشت. اما خانواده قاضی خانواده‌ای تاجر و ثروتمند بودند و به مردم کمک می‌کردند. پدرحاج آقا شیخ مهدی قاضی مردی بسیارخیرّ و مشوّق ما برای رفتن به قم بود. حاج آقا رضا قاضی فردی خوشفکر! و واقعاً مبتکر بود وما درمشکلات به او مراجعه می‌کردیم.

● **بعدازمرگ آیت‌الله کمالوند اشخاصی داعیه ریاست برحوزه را داشتند. این قضیه به چه شکل بود؟**

بعداز مرگ آیت‌الله کمالوند، ما به کمک دوستان، در اندیشه بقای حوزه بودیم، کسی نبود که بتواند حوزه را اداره کند. اداره کردن آن مشکل بود و می‌بایست مردم اگر وجوهی بپردازند به کسی بدهند که به اواطمینان داشته باشند. مسئله مهمی بود و هرکسی نمی‌تواند پول از مردم بگیرد و به طلبه‌ها بدهد.

شخص بازاری که بخواهد وجوهی بدهد، باید به کسی پرداخت کند که مورد اعتمادش باشد و چون آیت الله قاضی ازخود ثروت داشت، کسی در این اندیشه نبود که وی پول‌ها را به مصرف شخصی خودش برساند.

● **مرحوم آیت الله قاضی ازاموال شخصی خود در حوزه و درراه اسلام نیز استفاده می‌کرد؟**

درمواقع ضروری این گونه بود. یادم هست وقتی می‌خواستیم دانشگاه لرستان را تاسیس کنیم، من جزء اشخاصی بودم که رفتم تهران، و در سال ۱۳۵۵ اجازه اش را گرفتیم. وقتی ما درتنگنا قرار گرفتیم، مرحوم حاج آقای قاضی در قاضی‌آباد برای دانشگاه لرستان، ساختمانی داد و تا مدتی دانشگاه لرستان در قاضی‌آباد بود.

● وقت شما را گرفتیم، در پایان اگر خاطره‌ای از دوران رفاقت با مرحوم قاضی دارید بفرمایید؟

من از ایشان بسیار خاطره دارم. مرحوم حاج آقا کمالوند در قم روزه داشتند، اکثر شب‌های جمعه، امام می‌آمدند روزه حاج آقا کمالوند و ما چند جوانی که از خرم‌آباد به قم رفته بودیم، کارگردان و تدارکاتچی روزه بودیم؛ یعنی چای درست می‌کردیم و به مردم خدمت کردیم. همه آن لحظه‌ها برای ما خاطره بود.

مصاحبه با حجت‌الاسلام و المسلمین محمد روشن از اعضای جامعه روحانیت خرم‌آباد

● نحوه آشنایی شما با مرحوم حاج آقای قاضی چگونه بود؟

آشنایی من با حاج آقا قاضی بعد از ارتحال مرحوم آیت‌الله کمالوند اتفاق افتاد. آیت‌الله کمالوند چهره علمی، سیاسی بود که ریاست حوزه علمیه خرم‌آباد را برعهده داشت. در آن تاریخ من در قم زندگی می‌کردم تا روزی که ایشان فوت کردند. بعد از فوت ایشان، حرکت‌هایی سیاسی شروع شد برای اینکه فردی را بیاورند و ریاست حوزه را عهده دار شود. ریاست حوزه جنبه‌های مختلفی داشت. گاه فقط بحث حوزه مطرح بود، گاه وضعیت سیاسی خود شهر. در آن زمان خرم‌آباد به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شد. در بُعد وابستگان به امام و روحانیت مرحوم آیت‌الله قاضی بود، می‌خواستند وی را به عنوان فردی که می‌تواند بعد از مرحوم آیت‌الله کمالوند حوزه را اداره کند، معرفی کنند. گروهی به قم خدمت آقایان رفتند از جمله افرادی که اسامی را خدمت شما بیان خواهم کرد. در نتیجه، بعد از اینکه آیت‌الله قاضی را برای این کار تعیین کردند، خدمت مراجع قم رفتند. از مراجع قم نیز در آن زمان آیت‌الله شریعتمداری بود و دائماً خدمت این افراد رفتند و صحبت کردند. چهره‌های معروف شهر: آقای گلپایگانی، آقای مرعشی و حضرت امام (ره) بودند. آیت‌الله گلپایگانی تعبیری داشت که فرموده بود من پیشنهادی به شما می‌دهم؛ شما بروید، اگر بخواهید همه ما را یکنوا و یکصدا کنید شاید مقدور نباشد و پیامدهای بدی داشته باشد. لذا آمده بودند خدمت مرحوم امام، ایشان هم آقای قاضی را با شهادتهایی که دیگران داده بودند و شناختی که قبلاً از ایشان داشتند، برای این مسأله انتخاب کردند. امام آن زمان اجازه مختصری داد، که ایشان حوزه را اداره کند. در زندگینامه امام به نامه‌ای که برای مرحوم جزایری نوشته، اشاره شده است که شما آقای

قاضی را حمایت کنید. آقای قاضی آن موقع هنوز به عنوان نماینده امام مطرح نبود. به عنوان فردی روحانی در اینجا حوزه را اداره می‌کرد، مدتی از این قضیه گذشت تا اینکه حکم بعدی امام در مورد وی این شد که آقای قاضی به عنوان نماینده مرحوم امام شناخته می‌شوند. من تصویرهایی از آن حکم امام گرفتم. حتی تعداد افرادی که در آن زمان فعالیت داشته‌اند و حضور داشته‌اند مشخص است.

آیت‌الله صادقی از جمله افرادی است که آن زمان حضور داشته و توانسته است که مدرسه را اداره کند، حالا من برای نمونه خدمتان عرض می‌کنم. افرادی که برای پیگیری این مسأله به تهران رفتند عبارتند بودند از: صادقی، عبودیت، مجلسی، قاضی، نورالدین رحیمی، عابدین صدیق تا بتوانند آقای قاضی را در واقع به عنوان مسئول حوزه انتخاب کنند.

حاج سید مجتبی موسوی قبلاً سردفتر بوده، حاج سید مرتضی موسوی کارخانه دار و مرحوم شیخ عابدین صدیق، داماد آیت‌الله کمالوند، حاج حسین صدیقی کارمند است، ایشان به عنوان رئیس حوزه مشغول به کار شدند از سوی دیگر آقای قاضی یک چهره‌ی اقتصادی نیز بود، آن زمان کارخانه برق را داشت و درگیری‌های آن‌چنانی که مشکلات عدیده‌ای داشت ولی با این همه، روزانه چند ساعت وقت می‌گذاشت و به حوزه می‌آمد.

به خاطر کارخانه برق مشکلات عدیده‌ای که داشت و روز به روز شهر رشد می‌کرد و برق تقاضا می‌کرد و ایشان از بودجه آن‌چنانی برخوردار نبود که یک موتور دیگر اضافه کند.

دائماً با مشکلات خاموشی گرفتار می‌شد و باعث شده بود که آقای قاضی نتواند به صورت تمام وقت در حوزه حضور داشته باشند. این امر سبب شد که آقای قاضی در صدد باشد که بتواند شخص دیگری را در سمت ریاست حوزه جایگزین خود بنماید. زمانی که من خرم‌آباد بودم این وضعیت پیش آمده بود. بعدش جریان قم و مدرسه فیضیه

و قضایای سال ۴۱ و بعد مسائلی که خود در مدرسه فیضیه شاهد آن بودم و با تعطیل شدن فیضیه من نیز هجرت کردم و به خرم‌آباد آمدم.

مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) در صدد بود حوزه را به شکل بهتر و بالاتری اداره کند. اولین کاری که کرد سخنرانان مختلفی را به خرم‌آباد دعوت کرد. مثل آیت‌الله آقای سبحانی، حضرت آیت‌الله مکارم، خطیب توانا حجت الاسلام و المسلمین فلسفی، به عنوان‌های مختلف اینها را می‌آورد و وارد شهر خرم‌آباد می‌کرد. همچنین مدرسینی مانند آیت‌الله اشتهاردی چهره‌ای که آثار قلمی فراوانی داشت و آقای صدیقین را وارد خرم‌آباد کرد تا در واقع حوزه را زنده نگه دارند، ولی مرحوم آیت‌الله آقای قاضی در صدد بود شخصی را بیاورد و وارد حوزه کند. آن زمان من در تهران مهدیه آقای کافی جلسه قرآنی داشتم که به سبک تخته سیاه که تازه در کشور مرسوم شده بود؛ شش نفر بودیم که در مهدیه آقای کافی شبهای رمضان کلاس داری می‌کردیم. تا قصه معاودین پیش آمد و دولت عراق برخی از طلاب ایرانی را بیرون کرده بود. این طلاب در بین ما در رفت و آمد بودند که یک سید محترمی در بین آنها بود. ما از آقای کافی پرسیدیم این سید کیست؟ گفت: این آقای مدنی است.

آقای قاضی نیز در تابستان عده‌ای را به همدان فرستاد در منطقه‌ای از همدان به عنوان «دره مراد» که در آنجا حسینی و بیمارستانی ساخت و درمانگاهی به نام امام زمان ایجاد کرد و تشکیلات خاص داشت. عده نیز به درس ایشان رفتند و با وی صحبت کردند و آقای مدنی پذیرفت به خرم‌آباد بیاید.

آقای قاضی چند سالی در کنار آیت‌الله شهید مدنی بود. ایشان را کمک می‌کرد و پشتوانه آقای شهید مدنی بود.

در همین ایام، مرحوم قاضی شروع به اعزام طلبه‌ها به روستاهای لرستان نمود،

• یعنی مبتکر این قضیه در استان آقای قاضی بود؟

قبلاً به صورت غیر رسمی وجود داشت، ولی مبتکر اصلی این کار در استان لرستان آقای قاضی بود که طلبه‌ها را به روستاها می‌فرستاد و بر این امر اصرار داشت از جمله افرادی که بارها مکرراً به روستاها می‌رفت، بنده بودم که مسائل ابتدایی و شرعی را برای اهالی بیان می‌کردم. آقای قاضی می‌گفت اگر فقط ظاهر شما هم درست باشد خودش تبلیغ است و انصافاً موثر نیز بود.

آقای قاضی با آن بُعد وسیع فکری که داشت در آبادگری شهر و استان، شروع به کار کرد. متأسفانه کسانی که از حضور وی ناخرسند بودند، شروع به کار شکنی کردند و بیشتر آنها نیز از سوی ساواک تحریک و ترغیب می‌شدند. آقای قاضی هم جنبه علمی و حوزوی داشت و هم از جنبه مادی داشت و هم از قدرت عبادی برخوردار بود. لذا دولت و ساواک نمی‌توانستند علناً با وی درگیر شوند.

یادم هست که در اطراف حوزه با تحریک همان آقایان، کلاه طلبه‌ای را از سرش برداشته بودند. وقتی این خبر به آقای قاضی رسید، ایشان در همان حالش که در ایوان نشسته بود، دستور داد بروید به عبدالرحمن (یکی از برادران مرحوم قاضی بگویید بیاید. اما آنها قبل از رسیدن عبدالرحمن آمدند و عذرخواهی کردند. در آن طرف، بحث ساواک مطرح بود اما قدرت ساواک در برابر قاضی که در بین جامعه مقبولیت فراوانی داشت خیلی کم‌رنگ بود. هم قدرت خودش بود هم قدرت عبدالرحمن (برادرش که نباید نقش ایشان را در همراهی آقای قاضی نادیده گرفت).

از حرکت‌های دیگر آقای قاضی در خرم‌آباد بُعد ولایت‌مداری و علاقه مندی به حضرت امام بود. این روحیه باعث شد که با تمام نسبت به امام مایه می‌گذاشت. بعضی وقتها من به شوخی می‌گفتم آقا این قدر به امام تلفن می‌زنی ساواک گوش می‌دهد. در پاسخ می‌گفت «ولو بلغ مابلغ» هر چه بادا باد. در نتیجه این فعالیت‌ها دستگیری طلاب آغاز

شد. دستگیری طلاب زائیده حمایت آقای قاضی از طلاب و آگاه کردن طلاب به وسیله شهید مدنی بود که در واقع مکتب و هدف امام را تشریح و در جمع آنان منتشر می‌کرد. در گیرودار تبعید و بازداشت طلبه‌ها، طلاب و خانواده هایشان با مشکلاتی مواجه می‌شدند.

در این واقع آقای قاضی از لحاظ مشکلات مالی و اداری پشتوانه محکمی برای طلاب و خانواده‌های آنان به شمار می‌آمد.

من خود سال ۵۴ که دستگیر شدم و مدتی زندان بودم، در این مدت بچه‌ها و خانواده مرا آقای قاضی اداره و تامین می‌کرده است. و حتی ایشان پیگیر آزادی من بود که موفق شد بعد از ۶ ماه حکم تبرئه مرا از دادگاه بگیرد، البته نه به صورت علنی، بلکه از طریق نفوذی که داشت این کارها را انجام می‌داد. حتی خرجی راه مرا از تبعیدگاه تا مرکز، ایشان تأمین کرد.

آن مبلغ را هم در بین راه خرج کردم؛ بعد از چند روز اقامت در زابل شخصی آمد و با میزبان ما صحبت کرد و هزار تومان به من داد و گفت این را آقای قاضی برای شما فرستاده است. روز بعد نیز آمد و گفت هزار تومان دیگر به من داد که بعدها یکی از کارکنان دفتر آقای قاضی گفتند: ما چند روز با تجار و بازاریان تهران گفتگو کرده ایم تا بتوانسته ایم رابطی در زابل پیدا کنیم که این پولها را به دست شما برساند. یعنی تا این اندازه پیگیر مسائل طلبه‌ها بود. مسائل دادگاه نظامی و ساواک و شهربانی به جای خود تا این حد مسائل را پیگیری می‌کرد.

من تنها نبودم امور همه طلبه‌هایی که تبعید و بازداشت می‌شدند، پیگیری می‌کرد. این گوشه‌ای از زحمات آقای قاضی است که انصافاً زبان و بیان ما در بازگو کردن حرکت‌های ایشان قاصر و ناتوان است.

• خیلی‌ها معتقدند که شخصیت و بعد اقتصادی ایشان بر جنبه علمی و حوزوی ایشان غلبه داشته است، آیا این نظر دست است؟

شاید به خاطر این مشاغل بود که نتوانست به شکل کامل به تحصیل در حوزه ادامه دهد هرچند مطالعه داشت و مسائل حوزه را پیگیر بود، وی به شخصیتی توانمند تبدیل شده بود که از سرمایه اش در راه اسلام و انقلاب بسیار هزینه کرد.

برگردم به بُعد دیگری از فعالیت‌های ایشان در شکل‌گیری انقلاب تا آن جا که انقلاب پیروز می‌شود، او هم دستگیر می‌شود و هم از تبعیدی‌ها و زندانی‌ها بخوبی حمایت می‌کند.

و در شوراندن مردم بر ضد رژیم، نقش موثری دارد. وی بیشتر سب به راه افتادن تظاهرات و راهپیمایی‌ها بود با این که گرفتاری فراوانی در پی داشت و پیامدهایی این موضوع می‌توانست برای او داشته باشد.

کسی این همه سرمایه‌گذاری کند چه در کارخانه برق، چه شهرک‌سازی و سپس با رژیم و حکومت مبارزه کند که معنایش مبارزه با سرمایه خویش است. پس از ورود امام به ایران به عنوان حمایت از امام حرکت‌های زیادی انجام داد.

• از نقش آقای قاضی در پیروزی انقلاب در لرستان و ثبت آن پس از پیروزی بیشتر صحبت بفرمایید؟

آقای قاضی در بحرانی قرار داشت که کارخانه برق را به دولت فروخته بود، از سوی دیگر شهرسازی را در قاضی آباد شروع کرده بود. قاضی آباد بیابانی خشک و بی آب و علف بود که کشاورزی نداشت. آقای قاضی آن منطقه را آباد کرد. تعداد زیادی نیرو صاحب کار شدند. ایشان ماشین آلات شهرسازی را وارد کار کرد که این کار خود اشتغال زایی بود و هم عده زیادی صاحب مسکن شدند.

در کنار این امور در سطح شهر، چهره‌هایی صاحب نامی بودند که سابقه نمایندگی امام را دارا بودند، سابقه کاری شان اثر گذار بود. که اگر نامه‌ای می‌نوشت یا پیغامی

می‌داد، دیگران روی نامه و پیغام ایشان حساب می‌کردند. در آن زمان خرم‌آباد چند نقطه چماق به دست داشت که اشاره ایشان کافی بود که چماقهایشان را کنار بگذارند و شاید هم اشارات ایشان باعث ختم همین مسائل شد.

در ماجرای تبعید امام و مدرسه فیضیه وقتی که چهلم‌ها شروع شد آقای قاضی دائماً بین جمعیت بود و من خود در همان راهپیمایی‌ها دستگیر شدم. حضور آقای قاضی در اجتماعات و در ساماندهی تظاهرات چه در قاضی آباد و چه در خیابان علوی همیشه پر رنگ بود. محرک اصلی همه ما در این جریانات آقای قاضی بودند. آقای سید فخرالدین رحیمی و آقایان دستگیر به تبع ایشان در پیروزی انقلاب و در جریانات خرم‌آباد بسیار اثر گذار بودند. ولی تمام اینها با محوریت آقای قاضی انجام می‌شد.

با به ثمر رسیدن انقلاب می‌بایست ساماندهی‌ها به شکل دیگری انجام می‌شد که ایشان دستور تشکیل سپاه را داد.

در واقع تشکیل سپاه یکی از این ساماندهی‌ها به حساب می‌آمد. نخست کمیته بود. کمیته را با مدیریت آقای قاضی تشکیل دادیم و خود آقای قاضی روحانیت شهر را هم اداره می‌کرد. آقای محسنی و آقای سعیدی و چند نفر دیگر امور کمیته را در دست گرفتند. مقر اصلی کمیته همین مکان دانشگاه لرستان، زیر قلعه فلک الافلاک بود. عده‌ای از بازاریان و مسلمانان اعتراض کرده بودند که این آخوندها اینجا چه کار می‌کنند؟ آقای قاضی نیز با عصبانیت پاسخ داد که این آقایان انقلاب کرده‌اند و خودشان نیز می‌خواهند این انقلاب را اداره کنند. تا حالا کجا بوده اید؟

آنها فهمیدند که اصل آقای قاضی است و باید از بین ببرند و کاری کردند که آقای قاضی دیگر نتوانست در خرم‌آباد بماند. ولی نخستین کاری که او کرد کمیته‌ها را فعال کرد و با همه این مخالفت‌ها از طرف مردم و باقی مانده‌های ساواک و برخی از طلاب و روحانیون، او کمیته را تشکیل داد و اعلام کرد در هر منطقه کمیته‌ای تشکیل شود. ما بعد

آن به دست آوردیم و افرادی را که دستگیر می‌کردیم به اصفهان می‌فرستادیم. آقای قاضی از این جریان نیز با موفقیت عبور کرد.

بعد از این امور، ساماندهی خانواده شهدا بود. بنیاد شهید که هنوز تشکیل نشده بود. خود آقای قاضی خانواده شهدا را تامین می‌کرد. متأسفانه نشریه «پرسشگر» شننامه‌ای بود که توسط عده‌ای بر ضد آقای قاضی نشر می‌گشت. شاید از جمله عواملی که باعث شد آقای قاضی در خرم‌آباد نماند فشار همان «پرسشگر» بود.

در مقابل، آقای قاضی به ما سفارش می‌کرد که درست است که فلانی به ما ناسزا می‌گوید، اما گرفتار است هوایش را داشته باشید. در این بحران در نورآباد درگیری پیش آمده بود با تعدادی حدود شصت یا هفتاد پاسدار به نورآباد رفتیم تا از آن حرکت و کشتار جلوگیری کنیم. شعار همه این بود: آقای قاضی ساماندهی کن، آقای قاضی پول بده، آقای قاضی غذا بده، آقای قاضی اداره کن، هم بُعد معنوی و هم بُعد مادی جریانات را به خوبی اداره می‌کرد.

• درست است که سرمایه حاج آقا قاضی به روحانیت، امنیت شهر، ابعاد معنوی انقلاب کمک کرده آیا در دهه شصت تلاش صورت نگرفت که دوباره ایشان را به خرم‌آباد برگردانید و آن پویایی دهه پنجاه را ادامه دهید؟

آقای قاضی وقتی از اینجا رفت انسانی آواره نبود که در این فکر باشیم او را برگردانیم، چون وی که از خرم‌آباد رفت در پست‌هایی قرار گرفت که استان لرستان، در برابر ایشان کوچک می‌نمود. به معاونت قوه قضائیه و بعد از قوه قضائیه، بنای دانشگاه قم را در پیش گرفت. نقص بود بیاید در در جای بسیار بسیار کوچکتری مشغول به کار شود.

روزی به او گفتم حاج آقا به خرم‌آباد سربزنید. گفت آنقدر اذیت می‌شوم که وقتی به دیدن مادر می‌آیم شبانه می‌آیم و شبانه بر می‌گردم. یعنی به اندازه‌ای او را اذیت کرده بودند، حتی حاضر نبود روز وارد این شهر شود.

از فتوای امام اسلحه‌های زیادی تهیه کردیم و در زیر زمین فاطمیه جمع آوری کردیم و حتی گلوله‌های خمپاره و ۱۰۶ آوردند. یک شب وحشت کردیم اگر انفجاری رخ دهد چه بلایی بر سر منطقه می‌آید؟ ایشان با ارتش بابا عباس تماس گرفت و آنها را تحویل آنجا داد. متأسفانه کمیته‌ها منطقه بندی شد و لذا آقای قاضی به این فکر افتاد که سپاه بیاید و رسمیت بیشتری داشته باشد.

در تاریخ ۵۸/۳/۲۳ آقای محسن رضایی و عده دیگری به آنجا آمدند و چند نفر از ما را به عنوان مسئولان اولیه شورای فرماندهی سپاه انتخاب کردند. سپس به تهران مراجعت کردند در تاریخ ۵۸/۴/۳ حکم مسئولیت سپاهی ما را صادر کردند. توجه داشته باشید که آقای قاضی در اینجا چه نقش داشتند. در اینجا سرمایه آقای قاضی کار آمد شد. بروجرد و درود نا امن بود، در بروجرد کمونیست‌ها فعال شده بودند و در درود شاهنشاهی‌ها و سلطنت طلب‌ها کار می‌کردند و دیگر بومیان استان خودمان دست به غارت می‌زدند، ولی جنبه سیاسی و حزبی نداشتند. می‌خواستند اموالی بیابند و اسلحه‌ای ببرند. آقای قاضی عده‌ای از سپاهیان را به بروجرد فرستاد و مدتی حقوق این افراد را خودش پرداخت می‌کرد. آن موقع آقای محسنی نمی‌خواست این پولها را تقسیم کند. یک روز آقای قاضی با عصبانیت به آقای محسنی گفت این افراد کار کرده‌اند حقشان است و من به اینها پول می‌دهم که بعد از عصبانیت آقای قاضی، آقای محسنی قانع نمی‌شد و من پولها را می‌بردم و بین بچه‌های سپاه در آن مناطق تقسیم می‌کردم. با این حال عده‌ای از سپاهیان آن زمان پول نگرفتند و گفتند این وظیفه ماست و ما از دولت از این بابت پول نمی‌گیریم. آقای قاضی این گونه آرامش استان را بعد از انقلاب تامین کرد.

در درود هم وضعیت نابسامان بود. من مسئول تحقیقات اطلاعات بودم. جریان نوژه به وجود آمد باز هم با کمبود نیرو و امکانات مواجه شدیم. آقای قاضی با هزینه کردن ساماندهی می‌کرد. ما یک شاخه از آن جریانه‌ها را در الیگودرز شناسایی کردیم، سرنخی از

• بعد از رفتن از خرم‌آباد حمایت‌های ایشان از حوزه قطع شد؟

یقیناً به حوزه و شهر اشراف داشت. حمایت وی از روحانیت در اینجا بسیار موثر بود، ولی سخن خودش این بود که من دیگر رسماً وارد جریانهای استان نمی‌شوم چون من از استان رفته‌ام. ولی نفس گرم وی بر تمام امورات حوزه و شهر اثر گذار بود. ملاحظه کنید یک پدر توانمندی در یک گوشه بنشیند و کاری هم نکند، ولی بچه‌ها راه پدر را پیدا می‌کنند و دستورانش را اجرا می‌نمایند، گاهی هم اشتباه می‌روند، ولی نظر او را به خوبی اجرا می‌کردند.

• می‌توانیم بگوییم بعد از انقلاب و بعد از هجرت ایشان بعد علمی وی باز بر ابعاد اقتصادی شخصیتی وی غلبه کرده است؟

من این تعبیر را به این شکل خدمتان عرض کنم که آقای قاضی بعد از انقلاب مدیر پخته‌ای بود که قدرت مدیریت بالایی داشت و از بعد مدیریت واقعاً سودمند بود. مدیریت بود که در تمام دوران انقلاب نیروهای زیادی از نظراتش بهره‌مند می‌شدند.

آقای قاضی در تمام این دوران که من در خدمتشان بودم از وجوهات استفاده نکرد، از پول دولت استفاده نکرد. حتی از سرمایه شخصی خودش هم بسیار مایه گذاشت؛ گاه می‌شد می‌رفتیم نزد ایشان نیاز به تلفن داشتیم. تلفن همراه که نبود. می‌گفت: فلانی این تلفن مال خودم هست هر جای دنیا را می‌خواهی بگیری و صحبت کنی در اختیار شماست، ولی بقیه مال من نیست. خود کار خودش جدا و از بیت المال جدا بود. لباسش، ماشینش از وجود خودش بود نه از دانشگاه کسی که این دانشگاه با عظمت را اداره کرده می‌توانستند خیلی راحت ماهانه مبالغ زیادی را حق مدیریت بگیرد، ولی در این موضوع تا جایی که من اطلاع دارم یک ریال دریافت نکرد.

از دیگر خیرات و برکات وجودی ایشان همین مسجد «الغدیر» قاضی آباد است. مسجدی با عظمت و بی نظیر در شهر و استان است که با وجود ثلث اموال مرحوم حاج شیخ علی اصغر قاضی (ره) برادر ایشان در حال ساخت است.

• ضرورت و کار کرد مدرسه علوی را در آن زمان کمی تشریح بفرمائید؟

در خصوص این مدرسه که اشاره کردید من مقداری اطلاع دارم، به عرضتان می‌رسانم. در خرم‌آباد، برگردید به قبل از انقلاب نام مدارس و دبیرستانهای خرم‌آباد گویای جایگاهشان است. محمد رضا پهلوی، رضا شاه، پور اندخت و امثال اینها ... در قبال اینها این شهر مدرسه با دبیرستانی که توانسته باشد بعد معنوی مردم را عهده دار شود، جایگاهی نداشت.

شاید یکی از بزرگترین خدمتهایی که آقای قاضی به این شهر کرد، همین مدرسه علوی باشد. این مدرسه برای کسب سود و بهره نبود، بلکه نیرو سازی کرد که هم اکنون تعداد زیادی از نیروهای مملکت از آثار همین مدرسه است. چقدر موثر بود که در خانه رئیس ساواک، پسر رئیس ساواک بر ضد پدرش باشد، فرزند فرمانده لشکر یا رئیس دادگستری می‌بایست در یک جایی سالم درس بخواند که سالم بار بیاید آن دبیرستان علوی بود.

خود این امور در واقع عاملی بود که دین وارد خانه آنها شود و همین باعث ریختن زندگی آن‌چنانی آنها شود. این موارد، از آثار مدرسه علوی بود. و همین مدرسه افرادی نظیر مثل محمد کریم محسنی را به‌عنوان تربیت کننده دانش آموزان به خود جذب کرده بود.

شما فکر کنید که انسان باید چقدر سرمایه گذاری کند، وقت بگذارد که در آن بحران این گونه نیروهای مکتبی و مذهبی پرورش بدهد. آقای قاضی در آن زمان این کار

می‌توانستم با وی درگیر شوم، ولی او نمی‌توانست با من درگیر شود. فقط می‌توانست غیبتی نسبت به من داشته باشد. ولی حاج آقا قاضی گفت من آنقدر سر راه این شخص نشستم و به وی سلام کردم که با دو دست بر سر خود زد و گفت مرا از رو بردی. به این شکل حتی افرادی که نسبت به او بدی گفتند و تهمت می‌زدند، را مورد لطف قرار می‌داد. خیلی از افراد باید در آن دنیا در برابر تهمت هایی که به این شخصیت بزرگ وارد کرده‌اند، جوابگو باشند.

• در پایان اگر سخنی باقی مانده، پذیرا هستیم؟

ایشان نه تنها در غم فقر مادی مردم شهر می‌سوخت، بلکه از فقر فرهنگی به شدت آزرده خاطر بود و همیشه در کنار کمک‌های مادی و مالی توجه خاصی به آموزش و ارتقاء فرهنگ و دانش جامعه داشت.

را کرد و باعث نجات نسل از جوانان خرم‌آباد شد. پرورش نیروی انسانی برای امروز یکی دیگر از آثار این مدرسه بود.

• آیا سرفصل دروس مدرسه علوی با دیگر مدارس یا حوزه تفاوت داشت؟

این مدرسه نیز رسمی بود با کتابهای رسمی، ولی نیروهایی که در آنجا فعالیت می‌کردند، افرادی متدین و مذهبی بودند. افرادی هدفدار که با هدف، صحبت می‌کردند، با هدف درس می‌دادند.

وقتی معلمی می‌رود سر کلاس و کلاس را با نام خدا شروع می‌کند. القاء نام خدا را در ذهن دانش آموزان است. وقتی تاریخ اسلام را به دانش آموزان درس می‌دهند، یعنی القاء اسلام در ذهن دانش آموزان در کنار این‌ها افرادی حضور یافتند و سخنرانی می‌کردند. قرآن آموزش داده می‌شد. اصول عقاید را برای دانش آموز بیان می‌کردند. انصافاً یکی از اعمالی که برای مرحوم قاضی به‌عنوان باقیات صالحات به حساب می‌آید، همین دانش آموختگان مدرسه علوی‌اند.

• از خصوصیات اخلاقی و رفتاری ایشان آیا نکته بارزی و قابل توجهی از نظر شما وجود داشت؟

یکی از خصوصیات مهم اخلاقی ایشان صبوری وی بود. خاطره‌ای از خود ایشان نقل کنم. وی گفت که یکی از بازاریان همواره نسبت به من بد می‌گفت و فحاشی می‌کرد. تصمیم گرفتم که بروم و به این شخص سلام کنم و پیوسته سر راه آن شخص می‌ایستادم و سلامش می‌کردم. روز اول جواب نمی‌داد، روز دوم، سوم و چند روزی جواب نداد. آخر آن‌قدر سلام کردم که جواب سلام داد و راهش را عوض کرد و از راهی دیگر رفت و آمد می‌کرد. گفت که به من خبر دادند که در فلان خیابان رفت و آمد می‌کند. باز هم رفتم در مسیری که آن شخص می‌رود تا باز هم سلامش کنم. شاید انسانی که این اندازه از من بدگویی می‌کند و آن‌هم در زمانی که من قدرت داشتم و او نداشت. در زمانی که

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر سید احمد رضا شاه‌رخ‌ی استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه قم

● آشنایی شما با حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) از چه زمانی شروع شد؟

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله رب العالمين و الصلاه و السلام على سيدنا و نبينا محمد و آله اجمعين

حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) در استان لرستان چهره‌ای معروف و شناخته شده بودند و من هم تا قبل از این که به قم بیایم نسبت به ایشان آشنایی مختصری داشتم. پس از آن که به قم آمدم، گاهی در شورای مدیریت و بعضی از مجالس خرم‌آبادی‌ها که در قم تشکیل می‌شد، خدمت ایشان می‌رسیدم تا این که در سال ۱۳۷۴ به عنوان عضو هیات علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی همکاری خود را با دانشگاه قم شروع کردم و از سال ۱۳۷۶ تا زمان ارتحالشان سه سال به عنوان معاون دانشجویی و فرهنگی و سپس مشاور ایشان انجام وظیفه کردم.

بدیهی است که در این مدت چهارده سال آشنایی من نسبت به ایشان بیشتر شد و چیزهایی را که شنیده بودم از نزدیک مشاهده کردم و دانستیهای زیادی را فرا گرفتم.

● با توجه به ارتباط و آشنایی چهارده ساله شما با حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) اگر شما بخواهید ایشان را توصیف کنید چگونه توصیف می‌کنید؟

من در زمان حیات این مرد بزرگ به بعضی اساتید دانشگاه قم می‌گفتم که کتاب وجودی و شخصیتی حاج آقای قاضی (ره) اوراقی دارد که هنوز ورق نخورده است و شما با آن آشنا نشده اید و در آینده نسبت به آن آگاهی پیدا می‌کنید. این مطلب حاکی از این بود که این مرد بزرگ شخصیتی است که دارای ابعاد وجودی گوناگونی است و مدتها طول می‌کشد تا بتوان با چنین انسان کم نظیری آشنایی پیدا کرد و الان همه آنهايي

که با ایشان ارتباط نزدیکی داشته‌اند به همین مطلب معترفند و قبول می‌کنند که در آستانه یکمین سالگرد ارتحالشان آشنایی بیشتری نسبت به این روحانی وارسته پیدا کرده‌اند و معتقدم که در سالهای آینده بر آگاهی‌های گذشته افزوده خواهد شد.

اما توصیفی که از ریاست فقید دانشگاه قم می‌توان ارائه داد چنین است:

۱- کوشا و پرتلاش:

روحانی دانا و توانایی که از پایه گذاران نهضت امام خمینی (ره) در استان لرستان بود و در پیشبرد اهداف حضرت امام خمینی (ره) که همان اهداف اسلامی است کوشا، پرتلاش بودند و هیچ گاه از خود خستگی بروز ندادند. اگرچه در این راه محنت و رنج‌های زیادی را متحمل شدند، ولی برحسب احساس وظیفه، کارها را سامان می‌داد. او روحی بزرگ داشت و اهداف بسیار مهمی را دنبال می‌کرد.

در حالی که قریب به هفتاد و پنج سال داشت و کهولت جسمی او را فرا گرفته بود و امکانات بودجه و نیروی انسانی برایش فراهم نمی‌شد، روزی سوگند یاد کردند که با همین وضعیت اگر به من امکانات بدهند، کارخانه بزرگ خودرو سازی احداث می‌کنم. حضور مرتب و منظم او در محل کار و حتی روزهای جمعه و تعطیل نکردن آن در طول سال مگر دو یا سه روز، باز بودن در اتاق ایشان به روی همه اقشار از استاد، کارمند و دانشجو و مردم عادی و دهها مطلب دیگر بیانگر عمق ژرفای شخصیتی این مرد بزرگ است که بیان همه آنها در این گفتگو نمی‌گنجد.

ذره‌ای یاس و ناامیدی در وجودش نبود. وقتی کار را با بودجه اندکی شروع می‌کرد، منتظر نمی‌ماند تا بودجه به اندازه کافی به او بدهند. چون در هیچ مقطعی این شرایط برای او فراهم نشد. در بین راه بودجه ابلاغی به نصف و کمتر هم کاهش می‌یافت. از ابتدا هم می‌دانست که در مسیر عمران با چنین سختی‌هایی روبرو می‌شود و آگاهی داشت که استاد، کارمند و دانشجو در شروع سال تحصیلی تحقق وعده‌هایی را می‌طلبند که به آنها

داده شده است. اما مجموعه این اتفاقات در اراده همچون کوهش خللی ایجاد نمی‌کرد. کار ساخت و ساز را همچنان ادامه می‌داد و هیچ گاه متوقف نمی‌ساخت. او ایام هفته را تقسیم می‌کرد. یک روز در کارگاه عمرانی حضور پیدا می‌کرد و یک روز در بخش آموزشی دانشگاه فعالیتهای علمی را دنبال می‌کرد.

گاهی در ادامه راه معاونان ایشان به هر عللی به تدریس علاقه نشان می‌دادند و از کار اجرایی استعفا می‌دادند و او را تنها می‌گذاشتند. علاوه بر این، با وجود ضعف برخی از مدیران، یا حرکت بعضی از آنها در خلاف جهتی که در نظر داشت و دشواریهایی که سیستم اداری از بیرون بر ایشان تحمیل می‌کرد، ایشان همچنان محکم و استوار به راهش ادامه می‌داد و می‌توان او را مصداق این روایت دانست که: «المومن کالجبل الراسخ لا یحرکه العواصف»؛ انسان مومن مانند کوه استوار است و تند بادهای او را به لرزه در نمی‌آورد.

۲- آینده نگری و برنامه ریزی برای صد سال آینده

آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) در سال ۱۳۵۹ یکصد و چهل هکتار زمین را برای دانشگاه در نظر می‌گیرد و به تدریج دور آن را دیوار می‌کشد. این نشان می‌دهد که ایشان در برنامه ریزی نگرشی یک صد ساله داشته‌اند و چنین نگاهی برای مدیرانی که برنامه ریزی می‌کنند بسیار آموزنده است. به یاد دارم که در سال ۱۳۷۶ کمیسیون آموزش عالی مجلس شورای اسلامی به دانشگاه قم آمدند و تحت تاثیر کارهای شگرف ایشان قرار گرفتند و کارهای انجام شده را در مقایسه با بودجه هزینه شده، خیلی بیشتر ارزیابی کردند. به طور کلی آینده نگری و برنامه ریزی طرح‌های کلان و بلند مدت از خصوصیات برجسته آن روحانی فعال بود.

۳- ایثارگر:

آن مرد بزرگ ایثارگر بود. زیرا مشکلاتی داشت که هر یک از آنها حتی برای یک انسان کوشا کافی بود که دست از کار بکشد.

سن بالا، رسیدگی به مادر ناتوان و پرستاری از همسری که روزی در همه صحنه‌های سخت و دشوار زندگی با او همراه بوده است و در بستر بیماری افتاده بود، بر عهده ایشان نهاده شده، ولی این مشکلات را بر زبان نمی‌آورد. اما گاهی از زبان نزدیکان او شنیده می‌شد.

خدمات او به مادرش و اطاعت بی چون و چرا از وی با حکایاتی همراه است که از منسوبین ایشان قابل شنیدن است.

او ایثارگر بود، زیرا هیچ گاه از امکانات مادی دانشگاه، قوه قضائیه، شورای مدیریت و تمام مسؤولیتهایی که بر عهده داشت استفاده نکرد. اگر هم در مواردی مجبور به استفاده می‌شد، هزینه آن را همچون مخارج دفتر کارش در دانشگاه، خودش پرداخت می‌کرد. او با هزینه شخصی جای کسانی را که به دفتر کارش می‌آمدند، فراهم می‌کرد.

این جانب در طول چهارده سال ارتباط با این روحانی ایثارگر، نوشیدن چای و آب را در دفتر کارش مشاهده نکردم. این در حالی بود که هر کسی صرف نظر از مقام و منصبش وقتی به دفترش وارد می‌شد مورد پذیرایی قرار می‌گرفت.

گفتگو در این زمینه‌ها زیاد است که بیان آن‌ها را به فرصت دیگری موکول می‌کنم.

۴- راز داری و حفظ حرمت اشخاص

(محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم) «سوره فتح آیه ۲۹»

ایشان از این که با حیثیت افراد بازی شود یا کمترین اهانتی به فردی یا افرادی صورت پذیرد، به شدت بر آشفته می‌شد. با این که به علت مسوولیت‌های متعدد و مراجعاتی که داشتند از بسیاری امور محرومانه افراد اطلاع داشتند، ولی هیچ گاه در مورد این افراد لب به سخن نگوشتند. حتی افرادی به دلیل سوء برداشت‌های خویش، سالها به ایشان بد می‌-

گفتند، ولی او یک بار از خود دفاع نکرد و آن قدر صبر می‌کردند تا طرف مقابل خسته شود. آن گاه چه به ایشان مراجعه می‌کردند و چه مراجعه نمی‌کردند، از آنها می‌گذشتند. این گونه رفتارهای مهربانه و عطوفت آمیز را به طور مکرر از این انسان سلیم النفس در دانشگاه مشاهده کرده‌ام.

۵- اهمیت دادن به تحصیل خواهران

بنیان‌گذار و رئیس دانشگاه قم برای تحصیل خواهران اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و تفکیک بخش خواهران از برادران را جزء اساسی و بنیادین دانشگاه قم قرار دادند که از اهداف پسندیده ریاست فقید این دانشگاه محسوب می‌شود. تفکیک این دو بخش با این هدف بود تا خواهران و خانواده‌هایی که برای ادامه تحصیل چنین جایگاهی را ایده آل خود می‌دانستند، این دانشگاه را با علم و آگاهی انتخاب کنند. ایشان دستور دادند که این اصل تفکیک در دفترچه‌های کنکور به اطلاع عموم داوطلبان برسد. آرزوی او و هر انسان شریف و خردمندی این است که خواهران در همه رشته‌های تخصصی مهارت کافی پیدا کنند تا بتوانند نیازهای تخصصی جامعه زنان را برطرف سازند.

۶- مجری ایده وحدت حوزه و دانشگاه:

بنیان‌گذار دانشگاه قم با مدیریتش توانست اولین گام عملی را در راستای تحقق وحدت حوزه و دانشگاه بر دارد. وحدتی که باید در استحکام آن تلاش کرد.

بهره‌گیری دانشگاه از فضای معنوی حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه (س) و همجواری با حوزه علمیه قم و مسجد مقدس جمکران و دیگر اماکن متبرکه از دیگر آرزوهای ایشان بود. همان طور که بهره گرفتن طلاب حوزه‌های علمیه از نقاط قوت دانشگاه و نزدیک شدن این دو و تعامل با یکدیگر و اتحادشان از دغدغه‌هایی بود که فکر ایشان را به خود مشغول کرده بود؛ زیرا پیشرفت کشور و موفقیت نظام جمهوری

اسلامی را وابسته به درک صحیح این دو قشر و اتحاد آنها با یکدیگر می‌دانستند. مجموعه این خصوصیات از ایشان شخصیتی کم نظیر ساخته بود.

۷- پاسخگو بودن

یکی از دستورات دین اسلام و روش ائمه معصومین - علیهم السلام - در دسترس بودن برای پاسخ‌گویی به مراجعین است. روسای دانشگاه‌ها و معاونین ادارات و مدیران، به خاطر نظم امور، اتاق کارشان را از اتاق مسئول دفتر مجزا قرار می‌دهند.

اما مرحوم آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) از این امر مستثنی بودند. ایشان تا آخرین روزی که در محل کار بودند. مسئول دفتری نداشتند. تا قبل از درد پایشان و بیماری‌هایی که بعداً عارضشان شد اتاق کارشان در طبقه دوم ساختمان مرکزی بود. هر کس اعم از استاد، کارمند، دانشجو و سایر ارباب رجوع می‌توانستند بدون هماهنگی از راهروی عمومی وارد اتاق ایشان شوند. دسترسی به ایشان به مراتب آسان‌تر از دسترسی به معاونین بود، زیرا معاونین علاوه بر این که مسئول دفتر داشتند، موظف بودند که ساعاتی را در کلاس به تدریس مشغول باشند، اما ایشان ایام هفته بدون مرخصی و تعطیلی و در مواردی صبح و بعد از ظهر در اتاق کارشان مستقر می‌شدند و در دسترس همگان بودند. من بارها شاهد بودم که مراجعین یا دانشجویان به اتاقشان می‌آمدند و به ایشان می‌گفتند که با حاج آقای قاضی کار داریم و پاسخ می‌شنیدند که قاضی من هستم، کارتان را بفرمائید و مراجعه کنندگان عذرخواهی کرده، اذعان می‌کردند که گمان نمی‌کردیم که می‌شود به این راحتی ریاست دانشگاه را ملاقات کرد.

در هر حال درب اتاق کار این مرد بزرگ هیچ گاه به روی مراجعین بسته نبود و اشخاص می‌توانستند بدون هیچ وقت قبلی با ایشان دیدار کنند.

● انتخاب حضرت آیت‌الله قاضی (ره) از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان

سرپرست حوزه کمالیه خرم‌آباد همراه با چه تأثیرات مفیدی بوده است؟

از آن جا که مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) پس از ارتحال مرحوم آیت‌الله کمالوند سرپرستی حوزه کمالیه منصوب شدند، لازم است مقدمه‌ای را درباره مرحوم آیت‌الله کمالوند عرض کنم.

مرحوم آیت‌الله شیخ روح اله کمالوند خرم‌آبادی از علمای بزرگ و طراز اول دوران خویش و از جمله شاگردان مرحوم آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری بود، که همراه با استادش از اراک به قم هجرت می‌کند و در رونق دادن به حوزه علمیه قم همراه آیت‌الله حائری بوده است. مرحوم آیت‌الله کمالوند به آن مقام علمی، معنوی، اجتماعی و سیاسی نایل می‌شود که جزء مشاورین آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) قرار می‌گیرد و آن مرجع بزرگ، حل و فصل بعضی از امور را به ایشان واگذار می‌کند. دوستی و رفاقت این مرد بزرگ با حضرت امام خمینی (ره) و هم رتبه بودن این دو بزرگوار در آن زمان، مطلبی است که ما از نسل گذشته شنیده‌ایم. مرحوم آیت‌الله کمالوند در سال ۱۳۲۹ به دستور آیت‌الله العظمی بروجردی (ره) به خرم‌آباد بر می‌گردد و حوزه علمیه خرم‌آباد را رونق می‌بخشد و درس و بحث را به طور منظم دایر می‌کند؛ فضلالی خرم‌آباد که در قم به تحصیل مشغول بودند با درخواست ایشان به خرم‌آباد بر می‌گردند و یکی از این فضلا مرحوم حاج آقای قاضی بودند.

آیه اله کمالوند خرم‌آبادی (ره) در سال ۱۳۴۳ به علت بیماری دار فانی را وداع می‌گوید.

حضرت امام خمینی (ره) در حالی مرحوم حاج آقای قاضی را به عنوان سرپرست حوزه کمالیه و سپس نماینده خویش معین می‌کند که این انتخاب به جهاتی قابل تأمل است.

نخست آن که انتخاب چنین شخصی به جای مرحوم آیت‌الله کمالوند که از لحاظ سابقه علمی، موقعیت اجتماعی و تدبیر سیاسی عالمی منحصر به فرد بوده است، بیانگر این است که از نظر حضرت امام (ره) بین این دو بزرگوار، شباهتهایی وجود داشته است. دوم، در آن زمان در شهر خرم‌آباد مجتهدان معروف و مشهوری حضور داشته‌اند که امام خمینی (ره) در نامه‌ای به یکی از این بزرگان شهر می‌خواهد که مرحوم حاج آقای قاضی را در امر خطیر سرپرستی حوزه کمالیه یاری کنند.

این انتخاب حاکی از تیزبینی حضرت امام خمینی (ره) و توانایی‌های است که در وجود مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) بوده است.

ایشان در راستای مسوولیتی که بر عهده گرفتند چندین کار را دنبال نمودند:

۱- اساتید بزرگی را جهت تدریس به حوزه علمیه کمالیه دعوت کردند که یکی از آنها شهید آیت‌الله سید اسداله مدنی بود. ورود این روحانی وارسته و معلم اخلاق علاوه بر تأثیرات بسیار سازنده‌ای که برای حوزه علمیه کمالیه داشت و به درس و بحث آن رونق بخشید، برای نسل جوان پرشور خرم‌آبادی که تشنه معارف دینی و تشیع علوی بودند بسیار مثمر ثمر بود. همان جوانانی که در سال ۱۳۵۷ و سپس در جنگ تحمیلی حماسه‌ها آفریدند و در مقابله با دشمنان اسلام و نظام اسلامی و راه امام خمینی (ره) جان فشانی کردند و به درجه رفیع شهادت یا جانبازی رسیدند.

نکته‌ای که قابل توجه است واگذاری مسئولیت حوزه علمیه کمالیه از سوی مرحوم حاج آقای قاضی (ره) به آیت‌الله سید اسداله مدنی است. اگر نگرش دنیوی و توجه به جاه و مقام باشد، جایگاه مرحوم آیت‌الله کمالوند مقامی بس رفیع است که حاج آقای قاضی به آن نایل شده است، ولی خود به همدان می‌رود و از آن روحانی شهید می‌خواهد که به خرم‌آباد بیاید و مسئولیت این کار مهم را بپذیرد. او هیچ گاه در این مسیر شهید محراب آیت‌الله مدنی (ره) را تنها نمی‌گذارد و یار و یاور او باقی می‌ماند. اسناد سازمان امنیت و

اطلاعات رژیم ستم شاهی همه حکایت از این می‌کند که فعالیت‌ها و برنامه‌های مذهبی در شهر خرم‌آباد با پشتوانه و مساعدت ایشان اجراء می‌شده است. از این رو در این اسناد به مقامهای بالاتر پیشنهاد می‌شود که طرح جامعی برای تضعیف ایشان مورد بررسی واقع شود و به دقت اجراء گردد تا موقعیت اجتماعی او در میان مردم از بین برود، ولی در نهایت طرحهای آنها موفقیتی در پیش ندارد.

۲- دعوت مکرر از دانشمندان، نویسندگان و سخنوران معروف و مشهور که در آگاهی بخشیدن به افکار عمومی خصوصاً نسل جوان موثر هستند؛ بزرگانی که امروز از مراجع عظام تقلیدند و خطبای مشهوری مانند مرحوم حجت الاسلام و المسلمین فلسفی، حجت الاسلام و المسلمین شهید عبدالکریم هاشمی نژاد و دیگر بزرگان که هر یک در بصیرت و روشنگری وظیفه خطیری را برعهده داشتند.

۳- اقدام به تاسیس دبیرستان علوی به شیوه‌ای متفاوت با آن چه در دبیرستانهای آن روز مرسوم بوده است. دبیرستانی که دین و دانش، تعهد و تخصص در آن توأم است. صرف هزینه زیادی برای تاسیس چنین دبیرستانی و دعوت از اساتید تهرانی جهت تدریس همراه با برنامه‌هایی که با آن چه در آموزش و پرورش آن زمان رایج بود، تفاوت داشت. تفاوت‌هایی همچون: استفاده نکردن از عکس شاه، عدم حضور در رژه نرفتن دانش آموزان در جشن‌های شاهنشاهی، دعا نکردن برای شاه در صبحگاه و اموری از این قبیل و مهمتر از همه آموزش‌های مذهبی است که در این دبیرستان به اجراء در می‌آمد. مدیران انقلابی، دبیران متعهد و مجموعه این امور سبب شد که رژیم طاغوت پس از سه سال این دبیرستان را منحل کرد. اما نام این دبیرستان و آثار علمی و معنوی و یاد و خاطره موسس و مدیرانش همچنان بر زبان‌ها جاری و بر دلها محفوظ ماند.

۴- فعالیت در کارهای اجتماعی از قبیل تاسیس کارخانه برق و استفاده مردم از روشنایی آن، احداث شهرک قاضی آباد و اسکان طبقات متوسط جامعه و مدارا با

خریداران، کمک به ساختن مساجد متعددی که در شهر خرم‌آباد و حومه در حال احداث بودند و دهها کار عمرانی و مساعدتهایی که به جز خداوند - تبارک و تعالی - کسی از آنها آگاهی ندارد. اینها همه بخش‌هایی از کارهای این مرد بزرگ بوده است که قابل مشاهده بوده و نمی‌توان پنهان کرد. او مساعدتهایی به دهها موسسه و نهادهای خیریه داشت که کسی از آن مطلع نبود، ولی پس از ارتحالشان از زبان عده‌ای شنیده شده است.

۵- شاید بتوان مهمترین کار مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی را انجام وظایف بسیار در طول مسئولیت نمایندگی حضرت امام (ره) دانست.

او و دیگر روحانیون بزرگوار استان لرستان که جمعی از آنها شهید و یا به دیار حق شتافته‌اند، به همراه جمع دیگری که در قید حیاتند با سخنرانی‌ها، زندان، شکنجه و تبعید، اسلامی را در استان و نیز در سراسر کشور ترویج می‌کردند که حضرت امام (ره) آن را اسلام ناب محمدی (ص) نامید.

اسلامی که دشمن مستکبران و یار و یاور مستضعفین است. به همین علت قریب به اتفاق مردم استان لرستان مقلد حضرت امام خمینی (ره) بودند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی خود را مدیون اسلام و انقلاب می‌دانستند. با این که نهایت توانایی خود را در حفظ و ادامه انقلاب اسلامی به کار بردند ولی همیشه در درخواستهایشان مردمی قانع بودند و موانع جلوی نظام اسلامی را یکی پس از دیگری برداشتند.

در آن مقطع که گروهکهای ضد انقلاب در استان‌های همجوار مشکلاتی را ایجاد کرده بودند، این استان در آرامش کامل به سر می‌برد و در مقابله با دشمنان اسلام و برقراری آرامش در استانهای دیگر نقش بارز و فعالی داشت. چنین موفقیتی فقط در سایه تعلیم و آموزشهایی امکان داشت که از سوی این روحانی پرتلاش و با همکاری و مساعدت سایر روحانیون فداکار دنبال می‌شد.

در هر حال جامع تمام صفات کمال و فضایل تنها ذات مقدس الهی است و ائمه معصومین هم به واسطه خداوند دارای این کمالاتند که قابل مقایسه با دیگر بندگان نیست. از این رو همه انسان‌ها با محدودیت‌هایی روبرو هستند. آن چه گفته شد بخش اندکی از خصوصیات کم نظیر این مرد بزرگ است و جمع همین ویژگی‌ها از ایشان شخصیتی کم نظیر ساخته بود.

از درگاه خداوند متعال اجر این عالم ربانی را رحمت بیکران و برای خانواده‌ی آن بزرگوار صبر و شکیبایی را آرزومندم.

مصاحبه با جناب آقای حاج عبدالرحمن قاضی «برادر بزرگتر رئیس فقیه دانشگاه قم»

● مبارزات و ستیز مرحوم قاضی با رژیم شاهنشاهی، در برخی جاها گاه به ضرر ایشان تمام می‌شد، و کارها و برنامه‌های ایشان را عقب می‌انداخت. در این رابطه خاطره‌ای دارید؟

وقتی ایشان شهرک قاضی آباد را می‌ساخت، هویدا به خرم‌آباد آمد. یکی از برنامه‌های که برای او گذشته بودند این بود که بیاید در همین شهرک قاضی آباد کلنگی بزند. اما مرحوم قاضی نیامد و قبول نکرد. هر چه اصرار کردند ایشان را راضی به این کار کنند نپذیرفت. و همین موضوع را در ساواک برایش به عنوان پرونده‌ای مطرح کردند.

● بنابراین، در زمان احداث شهرک قاضی آباد از کمک‌های دولتی استفاده نکرد؟
نه تنها کمک نمی‌کردند، بلکه در حدّ زیادی کارشکنی نیز کردند. به خصوص در مورد مدارسی که وی ساخت و حاضر به نصب عکس شاه بر در و دیوار آنها نمی‌شد. چون ایشان به شدت از شاه نفرت داشت.

● شما برادر، دوست و پستوانه محکمی برای ایشان نیز بوده‌اید، از جنبه‌های اخلاقی و شخصیت ایشان صحبت بفرمایید؟

اخلاق عجیبی در برخورد با زنان و نامحرمان داشت. اصولاً با زن گفتگو نمی‌کرد و با هیچ زنی روبرو نمی‌شد و همیشه سرش پایین بود و چشمش به چشم زنی نمی‌افتاد.

● یکی دیگر از کارهای اقتصادی وی که بسیار به سود شهر تمام شد، کارخانه برقی بود که شهر را زمانی از بحرانهایی نجات داده است. در این خصوص بیشتر توضیح دهید؟

در زمان رضا خان؛ خرم‌آباد دارای یک موتور پنجاه کیلو وات به نام برق راه آهن بود. بعداً سیستم برق دیگری هم آوردند که شخصی به نام توکلی مدیر عامل آن بود و

برای شهر کافی نبود. ایشان به اتفاق برادر دیگرم حاج نورالدین به این فکر افتادند که تشکیلات برق وسیعی، در خیابان علوی تهیه کنند. برای این کار سی، چهل هزار متر زمین خریداری کردند، چند موتور قوی دویست کیلو وات آوردند که با فعالیت شدید و قرض و وام از این سو و آن سو توانستند برق خرم‌آباد را تامین کنند؛ و مردم، شاید نزدیک به یازده سالی از این برق استفاده می‌کردند.

● در چه سالی؟

سال ۳۵ شروع به کار کردند و تصور می‌کنم تا سال ۱۳۴۶ وجود داشت و بعد دولت آمد و برق را تحویل گرفت و مختصر وجهی نیز به اینها داد و مردم همه راضی بودند. هم اکنون نیز به نام همان برق قاضی معروف است؛ چون نه فشاری به مردم وارد می‌کردند و نه بهای آن را گران می‌نمودند و نه برق کسی را قطع می‌کردند. بیش از بیست خانوار مستضعف را سراغ دارم در برخی از مناطق محروم شهر که اصلاً دیناری از آنها نمی‌گرفتند. ایشان و به کارهای عمرانی و خدمت به مردم علاقه داشت، چنانکه در قم نیز دانشگاهی با آن عظمت راه‌اندازی کرد.

● کار متخصصین و کارگران این کارخانه به چه صورت بود؟

شخصی بنام مهندس میری از تهران آمده بود، چند نفر را نیز از تهران همراه خود آورده بود، تعداد زیادی کارگر و کارمند داشتند، خودش نیز با وجود تمام گرفتاری‌هایی که داشت بر امور این کارخانه نظارت می‌کرد.

● آیا این را امتیاز برای خود محسوب نمی‌کردند که اگر روزی رژیم در برابر ایشان بایستد بخواهد برق شهر را قطع کند؟

اصلاً به این امور فکر نمی‌کرد، و همیشه در پی گره‌گشایی از کار مردم بود. حکومت، مزاحمت‌هایی نیز ایجاد می‌کرد. اما ایشان زیر بار نمی‌رفت واقعاً بین مردم نفوذ

داشت در همین قاضی آباد تعدادی ساختمان تقریباً نصف قیمت به مردم داد. خیلی به مردم کمک کرد.

● خیر بودن ایشان مسلم است، چرا که مردم او را قبول داشته‌اند و آثارش هنوز نیز وجود دارد. نمونه خاصی از کمک به دیگران در دهستان هست؟

موارد بسیار زیادی است که نمی‌توان همه را نام برد. مگر این که آمار آن‌ها را ارائه دهیم. هر کس به دفتر یا درب منزل وی مراجعه می‌کرد مایوس بر نمی‌گشت. به خدا سوگند، خودم شاهد بودم که از مردم قرض می‌کرد و از سوی دیگر، آن را به دیگران می‌داد. من می‌گفتم که این کارها را می‌کنید هزینه کم می‌آورید. روحیه‌اش این گونه شکل گرفته بود، و نسبت به کمک به دیگران روحیه خاصی داشت.

خیلی از دوستان طلبه و روحانی ایشان معتقدند اگر آقای قاضی فقط پیگیر حوزه و درس می‌شد به درجه اجتهاد نیز می‌رسید. من نیز به این گفته، صد در صد معتقدم. حافظه‌اش عجیب بود. ولی قصد وی بیشتر خدمات اجتماعی به مردم بود.

● یکی از سمبل‌های مبارزه وی با رژیم ستم شاهی نشریه‌ای با مسئولیت خود ایشان است. از مطالب این نشریه و خط مشی آن بفرمایید؟

نام این نشریه «صدای لرستان» بود، ایشان هیچ گاه در جلسات دولتی شرکت نمی‌کرد چون شناخته شده بود، اعلامیه‌های امام زیر نظر ایشان و با هزینه او در سطح شهر و استان منتشر می‌شد.

● مطالب نشریه صدای لرستان بیشتر در رابطه با چه موضوعاتی بود؟

بیشتر مذهبی و انتقادی بود. در رابطه با مطالب این نشریه، موارد متعددی تحت تعقیب ساواک قرار گرفت. همواره دولتی‌ها را نصیحت می‌کرد بر ضد آنها و مخالفت با مشروب خواری، بی‌بند و باری، مقاله‌ی نوشت.

● برگردیم به دوران کودکی و بازی‌های کودکانه شما. شما چند سال از ایشان بزرگتر بوده‌اید؛ از خصوصیت‌های دوران کودکی و نوجوانی ایشان، چیزی به یاد دارید؟

من دو سال از ایشان بزرگتر بودم، به خدا سوگند در آن دوران نیز فردی محترم، سنگین، اهل نماز، بدون آزار و اذیت برای دیگران بود. از همان روزهای اوّل، انسانی خود ساخته و خدایی بود. ما پنجاه سالی با هم بودیم، به یاد ندارم که یک بار در برابر بنده پرخاش یا به من بی‌احترامی کرده باشد. این خصوصیات تا آخر، در رفتار وی بارز بود. حتی وقتی که می‌خواست به ساختمان‌های در حال ساخت، سرکشی کند، به گونه‌ای پنهانی می‌رفت؛ که کارگر متوجه ورودش نشود که بخواهد بیشتر کار کند. وی از سال ۱۳۳۰ که پدرمان از دنیا رفت تا زمانی که املاک و دارائی‌های پدرمان را تقسیم نکرده بودیم، روی فرشهایی که همه خواهر و برادران در آن سهم داشتند، نماز نخواند و می‌گفت ممکن است یکی از آنها راضی نباشد.

مصاحبه با جناب آقای حاج محمد جعفر قاضی «فرزند رئیس فقید دانشگاه قم»

● یکی از اقدامات مهم حاج آقا قاضی قبل از انقلاب تاسیس مدرسه علوی بود، از چگونگی روند شکل‌گیری و تأمین این مدرسه بفرمایید؟

در تهران دو نفر از بزرگان، یکی مرحوم علامه کرباسی که از علمی بزرگ حوزه علمیه قم و بسیار باهدف و اهل فضل و بسیار خود ساخته و انسان عجیبی بود که نظیر او در روحانیت کمتر پیدا می‌شود. با مرحوم رضا روزبه، که از افراد متدین و شناخته شده در بین مذهبی‌های تهران می‌باشد، به این فکر می‌افتند که دبیرستانی مذهبی راه اندازی کنند، چون آن زمان دبیرستان البرز در تهران وجود داشت که عده‌ای از دانش‌آموزان نخبه را در آنجا پرورش می‌دادند، ولی رنگ و لعاب مذهبی آنها چندان قوی نبود با اینکه آنجا بورسیه آقای مجتهدی که، انسانی محترم و با هدف هدف تاسیس شده بود.

علامه کرباسی و آقای روزبه، زمینی در فخرآباد تهران تهیه می‌کنند و با کمک بازاری‌های متدین تهران دبیرستانی راه اندازی می‌کنند. همانجایی که وقتی امام به ایران آمد وارد آن مدرسه شدند.

● دبیرستان علوی تهران؟

آری؛ دبیرستان علوی، به دلیل شناختی که امام و روحانیت از علامه کرباسی داشتند وارد تشکیلات او شدند و علامه و آقای روزبه در ابتدا حتی کارگری و نظافت مدرسه را نیز انجام می‌دادند که تا این اندازه انسان‌های باهدفی بوده‌اند و می‌گویند این دو بزرگوار دوسه ساعت قبل از شروع کلاس‌ها می‌آمده‌اند چون آن محل آب نداشته، از دویست سیصد متری بر سر دوش آب مدرسه را تأمین می‌کرده‌اند. رفته رفته این به بنیاد بزرگی تبدیل شد که انسان‌های دانشمندی در آن پرورش یافتند هم قبولی‌های زیادی

آمدند ساختمانی که درست روبروی منزل ماست و حدود ۶ هزار مترزمین بالاتراز آن، را یعنی مجموعاً ده هزارمترزمین در آن زمان به دبیرستان واقعاً غیرانتفاعی اختصاص داد.

● روندشکل گیری دقیقاً درچه سالهایی بود؟

اندیشه نخست این مدرسه درسال ۱۳۴۶ و بنیاد آن در سال ۱۳۴۷ بود و درسال ۱۳۴۸ یا ۱۳۴۹ به بهره برداری رسید ۲هزارمترزیربنا ساختند با کلاس های بسیاربزرگ، آن زمان کلاس ها نیز کوچک بود مثلاً ۱۴، ۱۵متری بود؛ ولی حاج آقا کلاس های ۳۰، ۴۰ متری ساخت و آشپزخانه ونمازخانه ورستوران و همه تشکیلات را هم داخل آن ساخت، افزون بر آن، یک زمین چمن بزرگ فوتبال، یک زمین تنیس و والیبال و دیگرنیازمندی های ورزشی - تربیتی دانش آموزان را دراطراف آن ایجاد کرد. همه این موارد را با سرمایه خود انجام داد و بعد با مرحوم علامه تماس گرفت که اینجا آماده است و آقای کرباسی نیز سه نفر از دبیران وفارغ التحصیلان همان مدرسه علوی تهران را به خرم آباد فرستادند.

● اسامی آنها را به یاددارید؟

آری، یکی از آنها آسید علی محمودی از اساتید بنام تهران است هم اکنون نیز درهمان تشکیلات علامه وپسرشان مشغول است و درخرم آباد نیز دوستان خودحاج آقا مانند حاج آقادرعیدی، مرحوم آقای صدیق، مرحوم محمدیگانه، آقای اسحاق ایازی، مرحوم محمد کریم محسنی (اولین فرمانده سپاه لرستان، که به همین تازگی ها فوت کردند)، به این دبیرستان جذب شدند این افراد و برای اینکه بچه های خوبی تربیت کنند دبیرستان را از دانش آموز پر نکردند فقط چهل دانش آموزگرفتند و همه ده هزار متر زیر بنا و ساختمان آن را به چهل نفراختصاص دادند. این چهل نفر از سرویس رفت و آمد، سلف سرویس تغذیه برخوردار بوده و از ساعت ۷ صبح تا ۷ غروب در آن جا حضور داشتند.

● این دانش آموزان عموماً ازچه خانواده هایی بودند؟

این دانش آموزان، عموماً قشرمتوسط جامعه و پدرانشان عموماً فرهنگی یا بازاری

درکنکورداشت، هم بسیارهدفمند و دقیق و علمی روی دانش آموزان کارمی کردند و این دانش آموزان نیز از نظرعلمی، ریاضی، انگلیسی، شیمی و فیزیک و چند سال از لحاظ دینی نیز خوب تربیت شده بودند. ناگفته نماند علامه کرباسی چند سال درقم هم حجره مرحوم پدرم بوده اند وحتی باور من این است یکی از دلایلی که مرحوم پدرم ویژگی های خاصی داشت و مهذب و خودساخته بود و حالات خاصی داشت ثمره رفاقت با آقای کرباسی بود.

آقای کرباسی انسانی عابد و زاهد بود، حتی تا آخرعمرش دریکی از روستاهای اطراف تهران زندگی می کرد، بدون امکانات زندگی امروزی ها. با اینکه میلیون ها تومان پول در اختیار داشت ولی از زندگی بسیارساده و بی آلاشی برخوردار بود.

وی در سفری به خرم آباد آمد از اینجا عازم خوزستان شود. چون مرحوم پدرم دوست قدیمی ایشان بود و با هم ارتباط داشتند. شب عیدی بود که در خرم آباد وارد خانه ما شدند.

● این سفرچه سالی بوده؟

حدودسال ۱۳۴۶، که بنده یازده ساله بوده ام، خوب به یاد دارم با حالتی نصیحت گونه با حاج آقا گفتگو می کرد که شما امکانات دارید، وضع مالی مناسبی دارید وظیفه داری یک کاری، حرکتی دراینجا انجام بدهی. ایشان مقداری باحاج آقا صحبت کرد که شما این گونه تشکیلاتی را درخرم آباد راه اندازی کن. پدرم نیز اظهار داشت، تا شما به خوزستان می روید وبرمی گردید من هم مطالعه ای می کنم و به شما پاسخ خواهم داد، فوری نگفت این کار را انجام می دهم یا نمی دهم.

آقای علامه به خوزستان سفرکرد، چندروزی آنجا ماند، زمانی بازگشت، حاج آقا گفت من این کار را انجام می دهم، حتماً موسسه ای دراین رابطه راه اندازی خواهم کرد.

بودند. تعدادی در بین شان واقعاً بی بضاعت بودند. این ها را نیز خود حاج آقا آورده بود و شهریه هم از آنها نمی گرفت. این دانش آموزان از نظر درسی می بایست در سطح خوبی باشند که پذیرفته شوند و از لحاظ دینی و مذهبی نیز افراد مورد قبولی باشند. لذا وقتی این دانش آموزان اینجا آمدند استعدادشان واقعاً شکوفا گشت. چون روی آنها کار می کردند و هر روز نیز زنگ ورزش داشتند، من کاملاً به یاد دارم، مینی بوس ورودی مدرسه می ایستاد و بوق می زد که آقا بیایید تا شما را به خانه هایتان ببریم. دانش آموزان نمی رفتند. به اندازه‌ی علاقه داشتند که به زور باید آنها را از مدرسه به خانه می بردند.

● چطور شد که این مدرسه را بستند؟

حاج آقا به هیچ وجه زیر بار نمی رفت که عکس شاه را در کلاس ها و دفتر مدرسه نصب کند، و می گفت که من تحمل ندارم عکس شاه داخل این کلاس ها باشد، - آن زمان اجباری بود که داخل دفتر و داخل هر کلاس عکسی از شاه وجود داشته باشد. وی این کار را قبول نمی کرد و مناسبت هایی که آن زمان انجام می شد مانند رژه هایی که برای تولد شاه و ۴ آبان بود ایشان اجازه نمی داد که دانش آموزان این مدرسه در این رژه ها شرکت کنند. همین مسئله برای ساواک و آموزش و پرورش آن زمان و مسئولین رژیم شاه سنگین بود. در نهایت پس از حدود سه سال گردش کار این دبیرستان متأسفانه مدرسه را تعطیل کردند. یعنی ساواک حدود سال ۵۲ آن را برای همیشه بست.

دلیل اصلی بستن این مدرسه نیز بر سر همین نزدن عکس شاه بود، با اینکه برخی از مسئولین مدرسه عکس شاه را آورده بودند و در انباری گذاشته بودند هرگاه بازرسی قرار بود بیاید عکس ها را نصب می کردند و پس از رفتن بازرس مجدداً آنها را برمی داشتند. خود دانش آموزان نیز در جریان بودند، که قضیه از چه قرار است.

به هر حال این مدرسه برای همیشه تعطیل شد و کل داستان مدرسه علوی هم همین بود که در ملاقات با علامه پی ریزی شد و شکل گرفت.

● یکی دیگر از کارهای بزرگ و ماندگار مرحوم آیت الله قاضی ساخت مسجد بزرگ الغدیر است. روند وقف و ساخت این مسجد چگونه است؟

زمین مسجد را سال ۵۸ رسماً در محضر وقف کرده‌اند و در داخل زمین آن نیز همراه شهید نورالدین رحیمی نماز خوانده‌اند، ولی به دلایل متعدد بودجه و امکانات همچنان به صورت زمین باقی ماند تا سال ۸۸ که خود نیز در قید حیات بود، امکاناتی به وجود آمد. یکی از برادران وی به نام حاج شیخ علی اصغر قاضی که تقریباً ۴۵ سال پیش فوت کرده و مرحوم عموی بنده در وصیت نامه اش ثلث اموال خود را به امور خیریه اختصاص داده بود، آن ثلث اموال را مشخص کردیم که بودجه‌ای برای ساخت این مسجد شده است. حاج آقا در زمان حیات خیلی اصرار داشت که کار ساخت و ساز مسجد شروع شود. در تهیه نقشه اش نیز خود ایشان نظارت داشت و تمام امکاناتی که قرار است در کنار مسجد باشد، زیر نظر خود ایشان انجام پذیرفته است. این مسجد حدود هشت هزار متر زیر بنا دارد، ۱۴۰۰ متر آن به کتابخانه دخترانه و پسرانه مجزا است با یک مخزن بزرگ کتاب و کلاسهای متعدد و از شبستان بزرگی برخوردار است.

● این مسجد جزئیات و متعلقات دیگری نیز دارد؟

۱۴۰۰ متر شبستان و ۱۴۰۰ متر کتابخانه دارد، سالن اجتماعات ویژه بانوان ۸۰۰ متر با زیر بنا دارد و به شکل حسینیه ساخته شده که حکم مسجد نیز در آن جاری نیست. در کنار این سالن برای خانمها مکانی برای نگهداری کودکان در نظر گرفته ایم، نه به عنوان مهد کودک. خانمهایی که با بچه هایشان به آنجا می آیند تا بعد از کلاس و جلسات آنها، از کودکانشان مراقبت می شود. هفت یا هشت کلاس متعدد برای آموزش قرآن و امثال آن وجود دارد و دارای یک سرای امام جماعت و یک سرای خادم است.

● نحوه انتخاب نام این مسجد چگونه بوده؟ چرا الغدیر؟

مرحوم حاج آقا در زمان حیاتشان متولی بودند و من وکیل ایشان بودم. با شروع کار

به فکر مکاتبات با ادارات و شهرداری افتادیم. به هر حال این مسجد نامی نیز لازم داشت. به ایشان عرض کردیم که چه اسمی انتخاب کنیم. وی گفت که هر اسمی شما انتخاب کنید، ایرادی ندارد. من نظرم مسجد المهدی یا مسجد برادران قاضی به گونه‌ای که آثاری از خود ایشان روی این مسجد بماند. وقتی که این مسأله را مطرح کردم، او برآشفتم و گفت المهدی نگذارید. منظور مرا دانست که نام خود ایشان را انتخاب کرده ام. بعدها نیز به این اسامی راضی نشد و با توجه به روحیه ولایی و علوی خود پیشنهاد داد که الغدیر نام مناسبی است.

او در ساخت بیشتر مساجد خرم‌آباد و روستاهای اطراف سهیم بودند. اگر تنها یک ماشین آجر نیز در ساخت مساجد شرکت می‌کرد، مگر اینکه متولیان آن مسجد خودشان نخواستند یا مراجعه نکرده بودند، اگر معمار یا مهندسی می‌خواستند، نقشه و حتی مصالح ساختمانی تا جایی که می‌توانست در اختیار آنها می‌گذاشت.

مصاحبه با سرکار خانم حسینی «مسئول واحد خواهران دانشگاه قم»

خانم عزیزه سادات حسینی الهاشمی، سرپرست واحد خواهران دانشگاه قم در بیان شخصیت حضرت آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی می‌گوید: حضرت آیت‌الله قاضی شخصیتی بی‌بدیل داشتند که از نظر ساده‌زیستی و تقوا، توجه به ارزش‌ها واقعاً اسوه و نمونه بودند.

ایشان در امر هزینه کردن بیت‌المال بسیار دقت می‌نمودند و اگر احساس می‌کردند که پولی برای ترویج اسلام نیاز می‌باشد بلافاصله اقدام می‌کردند و در استفاده شخصی از بیت‌المال به شدت پرهیز داشتند به طوری که در طول مدتی که این دانشگاه از فیوضات درخشان‌شان بهره می‌جست حتی یک ریال حقوق دریافت نکرده‌اند.

سرپرست واحد خواهران دانشگاه قم با اشاره به توصیه‌های بنیانگذار و رئیس این دانشگاه می‌افزاید: ایشان نسبت به صرفه‌جویی در هزینه کردن بیت‌المال بسیار سفارش می‌نمودند اما در عین حال در مسیر ترویج اسلام بازده را در نظر می‌گرفتند.

از خصوصیات فردی ایشان می‌توان به پشتکار و علاقه وافرشان به فعالیت‌های مستمر اشاره نمود.

عزیزه سادات حسینی در بیان خاطره‌ای از مرحوم حضرت آیت‌الله قاضی می‌گوید: یک روز خدمت این عالم جلیل‌القدر رسیدم و به ایشان گفتم: با توجه به اینکه بنده مدتی است که به مرخصی نرفته‌ام می‌خواهم برای مدتی از مرخصی‌هایم استفاده کنم. ایشان فرمودند: چرا خسته شده‌اید، کسی که دین دارد خسته نمی‌شود و از آن وقت، بنده هم بدون یک روز مرخصی خدمت کرده‌ام.

وی ادامه می‌دهد: ایشان سالیان سال بدون وقفه خود را وقف دانشگاه و خدمت به جامعه نمودند و تنها روزهای تاسوعا و عاشورا در دانشگاه حاضر نمی‌شدند، در روزهای دیگر از صبح تا ساعت ۱۴ و از ساعت ۱۶ گاه‌آ تا ساعت ۲۰ در دانشگاه حاضر می‌شدند. سرپرست واحد خواهران دانشگاه قم پیرامون خصوصیات شخصی آیت‌الله قاضی می‌گوید: از دیگر خصوصیات بارز ایشان می‌توان به عطوفت و مهربانی‌شان اشاره نمود.

در سال ۱۳۷۷ بعد از اعتراض تعدادی از دانشجویان به برخی از مسائل جاری دانشگاه، کمیته‌ی انضباطی و حراست اسامی تعدادی از دانشجویان را به حضرت آیت‌الله قاضی دادند و ایشان فرمودند: اگر اینان به بنده چیزی گفته‌اند اشکالی ندارد. و حاضر نشدند هیچ یک از دانشجویان را به کمیته انضباطی ببرند. و تأکید می‌کردند که اگر در پرونده‌ی دانشجویان موردی ثبت شود آینده‌شان به خطر می‌افتد پس تا جایی که ممکن است از اشتباهاتشان بگذرید.

وی تصریح می‌کند: بحث تفکیک جنسیتی که در دانشگاه قم حاکم می‌باشد از بسیاری از لحاظ این دانشگاه را سرآمد دانشگاه‌های دیگر نموده است که این خود حاصل اندیشه‌های درخشان مرحوم آیت‌الله قاضی می‌باشد. این مهم باعث افت تخلفات دانشجویی و افزایش آمار پذیرش دانشجویان در مقاطع تحصیلی بالاتر شده است. این دانشگاه در بحث ازدواج دانشجویی نیز دارای بیشترین آمار می‌باشد.

فصل دوم

مقالات

دانشگاهیان سندی است افتخارآمیز برای کسانی که در جستجوی زندگی انسانی پیراسته و بی‌ادعایند، انسانی که بدون شعار و هیاهو، شهرت‌طلبی و فخرفروشی، در کمال تواضع و فروتنی، توأم با سعه صدر، گشاده‌دستی در اموال شخصی و سخت‌گیری در اموال عمومی، دو هجرت را در زندگی تجربه کرد و در نهایت با فرجامی مبارک به محضر یار بار یافت.

او رفت و فقدانش تاثیری عمیق بر جامعه علمی ما گذاشت. چند روزی از درگذشت آن رئیس فقید نگذشته بود که جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج آقا ابوالحسن نواب - که خود در کارنامه اجرایی، خدمات ارزشمندی به حوزه و دانشگاه دارد - به راقم این سطور گفتند در اولین جلسه‌ای که با حضور اعضای هیات مدیره بیمه امام خمینی (ره) که آن مرحوم تا پایان عمر عهده‌دار ریاست آن بود، تشکیل شد، احساس سخت و سنگینی داشتم که چه شخصیت بزرگی را از دست دادیم.

شاید کسانی که از نزدیک با زندگی مرحوم قاضی آشنایی ندارند، به هنگام خواندن این سطور آنها را تعارف‌های رایج و سوگنامه‌ای متداول بدانند که ایرانیان به آن خو گرفته‌اند و در رثای رفتگان خود می‌سرایند، لیکن کسانی که اندک شناختی از مرحوم قاضی دارند، در این باور همراه با نگارنده یکسان می‌اندیشند که او انسانی خودساخته بود که همواره از برق عکس عکاسان و دوربین فیلم‌برداران می‌گریخت و القاب و عناوین پرطمطراق را برای کسانی که به آن دل می‌سپارند به راحتی هدیه می‌داد تا خود فارغ از اندیشه آن بتواند خدمت کند. به هر روی، این قلم در پی قدیس‌سازی نیست، زیرا نه روح و نه روحیه مرحوم قاضی با آن سازگار بود و نه نویسنده آن را روشی پسندیده می‌داند و افزون بر این، متون دینی و بزرگان، خود به ما آموخته‌اند که به جز معصومان پاک، همگان در معرض خطایند و شخصیت مورد گزارش ما از این جهت مستثنی نیست.

خدمت بی منت قاضی در محضر قاضی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد ذبیحی *

بی‌مزد بود و منت، هر خدمتی که کردم یا رب! مباد کس را مخدوم بی‌عنایت
(حافظ)

درآمد

از آذر ۸۸ یک‌سال گذشت. سالی که برای همراهان، ارادتمندان و نزدیکان آیت الله قاضی، هر روز آن یادآور خاطره‌ای از زندگی سراسر خدمت آن انسان بزرگ بود؛ انسانی که به روایت اسناد و آثار به جای مانده از ایشان و از منظر این قلم، تمام عمر مفید او **خدمت بی منت** بود. خدمات آن عزیز فقید به مردم خرم‌آباد و قم بویژه حوزویان و

* دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم

با توجه به آنکه زندگی آن زنده‌یاد هنوز تاریخی نشده است، شاید کسانی باشند که به دلایلی از جمله تنگناهای اداری، از وی دلخوری‌های شخصی داشته باشند، لیکن آنچه همراه و همکار بیست ساله ایشان را تحریک و تحریص بر نوشتن می‌کند، نگاه جمعی - و نه موردی - به زندگی این عالم عامل است و اعتراف دارم که آنچه به نگارش آمده، شماری اندک از پرشمارترین رفتارها و ویژگی‌هایی است که در طول دو دهه افتخار همکاری در عرصه مدیریت دانشگاه به آن دست یافته‌ام.

آنچه گفته شد براءت استهلالی است بر آنچه خواهد آمد؛ در عین حال موضوعاتی که در این نوشتار از آنها سخن به میان می‌آید، عبارتند از:

۱. اهمیت و ضرورت بیان زندگی بزرگان

۲. آشنایی با حاج آقای قاضی

۳. مهاجرت به قم

۴. ویژگی‌های شخصی آقای قاضی

۵. ویژگی‌های مدیریتی آقای قاضی

۶. مبارزات سیاسی

۷. بنیان‌گذاری دانشگاه قم

۸. پایان زندگی و آرام گرفتن در جوار حضرت معصومه(س)

امید که این نوشتار کوتاه بتواند ضمن آشناسازی مخاطبان فرهیخته با بخشی از زوایای وجودی این مرد بزرگ، ادای دینی باشد هرچند کوتاه و نارسا، در برابر آن روح سترگ و گریزان از شهرت.

دکتر محمد ذبیحی

عضو هیات علمی دانشگاه قم

اهمیت و ضرورت پرداختن به زندگی بزرگان

در آغاز تاکید می‌شود که هدف از نگارش حال بزرگان، درس‌آموزی است. اگر قلم و بیانی بتواند به درستی و فارغ از دوستی و دشمنی، گزارشی از زندگی شخص بزرگی را ارائه دهد، در حقیقت حاصل چندین دهه عمر شخص را که بدون تردید دارای فراز و فرودها و نکات درس‌آموز است، به سهولت و بدون زحمت در اختیار دیگران قرار داده است. این مطلوب با بیانی علمی و در عین حال ساده، تحت عنوان اهمیت پرداختن به زندگی بزرگان، صورت نگارش یافته است.

تمامی آدمیان در این سرنوشت محتوم مشترکند که روزی متولد و با گذر عمر به ناچار روزی راهی دیار دیگر می‌شوند، قافله بشریت که به شهادت متون دینی با آدم ابوالبشر آغاز شده است، در هر لحظه‌ای پذیرای مسافران پرشماری از هم‌نوعان است و هم‌زمان همراهان پرتعدادی از آن جدا و به ابدیت می‌پیوندند. قرآن به صراحت انسان کنونی را فرزندان یک پدر و مادر می‌داند^(۱) و آنچه در آیه سی‌ام سوره بقره آمده^(۲)، نشان از این دارد که قبل از آدم

ابوالبشر، موجودات دیگری که از جهاتی به مانند انسان امروزی بوده‌اند، وجود داشته‌اند. اینکه ملائک آسمان در مقابل فرمان الهی درباره خلافت آدم زبان به اعتراض گشودند یا - دست کم - از خداوند درخواستند که ما تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم و چرا می‌خواهی در زمین کسی را خلیفه قرار دهی که فساد می‌کند و خون می‌ریزد، شاهدهی روشن بر این مدعا است که قبل از این آدم، موجودات دیگری همانند آدم وجود داشته‌اند.^۱

اگر قرآن تصریح به این حقیقت ندارد، لیکن جوامع روائی با صراحت تأکید می‌کنند که قبل از این عالم و آدم، هزاران، هزار، عالم و هزاران هزار آدم موجود بوده‌اند. امام باقر - علیه‌السلام - در پاسخ به پرسش جابرین یزید درباره آیه پانزدهم سوره ق که خداوند می‌فرماید: «مگر ما از آفرینش نخستین خسته شده‌ایم، لیکن آنان در آفرینش جدید تردید دارند»^(۳) فرمود: آنگاه که این خلق و این عالم فانی شوند و بهشتیان در بهشت و دوزخیان در دوزخ استقرار یابند، خداوند آفرینشی جدید، عالم و آدمی جدید می‌آفریند که او را عبادت کنند و برای آنان زمینی غیر از این زمین و آسمانی غیر از این آسمان ایجاد می‌کند، تا آنجا که می‌فرماید: «لعلک تری ان الله عز و جل انما خلق هذا العالم الواحد و تری ان الله عز و جل لم یخلق بشراً غیرکم؟ بلی و الله لقد خلق الله تبارک و تعالی ألف عالم و الف الف آدم و أنت فی آخر تلک العوالم و اولئک الادمیین».^۲

فیلسوفان مسلمان از اصل هستی‌روایتی ازلی دارند. از این رو از نظر آنان عالم گرچه حدوث ذاتی دارد، لیکن حدوث در زمان ندارد، جهان آفرینش از منظر موحدان دفتری گشوده نزد حق تعالی است که برگهای آغازین و پایانی آن تنها نزد خالق هستی است، به هر روی استمداد از آیات و روایات، برای این است که افراد انسان در سرای آفرینش چند

روزی مهمان و مسافرنده، مسافری که آمدن و رفتن او امری قهری و غیراختیاری است، چنانکه قدرتی بر نیامدن ندارد، توانی بر ماندن فیزیکی نیز ندارد، البته انسان در میانه تولد و مرگ صاحب زندگی است، زندگی‌ای که الزامات گسترده درونی و بیرونی بر آن چنگ افکنده است، به ویژه در عرصه حیات بیولوژیک که انسان مقهور قواعد طبیعی عالم خلقت است. خالق هستی در بیانی روشن به بندگان می‌گوید: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ»^۱ علامه طباطبائی در تفسیر المیزان می‌نویسد:

این راه که فرجام آن خداوند است، برای مومن و کافر، آگاه و غافل، ضروری است،^۲ از این رو اصل رفتن از این سرای امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید، اما نوع رفتن حقیقتی است که در گرو چگونه زیستن است. اگر در آمدن به دنیا و رفتن از آن اختیاری نیست، چگونه زیستن، انتخابی است که انسان خود آن را بر می‌گزیند. تأکید بسیار آموزه‌های دینی بر معرفت نفس در همین راستا قابل ارزیابی است که انسان موجودی چند ساحتی است؛ ساحتی روحانی و ساحتی غیرروحانی و بر اساس همین بهره‌مندی ویژه‌ای که خداوند به او عطا نموده است، نه تنها در انتخاب نوع رفتن دارای اختیار است، بلکه حرکت او در سیر افقی یعنی همان تحصیل کمالات انسانی، توقف ندارد و سرّ اینکه برخی از آدمیان بر جایگاه ملائک تکیه می‌زنند و برخی فروتر از چهارپایانند، در همین نهفته است. به بیان رسای امیرمومنان: «دنیا ممر است نه مقر» و آدمیان در آن دو نوعند کسانی که خود را فروختند و اسیر شدند و کسانی که خود را خریدند و آزاد شدند:

۱. سوره انشقاق، آیه ۶.

۲. علامه طباطبائی، المیزان، ج ۶، ص ۱۷۸.

۱. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۱۲۰ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۳.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۷۵؛ ج ۲۵، ص ۲۵.

«الدنيا دار ممر لا دار مقر و الناس فيها رجالان رجل باع فيها نفسه فابوقها و رجل ابتاع نفسه فاعتقها»^۱

شایستگی که از این موهبت الهی به درستی بهره می‌برند، فراتر از حیات مادی به حیات طیبیه می‌رسند. در نگاه آنان معیار سود و زیان، رهایی از فردیت و پیوستن به جمعیت و خدمت به مردم است. صاحبان حیات طیبیه برای خود مطالبه سودی نمی‌کنند، مگر آنکه در جهت منافع بندگان خدا باشد. اینان چون دیگران، مهمان و مسافرنده و مقصود از سفر را وصول به حق می‌دانند و به هیچ مائده‌ای جز مهمانی خود خداوند رضایت نمی‌دهند. در مقابل چه بسیار کسانی که معنای زندگی در نگاه آنان آشامیدن و آسودن از محنت دیگران است. پایان زندگی این دسته از آدمیان که زنده بودن مطلوب آنان است، جز حسرت و حیرت دستاوردی ندارد و در مقابل اینان، فرجام زندگی بندگان صالح، آرامش و سکونت و شنیدن ندای الهی «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً»^۲ است.

آنان که قبل از مردن از منیت رهایی یافته و به جمعیت پیوسته‌اند، افزون بر تولد سجلی دارای تولدی اجتماعی می‌شوند؛ تولدی که نه تنها قهری نیست بلکه امری کمالی و اختیاری است و به میزان شعاع وجودی مولود اجتماعی، گسترده‌ای عمیق و فراخ را پدید می‌آورد. اینک برای اینکه مطلع این نوشتار با نام عالی‌ترین فرزند اسوه تاریخ آراسته شود و در راستای موضوع مورد ادعا، شاهدی گویا ارائه گردد، شایسته است که اشارتی به نهضت عاشورا شود. نواده گرامی پیامبر امام حسین(ع) در سوم شعبان سال چهارم هجری تولدی فردی در دامن فاطمه (س) دارد و تولد او مصداق گفتار تاریخی

پیامبر(ص) «حسین منی» است و بار دیگر در سوم شعبان سال ۶۰ هجری به هنگام اعلام قیام در مقابل یزید، تولدی اجتماعی بر دامن کعبه دارد، تولدی که در آن سیره و سنت پیامبر(ص) حیاتی دوباره یافت و مصداق روشن فرموده پیامبر «و انا من حسین» شد.

بدون تردید حیات مجدد دین پیامبر خاتم، رهین آن تولد شکوهمند است. اسلامی که در آن دروغ و تزویر حرف اول را می‌زد و حاکمیت از اسلامیت دستاویزی برای فریب و نیرنگ ساخته بود؛ اسلام مرده‌ای بود که براساس شواهد تاریخی، هدف مدعیان زعامت امت از پوشیدن ردای خلافت، جز حکومت کردن آن هم به هر قیمتی حتی به مسلخ بردن خود اسلام، چیزی دیگر نبود. در چنین هنگامه غریبی، که از اسلامیت اسمی و از عدالت و انسانیت، نصیبی نبود، امام (ع) با قیام خود اسلام را زنده کرد و با برافراشتن پرچم عدل علوی نقاب از چهره نفاق اموی برگرفت و دروغ بزرگ اسلام‌خواهی و عدالت‌طلبی مروانی را آشکار ساخت.

سزاوار توجه و تاکید بسیار است که آن نهضت با همه شکوه و عظمتی که دارد، مروهون سفیران شاهد و کاتبان حاضری است که این رخداد عظیم را به درستی گزارش و به ثبت رسانده‌اند. در عظمت این رسالت همین بس که زینب(س) هم‌تراز با شهیدان معرکه، اجرای یکسان دارد و شریکه الشهداء لقب گرفته است. روشنگری و افشاگری و رساندن حقایق به خفتگان کوفه و شام، اجرای برابر با پاره‌پاره شدن اجساد و بریدن سرها از قفا دارد. از آنچه بیان شد - هرچند در مقیاسی گسترده به مساله نگریسته شده است - برای تبیین موضوع ضرورت پرداختن به زندگی بزرگان و زنده نگه‌داشتن نام و یاد آنها، نکات سودمندی می‌توان آموخت.

۱. انسان در نظام آفرینش که احاطه بر مبدأ و مقصد آن تنها در حوزه علم الهی است، مسافری است که تعیین مبدأ و مقصد برای او امری جبری است و او تنها اختیار زندگی خود را دارد.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۲۸.

۲. سوره فجر، آیه ۲۸.

۲. نزاع نخستین فرزندان آدم که در هایل و قایل تجسمی عینی یافت، برخاسته از طبیعت مادی بشر است و به درازای عمر انسان، کتابی ورق می خورد که زشتی و زیبایی، نفرت و محبت در آن به ثبت رسیده است.

۳. در طول حیات بشر همواره کسانی بوده اند که با قد و قامتی برافراشته از دیگر هموعان خود، تاریخ سازی کرده اند، این گونه اشخاص، افزون بر تولد شخصی، تولدی اجتماعی دارند که به میزان سعه وجودی، منشاء تحولات تاریخی می شوند.

۴. برای ماندگاری حوادث تاریخی و مصون ماندن از تحریف و مصادره آن توسط رقیبان، بهترین کسان برای ثبت حوادث، تربیت یافتگان همان مکتب اند.

۵. سزاوار تاکید است که مصلحان و سازندگان تاریخ چنانکه در عصر خود مدافعان سرسخت خصوصی دارند، مخالفان خصوصی نیز دارند. از این رو ارزش گذاری درست حوادث امری دشوار می نماید و کسانی که از نزدیک شاهد و درگیر با حوادثند، تنها زمانی که فارغ از حب و بغض های شخصی بیاندیشند می توانند، گزارش تاریخی درستی از رخدادها ارائه دهند و سرمایه ارزشمندی برای نسل های بعدی فراهم آورند.

۶. اینکه دیروز و امروز و در همیشه تاریخ و در هر کجای از جغرافیای زندگی بشری هر شخص با هر ایده و مسلکی که برای برپایی قسط و عدل و دستیابی به عدالت و آزادی مبارزه می کند، احساس قربت معنوی با پرچمدار بزرگ آزادی و عدالت دارد، مرهون انتقال بی واسطه آن حادثه عظیم توسط شاهدان عینی و روایتگران حاضر در صحنه است.

۷. نخستین جمله ای که آموزگاران تاریخ به دیگران می آموزند، این است که فراگیری تاریخ، چراغ راه آینده است؛ چراغی که اگر به درستی در معابر زندگی نصب و ثبت شود، افزون بر جلوگیری از هدر رفتن سرمایه پیشینیان، ره توشه ای فراهم آمده برای آیندگان و نقد عمر گذشتگان است.

۸. گزارش احوال و رفتار نیک اندیشان و خیرخواهان، گزارش احوال فردی نیست، بلکه ترجمان خصلت ها و کمالات انسانی است که بستر ساز گسترش، تعمیق و فراگیر شدن آن در جوامع انسانی می شود.

۹. قواعد یاد شده که آموزه هایی از سنت های الهی و روایت واقعیات زندگی بشری است، استثنایذیر نیست، خواه عمل و عامل آن کوچک باشد و خواه بزرگ، وظیفه دیگران پاسداری و حرمت داری از آن است، زیرا اینان کسانی بوده اند که راحت شخصی را فدای خدمت به جمع نموده اند.

۱۰. این مقال را با کلام نبی گرامی که در آن بیان یاد صالحان و شایستگان را سبب نزول رحمت الهی شمرده است، به پایان می بریم: «عند ذکر الصالحین تنزل الرحمه»^۱ جان این سخن بلند، تاکید بر این حقیقت است که جامعه و افراد قدرشناس خدمات دیگران، شاهد بارش نعمت های الهی خواهند بود. اندیشه و بیانی که گویای نیکی ها و درستی ها باشد، جان و جامعه خویش را مستعد دریافت ریزش رحمت الهی می سازد.

آشنایی با حاج آقای قاضی

اینک که تا حدودی ضرورت و انگیزه پرداختن به شرح حال بزرگان روشن شد، چگونگی آشنایی با حاج آقای قاضی را به شرح می آورم.

ضرورت تشکیل نهادی علمی و در عین حال رسمی برای تربیت استاد برای دروس معارف اسلامی و تربیت محقق برای پژوهش در حوزه الهیات، مورد توافق مسئولان حوزه و دانشگاه بود و بر همین اساس، ایده تاسیس مرکزی در قم که عاصمه فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی به شمار می آید، هر روز قوت بیشتری می یافت. به یاد دارم زنده یاد

خطیب توانا مرحوم فلسفی در فراخوان عمومی که با حضور جمع کثیری از فضلاء حوزه علمیه قم در محل دارالشفاء تشکیل شده بود، با ایراد سخنرانی مبسوط حوزویان را برای رفتن به دانشگاه تشویق و ترغیب نمودند. از دیگر سخنرانان آن جلسه به یاد ماندنی استاد دکتر احمد احمدی بود که با توجه به آشنایی و حضور ایشان در دانشگاه و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی، سخنان تاثیرگذاری ایراد و به همه کسانی که توانایی گذراندن دوره‌های آموزشی و در نهایت تدریس در دانشگاهها را دارند، توصیه کردند که امروز با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی و انتظارات و مطالباتی که دانشگاهها از حوزه علمیه دارند، وظایف روحانیت برآوردن چنین انتظاراتی است.

اهتمام و تاکید مسئولان ارشد نظام برای راه اندازی این نهاد علمی به سرعت نتیجه داد و در خرداد ۱۳۶۷ «مرکز تربیت مدرس» اعلام موجودیت کرد و با فراخوان گسترده از طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم برای شرکت در آزمون ورودی، جمع کثیری ثبت نام و در تاریخ ۶۷/۶/۲۴ آزمون کتبی در ده ماده درسی^(۴) برگزار گردید. پس از برگزاری آزمون کتبی از بین داوطلبان دو برابر ظرفیت، انتخاب و در نهایت با انجام مصاحبه علمی و بررسی‌های جانبی و ظاهری هفتاد نفر به عنوان قبول شدگان نهایی پذیرفته شدند و در تاریخ دوشنبه ۶۷/۷/۲۵ نخستین دوره تربیت مدرس با حضور استادان برجسته و شاخص کشور شروع شد.^(۵)

نهال نوپای تربیت مدرس از همان آغاز با خلأهای جدی، اداری و قانونی روبرو بود. چالش اساسی ساختاری و فقدان جایگاه قانونی به گونه‌ای بود که ادامه دوره را با تردیدهای جدی روبرو ساخته بود، تا اینکه به دستور مقام معظم رهبری - مد ظله العالی - آقای دکتر احمدی که خود جزو بنیانگذاران اصلی مرکز به شمار می آمدند، ماموریت یافتند که برای رفع خلأهای قانونی مرکز، چاره اندیشی کنند، با توجه به حضور توانمند دکتر احمدی در مرکز تربیت مدرس قم و ریاست دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت

مدرس تهران، چاره کار در این دیده شد که مرکز تربیت مدرس، به دانشگاه تربیت مدرس تهران ملحق شود و در تاریخ ۶۸/۷/۴ با تصویب یکصد و نود نهمین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی این امر انجام شد، لیکن به جهاتی از جمله جایگاه حوزوی تربیت مدرس، در تاریخ ۶۸/۸/۲۳ طی دویست و سومین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی،^(۶) به مدرسه عالی و تربیتی قضایی قم ملحق شد.

الحاق تربیت مدرس (که بسیاری از دانش پژوهان آن از فرهیختگان حوزه و در مقطع کارشناسی ارشد بودند) به مدرسه عالی که در آن زمان تنها در دو رشته تربیتی و قضایی در سطح کارشناسی دانشجوی می پذیرفت و افزون بر این، خود درگیر مشکلات طبیعی یک نهاد نوپا، نظیر فقدان استادان ثابت، نداشتن ساختمان اداری و آموزشی و استقرار در محل استیجاری بود، در نگاه نخست با اقبال چندانی روبرو نشد؛ لیکن همت بلند و ستودنی رئیس فقید، حمایت‌های بی دریغ هیات امنای معزز و پیگیری‌های مجدانه نمایندگان دانشجویان، نویدبخش تعاملی دوسویه بین این دو نهال تازه رسته بعد از انقلاب اسلامی بود، از سویی جایگاه رسمی و قانونی مدرسه عالی و داشتن هیات امنایی که همه از بزرگان و برجستگان حوزه علمیه قم و برخی نظیر مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی از مدرسان برجسته درس خارج به شمار می آمدند و از سوی دیگر، استقبال تعداد زیادی از نخبگان و فرهیختگان که برخی خود از استادان سطوح عالی بودند، عواملی بود که می توانست بستر توسعه کمی و کیفی مدرسه عالی را فراهم آورد.^(۷)

خاطره ماندگار نخستین دیدار کاری با حاج آقای قاضی در محل مدرسه هدایت صفاشهر، برای صاحب قلم فراموش شدنی نیست. همت، نشاط و پشتکار همراه با اندیشه بلند از ایشان چهره‌ای ستودنی ساخته بود، به گونه‌ای بود که انسان در همان دیدار نخست مجذوب رفتار متواضعانه و اخلاق کریمانه ایشان می شد. آری تو این چنین مپندار که جمعی دانشجوی درگیر با مسائل اداری و آموزشی در حضور رئیس تشکیلات خود برای

چاره‌جویی مشکلات گردهم آمده‌اند، بلکه آن انسان وارسته - که خدای رحمتش کند - به مانند پدری دلسوز که هیچ‌گونه امتیازی برای خود قائل نبود به درد دلها و مسائل مطرح شده گوش سپرد و با همان حوصله و متانتی که شیوه بزرگان است، یادآوری کردند که اینها مشکلی نیست که حل نشود. در همین جا به راه‌اندازی مدرسه عالی که در آغاز با چند قلم و دفتر و یک اتاق کرایه‌ای کار را شروع کرده بودند، اشاره و تاکید کردند با اتکال به خداوند و همکاری یکدیگر موانع پیش رو، به زودی برطرف خواهد شد. آن دیدار هرچه بود نشان از یک انسان مصمم به خدمت و شیفته سربلندی ملت و کشور داشت و چنانکه بعدها در پیام درگذشت ایشان رهبر معظم انقلاب اسلامی گفتند او دانایی و توانایی را با هم در آمیخته بود و بحق **روحانی دانا و توانا** بود.

تثبیت جایگاه قانونی تربیت مدرس همراه با خود سطح مطالبات و رعایت دقیق‌تر استانداردهای آموزشی را در پی داشت. جلسات متعدد، گهگاه در هر هفته دو یا سه بار نه تنها در اراده جدی آن فقید عزیز خللی وارد نمی‌کرد، بلکه هر بار که برای پیگیری امور خدمت می‌رسیدیم، قدرت و توان حل مشکلات را بیشتر احساس می‌کردیم. در اولین دیدار با دانشجویان و به هنگام بازدید از امکانات تربیت مدرس، وقتی با قوت قلب بیشتری، انتظارات و خواسته‌های دانشجویان مطرح شد، ایشان که گویا زمان را مناسب این یافته بودند که توصیه‌های جدی‌تر به ما داشته باشند، گفتند: «ایده ارائه دادن و سخن گفتن آسان است، بیایید عمل کنید»، جمله‌ای که بعدها در محیط صمی می‌تر جلسات اداری صریح‌تر ابراز می‌شد که حرف زدن و انتقاد کردن، خارج گود ایستادن و فرمان دادن، کار دشواری نیست. اگر به راستی به آنچه می‌گوئید باور دارید، این گوی و این میدان. وارد عمل شوید. او خود مرد اندیشه و عمل بود و این انتظار از سوی ایشان امری طبیعی بود.

مرحوم قاضی که به شهادت همه دوستان در بیان احوال شخصی بسیار کتوم بود، روزی در محل تربیت مدرس (دارالشفاء) از سر اضطرار و ناچاری گفتند، من هم مثل

دیگران می‌توانستم محفل درس و جلسه مباحثه‌ای داشته باشم. او ضمن یادآوری سوابق تحصیلی و داشتن موقعیت‌های ممتاز سیاسی، اجتماعی و حتی مالی گفتند اگر می‌بینید امروز ورود به عرصه اجرایی کرده‌ام، برای این است که احساس می‌کنم وظیفه روحانیت بس خطیر و سنگین است. انقلابی با این همه عظمت و بزرگی شکل گرفته و روحانیت چه بخواهد و چه نخواهد به عنوان مسئول شناخته می‌شود. این است که می‌بایست همه با هم صادقانه به جامعه، به ویژه حوزه و دانشگاه خدمت کنیم.

امروز با همه وجود اعتراف می‌کنم سخنان ایشان در آغاز دهه هفتاد شمسی، مسیر تمامی عمر من - دست کم - تا به امروز را تغییر داد و نکته مهم‌تری که در عنوان مهاجرت به قم آن را پی خواهیم گرفت برخاسته از همین نوع نگاه آن عالم وارسته بود.

مهاجرت به قم

مهاجرت خواه اجباری و خواه اختیاری، حکایت از تغییر در اوضاع و شرایط شخص مهاجر دارد، اینکه چه عامل یا عواملی سبب شده است که مرحوم قاضی با داشتن موقعیت ممتاز و کالت تام و مطلق از سوی حضرت امام در لرستان، وادار به مهاجرت گردد، جای تامل، واکاوی و درس‌آموزی دارد. نباید از یاد برد که حضرت امام خمینی(ره) قبل از انقلاب و بعد از انقلاب همواره عنایت ویژه‌ای به استان دلیرمردان و استوارقامتان لرستان به ویژه عشایر استان داشته‌اند و در این میان نقش تاثیرگذار آیت الله شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی به عنوان نماینده ایشان در استان غیرقابل انکار است، به هر روی مهاجرت آن عزیز از خرم‌آباد و حضور بسیار کمرنگ و گهگاه در حد یک یا دو روز - آن هم برای انجام امور ضروری - در آن شهر بجد جای تامل بسیار دارد، به راستی چه چیزی سبب این تغییر رویکرد شده است؟

آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی که خود از شاگردان بنام حضرت امام و از شخصیت‌های تاثیرگذار در انقلاب اسلامی‌اند و همدلی و همراهی ایشان با مرحوم قاضی نزد کسانی که ایشان را می‌شناسند، نیاز به توضیح ندارد، در این باره می‌گویند:

«بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله قاضی تا سال ۵۸ و اوایل ۵۹ در خرم‌آباد حضور داشت و بعد از آن به قم آمد. دلیلش هم این بود که منافقین که آن روزها در بیشتر شیطنت‌ها حضور داشتند، در این مساله هم نقش داشتند؛ مثلاً می‌گفتند که آیت الله قاضی پولدار و سرمایه‌دار است و از این قبیل حرفهای بی‌محتوا و بی‌منطق. با اینکه ایشان وجود فعالی بود و همه مسائل و مشکلات روزهای اول انقلاب در خرم‌آباد بر دوش ایشان بود. در روزهای نخست انقلاب اسلامی کمیته‌ای متشکل از علماء برای برطرف کردن مشکلات و بحران‌هایی که معمولاً در روزهای اول هر انقلابی پیش می‌آید تشکیل شده بود که آیت الله قاضی هم در آن کمیته حضور داشت، ولی اینها داد و فریاد سر دادند که ایشان سرمایه‌دار است و نباید عضو این کمیته باشد. بعد هم یک بار دفتر امام به ایشان گفت که حتماً به خرم‌آباد برو، چون مسائلی در آنجا اتفاق افتاده بود که حضور ایشان را می‌طلبید. عده‌ای از حزب‌اللهی‌هایی که در برابر منافقین بسیار داغ و تند بودند و از طرفداران ایشان به حساب می‌آمدند. [در برابر] یک عده‌ای هم از انقلابیون بودند که مثلاً طرفدار بنی‌صدر بودند. این دو دسته ظاهراً با هم اختلافاتی داشتند، البته منافقین هم آتش بیار معرکه بودند و روی این مسائل انگشت می‌گذاشتند. این بود که آیت الله قاضی به دستور امام، یک ماه به خرم‌آباد رفت و بعد از آن دوباره به قم برگشتند و تا زمان رحلتشان در قم حضور داشتند و خدمات ارزشمندی به حوزه‌های علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ارائه کردند.^۱

بیان جامع همسنگر و یار دیرین مرحوم قاضی گویای نکات سودمندی است و برای بسیاری از کسانی که به دنبال خدمت‌اند، پیام‌های ارزنده‌ای دارد.

آقای قاضی در خرم‌آباد عده و عُده داشت. تایید حضرت امام، دوستدارانی از متدینان و انقلابیون که در مقابل منافقین و جریان بنی‌صدر از وی حمایت می‌کردند، براساس این مشروعیت و مقبولیت، با توجه به اختلافات پیش آمده، آقای قاضی چند گزینه پیش رو داشت:

۱. ماندن و مقاومت کردن در مقابل جریانی که با ایشان مخالفت می‌کردند.
 ۲. کنار کشیدن از فعالیت‌های انقلابی و تظاهر به مظلومیت و در نتیجه عزیز شدن نزد توده مردم.
 ۳. تحلیل درست نداشتن از حوادث پیش آمده و در نهایت تکدر خاطر از اینکه چرا برخی از همراهان دیروز مخالفان امروز شده‌اند و در انقلاب بزرگی که او و همه هریک به اندازه توان خود، سهمی در پدید آوردن آن داشتند، امروز به صف آرایي مقابل یکدیگر پرداخته‌اند؟
 ۴. مهاجرت از خرم‌آباد و گزیدن نقطه دیگر از کشور برای ادامه خدمت.
- گزینه دو از جهت فردی، راهی آسان و نمایش قدیس‌مآبانه و همراه با راحت شخصی و عافیت‌طلبی است و افزون بر اینها، طلبکار شدن از دیگران که من از حق خودم گذشتم و در نهایت راحت خود و خانواده است. گزینه سه نشان از عدم درک درست شرایط سیاسی است - و این چیزی است که از ساحت مرحوم قاضی به دور است - زیرا در هر حرکت عظیم اجتماعی، کسانی به انگیزه‌های غیرهمسو با اکثریت، طالب منافع خود هستند و بر هادیان امور است که با تحلیل سنجیده و دقیق، راه و رفتاری را برگزینند که مخالف زیاده‌خواه را خلع سلاح و بستر رشد و بالندگی را فراهم آورند.

۱. جلوه ایثار، ویژه‌نامه حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی، ص ۵.

گزینه اول هرچند به خودی خود امری پسندیده و نیکو می‌نماید و شاید در نگاه برخی وظیفه‌ای متعین به شمار آید، لیکن با تأمل بیشتر می‌توان دریافت که بر حسب شرایط، بخصوص اگر مخالفان، فریب‌خوردگانی باشند که از سر جهل و نادانی در دام شیطان افتاده‌اند، راه اصلاح و خدمت حتی به مخالفان، منحصر به ماندن و مقاومت کردن نیست، زیرا چه اشکالی دارد انسان بستر خدمت را در نقطه‌ای دیگر، بگستراند و برای مخالفان فضایی آرام فراهم آورد تا شاید درست بیاندیشند و به راهی که رفته‌اند و خطایی که مرتکب شده‌اند پی برند و درصدد جبران برآیند. از این رو به نظر می‌آید بهترین و خداپسندانه‌ترین انتخاب، آن است که با حفظ هویت و دایره انتقال خدمت به نقطه دیگر، فرصت اندیشیدن به رقیب داده شود، که در صورت پی بردن آنان به اشتباه و هدایت برخی از افراد حتی یک نفر، خود خدمتی بزرگ است که بر طبق آموزه‌های دینی هیچ چیز با آن برابری نمی‌کند.

سیره و سنت نبوی و جانشینان به حق او در پاره‌ای از موارد که شمار آن هم اندک نیست، نشان از این دارد که همواره تنبیه راه تادیب نیست، چه بسا که در بعضی مواقع بی‌اعتنایی و یا حتی تشویق و دلجویی گزینه‌های بهتری برای هدایت افراد است. مهرجویی پیامبر از یهودی که راه را بر او گرفته بود، آن هم در شرایطی که پیامبر تسلط کامل بر مدینه دارد، سکوت علی(ع) در مقابل خوارج تا زمانی که دست به سلاح نبردند^(۸) و دلجویی امام حسن از مرد شامی که به وی ناسزا گفت،^۱ نمونه‌هایی است که مفاد و پیام جمعی همه آنها این است که تحقیر و توهین رقیب و افراد خطاکار، گاه نتیجه‌ای خلاف در پی دارد.

جمله پایانی گفتار آیت الله طاهری خرم‌آبادی جلوه‌ای دیگر از بزرگ مردی این انسان وارسته را گزارش می‌کند «... دوباره به قم برگشتند و خدمات ارزشمندی به حوزه‌های علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ارائه کردند.» بدون تردید ماندن آقای قاضی در لرستان برکاتی برای مردم آن دیار در پی می‌داشت، لیکن آنچه او در قم پدید آورد، خدمتی ماندگار و دست کم در عصر خود او بی‌بدیل و یا کم‌نظیر است و این همه از آثار آن مهاجرت مبارک است.

رفتار کریمانه و خداپسندانه آقای قاضی در برخورد با مخالفان و به تعبیر آیت الله طاهری منافقین، آن مرحوم را مشمول عنایت حق تعالی و شایسته دریافت موهبت الهی گرداند، چنان که در جمله پایانی آیت الله طاهری آمده است «... تا زمان رحلتشان در قم حضور داشتند و خدمات ارزشمندی به حوزه‌های علمیه و نظام مقدس جمهوری اسلامی ارائه کردند»، خدمات ماندگار ایشان در قم که در جای خود به آن خواهم پرداخت، با هیچ محاسبه مادی قابل مقایسه نیست. در همین راستا تأکید بر اینکه با یک ارزیابی دقیق از مردم خرم‌آباد درستی این ادعا که برکات این مهاجرت در آنجا نیز به نوعی دیگر خودنمایی کرده است، امری پسندیده می‌نماید؛ زیرا نگارنده در روز برگزاری مراسم یادبود در خرم‌آباد به دقت چهره‌های ماتم‌زده و در عین حال غرق در اندیشه را به هنگام سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین نواب شاهد بودم. به راستی زبان حال مردم آن سامان این بود که چه سرمایه بزرگی را از دست دادیم و چه اشتباه کردند کسانی که سبب رنجش خاطر او را فراهم آوردند. او رفت و در جای دیگر همه آنچه از توان جسمی و معنوی داشت، برای خدا هزینه کرد و براساس سخن پیامبر که فرمود: «انما الاعمال بالنیات و لكل امرء ما نوى فمن كانت هجرته الى الله و رسوله فهجرته الى الله و رسوله»^۱ اعمال افراد به نیت آنان بستگی دارد چنانچه

۱. فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۸، ص ۱۰۳.

۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۴۴.

انگیزه فرد، هجرت به سوی خدا و رسول او باشد و در راستای تحصیل رضایت خدا و پیامبرش حرکت کند به همان دست می‌یابد.

ویژگی‌های شخصی مرحوم قاضی

هدف اساسی از بیان احوال و گزارش زندگی بزرگان پیش از آنکه قدرشناسی و سپاس‌گزاری از آنان باشد، درس‌آموزی برای دیگران است. همان‌گونه که بیهقی مورخ نامدار می‌نویسد: «و هر کس از این حکایت بتواند دانست که این چه بزرگان بوده‌اند و همگان برفته‌اند و از ایشان این نام نیکو یادگار مانده است و غرض من از نبشتن این اخبار آن است تا خوانندگان را از من فایده‌ای حاصل آید و مگر کسی را از این به کار آید»^۱ برای نگارنده که افتخار دو دهه همراهی و آشنایی با مرحوم قاضی دارد و به جز ایام مسافرت و کسالت ایشان، هر هفته به طور مکرر و برخی از ایام هر روز برای انجام امور اداری و غیر آن خدمت ایشان می‌رسیدم، گفتم و نوشتنی بسیار است، لیکن با توجه به زمان اندک باقی مانده به نخستین سالگشت^(۹) که این مکتوب برای ارائه به آن محفل فراهم می‌آید به پاره‌ای از ویژگی‌های شخصی و در پی آن ویژگی‌های مدیریتی ایشان اشاره می‌شود.

شهرت‌گزینی

از بنیادی‌ترین توصیه‌های دینی، انجام اعمال به قصد قربت و رضای خداوند است، حتی در حج که آئینی جمعی است و مسلمانان همگام با هم در طواف، سعی و صفا شرکت می‌کنند، به حاجیان توصیه شده است که هرچند اعمال حج روح جمعی دارد،

لیکن خلوص و تقوی اساس کار است و گوشت‌ها و خون‌ها که نمادهایی ظاهری‌اند، راهی به سوی خداوند ندارند و آنچه به او می‌رسد تقوا و پرهیزکاری است.^۱ در اسلام ارزش اساسی عمل به حجم و اندازه نیست، بلکه به انگیزه و نیت آن بستگی دارد.

مرحوم قاضی در این جهت جزو نوادری بود که همواره از عکس و برق دورین‌ها گریزان بود. اینکه کمتر مصاحبه تصویری و حتی نوشتاری از او در دست است،^(۱۰) برای این است که به راحتی رضایت نمی‌داد که بتوان از او عکس و تصویر گرفت. اگر رعایت لوازم مسئولیت نبود، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد در مجالس رسمی دانشگاه در ردیف اول بنشیند. گهگاه که در مجالس ختم و عزا دیده می‌شد، در گوشه‌ای به دور از نگاه دیگران و برق عکاسان می‌نشست و اگر کسی از او با القاب و عناوین پرطمطراق و تعارفات رایج یاد می‌کرد نه تنها خشنودی در چهره او دیده نمی‌شد، بلکه در پاسخ می‌گفت مناسب است گفته یا خواسته‌ای که دارید مطرح کنید.

روزی به مناسبتی از خاطرات دوران مبارزات و برگزاری جلسات محاکمه دکتر مصدق سخن به میان آمد. به ایشان پیشنهاد دادم چقدر خوب است حضرت عالی موافقت کنید در هفته دو ساعت یکی از دوستان بیاید و خاطرات دوران قبل از انقلاب را مکتوب، ثبت و ضبط کند. با همان بیان ساده و بی‌تکلفی که داشت پاسخ داد: «که چی بشه» گفتم حاج آقا دیگران می‌خوانند و استفاده می‌برند، پاسخش این بود که کمبودی در این جهت نیست و مطالب زیادی از دیگران نقل و نوشته شده است.

به راستی او به این گفتار امام علی - علیه السلام - از جان و دل باور داشت که «رحم الله إمرء عرف قدره و لم يتعد طوره»^۲ قدر و منزلت او در نزد خواص،

۱. سوره حج، آیه ۲۲.

۲. آمدی، غرر و درر الکلم، ص ۳۰۴.

۱. تاریخ بیهقی، تصحیح دکتر فیاض، ص ۲۲۱.

شایسته و برجسته بود، لیکن خود اندیشه‌ای دیگر داشت و بر این باور بود که کسی که قدر و اندازه خود را بداند و از حدودی که دارد عبور نکند، مشمول رحمت الهی می‌شود. آری او به درستی می‌دانست که هر اندازه خدمت کند و اعمال بسیار نیک انجام دهد، نزد آفریننده اعمال و نیکی‌ها، هیچ قدری ندارد مگر آن‌که در جهت رضای او باشد.

هنگامی که هیأتی در معیت آقای دکتر معین وزیر وقت وزارت علوم برای بازدید از مجموعه در دست ساخت دانشگاه آمده بودند، پس از مشاهده مجموعه‌های اداری، آموزشی و کتابخانه - که جزو بزرگترین کتابخانه‌های کشور است - برای استراحت به محل سرپرستی رفتند، پیشنهادی به نظر رسید، با خود گفتم اگر با حاج آقا مشورت کنم به رسم مالوف که رضایت به این گونه امور نمی‌دهد، مخالفت خواهد کرد. بدون مشورت به وزیر و هیأت همراه پیشنهاد دادم که کتابخانه بزرگ دانشگاه به پاس خدمات حاج آقای قاضی که در حقیقت بنیان‌گذار دانشگاه‌اند، به نام ایشان نام‌گذاری شود. پیشنهاد با گشاده‌رویی وزیر مورد قبول قرار گرفت، لیکن آقای قاضی مخالفت کرد و چندی بعد مرا مورد عتاب قرار داد که نباید چنین پیشنهادی می‌دادی. بعد از این جریان دوستان پیشنهاد را به هیأت رئیسه بردند. باز هم مرحوم قاضی مانع شدند و از آن به بعد تا زمان حیات هیچ‌گاه اجازه طرح آن را نمی‌داد.^(۱۱)

در زمان حیات مرحوم قاضی، با توصیه استاندار وقت، آقای مهندس محتاج جلسه‌ای در محل استانداری تشکیل شد و مصوب گردید به گونه‌ای از خدمات ایشان به استان قم، تجلیل به عمل آید. تا آنجا که به خاطر دارم یکی دو جلسه پیرامون مساله تشکیل و مقدمات کار در حال فراهم آمدن بود که حاج آقای قاضی مطلع شدند و به طور جد مخالفت نمودند. در آن سوی، مسئولان برگزاری

می‌گفتند این قدرشناسی وظیفه‌ای است که به عهده ما است و موافقت حاج آقای قاضی لازم نیست، لیکن مرحوم قاضی پیغام فرستاد که اگر جلسه برای تجلیل از من تشکیل شود. در آن شرکت نخواهم کرد. او به راستی روحیه‌ای شهرت‌گریز داشت و به شدت از مطرح شدن و یدک کشیدن القاب و رسانه‌ای بودن دوری می‌جست.

تواضع و فروتنی

بازگفت این انگیزه برای تاکید بر این باور است که یاد نیکان افزون بر پاسداشت و قدرشناسی از شایستگان، عامل تشویق و ترغیب دیگران به خوبی و بستر ساز رشد و تعالی فرد و جامعه است.

در نگاهی کلی‌تر، به راستی اگر مسلمانان به عوامل عزت‌آفرین دیروز و محنت‌بخش امروز به درستی می‌اندیشیدند و به ارزش‌های الهی و انسانی در بیان و گفتار، اهتمام می‌ورزیدند، آیا سرنوشتی دیگر برای خود رقم نمی‌زدند؟ مکتب حیات بخشی که در مدت کوتاه ظهور توانست، جهل و بی‌خبری جزیره را تبدیل به آگاهی و بیداری کند و ایران و روم باستان را تحت تاثیر تعالیم رهایی بخش خود درآورد، چرا دچار سرنوشتی گردید که در آن امامت تبدیل به خلافت شد و بعد خلافت به سلطنت موروثی تبدیل شد؟ آیا جز این بود که سیره و سنت رسول گرامی اسلام، متروک و نقل آن چنان که او بدان سفارش کرده بود، جرم و گناه شمرده شد؟ اگر شخص مسلمان به درستی روایت حال بنیانگذار مکتب را بداند، در این داوری تردید نمی‌کند که غفلت از آموزه‌های مورد سفارش پیامبر، سبب پیامدهای ناگوار و بنیان‌برانداز جامعه اسلامی شد. اینکه تعالیم پیامبر خاتم در مدت کوتاهی توانست اعراب حجاز و تمدنهای آن روز را تحت تاثیر قرار دهد، با پشتوانه سلاح و سپاه نبود، زیرا قبل از آنکه رعد و برق شمشیر مجاهدان و غرش مبارزان

چاره کار او باشند و فتح زمین کنند، گفتار و رفتار او جان آدمیان را تسخیر می کرد و گره از کار می گشود.

پیامبر در رفتار و گفتار نشان داد که از مردم و با مردم است. شهرت گریزی، تواضع و فروتنی و دیگر اخلاق پسندیده، سجدیه همیشگی او بود و خود به این اخلاق پسندیده افتخار می کرد و می گفت هیچ گاه تا پایان عمر پنج چیز را ترک نخواهم کرد تا سستی برای همه باشد و به آن عمل کنند: در اوج قدرت با فرودستان بر دامن زمین می نشست و با آنان غذا می خورد، بدون حجله و حجاب بر مرکبی ساده می نشست، با دستان خود از پستان گوسفندان شیر می دوشید، پشمینه می پوشید و بر خردسالان سلام می کرد.^۱

براساس آموزه های مکتب اسلام، قول، فعل و تقریر پیامبر حجت است و همه مسلمانان به ویژه کسانی که عهده دار مسئولیت اند، این سیره و سنت را باید پاس بدارند و در رفتارهای فردی و سلوک اجتماعی از آن پیروی کنند. تا آنجا که به یاد دارم مرحوم قاضی بجد خود را ملتمز و مقید به توصیه های مکتب می دانست، قبل از آن که درگیر عارضه های جسمانی گردد و کم توان شود، برای کسانی که بر او وارد می شدند به تمام قد می ایستاد و با تمام نگاه به آنان می نگریست و با متانت خاصی که داشت به سخن آنان گوش فرا می داد و در صورت توان خواسته او را اجابت می کرد و اگر چاره کار خارج از حوزه کاری و توان شخصی او بود، تلاش می کرد با راهنمایی و توصیه های اخلاقی، تبسم رضایت مندی را بر چهره شخص بنشاند.

فراموش نمی کنم در سالهای نخست آشنایی، روزی برای انجام کار اداری به دیدار ایشان رفتم. پس از گفتگو به اتفاق از ساختمان اداری خارج شدیم. به هنگام خداحافظی پرسیدند: ماشین داری؟ با اندکی درنگ گفتم، مشکلی نیست می روم. با اصرار گفتند با

هم می رویم. پرسیدم راننده کجاست تا خبر کنم ماشین را بیاورد. اظهار داشت خودم. تا آن روز ندیده بودم که ایشان رانندگی کند. بدون تکلف سوار بر ماشین شدیم، وقتی به نقطه جدایی رسیدیم، از آدرس منزل پرسید که من را به مقصد برساند. هرچه اصرار کردم که پیاده شوم قبول نکرد، تا در منزل رفتیم. با اظهار شگفتی در مسیر از ایشان پرسیدم: حاج آقا مگر شما رانندگی هم می کنید؟ پاسخ داد: مگر اشکالی دارد؟ انسان تا می تواند باید کارهای خودش را انجام دهد. بعدها به طور مکرر می دیدم که خود برای خرید لوازم مورد نیاز منزل به بازار می رفت و هیچ نگران نبود که شاید یکی از همشهری های خرم آبادی - که آوازه اش در آنجا زبانزد همگان است - و یا یکی از بزرگان حوزوی و طلاب پرشماری که او را می شناختند، او را در بازار ببینند.

دانشجویانی که از نزدیک شاهد بوده اند، بهترین گواه بر این مدعایند که ایشان بدون هیچ تکلفی در حد توانی که داشت در خوابگاه های دانشجویی حاضر می شد و با دانشجویان به گفتگو می پرداخت. ظهرها بویژه در این سالهای آخر نهار را در سلف سرویس دانشجویان و همراه با آنان صرف می کرد. روزهای فرد هفته که به کارگاه می رفت و در جمع مهندسان، پیمانکاران و کارگران، حضور می یافت یا برای بازدید از پروژه های در دست ساخت می رفت، اگر شخص ناآشنایی به جمع می پیوست، جز تشخیص لباس روحانی ایشان نمی توانست تشخیص بدهد که حاج آقای قاضی کیست. هیچ گاه در دفتر ایشان بر روی مراجعان بسته نبود و در مقابل اصرار دوستان بر اینکه مناسب است، رئیس دفتری داشته باشید تا کارها با تنظیم و سرعت بیشتری انجام شود، پاسخ این بود که دیگر از من گذشته است. شما برای خودتان رئیس دفتر انتخاب کنید! با اعتراف به اینکه، این شیوه، دشواری های خاص خود را داشت و گهگاه برای بیان مساله ای که در جمع نمی شد آن را بیان کرد و باید ساعتی یا بیش از آن را در انتظار فرصتی مناسب بود، لیکن با توجه به شخصیت حاج آقای قاضی (تاکید می کنم شخص ایشان) خوبی های

بسیاری داشت. جایگاه ایشان در دانشگاه فراتر از یک مسئول بود. آن فقید عزیز بنیانگذار دانشگاه و در کسوت ریاست، پدری مهربان، فروتن و متواضع برای دانشجویان و ارادتمندان بود و همین احساس صمیمیت و قرابت، گره از بسیاری از مشکلات می‌گشود.

خاطره‌ای خواندنی: چنانکه اشارت رفت در اتاق ایشان حاجب و مانعی نداشت و هرکس وارد می‌شد در هر کجا که صندلی خالی می‌یافت، می‌نشست و به نوبت به طرح مشکل و یا خواسته خود می‌پرداخت. روزی به مناسبت گفتند در دورانی که در شورای مدیریت حوزه علمیه بودم، یکی از روزها در دفتر کارم مشغول بررسی نامه‌های وارده بودم که طلبه‌ای جوان سراسیمه وارد شد و معلوم بود مشکلی دارد. با شتاب و زبان شیرین ترکی گفت آقای «گازی» کجاست؟ گفتم مشکل چیست؟ او تاکید کرد با خود آقای گازی کار دارم. او که در ذهنش تصویری از دفتر و دستک و تشریفات برای دیدن مدیر داشت، هیچ باورش نمی‌شد که من قاضی هستم. به او گفتم من خودم قاضی هستم. روی صندلی آرام گرفت و با شگفتی پرسید واقعاً شما خودتان آقای گازی هستید؟ و بعد به طرح مشکلی که داشت پرداخت. طلبه جوان که مشکل رد شدن از یکی از مواد امتحانی را داشت، با سادگی و بی‌آلایشی خواسته عجیبی را مطرح و بر آن اصرار می‌ورزید. پیشنهاد تقسیم نمرات سایر دروس را داشت به گونه‌ای که در همه آنها شرایط قبولی فراهم آید. به او گفتم این با هیچ یک از ضوابط آموزشی همخوانی ندارد. با توضیحات کافی او را قانع کردم که نمره هر درسی اختصاص به همان درس دارد و در نهایت او پذیرفت و رفت. ایشان می‌گفتند به نظرم آنچه سبب شد آن شدت و اصرار تبدیل به آرامش و پذیرش شود، همدلی بود که او آن را احساس می‌کرد و این چیزی نیست که با نوشتن یک جمله و پاراف کردن نامه بتوان به آن دست یافت. همانجا به سخن ایشان افزودم که حاج آقا افزون بر همدلی، یکرنگی، سادگی و تواضع جناب عالی در بسیاری از مواقع گره از کار می‌گشاید.

ویژگی‌های مدیریتی مرحوم قاضی

دانش مدیریت، دانشی مدرن و دارای زوایای پیدا و پنهان بسیار است که مدیر موفق با به همه آنها آشنایی کامل داشته باشد و افزون بر اینکه باید به طور پلکانی مراتب را طی کند و از دانش کلاسیک مدیریت نیز مطلع باشد. بسیار طبیعی می‌نماید که برای سخن راندن درباره مدیریت این چنین باید خبره و اهل فن بود. آنچه این نوشتار در پی آن است، تحلیل رفتاری از عملکرد مدیری موفق و سستی است که با الهام از آموزه‌های دینی و با توجه به شرایط پیرامونی، توانسته است بهترین بهره‌وری را داشته باشد. شهید مطهری در کتاب «امامت و رهبری» می‌گوید: «مدیریت انسانها و رهبری آنها عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل [کردن] نیروهای انسانی و به کار بردن آنها»^۱

مدیریت و مقولات مرتبط با آن در دین اسلام، با اهتمام بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در جوامع بشری معاصر، مدیران موفق بزرگترین سرمایه‌های ملی‌اند. مدیران توانمند و لایقی که بتوانند با محاسبه دقیق داشته‌ها و صرف کمترین هزینه‌ها، بهترین بهره‌وری را برای جامعه و مردم خود به ارمغان آورند، سرمایه‌هایی هستند که هیچ چیز مادی با آن برابری نمی‌کند. اینکه امام علی(ع) می‌فرماید: «من سوء التدبیر سبب التدمیر»^۲ بیانگر اهمیت مساله مدیریت است. مدیر خوب به مانند راننده مجرب و ورزیده‌ای است که در پیچ و خم‌های خطرناک، سرنشینان را هرچند ناتوان و ضعیف باشند، به سلامت به مقصد می‌رساند. در آن سوی اگر راننده تجربه کافی نداشته باشد، هرچند سرنشینان همه نخبگان و فرزندان باشند، در اولین فراز و نشیب، جان خود و مسافران را به خطر خواهد انداخت.

۱. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، ص ۲۳۵.

۲. آمدی، شرح غرر الحکم ۳/۳۸۴.

برداشت نگارنده از بیان بی نظیر امام علی(ع) این است که مدیر توانا و خردمند از اندوخته‌های جامعه، هرچند بسیار اندک باشد، بنیانی رفیع می‌سازد و در پرتو تدبیر از تدمیر و فروپاشی بنیانهای فردی و اجتماعی جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر، اگر مدیر جامعه خردورزی را پیشه نسازد، بنیانهای رفیع جامعه را ویران می‌کند. به هر روی آنچه گفته آمد درآمدی بسیار کوتاه بود برای بیان ابعاد مدیریت حاج آقای قاضی که در پی می‌آید.

شرح صدر

بی‌شک تقدم صفات و فضیلت‌های اخلاقی بعضی بر بعضی مساله‌ای است که نزد اهل فن قابل انکار نیست، زیرا برای نمونه اگر شخصی شجاع است و در صحنه نبرد از عزت و کرامت انسانی خود و دیگران دفاع می‌کند، آنگاه که هم‌نوع خویش را درمانده مالی بیابد، در دفاع از زندگی شرافتمندانه مستمند که می‌خواهد او هم همانند دیگر ممنوعان باشد، درنگ نمی‌کند و از بخشش مال کوتاهی نمی‌کند. بنابراین شخص شجاع، سخی هم هست، در موضوع مورد گفتگو که سخن از شرایط یک مدیر موفق است، شرح صدر بر سایر صفات تقدیمی رتبی دارد، اگر مدیری انباشتی از دانش مدیریت داشته باشد، لیکن شرح صدر نداشته باشد، دانش او حجاب و سبب هلاک خود و دیگران خواهد شد.

اینکه خداوند انشراح صدر را در بین موهبت‌هایی که به پیامبر داده است، به گونه‌ای ویژه یادآوری می‌کند و می‌فرماید: «الَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرُكَ»^۱ نشان از اهمیت شرح صدر دارد. پاسخ به چرایی این مدعا در عرصه مدیریت تکلفی چندان ندارد، زیرا نقش این

صفت کمالی بیش از آنکه در حوزه اخلاق فردی باشد، نقشی تاثیرگذار و محوری در عرصه اجتماعی است. تأمل در ادامه آیه نخست سوره انشراح که خداوند می‌فرماید: «بار سنگین را از تو برداشتیم، همان باری که سخت بر پشت تو سنگینی می‌کرد»^۱ به روشنی بیانگر این است که عطای انشراح صدر برای هموارسازی دشواری‌های مسئولیت رسالت است و براساس آموزه‌های دینی عهده‌داری و پذیرش مسئولیت، امانتی سنگین توصیف شده است؛ امانتی که اگر همراه با شرح صدر نباشد، دشواری‌هایی بسیار و در نهایت نابودی فرد و مجموعه تحت مدیریت او را در پی دارد.

اسناد موجود و عملکرد به جای مانده از مرحوم قاضی در قبل از انقلاب و بعد از آن، به روشنی گواه بر این مدعا است که او از این توفیق الهی برخوردار بوده است. در دست‌نوشته‌ای^(۱۲) که توسط یکی از قدیمی‌ترین دوستان دوران جوانی ایشان تنظیم شده است، نکاتی دیدم که شگفتی‌های حیات مرحوم قاضی را دوچندان می‌کند. این فرد که در آغاز دروس طلبگی همراه با آقای قاضی بوده است و در ادامه دچار تحولات فکری و نوسانات سیاسی آن دوران شده است و در عین حال به گفته خود او در تمام این مدت نگاه مهربانانه و رفتار کریمانه آقای قاضی با وی ادامه داشته، نقل می‌کند: در حوادث سیاسی قبل از انقلاب، من اندیشه‌ای غیر از منش و اندیشه آقای قاضی داشتم، حاج آقای قاضی از سفر حج آمده بودند و به رسم معهود جمعی از بزرگان، دوستان و خویشاوندان را به ضیافت نهار دعوت کرده بودند؛ از جمله مرا نیز دعوت کرده بودند. من به دلیل شرایطی که داشتم، از پذیرش دعوت اکراه داشتم و گفتم مهمان دارم. حاج آقای قاضی گفتند: همراه با مهمانی که دارید بیایید. گفتم: مهمان من از اقلیت‌های مذهبی است. ایشان گفتند مهمان است، همراه با خودت بیاور. به هر روی ظهر برای نهار به منزل ایشان رفتیم و

۱. سوره انشراح، آیه ۱.

۱. سوره انشراح، آیه ۲ و ۳.

پس از نهار آن فرد که مهمان من بود، شیفته اخلاق و بزرگ منشی ایشان شده بود و بعدها همواره از این تاثیرپذیری یاد می کرد.

آیت الله دکتر احمد بهشتی در جلسه ای با جمعی از دوستان، به مناسبتی از دوران زندان و همبند بودن آقای قاضی، داستانی نقل کردند که نشانی دیگر از سینه فراخ و اندیشه بلند آن مرد فرزانه است. به هنگام نوشتن این یادداشت برای تایید درستی آنچه شنیده بودم، در دیداری خواستار نقل دوباره آن شدم. ایشان گفتند: در سال ۵۷ پس از آنکه از سلول انفرادی به سلول چهار نفره و در نهایت ما را به فضای بزرگتری منتقل کردند، در آنجا حاج آقای قاضی به همراه تعداد دیگری جزء دستگیرشدگان بودند. در بین زندانیان شخصی به نام دکتر ممکن بود که گفته می شد از طرفداران جدی دکتر مصدق است و چون تخصص او داروسازی بود و از خواص داروها و نوع استفاده از آنها اطلاع داشت، در این جهت به جمع ما کمک می کرد. به طور طبیعی فراغت محیط زندان و بحث های حاد سیاسی، گفتگوهای سیاسی در زندان امری متداول بود و گهگاه گفتگوها به گونه ای تند و شدید از جانب من بیان می شد. روزی حاج آقای قاضی مرا به گوشه ای فراخواندند و گفتند، وظیفه ما در گفتگوی با این آقایان باید به گونه ای باشد که سبب جذب آنان شویم نه طرد آنان. از این رو سزاوار است که بحث های سیاسی مشفقانه و به دور از تند و درشتی باشد.

آری قاضی نه در زندان که در اوج اقتدار، انسانی با شرح صدر و سینه ای فراخ بود، او با تمام وجود فرمایش امام علی (ع) را درک و به آن پای بند بود که «آلة الرياسة سعة الصدر»^۱ و چه زیبا امام بیان فرموده است که «آفة الرياسة الفخر».^۲ آدمیان کم ظرفیت

آنگاه که به پُست و مقامی که شایستگی آن را ندارند، چنگ می اندازند، فخرفروشی و فزون خواهی می کنند و در مقابل شایستگان آنگاه که مسئولیتی به آنان سپرده می شود، آن را امانتی می دانند که باید به درستی پاس بدارند و با زیردستان با گشاده رویی و شرح صدر عمل می کنند، اگر اندکی تامل کنیم به سهولت و سرعت در این داوری تردید نخواهیم کرد که نگاه فخرفروشان و مستبدانه، جز شکست پیامدی ندارد، لیکن نگاه عزت مدارانه و کریمانه سبب گشایش در امور و سرعت در انجام آن می شود.

اعتدال و میانه روی

حکیمان مسلمان از حقیقتی به نام مزاج، یعنی همان کیفیت متوسط پدیدآمده از اجتماع کیفیات متضاد، یاد کرده اند. در تشکیل هر مزاجی، صورت عنصری به رای مشائیان و کیفیت عنصر به رای اشراق در ماده عنصر مقابل تاثیر می گذارد و از این تاثیر و تاثر، معدن، نبات و حیوان پدید می آیند. از نظر حکیمان مزاج انسانی کامل ترین مزاج و عالی ترین نقطه اعتدال عناصر ترکیبی است.^۱ این اشاره کوتاه به دیدگاه حکیمان تاکید بر این حقیقت است که، چنانکه مزاج انسانی از جهت زیستی و بیولوژی معتدل ترین مزاجها است، در عرصه حیات معنوی نیز انسان توانایی های بسیاری دارد که در صورت برقراری تعادل بین قوای باطنی، چنانکه مزاج جسمانی او عالی ترین نقطه اعتدال است، روح انسانی او نیز می تواند مبدا دریافت عالی ترین کمالات معنوی باشد.

آری بنیانی ترین اصل وصول به کمالات معنوی و کرامت های انسانی، اصل اعتدال و میانه روی است. قرآن که کتاب هدایت و نجات بشر است، شاخصه اصلی امت اسلامی را اعتدال و میانه روی می داند «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ

۱. نهج البلاغه، فیض، حکمت، ص ۱۶۷.

۲. شرح غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۴۸.

۱. ابن سینا، نفس شفا، ص ۲۲.

وَيَكُونُ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقَبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ (۱۴۳)»^۱ چنانکه قبله شما میانه است، شما را نیز امت وسط و میانه‌ای

قرار دادم تا شاهد بر مردم باشید و پیامبر هم گواه بر شما باشد. چنانکه از ظاهر آیه پیدا است، بیان قرآن دربارهٔ قبله است. قبله همان جهت‌نمایی است که امت اسلامی در طول شبانه‌روز موظفند پنج بار به سوی آن نماز بگذارند. از آنجا که با توجه به خاتمیت پیامبر اسلام و گسترش اسلام به نقاط مختلف جهان، میانه بودن از این جهت برای همیشه و همه مسلمانان شاید یکسان نباشد، خداوند اعتدال و میانه‌روی را از جهت مکانی به مرتبت و مکانت امت ارتقاء داده است و در خطابی عام می‌فرماید: امت اسلام امتی میانه و گواه بر مردم است.

سخن در اهمیت اعتدال و میانه‌روی بسیار است، امام علی در بیانی دل‌نشین گویا دستیابی به آزادی واقعی و شایستگی‌های انسان را در گرو اعتدال می‌داند: «لَا يُرَى الْجَاهِلُ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرَطًا»^۲، تندروری و کندروی زائیدهٔ جهل و ناآگاهی است. تردیدی نیست که مقصود از جهل، بی‌سوادی نیست، بلکه چه بسا کسانی که به فزونی حافظ اصطلاحات و مفاهیم‌اند، اما در صف جاهلان قرار دارند و به بیان روشن‌تر، مقصود از جهل، منش و روش جاهلانه است. چنانکه در بیانی دیگر می‌فرماید: چه بسا عالم دانشمندی که جهل او عامل هلاک وی می‌شود و دانشی که دارد به او سودی نمی‌رساند.^۳

گفتار در این درآمد قدری به درازا کشیده، چون نقش اعتدال و میانه‌روی در مدیریت، نقشی انکارناپذیر است، مدیر موفق کسی نیست که با شلاق تحقیر و توهین و حذف کردن رقیب بر توسن مراد بنشیند. مدیر موفق کسی است که با سعه صدر و بزرگ‌منشی، زیردستان را متحول و از آنان نیروهای کارآمد بسازد. اگر قدری با شمارش و محاسبه به ارزیابی بپردازیم، درخواهیم یافت که معمولاً کسانی بر طبل حذف و طرد می‌کوبند که در عرصهٔ اجراء یا حوزهٔ دانش ظرفیت بالایی ندارند، چون کسی که توسعه وجودی و به تعبیر امام علی(ع) ابزار ریاست را دارد،^۱ هراسی از دیگران ندارد، زیرا دیگرانی که با او کار می‌کنند یا برتر از اویند و یا فروترند، اگر برترند میدان کار را به آنان می‌سپارد و اگر فروترند به اندازه توانی که دارند از آنان استفاده می‌کند. برخلاف، کسی که سعه صدر ندارد، همه را رقیب خود می‌پندارد و ضعیفان را تحقیر و شایستگان را تخفیف می‌دارد، تا کاستی‌هایی که دارد برملاء نشود.

مرحوم قاضی در این جهت بحق مدیری خودساخته بود. نگارنده گرچه خود از رفتارهای اعتدال‌آمیز و دور از افراط و تفریط ایشان گفته‌های بسیار دارد، لیکن ترجیح می‌دهد این حقیقت را بدون کم و کاست از بیان داماد ایشان ارائه کند. «ایشان افکار و جریان‌های گوناگون را می‌پذیرفتند و از تجارب آنان استفاده می‌کردند و در محیط‌های گوناگون حوزوی و دانشگاهی، قضایی و اجرایی که مسئولیت داشتند و انجام وظیفه می‌کردند، نظرات و تفکرات مختلف و بعضاً تند و نامطلوب را به راحتی و چهره‌ای جذاب و آرامش پذیرفته و حرف آنها را می‌شنیدند و آنها را قانع می‌کردند، در طول سی سال کار و انجام وظیفه در نظام مقدس جمهوری اسلامی با همه جریانات و خطوط فکری داخل نظام سر و کار داشتند و همه را می‌پذیرفتند؛ برای نمونه در دانشگاه قم که

۱. بقره، آیه ۱۴۳.

۲. نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۶۷.

۳. همان شماره ۱۰۴.

۱. شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۴۲۴، نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶.

عقبی کن. دانشمند خردمند که می‌دانست سخنان او پشتوانه دینی ندارد، او را با آرامش به گفتگو و وانهادن کشکول و تبرزین دعوت کرد. در اثنای گفتگو عالم به زاهد پیشنهاد سفری زیارتی داد. به اتفاق بیرون آمدند، چند گامی از محل دور نشده بودند که زاهد سراسیمه و مضطرب گفت من باید برگردم چون کشکولم را فراموش کرده‌ام. عالم روشن ضمیر که هدفش از طراحی سفر بیداری خرقه‌پوش بود، گفت: تامل کن تا تفاوت خود و من را به درستی دریابی. غافل مدعی پرسید چرا؟ عالم دانشمند که با فراست نقشه خود را طراحی کرده بود، گفت: تفاوت بین من و تو به اندازه فاصله بین سخن و عمل است، تو به هنگام سفر از کشکولی که داری درن می‌گذاری، لیکن من به هنگام سفر، از تمامی ثروتم گذشتم.

به راستی شرح حال کسانی از مدعیان ثروت‌ستیزی و خرقه‌پوشی با ثروتمندان این چنین است و شگفتا که اینان برای فریب دیگران به تعالیم دینی پناه می‌برند و بر رقیب می‌تازند، غافل از اینکه در اسلام نه تنها داشتن ثروت مذموم نیست، بلکه قوام و بقای جامعه و بلکه بالاتر، معاد انسان در گرو معاش است. آنچه در دین مذمت شده است، دنیاپرستی و تعلق داشتن به آن است، خواه آنچه انسان به او دل داده است کشکول، انگشتر و تسبیح باشد، خواه کاخ و باغ.

جمع بین دینداری و دارایی نه تنها ناشدنی نیست بلکه دارایی ممدوح، ساز و کار خدمت‌رسانی را دوچندان می‌کند. مگر نه این است که پیامد فقر در بیان پاره‌ای از روایات، تباهی و بی‌ایمانی است. به هر روی شخصیت گزارش ما نمونه‌ای ستودنی از جمع دین‌داری و دارایی است. او سبزی و خرّمی خرم‌آباد را که آبادی آن به خرّمی آن بود، با همه دشت و دمن، مال و منال را رها کرد و در هوای گرم قم سکنی گزید و تمامی وجود خود را وقف خدمت کرد. او حتی به رسم مالوف برخی از بزرگان که در ایام تابستان، به ناچار برای رهایی از گرمای سوزان، چند صباحی به نقطه‌ای دیگر می‌روند، تمام ایام

سابقه مدیریت و تاسیس سی ساله آن را داشتند و چهره‌های علمی مبرز حوزوی و مراجع تقلید تا دولت‌های مختلف زمان جنگ و سازندگی و اصلاحات و اصول‌گرا و جریان‌های مختلف دانشجویی در آن نقش داشتند، ولی ایشان به شکل بی‌سابقه توانستند با همه آنها کار کنند و حرف آنها را بشنوند و در عین حال کار خود را به نحو احسن انجام بدهند و مشکلی هم ایجاد نگردد»^(۱۳)

سخت‌گیری در اموال عمومی و گشاده‌دستی در اموال شخصی

مرحوم قاضی خود آقا زاده و پدرش حاج آقا رضا قاضی است که نامش در شمار تجار سرشناس خرم‌آباد مکتوب است. تاجری متدین که به رسم بزرگی نام او در کوی و محله دلاکان خرم‌آباد به چشم می‌خورد.^(۱۴) فرزندش مهدی با توجه به استعداد ذاتی و موقعیت خانوادگی در کنار سایر ویژگی‌هایی که داشت، تدبیر اقتصادی پدر را نیز به ارث برده بود و خود دارای شرایط اقتصادی خوبی بود و آنچه رفتارها و منش او را سزاوار تامل دوچندان می‌ساخت، همین شرایط مالی و موقعیت اقتصادی است. مرحوم قاضی با داشتن ابزار رفاه و آسایش مادی نه تنها اقبالی به آنها نشان نداد، بلکه لباس ساده می‌پوشید و بر ماشین ساده‌ای که مرکب افراد پایین دست جامعه است، سوار می‌شد و به هنگام سوار شدن به کسی اجازه نمی‌داد، برای او در اتومبیل را باز کند به همان بی‌آلایشی و سادگی که در کوی و برزن برای خرید و دیگر امور ظاهر می‌شد، در محل کار حضور می‌یافت و از این رو دسترسی به او آسانتر از دیگر مدیران بود.

تصویر رفتارها و شرایطی که آقای قاضی داشت، یادآور مشاجره فردی زاهد مسلک با دانشمندی ثروتمند است. مدعی زهدگرایی با دانشمندی خردمند در مکانی عمومی با یکدیگر مصاحب شدند. زاهد به عالم گفت: مگر نخوانده‌ای که دنیا مذموم و ثروت مورد نفرت بزرگان دین است، چرا این چنین مال و منال اندوخته‌ای؟ از خدا بترس و اندیشه

تابستان را در قم می‌ماند و کارهای خاص تابستانی را نظیر تعمیر، ترمیم خوابگاهها و تجهیز آنها را پی می‌گرفت تا با شروع کلاسها، وقفه‌ای در خدمت‌رسانی به دانشجویان پدید نیاید. در هر صورت چنانکه دانش او حجاب بینش مسئولانه او نشده بود، ثروت نیز مانع جدایی او از مردم و زیست در طبقه‌ای خاص نگردیده بود.

بارها خود شاهد کمک وی به نیازمندان بوده‌ام و تا آنجا که به یاد دارم ندیدم که درخواست پرسنده نیازمند را بدون پاسخ بگذارد. روزی نزدیک غروب در دفتر کار ایشان دانشجویی وارد شد و با ارائه مکتوباتی در پی اثبات شرایط دشوار مالی خانواده‌اش بود. او که در یکی از رشته‌های درسی شبانه قبول شده بود و با توجه به وضعیت مالی که داشت، امکان تحصیل برای او نبود، در پی یافتن چاره‌ای قانونی برای پرداخت نکردن شهریه بود، لیکن پاسخ ریاست عدم مساعدت قانون بود. غمگین و ناراحت خداحافظی کرد و رفت. بعد از رفتن، حاج آقای قاضی مبلغی را دادند که به او بدهم. طبیعی می‌نمود که پرسم چرا خودتان مستقیم پول را به او ندادید. پاسخ دادند این جور بهتر بود، آری او نمی‌خواست غرور آن جوان که از سر عشق به تحصیل، شکوه نداری را به وی برده بود، شکسته شود. اینکه هزینه درمان هزاران بیمار را بدون اطلاع آنان و تنها با هماهنگی پزشک پرداخت می‌کرد، نشان دیگری از بزرگ منشی و خدمت بی‌منت او به بندگان خدا بود.^(۱۵)

اینک اگر خواننده این سطور آنچه در پی می‌آید به این پیش گفته ضمیمه نماید، به روشنی به این داوری خواهد رسید که قاضی در اندیشه و عمل فردی خداترس بود، به میزان گشاده دستی در اموال شخصی، در اموال عمومی و بیت‌المال، بسیار سخت‌گیر و محتاط بود، توصیف این روش سخت‌گیرانه برای کسانی که از نزدیک با او آشنا بودند، هیچ نیاز به توضیح ندارد. از ماشین دانشگاه استفاده نمی‌کرد، چند سالی بود که آمد و شد ایشان با آژانس بود و ماشین شخصی و راننده نداشتند. از ایشان پرسیدم: چرا ماشین و

راننده ثابت ندارید؟ به نکته‌ای ظریف اشاره کردند و گفتند: برخی از آقایان که مدت زیادی نزد آدم هستند، احساس نزدیکی بسیار می‌کنند و در فرصت تنهایی در ماشین، خواسته‌های ریز و درشت از خود و دیگران مطرح می‌کنند و از آنجا که نمی‌توانم پاسخ رد بدهم، چاره را در این دیدم که ماشین نداشته باشم.

آری شخصیتی که روحیه‌ای این‌چنین داشت که هیچ‌گاه نمی‌خواست به خواسته کسی پاسخ منفی بدهد، در خصوص منع، توبیخ و عتاب دیگران از استفاده از وسایل دولتی هیچ تعارفی نداشت، زیرا او خود بیش از همه مقید به رعایت اموال بیت المال بود. اگر برای همدلی با دانشجویان به سلف سرویس می‌رفت، پول غذا را پرداخت می‌کرد. در همین‌جا اشاره به نکته‌ای که جزء دلمشغولی سالانه او بود و گریزی از آن نداشت، جالب توجه است، افزایش سالیانه حقوق البته در بخش غیر کارمندی همواره یکی از دشواری‌هایی بود که با اما و اگرهای بسیار و با تاخیر انجام می‌گرفت و هیچ‌گاه ناخرسندی خود را از این‌گونه پرداخت‌ها پنهان نمی‌کرد و در نهایت می‌گفتند چاره‌ای نیست، قانون است و باید آن را پذیرفت.

قبل از تشکیل هیات امنای جدید دانشگاه، گهگاه جلسات هیات امناء در محل تربیت مدرس تشکیل می‌شد، ایشان برای پذیرایی یا مقداری میوه همراه با خود می‌آوردند و یا دستور خرید آن را می‌دادند و پول آن را پرداخت می‌کردند.

در پایان این گفتار سزاوار یادآوری است که این نوع نگاه سخت‌گیرانه در صرف بیت‌المال، دشواری‌هایی هم پدید آورده بود، مدیریت متمرکز به ویژه در بخش مالی، سبب حجم مراجعات، فزونی کارها و گهگاه کندی امور می‌شد. روزی با زبان گلایه گفتم: نظارت بر امور ریز و درشت دانشگاه و بخصوص هزینه‌ها در بخش جاری و عمرانی، در قوانین تعریف شده دانشگاه‌ها، مجاری خاص خود را دارد و پس از نصب مسئول مربوط می‌طلبند که اختیارات آن حوزه به او سپرده شود. لیکن پاسخ شفاف و

روشن ایشان این بود که مسائل مالی را باید خودم بینم. در تحلیل نگارنده این مسائل چنانکه برخی برداشت می کردند از سر بی اعتمادی نبود، بلکه احساس مسئولیت شدید نسبت به مصرف اموال عمومی، چنان قرار را از ایشان ستانده بود که حاضر بود با همه دشواری ها و زحمتی که ایجاد می کرد، یک تنه با صرف وقت بسیار که از آغاز صبح شروع و تا شامگاه و تا پاسی از شب ادامه می یافت، به طور دقیق تمامی فاکتورهای خرید را کنترل کند.

امید و همت

امید و همت دو ویژگی اساسی تحقق اعمال انسانی است، تصور کنید اگر امید و در نتیجه همت در انسان نمی بود، چه اتفاقی رخ می داد؟ با یک حساب ساده، پاسخ این است که تمامی امور زندگی بشری مختل می شد، چون هر تلاش فیزیکی و حتی فکری که از انسان سر می زند، پس از محاسبه سود و زیان و امید به سودمندی است و چنانچه تصور بهره مندی از عمل و امید به نتیجه آن نباشد، اقدام به عمل و در نهایت عزم بر انجام آن پدید نمی آید، بنابراین قطب نمای تمامی حرکتهای انسانی، امیدواری است که فرد قبل از عمل آن را اندیشه می کند.

براساس آنچه گفته شد، تحقق هر عملی در گرو امید و تلاش برای تحقق آن است. مدیران لایق و کارآمد که ویژگی اساسی آنان بعد از داشتن سعه صدر، اعتدال و میانه روی است، امید در آنان برخاسته از همان ویژگی اعتدال است. در دائرة امید آنان توهمات و خیال پردازی که نتیجه آن سرخوردگی و افسردگی است، جایی ندارد. شخص معتدل نه خود به امید واهی دل می بندد و نه کسی را به امیدهای تهی دل خوش می سازد، بلکه براساس واقعیات موجود، طراحی و برنامه ریزی می کند.

آری در جاده هموار و با مرکب راهوار طی مسافت، دشواری ندارد. مهم آن است که وقتی جاده ای نیست، شخص خود جاده بسازد و در آن طی طریق کند. در حقیقت مدیر لایق با ارج نهادن به سرمایه پیشینیان، به حکم خردورزی که دارد، ایستایی را نمی پذیرد و با امیدمندی واقع بینانه، همواره چشم اندازی جدید می گشاید و در چنین فضایی است که ابتکار و خلاقیت فرصت ظهور می یابند.

مرحوم قاضی به شهادت آثار ماندگارش، مدیری امیدمند و با همت بلند بود. در حاشیه بلوار ورودی دانشگاه برای مدت ها تپه ای مرتفع چشم نوازی می کرد. دیدن آن لطیفه ای بود، دارای این پیام که این مجموعه بزرگ که می بینی در سالهای نه چندان دور، تپه های ریز و درشت برآمده از خاک بودند که هم اکنون با همت و اراده یک انسان امیدوار تبدیل به یکی از وسیع ترین دانشگاه های کشور شده است. همان دوست قدیمی ایشان که پیش از این در ویژگی شرح صدر از او نقل سخن شد، در همان دست نوشته آورده بود که یکبار به اتفاق بر سر مزار والد ایشان رفتیم. فاتحه ای خواندند و سپس دو نکته گفتند. یکی از آن دو نکته مناسب با این مقال، این است که حاج آقای قاضی به همراه خود می گوید به راستی اگر هم اکنون پدرم زنده شود و دشواری ها، گرفتاری ها و اشتغالات فراوانی که من دارم و به طور طبیعی تعهدات بسیاری را برای من پدید آورده، آنها را بنگرد، سخته می کند.

بجد می توان گفت او مرد دشواری ها و سختی ها بود. در زندگی و تعلقات مادی حریص نبود، به گونه ای که اگر هدیه ای برای او می آوردند به سختی قبول می کرد و اگر ناچار از قبول بود، حسب مورد به برخی از افراد واگذار می کرد. اما در خدمت و تلاش بسیار حریص بود، چنان که در مصرف قانع بود ولی در تولید و ساخت و ساز

همواره فزون طلب بود و به کم قناعت نمی کرد. روزی در کارگاه بحث کتابخانه و زمان افتتاح آن به میان آمد، ایشان گفتند: نقشه مصوب سازمان برنامه و بودجه هیجده هزار متر بود ولی من نقشه را چهارهزار متر افزایش دادم و همین سبب تاخیر در راه اندازی آن شده است.

هم اکنون که این سطور را می نویسم روز عید قربان است، همیشه در اعیاد به دیدن ایشان می رفتم. همواره قبل از رفتن با تلفن از آمدن ایشان به دانشگاه مطلع می شدم، آن روز پس از اطلاع از حضور ایشان در دانشگاه به اتفاق آقای دکتر مودب برای تبریک عید فطر به دانشگاه رفتم. به زحمت آمدند و در سرسرای مفید را باز کردند. دقایقی طولانی طول کشید که به محل دفتر کار ایشان رسیدیم. چنان رنجور و نزار بودند که ما دو نفر از اینکه مشکلی پیش نیاید، به شدت نگران شدیم گفتم: حاج آقا دست کم می گفتید یک نفر اینجا بیاید پیش شما باشد. گفتند نیازی نیست، چنان سخن می گفت که گویی ایشان مریض نبود. با امید و نشاط سخن گفتند و به هنگام خدا حافظی گفتم: حاج آقا امسال در عید نوروز گذشته عیدی ما را ندادید. گفتند: حواسم هست تقویمت را نگه داشته ام. بلند شدند تقویم را بیاورند که گفتم خوب است یادداشتی مرقوم نمایید که این چنین شد و در بین انبوه خاطرات، آن عید و رمضان بعد از آن رمضان که شرح آن را نتوان نوشت از همه ماندگارتر شد.

مرحوم قاضی تا روزهای آخر زندگی که رمق و توان فیزیکی داشت، همواره امیدوار بود. کهولت سن، کسالت مستمر و در هفته ای دو روز برای ساعاتی بستری شدن، هیچ یک عواملی نبودند که بتوانند در روحیه امیدوار و اراده جدی ایشان خللی وارد کنند. دریغ می دانم به دیداری فراموش ناشدنی اشاره نکنم. اسفند ماه ۱۳۷۸ در مسافرت بودم که خبر وخامت حال ایشان را شنیدم. به سرعت به قم آمدم و بلافاصله

به مرکز درمانی خاکفرج رفتم. با هماهنگی تلفنی که با حاج احمد آقا [فرزند ایشان] انجام شده بود، به هنگام انتقال حاج آقا که روی برانکارد ایشان را برای انتقال به آمبولانس می بردند، فرصتی کوتاه بود تا ایشان را ببینم، از دیدن ایشان در آن وضعیت خاص پزشکی، آن چنان نگران شدم که اضطراب درونی و بروز آن در چهره ام قابل کتمان نبود. در اینجا بود که به جای آن که من به ایشان سخنی بگویم، رو به من و احمد آقا کردند و با اعتماد به نفس و قوت قلب همیشگی گفتند: من حالم خوب است، احمد مرا به اینجا آورده است. روحش شاد. به راستی او تا زمانی که تمامی قوایش به تحلیل نرفته بود هیچ گاه تسلیم مریضی نشد.

درباره شرح صدر و رفتار بزرگوارانه مرحوم قاضی سخن بسیار دارم که بیان آن مجال بسیار فراخ می طلبد، اما دریغ می دانم به دو جریان کوتاه اشاره نکنم. روزی به مناسبت مسائلی که در دانشگاه پدید آمده بود، در هیأت رئیسه بحث داغ و جدی در گرفته بود. تصور کنید حلقه دوستانی که بر گرد ایشان بودند، از جهت سنی همه فرزندان ایشان به شمار می آمدند و افزون بر این، ایشان فقط یک رئیس نبود که تنها رابطه رئیس و مرئوس بین ما باشد، او بنیانگذار دانشگاه و پدری مهربان برای همه ما بود. به هر روی بحث به نتیجه ای نرسید و حاج آقای قاضی دیدگاهی که داشتند دوباره ابراز کردند. جناب دکتر فهیمی که معاون اداری و مالی دانشگاه و دبیر جلسه بود، با بیانی صریح جمله ای گفت «حاج آقا اینجا هیأت رئیسه است نه هیأت رئیس!»، حاج آقا سکوت کردند و جلسه تمام شد. برای اینکه قدری عینی تر سند ارائه داده شود، سزاوار گفتن است که به دنبال شرایط خاصی که پدید آمده بود و شرح حال آن خارج از این نوشتار است، گهگاه در پاره ای از مسائل همسوئی دیدگاه ها، قدری دشوار می نمود و به طور طبیعی در چنین مواردی گفتار نهایی به عهده رئیس دانشگاه است و مدیران برای اینکه کندی در امور پیش نیاید، باید یا هماهنگی با ریاست عمل کنند و یا صحنه را به کسی دیگر بسپارند که

دل‌پاک

در اسلام حسد و حسود مذمومند و شخص حسود زیانکاری است که نه تنها از حسدی که می‌ورزد سودی نمی‌برد، بلکه آتش افروخته در درونش قبل از هر چیزی خود او را خاکستر می‌کند. حسد رذیله‌ای است که در آگاهان از سود و زیان زمینه نفوذ بیشتری دارد از این رو اهل دانش و اطلاع بیشتر در معرض این خطر قرار می‌گیرند. استاد بزرگوار، آیت الله ستوده که قریب شش سال توفیق حضور در درس او را داشتم و عالمی وارسته و خودساخته بود. روزی گفتند یکی از بزرگان اجله علما که توفیقات و مراتب عالی از درجات معنوی کسب کرده بود، در سال‌های آخر روزی به هنگام درس گفتن از منبر به زیر آمد و سجده کرد. از او پرسیدند چه وقت سجده بود؟ پاسخ داد برای مبارزه با پدیده رذیله حسد تلاش بسیار کرده‌ام و هم‌اکنون که به قلبم مراجعه می‌کنم دریافتم، اندک اثری از آن که آزارم می‌داد اینک از قلبم خارج شده است. مرحوم ستوده که در معنا ستوده و انسانی پیراسته بود، مخاطبان را نصیحت و هشدار می‌داد که باید مواظب بود که در دام حسد گرفتار نیایم.

سطور پیش گفته را آوردم تا شاید بتوانم آنچه در دل دارم بیان کنم. برای انتخاب عنوان پرس و جو کردم، اما عنوانی گویاتر از آنچه در صدر آمده نیافتم. اگر عنوان رسا نیست، شاید محتوای این گفتار کاستی آن را جبران کند. به هر روی مقصود این است که مرحوم قاضی هیچ‌گاه از کس یا کسانی رشکی به دل راه نمی‌داد، همواره با نگاهی مثبت به امور می‌نگریست، برای همه طالب خوبی بود، در حدیثی که به هنگام نوشتن نشانی آن را نیافتم، این مضمون آمده که روزی شخصی وارد مسجد پیامبر(ص) شد و پیامبر(ص) به حاضران فرمودند بنگرید هم‌اکنون فردی بهشتی وارد مسجد شد. برخی از صحابه در پی آن برآمدند تا راز و رمز رستگاری و بهشتی شدن آن شخص را بدانند. شب و روزی ذره‌بین بر اعمال او نهادند و چیزی خاص نیافتند، به ناچار از خود او پرسیدند، تو چه

هماهنگ با رئیس باشد. بر این اساس در مقطعی با همه جمع‌بندی‌هایی که شد در نامه‌ای مفصل به شماره ۱۴۸۱- ۸۱/۲/۳۰ که باید در بایگانی دانشگاه موجود باشد، با نوشتن پاره‌ای از مسائل از تمامی سمت‌ها استعفا دادم و از محضر ایشان درخواست کردم که اجازه دهند بیشتر تلاش خود را به عرصه علمی متمرکز کنم. بسیار طبیعی می‌نمود که با توجه به آنچه گفته شد، ایشان با استعفا موافقت و در صورت عدم موافقت دستور بایگانی شدن نامه را بدهند. اما بعد از چند روز که در کارگاه خدمت ایشان رسیدیم و دستخط کوتاه ایشان را ذیل استعفا دیدم، شگفت‌زده شدم. به راستی رئیسی با این همه سعه صدر، آن پاسخ که متن آن در پی می‌آید درس تنبیهی بود برای نگارنده و در نیمه راه همراهی، سرنوشتی نهایی برای همکاری رقم زد.

بسمه تعالی. به هیچ وجه با استعفای جنابعالی موافقت نمی‌شود و ان شاءالله پس از قبولی استعفای این جانب جناب عالی می‌توانید استعفا دهید. مهدی قاضی^(۱۶)

آری چنان‌که در پیدا و پنهان بارها گفته‌ام، ایشان در تحمل و مدارا بویژه با کسانی که در اندیشه و روش، منشی غیر از او داشتند، ستودنی بود و در طول مدت همکاری که نگارنده افتخار طولانی‌ترین مدت همکاری در سطح مساعدت ریاست دانشگاه را در پرونده دارد، گفت و شنودها و رخدادهای تلخ و شیرین فراوانی به خاطر دارم. از پاره‌ای از آنها به جزء دو نفر و مراجع ذی‌ربط کسی از آن اطلاعی ندارد و پاره‌ای خاطرات سر به مهرند که برای طرح آن باید زمانی دیگر جست. تنها به اشارت می‌گویم: مرحوم قاضی با تجارب طولانی اجرایی، سوابق مبارزاتی و در پرتو توان ذاتی، در عرصه‌های مختلف اجراء و سیاست دیدگاه‌های دقیق و ایده‌های شنیدنی داشت. قاضی - که رحمت خدا بر روان او باد - برای راقم این سطور یک مدیر نبود، پدری معنوی و استادی خبره در اجراء و سیاستمداری ساکت بود که از الفبای اجراء و تا همه اندوخته‌های پس از آن را رهین منت اویم.

کرده‌ای که از هم‌اکنون بهشت تضمین شده است؟ او چنین پاسخ داد که: من در دلم از هیچ کس حسدی ندارم، خوبی همه را می‌خواهم.

بارها در محاورات با آقای قاضی و موضع‌گیری ایشان مضمون این حدیث در ذهنم تداعی می‌کرد. هیچ به یاد ندارم، در مورد کسی از منظر فردی سخنی گفته باشد، جز در مواردی که مسائل با منافع ملی و مصالح کلی کشور مرتبط بود که دیدگاه‌های خیرخواهانه خود را بیان می‌کرد و در پاره‌ای موارد اگر از بعضی از عملکردها ارزیابی مثبتی نداشت، به آرامی ابراز نظر می‌کرد و از آن می‌گذشت.

تحلیل رفتاری مرحوم قاضی در نگاه خیرخواهانه به افراد، برخاسته از اصول مسلم دینی و سیره نبوی بود، اصولی که اگر مسلمانان با دل و جان به آن باور کنند، چشم‌اندازهای رشد و پیشرفت نه تنها دور از انتظار نیست بلکه اموری کاملاً دست‌یافتنی است، اصل اعتماد متقابل به یکدیگر و برداشتن عینک سوء ظن، جان‌مایه تعامل و ترقی است. قرآن به مومنان امر می‌کند از بسیاری از گمانها دوری کنید، چرا که بعضی از گمانها گناه است^۱ و چه زیبا معصوم بزرگوار فرموده است: «لا تحقرن احداً من المسلمین فان صغیرهم عندالله کبیر»^۲ هیچ یک از مسلمانان را نباید کوچک شمرد، زیرا کوچک آنان نزد خداوند بزرگ است. این سخن زرین نکات بس گرانسنگی دارد. تعبیر پیامبر(ص) به مسلم نه مومن، که دایره شمول را توسعه می‌دهد و بیان اینکه چه بسا در نگاه ما کسانی کوچک آیند که در نزد خداوند بزرگ شمرده شده‌اند، ارائه معیار برای مسلمانان است که هیچ مسلمانی اجازه ندارد نگاهی حقارت‌آمیز به کسی داشته باشد زیرا همان که در نگاه تو براساس خواسته دل تو کوچک شمرده شده است، نزد خداوند

بزرگ است، به یقین نکوهش این کوچک شماری برای این است که شخص بدون دلیل، تنها براساس خواسته دل رفتار کرده است و گرنه اگر کوچک شمردن مستند به دلیل باشد، نه تنها نکوهیده نبود بلکه توصیه دین بود.

در هر صورت اگر نگاه مدیر در محیطی که عموم افراد آن مسلمانند، نگاهی همراه با تحقیر و بدگمانی باشد و چنین بیندازد که تنها او می‌فهمد و دیگران به خطا رفته‌اند، این بدگمانی به مجموعه افراد دیگر سرایت و در نتیجه حاصل آن نفرت، دام‌گستری برای یکدیگر و به جای صرف توان و انرژی در راه رشد، همه در اندیشه مچ‌گیری، سناریوسازی و... بر می‌آیند. مدیر ما در طول دوران مدیریت نه تنها در دل بداندیشی نسبت به کسی نداشت حتی روزی پرونده کسی را که خارج از دانشگاه بود و نسبت به حاج آقا نامهربانی کرده بود، روی میز دیدم. از وضع و حال او پرسیدم، پاسخ کوتاه ایشان این بود که این قضیه تمام شد، باید فراموشش کرد.

مبارزات سیاسی

تاکنون به استناد پاره‌ای از محاضرات حضوری و دریافت‌های شخصی گزارشی از احوال مرحوم قاضی ارائه شد. طبیعی می‌نماید که برای پرداختن به مبارزات سیاسی آقای قاضی که مقصود از آن نقش ایشان در رخدادهای حوادث قبل از انقلاب اسلامی است، با توجه به حضور ایشان در خرم‌آباد و فاصله سنی نگارنده با ایشان، به ناچار برای سخن گفتن از نقش سیاسی مرحوم قاضی در قبل از انقلاب، باید به اسناد و شواهد به جای مانده از آن دوران مراجعه کرد. البته فارغ از هر سندی اگر کسی چند صباحی از نزدیک توفیق هم‌نشینی و مصاحبت با ایشان را در کارنامه خود داشته باشد، با سهولت در این داوری تردید نخواهد کرد که ایشان از بینش سیاسی ژرف و عمیقی برخوردار بودند. گهگاه چنان به روز سخن می‌گفت که بسیار دشوار بود باور کنی، مخاطب شخصیتی هستی که

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

۲. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۶۱.

در دهه هشتاد عمر سپری می‌کند. درایت، تیزبینی و واقع‌نگری توأم با شامه سیاسی قوی، نه تنها صفاتی مبالغه‌آمیز برای ایشان نیستند بلکه افزون بر اینها، شایسته و زینده او است و آنگاه که این برداشت مستظهر به شواهد تاریخی و اسناد ساواک می‌گردد، متاملانه باید اعتراف نمود که آنچه تاکنون درباره ایشان نوشته شده است تمام آن قدر و اندازه‌ای نیست که باید گفته می‌شد. به راستی که او شخصیتی شگفت‌انگیز داشت و اسنادی که در دست است نشان از این دارد که روحیه ستم‌ستیزی، اندیشه تعالی و پیشرفت کشور در عرضه فرهنگی و آبادانی از همان دوران جوانی، شاخصه‌های برجسته زندگی ایشان بوده است.

بیان آیت الله مکارم شیرازی در این باره چنین است: «حدود ۵۰ سال قبل زمانی که برای دهه عاشورا به خرم‌آباد رفته بودم، من در آن زمان جوان بودم. ایشان هم خیلی جوان بود، در آنجا با ایشان آشنا شدم. در خرم‌آباد بودیم که شنیدم شخصی به نام آقای مهدی قاضی مشغول انجام کارهای مهمی در این شهر می‌باشد.»^۱ در هر صورت اگر مجال کافی بود سزاوار بود که نوشته‌ای مستقل درباره مبارزات سیاسی آقای قاضی فراهم آید تا نسل امروز و فردا، در خرم‌آباد و همه ایران بدانند که تحقق انقلاب بزرگ اسلامی، میراث سترگ امام خمینی(ره) حادثه‌ای احساسی و یک شبه نبوده، بلکه برای تحقق آن مجاهدتها و از خود گذشتگی‌های فراوان انجام گرفته است. در اینجا با توجه به محدودیت زمانی و رعایت حجم این نوشتار، مبارزات سیاسی ایشان را با استناد به اسناد در سه محور اساسی، اهتمام به کار فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی و نقش آیت الله قاضی در انقلاب اسلامی پی می‌گیریم.

اهتمام به کار فرهنگی

پیش از این اشارتی به دکترین آقای قاضی شد و گفته آمد که جوهره شخصیتی ایشان، خدمت بی‌منت بود و چه شایسته خدمت فرهنگی را جزء اولویت‌های کاری خود قرار داده بود. آری هیچ خدمتی با خدمت در عرصه فرهنگ، رشد و تعالی بخشیدن به کسانی که فردا سکاندار اداره جامعه هستند، برابری نمی‌کند. بدون تردید، یک انقلاب که ذات آن تغییر و بی‌قراری است، آنگاه می‌تواند فرجامی مبارک داشته باشد که بی‌قراری آن تبدیل به استقرار و آرامش شود و به بیان فنی، انقلاب که ذات آن همراه با تغییر و تحول است، باید به سرعت تبدیل به انقلاب مستقر شود و این مهم جز در پرتو نیروهای کارآمدی که از تعهد و تخصص برخوردارند، امکان‌پذیر نیست.

امروز این گونه نوشتن و سخن گفتن چندان دشوار نیست. عقربه زمان را به ۵۰ سال قبل برگردانید و ببینید چه اندک بودند کسانی که در آن غوغا سالاری و ترویج بی‌هویتی، هویت دینی و ملی را به درستی تشخیص و براساس آن اقدام کردند، آنچه بعدها در تاسیس دانشگاه قم رخ نمود، شگفت می‌نماید، لیکن شگفت‌انگیزتر از آن تاسیس دو مرکز خواهران و برادران به نام دبیرستان علوی و موسسه فاطمیه برای تربیت جوانان این مرز و بوم است. به راستی چه عاملی سبب این اقدام شایسته فرهنگی است؟ جز اینکه بانی آن دغدغه دینی و تمدنی دارد. قاضی به لحاظ موقعیت اجتماعی هیچ کمبودی نداشت؛ نمایندگی حضرت امام(ره)، مسئولیت حوزه علمیه کمالیه و موقعیت اجتماعی. در نگاه نخست چنین می‌نماید که عوامل یاد شده ایجاب می‌کرد که مرحوم قاضی با حفظ سنت از هر آنچه شائبه تجددطلبی دارد، دوری کند؛ زیرا در نگاه بعضی از متدینان که آگاهی درستی از اوضاع و شرایط نداشتند و برای حفظ دینداری بیشتر با نگاه سلبی به امور می‌نگریستند، ورود به عرصه‌های فرهنگی نظیر تاسیس دبیرستان از منظر برخی، از مظاهر تجدد غریبی به شمار می‌آمد، چون به معنای فاصله گرفتن از سنت تلقی می‌شد،

لیکن همان رگ تحریک کننده و بی قرار آقای قاضی سبب می شد که به آنچه هست رضایت ندهد و تا می تواند عرصه ای جدید بگشاید. بر همین اساس همزمان در سه جبهه روحانیون، جوانان و توده مردم فعالیت های فرهنگی و دینی را پی گرفت.

روحانیون

براساس بیان آیت الله طاهری خرم آبادی پس از درگذشت آیت الله کمالوند دولت روی حوزه علمیه خرم آباد حساسیت ویژه ای داشت و شاید دست هایی را به کار انداخت تا این حوزه علمیه که نامش کمالوند بود تحت سرپرستی امام قرار نگیرد^۱، برای کسانی که اندک آشنایی با حوزه های علمیه دارند، در قبل از انقلاب نه تنها این گونه مباحث ناشناخته نیست، بلکه مسائلی بسیار طبیعی می باشد، امام خمینی (ره) به عنوان سمبل مبارزه با نظام استبدادی در تبعید به سر می بردند و ارتباط با امام و علاقه مندی به ایشان جرم نابخشودنی به شمار می آمد و این هزینه ای بود که پرداخت آن برای برخی از روحانیون دشوار بود. در آن سوی جمعی دیگر نه تنها همراهی و همدلی خود را با امام پنهان نمی کردند، بلکه به آن افتخار می نمودند. در تقسیم بندی آن دوران مرحوم قاضی جزء دسته اخیر به شمار می آمد و ساواک تلاش می کرد به گونه ای از نفوذ وی که رو به گسترش بود جلوگیری کند. شایان یادآوری است که آقای قاضی، با اینکه جزء طرفداران و در نهایت نماینده امام در لرستان بود، مورد احترام کسانی که از نظر فکری و همدل با وی نبودند نیز بود «او از جمله افرادی بود که هر دو طرف او را به تدین و دیانت قبول داشتند»^۲.

برای کسانی که با مسائل دوران انقلاب و حال و هوای مباحث آن زمان آشنایی دارند با توجه به خط کشی های جدی که گهگاه به طور ناخودآگاه و گاهی آگاهانه از سوی برخی طرفداران مطرح می شد، شاید به نظر برخی قدری غریب بیاید که شخصیتی که به عنوان فرد شاخص مبارزه شناخته می شود؛ از سوی جریان انقلابی و جریان مدارا، مورد احترام باشد، اما کسانی که با آقای قاضی آشنایی دارند، می دانند که او از چنان صعه صدر و ظرفیت بالایی برخوردار بود که همه را به خود جذب می کرد. او نگاه نامهربانانه برخی از افراد را ناشی از ناآگاهی و دلیل موفقیت فرد مورد غضب در اجرای وظیفه می دانست. بارها از ایشان به مناسبت، شنیدم که در دوران حضور آیت الله مدنی که با استقبال مردمی روبرو شده بود، برخی با نامه های تند - که شاید از سوی ساواک بود - ایشان را مورد توهین و تهدید قرار داده بودند و حضرت ایشان مکدر از آن مکتوبات گردیده بود و اظهار گلایه می کرد. به آیت الله مدنی گفتم: حاج آقا اینها همه نشانه های موفقیت حضرت عالی و تاثیرگذاری شماست. از بابت این نامه ها نه تنها نباید تکدر خاطری پیش بیاید، بلکه باید خرسند و امیدوار بود که رقیب ضعیف از سر ناچاری به این چنین شیوه هایی نابخردانه متوسل می شود، زیرا اگر رقیب منطق می داشت به گفتگوی چهره به چهره می پرداخت نه اینکه در حرکتی مذبوحانه و بزدلانه، در صندوق مکاتبات نامه ای بیاندازد و فرار کند.

جوانان

یکی از دغدغه های جدی که نهادهای امنیتی استان لرستان به طور جد آن را دنبال می کردند و در شرایطی با اظهار نومییدی از اینکه نمی توانند برای جلوگیری و تاثیرگذاری آن کاری انجام دهند، شکوه به مقامات بالا می بردند، راه اندازی مدرسه و دبیرستان علوی بود. در بخشی از یک سند آمده است: «در حال حاضر با آنکه رئیس اداره کل آموزش و پرورش لرستان رئیس و شورای آموزش و پرورش خرم آباد از ادامه کار این دبیرستان و

۱. جلوه ایثار، مصاحبه با آیت الله سید حسن طاهری خرم آبادی، ص ۵.

۲. همان.

بدآموزی دانش آموزان نگرانی شدید پیدا نموده‌اند، ولی عملاً به علت نفوذی که خانواده قاضی در کلیه شئون اجتماعی این منطقه پیدا نموده‌اند، صراحتاً نمی‌توانند از ادامه کار این موسسه جلوگیری و یا لاقلاً نظارت بیشتری در امور آموزش و پرورش آن داشته باشند. به طور نمونه موارد مشروحه زیر به استحضار می‌رسد^(۱۷)، ناتوانی مقامات محلی از اقدام در برابر حاج آقای قاضی، مقامات ارشد امنیتی را نگران و در نهایت پس از سه سال از تاسیس دبیرستان علوی، دبیرستان تعطیل می‌شود، در نامه‌ای دست‌نوشته که نشان از هراس معاون سازمان امنیت کل کشور پرویز ثابتی دارد می‌خوانیم «سری، با توجه به موقعیت شیخ مهدی قاضی و طرفداری روحانیون و متدینین از ایشان و فعالیت‌های دامنه دار مشارالیه به نفع خمینی در مورد لغو امتیاز دبیرستان علوی خرم‌آباد و طرد یاد شده از منطقه و یا هر اقدام دیگری در مورد روحانی نظریه اعلام نمایند.»^(۱۸)

نام پرویز ثابتی در تاریخ ایران با خون و خشونت ثبت شده است، اینکه فرد همه‌کاره آن سازمان از سر ناچاری اعتراف به موقعیت آیت الله قاضی خرم‌آبادی دارد و برای خلاصی از ایشان، پیشنهاد تبعید و تضییق علیه ایشان می‌کند، به نظر نمی‌آید که تنها به خاطر دبیرستان علوی باشد. راستی مگر جمعی جوان و نوجوان در مدرسه‌ای در بسته و سر بسته، برای رژیم که داعیه استحکام پولادین را داشت چه خطری می‌توانست باشد؟ اینکه دانش آموزان به جای سرود شاهنشاهی، سرود ملی و مذهبی می‌خوانند و اعیاد اسلامی را با شکوه برگزار می‌کنند، تمام آن چیزی نیست که معاون سازمان امنیت کل کشور را این‌گونه آشفته سازد.

بدون شک نگرانی اساسی آنان از حضور جمعی دانش آموز که کتاب‌های مصوب و مورد تایید آموزش و پرورش را فرا می‌گیرند، ولی در مراسم ملی حضور نمی‌یابند، نیست. مشکل جدی آنان تفکر آقای قاضی و نوع نگرش ایشان به مسائل جوانان بود. اینکه یک روحانی با حفظ سنت و زعامت حوزه علمیه کمالیه و پشتوانه مردمی، اهتمام به نسل

جوان، تهذیب و تعلیم آنان دارد، بزرگترین تهدیدی است که رژیم را و می‌دارد که به فکر چاره‌اندیشی درباره آن برآید، زیرا حاکمانی که مشروعیت و مقبولیت مردمی ندارند، به خوبی می‌دانند که بیداری و آگاهی مردم از هر سلاحی برنده‌تر و خطرناک‌تر است، زیرا با سرب فشنگ تفنگ، تنها می‌توان جان ستمگری را ستاند و ستم بر جای می‌ماند، لیکن بیداری و آگاهی مردم اکسیری است که بنیان ستم را بر می‌اندازد و این کم تهدیدی برای ستم‌پیشگان شاهنشاهی نبود.

مورخ این عصر آنگاه که اسناد دوران مبارزه ایشان را مطالعه می‌کند، درباره آنچه تاکنون پیرامون ایشان نوشته است، نه تنها تردیدی روان می‌دارد، بلکه بجد احساس می‌کند قلم نتوانسته است به درستی و شایستگی حق مطلب را اداء کند، شخصیتی روحانی در استانی دور از مرکز که هنوز هم آثار محرومیت در آن مشهود است، این چنین مسئولانه و دلسوزانه، علاقه‌مند به سرنوشت جوانان باشد، جای بسی افتخار دارد. مردم ما روحانیت را به این درختان سرو تومند می‌شناسند که برای رهایی و پیشرفت کشور از هیچ کوششی دریغ نکردند.

همین‌جا بیان این نکته ضروری است که ستودن این احساس مسئولیت آنگاه دوچندان می‌شود که بر اساس خط مشی شخصیتی قاضی که همان اعتدال و میانه‌روی بود، اهتمام به جوانان منحصر به پسران نیست بلکه دختران و زنان به دلیل دشواری‌های خاص آن دوران سهمی فزونی دارند. مرحوم قاضی، برخلاف پندار برخی که به استناد بعضی از بدفه می‌ها از متون دینی میداناری را تنها شایسته پسران می‌شمردند و زنان و دختران را خانه‌نشستگی می‌خواستند که عمل به وظیفه دینی اقتضای آن را دارد، دختران را همسان با دیگر هموعان با حفظ موازین شرعی که تاکید بسیار بر آن داشت، دارای مقبولیت و مسئولیت می‌دانست، تاسیس موسسه فاطمیه به فاصله یک دهه جلوتر از

دبیرستان علوی برای فراهم‌سازی بستر رشد و تعالی مسائل فرهنگی بانوان و دختران در سال ۱۳۴۰ شمسی، نشان از این درایت و مسئولیت‌شناسی قاضی است.

توده مردم

خوانندگان از یاد نبرند که پی‌جویی از شرح احوال سیاسی آقای قاضی مربوط به حال و هوای قبل از انقلاب است، او نه یک سوپر انقلابی بریده از مردم بود و نه یک متحجر خزیده در کنج عزلت. در ادبیات آن روز برخی چنین می‌گفتند که «آسه بیا، آسه برو؛ که گربه شاخت نزنه» و برای توجیه فرار از مسئولیت و یافتن منطق برای این محمل، آرام توصیه می‌کردند که «موسی به دین خود، عیسی به دین خود» نه، نه او یک انسان مسئولیت‌شناس بود که در سزاوارترین توصیف باید گفت «او بنده خدا بود». شهرت و ثروت، دانش و تدین را آن‌چنان درهم آمیخته بود که ثمره بیرونی آن شخص مهدی قاضی شده بود، بنگرید: مدیری نیرومند در عرصه اجرایی، معماری هنرمند در ساختمان‌سازی، طراحی اندیشمند در بسترسازی برای رشد و تعالی فرهنگی و از همه مهم‌تر سربازی مخلص برای امام خمینی(ره) که رحمت خداوند بر فرمانده و سرباز هر دو باد.

خدمت‌گزاری مرحوم قاضی به مردم از جنس عزت‌مدار و کرامت انسانی بود. هرچند پرونده او در کمک‌های مالی به مردم - چنانکه خود بارها شاهد آن بوده‌ام - درخشان است، تا آنجا که برای اسکان برخی از آنان شهرک قاضی‌آباد را ساخت، لیکن روح قاضی با این خدمت آرام نمی‌گرفت و در پرتو تعالیم دینی در اندیشه خدمتی برتر بود، زیرا در خدمت‌رسانی به شکل بخشش مالی در بهترین تصویر، فرد نیازمند همچنان محتاج می‌ماند، اما در خدمت برتر به جای جبران ضعف مالی، رفع استضعاف فکری در اولویت قرار می‌گیرد، زیرا اگر توده‌های مردم به آنچه دارند آگاه گردند، به جای اینکه

افرادی محتاج نیازمند باشند، افرادی سازنده و مولد می‌شوند و در این صورت به پیشیزی از بخشش که از حق خود آنان به ایشان داده می‌شود، خوشحال نمی‌شوند؛ به بیان دقیق‌تر، نتیجه خدمت از راه بخشش، تسلیم و تسکین فرد است و نتیجه خدمت برتر که از راه آگاهی و بیداری است، تملیک و تصاحب ثروت و تصمیم بر چگونگی بهره‌وری از آن است.

خفقان و استبداد شاهی، اجازه هیچ نوع آگاهی‌بخشی به توده‌های مردم را نمی‌داد، به‌ویژه در منطقه‌ای که دست‌یابی به سلاح چندان دشوار نبود و شیر و شمشیر و تفنگ در کنار هم ابزار ارتزاق و شکار عشایرند، در چنین شرایطی که رژیم هرگونه بیداری مردم را پایانی محتوم بر چپاول‌گری به حقوق آنان می‌دانست، آقای قاضی، تلاشی گسترده دارد تا در مناسبت‌های مختلف رمضان و محرم، اعیاد اسلامی و غیره با دعوت از بزرگان صاحب‌نام سطح آگاهی توده‌ها را بالا برد و شرح همه اینها در اسناد ساواک آمده است، در این میان دعوت از آیت الله مدنی نمونه بارزی از بزرگ‌منشی آقای قاضی است. دعوت از شخصیتی که دارای مراتب علمی بالا است و سیادت و فقاقت توأم با دیانت از او چهره منحصر به فرد در خرم‌آباد رقم زده بود. شخصیتی که درس خارج او محفل فضلاء و طلاب و جماعت او در مسجد جامع محور همه مشتاقان و متدینان خرم‌آبادی شده بود و در حقیقت با توجه به شخصیت علمی آیت الله مدنی، این آقای قاضی بود که مهمان آیت الله مدنی بود. زیرا در سنت رایج حوزوی همواره محور حوزه کسی است که محوریت علمی حوزه را دارد و در این جهت تردیدی نبود که آیت الله مدنی به عنوان مدرس درس خارج، از دیگران برتر و جلوتر بودند.

حضور تاثیرگذار آیت الله مدنی به روایت اسناد موجود در ساواک آن‌چنان هراسی در دل رژیم انداخته بود که رژیم ناگزیر از تعبید ایشان شد. نکته‌ای که در اینجا بسیار قابل تأمل، درس آموز و درست در راستای این نوشتار است، اقدام آقای قاضی برای دعوت از

آیت الله مدنی است. مرحوم قاضی با علم به اینکه ایشان از جهاتی برتر از خود وی و اقامت ایشان در خرم آباد سبب خواهد شد که محوریت طبیعی از آن وی گردد، چرا از ایشان دعوت به عمل آورد؟ پاسخ این پرسش همان نکته پیش گفته‌ای است که به آن اشاره شد که مدیر لایق و با سعه صدر آن است که اگر کسی را برتر از خود ببیند، میدان خدمت را به او وا می‌گذارد و تلاش می‌کند تا خود در خدمت او باشد.

تبعید آیت الله مدنی به نورآباد ممسنی و در پی آن تهدید و ارباب، خللی در اراده جدی آقای قاضی در ادامه وظیفه آگاهی‌بخشی به مردم پدید نیاورد، بلکه به دنبال آن حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ عباسعلی صادقی را که خود از روحانیون انقلابی بود، به عنوان مسئول حوزه علمیه انتخاب کرد، گرچه علم روشنگری و بیداری مردم همچنان در دست آقای قاضی و روحانیون انقلاب بود و این حرکت تا پیروزی نهضت ادامه داشت.^(۱۹)

فعالیت‌های اجتماعی و خدمات مردمی

در نگاه عام فعالیت‌های اجتماعی و خدمات مردمی نیز در مقوله فرهنگ قابل تبیین است و هدف از طرح جداگانه دو عنوان، اهتمام به کار فرهنگی و فعالیت‌های اجتماعی، برای تاکید بر این است که مرحوم قاضی چنانکه به کار فرهنگی به معنای خاص آن، یعنی اندیشه و تفکر، آگاهی و تعالی، اهتمام می‌ورزید، در عرصه اجراء و خدمات اجتماعی نیز فردی شاخص و برجسته بود. افراد حسب حیثیاتی که دارند، به طور معمول ظهور و بروز آنان در جهتی خاص است. گاهی فرد در ایده‌سازی و تئوری‌پردازی، ذهنی خلاق و توانایی دارد و گاه کسانی برای تبدیل ایده به عمل ید طولانی دارند. اینکه افرادی در هر دو حوزه شاخص باشند، نشان از ذهن خلاق و در عین حال منسجم آنان دارد، قوه نظر و عمل در انسان به مثابه دو بال پرواز برای نفس‌اند و نفس مجمع همه قوای است. اگر مزاج

معتدل تکوینی، تابعی از نفس تکامل یافته در پرتو عقل شود، اعتدال قوای نفسانی در فرد شکل می‌گیرد و این چنین فردی نه توهم‌گرا و خیال‌پرداز است و نه ناامید و واپس‌گرا. نگاه او به آینده براساس واقع‌بینی و خردورزی است و عمل او در چهارچوب ایده‌های ارائه شده، همراه با نتیجه است؛ به بیانی دیگر کسانی که از اعتدال جسمانی و روحانی برخوردار نیستند، قوه خیال آنان از چنبره عقل رها و در عالم خیال‌پردازی با به هم بافتن آسمان و ریسمان زندگی می‌کنند. اینان نه تنها در عمل گامی به جلو بر نمی‌دارند، بلکه آنچه دیگران اندوخته‌اند به رایگان از دست می‌دهند.

تمامی مدخل یاد شده ترجمانی از این ادعا است که خدمت بی‌منت، فرهنگ انسان مسئولیت‌شناس و مدیر آگاه است، مرحوم قاضی، فرهنگ خدمت به مردم را از جده پدری خود خانم، آغا مریم^۱ - که قدی می‌ترین حمام در شهر خرم‌آباد به نام آن بانوی پرهیزکار ثبت شده - به ارث برده بود. صلاحیت‌های ذاتی به ارث رسیده از پدر، همراه با خلاقیت‌های فردی در پرتو داشته‌های پدری، عواملی بودند که بستر توانمندی‌های قاضی را رقم زدند. توان اقتصادی ایشان اسباب نگرانی شدید دستگاه حاکم را فراهم آورده بود. درستی این ادعا که ثروت برای آقای قاضی وسیله خدمت بود، تکلف چندانی ندارد، زیرا در رژیم پهلوی به متکثران و ثروت‌اندوزان، مدال می‌دادند. اینکه در مکتوبات مقامات امنیتی، توان اقتصادی آقای قاضی را خطر می‌شمردند، از آن رو بود که ثروت از منظر مرحوم قاضی، بستری برای خدمت بود. آنان در برداشت خود به خطا نرفته بودند، زیرا در شرایط دشواری که رژیم برای انقلابیون پدید آورده بود، امکانات مالی تا حدودی می‌توانست خسارات وارده را جبران کند و از تاثیرگذاری بیشتر ترفندهای تخریبی آنان جلوگیری کند.

۱. عیدی، حمید، یادگار عمر، ص ۷۴.

سیاهه همه آنچه حاج آقای قاضی در خرم آباد انجام داده است، افزون بر اینکه نیاز به کار میدانی دارد، در راستای هدف این نوشتار هم نیست، زیرا در نگاه نگارنده، آنچه به کار این نوشتار می آید، فراهم آوردن قائمه‌ای از خدمات نیست، در مورد شخصیت مورد گفتگو نیز، پیش از آن که بسیاری کار اهمیت داشته باشد، نوع نگرش به کارهای انجام گرفته دارای اهمیت است. آیا هدف از کار اقتصادی، انباشت ثروت بود یا ارائه خدمت؟ مدعای نویسنده این است که هدف مرحوم قاضی خدمت و گسترش مدنیت بوده است. بسیار طبیعی است که خواننده بی طرف مطالبه دلیل کند، ارائه دلیل را پس از طرح چند سوال که مفاد همه یکی است، خواهم آورد.

آیا هدف آقای قاضی از ساخت شهرک قاضی آباد که در زمینی وسیع در دامنه کوه مدبه در منطقه پامنار آن را به فرجام رساند، کار اقتصادی و تولید ثروت بیشتر بوده است؟ آیا تاسیس شرکت روشنایی خرم آباد با همکاری حاج آقا نورالدین قاضی برای بالابردن توان اقتصادی فارغ از دغدغه‌های مردمی بوده است؟ آیا پی گیری و جلوگیری از تعطیلی کارخانه آرد امید و در نهایت عهده‌داری مدیریت آن تنها با نگاه اقتصادی انجام گرفته است؟

قبل از بیان اینکه هدف آقای قاضی چه بوده است، تامل در اینکه در تمامی کارهای انجام شده توسط آقای قاضی شده، مخاطب مستقیم خود مردمند و این نکته‌ای است که نباید از آن غفلت کرد. چنانکه پیداست خدمات این چنینی پاسخگویی پیوسته به مردم را می طلبد. به راستی اگر هدف تحصیل ثروت بود، چه ضرورتی دارد که انسان سرمایه خود را در کارهای خطرآفرین همانند برق‌رسانی هزینه کند که در هر لحظه در هر کوی و برزن با نبود امکانات آن روزها، برای صاحب سرمایه سبب دلمشغولی و نگرانی باشد. به هر روی گرچه ما از ثبوت بانی بی خبریم، لیکن تحلیل دقیق از شرایط آن دوران به ما می گوید اگر هدف مرحوم قاضی تحصیل ثروت بود، با ورود ایشان به عرصه سیاست،

سازگاری ندارد. اگر کسی اندکی شامه اقتصادی داشته باشد، می داند که پرداختن به سیاست آن هم در جهت خلاف سیاستمداران حاکم، با ورود به کار اقتصادی هیچ سازگاری ندارد. از شخصیتی نظیر آقای قاضی که بی پروا سیاست‌ورزی می کرد، نماینده امام خمینی (ره) بود و روزنامه صدای لرستان را مدیریت می کرد، بسیار بعید می نماید با این حضور آشکار در عرصه سیاست، هدفش از کار اقتصادی، تحصیل ثروت باشد، کسی که هدفش از کار اقتصادی ثروت‌اندوزی است نه تنها با سیاست حاکم درگیر نمی شود، بلکه براساس حرکت عقربه سیاست، رفتار خود را تنظیم می کند، یا دست کم سکوت می کند.

نقش آیت الله قاضی در انقلاب اسلامی

پیش از این اشاره شد که در تقسیم‌بندی‌های رایج سیاسی قبل از انقلاب اسلامی آقای قاضی از روحانیون طرفدار حضرت امام به شمار آمد. شناسنامه سیاسی مرحوم قاضی در جریان انقلاب اسلامی فراتر از گفتار و اندیشه است. ایشان در عمل و اقدام، همه جا پایبندی خود را به منویات بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نشان داده است. نامه‌های حضرت امام به ایشان در دهه چهل، تصدی نمایندگی معظم له در سال‌های پر از خوف و خطر، حمایت از مبارزان و مساعدت‌های مالی به آنان، نشانی‌های اندکی نیستند که پژوهشگر با دانستن آنها، تردیدی در وفاداری فکری و عملی آقای قاضی به جریان انقلاب داشته باشد. به این سند بنگرید:

«اطلاع واصله حاکی است از طرف خمینی به طرفدارانش اعلام گردیده است که مبالغی از بابت وجوه سهم امام در اختیار وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات قرار دهند و به طوری که شنیده شده است شیخ مهدی قاضی که از طرفداران سرسخت و طراز اول خمینی می‌باشد اخیراً مبلغ یک میلیون تومان جهت کمک به وسایل ارتباط جمعی و

مطبوعات از بانک [سپه] دریافت نموده است، با توجه به موقعیت فعلی و سوابق مشارالیه، احتمال می‌رود قصد داشته باشد از مبلغ مذکور بین اشخاص اخلاک‌گرا و مخربین و خانواده دستگیرشدگان و خانواده کسانی که در تظاهرات کشته شده‌اند، تقسیم نماید»^(۲۰)

تاکید بر سرسختی آقای قاضی در طرفداری از امام و اینکه وی از افراد طراز اول طرفدار امام می‌باشد، نشان از جایگاه برتر ایشان در بین مبارزان و انقلابیون خرم‌آبادی داشته است.

در سندی دیگر می‌خوانیم که مهدی قاضی به اتفاق چندین نفر از همدستانش مبادرت به پخش اعلامیه مضره می‌نماید. ضمناً نامبرده تعدادی اسلحه و مهمات غیرمجاز جمع‌آوری و در زیرزمین منزلش پنهان نموده است که به موقع علیه دولت از آنها استفاده نماید،^(۲۱) با توجه به نقش بی‌بدیل آقای قاضی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی در خرم‌آباد، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت استان برای ایشان تقاضای «مجازات ممکنه»^(۲۲) را می‌کند.

کنترل روزانه آمد و شد ایشان از هنگام خروج از منزل تا زمان برگشت و ثبت مکالمات تلفنی وی که اسناد در اداره اطلاعات و امنیت استان، انعکاس یافته است، نشان از آن دارد که رژیم پلیسی و امنیتی شاه، برای تحت کنترل درآوردن اوضاع و رهبران نهضت از هیچ ترفندی فروگذار نبوده، لیکن همواره سنت الهی بر این تعلق گرفته است که مستضعفان، حاکمان و وارثان دین شدند: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۱ امامت و وراثت امانتی الهی است که به مستضعفان سپرده شده است و بر آنان که ناتوان نگه داشته شده‌اند، خداوند منت نهاده است که پیروشان سازد. برداشت این است که مستضعفان که ناتوان نگاه داشته شده‌اند،

کسانی هستند که افزون بر استضعافی که دارند، می‌دانند که مستضعف هستند و برای رهایی از ستم اقدام می‌کنند. برای چنین کسانی، پیروزی و نصر الهی قطعی است.

به یقین نقش مردان بزرگی همچون مرحوم قاضی در بیداری مردم و بیان استضعافی که گرفتار آن آمده بودند و در نهایت بسیج توده‌های ملت برای بازستانی حقوقشان قابل انکار نیست و این چنین شد که خشم ملت، رژیم استبدادی شاه را که از هر روشی برای سرکوب استفاده می‌برد و حامیان او ایران را جزیره امن می‌دانستند، آن‌چنان درهم پیچید که برای همیشه تاریخ، مومنان بدانند در ستیز حق و باطل، پیروزی و ظفرمندی از آن مستضعفان است و در وعده نصر الهی تردیدی نیست.

حکایت سیاست‌ورزی مرحوم قاضی بعد از انقلاب چهره‌ای دیگر دارد. چنانکه شیوه همیشگی وی بود بجد از رسانه‌ای شدن خودداری می‌کرد و ترجیح می‌داد در جایگاه حساسی که دارد به رشد و تعالی فرهنگی کشور خدمت کند. او براین باور بود که امروز پاسداری از میراث گرانسنگ امام خمینی(ره) وظیفه آحاد ملت ایران است. او که زجرها و رنج‌های دوران مبارزه را به خوبی لمس کرده بود و نقش تاریخی امام را در رساندن ملت ایران به جایگاه تاریخی آن با تمام وجود احساس می‌کرد، تاکید بسیار داشت که وظیفه روحانیون و همه فرهیختگان، خواه حوزوی و دانشگاهی، تلاش هرچه بیشتر برای فتح سکوهای علمی است تا بتوانند انقلاب را بیمه کند.

سینه‌ای انباشته از تجربه و کوله‌باری سنگین از حوادث مبارزات با خود داشت، دریغ که هیچ‌گاه حاضر نمی‌شد آنها را به ثبت برساند. کسی جز خدای او نمی‌داند چرا؟ لیکن بر این باور بود که تاریخ و تفسیر آن را نباید از زمان جدا کرد، همدلی و دوری از افراط و تفریط شاخصه‌های اصلی بود که از دوران جوانی تا پایان زندگی بر آن پای فشرد، و این بن‌مایه‌های اصلی سیاسی که منش او را در سیاست تعیین می‌کرد در مرحله نخست

برخاسته از مراتب بالای تعهد و تدین آن مرد بزرگ بود و دیگر تجربه تاریخی سنگینی که از دوران مبارزات داشت.

روزی از حوادث و اختلافات پیش آمده در جریان نهضت ملی نفت می گفت که چگونه شاه با سوار شدن بر موج جدایی مصدق و کاشانی، بر اوضاع مسلط شد و مبارزان را خانه نشین کرد می گفت محمدرضا شاه مرحوم کاشانی را به بیروت تبعید کرد، لیکن در همان جا ایشان در انتخابات شرکت کرد و با شکوه و استقبال وصف ناشدنی به ایران بازگشت، و مصدق نیز در برهه ای از تاریخ، تبدیل به قهرمان ملی و اسطوره کشور شده بود، اما سایه سنگین اختلافات، کار را به جدایی کشاند. یک روز که برای دیدار مرحوم کاشانی به منزل ایشان رفتم دریغا که وی را تنهای تنها یافتم.

آری بیان این حوادث، نشانی دیگر از سند مبارزات طولانی سیاسی ایشان است. او در عین اینکه تجربه نیم قرن مبارزه سیاسی را در کارنامه خود داشت، سیاستمداری ساکت بود و وظیفه امروز روحانیت و سربلندی همیشگی، میراث ماندگار دوران امام خمینی (ره) را در خدمت بی منت می دانست.

بنیان گذاری دانشگاه قم

بزرگی و فرزاندگی و در نهایت برازندگی و ماندگاری آن، با توصیف و ستایش رقم نمی خورد. چه بسیار مداحان ثناگو و چاپلوسان دروغگو که به هنگام سخن گفتن، خود به آنچه می گویند باور ندارند. آری برای درستی ادعایی بزرگ باید مستند ارائه کرد؛ مستندی به پهنای آثار ماندگاری که شخص از خود به یادگار می گذارد، مستند بزرگی مرحوم قاضی، تن بی قرار و جان مشتاق خدمتی است که خود بارها می گفت: روزی در دیدار با آیت الله مکارم شیرازی، ایشان با توجه به شرایط سنی و فزونی حجم کارها، برای

حفظ سلامت توصیه ای داشتند که در پاسخ گفتم: در مغز من رگی است که نمی گذارد آرام بگیرم و پیوسته مرا تحریک می کند.

به راستی او این چنین بود، تعطیل و غیرتعطیل نمی شناخت و به جرات می توان گفت غیر از روز شهادت امام علی - علیه السلام - و روز عاشورا که در دانشگاه دیده نمی شد، در تمامی اعیاد و مناسبت ها در محل کار حضور می یافت و امور عقب افتاده و نامه های رسیده را مطالعه و دستورات لازم را مکتوب می کرد.

ساختن شهرک (قاضی آباد)، راه اندازی دبیرستان علوی و موسسه فاطمیه، برق رسانی قبل از برق شهری دولتی و دهها خدمت ریز و درشت دیگر، نشان از جوهره اندیشه عمل گرایانه این مرد بزرگ دارد، او دانش اندوزی را پشتوانه ای برای عمل اندیشمندانه می دانست. از منظر او قم سکوی پروازی است که پس از رسیدن به مراحل بالای علمی و دریافت سلوک عملی، توقف در آن با فلسفه مهاجرت به قم سازگاری ندارد. اگر روزی بر حسب وظیفه برای کسب علم و تهذیب نفس باید زانوی شاگردی زد، دگر روزی باید با سرمایه اندوخته عزم خدمت کرد، تا شائبه فراگیری دانش برای نمایش و شبهه علم بدون عمل، دامن انسان را نگیرد. از این رو در پی مهاجرت نخستین از خرم آباد به قم، این بار از قم به خرم آباد رفت و در آنجا منشاء خدمات گسترده اجتماعی و سیاسی شد، به یقین کسانی که در آن دیار، شاهد فعالیت های او بوده اند، می توانند گزارش قطوری از فعالیت های ایشان ارائه کنند.

در اینجا توجه به یک یادداشت که از سوی شهرانی استان لرستان خطاب به ساواک است و نشان دهنده، عمق تاثیر گذاری و نفوذ آیت الله قاضی در منطقه است. سزاور توجه است در یادداشت یاد شده ضمن اشاره به مهمانی شامی که از طرف ایشان و با حضور طبقات مختلف برگزار شده، آمده است که شیخ مهدی قاضی در این جمع پانصد نفری

«اظهار داشته که عشایر را مسلح می‌کنیم، ضمناً اضافه نموده که هرکس مشکلی داشته باشد نزد من بیاید، مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام اعلام می‌گردد.»^(۲۳)

تصمیم ایشان برای مهاجرت به قم در سال ۵۹ با توجه به این سوابق و خدمات، جز از یک روح بلند و عاشق خدمت، از کس دیگری برن می‌آید. آیا مرحوم قاضی که به گفته مقامات امنیتی محلی توان مسلح کردن عشایر منطقه را داشت و از پایگاه اجتماعی گسترده مردمی برخوردار بود، نمی‌توانست با اندک مخالفتی که داشت، برخورد و سکندار بلامنازع در لرستان گردد؟ تردید روا مدارید که او با داشتن وکالت از حضرت امام و حمایت‌های مردمی و نهادهای انقلابی، برای ماندن در خرم‌آباد هیچ چیز کم نداشت، لیکن چنانکه پیش از این اشاره شد، از منظر یک انسان خدوم همواره این چنین نیست که بزرگراه خدمت به بن‌بست منتهی شود، او برای رضای خدا همه آن سوابق و پیشینه را به یکباره بر زمین نهاد، و با سرمایه اعتماد و توکل بر خدا، بنای رفیع دانشگاه قم را پی افکند. شاید خوانندگان این سطور به سختی باور کنند که مساحت یکصد و چهل هکتاری زمین دانشگاه قم با دهها هزار فضای آموزشی، پژوهشی و اداری از دو اتاق استیجاری در پاساژ حضرتی روبروی شیخان قم آغاز شده باشد. به روایت همکار قدیمی ایشان آقای نبی صادقی^(۲۴) ثبت نام دوره اول در همین پاساژ انجام و امتحانات در مسجد اعظم برگزار گردید. شروع نخستین دوره در مهر ماه ۵۹ و انتقال به ساختمان هدایت صفاشهر که آن مکان نیز اجاره‌ای بود، در پاییز همان سال انجام گرفت. در اواسط دهه شصت مدرسه عالی به ساختمان علوم پزشکی نقل مکان کرد و در تمام این مدت با اشراف حاج آقای قاضی بر مسائل آموزشی و اداری، ساخت و ساز ساختمان‌های مدرسه عالی با جدیت ادامه داشت و همزمان با سفر آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور وقت که برای افتتاح سد پانزده خرداد به قم آمده بودند، ساختمان آموزشی مدرسه عالی افتتاح گردید.

آیت الله مومن که بحق می‌توان گفت یکی از جدی‌ترین شخصیت‌های همراه و همدل با حاج آقای قاضی بودند و مرحوم قاضی همواره به داشتن پشتوانه‌ای استوار چون ایشان برای پیشبرد امور امیدوار بود، در روایت تاسیس مدرسه عالی و انتخاب رئیس آن چنین آورده‌اند: در اواخر سال ۱۳۵۹ مرحوم شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید قدوسی در منزل حضرت آیت الله طالقانی بودند، بنده خدمتشان رسیدم. گفتم حاج آقا در میان طلاب ما جوانانی هستند که حکومت به آنها نیاز دارد، در زمان طاغوت به آنها بهایی داده نشده؛ اما حالا می‌توانیم با آموزش مقطعی از آنها استفاده کنیم. شهید باهنر و شهید قدوسی هر دو عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بودند. من پیشنهاد دادم که مصوبه‌ای در این شورا به تصویب برسانند تا طلاب طی شرایط خاصی گزینش شوند و تحت آموزش قرار گیرند و گواهینامه دریافت نمایند که ما بتوانیم از این نیروها در کارهای فرهنگی و قضایی، آموزش و پرورش، دانشگاهها و یا به عنوان نمایندگان رهبری در نیروهای مسلح و مراکز دیگر استفاده کنیم.

شهید بهشتی انسانی فرهیخته، بسیار دانا و تیزبین بودند. بدون هیچ مقدمه‌ای پذیرفتند و گفتند که کار خوبی است. چند روز بعد، در دی ماه ۱۳۵۹ لایحه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی برای احداث مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب در قم زیر نظر جامعه مدرسین به تصویب رسید. بعد از آن مرحوم آیت الله مشکینی، آیت الله طاهری خرم‌آبادی و جمعی دیگر از فضلاء حوزه، دست به دست هم دادند و طی چند سفر، برنامه‌ریزی لازم را برای دروس این مدرسه انجام دادند. در نهایت تصمیم بر آن شد که از میان طلبه‌هایی که سوابق تحصیلی خوب داشتند - عده‌ای را پذیرش کنیم و در این مدرسه علاوه بر دروس حوزه، درس‌های دیگری نیز به آنها آموزش داده شود. در میان سرفصل دروسی که می‌بایستی تدریس می‌شد عمدتاً دروس قضایی و تربیتی بود و این دروس توانمند تدریس می‌شد. برای دروس تربیتی از سرفصل دروه‌های ضمن خدمت دبیران

آموزش و پرورش استفاده کردیم. بدین ترتیب مقدمات شروع فعالیت آماده شد، لیکن به یک مدیر توانمند نیاز بود که بهترین گزینه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی بود.^۱

مدرسه عالی و تربیتی که در دوره‌های نخست تنها در دو رشته تربیتی و قضایی از بین فضلاء و طلاب حوزه علمیه دانشجو می‌گرفت، هم‌اکنون با بیش از هفتاد رشته در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در عرصه‌های مختلف، علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی دانشجو می‌پذیرد. بی‌شک این مهم، در پرتو همت عالی و آینده‌نگری حاج آقای قاضی شکل گرفته است. آقای دکتر خالقی که خود اهل قم است و علاقه زیادی به شخص آقای قاضی داشت و مسائل مدرسه عالی را به طور ویژه پیگیری می‌کرد و در دوران مدیر کلی شورای گسترش و تصدی معاونت آموزشی وزارت علوم، خدمات ارزشمندی را برای دانشگاه قم به فرجام رساند، در جلسه‌ای در حضور آقای قاضی گفتند: من که اهل قم هستم و با نگاهها و تنگناها آشنایی کامل دارم و اینکه از افراد خانواده خود ما برای ادامه تحصیل با دشواری‌هایی روبرو بودند، می‌دانم که ایشان چه خدمت بزرگی را به انجام رسانده‌اند.

تنها به اشارت می‌گویم، چون می‌دانم روح بلند او اجازه نمی‌داد که بی‌مهری‌ها علنی شود، یک روز که به اتفاق ایشان برای پیگیری امور در تهران بودیم، پس از چندین مرتبه آمد و شد در بخش اداری مربوط، من که از بی‌اعتنای‌ها و در پاره‌ای مواقع کارشکنی‌ها احساس بدی داشتم، به ایشان عرض کردم شاید ماندن جناب عالی مناسب نباشد. خوب است حضرت عالی تشریف ببرید دفتر دانشگاه. من پس از آنکه جواب مثبت یا منفی را گرفتم خدمت می‌رسم. در پاسخ خطاب به من گفتند: اینها چیزی نیست، مگر نشیده‌ای که شاعر گفته: بر درِ ارباب بی‌مروت دنیا / چند نشینی که خواجه کی به در آید.

یادآوری چند سطر از نامه‌ای که در تاریخ ۸۱/۲/۳۰ به شماره ۱۴۸۱ به محضر ایشان نوشتم، بیانگر این حقیقت است که مرحوم قاضی برای به ثمر نشاندن این کار سترگ چه رنج فراوانی را متحمل گردیده است.

تبدیل وضعیت مدرسه عالی به دانشگاه، نگاه‌ها و انتظارات را نسبت به مجموعه عظیم امکاناتی که در قم فراهم آمده، دو چندان کرد. هیچ یادم نمی‌رود که در هنگامه گرمای تابستان مورخ ۷۶/۴/۱۱ روز چهارشنبه بعدازظهر که نامه تبدیل وضعیت را به صورت دستی از جناب آقای حسینی (مدیر کل شورای گسترش وقت) گرفته بودم و در تربیت مدرس به اطلاع حضرت عالی رساندم، فرمودید: این آغاز مشکلات است و چنین نیز شد به گونه‌ای که گهگاه ابراز می‌گردید «ای کاش امور به همان روال سابق بود و اینجا تبدیل به دانشگاه نمی‌شد»، در هر صورت بی‌مهری‌ها و سنگ‌اندازی‌ها نه تنها خللی در روند رو به رشد دانشگاه ایجاد نکرد، بلکه با توجه و عنایت جناب عالی و اهتمام و پشتکار دوستان و تشکیل جلسات مکرر با مسئولان در قم و تهران سرانجام اساسنامه دانشگاه تصویب و هیات امنای مستقل آن شکل گرفت و آخرین حلقه مفقوده در سلسله اقدامات قانونی در مورخ ۸۱/۱۲/۸ با تخصیص ۱۹۲ پست سازمانی در کمیته فنی هیات دولت رقم خورد.

اگر به نامهربانی‌ها اندک اشارتی شد که پاره‌ای از آنها را باید برخاسته از روند اجرایی امور و گهگاه ناشی از تنگناهای ساختاری دانست، از حمایت‌ها و همدلی‌های مجموعه وزارت متبوع که وجه غالب قضیه را تشکیل می‌داد، نباید غفلت کرد. چه اینکه شخصیت و منش حاج آقای قاضی به گونه‌ای بود که در هر کجا حضور می‌یافت، صرف‌نظر از یک رئیس دانشگاه به ایشان می‌نگریستند. شخصیتی که مورد اعتماد عالی‌ترین مقام نظام بود و مورد حمایت هیات امنای محترم که برخی از ایشان از شخصیت‌های بزرگ نظامند، و همچنین آشنایی با روسای جمهور وقت و دیگر روسای

۱. جلوه ایثار، ویژه‌نامه آیت الله قاضی خرم‌آبادی، ص ۶.

قوا، همه عواملی بودند که وجود ایشان را به سرمایه‌ای بی‌بدیل برای دانشگاه تبدیل کرده بود. در جلسه کمیته فنی هیات دولت به هنگام گفتگو و تبادل نظر درباره تخصیص پست سازمانی، معاون وزیر و کارشناسان دیدگاهی داشتند و در مقابل حاج آقا قاضی بر خواسته دانشگاه تاکید داشتند. به درستی به یاد دارم که معاون وزیر که احترام ویژه‌ای برای ایشان قائل بود، خطاب به کارشناسان اظهار داشت تلاش کنید نظر جناب قاضی را تامین کنید.

پایان زندگی و آرام‌گرفتن در جوار حضرت معصومه(س)

وہ چه پایانی زیبا و شوق‌انگیز، مهمان کریمه اهل بیت شدن و از مجاورت مکانی آن حضرت به منزلت مقامی ره بردن، نعمتی بی‌بدیل است و این پایان دلپذیر مرهون آغاز تحسین‌برانگیزی است که او خود آن را رقم زده بود، آغازی که خواند: «اول الدین معرفة الله»، خدای خود را شناخت و خود را باور نمود و خودیت و منیت را فراموش کرد. خرمی خرم‌آباد را فدای فرخندگی کسب دانش و ماندگاری تهذیب نفس کرد، به قم مهاجرت نمود، لیکن در قم نماند، چرا که هدف از هجرت، خدمت است و چه جایی برای خدمت سزاوارتر از زادگاهش، زیرا در قم به کفایت حلقه درس سطوح عالی و مدرسان درس خارج بودند. به خرم‌آباد آمد با آنکه جوان بود بسیار درخشید، زعامت حوزه علمیه کمالیه و وکالت مطلق از امام خمینی(ره) تنها دو منصب او بودند. رهبری سیاسی، حمایت از مبارزین و خدمات گسترده فرهنگی و اجتماعی، پاره‌ای دیگر از اوراق زرین زندگی اویند.

اندیشه راقی و همت عالی عرصه‌ای گسترده‌تر برای خدمت می‌طلبد، از این رو برای بار دوم به قم مهاجرت کرد، او در قم که عاصمه فکری و فرهنگی انقلاب اسلامی است و علوم حوزوی زینت‌بخش آن است، نبود مرکزی دانشگاهی را منقصت

می‌دانست. بر این اساس بنای رفیع دانشگاهی جامع را پی افکند؛ دانشگاهی که اگر نیت پاک بانی در آن پاس داشته شود، می‌تواند دانشگاهی همتراز با الازهر و بلکه برتر شود.

بارالها بر قاضی منت نهادی و توفیق خدمت به آن بنده صالح ارزانی داشتی.

خداوندا بر او کرم کردی و کرامت تو سرمایه حیات طیبه او شد.

بارالها اینک قاضی ما مهمان تو است و تو قاضی و برآورنده همه حاجاتی، حاجت

دیروز او سلامت در دین و عافیت در آخرت بود و حاجت امروز ما رفعت مقام او و

مجالست با صالحان است.

آمین یا رب العالمین

پی‌نوشت

۱. (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً) از این آیه و آیات دیگر به روشنی استفاده می‌شود که بشر امروزی همه فرزندان یک پدر و مادرند. المیزان، ج ۴، ص ۱۴۵.
۲. (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)
۳. (أَفَعَيْنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لُبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ) سوره ق، آیه ۱۵.
۴. شرکت در دوره تربیت مدرس منوط به تاییدیه دو سال حضور در درس خارج و قبولی کتبی در ۱۰ ماده درسی ومصاحبه بود، مواد درسی عبارت بودند از: ۱. فقه (مکاسب) ۲. اصول (کفایتین) ۳. فلسفه (بدایه الحکمه) ۴. تفسیر (مجمع البیان و المیزان) ۵. کلام (شرح تجرید الاعتقاد) ۶. منطق (منطق مظفر) ۷. تاریخ اسلام ۸. اطلاعات عمومی ۹. آیین نگارش ۱۰. ادبیات عربی
۵. استادان حوزوی حضرات آیات و حجج اسلام محمد هادی معرفت، احمد بهشتی، رضا استادی، کورانی، عمید زنجانی، محمدتقی مصباح یزدی، وافی، استادان دانشگاهی آقایان احمد احمدی، جعفر شهیدی، زرگرنژاد، آئینه‌وند، اعوانی، حداد عادل، عمید زنجانی، ابراهیمی دینانی، ایلخانی، لازم به یادآوری است که در دوره‌های نخست بیش از هفتاد واحد درسی از فلسفه اسلامی، فلسفه جدید، فلسفه اخلاق، فلسفه‌های تربیتی، روانشناسی تربیتی، تعلیم و تربیت اسلامی، کلام اسلامی و جدید و کلام یهود و مسیحیت، مبانی عرفان نظری و عملی، علوم قرآنی، تاریخ سیاسی، تاریخ اسلامی، تاریخ عمومی جهان و ایران و دو واحد اقتصاد اسلامی وحکومت اسلامی ارائه می‌شد.
۶. در دیداری که مسئولان و دانشجویان تربیت مدرس با ریاست جمهوری وقت آیت الله هاشمی رفسنجانی داشتند حکایت پیگیری‌های جناب آقای دکتر احمدی این چنین روایت شد «همین حالا خدمت آقایان، آقای دکتر احمدی که قبلاً هم ایشان همین جور دنبال بودند و از خدمات ایشان ما حساب می‌کنیم، خدمات مهم‌شان برای این کاری که انجام دادند و می‌بینم که در شورای عالی انقلاب فرهنگی چقدر ایشان دل می‌سوزانند.» (دیدار مسئولان تربیت مدرس و دانشجویان با آیت الله هاشمی رفسنجانی ۷۱/۵/۸)
۷. پرداختن تفصیلی به فراز و فرودهای تربیت مدرس و تاثیر دانش‌آموختگان آن در عرصه فرهنگی و دانشگاهی مجالی دیگر و فرصتی مناسب می‌طلبید، لیکن از آنجا که مرحوم قاضی همواره توصیه می‌کردند که مناسب است گزارشی جامع از روند شکل‌گیری تربیت مدرس و دیگر مسائل آن، به ویژه فارغ‌التحصیلان مرکز و خدمات دانشگاهی آنان ارائه شود، اشارتی کوتاه در این نوشتار که به یاد خدمات ماندگار آن عالم دانا و توانا فراهم آمده است مناسب می‌نماید، دانش‌آموختگان تربیت مدرس به ویژه دوره‌های اولیه آن، به طور غالب از نخبگان حوزه بودند که افزون بر اینکه باید در امتحانات دشواری (ده

ماده درسی) شرکت می‌کردند و قبولی در آن منوط به داشتن دانش حوزوی درخور بود، باید واحدهای متعدد درسی (دو برابر و نصف واحدهای متداول در کارشناسی ارشد) را با موفقیت سپری کنند، این پیش‌زمینه علمی سبب شده بود که بسیاری از دانش‌پژوهان مرکز پس از فراغت از دوره باشرکت در دوره‌های دکتری، قبول و حائز رتبه‌های قابل توجهی گردند و هم‌اکنون در نصابی غیرقابل قیاس (نسبت دانش‌آموختگان و درصد قبولی آنان) بیش از ۵۰ درصد آنان در دوره‌های دکتری قبول و در گروه‌های تخصصی و گروه معارف در دانشگاهها حضور دارند. سزاوار یادآوری است که با عنایت مسئولان وقت وزارت علوم با فراغت از تحصیل سه دوره از دانشجویان دوره‌های دکتری در رشته‌های علوم قرآن و حدیث، عرفان، فلسفه تطبیقی و کلام در مرکز تربیت مدرس راه‌اندازی شد، شایان توجه است که دو رشته اخیر برای نخستین بار سرفصل‌های آن از سوی مرکز تربیت مدرس به شورایعالی برنامه‌ریزی ارائه و مورد تصویب قرار گرفت. به هر روی تاثیرگذاری تربیت مدرس در شرایط خاص خود قابل تردیدی نیست و شایسته است که برای بانیان وحامیان این ایده سلامت و دعای خیر طلب کرد.

۸. امام علی (ع) در حال سخن گفتن بود که فردی از خوارج فریاد برآورد «لا حکم الا لله» در پی آن فرد دیگر و سپس جمعی که نشان می‌داد هماهنگ با یکدیگرند، فریاد اعتراض برآوردند. حضرت مدتی صبر کرد تا آنان ساکت شدند، آنگاه فرمود، گفتار حقی می‌گویند لیکن هدف نادرستی را پی می‌گیرید و در ادامه تاکید کرد تا زمانی که اقدام به جنگ نکنید با شما نبرد نمی‌کنم. حقوقتان از بیت المال برقرار و از ورود شما به مساجد جلوگیری نمی‌کنم. ابن‌کثیر، البدایه و النهایه، ج ۷، ص ۳۱۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ص ۳۴۸ و نمونه درس آموز دیگر این است که یکی از ارادتمندان حضرت در مورد شخصی گزارش داد و خواستار برخوردار حضرت با وی شد. امام فرمود تا دشمنی وی آشکار نشده است، نمی‌توان او را دستگیر، مجازات و زندانی کرد. ثقفی کوفی، الغارات، ج ۲، ص ۴۱۸؛ بلاذری، ج ۲، ص ۴۱۸.

۹. دبیر اجرایی ستاد برگزاری مراسم جناب آقای دکتر شاهرخی است و عمده زحمت آن به عهده ایشان است. لیکن به دلیل شرایط خاص دانشگاه، ستاد خیلی دیرنگام شکل گرفت و از آنجا که سزاوار می‌نمود که در اولین سالگشت، یادنامه‌ای فراهم آید، دوستان با توجه به فرصت محدود، تقسیم کار نمودند که گزارشی هرچند کوتاه از زندگی زنده‌یاد مرحوم قاضی ارائه نمایند.

۱۰. داماد ایشان آقای طاهری می‌گوید: حاضر نبودند در موردکارهای انجام شده تبلیغات و یا مصاحبه‌ای داشته باشند و همیشه از این امور گریزان بودند و طفره می‌رفتند، در زمان معاونت شورای عالی قضایی که جایگاه ویژه و خاص داشتند و قاعدتاً بایستی مصاحبه خبری هفتگی داشته باشند، ولی ایشان حتی در طول آن مدت برای یک بار هم این کار را انجام ندادند. می‌توان گفت تنها مصاحبه ایشان در اوایل سال گذشته با سیمای جمهوری اسلامی مرکز لرستان بود که آن هم با سماجت و پی‌گیری واصرار و رفت و آمدهای مکرر یکی از دوستان در ارتباط با روند انقلاب در لرستان انجام پذیرفت و دیگر هیچ مصاحبه‌ای از ایشان وجود ندارد.

۱۱. هم اکنون این امر با پیشنهاد ریاست محترم دانشگاه قم حضرت آیت الله دکتر احمد بهشتی و موافقت هیأت امنای محترم در حال انجام است.
۱۲. آن گونه که نویسنده در ابتدای این دست نوشته آورده است، تنظیم خاطرات به توصیه حاج آقا هادی قاضی بوده است و گر نه خود او به جهاتی که در همانجا آمده است، تمایل چندانی برای ثبت آن نداشته است. این نوشته هم اکنون در دست احمد آقای قاضی است.
۱۳. فرازهایی از زندگی و فعالیت های اجتماعی و سیاسی آیت الله قاضی به نقل از داماد ایشان جناب آقای طاهری.
۱۴. برای آگاهی بیشتر به کتاب یادگار عمر، خاطراتی از خرم آباد قدیم، نوشته دکتر حمید عیدی، صص ۳۸ و ۷۴ مراجعه نمایید.
۱۵. به نقل از فرازهایی از زندگی و فعالیت های اجتماعی، سیاسی آیت الله قاضی ص ۱۷.
۱۶. سند شماره ۱
۱۷. سند شماره ۲
۱۸. سند شماره ۳
۱۹. برای آگاهی بیشتر به اسناد منتشره ساواک مراجعه نمایید
۲۰. سند شماره ۴
۲۱. سند شماره ۵
۲۲. سند شماره ۶
۲۳. سند شماره ۷
۲۴. آقای نبی صادقی از روزهای نخست راه اندازی مدرسه عالی تا دوران بازنشستگی از پاران نزدیک حاج آقای قاضی بودند و مسئولیت هایی نظیر معاون اداری و مالی و همزمان دانشجویی را به عهده داشتند و در مدت حضور حاج آقای قاضی در شورای عالی قضایی، تمام اختیارات امور اداری به عهده ایشان بود.

سید علی

به هیچ وجه با استغفای جنابانی موافقت ننمود

و آن را پس از قبولی استغفای اینجانب

جنابانی هم می توانست استغفا دهد

سید قاضی

سید

۵

خلیلی بجرمانه



تیسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۲۴

از
ساواک فرمانده ارشد لرستان (خرم آباد) گزین اطلاعات اینست

س. د. ا. ک.

شماره ۱۵/۱۱۷۱

تاریخ ۵/۴/۲۷

پیوست ۱۱۱

در باره
محمد کریم مصطفی زاده رئیس دبیرستان علوی خرم آباد

و تاریخ به ۴۱۷ / ۳۲۴ - ۵۲/۲/۱۳

هوا نظریه طی ۵۱۵/۴۷۴۲ - ۵۲/۱۲/۵ و ۵۱۵/۶۹۱ و ۵۲/۲/۳۰ و ۵۱۵/۷۶۶۳ - ۵۲/۲/۳

با متحضر رسیده مسئولین دبیرستان علوی خرم آباد به پیروجه تابع نظم و مقررات آموزی و پرورش لرستان
نموده و در کلیه امور تحت نظر شیخ مهدی قاضی بوده و انتخاب رئیس و دبیران این دبیرستان نیز که
اکثر آنها طلاب مذهبی افرا طی دراز مدت بطریقه در میان این دبیرستان شیخ مهدی قاضی طرفدار خطی
بوده و دارای پرونده قطوری نیز در آن اداره کل می باشد انتخاب میگردند.

در حال حاضر با آنکه رئیس اداره کل آموزی و پرورش لرستان و رئیس و شورای آموزی و پرورش خرم آباد از اداسه
کار این دبیرستان و بد آموزی دانش آموزان نگران نبوده اند و بنا برین پیدا نموده اند ولی حلاً بحالت نفوذی گسیه
خا نزاده قاضی در گره شوقین اجتماع این منطقه پیدا نموده اند و مرا حلاً تمیزا نند از اندا که کار این
مؤسسه جلو گیری و یا لا اقل نظام پیشروی در آموزی و پرورش آن دانش آموزان با شکست و بطور نمونه
مؤارد مشروطه زیر با متحضر میزند.

۱- چون مسئولین در آن آموزی و پرورش در هیچکدام از مرا سم ملی صحنی شرکت نموده و در جشنهای ملی
حتی از برافرا شتن پرچم ایران و چراغان خود داری صحنایند آموزی و پرورش طی نامه شماره ۶۸۳/م
- ۵۱/۱۱/۲۸ که فتو کبی آن بهیوست میا شد با دادن تذکر مسئولین آن دبیرستان را متوجه
مرا قب این بی نظمی و تکروری نمود باست ولی توجهی بنابین ناه میذول نشده است.

۲- شورای آموزی و پرورش خرم آباد بکلیه دبستانها و دبیرستانهای ملی اعلام نموده که
خلیلی بجرمانه

۵۰-۱۱۶

۳۸

تلفغات وارده

۱- از مرکز ۴۲

۲- بدست واکر ۵

۳- تاریخ ۴/۴/۲۷

۴- شماره ۱۱۱

۵- کشف شده توسط

۶- وقتی که مخا بره شده

۷- تقدم

۸- قسمت اقدام کنده

۹- برای اطلاع باداره

شماره بطنی
۱۱۷۱/۱۵ - ۲۷/۳/۲۷

سریه با توجه به برتعی که فی مابین رهبران روحانی افرا طی
و متعصبین مذهبی آن منطقه و نگرش به فائز قاضی دانسته اند و این را
بمنفع ختمی در مرکز دینیه و تربیتی علوی قاضی و طرد یافته اند
آن منطقه و با هر اقدامی در مورد روحانیه و نگرش به فائز قاضی

مجا

درجه فوریت:
 طبقه بندی: اضتی
 برگ خبر:
 نسخه شماره: از:
 ۱- ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان (اطلاعات)
 ۲- شهرپایانی استان لرستان (اطلاعات)
 ۳- شماره: ۵/۵۷-۲/۶۱
 ۴- تاریخ: ۵۷/۹/۲۰
 ۵- پیوست:
 ۶- تاریخ وقوع:
 ۸- گیرندگان:

موضوع: عطف/پیرو:
 اطلاع واصله حاکیست از طرف خمینی بطرفد ارانش اعلام گردیده است که مبالغه از بابت و جرم بهم امام در اختیار و سایل ارتباط جمعی و مطبوعات قسرا دهند و بطوریکه شنیده شده است شیخ مهدی قاضی که از طرفداران سرسبز و طراز اول خمینی میباشد اخیراً مبلغ يك میلیون تومان جهت کمک به سایر ارتباط جمعی و مطبوعات از بانک دریافت نموده است با توجه به موقعیت فعلی و سوابق مشارالیه احتمال می رود قصد داشته باشد از مبلغ مذکور بین اشخاص اخلاق و مخربین و خانواده دستگیر شدگان و خانواده کسانیکه در نظامها کشته شده اند تقسیم نماید x

از رسیدن
 دفتر محترم
 ۹/۴
 استعلامات فوری
 جهت استحضار
 طبقه بندی حفاظتی
 ۱۳۲۲
 ۹ ۶

تثبت خبر:
 طبقه بندی حفاظتی:
 نسخه:
 از:
 به رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
 شماره: ۹۱۰/۵۰۷/۰۴/۲۲۲/۱
 تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۵
 ریاست امن شهرپایانی خرم آباد
 پیوست:
 تاریخ وقوع:
 موضوع: عطف/پیرو:

غیر نظامی مهدی قاضی نور باتفاق چندین نفر از همدستانش مواد رتبه بخش اعلامیه های مضره می نمایند ضمناً نامبرده تعدادی اسلحه و مهمات غیر مجاز جمع آوری و در زیرزمین منزلش واقع در خیابان فردوسی جنب تپه های گوشت گوی و نان خشک بیزی که یک درب در خیابان فردوسی و درب دیگری در خیابان پهلوی دارد و پله می خورد تا به سطح حیاط برسد و در حیاط پله ها و خانه و قالی بانی نیز وجود دارد پنهان نموده که بموقع بر طبقه دولت از آنها استفاده نمایند

ارزیابی - قابل بررسی است
 ۱۳۲۲
 ۱۶

شماره ۵۱ - ۲۴ - ۵۷
تاریخ ۸/۱۲/۱۳۵۷
پیوست

وزارت کشور
شهربانی کشور شاهنشاهی
شهربانی استان لرستان

اطلاعیه

خبر واصله بشرح زیر حاکیست:

- ۱- شب جمعه (۱۳۵۷/۸/۱۲) عده ای در حدود پانصد نفر از طبقات مختلف خرم آباد شام را در منزل شیخ مهدی قاضی واقع در قاضی آباد مهمان بوده اند.
- نامبرده برای مهمانان اظهار داشته که ۶۶ قصد خروج از کشور را داشته لیکن نگذاشته ایم و گفته ایم بایستی تاوان پس بدهد و از وی تحقیقات بعمل آید.
- ۲- شایع نموده که تیغسار ارتشبد اویسی کشته شده و جنازه او را به قم حمل لیکن اهالی قم از خاک کردن جنازه خودداری و جنازه را مجدداً به تهران فرستاده اند.
- ۳- اظهار داشته که عشا پیر را مسلح می‌کنیم شما اضافه نموده که هر کس هر مشکلی داشته باشد نزد من بیاید مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام اعلام میگردد.

رئیس شهربانی استان لرستان سرهنگ فضل احمدی

وندگان:

- مقام محترم استانداری استان لرستان جهت استحضار
- فرماندهی ناحیه واندامورن لرستان
- فرماندهی تیپ ۸۲ خرم آباد
- ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

دستیار رئیس بخش و پیکرهای
تأسیسات بنابر دستورالعمل

۸/۱۵

۱۳۲۴



سخت‌گیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
فصلی معرمانه

۱-۱

در باره

فعالیت‌های افراطی مذهبی سوء و قصد امنیتی که نامبرده و دیگر همفکرانش بوجود آورده و در خرم آباد و جلوگیری از هرگونه فعالیت‌های حاد و افشاش و راپند و در لرستان شخص مزبور باشد مجازات معذبه بدیده گردد. خواهشمند است دستور فرمایند نوارهای عملیات ۵۸۵ را پس از بهره‌برداری عودت دهند.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان. لیاقتی

گیرنده تلگراف (۳۱۲) پیرو شماره ۶۱۵/۴۱۷۱ جهت استحضار. ۵۷/۵/۲۵

کتابنامه

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه، فیض الاسلام
۳. آمدی، غرر و درر الکلم، با شرح و ترجمه فارسی، سید هاشم رسولی محلاتی، ج اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۴. ابن سینا، الشفاء الطبیعیات، الفن السادس، کتاب النفس، منشورات مکتبة الاسلامیة المرعشی النجفی، قم المقدسه، ۱۴۰۴.
۵. بلاذری، انساب الاشراف، حققه و علق علیه الشیخ محمد باقر المحمودی، منشورات موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۴م.
۶. بیهقی، ابوالفضل، تاریخ بیهقی، تصحیح: دکتر علی اکبر فیاض، انتشارات دانشگاه فردوسی، چاپ دوم: ۱۳۵۶.
۷. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۲، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۷.
۸. صدوق، کتاب الخصال، صححه و علق علیه، علی اکبر الغفاری، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیه، قم المقدسه، ۱۳۶۲ش.
۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ج ۶، دارالکتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ش.
۱۰. علامه مجلسی، بحارالانوار، الجامعة لدُرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۸، ۲۵، ۴۳، موسسه الوفاء، بیروت، لبنان، ۱۹۸۳م.
۱۱. عیدی، حمید، یادگار عمر، خاطراتی از خرم آباد قدیم، انتشارات افلاک، چاپ اول ۱۳۸۷ش.
۱۲. فیض کاشانی، المحجّة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، صححه و علق علیه، علی اکبر الغفاری، ج ۷ و ۸، موسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسه.
۱۳. مطهری، مرتضی، امامت و رهبری، چاپ دوم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴.
۱۴. ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، الطبعة الثالثة، ۱۹۸۱.
۱۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۵

آیت الله قاضی (ره) سیمای اعتدال و میانه روی

حجت الاسلام و المسلمین دکتر عزیزاله فیهیمی *

چکیده

در آیه کریمه «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا...»^(۱) کلمه وسط را مفسرین به معنی میانه و معتدل تفسیر نموده اند، یعنی: امت اسلامی همواره در طی طریق خود اعتدال را باید رعایت نماید و از ضلّ آن، یعنی افراط و تفریط برحذر باشد. این اعتدال، شامل تمامی فعالیت های عبادی، اقتصادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی می شود. البته رعایت این اعتدال و حرکت خالصانه و به دور از حب و بغض های معمول و رایج بین انسانها کاری مشکل است و بعد از معصومین (ع) آن را باید در زندگی افراد نادری که به مجاهدت نفس و علم و تجربه، میانه روی را در زندگی پیشه خود ساخته اند جستجو کرد.

مرحوم آیتا.. قاضی خرم آبادی، بنیان گذار و رئیس دانشگاه قم را باید به حق از این نوادر شمرد که در طی بیش از هشتاد سال عمر با برکت خود سمبل این اعتدال بوده اند.

مقاله حاضر در پی آن است که ضمن ارائه بحث مختصری از اعتدال، زوایایی از زندگی آن روحانی پرتلاش را با توجه به شناختی که نسبت به ایشان داشته ام، براساس محورهای شمرده شده، از اعتدال ورق بزنم.

واژگان کلیدی: آیت الله قاضی خرم آبادی، اعتدال، دانشگاه قم

مقدمه:

بدون تردید از نیازهای مبرم جامعه امروز، عموماً و جوامع علمی و دانشگاهی خصوصاً عنصر میانه روی و اعتدال است که فقدان آن آسیب های فراوانی به پیکره اجتماع و روابط مؤمنین وارد می نماید. اگر قرآن کریم رسول گرامی اسلام (ص) را به عنوان الگوی نیکو برای مسلمانان معرفی می نماید: «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^(۱) بیانگر آن است که:

– اولاً انسانها در زندگی خود نیاز به الگو و سرمشق دارند.

– ثانیاً هر کسی نمی تواند الگوی زندگی انسانها باشد و الگو باید شرایطی داشته باشد و رسول خدا (ص) از آن روی که متصل به وحی است و دارای صفاتی چون صفات ممتاز و برجسته ای است که به عنوان الگو برای مؤمنین مطرح می شود.

* استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه قم، آدرس الکترونیکی - fahimi@qom.ac.ir

۱. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۴۳.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱.

قرآن کریم در همین مورد می‌فرماید:

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ»^(۱)

مردمی بودن، حرص هدایت مردم، رنج برون از غم مردم و رأفت و رحمت نسبت به مؤمنین از جمله صفاتی است که رسول خدا(ص) را برای الگو شدن، آماده و مهیا نموده است.

از حیطة معصوم که بگذریم، در جستجوی الگو و سرمشق در زندگی باید سراغ کسانی رفت که با بهره‌گیری از زلال وحی و کلام معصومین(ع) در طول عمر با برکت خود، توانسته‌اند، آینه صفات پسندیده باشند که بعضاً برخی از این صفات را در حدّ عالی می‌توان در آنان مشاهده نمود و تجلی این صفات را در سیمای آنان به عیان دید، که از آن میان صفت اعتدال است.

مرحوم آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی؛ بنیان‌گذار و رئیس فقید دانشگاه قم صفات پسندیده فراوانی داشت که می‌توان نوع دوستی، خیرخواهی، خستگی‌ناپذیری، صبر، اجتناب از غیبت، اخلاص و تواضع و احتیاط در جمیع امور، پیروی از ولایت، مبارزه با دستگاه ستم‌شاهی، شهادت و ظلم ستیزی و به فرمایش مقام معظم رهبری دانایی و توانایی را از جمله آنها ذکر کرد. اما آنچه مورد جستجوی این نوشتار است، صفت اعتدال در آن پیر فرزانه است که ذیلاً در قسمت نخست به بحث از اعتدال در منابع دینی و در قسمت دوم مقاله ضمن بحث از انواع اعتدال زوایایی از زندگی آن مرد بزرگ را یادآوری خواهیم کرد.

قسمت نخست: اعتدال و جایگاه آن در منابع دینی

۱. معنی لغوی و اصطلاحی اعتدال

معنی لغوی: اعتدال در لغت «توسط بین حالین فی کم او کیف او تناسب»^(۱) آمده است. یعنی، کسی که از نظر کمی یا کیفی راه وسط را برگزیند یا تناسب را رعایت نماید، تعریف شده است.

معنی اصطلاحی: از نظر اصطلاحی نیز به کسی معتدل می‌گویند که از افراط و تفریط چه از نظر کیفی و یا کمی پرهیزد. گاهی معانی الفاظ باتوجه به ضد آنها روشن می‌شود. ضد اعتدال، فساد است. راغب می‌گوید: «الفساد خروج الشئ عن الاعتدال قليلاً كان الخروج عنه او كثيراً»^(۲) فساد آن است که چیزی از جنبه اعتدال خارج شود، این خروج کم باشد یا زیاد.

۲. اهمیت اعتدال

۱-۲. در قرآن کریم:

قرآن کریم، انسان‌ها را به اعتدال و میانه‌روی فرا می‌خواند که ذیلاً برخی از آیات را بررسی می‌نماییم:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا»^(۳)؛ و همان گونه شما را امت وسط قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر نیز بر شما گواه است.

۱. المعجم المفهرس، ماده عدل.

۲. مفردات راغب، ماده فسد.

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۴۳.

۱. سوره توبه، آیه ۱۲۸.

همان گونه که در مقدمه نیز اشاره شد، وجود رسول خدا(ص) اسوه و گواه برای پیروان آن حضرت است که این آیه نیز بر آن تأکید می‌کند، و این گواه بودن به خاطر ارتزاق از منبع وحی است، چنان که در قسمت روایات و حکایات به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

علامه طباطبایی(ره) در تفسیر المیزان، در یک تقریب، امت اسلامی را امت وسط معرفی نموده، چون نه مثل مشرکین صرفاً به دنبال بُعد مادی انسان و نه مثل برخی اهل کتاب (نصاری) دنبال بُعد روحانی انسان هستند و امت اسلامی توجه به ابعاد مادی و معنوی را مد نظر خود قرار می‌دهد و در این میان، رسول خدا(ص) الگو برای امت اسلامی است و امت اسلامی، الگو برای سایر امت‌ها می‌باشد.^(۱)

- برخی از آیات قرآن نیز در راستای دعوت به اعتدال از زیاده‌روی و تجاوز منع می‌نماید:

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعاً وَخُفْيَةً اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»^(۲) پروردگار خود را از روی تضرع و در پنهانی بخوانید (از تجاوز دست بردارید) که خداوند متجاوزان را دوست ندارد.

دلالتی که در این آیه کریمه هست، مربوط به اعتدال در عبادت است که عبادت را بدور از هیاهو معرفی می‌نماید و عبادت واقعی را عبادتی متعادل می‌داند که قسمتی از زندگی را دربر گیرد و نیز با حال و شوق و در خفا صورت گیرد، همان‌طور که در آیه ذیل نیز به تعادل صدا در نماز اشاره دارد و می‌فرماید:

«... وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا»^(۳)؛ و نماز را زیاد بلند یا خیلی آهسته نخوان و در میان آن دو، راه میانه را برگزین.

توجه به آیه فوق، از بسیاری افراط‌ها و تفریط‌های معمول در جوامع مذهبی پیش‌گیری می‌کند.

- از رایج‌ترین موارد اعتدال، اعتدال در مصرف است، قرآن کریم در این مورد نیز پیروان خود را به میانه‌روی دعوت می‌نماید:

«وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»^(۱) و کسانی که هرگاه اتفاق می‌نمایند نه اسراف می‌کنند و نه سخت‌گیری، بلکه میان این دو حد اعتدال دارند.

- درخصوص رفتار بینایی نیز قرآن کریم دعوت به ملایمت و ملاطفت بین مؤمنین می‌نماید:

«مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»^(۲)؛ محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.

آیه فوق بیانگر یکی از نیازهای اساسی جامعه امروزی ماست که مؤمنین باید با هم مهربان و خیرخواه همدیگر باشند، حتی امر به معروف و نهی از منکر آنان نیز از روی خیرخواهی و کمال طلبی برای همدیگر باشد و در عوض شدت و حدّت خود را درمقابل کفار و منافقین به کار گیرند. وقتی مشترکات فراوان اعتقادی و سیاسی در بین آنان بیش از نقاط اختلاف سلیقه‌های زود گذر است، باید حول محور ولایت اهل بیت و ولایت فقیه گرد آمده و همدیگر را تحمل کنند.

۲-۲. در روایات

روایات فراوانی توصیه به اعتدال و اهمیت آن دارند که ذیلاً برخی از آن روایات را بررسی می‌کنیم:

۱. سوره مبارکه فرقان، آیه ۶۷.

۲. سوره مبارکه فتح، آیه ۲۹.

۱. المیزان، ج ۱، ص ۲۲.

۲. سوره فتح، آیه ۲۹.

۳. سوره اسراء، آیه ۱۱۰.

- امام باقر(ع)، میانه روی و اعتدال اقتصادی را از علائم انسان کامل می داند:

«الکمال کل الکمال التفقه فی الدین و الصبر علی النائیبه و تقدیر المعیشه»^(۱) تمام کمال در سه چیز خلاصه می گردد، شناخت عمیق دین و شکیبایی در پیشامدها و اندازه نگاه داشتن در زندگی.

همان طور که مشاهده می شود، از علائم انسان کامل، سه عنصر اساسی:

شناختن تکالیف دینی، صبر بر مصائب، و میانه روی در اقتصاد. یعنی اگر اعتدال اقتصادی در زندگی نباشد، هر قدر که درآمد مالی انسان زیاده تر شود، خلأها و مشکلات اقتصادی و نیازهای او نیز بیشتر شده و او را به ورطه های هلاک بیشتر نزدیک می نماید.

- در همین زمینه، امام حسن عسگری(ص) می فرماید:

«و للاقتصاد مقدار فان زاد علیه فهو بخل»^(۲) میانه روی نیز حدی دارد که اگر از آن

حد بگذرد، سر از بخل در می آورد.

باز در اهمیت میانه روی، امام صادق(ص) می فرماید:

«ضمنت لمن اقتصد لا یفتقر»^(۳) من ضمانت می نمایم که هر کسی میانه روی پیشه نماید فقیر نگردد.

- در مورد میانه روی در امور مالی خانواده، امام رضا(ص) می فرماید:

«ولیکن نفقتک علی نفسک و عیالک قصداً»^(۴)؛ نسبت به مصارف مالی خود و

خانواده ات میانه رو باش.

یا در همین مورد، امام علی(ع) فرموده اند:

۱. تحف العقول، ص ۲۱۳.

۲. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۲۱۸.

۳. الخصال، ص ۹.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۳۷.

«ما عال من اقتصد»^(۱) هر کس میانه روی پیشه سازد، فقیر نگردد.

- در خصوص اعتدال سیاسی نیز علی(ص) می فرماید:

«الیمین و الشمال مضلة و الطريق الوسطی هی الجادة»^(۲) راست روی و چپ روی گمراه کننده است و جاده راه مستقیم است.

البته ممکن است که از این روایت برداشت های متعددی گردد، برای مثال منظور از چپ روی و راست روی، انکار اصل اسلام یا غلو در آن باشد، ولی در مسائل سیاسی نیز این روایت قابل استفاده می باشد که تندروی ها و کندروی ها نیز رهروان را به گمراهی می کشد؛ ولی متابعت از رهبری اسلامی و سیستم اعتدال راه نجات و هدایت است.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰.

۲. الکافی، ج ۸، ص ۶۷.

قسمت دوم: انواع اعتدال و مظاهر آن در زندگی حضرت آیت الله قاضی (ره)

پس از ذکر مطالبی در اهمیت و انواع اعتدال، در این قسمت از مقاله، ضمن بحث از برخی از انواع اعتدال، گوشه‌هایی از مظاهر اعتدال را در زندگی ریاست فقید دانشگاه قم، جستجو می‌کنیم:

۱. اعتدال در سخن

حکیم غزالی، سخن را به چهار دسته تقسیم می‌نماید و می‌گوید:

- برخی از سخنان فقط ضرر دارند.

- برخی از سخنان هم ضرر دارند و هم منفعت.

- برخی از سخنان نه ضرر دارند و نه منفعت.

برخی از سخنان نیز فقط منفعت دارند.^(۱)

بعد می‌گوید: از میان سخنانی که بر زبان رانده می‌شود، $\frac{۳}{۴}$ این سخنان شایسته ترک

و فقط $\frac{۱}{۴}$ این سخنان لایق به زبان راندن هستند. از خصوصیات بارز مرحوم آیت الله قاضی، کم حرفی ایشان بود و در عوض عمل و کارشان بیش از سخن‌شان بود، آن هم کارهای بزرگی که از این مرد بزرگ به جای مانده است، مثل بنای دانشگاه قم یا احداث محله‌های مسکونی در خرم‌آباد یا تأسیس کارخانه برق در این شهرستان و اداره حوزه علمیه قم به عنوان معاون اجرایی در شورای مدیریت حوزه علمیه مقدسه قم، که نمونه‌ای از کارهای بزرگ ایشان است.

در سخنان اندکی که از ایشان شنیده می‌شد، به جرأت می‌توان گفت که حتی در مراحل سخت و مخاصمه نیز از کسی غیبت و بدگویی نمی‌کرد و خیرخواه همه بود. بسیاری از افراد پای در سنّ نهادن، از کارهای سخت و پر خطر اجتناب می‌نمایند، ولی مرحوم آیت الله قاضی، از جمله کسانی بود که روحیه پرنشاط و قوی، او را از کارهای بزرگ خسته نمی‌نمود و از مشکل نمی‌هراسید. گاهی به مزاح می‌فرمود: «در مغز من رگی هست که مرتب مرا به انجام کارهای سخت و بزرگ فرا می‌خواند» به کوتاه سخن، ایشان مصداق همت مضاعف و کار مضاعف بود.

۲. اعتدال در امور بیت‌المال

امیرالمؤمنین (علیه السلام) به کارگزاران خود دستور می‌دهد که حتی در مصرف کاغذ و قلم برای نوشتار خود مراعات بیت‌المال را بنمایند.

رئیس فقید دانشگاه قم در این زمینه بسیار محتاط بودند و از صفات مشهور ایشان، همین دقت فراوان در رعایت اموال عمومی بود. آشنایی نگارنده با آن فقید سعید، به قبل از تأسیس دانشگاه قم بر می‌گردد و در این ربع قرن که نیمی از آن به‌عنوان عضو هیأت علمی در دانشگاه قم در پست‌هایی چون معاونت آموزشی و اداری و مالی و مسئول دفتر حقوقی دانشگاه در خدمت ایشان بوده‌ام، دقت بیش از حدّ آن عزیز را مشاهده کرده و در طی این مدت، هرگز شاهد مصرف یک استکان چای یا استفاده از وسیله نقلیه دانشگاه یا تلفن دانشگاه یا غذای دانشگاه توسط ایشان نبوده‌ام. فقط در نیمه‌ماه مبارک رمضان که با هزینه شخصی به دانشجویان و کارمندان افطاری می‌دادند، خود نیز مقداری از آن تناول می‌نمودند و در این اواخر به خاطر ملاحظت بیشتر با دانشجویان، در هفته یکبار، باتهیّه فیش غذا با هزینه شخصی مانند سایر دانشجویان، در رستوران برادران حاضر و نهار را با آنان صرف می‌کردند.

۱. امام محمد غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۶۶.

در پرونده ایشان در دانشگاه قم، هیچ سابقه‌ای از دریافت ریالی به عنوان رئیس دانشگاه و سایر عناوین وجود ندارد و آن‌گونه که تحقیق کرده‌ام، در سالیانی که در شورای عالی قضایی و شورای مدیریت حوزه علمیه قم، نیز که خدمات شایانی داشتند، ریالی به عنوان حقوق یا غیره دریافت نکرده‌اند.

از جمله این دقت‌ها، دقت در تقسیم پست‌ها و مشاغل بود که با زحمات خود ایشان ایجاد می‌شد، ولی هیچ یک از آنها را به بستگان و فرزندان خود واگذار نمی‌نمود.

۳. اعتدال سیاسی

در دنیای افراط و تفریط‌ها، برخی از متنفذین، گاهی با پرداختن به امور سیاسی از مسائل اعتقادی و اخلاق دور می‌شوند و گاهی نیز با پرداختن به مسائل اخلاقی از سیاست دور می‌شوند؛ این شخصیت کم‌نظیر، جزء نوادری بودند که ورود در فعالیت‌های سیاسی، ایشان را از وادی احتیاط و اخلاق دور ننموده بود؛ آن‌گونه که از نزدیکان و بعضاً از خود ایشان شنیدم، سابقه فعالیت سیاسی آن بزرگ مرد به سال ۱۳۲۴ شمسی برمی‌گردد، به‌طوری که مدیریت نشریه‌ای را به نام ندای لرستان در سال ۱۳۳۲ برعهده داشته‌اند و یکی از درگیری‌های تن به تن ایشان با مأمورین ساواک در دفتر همین نشریه، اتفاق افتاده بود. پیروی محض از رهبر نهضت اسلامی حضرت امام خمینی (ره)، گرچه همراه با زحمات‌های فراوانی و از جمله گرفتاری در زندان گردید، ولی ذره‌ای از متابعت و فعالیت‌های انقلابی ایشان نمی‌کاست. این ثبات قدم رهین بصیرت نافذ ایشان بود که در طی بیش از ۶۵ سال فعالیت و مبارزه از ایشان کاستی و کوتاهی دیده نمی‌شد و پیام‌های

متعدد و نامه‌های سراسر لطف امام راحل از نجف اشرف، خطاب به ایشان مبین این استقامت رأی است.^(۱)

امام صادق (ع) در لزوم بصیرت در زندگی می‌فرماید:

«العامل علی غیر بصیرة کالسائر علی غیر طریق لا یزیده سرعة السیر الا بُعداً...»^(۲)

کسی که بدون بصیرت عملی انجام می‌دهد، مانند کسی است که بیراهه می‌رود و سرعت حرکت جز بر دوری او از طریق مستقیم نمی‌افزاید.

این شخصیت دانا از جمله کسانی بودند که قبل و بعد از انقلاب با تیزبینی خاص خود، گرفتار تلاطم نگردیدند و این مطلب به واسطه روحیه عبادی بود که امدادهای الهی را نیز شامل ایشان نموده بود.

رسول گرامی اسلام (ص) در مورد بصیرت فرموده‌اند:

«إذا اراد الله بعبد خيراً فتح له قفل قلبه و جعل فيه اليقين و الصدق... و جعل أذنه سمیعة و عینه بصیرة»^(۳) زمانی که خداوند تعالی بخواهد خیری به کسی بدهد، قفل قلب او را باز می‌کند و (به جای تردید) در آن صدق و یقین قرار می‌دهد و گوش او را شنوا و چشم او را بینا قرار می‌دهد.

ارزش بصیرت در زندگی آن چنان است که حضرت امام علی (ص) در آن مورد می‌فرماید:

۱. نگارنده بیش از ده نامه پر مهر امام خمینی (ره) خطاب به مرحوم آیت‌الله قاضی را که در دوران تبعید امام راحل به نجف اشرف نگاشته شده است و جزء اسناد انقلاب اسلامی است، ملاحظه نموده است.

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۱۱.

۳. کنزالعمال،

«فان نور البصیره روح الحیوة الذی لا ینفع ایمان الا به...»^(۱) نور بصیرت روح زندگی است که بدون آن ایمان انسان مفید اثر نیست.

فقدان بصیرت در زندگی اجتماعی، آن هم در سطوح بالای مدیریتی، آفاتی به دنبال دارد؛ از جمله این که:

حضرت امام علی (علیه السلام) نتیجه بی بصیرتی را غوطه ور شدن در تردید می داند و می فرماید:

«من عمی عما بین یدیه غرس الشک بین جنیبه»^(۲) کسی که از دیدن آن چه پیش روی او است غافل بماند، شک را در سینه جای داده است.

رضای خداوند بزرگ و تحصیل محبت امام عصر (عج) در اموری که انجام می دهیم، در صدر اهداف زندگی ما قرار دارد؛ ولی شرط آن طی مسیر با بصیرت است. حضرت امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید:

«اشدّ العمی من عمی عن فضلنا... الا انا دعونا الی الحق و دعاة من سوانا الی الفتنه و الدنیا»^(۳) بالاترین کوری، نادیدن فضائل ما اهل بیت است... آگاه باشید که دعوت ما اهل بیت به سوی حق است ولی مخالفین ما شما را به سوی فتنه و دنیا دعوت می کنند. مرحوم حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، در بُعد سیاسی معتدل بود، که نتیجه این اعتدال این بود که:

- در همراهی رهبر انقلاب از آغاز نهضت ثابت قدم بود.

- در آزمایش های بعد از وقوع انقلاب، برخلاف کسانی که انتقاد و بهانه جویی را شیوه خود کردند، ایشان بدون هیاهو، با اخلاص کم نظیر سعی نمود به کارهای زمین مانده

پردازد که یکی از آنها، احداث دانشگاهی بود که بتواند آرمان های انقلاب اسلامی را بهتر برآورده سازد.

- از مظاهر اعتدال و پختگی ایشان آن بود که با لحاظ معیار تدبیر در نیروهایی که با ایشان همکاری می کردند، توجه زیادی به سلیقه های سیاسی نمی کرد. زیرا معتقد بود که اگر افراد متدین باشند و خط قرمزهای نظام را رعایت نمایند، در نهایت، خیر آنها به نظام می رسد و باید از تخصص های ایشان بهره جست و سلیقه های چپ و راست، معیار همکاری ایشان نبود؛ ولی همان طور که گفتیم، پای بندی اعتقادی افراد به اصول مرقی اسلام و متابعت آنان از رهبری نظام همواره در سرلوحه توجه ایشان قرار داشت؛ اگرچه این فرانگری را برخی بر نمی تافتند. ثبات قدم ایشان در زندان و زیر شکنجه های دستگاه طاغوت و کوتاه نیامدن در مطالبه ارزش های اسلامی و پای بندی عمیق به آرمان های نهضت روحانیت، نمونه ای از این پای مردی ها بود.

۴. اعتدال در هنگام بروز فتنه

فتنه در لغت، به معنی آزمایش، محنت، گناه، عذاب، مال و فرزند و ناسپاسی معنی شده است.^(۱)

اصل ریشه آن نیز از عمل زرگران گرفته شده که با ایجاد حرارت، طلای خالص را از ناخالصی جدا می کنند، لذا یکی از معانی فتنه، گداختن در آتش^(۲) ذکر شده است.

قرآن کریم نیز شرط قبول ایمان مؤمنین را سربلند بیرون آمدن از فتنه ذکر نموده است:

۱. کشف الحجه، ص ۲۷/

۲. غررالحکم، شماره ۸۸۵۵.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۱۱.

۱. فرهنگ جامع نوین.

۲. همان.

«أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^(۱) آیا مردم می‌پندارند که به حال خود رها می‌شوند وقتی بگویند ایمان آوردیم و آنان آزمایش نمی‌شوند؟

گاهی فتنه اشد از قتل^(۲) و گاهی اکبر از قتل^(۳) معرفی شده است.

حضرت امام علی (علیه السلام) که حکومت پنج ساله او سراسر فتنه و آزمایش برای مؤمنین بود، در خطبه ۱۵۱ نهج البلاغه فتنه و فتنه‌گر و آثار فتنه را چنین معرفی می‌نماید:

- فتنه با چهره مخفی بروز می‌نماید،
 - آثار آن مثل اثر برسنگ باقی می‌ماند،
 - ظالمین فتنه را دست به دست به هم به ارث می‌سپارند،
 - فتنه‌گرهای جدید به قدیمی‌ها اقتدا می‌کنند،
 - فتنه‌گران نسبت به هم کینه دارند و با نفرین از هم جدا می‌شوند،
 - برای به دست آوردن دنیا بر هم هجوم می‌برند و پایان فتنه زشتی فراوان است.
- در مورد آثار آن نیز می‌فرماید:
- «و تَضَلَّ رجال بعد سلامة، و تختلف الاهواء عند هجومها»؛ هنگام روی آوردن فتنه، افکار متشت می‌گردند.

«و تلتبس الآراء عند نجومها»^(۴) و عقاید، هنگام بروز فتنه دچار تردید می‌شوند.

هر زمانی با فتنه خاص خود همراه است. اگر مرحوم آیت الله قاضی در قبل از انقلاب با فتنه‌هایی چون هجوم بی‌دینی و تهدیدات ساواک و زندان و شکنجه و شایعات مخرب فراوان روبرو بودند، بعد از انقلاب اسلامی نیز با فتنه‌های دیگری روبرو بودند، مهمترین

این فتنه‌ها که مربوط به شخص ایشان و دانشگاه قم که حاصل حدود سی سال از زحمات شبانه روزی ایشان محسوب می‌شود، فتنه‌های سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۸ است که فتنه سال ۱۳۷۷ مختص دانشگاه قم بود و فتنه سال ۱۳۸۸ مربوط به کل کشور بود که دانشگاه قم نیز بی‌نصیب از آن نبود.

فتنه سال ۱۳۷۷ در دانشگاه قم:

دانشگاه قم مدیون همت والای مرحوم آیت الله قاضی است. ذیلاً توضیحی در این مورد می‌دهیم:

به دنبال احساس نیاز برای تربیت قاضی و معلم متعهد برای دادگستری و مدارس، به اهتمام شهیدان بهشتی و با هنر تأسیس پیشنهاد شد و با زحمات بیش از بیست و پنج ساله این روحانی مدیر و مدبر به ثمر نشست و شکل‌گیری این دانشگاه، مدیون زحمات جامعه محترم مدرسین و دولت جمهوری اسلامی است که مدیر آن با پیشنهاد جامعه محترم مدرسین و حکم وزیر علوم تحقیقات و فناوری تعیین می‌گردد و ایشان اولین مدیر این دانشگاه بودند.

این دانشگاه تا روی کار آمدن دولت اصلاحات نه تنها در استان قم، بلکه در کل کشور جایگاه خود را باز یافته بود و همین مطلب موجب طمع و حرص کسانی بود که پس از روی کار آمدن دولت اصلاحات، دنبال جایگاه و پایگاهی برای مرکز گفتگوی تمدن‌ها و علم نمودن یک مرکز وسیع ۱۴۰ هکتاری با ساختمان‌های مجلل، در مقابل حوزه علمیه مقدسه قم بودند. بر همین اساس پس از طرح نقشه از پیش تعیین شده، برای تصاحب دانشگاه قم، تز فشار از پائین و چانه زنی از بالا در این مرکز علمی شروع شد تا با تعویض ریاست دانشگاه، راه برای رسیدن به مقاصد دولت اصلاحات فراهم گردد.

به نظر نگارنده، دانشگاه قم در آن سال و نیز در همه سال‌ها، مثل هر مرکز علمی

۱. سوره مبارکه عنکبوت، آیه ۲.

۲. سوره مبارکه بقره، آیه ۱۹۱.

۳. سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۷.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱.

دیگر، خالی از نقص و اشتباه یا کمبود نبوده و نیست، در راستای همین کمبودها دو هفته قبل از ایجاد بلوا و آشوب، معاون دانشجویی و فرهنگی آن زمان، طی نامه‌ای به ریاست فقید دانشگاه، وجود زمینه‌هایی را برای ایجاد بلوا و آشوب در دانشگاه تذکر داده بودند و نیروهای امنیتی هم در دیداری با مرحوم آیت‌الله قاضی؛ یادآوری نمودند که افرادی به دنبال اغتشاش و فعالیت‌های تخریبی در دانشگاه هستند. نیروهای برانداز با تمسک به این کمبودها و با بهانه نرسیدن ماست برای شام دانشجویان، با شعار «ماست بهانه ماست» کارهای تخریبی زیادی انجام دادند که با هیچ منطقی سازگار نبود. فلش تند این حرکت‌های تخریبی نیز متوجه رئیس دانشگاه بود که در آن زمان پس از فوت همسرشان در بستر بیماری بودند و سپس متوجه بعضی از معاونین و کارگزاران دانشگاه، فتنه‌ای که شش ماه تمام اختلالات فراوانی در امور اداری و آموزشی دانشگاه قم به وجود آورد و نهایتاً با درایت رئیس دانشگاه و برخی مسئولین دلسوز در داخل و بیرون از دانشگاه، با کمترین خسارت پایان یافت، اما درس‌ها و نکات قابل توجهی در طی این فتنه وجود داشت که بسیاری از آنها ناگفته مانده و هرگز فرصتی برای تحلیل این واقعه یا تدوین وقایع و عملکردها پیش نیامد. اجمالاً برخی از این نکات را یادآوری و یک خاطره به یادماندنی از این وقایع نیز ذکر می‌کنم.

اما نکات قابل توجه در این فتنه:

- انقلاب شکوهمند اسلامی در حرکت پرشتاب خود گرچه دوستان فراوانی در داخل و خارج دارد، ولی دشمنان در کمین نشسته فراوانی نیز دارد که از هر منفذی برای آسیب زدن به پیکره این شجره طیبه استفاده می‌کنند که خون‌ها و شکنجه‌ها و زحمات فراوانی برای غرس آن صرف شده است.

به فرمایش مرحوم شهید بهشتی، انقلاب اسلامی ایران، همچون قطاری است که در هر ایستگاه آن، عده‌ای پیاده و عده دیگری سوار می‌شوند، درخصوص این فتنه، افرادی

مداخله داشتند که صرف نظر از اختلاف سلیقه سیاسی، به نقطه‌ای رسیده بودند که نسخه انقلاب اسلامی را برای درمان دردهای کشور اسلامی ایران کافی نمی‌دیدند و نسخه درمان را در طرح‌های دیکته شده امثال جامعه مدنی، جستجو می‌کردند و در واقع، عقل گرایی و فهم‌های عرفی را مقدم بر نسخه‌های برگرفته از زلال وحی و پرچمدار آن، امام خمینی (ره) می‌دانستند. حال آن که به نقل از مرحوم شهید آوینی وقوع انقلاب اسلامی شاهد زنده و گواهی محسوب می‌شود که زنگ مرگ لیبرال دموکراسی غرب را به صدا درآورده است.^(۱) و دیگر حنای آزادی طلبی غربی رنگی ندارد!! همین دیدگاه بریده از انقلابی اسلامی بود که بعدها در سال ۱۳۸۸ خود را به گونه بارز نشان داد و پاسخ کوبنده خود را نیز دریافت نمود. بنابراین وجود دست‌های ناپاک و افکار ناپاک در فتنه ۷۷ عامل اصلی بروز نارسایی‌ها و بدرفتاری‌ها بود، دست‌ها و افکاری که عمدتاً در پشت صحنه بودند، ولو برخی از اساتید یا دانشجویان سطحی نگر نیز ملعبه دست آنان کردند.

مقام معظم رهبری در سفر سال جاری خود به قم، در جمع طلاب حوزه مقدسه علمیه قم فرمودند:

«چون قم پایگاه انقلاب اسلامی بوده، دشمن به دنبال آن بود که آنتی‌تز انقلاب را در همین شهر «پایگاه تز» به وجود آورد».^۲

به زعم نگارنده و با توجه به اسناد فراوانی که بعد از آن ناآرامی‌ها ملاحظه شد، قسمتی از فرمایش مقام عظمای ولایت، ناظر بر این گونه فتنه‌ها است. علاوه بر آن، دانشگاه قم پس از انقلاب اسلامی، دنبال طرح حرف جدیدی بود که یکی از آن حرف‌ها،

۱. شهید سیدمرتضی آوینی، نشریه پرسمان، شماره ۸۵، بهمن ماه ۸۸.

۲. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با طلاب، فضلاً واساتید حوزه علمیه قم مورخ

تفکیک جنسیتی در آموزش بود که از جمله حرکات ارزشمند رئیس فقیه دانشگاه قم بوده ولو که آیندگان این زحمت و این نظر را کم ارزش بدانند.

- دانشجویان تحریک شده در این فتنه که به جرأت می‌توانم بگویم حتی آنان که دستگیر شدند به جز یکی دو نفر آنان، همه حق طلب و با نیت صادق و پاک بودند که بعدها حتی پس از فارغ التحصیل شدن، با مراجعه حضوری یا تلفن‌های مکرر، این فریب خوردگی و حرکات ناپخته را تقبیح و از رئیس دانشگاه و مسئولین وقت، طلب حلالیت می‌نمودند این خود، درسی برای جریان‌های دانشجویی بود که در مسیر ابراز احساسات و عواطف پاک و عدالت طلبی خود، ملعبه اغیار نگردند تا بعدها نتیجه آن جز پشیمانی و اندوه نباشد.

به فرمایش مقام معظم رهبری، دانشجوی باید فهم سیاسی داشته باشد و فهم سیاسی غیر از سیاسی کاری است. ایشان در جای دیگری از سخنان خود، این مضمون را می‌فرمایند که: خدا لعنت کند کسانی را که می‌خواهند دانشجوی دور از سیاست باشد.^۱ بنابراین فهم سیاسی، حضور به موقع در صحنه‌ها، حتی اعتراض به مرجع نسبت به نارسایی‌ها با سیاسی کاری و طعمه اغراض دیگران شدن فرق دارد.

- پیام دیگر فتنه ۷۷، آزمایش کسانی بود که سال‌ها گرد مرحوم آیت‌الله قاضی بودند که قریب به اتفاق آنان اعم از کارمندان محترم و معاونین و مدیران، آزمایش خوبی دادند و با صداقت در مقابل فتنه ایستادند و در جهت تثبیت دانشگاه با جان و دل تلاش نمودند، ولی برخی آزمایش خوبی ندادند و با اندک تهدیدی یا در صف گروه برانداز قرار گرفتند و یا صحنه را به نفع گروه مقابل ترک نمودند. اگرچه بعدها در صف مقدم مدعیان و طلبکاران از دانشگاه قم قرار گرفتند.

۱. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها مورخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۲

- پیروز صحنه این فتنه، مرحوم آیت الله قاضی و پیروان ولایت بودند که پس از ختم فتنه نیز با رأفت اسلامی، حتی یک دانشجوی از دانشگاه اخراج نگردید و آثار احکام تخلف را در پرونده هیچ دختر و پسر باقی نگذاشتند و خط فتنه که مشکلات اساسی با روحانیت و جامعه مدرسین داشت، ناکام ماند.

اما ذکر خاطره‌ای در مورد فتنه سال ۱۳۷۷:

پس از شلوغ شدن دانشگاه که منجر به تعطیلی کلاس‌های درس نیز شده بود، در محضر مرحوم آیت‌الله قاضی مطرح شد که برخی شعارهای تند نیز علیه شما شنیده شده است؛ ایشان با این که در بستر بیماری بودند و گویا در راستای خدمات خدا پسندانه‌ای که در طول عمر داشتند به این شعارها عادت داشتند، با کمال خونسردی پاسخ دادند: «مرگ و عزت دست خدای بزرگ است و با شعار، کسی نه می‌میرد و نه عزیز می‌شود».

فتنه ۸۸:

پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۸۸ که مقام معظم رهبری از آن به عنوان فتنه یاد نمودند، هم اماکن علمی و هم شخصیت‌های مطرح علمی و سیاسی تحت آزمایشی بزرگ قرار گرفتند و بسیاری از افراد مطرح از این آزمایش موفق بیرون نیامدند؛ به طوری که مقام معظم رهبری فرمودند، توده مردم در این فتنه راه را بهتر از نخبگان تشخیص دادند و بسیاری از نخبگان در این فتنه مردود شدند!!!!

مرحوم آیت‌الله قاضی با این که ماه‌های آخر عمر خود را می‌گذراندند، با درایت و آینده‌نگری که داشتند هم خود موضع حکیمانه‌ای اتخاذ نمودند و هم دانشگاه را از افتادن در ورطه‌های سیاسی نجات دادند.

اصولاً موضع ایشان در میزان مداخله مجموعه دانشگاه در امور سیاسی همان فرمایش

رهبر معظم انقلاب بود که فرموده‌اند: دانشجو باید سیاست را بفهمد، ولی از سیاسی کاری اجتناب نماید و سیاست زده نشود؛ لذا با این که بستر فهم سیاسی را برای دانشجویان فراهم نمودند، از موضع گیری‌های تند سیاسی نیز اجتناب داشتند و معتقد بودند که این نوع موضع گیری، موجب از هم پاشیدن دانشگاه می‌شود. رمز موفقیت ایشان نیز در متابعت خط ولایت بود که مؤید آن دستور بزرگوارانه رهبر معظم انقلاب بود که در پس از وفات ایشان دستور به دفن آن مرحوم در حرم حضرت معصومه(س) دادند و با پیام حکیمانه خود، او را روحانی دانا و توانا معرفی نمودند.

۵. اعتدال در مدیریت

خداوند بزرگ، همه نعمت‌های خود را به همه کس نداده است و در برخی افراد، ذوق و قریحه‌های خاصی را ودیعه نهاده است. مرحوم آیت‌الله شهید مطهری در یکی از کتاب‌های خود، جمله‌ای را ذکر نموده‌اند و فرموده‌اند. گاهی دو نفر انسان عاقل و بالغ و تنومند را در نظر می‌گیریم که هر دو با تور ماهی گیری کنار دریا می‌روند. یکی از آنها در یک ساعت یک ماهی می‌گیرد و دیگری در همان ساعت ده ماهی می‌گیرد و این به خاطر تفاوت استعدادهای درونی است که در یکی این قوه مدیریت ضعیف و در دیگری قوی‌تر است.^۱

به خاطر غنای بیشتر این مقاله، چند روایت در این مورد نقل می‌کنیم:

امام علی(ص) می‌فرمایند:

«سوء التدبیر سبب التدبیر»^(۲) بی تدبیری سبب عقب‌گرد است.

«من ساءَ تدبیره تُعجل تدمیره»^(۱) کسی که تدبیر در زندگی ندارد، سبب زوال خود را فراهم می‌نماید.

«یستدل علی ادبار باریع: سوء التدبیر و قبح التبذیر و قلّة الاعتبار و کثرة الاعتذار»^(۲) چهار چیز موجب زوال حکومت است: بی تدبیری (ضعف مدیریت)، بذل و بخشش‌های بی‌جا، پند نپذیرفتن از وقایع روزگار، بذل و بخشش‌های بی‌جا، عذرخواهی‌های مکرر به خاطر اشتباهات مکرر.

«من امارات الدولة یقظه لحراسة الامور»^(۳) از علائم حکمران صالح، هوشیاری کافی برای نظارت بر کارها است.

درجای دیگر فرموده‌اند:

«آفة الزعماء ضعف السياسة»^(۴) آفت سردمداران، وجود ضعف در مدیریت است. مدیریت سستی مرحوم آقای قاضی، خود مقوله‌ای گسترده است، که گفتنی‌های فراوان دارد که به عنوان نمونه، مطلب زیر را نقل می‌نماییم:

در سال ۱۳۶۵ هیأت امنای دانشگاه قم، طی نامه‌ای که به امضای حضرات آیات، مرحوم فاضل لنکرانی - محقق داماد - طاهری خرم‌آبادی و شرعی، رسیده است، ایشان را به عنوان کسی که حقاً از مدیریت و درایت خاصی برخوردارند، به عنوان رئیس دانشگاه قم به وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت معرفی می‌نمایند.

در روایتی از حضرت امام علی(ع) می‌خوانیم:

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ج ۵، ص ۳۲۱.

۴. همان، ص ۳۲۵.

۱. مرتضی مطهری، انسان کامل، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷

۲. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۲۵.

«ایما وال احتجب عن حوائج الناس احتجب الله عنه يوم القيامة...»^(۱) هر والی که بین خود و مردم دربان قرار دهد، خداوند تعالی روز قیامت بین خود و او پرده‌ای به عنوان مانع قرار می‌دهد.

مرحوم آیت‌الله قاضی در اوج کارها و مراجعات دانشگاهیان، رئیس دفتر و بایگان و دربان نداشت و هر کسی که کاری با ایشان داشت در ساعات مشخصی که معمولاً از ساعت ۹ یا ۱۰ صبح تا اذان ظهر ادامه داشت به محل کار ایشان مراجعه و مطلب خود را در میان می‌نهاد. این انسان الهی نیز امور را حل و فصل می‌نمود و با حافظه خاصی که داشت در بین انبوه نامه‌ها و مراسلات و قوانین در اطراف خود، هر کدام را که می‌خواست، به راحتی می‌یافت و استناد می‌نمود،

- دانشگاه، قم صدقه جاریه مرحوم آیت‌ا... قاضی است، او فقط سه روز در سال را به دانشگاه نمی‌آمدند. ۱- روز عاشورا ۲- روز بیست و یکم ماه مبارک رمضان، ۳- بیست و هشتم صفر در غیر این سه روز صبح و بعد از ظهر ایشان در دانشگاه حضور داشتند و به دقت کارهای مربوطه را انجام می‌دادند.

- از خصوصیات این روحانی پرتلاش این بود که همه روزه قبل از شروع ملاقات عمومی حدود دو - سه ساعت با حضور در محل کار- در اتاق را بسته و به دقت نامه‌های رسیده و آماده ارسال را مطالعه می‌نمود و فهم حقوقی ایشان از نامه‌ها بسیار عالی بود و برخی از نامه‌ها را چندین بار مطالعه و در مورد آنها تصمیم می‌گرفت، چون تجربه نشان داده است که در بین شلوغی و مراجعات، نمی‌توان مطلب یک نامه را خوب فهمید و یا جواب خوبی به آن داد و قطعاً از موارد موفقیت ایشان، همین صبر و حوصله و عدم عجله در تصمیم‌گیری بود.

- از دیگر ویژگی‌های مدیریتی ایشان، این بود که از مدیران زیر دست به صورت جدی حمایت می‌نمود و موارد بسیاری مشاهده می‌شد که با جوانمردی، مقابل هجمه اغیار، کوتاهی نیروی زیر دست خود را به گردن می‌گرفت و بدین طریق، از او حمایت می‌نمود و در طول مدیریت‌شان کسی سراغ ندارد که از مدیری خواسته باشد که استعفا بدهد یا کنار رود، نهایت عکس‌العمل ایشان این بود که امکانات کمتری به آن مدیر می‌داد و آن مدیر خود می‌فهمید که باید کنار رود.

- از جمله ویژگی‌های مدیریتی که داشت، این بود که تحت تأثیر تملق و تمجید و نیز بدگویی مراجعه‌کننده واقع نمی‌شد و با دقتی که در امور بیت‌المال داشت و با اهمیتی که به ارزش‌های دینی و اسلامی می‌داد، تصمیم‌گیری می‌نمود.

- تواضع و فروتنی از صفات بارزشان بود و مقابل هر تازه‌واردی تمام قد قیام می‌نمود.

- او به قول امروزی‌ها، سیاسی کار نبود و حتی چنانچه مخالف کاری بود، مخالفت می‌نمود و زیر بار نمی‌رفت.

- پشت سر کسی حرف نمی‌زد و عمیقاً از غیبت اجتناب می‌نمود و اگر نزد ایشان غیبت می‌شد با بی‌اعتنایی به گوینده، قبح آن را می‌فهماند و اگر می‌گفتند پشت سر شما غیبت شده، می‌گفت: ما که ثوابی نداریم، شاید غیبت آنان قدری از گناهان ما را کم کند. - صرف نظر از سابقه سیاسی، افراد را به همکاری می‌طلبید و سلیقه‌های مخالف را تحمل می‌کرد.

- به مدیران زیر دست همواره دو نکته را که حاصل تجارب سالیان او بود، یادآوری می‌نمود که شرط سلامت کار آنها باشد:

اول: در مسائل مالی دقیق باشند.

دوم: به افرادی که به نحوی خواهران جهت حل و فصل امور اداری به آنها مراجعه می‌کردند توصیه به رعایت احتیاط و حفظ حریم آنان می‌نمود و خودش در این جهت دقت زیادی داشت.

خاتمه

مطالبی که ما بیان نمودیم، نکاتی بود که مورد اعتقاد نگارنده است و حاصل بیش از سیزده سال همکاری نزدیک با مرحوم آیت‌الله قاضی؛ و بیش از بیست و پنج سال آشنایی با ایشان شمرده می‌شود و وجود این همه خصوصیات بارز مبین این نیست که هیچ گونه انتقادی خصوصاً در شیوه مدیریت ایشان وجود نداشته است، کما این که نگارنده در طی سال‌های همکاری همواره نکات نقد را بدون پیرایه با ایشان یادآوری می‌نمودم و نیز مبین این نیست که تمام افرادی که با ایشان همکاری داشتند، دارای خصوصیات معظم له بوده باشند، اما مرحوم آیت‌الله قاضی؛ دارای بسیاری از صفات پسندیده بود که برای کسب هریک، سالیان زیادی مجاهدت و ممارست نموده بود و این صفات و مجاهدات ستودنی است. از آن روی که ذکر آنها ترویج معروف است و مایه پند و عبرتی برای کسانی است که در مصادر امور هستند تا بدانند که نیکی‌ها می‌ماند و نفاق و دورویی و ظاهر سازی‌ها ماندگار نیست.

در پایان مقاله را با کلام امام امیرالمؤمنین(ع) که در ذکر برخی از اوصاف یکی از دوستان موحش که احتمالاً سلمان فارسی است به اتمام می‌رسانم. ایشان در ذکر خصوصیات آن دوست مخلص خود می‌فرماید:

«در گذشته من دوست خدا پیشه‌ای داشتم که این خصوصیات را داشت:

- در چشم من بزرگ بود، چون دنیا در نظر او کوچک بود.

- تحت حکومت شکم نبود.

- اکثر اوقات او در سکوت می‌گذشت.

- زمانی که سخن می‌گفت بهترین سخنان بر زبان او جاری می‌شد.

- مرد عمل بود تا مرد گفتار باشد و وقتی مشکلی پیش می‌آمد، چون شیر نمایان

می‌شد.

- تا مادامی که محملی می‌یافت تا کار غیر متعارف دیگری را توجیه نماید، دیگری را

ملامت نمی‌کرد.

- از بروز درد هرگز شکایت نمی‌کرد و از آن خبر نمی‌داد تا درد برطرف می‌شد.

- آنچه می‌گفت عمل می‌کرد و آنچه عمل نمی‌کرد نمی‌گفت.

- همواره برای شنیدن حریص تر بود تا گفتن.

- هرگاه در بین دو راهی در انجام عملی قرار می‌گرفت، نگاه می‌کرد که کدام عمل

بیشتر موافق هوای نفس او است و آن عملی که ملایم نفس بود آن را ترک می‌کرد.^(۱)

منابع و مأخذ

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، دکتر صبحی صالح، نشر دارالهجره، قم، بی تا.

۱. احمدسیاح و غیره، فرهنگ جامع نوین، تهران، ۱۳۹۸هـ.ق.
۲. امام محمدغزالی، کیمیای سعادت، نشر مؤسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.ق.
۳. ابو محمد بن حسن بن علی حرّانی معروف به ابن شعبه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴هـ.ق.
۴. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، استانبول، ۱۹۸۹م.
۵. سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱، نش مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
۶. شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹هـ.ق.
۷. راغب اصفهانی، مفردات راغب.
۸. عبدالواحد آدی تمیمی، غررالحکم و دررالحکم، نشر دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰.
۹. علاءالدین علی متقی بن حسام الدین هندی، بیروت، ۱۳۷۹هـ.ق.
۱۰. محمد رحمتی شهرضا، گنجینه معارف، چاپ سوم، نشر نوید اسلام، ۱۳۸۵.
۱۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، نشر دارالحدیث، ج ۱ و ۳.
۱۲. محمد باقر مجلسی، بهار الانوار، ج ۱ و ۱۰، چاپ بیروت، ۱۴۰۳هـ.ق.
۱۳. محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۸، نشر اسماعیلیان، [بی تا].
۱۴. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسایل.
۱۵. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، الخصال، نشر دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۴۱۳هـ.ق.
۱۶. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، نشر دارالحدیث، ۱۴۱۶ق.
۱۷. مطهری، مرتضی، انسان کامل، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.
۱۸. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، نشر مدرسه امیرالمؤمنین، ۱۳۷۲.
۱۹. نهاد رهبری در دانشگاهها، پرسمان، ش ۸۵، قم، ۱۳۸۵.

بیت المال از دیدگاه آیت‌الله قاضی (ره)

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر محمدابراهیم ایزدخواه *

مراد از بیت المال، اموال عمومی و حکومتی و هر آن چیزی که مردم به نحوی در آن حق دارند. بنابراین شامل وقت، فکر و هرآنچه برای آن به خدمت گرفته شده است می‌باشد و تنها مسائل مالی مراد نیست. در این مقال برآنیم که روش آیت‌الله قاضی (ره) را در مصرف بیت المال، به خصوص در دانشگاه قم بررسی کنیم.

مقدمه:

در زمان پیامبر اکرم (ص)، با آمدن غنایم از اطراف مدینه بیت المال تشکیل شد. پیامبر (ص) اموال بیت المال را عادلانه بین افراد تقسیم می‌کرد. در زمان خلیفه دوم که بیت المال گسترش یافت، در تقسیم آن بین افراد تفاوت روا داشتند و در زمان خلیفه سوم، عطایای بی حدود حصر به نزدیکان حکومت، از قبیل طلحه و زبیر و مروان بن حکم و داده شد. حضرت علی (ع) در حکومت خویش روش تقسیم را به روش پیامبر (ص) برگرداند و در مصرف بین المال سخت گیری نموده از حیف و میل آن جلوگیری کرد. این امر یکی از عوامل عمده نارضایتی ناکثین و قاسطین گردید.

قال الامام علی علیه السلام:

والله لو وجدته قد تزوج به النساء و ملک به الاماء لرددته. فان فی العدل سعة و من ضاق علیه العدل، فالجور علیه اضيق.^۱

امام علی علیه السلام فرمود: به خدا سوگند اگر بینم آنچه را عثمان بیهوده از بیت المال، به این و آن بخشیده، به مهر زنان یا بهای کنیزان شده باشد، آن را باز می‌گردانم زیرا عدالت، گشایش می‌آورد و آن کس که عدالت بر او گران آید، ظلم و ستم، بر او گران تر خواهد بود. (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵)

در طول تاریخ تشیع علماء سعی نمودند که در مصرف بیت المال از سیره پیامبر (ص) و ائمه - علیهم السلام - پیروی نموده و در مصرف سهم امام که در دست آنان بود بسیار احتیاط کنند. برخی مانند آیت‌الله بروجردی (ره) تا آخر عمر منزل شخصی نداشتند و برخی مانند آیت‌الله مرعشی نجفی (ره) به حج مشرف نشدند؛ زیرا خود را مستطیع نمی‌دانستند و برخی مانند امام (ره) تا آخر عمر و مقام معظم رهبری از وجوهات استفاده نمی‌نمودند با این که میلیاردها تومان پول بیت المال به دست آن‌ها می‌آمد و به مصرف حوزه‌ها و کارهای عام المنفعه می‌رسانند و خود را امانت دار مردم می‌دانستند.

آیت‌الله قاضی (ره) گرچه از مال شخصی و از ارث پدری امکانات مالی خوبی داشتند، ولی زاهدانه زندگی می‌کردند و سعی داشتند تا با اینکه تمام عمر پر برکت خویش را چه قبل از انقلاب در خرم‌آباد در حوزه علمیه آنجا و چه بعد از انقلاب در قوه قضائیه، حوزه علمیه قم و در نهایت در دانشگاه قم در راه خدمت رسانی به مردم، انقلاب و حوزه سپری نمودند اما نه تنها از بیت المال دیناری استفاده شخصی ننموده و به اطرافیان خود اجازه نمی‌دادند، بلکه از امکانات مالی خویش نیز در این راه مصرف می‌کردند بنده دو سال و نیم معاون دانشجویی دانشگاه و از نزدیک در خدمت ایشان بودم اینک به پاس آن خدمات بر خود لازم دیدم که صفحاتی را در این خصوص بنگارم.

ایشان دارای ویژگی‌های خاصی در رابطه با بیت المال بودند که برخی از آن‌ها را در

این مقاله بررسی می‌کنیم.

* استادیار گروه معارف اسلامی و معاون دانشجویی سابق دانشگاه قم

۱- اخلاص در عمل بدون چشم داشت مالی

قال الامام السجاد عليه السلام:

و اما حق المال: فان لا تاخذة الا من حله و لا تنفقه الا في حله. و لا تحرفه عن مواضعه و لا تصرفه عن حقائقه و لا تجعله اذا كان من الله الا اليه و سببا الى الله.

امام سجاد فرمود: باید اموال را جز از راه حلال نگیری و جز به راه حلال صرف نکنی و از موضع اش منحرف نکنی و از واقعیت ماهوی اش دور نسازی و چون مال از او است جز در مسیر او به کار نگیری و جز مایه حرکت بسوی او قرار ندهی.^۱

ایشان در مصاحبه‌ای که از وی سوالی شده بود شیرین ترین خاطره شما چیست؟

می گوید: شیرین ترین خاطره من تاسیس دانشگاه قم و به ثمر رسیدن آن است.^۲

وی در عین پرکاری فردی مخلص و دور از تظاهر بودند. چنانکه آیت الله مکارم شیرازی می‌فرماید: آیت الله قاضی حتی تا اواخر عمرشان هم که بیماری ایشان شدت یافته بود؛ و مرتباً برای مشکل کلیه باید جهت دیالیز می‌رفتند، وقتی تحقیق و سوال می‌کردم، می‌گفتند: ایشان در دانشگاه حاضر می‌شوند و کارها را انجام می‌دهند. من باور نمی‌کردم.^۳

آیت الله مکارم شیرازی در بیان چند صفت ویژه بنیانگذار و رئیس دانشگاه قم می‌فرماید: صفاتی که در ایشان خیلی بارز بود، یکی پرکاری شان بود که از کار خسته نمی‌شدند.

خودشان یک بار به من گفتند: در مغز من رگی هست که نمی‌گذارد من خاموش باشم و بنشینم و دائماً این رگ مرا تحریک می‌کند. خیلی مخلص بودند، اهل تظاهر و

ریاکاری نبودند و حتی من شنیدم که ایشان مطلقاً حقوق برداشت نمی‌کردند و اگر از تلفن دانشگاه استفاده شخصی می‌کردند، حتماً پولش را حساب می‌کردند. شخصیتی بودند که سی سال کار مخلصانه بدون دریافت حقوق، با رعایت تمام موازین اسلامی انجام دادند. علیرغم اصرار برخی برای اختلاط کلاس‌های دختران و پسران، تا آخر مخالف بوده و بر عقیده خود پافشاری کردند.^۱

۳- عدم استفاده از بیت المال

ایشان بهره خود از بیت المال را بهره اخروی قرار داده بودند به قول علی (ع) که فرمود:

«اما بعد، فلا یکن حظک فی ولایتک مالا تستفیده و لا غیظا تشتفیه و لکن امامته باطل و احیاء حق»

امام علی - علیه السلام - طی نامه‌ای به ابن عباس می‌نویسد: ای فرزند عباس بهره تو از حکومت نباید مالی باشد که از آن استفاده کنی و نه غیظ و خشمی که با امر و نهی شفا یابد. بلکه باید هدف تو نابودی باطل و زنده داشتن حق باشد.

ایشان با بردباری و صبر با افراد برخورد می‌نمودند. تمایل نداشتند که اعضای خانواده و بستگان درجه یک ایشان نیز از امکانات دولتی استفاده کنند.^۲

دکتر عابدی از اساتید دانشگاه قم می‌گوید: اگر اعضای خانواده ایشان به دانشگاه می‌آمدند، آیت الله قاضی سرمایه مقداری پول کنار می‌گذاشتند به عنوان اینکه مبادا کسی از خانواده ایشان از تلفن دانشگاه استفاده کرده باشد. (جلوه ایثار، ص ۷)

۱- تحف العقول ص ۱۹۱، الحیاء، ج ۲، ص ۱۷۸

۲- یادنامه، ص ۱۶

۳- همان، ص ۲۴

۱- یادنامه، ص ۴۸

۲- یادنامه، ص ۴۸

نه تنها در مصرف بین المال سخت گیر بودند حتی تا آخر مسئول دفتر نداشتند و در اطاق ایشان به روی همه افراد اعم از دانشجو، استاد و یا اقشار مردم باز بود.

مشاور ایشان جناب آقای دکتر شاهرخی در این رابطه می گوید:

من خودم در مواردی مشاهده می کردم که مراجعین یا دانشجویانی به اتاقشان می آمدند و به ایشان می گفتند که با حاج آقای قاضی کار داریم و پاسخ می شنیدند، قاضی من هستم کارتان را بفرمایید و مراجعه کنندگان عذرخواهی کرده، اذعان می کردند گمان نمی کردیم می شود به این راحتی ریاست دانشگاه را ملاقات کرد.^۱

۴- کمک مالی

آیت‌الله محقق داماد در این خصوص می گویند: آیت‌الله قاضی در دوران فعالیت خود چه در دانشگاه قم و چه موقعی که در دبیرخانه حوزه علمیه و معاونت شورای عالی قضایی کشور را بر عهده داشتند تمام امور را با جدیت پیگیری می کردند و خدمات ایشان با خلوص نیت همراه بود و جز قصد قربت چیزی نداشتند. ظاهراً با اینکه دانشگاه بودجه دولتی مناسبی هم داشتند هیچ حقوقی دریافت نمی کردند تا زمانی که من از نزدیک ناظر بودم این چنین بود و زندگی ایشان از درآمدهای شخصی تامین می شد و چه بسا از همان درآمد شخصی در همین مسایل عمومی که در اختیارشان بود هزینه می کردند.^۲

۵- خستگی ناپذیری

آیت‌الله سبحانی می گوید: زندگی ایشان یک زندگی نمونه است، چرا که با اینکه

سی سال در خدمت دانشگاه قم بودند حتی از خود کار آن مرکز استفاده نکرده اند، بسیاری از افراد هستند که در طول مدت مثلاً دو سالی که در یک منصبی هستند بسیاری از نیازهای شخصی خود را از آن مسیر تهیه می کنند اما این مرد بزرگ واقعاً خدا‌باور و خدا ترس بودند. کسانی که مدیر دلسوز هستند حداقل روزهای تعطیل را برای خود اختصاص می دهند حتی ایشان جمعه‌ها هم به دانشگاه می رفتند تا پیشرفت دانشگاه چشم گیر باشد. حتی در دوران نقاهت که واقعاً هر فردی در خانه بستری می شد اما ایشان تا جایی که امکان داشت برای سرکشی امور به دانشگاه می رفتند.^۱

روزی در استاد سرای ساختمان مرکزی بودم، دیدم درها را بستند متوجه شدم که حاج آقا آمده‌اند ولی با کمال تعجب دیدم مریض هستند به حدی که کارمندی زیر بغل ایشان را گرفته بود فکر کنم تازه دیالیز شده بود ولی مثل همیشه به کار خود ادامه دادند با اینکه فضای دفتر هم تقریباً سرد بود به خصوص برای مریض کلیوی.

ایام نوروز یا تابستان گرمی بود، آمدم به دانشگاه دیدم کارکنان عموماً مرخصی رفته‌اند، ولی حاج آقا در دفتر خود هستند، خدمت ایشان برای احوالپرسی رفتم در لابلای صحبت عرض کردم: حاج آقا الان هوای خرم‌آباد بسیار مطبوع است تشریف ببرید آنجا قدری استراحت کنید. ایشان با همان خوشرویی همیشگی با مزاح فرمودند: نمی‌خواهی بیرونمان کنی؟

خانم حسینی (مسئول واحد خواهران) در بیان خاطره‌ای از مرحوم قاضی می گوید: یک روز خدمت این عالم جلیل‌القدر رسیدم و به ایشان گفتم: با توجه به اینکه بنده مدتی

۱- یادنامه ص ۸۰

۲- ویژه نامه اولین سالگرد ارتحال آیت‌الله قاضی، ص ۳

۱- یادنامه، ص ۲۹

است مرخصی نرفته‌ام می‌خواهم برای مدتی از مرخصی‌هایم استفاده کنم. ایشان فرمودند: چرا؟ خسته شده اید؟ کسی که دین دارد خسته نمی‌شود و از آن وقت، بنده هم بدون یک روز مرخصی خدمت کرده‌ام. وی ادامه داد: ایشان سالیان سال بدون وقفه خود را وقف دانشگاه و خدمت به جامعه کردند و تنها روزهای تاسوعا و عاشورا در دانشگاه حاضر نمی‌شدند، در روزهای دیگر از صبح تا ساعت ۱۴ و از ساعت ۱۶ گاه تا ساعت ۲۰ در دانشگاه حاضر می‌شدند.^۱

۶- انضباط در اشتغالات فکری

چند سالی که معاونت دانشجویی را بر عهده داشتم کمتر می‌توانستم به کارهای علمی بپردازم، لذا رفتم خدمت حاج آقا و گفتم اجازه بفرمائید من استعفا دهم گفتند چرا؟ گفتم: چون از کارهای علمی عقب مانده‌ام. ایشان فرمودند خوب در غیر وقت اداری به کارهای علمی‌تان برسید.

عرض کردم: در خانه هم که هستم فکرم مشغول اینجاست.

فرمودند: مثل من باش که فکرم را تقسیم کرده و نظم و نظام داده‌ام وقتی دانشگاه هستم به کارهای اینجا می‌اندیشم ولی وقتی از اینجا رفتم دیگر به اینجا نمی‌اندیشم بلکه به کارهای مربوط به حوزه می‌اندیشم.

۷- تقوی

رئیس موسسه امام صادق (ع) در بیان ویژگی‌های شخصیتی آیت الله قاضی (ره) می‌گویند: یکی از ویژگی‌های آیت الله قاضی (ره) این بود که در طول دوستی من با

ایشان به هیچ عنوان غیبتی از ایشان نشنیدم و اگر در مجلسی غیبت می‌شد به شدت ناراحت می‌شدند. حتی قبل از انقلاب مدت ۲۳ روز زندان انفرادی بودند و بعد از آن به زندان عمومی منتقل شدند در آنجا افراد ناباب غیبت می‌کردند. ایشان بسیار ناراحت بودند و از رئیس زندان خواهش کردند که ایشان را به زندان انفرادی برگرداند این موضوع بسیار مهم است چرا که یک روز زندان انفرادی برابر است با ده روز زندان عمومی، اما ایشان برای حفظ دین خود اصرار کردند که این اتفاق نیافتد.^۱

۸- تعبد

مدیر امور اداری دانشگاه نیز در همین راستا می‌گوید: جلسه توزیع و معارفه‌ای بود که مرحوم آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) به بنده فرمودند یک جلد کلام الله مجید و سکه‌ای خریداری شود و بنده نیز آن را تهیه کرده و خدمت ایشان رسیدم ناگهان دیدم که ایشان برافروخته و بسیار ناراحت شدند تعجب کردم و گفتم بنده چه اشتباهی کردم آن مرحوم فرمودند هیچ چیز بالاتر از قرآن نیست و بنده متوجه نشدم که سکه را روی قرآن کریم قرار دادم.^۲

۹- دقت در مصرف بیت المال و تعبد به قانون

«کتب امیرالمؤمنین علیه السلام الی عماله:

ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطورکم و احذفوا عینی فضولکم و اقصد المعانی و ایاکم و الاکثار، فان اموال المسلمین لا تحتل الاضرار.»^۳

۱- یادنامه، ص ۳۰

۲- تجلی اخلاص، ص ۴

۳- بحارالانوار، ح ۷۶، ص ۴۹- میزان الحکمه، ج ۳۰/۹

۱- یادنامه، ص ۹۹

... کسی که امانت داری را خواری انگارد و در اموار مردم به خیانت چرا کند و روان و آیین خویش را از خیانت کاری، پاکیزه نگرداند همانا در این سرا، خواری ... و ذلت بر خود روا داشته است و در آن سرا، خوارتر و دلیل تر از این سرا باشد آری، بزرگ ترین خیانت، خیانت به ملت است و زشت ترین دغل کاری با پیشوایان. والسلام.^۱

فرمان به امانتداری

«قال الامام علی علیه السلام:

و انی اقسام بالله قسمًا صادقًا لئن بلعنی انک خنت من فی المسلمین شیئًا صغیرا او کبیرا لأشدنّ علیک شده تدعک قلیل الوفّر، ثقیل الظهر، ضئیل الامر و السلام.»
عبدالله بن عباس از طرف امیر مومنان علیه السلام در بصره و نواحی اهواز و کرمان و ... سمت کارگزاری داشت. او زیاده بن ابیه را که چندان هم خوشنام نبود عامل بصره کرد. امام اعمال او را زیر نظر داشت و این نامه را برای او نوشت که: به خدای سوگند، سوگندی راست که اگر آگاه گردم که در مال مسلمانان به کم و بیش خیانت ورزیده‌ای چنان بر تو سخت گیرم که اندک مال گردی و گران پشت از فاقه و خوار مایه گردی و السلام.^۲

آیت‌الله مومن عضو مجلس خبرگان رهبری نیز در این مورد می‌گوید:

دراوایل انقلاب که وضع دادگستری به خوبی مشخص نشده بود؛ در شورای عالی قضایی مرحوم آیت‌الله ربانی که با آیت‌الله قاضی آشنا بودند، به دادگستری کل کشور که مرکز اصلی آن در تهران بود، پیشنهاد دادند که مسئولیت امور مالی دادگستری را به آیت‌الله قاضی (ره) واگذار نمایند، زیرا که ایشان را به عنوان فردی با تقوی، با دیانت و کاردان

امام علی - علیه السلام - برای کارگزارانش نوشت: قلم‌های خود را نازک کنید و سطرها را نزدیک به هم بگیرید و زیاده‌ای کلمات را حذف کنید و مقاصد و منظورها را در نظر بگیرید. بر حذر می‌دارم شما را از پر حرفی و پر نویسی زیرا اموال مسلمانان نمی‌تواند این گونه خسارت‌ها را تحمل کند.

به اساتید محترم فقط برای حج واجب اجازه مرخصی می‌دادند، ولی برای عمره اجازه نمی‌دادند و می‌گفتند وظیفه استاد تدریس و برگزاری درست کلاس هاست. از طرفی مقرر کردند که اساتید هم کارتکس داشته باشند. برخی اعتراض کردند ایشان فرمودند برای خودم هم کارت درست کرده‌ام بالاخره همه در مقابل خدا مسئولیم. از طرفی مقرر نمودند که اساتید هم کارتکس داشته باشند.

در موردی بحث غذای اساتید مطرح بود که آیا از همین سهمیه‌هایی که برای دانشجویان می‌گیریم، می‌توانیم غذای اساتید را نیز به همان قیمت تامین کنیم یا نه؟ مرا مامور کردند که از وزارت خانه استعلام نمایم که از آنجا نیز جواب منفی آمد و گفتند این مخصوص دانشجویان است.

۱۰- امانت داری

ایشان خود را امانت دار بیت المال دانسته و به مذموم بودن کوچک انگاری امانت واقف بودند.

قال علی (ع):

«... و من استهان بالامانه و رتع فی الخیانه و لم ینزه نفسه و دینه عنها، فقد اخل بنفسه الذلّ و اخزی فی الدنیا و هو فی الاخره اذلّ و اخزی و ان اعظم الخیانه خیانه الامه، و افظع الغش غش الائمة و السلام.»

در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود که برای جمع آوری زکات فرستاده بود

می‌فرماید:

۱- نهج البلاغه ، نامه ۲۶

۲- نهج البلاغه ، نامه ۲۰

می‌شناختند و به حق ایشان به خصوص در امور مالی، انسانی امین و کاردان و شایسته بودند. ایشان دعوت را پذیرفتند و مسئولیت امور مالی قوه قضاییه را به عهده گرفتند. این مسئولیت با ایشان بود، تا زمانی که به قم بازگشتند و این وظیفه را به دیگری واگذار نمودند.^۱

ایشان در محافظت از اموال عمومی از قبیل ساختمان‌ها، آملی تئاتر، تالار و بسیار دقیق بودند در موردی بنده به افرادی که با ما حدود یک سال کار فرهنگی می‌کردند، بدون هماهنگی ایشان جوایزی دادم که شاید به نظر ایشان زیاد می‌آمد، مدتی از پرداخت وجه آن خودداری فرمودند که البته این برای من خوشایند نبود، چون به عنوان معاون دانشجویی این را حق خود می‌دانستم ولی حداقل بر این باور بودم که ایشان از روی صداقت و حساسیت در مصرف بیت المال این سخت‌گیری را می‌نمایند لذا برایم قابل تحمل بود.

«قال الامام علی علیه السلام:

جود الولاه بفی المسلمین جور و ختر.»^۲

حضرت علی علیه السلام فرمود: بخشش نا به جای حکمرانان از اموال عمومی مسلمانان، ستم و خیانت است.

۱۱- زهد گرایی و دعوت به زهد

ایشان با این که تمکن مالی داشتند ولی بسیار ساده لباس می‌پوشیدند و این دستور را از ائمه (ع) گرفته بودند که مسئولان باید ساده زیست باشند.

معلى بن خنيس گوید: روزی به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نعمت‌هایی را که بنی عباس دارند بیاد آوردم و با خود گفتم: اگر این نعمت‌ها برای شما می‌بود ما هم با شما در خوشی بودیم.

۱- یادنامه، ص ۳۴

۲- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۴۵

«قال الامام الصادق علیه السلام: هیئات یا معلى اما و الله ان لو كان ذاك، ما كان الا سياسه الليل و سياحه النهار و لبس الخشن و اكل الجشب ...» امام صادق علیه السلام فرمود: هیئات‌ای معلى اگر چنین می‌بود (و ما حاکم بودیم) برای ما جز تدبیر شبانه و تلاش روزانه و پوشاک زبر و درشت و خوراک سخت و بی‌خورش، چیزی نبود^۱

آیت‌الله قاضی در طول سی سال که در دانشگاه قم خدمت کردند از بیت المال استفاده نکردند و با اینکه تمکن مالی داشتند سعی می‌کردند زاهدانه زندگی کنند. به گفته معاون اداری و مالی دانشگاه قم و همین‌طور استاد محترم آقای دکتر عابدی ایشان حتی از چای دانشگاه نیز استفاده نمی‌کردند.^۲

آیت‌الله سبحانی می‌گوید: از ویژگی‌های این مرد زندگی زاهدانه او بود با اینکه تمکن مالی داشتند.^۳

آیت‌الله موسوی اردبیلی می‌گوید:

این جانب سال‌ها شاهد انضباط، سخت‌گوشی و احتیاط او بودم در تمامی مدت خدمت و خصوصاً تلاش برای عفو و آزادی محکومان، دیناری از اموال دولتی و عمومی استفاده نکرد، بلکه می‌کوشید استفاده‌های قهری از بیت المال را نیز جبران کند. زندگی زاهدانه در عین برخورداری مادی خانوادگی، پرهیز از خودنمایی و هیاهو، حریت و استقلال فکری و تلاش برای توسعه و پیشرفت علمی جامعه از حسنات آن مرحوم بود.^۴

در مواردی به ایشان از ناحیه معاونین اعتراض می‌شد که حق معاونت در اینجا نسبت

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۳

۲- جلوه ایثار، ص ۷

۳- یادنامه، ص ۳۰

۴- یادنامه آیت‌الله قاضی ص ۱۱۱

به دانشگاه‌های دیگر بسیار کم است ایشان نصیحت به زهد می‌فرمودند و اینکه شما در کنار حوزه و در قم هستید و این خود نعمتی است که می‌تواند جبران کننده آن باشد. ولی نظر من این بود که درست است در بیت المال باید دقت کرد اما باید وضع معیشت کارکنان نیز خوب باشد تا با دلگرمی کار کنند.

«قال الامام علی علیه السلام:

ثم اسبغ عليهم الارزاق، فان ذلك قوه لهم علی استصلاح أنفسهم و غنی لهم عن تناول ما تحت ایدیهم و حجه علیهم ان خالقوا امرک او ثلموا امانتک...»^۱

حضرت علی علیه السلام پس از دستوراتی که در مورد گزینش کارگزاران حکومتی صادر می‌کند به مالک اشتر می‌فرماید: وقتی آنان را این چنین برگزیدی باید که روزی شان را فراخ گردانی که این کار آنان را به اصلاح خویشتن بسی نیرومند گرداند و از خوردن اموالی که در اختیار دارند بی نیاز سازد و هرگاه از فرمان تو سرپیچی کنند با در امانت خیانت ورزند با آنان اتمام حجت شده باشد.

به گفته آیت الله مومن ایشان با نفوذی که داشتند برای پیشرفت دانشگاه قم هر ساله علاوه بر بودجه مصوب، کمک‌های دیگری نیز دریافت می‌کردند.^۲

در ضمن ساده زیستی و همراه بودن با دیگر اقشار مردم به نزدیکان خود نیز اجازه هیچ گونه استفاده از امکانات دولتی را نمی‌دادند. فرزند ایشان جناب آقای حاج احمد قاضی در این خصوص می‌گوید: در طول خدمت به دانشگاه قم نیز، حتی در ایام تعطیل در این دانشگاه حضور پیدا می‌کردند و به امور مربوطه رسیدگی می‌نمودند.

وی ساده زیستی را از دیگر ویژگی‌های آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی

ذکر نموده، ادامه می‌دهد: وقتی ایشان در دانشگاه قم مشغول فعالیت بودند، بنده بارها خدمت ایشان رسیدم و در خصوص نامناسب بودن صندلی محل کارشان و تعویض آن به دلیل مشکلی که ایشان داشتند با ایشان صحبت کردم ولی قبول نکردند و گفتند می‌خواهم صندلی من مثل صندلی سایر افراد باشد و حتی در اتاق آن عالم وارسته به روی طبقات مختلف اجتماعی باز بود و ایشان با روی گشاده از ارباب رجوع استقبال می‌کردند.^۱

۱۲- آینده نگری

آیت الله قاضی با وجود دقت در مصرف بیت المال فردی آینده نگر بودند. هر سال در ایام اردیبهشت همزمان با شهادت شهید مطهری نمایشگاه کتاب تهران بر پا می‌شود ایشان مبلغ قابل توجهی را برای خرید کتاب اختصاص می‌دادند. روزی خدمت ایشان عرض کردم این همه کتاب خصوصاً کتب انگلیسی و یا به زبان‌های دیگر (که بسیار گران قیمت هم بودند) در کتابخانه هست، ولی کمتر استفاده می‌شود. ایشان فرمود من فکر آینده را دارم که اینجا هزاران دانشجو در رشته‌های مختلف خواهیم داشت البته در آن روز فقط ۸۵۰ دانشجو داشتیم.

دکتر احمد عابدی عضو هیئت علمی دانشگاه قم در این خصوص می‌گوید: ایشان آینده نگر بودند و در برنامه ریزی هایشان پنجاه سال، بلکه صد یا دویست سال آینده را در نظر می‌گرفتند.^۲

البته دقت فوق العاده ایشان در مصرف بین المال او را از کارهای بزرگ و آینده نگری باز نمی‌داشت. فرزند ایشان می‌گوید: وی دارای صفات ویژه‌ای بودند که مجموع

۱- یادنامه صفحه ۴۷

۲- جلوه ایثار (ویژه نامه صفحه ۷۷)

۱- نهج البلاغه ، نامه ۵۳، فرمان علی (ع) به مالک اشتر

۲- یادنامه ص ۴۰

این صفات در کمتر کسی یافت می‌شود. ایشان علاوه بر سختگیری عجیب در مخارج بیت‌المال، در مسائلی که مربوط به آینده می‌شد، وسعت نظر فوق‌العاده‌ای داشتند علاوه بر این که تفکر اسلامی اصیل را داشتند شخصی به روز بودند نیازهای آینده امروز را بررسی و متناسب با آن برنامه ریزی می‌کردند.^۱ یک روحانی به روز بودند خدماتی از قبیل راه اندازی روزنامه «صدای لرستان»، تأسیس کارخانه برق، ساخت دبیرستان علوی و ... را در کارنامه خود دارند.^۲

آیت‌الله محقق داماد می‌گوید: آشنایی بنده با ایشان به پنجاه سال قبل بر می‌گردد که چند سفر به خرم‌آباد رفتم در آن موقع ایشان در مدرسه کمالیه بودند و یک کارخانه برقی داشتند که قسمتی از برق خرم‌آباد را تأمین می‌کرد.

در زمانی که معاون ایشان بودم در ساخت و سازها از وجود زندانیان و محکومین مواد مخدر که عموماً از شرق کشور بودند، استفاده می‌کردند تا هم آنان اشتغالی داشته باشند و بازپروری شوند و هم خانواده آنان اداره شوند و در زحمت مالی نباشند و از طرفی چون آنها پول کمتری دریافت می‌کردند، صرفه جویی در بیت‌المال می‌شد و در نتیجه ساخت و ساز بیشتر و از طرفی سعی می‌کردند برای آنها نماز جماعت و سخنرانی گذاشته شود تا بازپروری فکری نیز بشوند.

۱۳- حساسیت نسبت به حق دانشجو

در موردی کمیته انضباطی حکمی را برای دانشجو صادر کرد که می‌توانست منجر به اخراج او شود. وضعیت روحی وی را به حاج آقا توضیح دادم که این حکم می‌تواند نه

تنها او را به ارزش‌ها بدین کند بلکه پی آمدهای سوء روانی برایش در پی داشته باشد ولی حکم به کمیته انضباطی مرکزی در تهران ارسال شده بود. ایشان مرا مامور کردند که به تهران رفته و حکم را پس بگیرم.

در پایان برای این مرد بزرگ از خداوند در خواست نموده و آرزوی علو درجات را می‌نمایم.

۱- یادنامه ص ۴۹

۲- تجلی اخلاص ص ۳

بر کسی پوشیده نیست که با همت و مدیریت آیت‌الله قاضی (ره) از سال ۱۳۷۶ همزمان با تغییر نام و وضعیت مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به دانشگاه قم ابتدا در محوطه‌ای به مساحت ۲۴ هکتار فعالیت‌های عمرانی و ساخت و ساز آغاز و سپس با دوراندیشی و آینده‌نگری ژرف ایشان هم‌اکنون دانشگاه قم دارای ۱۴۰ هکتار زمین محصور است که با مدیریت و اندیشه‌های این عالم ربانی و خستگی ناپذیر حدود ۴۰۰ هزار متر مربع فضاهای آموزشی، کمک آموزشی، پژوهشی، آزمایشگاهی، فرهنگی، رفاهی، اداری، پشتیبانی و غیره ساخته شده است. بنابراین بحق می‌توانیم این روحانی را معمار و مهندس بنامیم و از خدمات ارزشمندش قدردانی نماییم.

در این مقاله سعی شده تا در حد امکان با کمک و یاری جستن از حافظه‌ها، اندیشه‌های شگرف فنی و مهندسی حضرت آیت‌الله قاضی (ره) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و از گذشته‌های ایشان به لحاظ زهد، اخلاص، خدمت‌رسانی، آینده‌نگری، پشتکار، همت مضاعف و کار مضاعف درسهایی را بیاموزیم.

واژگان کلیدی: فنی و مهندسی، معمار، همت مضاعف، کار مضاعف.

بررسی و ارزیابی مدیریت و اندیشه‌های حضرت آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) از دیدگاه فنی و مهندسی

دکتر محمد رضا عدل پرور *

چکیده

زمانی که حضرت آیت‌الله شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) امر به تاسیس و راه‌اندازی دانشکده فنی و مهندسی فرمودند، همگان بر عمق تفکرات این عالم بزرگوار و جلیل‌القدر آفرین گفتند. به دیگر سخن، اندیشیدن بیش از زمان حال و خود را در قید و بندهای دوران فعلی ندیدن و آینده‌نگری و نگاه به آینده‌ای بسیار دور افکندن از تفکرات اصیل و پر محتوایی بر می‌خاست که تحسین همه را بر می‌انگیزاند.

در اصطلاح اصیل فنی و مهندسی دو کلمه از جایگاه ویژه‌ای در شناخت و درک عمیق ساخت و ساز برخوردار است. یکی معمار یعنی کسی که عمارتی را بنا می‌کند و یا می‌سازد که در منشور اولین سازندگان بنا یعنی مادها با استفاده از مصالح طبیعی مانند خاک، سنگ و درختان نام برده شده است و دومی مهندس یعنی کسی که به علم هندسه آشنا است و به تعبیر دیگر احجام، سطوح، شکلها و زوایا را تشخیص داده و می‌شناسد. نتیجه‌گیری میشود، بر اساس تجربیات و آموخته‌های گذشته، هر فردی که خود بنایی را می‌سازد می‌توان او را معمار نامید و هر فردی که قادر به خواندن و درک نقشه‌های مهندسی و اجرای آن باشد را می‌توان مهندس نامید و این اصطلاحی است عامیانه که در محیط‌های کارگاهی و ساخت و ساز معمول و مرسوم است. از شاخصه‌های مهم حضرت آیت‌الله قاضی این بود که همواره با متانت، دقت و توجه بسیار زیاد به کلیه پیشنهادها و توصیه‌های فنی و مهندسی توسط کارشناسان اهمیت داده و در موارد اشکال و خطا تا آخرین لحظه جهت بر طرف نمودن آن از پای نمی‌نشستند...

علمیه پدید آورده بود و در گذشت ایشان، فقدانی تاسف بار است. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و اجر جزیل برای تلاش خستگی ناپذیر و فداکارانه این روحانی عالیقدر مسئلت می‌کنم» [۱].

یقیناً از میان خدمات شایسته و پر بار و تمامی آنچه می‌توان از مصادیق شجره طیبه، در سوابق کاری و اجرایی مرحوم حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) برشمرد؛ دانشگاه قم و ساختار آن یکی از بهترین نمودها و نمونه‌های ابتکار، خلاقیت و دور اندیشی بسیار ژرف ایشان است. دانشگاه قم حدود ۱۴۰ هکتار وسعت زمین در بهترین نقطه استان و شهر قم و ساختمانهای بسیار زیادی که با همت و کوشش ایشان پابرجاست، نمادی است عینی و آشکار از وحدت بین حوزه و دانشگاه.

بدون تردید کلیه افرادی که در دانشگاه قم مشغول درس خواندن بوده و هستند و همچنین به عنوان مدرس با دانشگاه همکاری داشته‌اند و یا دانشگاه قم را محل ارادت ورزی عملی و عینی به اندیشه‌های این بزرگ مرد قرار داده‌اند، به این حقیقت روشن و آشکار اذعان دارند که سهم عظیم دانشگاه قم در آینده مهندسی فکری و توسعه علمی کشور هم با رویکردی بر مبنای علوم سیاسی، اجتماعی، انسانی، فنی و مهندسی، همگی وامدار این فارغ‌التحصیل و آموخته مکتب فکری امام جعفر صادق علیه السلام است. (روحش شاد)

۲. نحوه مدیریت، برخورد و ارجاعات کارهای فنی مهندسی

امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی مدیریت در ابعاد مختلف شکل گرفته و تعریف شده‌اند ولی به جرات می‌توان گفت که مدیریت طرحهای عمرانی و فنی و مهندسی از جایگاه ویژه‌ای به لحاظ طراحی، تولید، اجرا و توسعه نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در هر جامعه‌ای برخوردار است.

۱. مقدمه

مردان بزرگ در همت‌های بسیار والا و عمق تفکرات و فکری شان تجلی و نمود پیدا می‌کنند و همانطور که سعدی شیرین سخن می‌فرمایند:

سعدیا مرد نکو نام نمیرد هر گز مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

هر چند زندگی پر برکت این مرد علم و عمل، جهاد و اجتهاد و نستوه را نمی‌توان در چند صفحه یا یک مقاله خلاصه نمود، لیکن در قدر و منزلت ایشان همین بس که در طول حیات طیبه خویش منشا آثار پر برکتی خصوصاً در کارهای اجرایی، ساخت و ساز و ساختمان سازی بودند، به طوری که رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله حاج سید علی خامنه‌ای ایشان را **خدمتگزار و ایثارگر** معرفی نموده و می‌فرمایند: «خدمات برجسته این روحانی پر تلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان شخصیتی کم نظیر در جامعه رو حانیت و حوزه‌های

آشنایی حضرت آیت‌الله قاضی با قوانین و مقررات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ایشان را قادر ساختند تا با مفاهیم تخصصی از قبیل برنامه عمرانی، طرح عمرانی، پروژه، دستگاه اجرایی، مهندسین مشاور، پیمانکار عمومی و جزء شرایط عمومی پیمان، فهرست بها و صورت وضعیت موقت و قطعی و دستگاه نظارت کاملاً آشنا و با دقت و ظرافت و با بهره گیری از تجارب ارزنده اجرائی و کاری به آنها عمل کنند. معظم له با بهره گیری از اندوخته‌های ذهنی و تجربی به اصول و قوانین بودجه و اعتبارات عمرانی، دقیقاً وارد و آشنا بودند، لذا در کلیه این امور چنان عمل می‌نمودند که مورد تحسین کارشناسان مربوطه قرار می‌گرفت. در بحث مربوط به اعتبارات عمرانی با توجه به آشنایی و آگاهی معظم له به آیین نامه‌ها و مقررات هر ساله با دفاعیات ایشان بودجه‌های عمرانی در دانشگاه قم افزایش قابل توجهی می‌یافت، مخصوصاً در سالهای اخیر که ساخت و تکمیل مسجد دانشگاه به عنوان یکی از آرزوهای دیرین ایشان به ثمر نشست. در ادامه شروع عملیات ساختمانی خوابگاه خواهران و برادران، ساختمان مرکزی، ساختمان دانشکده فنی و مهندسی با همت والای ایشان طراحی و عملیات اجرایی آن شروع و متأسفانه عمر پربرت ایشان کفاف نداد تا این ساختمانها نیز به مرحله بهره برداری برسند. این سطح آگاهی مدیریت ایشان به اندازه‌ای بود که پس از تهیه نقشه‌های معماری، سازه، تاسیسات الکتریکی و مکانیکی توسط مهندسین مشاور، شخصاً نقشه‌ها را بررسی و برخی نکات فنی و اصلاحات لازم را با مشورت کارشناسان مربوطه بر روی نقشه‌ها ارائه می‌کردند. در این مورد دقیقاً به توصیه‌ها و پیشنهادهای کارشناسان احترام گذاشته و پس از بررسی به آن عمل می‌کردند و اگر مشکلاتی در کار عنوان می‌شد تا بر طرف شدن آن موضوع را به طور جدی دنبال می‌کردند. به طور کلی در انجام کارهای اجرایی نظر معظم له بر کیفیت مناسب اجرا، کاهش هزینه‌ها و قیمت مناسب و افزایش سرعت کارهای اجرایی بوده و بر این کارها تأکید فراوانی داشتند. همان طور که قبلاً توضیح داده شد، در

علم مهندسی بدین صورت که از نامش برمی‌آید، یعنی آشنایی مهندسین با علم هندسه و ابعاد و اندازه‌ها، احجام، سطوح و غیره که حضرت آیت‌الله قاضی با تجربه زیاد و کار و کوشش فراوان با این علم آشنا و در بسیاری موارد آن را اجرا می‌کردند.

با توجه به علاقه‌مندی معظم له به کارهای ساخت و ساز و پتانسیلهای بالقوه موجود در شهر قم با سعی و تلاش فراوان و تشکیل شورای هماهنگی دانشگاه متشکل از اساتید برجسته دانشگاه‌ها در تهران دستور برنامه ریزی راه اندازی دانشکده فنی و مهندسی را در دانشگاه قم صادر فرمودند. بنابراین چنین کار مهمی در دستور کار مسئولان هماهنگی قرار گرفت و پس از برنامه ریزی، دانشکده فنی و مهندسی در بهمن ۱۳۸۲ شروع به کار کرد و کارهای بجا و شایسته‌ای در جهت ایجاد فضاهای آزمایشگاهی و خرید و ورود تجهیزات را فراهم نموده و اولین دوره ورودی دانشجو در دو گرایش فنی و مهندسی در این زمان در دانشگاه قم پذیرش شدند. نظر معظم له این بود که با تربیت مهندسین پروژه‌های عمرانی در سطح استان و شهر قم سرو سامان بگیرد و به رشد و پیشرفت و توسعه قابل توجهی برسند و همچنین در ساختار آینده دانشگاه قم که برای چند صد سال آینده فضا و مکان جهت ساخت و ساز دارد نیز مؤثر و ثمر بخش باشند.

مسلماً این مفاهیم عملی و اجرائی نخواهند شد مگر با پشتکار، حضور، همت و کار مضاعف و عشق و علاقه باطنی بدون هیچ گونه چشم داشت و توقع مادی. بی تردید این کار از کمتر کسی برمیاید مگر کسانی که صفاتی مانند عشق و علاقه کاری، زهد و تقوای الهی، از خود گذشتگی، خدمت به مردم، ساده زیستی و بی تکلفی، دینداری و پیروی از اصول اخلاقی مدیریت را دارا باشند

شاید بتوان گفت که مدیریت ایشان نه تنها در کارگاههای فنی و مهندسی بلکه در همه ابعاد مدیریتی منحصر بفرد بود. سادگی، عدم وابستگی به پست‌های مدیریتی، حل و فصل مسائل و مشکلات بصورت حضوری و آنی، دستور مؤکد برای انجام بموقع کارها،

دقت نظر مهندسی از سجایای اخلاقی و فکری ایشان بود که معمولا در کمتر کسی یافت می‌شود. نحوه مدیریت ایشان بصورت حضوری و پاسخ آنی و قاطع برای حل مشکلات بود، به طوری که از زمان ورود به محیط دانشگاه و پس از استقرار در دفتر کار ضمن انجام بعضی امورات رسمی و اداری در اطاق بروی کلیه ملاقات شدگان از جمله استادان، دانشجویان نیروهای کاری و غیره بدون نیاز به وقت قبلی گشوده و حضور هر فردی که خواستار مذاکره بود با روئی خوش، چهره‌ای خندان با او برخورد می‌کردند و حتی در بعضی موارد که بعضی ارباب رجوع با ایشان تندی می‌نمودند با جوابی همراه با آرامش روبرو می‌شدند. این از سجایای اخلاقی معظم له بود که مورد تایید کلیه همکاران و اساتید دانشگاه قرار می‌گرفت.

۴. دیدگاه بزرگان و اندیشمندان حوزه و دانشگاه و دانشگاه در حیطه فنی و مهندسی

با حمایت و پشتیبانی حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) اولین همایش بین المللی زلزله و سبک سازی در صنعت ساختمان با حضور محققین، پژوهشگران، استادان و اندیشمندانی از کشور ایران و دیگر کشورهای اروپایی به تاریخ ۶ و ۷ مهرماه ۱۳۸۴ در دانشگاه قم برگزار شد. در خلال برگزاری این همایش پروفیسور کروگر از کشور آلمان کارهای ساختمانی مخصوصا معماری داخلی سالن‌های اجتماعات را در سایت دانشگاه قم تحسین کردند وقتی گفتیم تمامی این ساختمانها و طرحهای اجرا شده در زمین بزرگ دانشگاه به همت و کوشش فراوان معظم له انجام شده، بلافاصله ایشان درخواست ملاقات با حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) را نمودند. در جلسه‌ای خصوصی پروفیسور کروگر ضمن تشکر از کارهای انجام شده در دانشگاه قم اعلام فرمودند که بر اساس مطالعات قبلی فکر می‌کردند شهر قم شهری است مذهبی و لذا فعالیت‌های فنی و مهندسی

در آن کم‌رنگ می‌باشد، چه رسد به دانشکده فنی و مهندسی و برگزاری همایش بین المللی در سطحی با شکوه در دانشگاه قم. در جواب معظم له با لحنی شوخی آمیز و خنده رو فرمودند شما فکر می‌کنید که روحانیون و شهر مذهبی و دینی و پایگاه تشیع در استان قم قادر به انجام کارهای مهندسی نیستند و نمی‌توانند مهندس شوند؟! این طرز برخورد و جواب مورد تحسین پروفیسور و حاضرین قرار گرفت.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در مورد ایشان می‌فرمایند: قبل از انقلاب - شاید حدود پنجاه سال قبل - ما هم در آن زمان جوان بودیم ایشان هم خیلی جوان بود. در آنجا با هم آشنا شدم. در خرم‌آباد بودیم که شنیدم، شخصی به نام آقای مهدی قاضی مشغول انجام کارهای مهمی در این شهر می‌باشد، با این که سنی هم نداشت. از جمله کارهای ایشان در آن زمان، ساختن کارخانه برق و اقدام به احداث شهرک قاضی آباد و امثال این کارها بود. با این سن کمی که ایشان داشت، این همت بلندی که برای انجام این کارها از خود بروز می‌داد مایه اعجاب بود. بعدا ایشان به قم آمدند و بیشتر با ایشان آشنا شدیم.

آیت الله مکارم شیرازی در خصوص همت والای حضرت آیت الله مهدی قاضی می‌فرمایند: ایشان برای توسعه دانشگاه قم، زمین بسیار وسیعی گرفته بودند و ساختمان‌های بسیار خوب و فضای سبز بسیار گسترده‌ای را احداث کردند و حتی تا اواخر عمرشان هم که بیماری ایشان شدت یافته بود؛ و مرتباً برای مشکل کلیه باید جهت دیالیز می‌رفتند، وقتی تحقیق و سوال می‌کردم؛ می‌گفتند: ایشان در دانشگاه حاضر می‌شوند و کارها را انجام می‌دهند. من باور نمی‌کردم که به دانشگاه بروند؛ ولی می‌گفتند: به دانشگاه نیز می‌روند و کارها را انجام می‌دهند.

آیت الله مکارم شیرازی در بیان چند صفت ویژه بنیانگذار و رئیس دانشگاه قم می‌فرمایند: صفاتی که در ایشان خیلی بارز بود، یکی پرکاری ایشان بود که از کار خسته نمی‌شدند. خودشان یکبار به من گفتند: در مغز من یک رگی هست که نمی‌گذارد من

خاموش باشم و بنشینم و دائما این رگ مرا تحریک می‌کند. دوم، خیلی مخلص بودند، اهل تظاهر و ریاکاری نبودند و حتی من شنیدم که ایشان مطلقاً حقوق برداشت نمی‌کردند و اگر از تلفن دانشگاه استفاده شخصی می‌کردند، حتما پولش را حساب می‌کردند. ایشان شخصیتی بودند که سی سال کار مخلصانه، بدون دریافت حقوق، با رعایت تمام موازین اسلامی انجام دادند.

رئیس مؤسسه امام صادق - علیه السلام - پیرامون خدمات علمی و اجتماعی آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی می‌افزایند: ایشان منطقه‌ای را با نام قاضی آباد احداث نموده و مدرسه‌ای مطابق با استانداردهای امروز برای دانش‌آموزان آن منطقه ساختند که واقعا بتواند مانند دبیرستان علوی در خرم‌آباد بدرخشد علاوه بر این خانه‌هایی ساختند و با قیمت ارزان در اختیار مستمندان قرار دادند. واقعا این که یک شخص بتواند هم در قلمرو علم پیشرو باشد و در خدمت روحانیون و علما باشد و هم بتواند برای مستمندان کار کند این خود یک امتیاز بزرگی است.

از دیگر ویژگی‌های این مرد زندگی زاهدانه ایشان است که علاوه به تمکنی که داشتند اما زندگی زاهدانه‌ای داشتند. آیت‌الله حاج شیخ مهدی خرم‌آبادی (ره) از پشتکار زیادی برخوردار بودند. ایشان به تنهایی کار چند نفر را انجام می‌دادند در واقع آیت‌الله قاضی فردی در لباس امتی بودند که در حقیقت یک نیروی انسانی با تقوا در جامعه ما بودند و ارتحال ایشان جای تأسف دارد اما چه باید کرد که صلاح خداوند این است [۳].

حضرت آیت‌الله مومن، عضو هیئت امنای دانشگاه قم تصریح می‌کند: مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) اوایل پیروزی انقلاب از خرم‌آباد به قم مشرف شدند و آشنایی بنده با مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) از آنجا شروع شد. شخصیت ایشان از طریق دوستان مورد اعتماد برای ما روشن بود که فردی آگاه، فاضل و از خود گذشته اند.

حضرت آیت‌الله مومن در بیان خصائص شخصیت آیت‌الله قاضی (ره) مسائل مادی

و مالی مهم نبود. وظیفه‌ای به عهده ایشان گذاشته بودند را بعنوان یک وظیفه اسلامی و دینی به خوبی انجام می‌دادند و هیچ توقع مالی نداشتند و خودشان هم به افرادی که تحت پوشش کار بودند خدماتی را ارائه می‌نمودند. به هر حال پس از مراجعت ایشان به قم به عنوان عضو و کارگزار شورای مدیریت حوزه علمیه قم در این شورا به فعالیت پرداختند در آن زمان مرحوم آیت‌الله فاضل لنکرانی، حضرت آیت‌الله محقق، مرحوم آیت‌الله طاهر شمس گلپایگانی که همگی از بزرگان علماء بودند عضو این شورا بودند و از آیت‌الله قاضی نیز دعوت به عمل آوردند.

حضرت آیت‌الله مومن، مدیر سابق حوزه علمیه قم می‌فرمایند: برای این که من بتوانم کارهای حوزه را برنامه ریزی کرده و پیش ببرم مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) راهنمای خوبی برای من بودند و در نهایت ایشان به عنوان مدیر اجرایی مدیریت حوزه در نظر گرفته شدند. در واقع همه کارهایی که باید برای پیشبرد حوزه انجام می‌شد به دست آیت‌الله قاضی (ره) بود و در این جا همان طور که عرض کردم هیچ مضایقه مالی و معنوی نداشتند، خودشان را وقف این کار کرده بودند و همه ساله به کارمندانی که در خدمت کار بودند محبت مالی هم از ناحیه ایشان می‌شد و باید بگویم کارگزار اصلی آقای قاضی (ره) بودند و بنده هم در خدمت ایشان بودم [۴].

امام جمعه موقت قم حضرت آیت‌الله رضا استادی در وصف آیت‌الله قاضی (ره) می‌فرمایند: آیت‌الله قاضی مدت‌ها عمر خود را در خدمت به حوزه صرف کردند. آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) از شاگردان خاص علمای برجسته‌ای همچون حضرت آیت‌الله بروجردی (ره) و امام خمینی (ره) بودند [۵].

جناب آقای احمد قاضی، فرزند برومند حضرت آیت‌الله قاضی در وصف ایشان می‌فرمایند: وی نام گذاری مسجد دانشگاه قم به نام "الغدیر" را نشان از ولایی بودن آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی (ره) عنوان نموده و در این رابطه می‌افزایند: آیت‌الله قاضی شخصی

ولایی بودند و با این که در موقع بهره برداری مسجد کسالت داشتند و چندین اسم نیز برای مسجد پیشنهاد شده بود اما تأکید داشتند که نام مسجد، "الغدیر" باشد ایشان اقدام به وقف زمینی با مساحت بسیار زیاد در یکی از بهترین مناطق خرم‌آباد جهت احداث مسجد و مؤسسه فرهنگی نموده که این مؤسسه را نیز "الغدیر" نامیدند، و توجه آیت الله قاضی به نام "الغدیر" نشان می‌دهد که آن مرحوم به مسئله ولایت توجه خاصی داشتند [۶].

دکتر مؤدب، معاون پژوهشی دانشگاه قم، به ویژگی‌های شخصیتی آیت الله قاضی اشاره می‌کند و "انقلابی بودن" و "جهاد در راه خدا" را از جمله ویژگی‌های شخصیتی ایشان می‌داند و می‌افزاید: آیت الله قاضی (ره) انسانی پرکار و تلاش بودند و آنهایی که از نزدیک با آیت الله قاضی همکاری داشتند؛ می‌دانند که ایشان پشتکار فراوانی داشتند. در اواخر سال‌های عمر خود با وجود کهولت سن و بیماری هم چنان فعالیت می‌کردند و هیچ زمانی نیز دست از تلاش و خدمت برنمی‌داشتند.

صبور بودن از ویژگی‌های بارز آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) بود. برخوردهای ایشان با افراد با فروتنی و تواضع و صبر و بردباری همراه بود. ایشان در برابر حل مشکلات هیچ موقع شتاب و عجله نداشتند و مراجعه کنندگان می‌توانستند به راحتی با ایشان ملاقات کنند و هیچ محدودیتی در ملاقات ایشان وجود نداشت، همواره سعی می‌کردند که سخنان را بشنوند و این مردمی بودن آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) را نشان می‌دهد [۷].

دکتر سید احمد شاهرخی، نماینده دانشگاه در شورای اداری استان تصریح می‌کند: در طول چهارده سال خدمت بنده در دانشگاه ساختمان‌های زیادی را احداث نمودند که هر کدام دارای چندین هزار متر مربع مساحت می‌باشند، اما مرحوم آیت الله قاضی برای افتتاح آن‌ها برنامه‌ای حتی در حد جلسه‌ای داخلی نیز برگزار نکرده و بلافاصله پس از اتمام پروژه نسبت به بهره برداری از آن اقدام می‌نمودند. ایشان از معرفی شدن به عنوان چهره ماندگار که سالانه در سطح ملی برگزار می‌شد نیز امتناع می‌کردند. معاون سابق

دانشجویی و فرهنگی دانشگاه قم، در ادامه می‌افزایند: پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله قاضی (ره) با حکم شهید آیت الله بهشتی (ره) به عنوان مدیر مالی شورای عالی قضایی منصوب شدند و در هیئت عفو امام (قدس سره)، مدیریت حوزه علمیه قم، هیئت امنای مرکز خدمات حوزه علمیه قم مصدر خدمات عظیمی بودند.

۱- دکتر شاهرخی، در خصوص فعالیت حضرت آیت الله قاضی پیرامون تاسیس و بنیانگذاری دانشگاه قم می‌گوید: حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی، دانشگاه قم را - که در آن زمان مدرسه عالی تربیتی قضایی نامیده می‌شد- به دستور آیت الله دکتر شهید بهشتی (ره) و حجت الاسلام والمسلمین دکتر شهید باهنر (ره) و اساس نامه‌ای که به تایید شورای عالی انقلاب آن زمان رسیده بود پایه گذاری کردند که مدیریت ایشان قریب به سی سال تا پایان عمر شریف شان ادامه داشت.

۵. نتیجه گیری

از محتویات این مقاله نتیجه گیری می‌شود افرادی در این دنیا می‌توانند زندگی خود را وقف مبارزه، جهاد و خدمت به مردم و جامعه می‌کنند که حضرت ایت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) یکی از این نمونه‌های بارز بودند با همت مضاعف و کار مضاعف ذخیره پر باری برای دنیای فانی و آخرت خود اندوخته نمودند - یادش گرامی باد و روحش شاد - بدون تردید نکات ارزنده و ارزشمندی از سجایای اخلاقی، رفتاری و کاری می‌توان آموخت که با به کارگیری آنها در راه خدمت به مردم و جامعه موفقیت خوبی کسب خواهد شد. این نکات به شرح زیر خلاصه شده اند:

❖ اندیشیدن بیش از خود و نگاه به آینده.

❖ به کار گیری ایده ها، ابداعات و ابتکارات علمی و عملی و خلاقیت ودور

اندیشی .

- ❖ همت بلند و خستگی ناپذیر، خدمتگذاری، ایثار گری، تلاش و کوشش فراوان.
- ❖ اقدام به کارهای عام المنفعه و کمک به اقشار کم درآمد و حقوق بگیر.
- ❖ مبارزه، جهاد، حرکات سیاسی مناسب، خدمت رسانی، تمرکز در اجرای کارهای مختلف، مشارکت و تصمیم گیری جدی قاطع.
- ❖ ورود و آشنایی به عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.
- ❖ عدم تظاهر و ریا کاری، رعایت موازین اسلامی و وجود خود راوقف دیگران کردن، مانند پروانه گرد شمع سوختن و دستگیری از مستمندان.
- ❖ تسلط به اخبار و علوم روز دنیا، خدایی و خداترس، چشم از حرام پوشاندن و گوش به سخنان افراد صالح دادن، دوری و پرهیز از غیبت و بدگویی دیگران، پشتکار زیاد و زندگی زاهدانه.
- ❖ نظم کاری، وارستگی اخلاقی، هدایت و رهبری، آگاه به همه امور و تیز هوش در تصمیم گیری و تصمیم سازی، دیانت و تقوی، امین، کاردان و شایسته، مسئولیت پذیر، کارگشایی و کاردانی، تیز هوشی و تیز بینی، قاطعیت و جدیت در کار.
- ❖ عالم وارسته، خلوص نیت، ادب، تواضع و فروتنی، نظم و برنامه ریزی، ساده زیستی، تکریم ارباب رجوع، بردباری و صبر، روحانی با اطلاعات روز دنیا، سخت گیری در مخارج بیت المال، وسعت نظر، ولایت مداری.
- ❖ پشتیبانی از کارهای تحقیقاتی و پژوهشی، ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه، نظم و آرامش در تصمیم گیری، رضای خدا و خدا محوری در کارها، رفتار، اندیشه و برخوردها، روحیه گذشت و فداکاری، احترام به علم و عالم، صمیمیت و دوستی، راز داری و حفظ حرمت‌های انسانی و اشخاص بخصوص

- استادان، دانشجویان و کارمندان، مدیریت قاطع و محوری، صداقت کلام، برخورد با متانت در مقابل تندى ها، مخلص، آشنا به مبنای معماری و مهندسی و استفاده بهینه از نظرات کارشناسی در این مقوله، تقوا، ایمان و اخلاص و محبت به اهل بیت(ع)، راسخ و استوار برنامه ریزی برای صدها سال آینده، خدمت به مادر و همسر، رستگاری در تعلیم و تربیت، پرهیز از سیاست زدگی، پاسخگو بودن در هر شرایط، سعه صدر. مناعت طبع و قناعت نفسانی.
- ❖ متواضع، خود شناس، عاشق اسلام و مکتب اهل بیت، خیر اندیش و روشن بین، پرهیز از خودنمایی و هیاهو، استقلال فکری و تلاش برای توسعه و پیشرفت علمی جامعه، بصیرت و دانایی، صفا، پاکی و خدمت بدون چشم داشت، خوشرویی، صمیمیت و خیرخواهی، بی رغبتی به نام و نان، عدم دلبستگی به این و آن و در واقع خدا شناس و خدا ترس.

منابع و مراجع

- ۱- بیانیه و پیام تسلیت حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۵.
- ۲- یاد نامه حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی(ره)، " سیری در زندگی مرحوم حضرت آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی، انتشارات دانشگاه قم، زمستان ۱۳۸۸.
- ۳- قسمتی از بیانات حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در وصف شخصیت و خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.
- ۴- قسمتی از بیانات حضرت آیت‌الله مؤمن عضو هیئت امناء دانشگاه قم در وصف شخصیت و خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.
- ۵- قسمتی از بیانات حضرت آیت‌الله رضا استادی امام جمعه موقت قم در وصف شخصیت و خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.
- ۶- قسمتی از توصیفات جناب آقای احمد قاضی فرزند برومند ایشان در وصف خصوصیات اخلاقی و مدیریتی حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.
- ۷- قسمتی از بیانات جناب آقای دکتر مؤدب معاون پژوهشی دانشگاه قم در وصف شخصیت و خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.
- ۸- قسمتی از بیانات حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید احمد رضا شاهرخی در وصف شخصیت و خصوصیات بارز حضرت آیت‌الله قاضی خرم‌آبادی بعد از فوت ایشان، ۱۳۸۸.

اسوه همت و کار مضاعف: آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی (ره)

دکتر مرضیه مصطفوی*

چکیده:

مقاله حاضر به رفتار شناسی روحانی عالیقدری می‌پردازد که مقام عظمای ولایت، حضرت امام خامنه‌ای مدّ ظله العالی وی را به اوصافی همچون روحانی پر تلاش و متبکر، شخصیتی کم نظیر در جامعه روحانیت و حوزه‌های علمیّه و روحانی دانا و توانا، ستودند.

این مقاله در سه بخش تنظیم شده است؛ بخش اول با عنوان «تربیت دینی و زهد و ایثار» دارای فرازهای برجسته: تحصیل علوم دینی تا اجتهاد، یاد کثیر خداوند، تسلط بر نفس، مجاهدت و تلاش، ولایت مداری رمز محبوبیت، زهد و ایثار، رازداری و بردباری و تفکیک جنسیتی دانشگاه، می‌باشد. بخش دوم با عنوان «مدیریت دانشگاه» شامل مطالبی چون: عمل به وعده‌ها و مخفی کردن کارها، مشاوره با متخصصین، گذشت و قاطعیت و مدیری که همیشه در دسترس بوده و بخش آخر با عنوان «دانشگاه و انقلاب اسلامی» به دعوت از صاحب نظران جهت آگاه سازی و بصیرت بخشی به قشر فرهیخته دانشجوی در مسائل سیاسی و اجتماعی، پشتیبانی و حمایت از بسیج، حفظ آرامش دانشگاه و اتخاذ مواضع ولایت مدارانه در فتنه‌ها می‌پردازد.

کلید واژه: تربیت دینی، تقوا، تسلط بر نفس، مجاهدت و تلاش، ولایت مداری، زهد و ایثار، رازداری و بردباری، مدیریت دانشگاه، گذشت و قاطعیت، دانشگاه و انقلاب اسلامی، آیت‌الله حاج شیخ مهدی قاضی.

مقدمه:

معرفی اسوه علم و ایمان و جهاد و ایثار، مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی به نسل جوان که جویای حقایقند و به دنبال الگوهایی برای زندگی خویشند، وظیفه‌ای است سنگین بر دوش آنان که ایشان را می‌شناسند و تلاشی است کوچک برای ادای حقی که این خدمتگزار پر تلاش بر جامعه دارد تا شناخته شود و راهش پر رهرو گردد. همو که علم مانند نوری قلبش را روشن کرد و در گذار از شخصیت چند بعدی اش، همانند عبور نور از منشور، به هفت رنگ رنگین کمان کمالات ظاهر شد که خشیت، ورع و زهد و ایثار و بردباری، ولایت مداری و مدیریت همراه با گذشت و قاطعیت، از آن جمله اند.

از آنجا که مدت چهار سال توفیق تدریس در دانشگاه قم را داشته‌ام و از آغاز، چه برای جذب هیأت علمی، و چه برای ادامه کار، مورد حمایت پدران

* استادیار گروه ریاضی دانشگاه قم

ایشان واقع شدم که با ابعاد وجودی ایشان آشنا گردیدم؛ علاقه مند شدم که در نوشتاری به تبیین آنها پردازم که اکنون این فرصت فراهم آمده است.

از آنجا که تحلیل شخصیت این روحانی دانا و توانا، عالم وارسته و پارسا کاری است موقوف هدایت، از آیات پر فیض قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام در این مقال بهره‌ها جسته و به خصوص با نامه‌های امام متقین، امیر المؤمنین علی - علیه افضل صلوات المصلین - به کارگزاران شان - که به طور جالبی با عملکرد مرحوم آقای قاضی مناسبت داشت - این نوشتار مزین گردید.

۱- تربیت دینی و زهد و ایثار

در این بخش به شناسایی و تحلیل شخصیت دینی و ملکات اخلاقی ایشان خواهم می‌پردازیم.

تحصیل علوم دینی تا اجتهاد

پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله و سلم - تمام و کمال تقوا را در آن دانسته‌اند که آنچه را نمی‌دانی بیاموزی و بدانچه می‌دانی عمل نمایی.^۱ مرحوم آیت الله قاضی، عمری را در تحصیل علوم دینی و شناخت حلال و حرام خداوند و آموختن معارف اهل بیت - علیهم السلام - سپری کرد و به درجه اجتهاد نائل گردید و از محضر پر نور امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه درس‌های نظری و عملی بسیاری آموخت.

او اخلاص و ساده زیستی و مبارزه با طاغوت و خدمت به محرومان و پایه گذاری نهادهای اسلامی برای پرورش دینی و علمی نسل جوان و ... را از امام راحل آموخت و تا

آخرین لحظات حیات طیبه خویش به کار بست و در اجرایی ساختن آموخته‌های خود، پی گیر و پرتوان در همه صحنه‌ها، حضوری مبارک داشت.

یاد کثیر خداوند

لحظه‌های عمرش با یاد خدا و ذکر کثیر گذشت؛ آن گونه که حضرت امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «مشکل ترین کارها سه چیز است: اینکه در رابطه خودت با مردم به انصاف رفتار کنی تا جایی که نپسندی برای خویش مگر آنچه را که برای آنان می‌پسندی، و به برادر دینی خود در امور مالی یاری رسانی، و به یاد خدا بودن در هر حال. و به یاد خدا بودن آن نیست که فقط «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بگویی، بلکه منظور این است که هر گاه کاری برایت پیش آمد که خدا از آن نهی فرموده است رهاش سازی.»^۱ او در همه امور با اجتهادی که حاصل سال‌ها تعلّم و تحقیق و تفکر در علوم دینی و فقه جعفری - علیه آلا ف التحیه و السلام - بود، تصمیم می‌گرفت و عمل می‌کرد. دیدنش یاد خدا را در دل آدمی زنده می‌کرد و آرامشش خبر از اطمینان قلبی او به خداوند می‌داد.

تسلط بر نفس

هیچ گاه خشم و غرور و تعدی از حدود الهی از او دیده نشد و مصداق بارز فرموده امیر المؤمنین - علیه افضل صلوات المصلین - به مالک اشتر - سلام الله علیه - بود که «باد غرورت، جوشش خشم، تجاوز دست و تندی زبانت را در اختیار گیر و با پرهیز از

۱- أَشَدُّ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةً: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْضَى لَهَا شَيْءٌ مِنْهُمْ إِلَّا رَضِيَتْ لَهُمْ مِنْهَا مِثْلَهُ وَمُؤَاسَاةُكَ الْآخَ فِي الْمَالِ وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَلَيْسَ أَنْ تَقُولَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَقَطْ وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَنْهُ تَرَكْتَهُ (امالی شیخ مفید، ۱۹۳)

۱- تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جَهِلْتَ وَتَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتَ (تنبيه الخواطر، ۲، ۱۲۰)

شتابزدگی و با فرو بردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم تو فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد و تو بر نفس مسلط نخواهی شد مگر با یاد فراوان قیامت و بازگشت به سوی خدا.^۱

ریاست دانشگاه ما یک عالم وارسته بود که کلامی دروغ از او شنیده نشد و از حرام پرهیز داشت و برای همه مردم به خصوص جوانان متدین و درس خوان و ولایت مدار و مسئولین خدمتگزار و صادق فروتنی می کرد؛ همان گونه که پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: «ای علی! دانشمند، سه نشانه دارد: راستگویی، حرام گریزی و فروتنی در برابر همه مردم.»^۲

مرحوم آیت الله قاضی، کم سخن می گفت و اگر می خواست سخنی بگوید چنان سنجیده و بی توقع از تعریف و تمجید دیگران، طرفداری از حق می کرد که گویی در محضر احکام الحاکمین و در صحنه قیامت ایستاده است و پاسخگوی اعمال و گفتار خویش است. همچنان که امیر المؤمنین - علیه السلام - فرمودند: «هر کس بداند که گفتار او نیز از اعمال او به حساب می آید، جز به ضرورت سخن نمی گوید.»^۳

آیه شریفه «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۴ بر روی دیوار مقابل میز کارش نصب شده بود تا تذکاری باشد برای خود و مراجعین، و توجه داشته باشند که هر سخن و اظهار نظری در کارنامه اعمال ثبت و ضبط می شود.

مجاهدت و تلاش

این خدمتگزار پرتلاش، در تمام عمر، تن و روان و مال و آبرو و هر چه داشت را در خدمت اسلام به کار گرفت و تا آخر حیات مبارکش، استراحت و راحت طلبی را بر خدمت، ترجیح نداد. با کهولت سن و با وجود این که هفته ای سه بار دیالیز می شد، هر روز رأس ساعت، کار خود را آغاز می کرد و از هدر دادن حتی یک لحظه از عمر خود دریغ داشت؛ آنچنان که مولای متقیان - علیه السلام - فرموده اند: «نفس خود را در حالی که امیدوار به پاداش الهی بوده، از کیفر او هراسناک هستی، به انجام آنچه خداوند بر تو واجب نموده است وادار ساز. و بدان که دنیا سرای آزمایش است که هر کس لحظه ای در آن فراغت یابد و دست از کار بکشد، همین لحظه بی کاری، موجب حسرت و پشیمانی او در قیامت خواهد شد. و بدان که هیچ چیز تو را از حق بی نیاز نخواهد ساخت. از جمله حقوقی که بر تو واجب است، کنترل هوس های خویش و مواظبت رعایا و رسیدگی توأم با تلاش به کارهای آنهاست. در این راه آنچه از منافع، عاید تو می شود، برای تو از مشکلات و ناراحتی هایی که متحمل می گردی، به مراتب سودمندتر است.»^۱

درباره آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» از امام به حق ناطق حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - سؤال شد، فرمودند: «خداوند اطاعت شود، پس

۱- وَابْتَدَلَ نَفْسَكَ فِيمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ رَاجِعاً ثَوَابَهُ وَ مُتَخَوِّقاً عِقَابَهُ وَ اعْلَمْ أَنَّ الدُّنْيَا دَارُ بَلِيَّةٍ لَمْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا فِيهَا قَطُّ سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرَعَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَنَّهُ لَنْ يُغْنِيَكَ عَنِ الْحَقِّ شَيْءٌ أَبَدًا وَ مِنَ الْحَقِّ عَلَيْكَ حِفْظُ نَفْسِكَ وَ الْإِحْسَابُ عَلَى الرَّعِيَةِ بِجُهِدِكَ فَإِنَّ الَّذِي يَصِلُ إِلَيْكَ مِنْ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ الَّذِي يَصِلُ بِكَ وَ السَّلَام

(نهج البلاغه، نامه ۵۹، ۵۹۷)

۲- ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۹۱

۲- یا علی، و لِلْعَالَمِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: صِدْقُ الْكَلَامِ، وَ اجْتِنَابُ الْحَرَامِ، وَ التَّوَاضُّعُ لِسَائِرِ الْأَنَامِ.

(تحریر المواعظ العددیه، ۲۳۲)

۳- مَنْ عَلِمَ أَنَّ كَلَامَهُ مِنْ عَمَلِهِ قَلَّ كَلَامُهُ إِلَّا فِيمَا يَغْنِيهِ (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۹، ۷۱۳)

۴- سورة مبارکه ق آیه شریفه ۱۸

معصیت نشود. و یاد کرده شود، پس فراموش نگردد. و شکرگزاری شود، پس ناسپاسی نشود.^۱

و به راستی آیت الله قاضی به دنبال اطاعت و فرمانبرداری از حق تعالی بود، مخالفتی با امر او نداشت و زندگی اش سرشار از یاد و عشق خدا بود و شکر نعمت‌های او.

ولایت مداری رمز محبوبیت

وی حقیقتاً محبوب خدا بود چرا که تقوا را در همه شؤون زندگی اش رعایت کرد و اطاعت از خدا و پیامبر و ائمه معصومین -علیهم السلام- و ولیّ فقیه را سرلوحه تمام امورش قرار داد که «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ».^۲

و چقدر مورد علاقه امام امت و رهبر عظیم الشان بود که مرادوات وی باحضرت امام و نامه‌های تبادل شده میان ایشان - که به همت ستاد بزرگداشت سالگرد وفات آیت الله قاضی در حال انتشار است - و نیز پیام تسلیت سراسر مهر و محبت و تکریم رهبر معظم انقلاب، بیانگر آن است.

در مراسم تشییع پیکر پاکش، ما شاهد عشق و ایمان مردمی بودیم که از زادگاهش خرم‌آباد به ارض اقدس قم آمده بودند و عاشقانه گرد او جمع شده و در فراقش اشک می‌فشانند.

صدها دانشجو و استاد و کارمند دانشگاه نیز که در این مراسم از سر ارادت و برای ادای حقی که بر گردن همه داشت، شرکت نموده، با تأسف و با شگفتی از عظمت

(سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه ۱۰۲)

۱- سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» قَالَ يُطَاعُ فَلَا يُعْصَى وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَى وَ يُشْكَرُ فَلَا يُكْفَرُ (وسائل الشیعه، ۱۵، ۲۳۵)

۲- سوره مبارکه آل عمران آیه شریفه ۳۱

شخصیت مخفی او، شاهد تدفین عزّت مندانه اش در مسجد بالا سر ضریح مطهر کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه -علیها السلام- در جوار علامه شهید مطهری -رحمت الله علیه- دوست و هم مبارزه و هم درسش - بودند که به دستور مقام معظم رهبری صورت پذیرفته بود.

به راستی با چه چیز جز تقوا می‌توان به نهایت خشنودی خداوند رسید؟

امام متقین حضرت امیر المؤمنین -علیه افضل صلوات المصلین- فرمودند: «به تحقیق، تقوا نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش می‌باشد. پس از خدایی پروا کنید که اگر پنهان کنید می‌داند و اگر آشکار کنید می‌نویسد».^۱

آیت الله قاضی به اذعان همه علماء و بزرگان، عالمی با تقوا و طهارت بلکه دارای ورع و وارستگی از زخارف و تعلقات دنیا بود.

زهد و ایثار

حضرت آیه الله قاضی، از اسراف و تجملات روی گردان بود. اتاق کارش بر اتاق‌های دیگر دانشگاه، هیچ مزیتی نداشت. میز و صندلی و مبل ریاست در اتاقش دیده نمی‌شد. در خرید تلفن و میز و صندلی دیگر مسئولین و استادان نیز به حد اقل ممکن رضایت می‌داد و اگر کسی به صندلی راحت تری نیاز داشت، می‌بایست خودش تهیه کند و به دانشگاه ببرد. گویی فرمان امیر مؤمنان -علیه السلام- به کارگزارانش در گوش جاننش طنین افکن بود که «اسراف را رها کن و میانه روی را پیشه ساز. و در امروز به فکر

۱- إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَ حَاجَتُهُ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنْ أَسْرَرْتُمْ عِلْمَهُ وَ إِنْ أَعْلَنْتُمْ

کَتَبَهُ (غررالحکم، ۲۶۹)

فردا باش و از اموال دنیا به مقدار ضرورت برای خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازت (قیامت) از پیش بفرست.»^۱

در عین حال، ایشان در ساختن مسجد دانشگاه و سایت و دانشکده‌ها و خانه فرهنگ و ... زیباترین نقشه و بهترین مصالح، با نهایت استحکام را به کار می‌گرفت تا از بیشترین جلوه‌های هنری و جذابیت و اِتقان کافی برخوردار باشند و خود نیز مورد محبت و دوستی خداوند؛ همان گونه که رسول اعظم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرموده اند: «به راستی خداوند متعال دوست می‌دارد که هر گاه یکی از شما کاری انجام داد، آن را متقن (محکم و کامل و دقیق) انجام دهد.»^۲

گذشتن از خود و مقدم داشتن دیگران، شجاعتی بزرگ می‌طلبد و این مهم جز از روح‌های بزرگ و پاک سر نمی‌زند؛ چه ایتار مالی، چه جانی! خودمحوری سدّ راه ایتار است. تعلّقات و وابستگی هم آفتی خطرناک برای رشد خصلت‌های کمال گراست. برادری در سایه ایتار معنی می‌یابد. ایتارگر کسی است که در عین نیاز، دیگری را بر خود مقدم می‌دارد و در عین خستگی، کارهای دشوار را بر عهده می‌گیرد و فداکارانه به خاطر خدا، به نفع مردم از حق شخصی خویش می‌گذرد. ایتارگری، وارستگی از وابستگی هاست.^۳

آیت الله قاضی دارای طبع بلند و سخاوت و شجاعت بود و ایتار رویه زندگی اش گشته بود. از ثروتی که از پدر به ارث برده بود، برای پیروزی انقلاب اسلامی و رفع

رنج و محرومیت پابرهنگان و ساخت مراکز علمی و آموزشی حوزه و دانشگاه استفاده کرد؛ بدون این که گذشت بر ایشان ناگوار و سخت باشد.

او در دو دهه ریاست دانشگاه، یک ریال حقوق دریافت نکرد و در زمان جنگ با قطع بورسیه ها، آن را از درآمد شخصی خویش به دانشجویان کارشناسی ارشد می‌پرداخت و دانشگاه را همچنان توسعه می‌داد.

به یقین ریشه دار بودن و اصالت خانوادگی زمینه این فضایل می‌باشد همان گونه که امام ایتار و سخاوت حضرت امیر المؤمنین - علیه السلام - به مالک اشتر - سلام الله علیه - نگاشتند: «سپس روابط خود را با افراد باشخصیت و اصیل و خاندان‌های صالح و خوش سابقه برقرار ساز. و پس از آن با مردمان شجاع و سخاوتمند و افراد بزرگوار؛ چرا که آنان همه بزرگواری را در خود جمع کرده‌اند و نیکی‌ها را در خود گرد آورده اند.»^۱

میزان توسعه‌ای که اکنون دانشگاه قم یافته است، با بودجه دولتی امکان پذیر نبود و ریاست آن، با کمال اخلاص و دلسوزی و احساس مسئولیت، از ثروت خود و خیرین استفاده کرد، بدون هیچ گونه چشمداشت و در نهایت اخلاص .

رازداری و بردباری

امام رؤوف حضرت علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - فرموده اند: «مؤمن، مؤمن نباشد تا سه خصلت داشته باشد: روشی از پروردگارش، روشی از پیغمبرش و روشی از امامش؛ روش پروردگارش رازداریست؛ خدای عزّ و جلّ فرموده: «دانای غیب

۱- فَدَعَ الْإِسْرَافَ مُقْتَصِدًا وَادَّكَّرَ فِي الْيَوْمِ غَدًا وَامْسِكْ مِنَ الْمَالِ بِقَدْرِ ضَرُورَتِكَ وَقَدِّمِ الْفَضْلَ لِيَوْمِ

حَاجَتِكَ (نهج البلاغه، نامه ۲۱، ۵۰۱)

۲- إِنْ اللَّهُ تَعَالَى يُجِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ (نهج الفصاحه، حکمت ۷۴۶)

۳- اخلاق معاشرت، ۱۲۲

۱ - ثُمَّ الصَّقْ بِذَوِي الْمُرُوءَاتِ وَالْأَخْسَانِ وَأَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالسَّوَابِقِ الْحَسَنَةِ ثُمَّ أَهْلَ النَّجْدَةِ وَالشَّجَاعَةِ وَالسَّخَاءِ وَالسَّمَاحَةِ فَإِنَّهُمْ جَمَاعٌ مِنَ الْكَرَمِ وَشُعَبٌ مِنَ الْعُرْفِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۷۵)

است و به غیب خود آگاه نسازد مگر فرستاده‌ای را که پسندد.» (سوره جن، آیات ۲۶ و ۲۷)

و اما روش پیغمبرش مدارا و سازش با مردم است؛ زیرا خدای عزّ و جلّ پیغمبر خود را به مدارا با مردم فرمان داد و فرمود: «اعتدال و میانه روی را بگیر و به نیکی امر کن و از مردم نادان روی بگردان.» (سوره اعراف، آیه ۱۹۹)

و اما روش امامش، شکیبایی است در تنگی و سختی که خدای عزّ و جلّ می فرماید: «و صابران در تنگی و سختی از زمره اهل برّ و نیکی هستند.» (سوره بقره، آیه ۱۷۷)^۱

خداوند بیش و پیش از هر کس از اعمال و حالات و رفتار و عیوب و گناهان بندگانش با خبر است، اما حلم و بردباری و پرده پوشی و رازداری او بیش از همه است. افشای اسرار، نشانه ضعف نفس و اراده، و کتمان راز، دلیل قوّت روح و کرامت نفس است و ظرفیت شایسته و بایسته یک انسان را می‌رساند. نگهبانی از راز مردم و راز نظام هم از تکالیف اجتماعی است.^۲

۱- لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ؛ فَالسُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ كِتْمَانُ سِرِّهِ؛ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ.»
وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُدَارَاةُ النَّاسِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهِ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ وَقَالَ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»
وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ عَلَى الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبِئْسَاءِ وَالضَّرَاءِ»

(بحار الانوار، ۷۴، ۶۹)

۲- اخلاق معاشرت، ۱۲۷-۱۲۶

آیت الله قاضی در جریان اسرار بسیاری بود اما سینه اش صندوق رازها و در بیان و افشای آنها ساکت و خاموش بود. فقط وقتی با خود افراد صحبت می‌کرد، متوجه می‌شدند که ایشان خیلی چیزها می‌داند ولی لب فرو بسته است.

شرح صدر و صبوری اش، داد از نهاد آدمی بر می‌آورد که مگر یک انسان چقدر تحمل دارد؟!

بعضی غریزدگانی که دین‌مداری اش را نمی‌پسندیدند، وی را مورد تمسخر قرار داده و ریاستش را وهن می‌پنداشتند؛ اما بعد از وفاتش معلوم شد چقدر بصیرت و تیزبینی داشت و چقدر بزرگواری و با وقار و متانت بود که از کنار این همه می‌گذشت و با ایشان مقابله نمی‌کرد.

ادب در معاشرت، میزان رشد و شعور انسان است و هر کس به اندازه‌ای می‌ارزد که ادب دارد. وقتی می‌توان با ادب دل‌ها را خرید و هنگامی که ادب داشتن، نشانه ایمان و وسیله تقرّب به خدا و محبوبیت نزد خالق و خلق است، چرا از سنت رسول خدا -صلی الله علیه و آله و سلّم- و سیره اولیاء دین -سلام الله علیهم اجمعین-، ادب نیاموزیم؟^۱

در جلسات متعددی که با اساتید گروه‌های مختلف داشت، بارها مورد انتقاد صریح آنها قرار می‌گرفت که اگر حق با آنها بود، فوراً می‌پذیرفت و اگر ناحق بود، با پاسخی مختصر و یا یک شوخی لطیف، از کنار آن می‌گذشت و هیچ کس ترس و واهمه‌ای از برخورد تلافی جویانه وی نداشت که نظر خود را مخفی کند و نگوید. ایشان همیشه از این جلسات استقبال می‌کرد. همچنان که حضرت امیر -علیه السلام- به مالک اشتر -سلام الله علیه- وقتی او را به استانداری مصر منصوب نموده بودند -نوشتند: «افرادی را که در حق

گویی از همه صریح ترند و در آنچه که خدا برای دوستانش نمی‌پسندد تو را مددکار نباشند، انتخاب کن؛ چه خوشایند تو باشد چه ناخوشایند.

تا می‌توانی با پرهیزگاران و راستگویان پیوند و آنان را چنان پرورش ده که تو را فراوان نستایند و تو را برای ترک اعمال نادرست، تمجید نمایند؛ که ستایش بی اندازه، خودپسندی می‌آورد و انسان را به سرکشی و می‌دارد.^۱

۲- مدیریت دانشگاه

در این بخش مدیریت آیه الله قاضی در دانشگاه قم مورد بررسی قرار گرفته است.

عمل به وعده‌ها و مخفی کردن کارها

در این چند سالی که توفیق تدریس در این دانشگاه را داشته‌ام، هرگز نشنیدم که آیت الله قاضی وعده‌ای داده باشد که جامه عمل بدان نبوشاند. مراجعین را نه با وعده‌های بی اساس، بلکه با دستور صریح و پی‌گیری امورشان، خرسند و دلشاد می‌کرد و در مراجعات بعدی به خوبی به خاطر داشت که چه دستوری صادر کرده بود و چه کاری باید پی‌گیری بیشتری شود تا به سرانجام برسد. و تمام این خدمات به دور از منت گذاری و به رخ کشیدن و زیاد شمردن بود؛ چرا که می‌دانست امام موحّدان حضرت علی - علیه السلام - فرموده اند: «منت نهادن، احسان را باطل می‌کند و کاری را زیاد شمردن، نور حق را

می‌برد و خلاف وعده عمل کردن، خشم خدا و مردم را برمی‌انگیزد که خدای تعالی فرمود: «نزد خدا سخت مورد خشم است که چیزی را نگویند که انجام نمی‌دهید.»^۱

و نیز فرموده اند: «هیچ یک از واجبات الهی به عظمت وفای به عهد نیست که مردم همه - با تمام پراکندگی‌ای که در تمایلات و نظرات دارند - بر آن اتفاق نظر دارند.»^۲

در زمانی که بعضی مسئولین بیشتر دوست دارند وعده بدهند و به کارهای نکرده ستوده شوند، ریاست دانشگاه قم هیچ گاه در بیان سوابق مبارزاتی خود و خدمات ارزنده اش، سخنرانی نکرد و ایثارها و خدماتش را به رخ مردم نکشید و کارهایش را بزرگ نشمرد و به جز یک مصاحبه کوتاه در اواخر عمرش - که آن هم پس از رحلتش پخش شد - در رسانه‌ها به تعریف از خود نپرداخت و شاید اگر می‌کرد، چنین مظلوم و ناشناخته نمی‌ماند و اگر نبود پیام کم نظیر رهبر معظم انقلاب و سخنان دوستان وی، عظمت شخصیت و زحمات بی شمار او همچون گنجی مخفی پوشیده می‌ماند.

مشاوره با متخصصین

با متخصصین علوم مختلف و صاحبان فنون مشاوره می‌کرد و تصمیم می‌گرفت. برای نظارت بر توسعه دانشگاه، شخصا روزهای فرد به کارگاه عمرانی می‌رفت و تک تک مهندسین و طراحان و معماران، نقشه کار خویش را بر روی میز کارش می‌گشودند و برایش توضیح می‌دادند و او به دقت گوش فرا می‌داد و نظر و مطلوب

۱ - فَإِنَّ الْمَنَّ يَبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَ التَّزَيُّدُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَ الْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ؛ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۹۱)

۲ - فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعًا مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشْتَتِ آرَائِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۸۷)

۱ - ثُمَّ لَيْكُنْ أَثَرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمِرِّ الْحَقِّ لَكَ وَ أَقَلَّهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ وَ أَقْبَعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ وَ الصَّقُّ بِأَهْلِ الْوَرَعِ وَ الصَّدَقِ ثُمَّ رَضُّهُمْ عَلَى الْأَيُّرُوكِ وَ لَا يَبْجَحُوكَ بِبَاطِلٍ لَمْ تَفْعَلْهُ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْإِطْرَاءِ تُحْدِثُ الزَّهْوَ وَ تُدْنِي مِنَ الْعِزَّةِ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۷۱)

خویش را به ایشان سفارش می کرد. حتی در روزهای زوج نیز گاهی میز کارش پر از نقشه های مهندسين دانشگاه بود که نشان می داد بر آنها نظارت دقیق دارد.

روزی در اتاقش به انتظار ایستاده بودم. مهندسی روی نقشه، راه های منتهی به مسجد دانشگاه را نشان می داد. همچون پدری مهربان توضیحاتش را شنید و گفت: «همه راه هایی که نشان دادید از آموزش و سایت و قسمت اداری به مسجد در نظر گرفته اید. راهی مستقیم هم بسازید که اگر دانشجویی وارد دانشگاه شد و خواست اول نماز بخواند، بتواند بدون این که مجبور باشد از آموزش عبور کند، به مسجد برود و بعد به کلاس درسش.»

برای تجهیز دانشگاه نیز با متخصصین متعهد و دانش آموختگان در بالاترین سطح در هر رشته ساعت ها گفت و شنود می کرد و نیازهای آنان را می شنید و دستور مقتضی را صادر می نمود. بارها شاهد بودیم که به محض این که یقین می کرد کدام یک از تجهیزات آزمایشگاه ها و سایت ها و قسمت های اداری، ضروری تر است، فوراً دستور خرید می داد و پی گیری می نمود.

همچنان که امیر المؤمنین - علیه افضل صلوات المصلین - به کارگزار خویش فرمودند: «درباره اموری که به وسیله آن وضع شهرهای اصلاح شود و آنچه موجب قوام کار مردم پیش از تو بوده است، با دانشمندان، فراوان گفت و گو کن و با حکیمان، بسیار بحث نما.»^۱

از طرفی در اداره امور، هوشیارانه و قاطعانه، استوار بود و رخوت و کسالت و تنگ حوصلگی و بی تفاوتی و بی مسؤولیتی در وجودش راه نداشت؛ بلکه روحیه تلاشگری و دلسوزی و مسؤولیت پذیری از او مدیری توانمند با اهداف بلند ساخته بود.

۱- وَ أَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَنْبِيهِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ بِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ۵۷۳)

هدف او از ریاست، لذت جویی و یا سلطه گری و تبختر نبود، بلکه در پی عزت اسلام و ایران اسلامی و پیشرفت مملکت امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بود.

سید الاوصیاء علی مرتضی - علیه آلف التحیه و الثناء - در نامه ای به عبدالله بن عباس نگاشتند: «مواظب باش که بهترین چیز نزد تو، رسیدن به لذات دنیا و یا انتقام گیری و خنک کردن دل نباشد؛ بلکه باید خاموش کردن باطل و یا زنده کردن حق باشد.»^۱

گذشت و قاطعیت

ایشان در مواجهه با اشتباهات دانشگاهیان، واقعاً بزرگوار و با گذشت بود، مخصوصاً در مورد حق شخصی خود. اما اگر این اشتباهات ضرری را متوجه جمع می کرد تذکر می داد. و در مواردی که حق الناس مطرح بود، قاطعیتی شبیه شهید دکتر بهشتی داشت؛ که اینان در مکتب امام مدارا و عدالت، حضرت امیر - علیه السلام - درس آموخته اند که فرمود: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن. اما آنجایی که جز با شدت عمل، کار از پیش نمی رود، شدت را به کار بند.

پر و بالت را برای مردم بگستر و با مردم گشاده رو و فروتن باش و در نگاه و اشاره چشم و در سلام کردن، میان آنها مساوات را رعایت کن تا عظماء و دانه درشت ها، در تبعیض و ظلم طمع نورزند و ضعفاء از عدالت تو مأیوس نگردند.»^۲

۱- فَلَا يَكُنْ أَفْضَلَ مَا نَلْتَ فِي نَفْسِكَ مِنْ دُنْيَاكَ بُلُوعٌ لَذَّةٍ أَوْ شِفَاءٌ غِظٍ وَلَكِنْ إِطْفَاءُ بَاطِلٍ أَوْ إِحْيَاءُ حَقٍّ (نهج البلاغه، نامه ۶۶، ۶۰۷)

۲- وَ أَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَرِمَ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ وَ اخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ أَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ أَسْ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَ النَّظَرَةِ وَ الْإِشَارَةِ وَ التَّحِيَّةِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظَمَاءُ فِي حَيْفِكَ وَ لَا يَبْتَاسَ الضَّعَفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ (نهج البلاغه، نامه ۴۷، ۵۵۹)

مدیری همیشه در دسترس

آیت الله قاضی در تمام مدت ریاستش، دفتردار و منشی نداشت و دفترش همواره به روی مراجعین گشوده بود. مراجعین به ترتیب وارد می شدند و مطلب خود را شخصاً با ایشان در میان می نهادند.

او خود را وقف دانشگاه کرده بود و تمام امور مربوط به وزارتخانه و نهادهای دیگر را به فردی مورد وثوق سپرده بود که مرتب به حضورش می رسید و گزارش می داد و تصمیمات وی را اجرا می نمود.

به علاوه، در بیشتر مراسم و همایش ها و نمایشگاه ها شخصاً حاضر می شد و ساعتی در بین جوانان - و نه در جایگاه ویژه - می نشست و سپس آرام جلسه را ترک می کرد.

در عین جدیت در کارها، بسیار نرم خو و مهربان بود؛ همان گونه که امام مؤمنان فرموده اند: «با مردم فروتن باش، و با مردم نرم خو و مهربان باش، و با مردم گشاده رو باش.»^۱ برخلاف بعضی که وقتی برای شنیدن حرف های مردم ندارند، وی گوشی شنوا و حوصله ای بسیار داشت و همیشه قابل دسترسی بود. او دلداری دهنده و توصیه کننده به صبر و تحمل بود، اما به این زودی ها قضاوت نمی نمود و عجله نمی کرد؛ بلکه با تأنی و فکر و گذشت زمان، و پس از روشن شدن امور، معضلات را با سرانگشت تدبیر و قدرت خود می گشود و بن بست ها را می شکست.

تفکیک جنسیتی دانشگاه

در تفسیر آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲ مردان، تکیه گاه محکم زنان در جامعه و سرپرست ایشان در خانواده معرفی شده اند.

قوام آن میله یا چوبی است که درخت انگور یا گل های رونده، به آن تکیه کرده، رشد می کنند.

از نظر اسلام، مرد وظیفه شناس، محافظ رکن محکم خانواده است که زن در سایه حمایت او، با آرامش زندگی می کند و در جامعه حضور می یابد و به وظایف الهی - اجتماعی خویش قیام می کند.

در این که زن نیز پشتیبان و باعث آرامش و دلگرمی و اطمینان خاطر مرد می باشد، شکی نیست؛ اما مسلماً تعلیم و تربیت زنان فرهیخته و دانشوران متعهد در همه عرصه های علم و فن آوری، در گرو امنیت و سلامت روانی جامعه و اقتدار حکومت دینی است که نتیجه تلاش و مدیریت مردان مرد است.

امروز به برکت نهضت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و روحانیت مبارز و مجاهدت امت مسلمان ایران و ایثار، شهادت، جانبازی و اسارت صدها هزار جوان برومند، در طول انقلاب و دفاع مقدس، زمینه رشد و تعالی زنان فراهم شده است و هم اکنون حدود ۶۵ درصد دانشجویان دانشگاه ها را دختران تشکیل داده اند. و دانش آموختگان بسیاری در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری تخصصی، از بانوان، به تدریس در دانشگاه ها مشغولند.

روزی پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله و سلم - از حضرت زهراء - علیها السلام - پرسیدند: «أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟ چه چیزی برای زن بهتر است؟» ایشان عرض کردند: «أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ»، این که مردی را نبیند و مردی نیز او را نبیند. پیامبر اعظم - صلی الله علیه و آله و سلم - از این پاسخ بسیار خشنود گردیدند و او را در آغوش گرفته فرمودند: «خاندانی که برخی از آنها از بعض دیگرند.»^۲

۱- سوره مبارکه نساء آیه شریفه ۳۴

۲- بحار الانوار، ۴۳، ۸۴

۱- فَأَخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَالْإِنُّ لَهُمْ جَانِبَكَ وَابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ۵۰۹)

این حدیث شریف در کنار سیره خود حضرت زهراء - علیها السلام - و دختر گرامی شان حضرت زینب کبری - سلام الله علیها - که در حساس ترین مقاطع تاریخی در کنار ولی معصوم، جانانه به نصرت دین همت گماشتند و در سخت ترین صحنه ها، با تمام توان از امام خود دفاع کردند چه معنایی دارد؟

قطعاً این حدیث شریف سمت و سوی فعالیت های اجتماعی و علمی و سیاسی زنان را مشخص می نماید که حضور مؤثر زن در جامعه همراه با یاد خدا و پاسداشت حدود الهی و هر چه کمتر نمودن ارتباط با نامحرم و به حد ضرورت بسنده کردن، رنگ خدایی دارد که «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»^۱

و زنان بزرگ در تاریخ پر افتخار شیعه، با طهارت و تقوا، وقار و عفت، به ایفای نقش تعیین کننده خود پرداخته اند.

تفکیک محیط های علمی دختران و پسران و فوائد بسیاری که بر آن مترتب است چیزی است که امروزه در دنیای غرب و شرق مورد تأکید صاحب نظران فرهیخته و با تجربه قرار گرفته است و منجر به جدا سازی بعضی مدارس و دبیرستان های دختران و پسران گردیده است و آمار خود ایشان نشان می دهد که آرامش و جدیت در درس به طور قابل توجهی افزایش، و خشونت و ناراحتی های روانی و حواس پرتی و بی نظمی کاهش یافته است.

اخیراً یکی از دانشگاه های غرب، نیز به دختران اختصاص یافت که در اخبار سراسری سیما اعلام شد.

مرحوم آیت الله قاضی از ابتدا با ساخت ساختمانی که مشتمل بر خوابگاه و کلاس های درس و کتابخانه و سایت و نمازخانه و قسمت اداری می باشد، واحد خواهران

را تفکیک نمود و با جذب کارمندان و خدمات از بانوان، آن را اداره نمود و قصد داشت با جذب هر چه بیشتر دانش آموختگان متعهد از خانم ها، تدریس خواهران را نیز به طور کامل به خواهران بسپارد.

به نظر می رسد روش ایشان بهترین روش برای تعالی همه دانشگاه های کشور و اسلامی تر شدن محیط های علمی و پژوهشی است.

از اختلاط دختران و پسران در دانشگاه ها چقدر باید عشق های سرخورده و بد عاقبت و فساد و افسردگی و اعتیاد و ازدواج های نافرجام منجر به طلاق پدید آید، تا ما به این نتیجه برسیم که رعایت آنچه اسلام عزیز درباره ارتباط با نامحرم فرموده است، برای دین و دنیای ما بهترین روش، می باشد؟

جرات آیت الله قاضی در عمل به این دستور دین مبین اسلام و نرسیدن از سرزنش هیچ کس در راه خدا، واقعاً مثال زدنی است؛ که امیر مومنان فرمودند: «و در راه خدا آنگونه که شایسته است تلاش کن، و هرگز سرزنش ملامتگران تو را از تلاش در راه خدا باز ندارد. برای حق در دریای شدائد و مشکلات هر جا که باشد فرو رو.»^۱

دانشگاه قم در شهر عرش آل محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - تنها دانشگاه کشور است که از آغاز تا کنون، با تفکیک جنسیتی، آغاز به کار کرده و آرام ترین محیط دانشگاهی را داشته و در حد اقل چهار مؤلفه، سرآمد بوده است.

۱- آمار قبولی در آزمون کارشناسی ارشد دولتی و آزاد دانش آموختگان این دانشگاه بسیار بالاست.

۱- و جَاهِدْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَلَا تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَّائِمٍ وَخُضِ الْعِمْرَاتِ لِلْحَقِّ حَيْثُ كَانَ (نهج

۲- میانگین معدل‌های همه فارغ التحصیلان کارشناسی و کارشناسی ارشد واحد خواهران این دانشگاه، تعجب برانگیز است. و به همین نسبت مشروطین و اخراجی‌های این واحد، بسیار اندک است که حاکی از تلاش علمی و جدیت دانشجویان در علم آموزی و تلاش مضاعف استادان خواهر، در تدریس و ایجاد ارتباط روحی و اعتماد سازی جهت راهنمایی و مشاوره و رفع مشکلات دختران دانشجو می‌باشد و کلاس‌های درس، شاداب و دوستانه و پرفایده و صمیمی برقرار می‌گردد؛ در حالی که با وجود اختلاط، هرگز امکان چنین صمیمیتی وجود ندارد.

۳- تعداد پرونده‌های انضباطی دانشجویان، اعم از موارد اخلاقی و اجتماعی و سیاسی، با توجه به آمارهای داخلی دانشگاه، بسیار کم است.

۴- آمار ازدواج دانشجویی این دانشگاه نیز بنا بر آمار جشن‌های دانشجویی که دفتر نهاد مقام معظم رهبری در اختیار دارد، در هر سال جزء بالاترین آمارها است.

مؤلفه‌های فوق و شاید موارد مثبت دیگری باعث شد که ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، آقای دکتر احمدی نژاد در سفر هیأت دولت به استان قم در سال ۸۷، در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، به آیت الله قاضی گفتند که دانشگاه شما، رتبه اول اخلاقی را در تمام دانشگاه‌های کشور حائز گردیده و من به شما تبریک می‌گویم. و مبلغ سه میلیارد تومان جهت ساخت خوابگاه‌های خواهران در اختیار ایشان قرار دادند، که با جدیت و پی گیری آیت الله قاضی، ساخت این خوابگاه‌ها با حد اکثر سرعت ممکن و با تجهیزات کافی آغاز شد و یکی از این سه خوابگاه معظم، در تاریخ ۲۰ مهر ماه ۸۹ پذیرای دانشجویان دختر گردید و دو خوابگاه دیگر تا سال آینده به بهره برداری می‌رسد ان شاء الله تعالی.

در همین روز ریاست محترم فعلی دانشگاه قم جناب آیت الله دکتر احمد بهشتی در

مراسم نماز جماعت در واحد خواهران، بشارت دادند که مقام معظم رهبری، مبلغ قابل توجهی مخصوص واحد خواهران ارسال نموده اند.

در دیدار اعضاء بسیج اساتید با حضرت امام خامنه‌ای - مد ظله العالی - در سالروز شهادت دکتر چمران، در سال جاری توفیق حضور داشتم، پیشنهاد تشکیل دانشگاه‌های دولتی ویژه خواهران در چند استان دیگر کشور مطرح شد که معظم له آن را بسیار لازم دانستند و با آن موافقت فرمودند. این در واقع مهر تأییدی بر عملکرد مرحوم آیت الله قاضی، در تفکیک جنسیتی در دانشگاه بود که سال‌ها مورد انتقاد و نیشخند خودباختگان فرهنگ پوسیده غربی، قرار گرفته بود.

اداره دو واحد خواهران و برادران در یک دانشگاه، آن هم با یک بودجه، طبیعتاً باعث گردیده است که کمبودهای زیادی در واحد خواهران دیده شود.

به دلیل ازدیاد هر ساله دانشجویان و تنوع رشته‌های تحصیلی، در بعضی روزها در هفته، ۵۳ کلاس در واحد خواهران تشکیل می‌شود که به ناچار بعضی از اتاق‌های خوابگاه با تغییر کاربری و بدون داشتن فضای کافی برای یک کلاس، به این منظور مورد استفاده قرار گرفته اند!

به نظر ما اگر یک سیستم ساخت و سازهایی که در واحد برادران انجام پذیرفته است، برای واحد خواهران صورت می‌گرفت، وضع این واحد بهتر از این بود.

بایسته است مبلغی را که مقام معظم رهبری - دامت برکاته - جهت واحد خواهران مرحمت کرده اند، با توجه به نیازها و ضرورت‌های این واحد هزینه گردد که مسلماً توجه به نظرات استادان و مسؤولین واحد خواهران در بهره وری بیشتر مؤثر خواهد بود.

۳- دانشگاه و انقلاب اسلامی

مرحوم آیت الله قاضی در کنار ساخت و سازهای گسترده در دانشگاه قم، بودجه

قابل توجهی صرف همایش‌ها و میزگردها و سخنرانی‌های علمی، تخصصی، دینی، فرهنگی و سیاسی می‌کرد. دفاتر امور فرهنگی و فعالیت‌های قرآنی و انجمن‌های علمی و سیاسی به روز و فعال ظاهر شده و از صاحب نظران و کارشناسان مسائل مختلف دعوت به عمل آورده و ایشان موافقت می‌فرمود. گاه در یک روز، چند همایش و نشست در موضوعات مختلف برگزار می‌شد که دانشجویان با هر سلیقه‌ای جذب یکی از این برنامه‌ها می‌گردیدند.

همچنین ایشان حمایتی بی شائبه از بسیج دانشجویی داشتند و نهایت همکاری را با دفتر مقام معظم رهبری می‌نمودند به طوری که این تلاشهای روشنگرانه و بصیرت افزایی‌های سیاسی باعث گردید، این دانشگاه در فتنه سال ۷۸ و همین طور سال ۸۸ بهترین موضع گیری سیاسی را داشت و با تبعیت از مقام عظمای ولایت، با آرامش و متانت در صراط مستقیم حرکت کرد.

خود مرحوم آیت الله قاضی در مناسبت‌های مختلف با صدور بیانیه، موضع صریح و قاطعی را اعلام می‌نمود و از کنار مسائل کشور و جهان، بی تفاوت نمی‌گذشت.

مسئله این اعلام به موقع مواضع، در جهت گیری و هدایت مجموعه تحت مدیریت ایشان که دانشگاهی مورد توجه دوستان و دشمنان انقلاب بود، نقش بسزایی داشت.

خدایش رحمت کند و با اولیائش، محمد و آل محمد - صلوات الله علیهم - محشور نماید.

خدایا مارا نیز بر صراط مستقیم ولایت زنده بدار و با عشق برگزیدگانت، محمد و آل محمد، بمیران.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- اخلاق معاشرت، محدثی، جواد، نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۷، چاپ پانزدهم.
- ۳- امالی مفید، شیخ مفید، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق، چاپ اول.
- ۴- المواعظ العددیه، مشکینی، علی، الهادی، قم، ۱۴۲۴ق، چاپ هشتم.
- ۵- بحار الانوار، علامه مجلسی، محمد باقر، اسلامیه، تهران، برگرفته از نرم افزار گنجینه روایات نور
- ۶- تنبیه الخواطر، ورام بن ابی فراس، مکتبه فقیه، قم، چاپ اول.
- ۷- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد، دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶، چاپ اول.
- ۸- نهج البلاغه، سید رضی، ترجمه محمد دشتی، مشرقین، قم، ۱۳۷۹، چاپ ششم.
- ۹- نهج الفصاحه، پاینده، ابوالقاسم، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۶، چاپ هجدهم.
- ۱۰- وسائل الشیعه، محدث عاملی، حرّ، آل البیت، قم، ۱۴۰۹ق، چاپ اول

مساعی حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) در راستای تحقق آرمان‌های حضرت امام خمینی (قدس سره) در خصوص بانوان

دکتر اقدس یزدی *

چکیده

در طول تاریخ همواره شاهد نگرش‌های افراطی یا تفریطی نسبت به جایگاه و منزلت زن در خانواده و در سطح اجتماع بوده‌ایم. پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی زن را بسیار خوار و ذلیل و مایه‌ی رسوایی می‌دانست. در ایران در تمام حکومت‌ها تا دوره‌ی پهلوی، زن از جایگاه اجتماعی برخوردار نبوده و بدون هیچ‌گونه رشد معنوی محصور در خانه بود. در دوران منحوس رژیم پهلوی، زن را با چهره‌ی "زن مدرن" به تقلید از فرهنگ منحرف غربی با مسخ هویت اصلی خویش و در راستای اهداف استعماری به صحنه آوردند. از دیدگاه قرآن کریم، زن و مرد از یک نفس آفریده شده و از نظر حق کسب کمالات معنوی، در تمامی ابعاد برابرند. بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، در پرتو احیای اسلام ناب محمدی (صلوات الله علیه) تحولی شگرف در نگرش به زن پدید آوردند. ایشان بر بیداری قشر نسوان نسبت به حقوق حقّی خویش، از جمله حق تحصیل علم و معرفت تأکید ورزیده، زن را انسان ساز و مرتبی جامعه معرفی نمودند. همچنین پیروزی انقلاب اسلامی را تا حدّ زیادی مرهون مشارکت عظیم سیاسی زنان می‌دانند. البته در همه‌ی موارد، فعالیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان را بر حفظ موازن شرعی و حفظ اصالت خانواده مبتنی می‌دانند. ایشان در فرمایشات خود مکرراً، امام‌الائم، حضرت زهرا (س) را اسوه‌ی تمام عیار زنان معرفی کرده، برای حفظ آرمان‌ها و تداوم نظام انقلاب اسلامی حضور زنان را در سطح اجتماع ضروری می‌دانند. در این راستا مرحوم حضرت آیت الله مهدی قاضی خرم‌آبادی به تأسی از اوامر حضرت امام خمینی (ره) و در جهت تحقق آرمان‌های ایشان در مورد زنان، اقدام به پذیرش خواهران جهت کسب تحصیلات عالیه و آمادگی جهت پذیرش منصب‌های اجتماعی در نظام اسلامی نمودند که چنین اقدامی در شهر مقدّس قم پیش از این سابقه نداشته است. باشد که باقیات صالحات ایشان باشد.

کلید واژه: زن، عصر جاهلیت، زن در دوره‌ی قاجار، زن در قرآن، امام خمینی، حقوق زن در اسلام، زن و انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره)

مقدمه

منزلت و جایگاه زن به عنوان انسان، همواره در بسیاری از اقوام و ملل گذشته مورد تردید بوده است. متأسفانه به دلیل لطائف روحی و ظرائف جسمانی، زن همواره متحمل انحاء نگرش‌های منفی از سوی رهبران فکری و سرمداران حکومت‌ها بوده و همواره قربانی نگرش‌های افراطی یا تفریطی در مورد خویش بوده است. در بخش عظیم تاریخ گذشته، انسان بودن او فراموش می‌شد و در دهه‌های اخیر دنیای متمدن غرب، زن بودن او، به فراموشی سپرده شده است.

زن در عصر پیش از ظهور اسلام

اقوام غیرمتمدن پیش از ظهور اسلام برای زن شأنی در سطح حیوانات بی‌زبان قائل بوده‌اند. آنان زن را موجودی ناتوان می‌دانستند که باید موجودی توانمند به نام مرد، بر او سلطه داشته باشد و او را بر اساس بهره‌کشی اداره کند. اقوام متمدن آن دوره نیز زن را

زن در ایران قبل از انقلاب اسلامی

در ایران در دوره‌ی قاجار، زن از هر گونه فعالیت سیاسی-اجتماعی به دور بود و اگر هم جایی، پا از چهار دیواری بیرون نهاده، زنی منحط بوده که خارج از اختیار فردی و تحت اراده‌ی مردانه از سویی به سوی دیگر رفته است. زن دوره‌ی قاجار ظواهر دین را به صورت خرافی پاسداری می‌کند و با تکیه بر خرافه‌های ساخته‌ی ذهن خود از شاخص دین و چهره‌ی حقیقی زن در اسلام یعنی حضرت زهرا (س) به دور می‌ماند و با هر تغییر و تحوّل مخالفت می‌کند. در خانه‌ی پدر صرفاً به سن بلوغ می‌رسد و بعد به خانه‌ی شوهر برده می‌شود.^۱

تصویر تمام عیار این زن، زنی پرحرف، اسیر غیبت و دروغ که از ازدواج و بچه‌دار شدن گرفته تا طلب سلامتی و رفع مشکلات، در همه‌ی موارد به طلسم و گشایش بخت متوسّل می‌شود.^۲ به قول مرحوم دکتر شریعتی، چگونه چنین زنی که خودش ناقص و نامستعد است و از نعمت سواد و تربیت و فرهنگ اجتماعی محروم است، شایستگی پرورش نسل بعد را دارد.^۳

در عصر حکومت ننگین پهلوی، رضاخان، با ارائه‌ی تئوری "زن مدرن" با اجرای ننگین و اجباری کشف حجاب، زن را که ملول از جایگاه منزوی زن سنتی بود، با تقلید صرف از فرهنگ غرب به صحنه‌ی اجتماع می‌آورد؛ با این استدلال که در عصر فضا هر

۱. طباطبایی، سید محمد حسین، زن در قرآن، تصحیح و تحقیق محمد مرادی، دفتر تنظیم و

نشر آثار علامه سید محمد حسین طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ص ۳۹ و ۴۰

۲. قرآن کریم، سوره نحل ۵۹-۵۸، سوره تکویر ۹-۸

۳. مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، جلد پنجم (حقوق زن در قرآن)، مرکز

انتشارات موسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۹

۴. مجتهد شبستری، محمد، مقاله: زن، کتاب و سنت، مجله زنان، شماره ۵۷، ص ۲۰

۱. سمایی، عاطفه، ۱۳۸۹، ضرورت حضور سیاسی-اجتماعی زنان و تداوم گفتمان انقلاب،

سازمان بسیج جامعه زنان کشور، ص ۶۳

۲. همان، ص ۶۷

۳. دکتر شریعتی، علی، زن، مجموعه آثار ۲۱، انتشارات چاپخش و بنیاد فرهنگی دکتر علی

شریعتی: ۱۳۸۶، ص ۱۰۲

چه از غرب می‌آید باید به دیده‌ی احترام نگریسته شود. شرکت در مجالس رقص شبانه و عربده‌ی مستانه کشیدن ویژگی مدرن بودن زن در عصر پهلوی دوم شده، مصرف لوازم آرایشی زنانه در دهه‌ی چهل و پنجاه، پانصد برابر می‌شود که در تاریخ سابقه ندارد.^۱ زن، عروسک‌فرنگی گریم شده و تو خالی‌ای می‌شود که نه زن خانه است و نه زن کار، نه در برابر فرزند احساس مسئولیت دارد و نه در برابر مردم.^۲ او کرامت خود را از دست داده، به ابتذال کشیده می‌شود و به صورت ابزاری برای هوسرانی مردان درآمده، خود را بر آنان عرضه می‌نماید.^۳

زن در اروپا

در یونان قدیم، زنان حتی شهروند به حساب نمی‌آیند و در وجود روح انسانی در نهاد زن تردید می‌شد.^۴ در دوره‌ی قبل از رنسانس، زن را جزء مایملک مرد دانسته، او را بخشی از برنامه‌ی پذیرایی از مهمان قلمداد می‌کردند.

در اروپای بعد از رنسانس با شدت گرفتن تفکرات اومانیسم، برای تبری جستن از افراط‌های سلیقه‌ای از انزوای اجتماعی زنان، آنان را با لجام گسیختگی جنون آمیزی به عرصه‌ی اجتماع کشانده، زن را به قهقرای انحطاط دنیای مدرن می‌کشاند.^۵ در دهه‌های اخیر، فمینیسم، جانب تفریط را گرفته، به منظور جبران محرومیت‌های گذشته زن از حقوق انسانی خویش، این بار داعیه‌ی برتری جنس زن بر مرد را دارد، بدون اینکه نسبت

به وظایف و تکلیف زن در قبال خانواده، جامعه و تاریخ هیچ برنامه‌ای داشته باشد. فمینیسم رادیکال، امر مقدس همسراری و مادری را عامل فرودستی و مانع فعالیت‌های اجتماعی زنان در سطحی هم تراز با مردان دانسته، او را تا اوج خودخواهی‌های زن محور پایین می‌برد.

منزلت زن از دیدگاه اسلام

با ظهور پیامبر اسلام(ص) و بر پایه‌ی تعالیم حیات بخش قرآن کریم، انقلابی فرهنگی در شناخت هویت زن در طول تاریخ آغاز می‌گردد. اسلام زن را به گونه‌ای معرفی می‌نماید که هیچ سابقه‌ای قبلاً نداشته، بر تمام آرا و عقاید قبلی و رفتار نسبت به زن، خط بطلان می‌کشد.^۱ از نظر قرآن، مرد و زن در اصل خلقت هیچ تفاوتی ندارند.^۲ پیام اصلی جنبش فرهنگی پیامبر اسلام(ص) این بود که نابرابری‌هایی که در طول تاریخ بر زنان تحمیل شده، باید برطرف گردد.^۳ در مکتب الهی اسلام، تمام حقیقت انسان روح اوست.^۴ قرآن هم زن و هم مرد را به عنوان انسان می‌نگرد، چون حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد، نه بدن او و انسانیت انسان در جان او خلاصه می‌شود.^۵ از نظر منطقی و از دیدگاه فلسفی، مذکر و مؤنث بودن اشیاء در فعلیت و شئیت آن‌ها دخیل نیست و ذکورت و انوثنیت به ماده برمی‌گردد نه به صورت، ماده اصنافی دارد که بعضی از آنها مذکر و برخی

۱. علامه طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ص ۴۰ و ۴۱

۲. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱

۳. مجتهد شبستری، محمد، پیشین، ص ۲۲

۴. جوادی آملی، عبدا. . . ، زن در آئینه‌ی جلال و جمال، نشر اسراء، چاپ دوم، ص ۷۳

۵. همان، ص ۷۵

۱. . سمایی، عاطفه، همان ۷۱ و ۷۲

۲. دکتر شریعتی، علی، همان، ص ۷۹

۳. مصباح یزدی، محمد تقی، پیشین، ص ۱۰۱

۴. سمایی، عاطفه، ص ۶۳

۵. همان، ص ۳۰

دیگر مؤثند.^۱ ابن سینا، فیلسوف بلند پایه‌ی اسلامی، جنسیت را خارج از ذات انسان و از عوارض او می‌داند.^۲ مرحوم علامه طباطبایی (ره) معتقد است که زن و مرد، دو فرد از نوع واحد انسانی‌اند، البته به عنوان دو صنف از یک نوع واحد تفاوت‌هایی تشکیکی بین آنها هست، اما این تفاوت‌ها سبب بطلان حقیقت نوع در فرد نمی‌شود و کلیه‌ی کمالاتی که برای یک صنف میسر است، برای صنف دیگر هم دست یافتنی است.^۳

تساوی زن و مرد در طی مراتب کمال معنوی از دیدگاه قرآن

قرآن کریم برای هدایت «انسان» آمده که شامل زن و مرد به طور یکسان می‌شود.^۴ در سیر حرکت استکمالی نفس انسان نیز آنچه در متن حرکت است، گوهر وجودی انسان یعنی نفس اوست نه ماده و بدن او و گوهر هستی نه مذکر است و نه مؤنث.^۵ مرد و زن بر اثر عبودیت خدای متعال و انجام تکالیف بندگی، به طور مساوی و یکسان استکمال می‌یابند.^۶ پروردگار متعال در قرآن کریم، تعلیم و تربیت را به روح اسناد می‌دهد و روح، نه مذکر است و نه مؤنث.^۷ در قرآن کریم، رجوع الی الله خطاب به روح و نفس مطمئنه است، نه به بدن و این قرب معنوی نه مذکر است و نه مؤنث.^۸ مقام خلیفه‌ی الهی انسان نه

مشروط به ذکورت است و نه ممنوع به انوشت و مسجود ملائکه، جان انسان است نه جسم او و نه مجموع جسم و جان او.^۱ در سیر و سلوک عرفانی آنچه سفرهای روحانی و معنوی را می‌پیماید، روح انسانی است که اعم از زن و مرد است و در طی کردن درجات گوناگون ولایت، هرگز تفاوتی بین زن و مرد نیست.^۲ یعنی در آنچه معیار کمال است بین زن و مرد فرقی نیست و تفاوت‌های بین زن و مرد، معیار کمال نیست.^۳ در قرآن مقامات علمی انسان مربوط به انسانیت اوست و اختصاص به مرد یا زن ندارد.^۴ همچنین در کمالات اخلاقی مانند اراده، خلوص، ایمان، صبر، توکل، تهذیب و کلیه‌ی فضائل عقل عملی، نفس انسان است که موصوف به این فضائل می‌گردد، نه خصوص جنس مذکر یا مؤنث.^۵ البته انسان در هر نشئه‌ای چه در دنیا، چه در برزخ و چه در قیامت همراه با بدن است. اما این بدن نه تمام حقیقت او را تشکیل می‌دهد و نه جزئی از حقیقت او را، بلکه ابزار محض است که روح آن را از جایی به جایی منتقل می‌کند.^۶

زن از منظر حضرت امام خمینی (ره)

بر مبنای همین دیدگاه اسلام ناب محمدی (ص) است که بنیانگذار انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، بزرگ‌ترین تحولات فکری و فرهنگی نسبت به زن را در سطح جهان اسلام به وجود آوردند. از نظر ایشان به لحاظ حقوق انسانی بین زن و مرد تفاوتی

۱. همان، ص ۲۴۲

۲. بوعلی سینا، الشفا، الالهیات، ص ۲۲۴

۳. علامه طباطبایی، محمد حسین، المیزان، جلد ۴، چاپ سوم، ص ۸۹

۴. جوادی آملی، عبدا. . . ، پیشین، ص ۷۱

۵. همان، ص ۸۵

۶. مصباح یزدی، محمد تقی، ص ۱۳

۷. همان، ص ۹۰

۸. همان، ص ۸۶

۱. همان، ص ۱۰۳

۲. همان، ص ۱۸۰

۳. همان، ص ۲۱۴

۴. جوادی آملی، عبدا. . . ، ص ۱۲۶

۵. همان، ص ۷۹

۶. همان، صفحه ۱۴

تأکید بر نقش مادری و حفظ خانواده به عنوان بنیاد اساسی جامعه، می‌کوشد ایشان را در تمام عرصه‌های علمی، سیاسی و اجتماعی فعال و با نشاط گرداند.^۱

تحصیل علم، حق انسانی زن

تحصیل علم، حق انسانی مشترک بین زن و مرد است و در تعالی روح و ارتقای انسانیت دخیل است. فراگیری علوم و معارف که در حکمت نظری پایه‌ی کمال انسانیت است، حق مسلم زن است، همچنان که تعلّم آنها حق قطعی مرد است.^۲ زن می‌تواند در پرتو تعلیم صحیح و تربیت وزین پرورش یابد و همچون مردان تعقل و تدبّر داشته باشد و از این جهت تمایزی با مردها ندارد و اگر تفاوتی یافت شود، همانند تمایز مشهود بین مردان است.^۳ زنی که سهم بیشتری از علم، عقل، فضیلت، ایمان و تقوا دارد، برتر از مردی است که هم تراز او نیست.^۴

ضرورت اکید تحصیل علم برای بانوان

روشن است که زنان هر قومی در شکل‌گیری تاریخ و تمدن و فرهنگ آن قوم جایگاه بسزایی دارند و نقش آنان در زوال و یا ماندگاری تمدن‌ها بر کسی پوشیده نیست.^۵ از نظر امام خمینی (ره) زن یکتا موجودی است که می‌تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد، که از برکاتش یک جامعه بلکه جامعه‌ها به استقامت و ارزش‌های والای

نیست، زیرا هر دو انسانند.^۱ اسلام می‌خواهد که حیثیت انسانی زن و مرد محفوظ باشد. اسلام می‌خواهد که زن ملعبه‌ی دست مرد نباشد. از دیدگاه امام خمینی (ره) در نظام اسلامی، زن همه‌ی حقوق مرد را داراست، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی‌دادن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، اما هر چیزی که مفسده آفرین باشد، حرام است.^۲ ایشان در بیانی دیگر، پروردگار عالمیان را سپاس می‌گویند که زن‌هایی که در گذشته از همه چیز جامعه محروم بوده‌اند، در سال‌های اخیر به طور شایسته و با حفظ موازین شرعی وارد صحنه شده‌اند،^۳ ایشان می‌فرمایند: «اگر زنان انسان ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند. زن مربی جامعه است. مبدأ همه‌ی سعادت‌ها از دامن زن بلند می‌شود. اسلام می‌خواهد زن را به عنوان یک انسان کامل تربیت کند، چون دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است. زن مظهر تحقق آمال بشر است.^۴ زن موجودی است که می‌تواند قدرت لایزال شیطانی را بشکند.^۵ بسیاری از خدمات مردها، مرهون خدمت زن‌هاست.»^۶ بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) ضمن تأکید بر هویت انسانی زن و برابری با مرد در کمالات انسانی، تلاش می‌کند تا موانع مشارکت اجتماعی را از سر راه آنان برداشته، همگام با

۱. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول،

۱۳۷۴، ص ۱۴۷

۲. همان، ص ۱۴۸

۳. همان، ص ۱۳۹

۴. همان، ص ۵۵ تا ۶۰

۵. سیمای زن در کلام امام خمینی (ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱

۶. همان، ص ۱۰۳

۱. سمایی، عاطفه، ص ۱۱۰

۲. جوادی آملی، عبدا. . .، پیشین، ص ۳۳۶

۳. همان، ص ۳۶

۴. علامه طباطبایی، محمد حسین، پیشین، ص ۴۲

۵. سمایی، عاطفه، ص ۱۸۹

انسانی کشیده شوند.^۱ از سخنان گذشته در می‌یابیم که تعلیم و تعلّم زنان هم در بُعد فردی آنان ضرورت دارد و موجبات تحقق مقام انسانی و رشد فکری آنان را فراهم می‌آورد و هم در بُعد اجتماعی موجبات تحقق ارزش‌های والای انسانی و الهی جامعه را فراهم آورده، به پیشرفت و سلامت جامعه کمک کرده، پیدایش توان تربیت افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد. از این رو حضرت امام خمینی (ره) دائماً توصیه داشتند که زنان در سطوح مختلف و در زمینه‌های مختلف علوم قرآنی، فقه، عرفان و فلسفه، فرهنگ و ادب، علوم تجربی و صنایع به تحصیل بپردازند، لکن همگام با رعایت موازین اسلامی و تأکید بر تهذیب نفس که جزء لاینفک فعالیت انسان در عرصه‌ی اجتماع است.^۲ ایشان همواره بانوان را به تلاش در دو عرصه‌ی علم و تقوا سفارش نموده، انحصاری نبودن این عرصه را متذکر شده و می‌فرمودند که زنان باید خودشان ظلمی را که بر آنها رفته جبران کنند.^۳ ایشان در یکی از بیانات تاریخی خود می‌فرمایند: «ما مفتخریم که بانوان و زنان در صحنه‌های فرهنگی، اقتصادی و نظامی حاضر و هم‌دوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن فعالیت دارند و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و دوستان ناآشنا به احکام اسلام بوده، خود را رها نیده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی علمای بی اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آوردند، خود را خارج نمودند.»^۴ مسلماً اگر زن، انسان ساز است، این امر خطیر پرورش نسل، مستلزم بینش و آگاهی و رشد تمام بعدی روح و روان زن است و اینجاست که تحصیل زنان، ضرورتی مضاعف می‌یابد.

استقلال اقتصادی زن از منظر قرآن

در عرصه‌ی اقتصادی و امور مالی هم قرآن کریم^۱ استقلال مالی زن را کاملاً محترم می‌شمارد، مگر در برخی موارد خاص که تصرف زن با حقوق شوهر، تنافی داشته باشد.^۲ آیه‌ی شریفه‌ی ۳۲ سوره‌ی نساء که دلالت بر حق مالکیت زن دارد، از نظر مرحوم علامه طباطبایی، به طور ضمنی دلالت بر حق استقلال کار زن هم دارد.^۳

حق مشارکت سیاسی زنان از نظر قرآن

از نظر سیاسی نیز همان‌گونه که مردان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی مستقل‌اند، زنان نیز استقلال اجتماعی و سیاسی دارند، و تا آنجا که تفاوت‌های جسمانی و روانی اقتضاء نکند، به طور یکسان در شئون اجتماعی، حق مشارکت دارند.^۴ قرآن در این زمینه می‌فرماید: «ای پیامبر، هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند تا با تو بیعت کنند که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، .. و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن ...»^۵. امام خمینی در این باره می‌فرماید: «ملّتی که بانوانش در صف مقدّم برای پیشبرد مقاصد اسلامی است، آسیب نخواهد دید».^۶

پس آنان که قصد بیرون کردن زن از صحنه‌ی سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را دارند، هیچ بهانه‌ای در دست ندارند، چون اگر تقسیم عادلانه‌ی سمت اجرایی

۱. سوره نساء، آیه ۳۲

۲. عزت السادات میرخانی، مقاله: گستره وظایف زن در خانواده، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۷

۳. علامه طباطبایی، زن در قرآن، ص ۴۷

۴. مصباح یزدی، محمدتقی، ص ۱۴

۵. سوره ممتحنه، آیه ۱۲

۶. صحیفه‌ی نور، وزارت ارشاد اسلامی، ج ۱۳، ۱۳۶۲، ص ۳۱

۱. همان، ص ۱۶۸

۲. جایگاه زن در اندیشه‌ی امام خمینی، ص ۱۴۹

۳. همان، ص ۸۲

۴. همان، ص ۱۱۴

با در نظر گرفتن استعدادها و ارزیابی خصوصیت هر یک از این دو صنف، مورد نظر باشد، هر کدام به نوبه‌ی خود توان تحمل مسئولیت‌های مناسب با خود را دارند.^۱

لزوم مشارکت و فعالیت زنان همگام با رعایت موازین شرعی و محوریت حفظ نهاد خانواده

البته حضور زن در صحنه‌ی اجتماع و مشارکت او در رفع مشکلات علمی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه باید همگام با حفظ سمت مادری و همسری و تدبیری مناسب و هماهنگ با همسر او باشد تا بتواند نقش خود را به شایستگی ایفا کند. آنگونه که در الگوهای ممتاز دین ما این چنین بوده است. یعنی کلیه‌ی فعالیت‌های اجتماعی زن اعم از سیاسی، علمی، اقتصادی و... باید با محوریت حفظ اصالت خانواده باشد.^۲

دیگر اینکه از نظر دین اسلام حضور زن در صحنه‌های اجتماع باید با حفظ موازین شرعی و رعایت حدود الهی باشد، علاوه بر اینکه – همچنان که متذکر شدیم – او را از وظیفه‌ی اصلی و اساسی خود یعنی امر مادری و همسری باز ندارد، در غیر این صورت نه تنها حضور زنان به پیشرفت آنها کمک نمی‌کند، بلکه لطمه‌ی جبران ناپذیری به پیشرفت و ترقی جامعه وارد خواهد ساخت.^۳

لزوم مشارکت اجتماعی زنان در راستای قرب الهی

هدف زن با این ویژگی‌های انسانی مشترک، در پرورش رشد و استعدادهای درونی

خویش و حضور در تمامی صحنه‌های اجتماع باید تقرب به خدا باشد. در این صورت زمینه‌ی رشد و تعالی و تحقق مقام کرامت برای او حاصل می‌گردد و تمام وظایف و نقش‌های اجتماعی او فرصت و مجرای برای نیل به این هدف می‌شود،^۱ بر خلاف ایده‌های فمینیستی معاصر که هدف از به صحنه‌ی اجتماع کشانیدن زنان را رقابت با مردان در تمام صحنه‌ها و گاه تحقیر جنس مرد، در کنار به فعلیت رسانیدن خودخواهی‌ها و امیال نفسانی می‌داند.

حضرت زهرا(س) اسوه‌ی تمام عیار زنان

بهترین الگوی زن مسلمان در تمامی این ابعاد، حضرت زهرا (س) است که تجلی تمام ابعاد متصور برای زن و برای انسان است. او زنی روحانی، تمام نسخه‌ی انسانیت، اجتماع معنویات و جلوه‌های الهی، جبروتی، ملکوتی و ناسوتی است.^۲ دختر رسول خدا (ص) در خانه، بهترین همسر و ارزش‌مندترین مادر بودند و در کوخی محقر انسان‌هایی تربیت می‌کند که نورانیت آن‌ها تمام فراخنای تاریخ را در برمی‌گیرد و در عرصه‌ی علوم و خوض در آیات وحی، آنچنان جامع ابعاد مختلف تاریخی، روان‌شناسی، فلسفه‌ی سقوط و انحطاط ملت‌ها، فلسفه‌ی دین، جایگاه ولایت و رهبری و... است که روزگار نظیر آن را ندیده است و از همین جا چند بُعدی بودن رسالت او روشن می‌گردد.^۳ امام خمینی با ستایش‌هایی که از حضرت زهرا (س) داشتند، ایشان را محور و الگو برای زنان قرار دادند. ارتباط ایشان به عنوان یک زن با ملائک و دریافت معارف از آسمان، با این

۱. جایگاه زن در اندیشه‌ی امام خمینی، ص ۳۵

۲. صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه‌ی اسلامی براساس

دیدگاه امام خمینی، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۳۵

۳. میرخانی، عزت السادات، پیشین، ص ۱۳۰

۱. عبدالله جوادی آملی، ص ۱۸۸

۲. سمایی، عاطفه، ص ۲۰۰

۳. همان، ص ۲۵۹

که دارای منصب رسمی نبوت و امامت نبودند.^۱ حضرت زهرا (س) در تاریخ اسلام اولین زنی است که اولین دفاعیه حقوقی را ایراد و ننگین‌ترین اقدام تاریخ یعنی دموکراسی کثیف سقیفه را به چالش کشانید. آیا حضور در مسجد و تلاش برای روشنگری، درسی برای دیگر زنان در انجام وظیفه‌ی حمایت از ولایت نیست؟^۲ ایشان در آن هفتاد و پنج روز پس از رحلت پیامبر اکرم (س)، پرشورترین خطابه‌ها را در مقام اثبات حق ولایت علی بن ابیطالب (ع) و غضب خلافت ایراد کردند که اگر نبود آن حرکات و خطبه‌های مکرر، چه بسا واقعه‌ی غدیر و حقانیت علی (ع) در گرماگرم روزگار جان می‌باخت و گم می‌شد.^۳ همچنان که بهترین نمونه در بُعد مشارک‌های اجتماعی و اقتصادی مادر زهرای اطهر (س)، حضرت خدیجه (س) هستند که ذکاوت و خردمندی ایشان زبانزد تاریخ است که با وجود پایین بودن شأن زنان هم‌دوره‌اش، خود، اداره دارایی‌اش را به عهده دارد. اولین ارتباط پیامبر اکرم (ص) با ایشان براساس ارتباطی کاملاً کاری و اقتصادی و البته بسیار عفیفانه شکل می‌گیرد و پیامبر که از نجای قریش و مکه است، از این که برای ایشان کار کند، ابایی ندارد و آن را برای خود حقارت نمی‌داند.^۴

حضرت زینب (س) دیگر اسوه‌ی زنان

دیگر اسوه زنان، در حضور در صحنه‌ی سیاسی- اجتماعی زمانه، دخت گرامی زهرای اطهر (س)، حضرت زینب کبری (س) است که با حضور در حماسه عاشورا و از

۱. تأملی بر جایگاه زن/ مجموعه مقالات کنگره‌ی بین‌المللی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی، جلد ۱، کمیته‌ی بانوان، ۱۳۷۹، ص ۱۷
۲. همان، عاطفه، ص ۱۶۶
۳. همان، ص ۱۷۰
۴. همان، ص ۱۷۰ و ۱۶۹

دست دادن عزیزان و تحمل رنج اسارت و خطبه‌های غرایی که در مقابله با طاغوت زمانه داشتند، پیام این حماسه را در بلندای تاریخ منعکس کردند که بدون نقش آفرینی ایشان قیام امام حسین (ع) ناتمام می‌ماند.^۱ آری، فصاحت و بلاغت حضرت زینب (س) در خطبه‌های پیام‌رسانی حماسه‌ی عاشورا، راز استمرار و حیات دین و اسلام ناب محمدی (ص) است.^۲ ایشان با تسلطی که بر فضای فکری پس از عاشورا داشتند، مانع هرگونه تحریف واقعیات عاشورا توسط یزیدیان شده، مجال هرگونه شایعه‌سازی و دروغ پراکنی را از آنان گرفتند.^۳

زن در عصر انقلاب اسلامی

اینچنین بود که زنان ما در عرصه‌های پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت از ولایت بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی، با شجاعت تمام در عرصه‌های انقلاب نمایان شده، اسباب شجاعت مردان را نیز فراهم آوردند. زنان ما علاوه بر تربیت مردان شجاعی که یاوران امام بودند، با ایفای نقش مادر شهید، به تأسی از حضرت زینب (س) آموزه‌ی عالی ایثار را بار دیگر متبلور ساختند.^۴ امام خمینی (ره) در این باره می‌فرمایند: «اگر زنان در این نهضت همکاری نمی‌کردند، انقلاب هم پیروز نمی‌شد و امام خامنه‌ای - دامت افاضاته - نیز در تأیید این جمله می‌فرمایند که هر جا زنان حضور داشته باشند، خانواده حضور دارد و نتیجه مضاعف است.^۵ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز زنان با

۱. سمایی، عاطفه، ص ۲۰۲
۲. همان، ص ۲۰۳
۳. همان، ص ۲۱۸
۴. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، ص ۳۵
۵. سمایی، عاطفه، ص ۲۳۷

مشارکت فعال در انتخابات و عرصه‌های سیاسی و نیز جهاد مالی و امداد اجتماعی نقش بسزایی را در استمرار انقلاب اسلامی و پیشبرد آرمان‌ها و اهداف آن داشتند.^۱ قانون اساسی ما نیز که از اولین گام‌های پیشبرد نظام، پس از پیروزی انقلاب اسلامی است، هیچ محدودیتی برای مشارکت زنان قرار نداده، حتی از شأن خانوادگی و اجتماعی او نیز حمایت کرده است.^۲ از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به بینش اسلامی بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد برخلاف حکم خدا عمل کرده است.^۳ از نظر امام خمینی (ره) حضور زنان در صحنه سیاسی و اجتماعی نه تنها لازم، بلکه واجب و ضروری است. و زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند.^۴

پس حضور سیاسی- اجتماعی زنان، ضرورتی انکارناپذیر در راستای تعالی و تداوم انقلاب و حفظ ارزش‌ها و دستاوردهای فرهنگی نظام است. از منظر امام خمینی (ره)، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه‌ی اسلامی داشته باشد.^۵ برنامه‌ی توسعه کشور دانایی محور است که از یک سو تأکید بر ایجاد ظرفیت‌های آگاهی میان اقشار مختلف مردم و از سوی دیگر بر بهره‌گیری از توانمندی‌های ایجاد شده تأکید دارد. بدون تردید تحقق توسعه‌ی مبتنی بر دانایی، بدون ایجاد زمینه‌های لازم

برای فراهم آوردن فرصت‌های قابلیت‌زا برای عموم مردم- اعم از زن و مرد- امکان‌پذیر نیست. محور این توسعه، انسان آگاه، خلاق و آزاد است و سرمایه‌های انسانی اعم از زن و مرد در این توسعه نقشی بی‌بدیل دارند.

امروزه باید ضمن زدودن باورهای غلط و خرافاتی نسبت به هویت زن، با برنامه‌ریزی تحصیلات عالیه برای زنان آنان را ضمن آگاهی دادن به هویت حقّه آنان، برای پذیرش سمت‌های اجتماعی- سیاسی و فرهنگی آماده ساخت.

مرحوم حضرت آیت ا... قاضی خرم‌آبادی و انقلاب اسلامی

در همین راستا مؤسس فقید دانشگاه قم حضرت آیت ا... حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) همواره در فعالیت‌های سیاسی قبل از انقلاب و در مراحل و گام‌های حساس دوران پیروزی انقلاب به عنوان روحانی مهذب و پیراسته، به رهبر و مراد خویش حضرت امام خمینی (ره) اقتدا داشتند، نقش مؤثری در یاری مقام ولایت داشته، در این راستا از هیچ کوششی دریغ نکرده، تا تحمل زندان‌های ساواک پیش رفتند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با تقبل اوامر حضرت امام خمینی (ره) در زمینه‌ی پذیرش مسئولیت‌های مختلف از پایه‌های نونهاده‌ی نظام اسلامی حمایت کرده، سرانجام در پی- گیری طرح سران فرهنگی انقلاب اسلامی یعنی شهید آیت ا... دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر- رضوان ا... تعالی علیهما- برای تأسیس مرکزی آموزشی به شکل تلفیق حوزه و دانشگاه برای تربیت نیروهای متعهد و متخصص و کارآمد در عرصه‌های فرهنگی و دستگاه قضایی حکومت جمهوری اسلامی نقش مؤثری داشتند.

این بار نیز حضرت آیت ا... حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) به پیشنهاد نهاد محترم شورای مدیریت حوزه‌ی علمیه قم، تصدی ریاست مدرسه عالی قضایی طلاب قم را به عهده گرفتند. ایشان با تشخیص ضرورت کار فرهنگی پس از آن همه مبارزات

۱. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی، ص ۸۹-۴۳

۲. سمایی، عاطفه، ۷۹

۳. به نقل از: سمایی، عاطفه، سخنرانی مقام معظم رهبری در ارومیه، ۱۳۷۵، ص ۲۵۲

۴. صحیفه نور، جلد ۱۵، ص ۱۵۳، به نقل از: عاطفه سمایی، ص ۲۳۴

۵. صحیفه‌ی نور، وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۳، ۱۳۶۱، ص ۹۳

سیاسی، با وجود مشکلات بودجه‌ی کشور در عصر پس از پیروزی انقلاب و با وجود بحران‌های مالی در دوران دفاع مقدس و در دوره‌ی تحریم، تمام سعی‌شان این بود که با مجاهدت‌های فراوان و با حمایت مالی خویش این بنیان نوپا را تقویت نموده، آرمان شهیدان دکتر بهشتی و دکتر باهنر را هر چه بالنده‌تر و محقق‌تر سازند.

تلاش‌های مرحوم حضرت آیت ا. . قاضی خرم‌آبادی(ره) در تحقق آرمان‌های امام خمینی(ره) پیرامون بانوان

درست پس از طی سه، چهار سال از تأسیس این مرکز آموزشی، ایشان که در تمام ارزش‌های فکری خود تأسی به بنیانگذار فرزانه انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی داشتند، در راستای تحقق آرمان‌های ایشان نسبت به مقام زن در حکومت جمهوری اسلامی، خلأ وجود یک مرکز تحصیلات عالیه برای زنان در شهر مقدس قم را که ام-القرای جهان تشیع و چشم امید شیعیان است، با تمام وجود احساس نموده و ضرورت اشتغال به تحصیل بانوان در سطوح عالیه‌ی علوم اسلامی و دیگر شاخه‌ها را کاملاً لمس کردند؛ از این رو مهم‌ترین ابتکار ایشان، جذب خواهران دیپلمه در سال ۱۳۶۴ هجری شمسی در امتحان ورودی مدرسه عالی قضایی طلب بود که در سطح شهر مقدس قم، اولین گام ورود بانوان در سطح تحصیلات عالیه بود.

پس از پذیرش اولین دانشجویان خواهر، ایشان همواره با روشن فکری خویش در پرتو اسلام ناب محمدی(ص) با هرگونه کژاندیشی و برداشت نادرست و متحجرانه و خرافاتی از دین در حوزه زنان، عملاً مبارزه کرده، پیوسته مشوق رشد و ارتقاء سطح علمی خواهران جامعه بودند که در موارد فراوانی شاهد آن بوده‌ایم. البته به عنوان یک عالم مکتب اسلام، تأکید داشتند که حضور زن در تمام عرصه‌ها، از جمله عرصه علمی، فرهنگی باید کاملاً مبرّای از زمینه‌های گناه و وساوس شیطانی و بر اساس حفظ حدود

الهی و موازین شرعی باشد. از این رو در مقام تحقق عملی این آرمان از همان بدو جذب و پذیرش خواهران دانشجو، فضای آموزشی برادران و خواهران را مجزا کردند تا محیط آموزشی و علمی کاملاً پیراسته از هرگونه تمایلات شیطانی و هواهای نفسانی باشد. این خود زمینه ساز حفظ تقوای عملی دانشجویان و تقویت روحیه علم آموزی و تمرکز در اهداف علمی آن‌ها می‌گردد.

خوشبختانه افزایش روبه رشد سطح پذیرش فارغ التحصیلان این دانشگاه در آزمون-های سراسری تحصیلات تکمیلی در مقایسه با سایر دانشگاه‌ها، نشانگر موفقیت ایده ایشان است. ایشان با جذب هرچه بیشتر اساتید خواهر به عنوان عضو هیئت علمی واحد خواهران، اشتیاق و رضایت خویش را از ارتقاء و رشد خواهران در تصدی عرصه‌های فرهنگی و کرسی‌های تدریس در عصر پس از انقلاب عملاً ثابت نمودند. روح پرفتوحشان شاد باد و امید این که باقیات صالحاتی که از خود به جای گذاردند، همواره در زمره‌ی اعمال ما تأخّر ایشان باشد.

باشد که دگر بار که مسئولیت تداوم این راه به دوش ما نهاده شده، با تأسی از مقام عظمای ولایت، توصیه‌های ایشان به همت مضاعف و کار مضاعف را سرلوحه‌ی فعالیت-های خویش قرار داده، همچنان تا ظهور آخرین منجی و ایجاد حکومت توحیدی جهان، خط سرخ ولایت را با تأسی از اوامر اسلام ناب محمدی (ص) عهده دار باشیم.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. قرآن کریم
۲. ابن سینا، الالهیات من الشفاء، مقدمه دکتر ابراهیم مدکور، تحقیق الاستادین، الالب قنوانی، سعید زاید
۳. تأملی بر جایگاه زن، مجموعه مقالات، کنگره‌ی بین‌المللی جایگاه و نقش زن از دیدگاه امام خمینی (ره)، جلد ۲، کمیته‌ی بانوان، ۱۳۷۸.
۴. تأملی بر جایگاه زن، مجموعه‌ی مقالات کنگره‌ی بین‌المللی جایگاه زن از دیدگاه امام خمینی، جلد ۱، کمیته‌ی بانوان، ۱۳۷۹.
۵. جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (ره)، موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۴.
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۸۴، زن در قرآن، تصحیح و تحقیق: محمد مرادی، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه سید محمد حسین طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۸. سیمای زن در کلام امام خمینی (ره)، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
۹. صحیفه‌ی نور، وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۳، ۱۳، ۱۵، ۱۳۶۲.
۱۰. سمایی، عاطفه، ضرورت اجتماعی زنان و تداوم گفتمان انقلاب. سازمان بسیج جامعه زنان کشور، ۱۳۸۹.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدل.، زن در آئینه جلال و جمال، نشر اسراء، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ۱۲- میرخانی، عزت السادات، «گستره وظایف زن در خانواده»، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۷.
- ۱۳- شریعتی، علی، مجموعه آثار ۲۱، زن، انتشارات چاپخش و بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی، ۱۳۸۶.
- ۱۴- صفری، فاطمه، الگوی اجتماعی پایگاه و نقش زن مسلمان در جامعه‌ی اسلامی براساس دیدگاه امام خمینی (ره)، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
- ۱۵- مصباح یزدی، محمد تقی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، مرکز انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، جلد پنجم، ۱۳۸۲.
- ۱۶- مجتهد شبستری، محمد، «زنان، کتاب و سنت» مجله زنان، شماره ۵۷.
- ۱۷- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

دانشگاه اسلامی و حریم روابط

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ولی الله نقی پورفر *

چکیده:

دانشگاه مطلوب اسلامی، حداقل از ۸ مؤلفه "استاد"، "دانشجو"، "متن دروس"، "مدیریت"، "کادر اداری"، "امکانات"، "سازماندهی و بسیج منابع"، و "نظارت و کنترل" تشکیل می‌شود.

در حوزه هفتم "سازماندهی و بسیج منابع"، تنظیم جایگاه شغلی، و ارتباطات اداری و آموزشی، از نظر اسلام، در راستای حفظ شخصیت اخلاقی و حجب و حیای افراد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که اساس سلامت کارکرد سازمانی را تشکیل می‌دهد.

یکی از نمودهای تنظیم روابط اداری و آموزشی، تفکیک جنسیتی در این دو حوزه می‌باشد؛ که بنابر معیارهای دینی و تحقیق میدانی، در حوزه رشد اخلاقی و آرامش روانی، و پیشرفت علمی، آثار فراوانی به همراه دارد. این تفکیک از باقیات الصالحات "مرحوم ایت الله قاضی خرم‌آبادی"، در دانشگاه قم است.

نقش این نحوه تنظیم روابط، گرچه در پدید آمدن آثار فوق کفایت نمی‌کند ولیکن لزومش، در سیره عقلاء، امری بدیهی است و قدم اول در سلامت معنوی مجموعه سازمانی به شمار می‌آید. قدمهای بعدی طبعاً، یکی، فرهنگ سازی معرفتی- معنوی، و دیگری، بستر سازی جهت بسیج ازدواج مجموعه کادر اداری، آموزشی، و دانشجویی، خواهد بود.

کلید واژه ها: دانشگاه، اسلام، حریم، روابط، سازماندهی، امکانات.

مقدمه:

تمایز جنسیتی انسانها، بر خلاف نگرش بیمار گونه فمینیستهای افراطی، در نظام خلقت، امری طبیعی، همچون دیگر موجودات مادی عالم دنیا است؛ و قابل فروکاستن به آثار قرارداده و تقسیم کار اجتماعی نیست؛ تا بتوان با تغییر آن، این تمایز را از میان برداشت؛ بلکه این تمایز طبیعی است که منشأ نقش‌افزینی و تنظیم روابط اجتماعی است. از جمله آثار تنظیم اجتماعی، موضوع چگونگی ارتباطات اجتماعی میان زن و مرد است.

طبعاً، مبحث نحوه حضور زنان و مردان در روابط اجتماعی، عمری به درازای تاریخ ادیان و مکاتب انسانی، بلکه تاریخ پیدایش خانواده‌ها دارد. تاریخ پیدایش خانواده، به شهادت قرآن به آغاز خلقت، دوره حضرت آدم (ع) و حوا بر می‌گردد.

در این دوره، در جریان چشیدن میوه ممنوعه، عورت آنها آشکار شد؛ پس خود را با برگهای بهم دوخته شده درختان بهشت، پوشاندند:

"فلما ذاقا الشجرة بدت لهما سواتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة..."
(اعراف/۲۲)

این رفتار عقیفانه توأم با حجب و حیای زن و شوهر، در محیط اجتماعی فاقد حضور انسانی دیگر، ضرورت رعایت عفت و حجب و حیا را در اجتماع، میان نامحرمان، تأکید می‌نماید.

نکته دیگر آنکه، هر رفتار محرک شهوت جنسی از نامحرمان، بلکه از زنان و شوهران، در محیط اجتماع، نه تنها خلاف شرع، بلکه خلاف شأن و فطرت انسانی است. بلکه از این سیره شریفه حضرت آدم نبی الله و همسرش استفاده می‌شود: در محیط اجتماعی و منظر عمومی، هر رفتاری که ذهن زنان و مردان را متوجه عورت یکدیگر کند، خلاف مروت و ادب و اخلاق انسانی است و لذا بایستی پرهیز شود؛ اگرچه میان همسران باشد.

"دانشگاه و حریم روابط":

دانشگاه، محیط اجتماعی خاصی است که محل حضور فرهیختگان و نخبگان هر جامعه، است؛ لذا نه تنها در این محیط رفتارهای انسانی تأکید ویژه می‌یابد؛ بلکه ادبیات فرهیختگان در روابط، مورد انتظار است.

اسلام، با نگرشی عمیق و گسترده به اقتضائات انسانی و خصائص صنفی زن و مرد، رهنمودهای معقول و دقیقی را در تنظیم روابط اجتماعی ارائه می‌دهد که می‌بایست مورد توجه سیاستگذاران و مدیران اجرایی نظام اسلامی قرار گیرد؛ چرا که این خالق هستی و انسان است که فراتر از خود انسان، به روح و روان انسان و به زوایای پنهان وجودش

اشراف دارد و از چگونگی داد و ستد اقتضائات انسانی و صنفی آگاهی مطلق و بی چون و چرا، دارد:

"ولقد خلقنا الإنسان و نعلم ما توسوس به نفسه و نحن أقرب إليه من حبل الوريد" (ق/۱۶۱)

"الا يعلم من خلق و هو اللطيف الخبير" (ملک/۱۴)
"...إنه يعلم السرّ و أخفى" (طه/۷)

"دانشگاه اسلامی و "حریم روابط":

در یک دانشگاه مطلوب، ۸ مؤلفه اصلی: "استاد"، "دانشجو"، "دروس"، "مدیریت"، "کادر اداری"، "امکانات"، "سازماندهی و بسیج امکانات"، و "کنترل و نظارت"، نقش اساسی دارد.

۳ مؤلفه اول: مثلث "استاد"، "دانشجو"، "دروس"، در صورت مطلوبیت، نقش اساسی بی بدیلی را در پیشرفت دانشگاه ایفاء می‌کند؛ اگرچه، عاملهای دیگر، در شرایط نقصان وضعف، قرار داشته باشند.

استاد دانشمند پرهیزگار علاقمند خوش اخلاق، باروش آموزشی تفکر خلاق، و با انتخاب سرفصل درسی و متن علمی مناسب، می‌تواند دانشجوی علاقمند و لو با حداقل تدین و نصاب علمی قابل قبول را به وجودی خلاق و توانمند علمی متدین تبدیل سازد. مدیریت عالم پرهیزگار و مدبر با حسن خلق، و سبک مدیریتی مشارکتی و تفویضی، و اجرای سیستم نظارت و کنترل به موقع، و تکریم و پاداش و سپس تنبیه معنادار، و اجرای نظام پاسخگویی مناسب و به موقع، نقشی ویژه و اساسی، در ایجاد انگیزه کار و تلاش مجموعه ایفاء می‌کند.

کادر اداری اعم از کارکنان، و سلسله مراتب مدیران عالم متدین توانمند و خوش برخورد، خط مقدم ارائه سیمای کلی مجموعه افراد و انعکاس دهنده میزان شخصیت حقوقی و حیثیت اخلاقی دانشگاه، می باشد:

"رسولک ترجمان عقلک" (سید رضی، نج البلاغهم حکمت ۳۰۱)

"حریم ارتباطات در دانشگاه"

در حوزه سازماندهی و بسیج امکانات، تعریف جایگاه شغلی مناسب و تنظیم ارتباطات اداری و آموزشی مبتنی بر ضوابط اسلامی، در راستای حفظ شخصیت اخلاقی و حجب و حیای افراد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که اساس سلامت کارکرد سازمانی را تشکیل می‌دهد.

عوامل اساسی در تنظیم اسلامی ارتباطات دانشگاهی، بدین قرار است:

۱. تفکیک جنسیتی کادر آموزشی و اداری
۲. بستر سازی بسیج ازدواج جهت مجموعه کادر آموزشی و اداری
۳. فرهنگ سازی معرفتی و معنوی برای مجموعه افراد

(۱) تفکیک جنسیتی کادر آموزشی و اداری:

تفکیک جنسیتی در دانشگاه به ترتیب اولویت، ناظر به سه گروه ذیل است:

۱/۱. دانشجویان

۲/۱. اساتید

۳/۱. کادر اداری

۱/۱. تفکیک جنسیتی دانشجویان:

این تفکیک، به ترتیب اولویت، مقاطع کارشناسی، ارشد، دکتری و بالاتر را در بر می‌گیرد.

منطق عقلی و شرعی این تفکیک و اولویت، ناظر به دو محور است:

الف- سن بلوغ و مجرد اکثریت دانشجویان کارشناسی

ب- آسیب پذیری افراد و لو متأهل، در شرایط اختلاط مستمر

تجرد در سن بلوغ و غلیان جنسی، در شرائط اختلاط، بطور طبیعی روابط علمی و اخلاقی دانشجویان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هرچه امید به تأهل کمتر باشد، خطر آسیب اخلاقی بیشتر خواهد بود.

با کمال تأسف، تعداد افراد مجرد بکر دختر و پسر، در سن ازواج، بنابر سالنامه آماری سال ۱۳۷۵ شمسی، ۶/۵ تا ۷ میلیون نفر بود؛ لیکن این آمار در سال ۱۳۸۵ شمسی بنابر استخراج سازمان ملی جوانان به دو برابر یعنی ۱۳ الی ۱۴ میلیون نفر افزایش یافته است! هر سال حدود ۸۰۰ هزار ازدواج صورت می‌گیرد و ۲۰٪ (در شهرستانها) تا ۲۵٪ (در مراکز استانها) آن، به طلاق می‌انجامد.

این ازدواجها صرفاً، حدود ۱۲٪ مجردان را شامل می‌شود؛ که اکثریت آنها غیر دانشجو، و یا در مقطعی غیر کارشناسی است؟ یعنی بیش از ۹۰٪ دانشجویان (بیش از ۳ میلیون نفر)، در مجرد به سر می‌برند؛ و این تعداد، آمار خطرناکی است چرا که بیانگر امید پایین بلکه نوعی ناامیدی از ازدواج، در میان قشر جوان است؛ ناامیدی در کنار اختلاط، بستر شوم ارتکاب به گناه و مشوق آلودگی به فحشاء است؛ با این وجود، متأسفانه تا کنون، متولیان مملکت و مسئولان وزارت علوم، هنوز تدبیری قابل ذکر را، متناسب با واقعیت آماری موجود، جهت ساماندهی ازدواج، در میان دانشجویان در وهله اول و عموم جوانان در سطح مملکت، نیاندیشیده‌اند!

"تفکیک جنسیتی دانشجویان"، بمعنی "جدا سازی کلاسها" (نه دیوار و پرده کشی، که حرکتی خام و جاهلانه است)، در مرحله اول، سپس "جدا سازی کلی محیط آموزشی" در مرحله بعد، قرار دارد که با وضعیت کنونی کثرت جذب دانشجو، به شرط

اعتقاد و اراده جدی متولیان امر، امری سهل و شدنی است و قدم اول اصلاح به شمار می‌آید؛ همانگونه که به همت مرحوم آیت الله قاضی در دانشگاه قم صورت پذیرفت؛ ولیکن مطمئنا برای سلامت روابط کافی نیست و قدم‌های دوم و سوم را برای کفایت اصلاح، نیازمند است.

۲/۱. تفکیک جنسیتی اساتید:

قدم دوم، طبعاً، تفکیک جنسیتی اساتید است.

اولویت اول بنابر موازین شرعی، اختصاص تدریس بانوان به کلاس دانشجویان دختر و ممنوعیت آن برای کلاسهای مختلط و یا صرف پسران خواهد بود؛ چرا که مرجعیت بانوان برای مردان، موجب آسیب طرفین است؛ ولو اساتید زن معصومه باشند؛ (ادله دینی این معنی در پی خواهد آمد)؛ اجمالا، متذکر می‌شویم: عدم احراز نبوت برای حضرت مریم (ع) و عدم انتصاب حضرت فاطمه زهراء (ع) به مقام امامت، با وجود عصمت و برتری معنوی نسبت به بسیاری از انبیاء برای حضرت مریم (ع) و نسبت به فرزندان معصوم، ائمه اطهار (ع) برای حضرت فاطمه (ع)، دلیل روشنی در این باب می‌باشد. (نقی پورفر، ۱۳۸۲)

در مرحله بعد، طبعاً، اختصاص هر کلاس تک جنسیتی به اساتید هم جنس می‌باشد که لازمه آن تربیت کادر زنان دانشمند در رشته‌های مربوطه، در حد نصاب است که با شرائط کثرت دانشجویان دختر، امری ممکن، بلکه، امر آسانی است؛ به شرط آنکه پراکندگی خانمها در رشته‌های مختلف، متناسب باشد که به نظر می‌رسد هم اکنون تا حدود زیادی این چنین است.

در مرحله سوم، تفکیک جنسیتی در رشته‌های دانشگاهی می‌باشد که متناسب با شخصیت و خصائص زن و مرد، ضرورت فقهی و یا اخلاقی می‌یابد؛ مثلاً، قطعاً، رشته‌های پزشکی امور زنان از نظر شرعی در شرائط اختیار، بایستی توسط پزشک زن صورت پذیرد

و لازمه آن، جذب و تربیت نیروی علمی لازم و کافی از زنان متخصص است که در مرحله ورود به دانشگاه با سیاستگذاری صحیح، امری شدنی است.

مرحله اول، از ابتدا، توسط مرحوم آیت الله قاضی، در دانشگاه قم عملیاتی شد؛ اما برای تحقق مراحل دوم و سوم، باید تدبیرهای ویژه با همیاری وزارت علوم صورت پذیرد.

۳/۱. تفکیک جنسیتی کادر اداری:

قدم سوم، بعد از قدم دوم، و یا به همراه آن، تفکیک جنسیتی کادر اداری است. مرحله اول این قدم، تفکیک کادر زن و مرد از یکدیگر، و به حداقل رساندن اختلاط سازمانی است.

مرحله بعدی، تفکیک کلی محیط اداری، به همراه تفکیک کلی دانشجویان دختر و پسر است تا حداکثر سلامت روابط از این منظر، بستر سازی شود.

این دو مرحله نیز در دانشگاه قم؛ با اهتمام مرحوم آیت الله قاضی، از ابتدا صورت پذیرفت.

ادله تفکیک جنسیتی:

در سوره احزاب، در چند آیه، دستور العمل نحوه ارتباطات اجتماعی زنان پیامبر (ص)، با مردان غیر محارم و بالعکس را، خصوصاً در باب تعلیم و تعلم، تذکر می‌دهد:

۱. "... و إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ، ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقَوْلِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ..." (احزاب/۵۳)

۲. "...إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الذی فی قلبه مرض، وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا" (احزاب/۳۲)

۳. "وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَى فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَ الْحِكْمَةِ، إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا" (احزاب/۳۴)

۴. "و قرن فی بیوتکن ولاتبرجن تبرج الجاهلیة الأولى، و أقمن الصلوة و آتین الزکوة و أظعن الله و رسوله..." (احزاب/۳۳)

در آیه اول، به صراحت دستور می‌دهد: در درخواستها و مراجعات اجتماعی، برای مردان غیر محارم، ضرورت دارد از ورای حائل و پرده، با همسران پیامبر(ص) ارتباط برقرار نمایند؛ دلیل این دستور حفظ هرچه بیشتر سلامت و طهارت اخلاقی و قلبی غیر محارمان، و نیز، زنان پیامبر خدا(ص) عنوان شده است.

حال آنکه از یک طرف، در همین سوره، این زنان در حکم مادر امت معرفی شده اند: "...و أزواجه أمهاتهم..." (احزاب/۶)؛ و کمترین مفسده اخلاقی در ارتباط اجتماعی بدون حائل و پرده، برای این زنان مادر اجتماع، متصور است، و طبعاً این مفسده برای زنان دیگر که چنین جایگاهی در ارتباط با غیر محارم ندارند، بیشتر است.

و از طرف دیگر، شخصیت پیامبر خدا(ص) بر حریم این زنان، سایه افکن است و کسی را بطور معمول، جرأت آن نیست که نسبت به ناموس پیامبر خدا(ص) طمع شهوانی پیدا کند.

بنابراین معلوم می‌شود: در حکم الهی فوق در آیه اول (احزاب/۵۳)، زنان پیامبر خدا(ص) أضعف مصادیق در شکل گیری مفسده قلبی و اخلاقی می‌باشند و این حکم، به اولویت قطعی و با تأکید، در مورد سایر زنان، جریان دارد.

پس این آیه شریفه، مهمترین دلیل تفکیک جنسیتی در ارتباطات اجتماعی می‌باشد.

در آیه دوم (احزاب/۳۲)، پرهیز از لحن و عشوه زنانه در گفتگو با غیر محارمان را، به زنان پیامبر خدا(ص) فرمان می‌دهد؛ چرا که ممکن است بعضی از این مخاطبان، به علت مرض قلبی، دچار طمع شهوانی شوند؛ حال آنکه کمترین مفسده در مورد این زنان مادر خوانده مطرح است؛ پس چگونه است حکم زنانی که در چنین جایگاهی نیستند؟؛ جز

آنکه در اینجا نیز، حکم پرهیز از لحن زنانه، و عشوه لسانی و شوخی، به اولویت قطعی و به تأکید، برای دیگر زنان، جاری است.

در آیه سوم (احزاب/۳۴)، از یک طرف بر ضرورت تعلیم و تربیت زنان پیامبر(ص)، آن هم بر محوریت فرهنگ قرآنی و جهت گیری الهی فرمان می‌دهد؛ و ثانیاً، بر فراگیری این آموزشها در صورت ممکن در منازل تأکید می‌نماید (تقدم جار و مجرور "فی بیوتکن"، افاده حصر و تأکید را دارد)؛ و دلیل صدور این حکم را در مورد زنان پیامبر(ص)، تجلی لطافت و خبرگی خدا در نظام خلقت مطرح می‌نماید!

واضح است که اولاً، در اینجا عموم تجلی لطافت و خبرگی الهی مقصود نیست چرا که آن عموم، همه خلقت را در بر می‌گیرد و اختصاص به انسانها ندارد: "ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فتصبح الأرض مخضرة، إن الله لطيف خبير" (حج/۶۳)

پس در اینجا تجلی ویژه لطافت و خبرگی در انسانها، مطرح است؛ آن هم در مورد صنف زنان مد نظر است؛ چرا که از نظر فقهی، حکم مذکور مردان را در بر نمی‌گیرد.

و ثانیاً، این تجلی صرفاً به خلقت زنان پیامبر خدا(ص)، اختصاص ندارد (چرا که در خلقت، بر دیگر زنان امتیازی ندارند) بلکه ناظر به خلقت عموم زنان است که ضرورت دارد از این ظهور ویژه لطافت و خبرگی الهی در زنان (که سرمایه عظیم آنان جهت نقش آفرینی اخلاقی و تربیتی در جامعه، به ویژه در جایگاه همسری و مادری است)، در مسیر تعلیم و تربیت الهی زنان، با رعایت حریم داری، پاسداری شود.

و ثالثاً، حضور اجتماعی زن، بیرون از منزل، در محیطهای آموزشی از باب ضرورت است چرا که در شرایط فعلی، در منزل، برای اکثریت آنان، رشد معرفتی و تعلیم و تعلم ممکن نیست پس بناچار برای حفظ و تعالی و بالندگی این گوهر ویژه الهی (لطافت

و خبرگی الهی)، بایستی در جامعه بیرون از خانه، محیطی هر چه شبیه تر به امنیت اخلاقی و روانی منزل را برای آنان فراهم آورد.

تفکیک جنسیتی کمترین قدم در راستای رعایت این رهنمود حکیمانه الهی است. از اینجا معلوم می‌شود قرب مکانی هر چه بیشتر محل آموزشی به منزل بانوان نیز، یکی دیگر از اقدامات شرعی در جهت اطاعت فرمان خداست.

پس تا ممکن است بر مسئولان نظام است که تحصیل خانمها را در شهر خود آنان فراهم نمایند و اگر ممکن نشد بایستی سیاست ایجاد خوابگاه آنان را در حریم دانشگاه به عنوان یک الزام عقلی و واجب شرعی در پیش گیرند و در این راستا کوتاهی ننمایند که در غیر این صورت، عند الله، سخت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت.

البته هرچه زمان به پیش می‌رود، با گسترش فناوری اطلاعات و فضای مجازی آموزشی، هرچه بیشتر امکان آموزش بانوان در محیط منزل در عین حضور مجازی در کلاس به صورت آنلاین و ویدئو کنفرانس، و ارتباط دوطرفه میان استاد و شاگرد، مطرح است که این روش نیز بر حضور فیزیکی در دانشگاه شهر خود ترجیح دارد تا چه رسد به حضور در دانشگاه شهری دیگر، که هزینه‌های اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی زیادی را بر جامعه، خصوصاً بانوان، تحمیل می‌نماید.

پس بر مسئولان نظام است که گسترش آموزش مجازی را از این زاویه نیز با تأکید مد نظر قرار دهند تا غرض متعالی مذکور، در صیانت شخصیت اخلاقی بانوان، این مریبان اول جامعه و بشریت حاصل گردد؛ اگرچه از باب صرفه جویی در وقت و هزینه اقتصادی، و دلایل دیگر، این سیستم آموزشی برای بسیاری از مردان نیز، در عصر تکنولوژی نوین و انفجار اطلاعات، مزیت نسبی فراوانی دارد؛ ولیکن در مورد بانوان به دلایل فوق مورد تأکید است.

آیه چهارم (احزاب/۳۳)، بر ضرورت استقرار همسران پیامبر خدا(ص) تأکید می‌نماید؛ این حکم در کنار رعایت حریم ناموسی و عدم جلوه گری هوس آلود در جامعه، و اقامه صلوٰة و پرداخت زکوة، و اطاعت امر خدا و پیامبر خدا(ص) آمده است.

واضح است که چهار حکم بعدی عمومیت دارد و به زنان پیامبر (ص) اختصاص ندارد پس با توجه به شرح آیه سوم، و چهار حکم فوق، پایگاه ویژه بودن منزل، برای عموم زنان مطرح است که در نقش ویژه همسری و مادری، آیت ویژه خدای رحمانند و مسئولیت امنیت بخشی به همسر و فرزندان را در نظام خلقت بر عهده دارند:

"و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسكنوا إليها..." (روم/۲۱)
 "هو الذی خلقکم من نفس واحدة و جعل منها زوجها لیسکن إليها..."
 (اعراف/۱۸۹)

این رسالت گویای آن است که از نظر اسلام، هیچ فعالیتی بیرون از منزل، چه آموزشی و چه شغلی، و غیره، نبایستی نقش همسری و مادری زنان را به خطر اندازد و تمام فعالیت‌های اجتماعی وقتی مثبت است که در راستای تحکیم خانواده و نقش همسری و مادری زنان صورت پذیرد.

متأسفانه نحوه سیاست‌گذاری‌های آموزشی و شغلی در جامعه چنان است که موجب بالارفتن سن ازدواج جامعه بویژه زنان شده است؛ بلکه محرومیت بسیاری از زنان از ازدواج مناسب را سبب گردیده است که یکی از دستاوردهای شوم آن، ناامیدی تعداد بسیار روز افزون از زنان تحصیل کرده در امر ازدواج و پیش گرفتن زندگی مجردی، می‌باشد و حاصلش، تحمیل آسیب‌های روحی روانی بر قشر زنان تحصیل کرده، و آسیب‌های اقتصادی، امنیتی، اخلاقی، اجتماعی، و سیاسی فراوانی بر کل جامعه است.

نکته اساسی دیگر، سیاست‌گذاری جنسیتی در گرایش‌های تحصیلی است تا ضرورت‌های خانوادگی و اجتماعی خاص زنان توسط خود آنان سامان یابد.

پس بایستی، بر نقش مکمل یکدیگر بودن زن و مرد در خانه و اجتماع در اولویتهای تحصیلی به عنوان سیاست کلی آموزشی نظام تاکید کرده، با حکمت و با توضیح روشن و منطقی به جامعه، خصوصاً بانوان، اجرایی شود؛ تا از قبل آموزش عالی جامعه مستعد، خصوصاً بانوان، همه از برکات آن بهره مند شوند؛ نه آنکه تحصیلات بانوان، موجبات محرومیت از ازدواج و امنیت روانی و غیره برای خود آنان و دیگران را فراهم آورد.

پس از مجموعه توضیحات در چهار آیه مذکور معلوم می‌گردد:

قره "یا نساء النبی لستن كأحد من النساء" در ابتدای آیه اول، ناظر به حکم بعد نیست؛ بلکه جمله تعلیلیه برای حکم ویژه قبل است که فرمود: شما زنان پیامبر خدا (ص) در تخلفات و عبادات، عقاب و ثواب مضاعف دارید؛ چرا که در جایگاه اجتماعی هم‌تراز دیگر زنان، نیستید؛ بلکه نقش الگویی را در جامعه برعهده دارید و زنان دیگر به عنوان همسر پیامبر از شما نیز الگو می‌گیرند (مکارم شیرازی، ج ۱۷، ص ۲۸۸):

"یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یشاعف لها العذاب ضعفین...؛ و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحاً نؤتها اجرها مرتین...؛ یا نساء النبی لستن كأحد من النساء" (احزاب/ ۳۰-۳۲)

از این آیه با دقت در نسبت زنان به پیامبر خدا (ص) که انتساب مادی است نه معنوی، معلوم می‌شود:

اولاً، این حکم به اولویت قطعی فرزندان پیامبر خدا (ص) را در بر می‌گیرد چرا که انتسابشان به پیامبر خدا (ص) نسبی و ابدی است لیکن انتساب زنان سببی و قابل فسخ با طلاق است.

ثانیاً، با اولویت قطعی منتسبین معنوی به پیامبر خدا (ص) را در بر می‌گیرد که روحانیت و مدیران نظام اسلامی از جمله افراد طراز اول این انتسابند؛ چرا که واضح است: انتساب معنوی به پیامبر خدا (ص) قوی تر از انتساب مادی به حضرتش می‌باشد.

با توضیحات فوق بطلان ادعای اختصاصی بودن احکام فوق به زنان پیامبر (ص) معلوم می‌شود؛ بلکه اتفاقاً، بر عکس، تمام احکام فوق از باب تضعف مصادیق، به زنان حضرت خطاب گردیده است و دیگران را به اولویت قطعی در بر می‌گیرد؛ و لیکن متأسفانه ادعای فوق با غفلت بعضی از روحانیت و اشتباه بعضی دیگر، و سوء استفاده و غرب زدگی بعضی از مسئولان، از اوائل انقلاب به بعد، اختصاص به زنان پیامبر (ص)، تلقی گشته، پایه مرادفات مسئله دار در ادارات و محیطهای اجتماعی و آموزشی گذاشته شد.

دقت در سیره زندگی حضرت امام ره نشان می‌دهد:

اولاً، سخن ایشان در برچیدن پرده در دانشگاه‌ها در اوائل انقلاب، هرگز بر نفی تفکیک جنسیتی به نحو استقلال کلاسها نبود؛ بلکه حکمی اقتضایی ناظر به اول انقلاب بدون وجود بستر روانی و اجرایی استقلال کلاسها بود؛ والا تفکیکی را که حضرت امام (ره) در مورد دیگران با محارم خود اصرار داشتند، چگونه خلاف آن را برای دیگران روا می‌دارند.

و ثانیاً، حضرت امام عالمی ربانی و منضبط به فرامین دینی و فردی غیور نسبت به حریم ناموسی، به اعتراف دوست و دشمن، بودند؛ لذا بر خلاف ضوابط دینی هرگز دستوری صادر نمی‌کردند.

بنابراین کلام ایشان را بایستی بر اساس ضوابط دینی تفسیر نمود؛ نه آن گونه که غافلان و یا جاهلان و یا مغرضان تفسیر نمودند و مصیبت‌های فراوانی را از قبل آن، علیرغم عدم رضایت رهبری و مراجع عظام و روحانیت درد آشنا، به جامعه، تحمیل نمودند که هنوز هم ادامه دارد؛ و بایستی علایج تدریجی و حکیمانه در رفع آن و اصلاح امور، صورت پذیرد.

(۲) بستر سازی بسیج ازدواج مجموعه کادر آموزشی و اداری:

بسیج ازدواج، قدم اساسی دوم در تنظیم سلامت روانی محیط دانشگاهی، بلکه محیط کلی اجتماع است.

دستور این بسیج را خدای سبح قدوس منان، در سوره نور، فرمان داده است:

"وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ، إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ" (نور/۳۲)

این فرمان، نه خطاب به جوانان، بلکه ناظر به سرپرستان جوانان است که نه تنها والدین، بلکه همه جامعه متأهلین اعم از بستگان، همشهریان و حاکمیت اسلامی را در بر می گیرد؛ (مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۴۵۷) چرا که همه امت مسلمان مؤمن، به بیان قرآن، حکم یک خانواده را دارند و بایکدیگر، صرفاً برادرند:

"إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ" (حجرات/۱۰)

مقصود از "آیامی" که جمع "ایم" است، مجردان، اعم از زن و مرد بکر و غیره را شامل می شود. (راغب اصفهانی، ص ۳۰)

شمول حکم ازدواج به خدمتکاران منزل (کنیزان و غلامان در آن زمان)، گویای آن است که تأهل همه افراد بالغ در روابط اجتماعی، ضرورت بی چون و چرایی دارد؛ لذا همه جامعه خصوصاً متأهلین و حاکمیت اسلامی، بایستی با بسیج تمام امکانات، بستر تأهل سهل و سالم را برای مجردان و خصوصاً جوانان فراهم نمایند؛ در این راستا با تدبیرهای اجرایی مناسب، در کنار فرهنگ سازی تشویق و تکریم تأهل، بایستی هزینه زندگی متأهلی را بسیار پایین آورد؛ و بالعکس، در کنار فرهنگ سازی مذمت شدید مجرد، عوارض و هزینه زندگی مجردی را بایستی، بسیار سنگین نمود؛ تا زیر بار فشار روانی و اقتصادی مجرد، اکثریت قاطع جامعه، به این سادگی، جرأت زندگی مجردی در سر نپروراند بلکه فرهنگ سازی و سیاستهای تشویقی موجب تحقق ازدواج سالم گردد و رکن اساسی سلامت روابط اجتماعی نهادینه شود.

تعبیر "و لیستغفف الذین لا یجدون نکاحا حتی یغنیهم الله من فضله" (نور/۳۲) برخلاف مشهور، ناظر بر صبر بر مجرد به جهت فقر نیست؛ چراکه در صدر آیه شریفه، آن را با توجه به ادای وظیفه امت و حاکمیت اسلامی، و با توجه به عنایت خاص الهی در امر ازدواج، منتفی دانست: "إِنَّ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ"

بلکه به جهت عدم یافتن مورد مناسب است؛ همانگونه که در آیه طلاق مطرح است:

"وَأِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كِلَا مِنْ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا" (نساء/۱۳۰)

این مبحث و ارائه راهکار امداد اقتصادی جوانان در سال ۱۳۸۰ شمسی، به همراه متن استفتاء از بعضی از مراجع عظام و پاسخ آنان در ضرورت اهتمام حاکمیت اسلامی و امت مؤمنه، طی نامه‌ای به مقام معظم رهبری ارسال گردید؛ که در پایان به ضمیمه خواهد آمد.

خلاصه کنیم: اصلاح امر ازدواج جوانان، شش مسئله دارد که سه مسئله آن فرهنگی و سه دیگر آن، اقتصادی است:

۱. اقدامات فرهنگی:

۱/۱. آموزش

۲/۱. مشاوره

۳/۱. مورد یابی

۲. اقدامات اقتصادی:

۱/۲. مسکن

۲/۲. حداقل امکانات زندگی

۳/۲. درآمد ماهیانه:

۱/۳/۲. اشتغال مفید

۲/۳/۲. بیمه بیکاری

تمام محورهای فرهنگی در توان مراکز دانشگاهی قرار دارد. لذا ضرورت دارد از نظر ساختاری معاونت فرهنگی در هر دانشگاه هویت مستقل از معاونت دانشجویی یابد تا یکی از ادارات کل آن "اداره کل دانشجویان و خانواده" با سه رسالت فرهنگی فوق تعریف گردد. این طرح نیز در سال ۱۳۸۴ شمسی به وزارت علوم، پیشنهاد گردید و متن آن در پژوهشنامه فرهنگی وزارت در آن سال به چاپ رسید که آن هم به ضمیمه آمده است.

(۲) فرهنگ سازی معرفتی و معنوی برای مجموعه افراد

فرهنگ سازی برای سلامت اخلاقی در ارتباط اجتماعی، طبعاً، مجموعه فعالیتهای اعتقادی، اخلاقی، احکامی را در کنار رفع نیاز سالم تشکیل خانواده، به همراه ارائه الگوی معنوی در عدالت و تقوی و ساده زیستی، از جانب متولیان معنوی و اجرایی نظام، در بستر گزینش صالحان در پستهای مختلف، در بر می گیرد که توضیح بیشتر در این زمینه، مجال و مقال دیگری را می طلبد.

بعضی از دیدگاهها:

- آیت الله مکارم شیرازی: در تمجید از مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی: ایشان علیرغم اصرار برخی برای اختلاط دختران و پسران، تا آخر مخالفت، و بر عقیده خود، پافشاری نمودند. (یادنامه حضرت ایت الله قاضی، ص ۲۴)
- آیت الله سبحانی: با توجه به اینکه دانشگاه مختلط، مطابق اسلام نیست و دانشجویان نیز از نظر تحصیلی، دچار افت می شوند، ایشان توانست از نظر اخلاقی این دانشگاه را جدا سازد. (همان، ص ۲۸)
- آیت الله مؤمن: از ویژگیهای خاص و شاید منحصر به فرد این دانشگاه، آن باشد که بین برادران و خواهران در محل خوابگاه و زندگی (تحصیلی شان) کاملاً جدایی برقرار است. (همان، ص ۴۱)
- مرحوم آیت الله قاضی خرم آبادی: مسئله مهمی که در کشورمان وجود دارد این

است که باید در روابط زن و مرد، حریمی وجود داشته باشد... با توجه به مقاطع قبل از دانشگاه که پسران و دختران مختلط نیستند، اجتماع دانشجویان دختر و پسر در یک کلاس و دیگر جاهایی که احتمال اختلاط در آن وجود دارد، چه توجه شرعی می تواند داشته باشد؟ (همان، ص ۵۱-۵۲)

- در ملاقات وزیر علوم با استاد مصباح یزدی و آیت الله سبحانی، این حضرات بر تفکیک جنسیتی تأکید کردند. (سایت امید، ۸۸/۹/۲۸)
- جلیل دارا مدیر کل فرهنگی وزارت علوم: مصوبه انقلاب فرهنگی: در جایی که امکان برگزاری کلاسها وجود داشته باشد، تفکیک کلاسها صورت گیرد. (سایت سیاست و جامعه، ۸۹/۲/۱۲)
- محمد نژاد، معاون پژوهشی نهاد نمایندگی در دانشگاهها: آزمایش تفکیک جنسیتی در دانشگاههای معتبر تهران، شریف و شهید بهشتی، نتایج مثبتی به همراه داشته است. (سایت دیدنیها، ۸۸/۹/۳۰)
- وزیر بهداشت انگلیس "آندرو لnzلی": ملغی کردن بخشهای مختلط در بیمارستانهای انگلیس، بیشترین منافع را برای بیماران در بر خواهد داشت. (سایت الف، ۸۹/۵/۲۵)
- عباس پور، رئیس کمیسیون آموزش در مجلس شورای اسلامی: تفکیک جنسیتی، توهین به دانشگاهیان است! (خبر آنلاین، ۸۸/۱۲/۱۶)
- انصاری راد، رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی: اختلاط خلاف شرع نیست و بنظر بعضی افت تحصیلی به همراه ندارد! (سایت آموزش نیوز، ۸۸/۹/۳)
- سید رضی، نهج البلاغه
- نقی پورفر، ولی الله، مجموعه مباحثی از مدیریت در اسلام، مرکز مطالعات و تحقیقات مدیریت اسلامی، ۱۳۸۲ هـ. ش، تهران.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ ه.ش، تهران.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۷، ۱۳۷۴ ه.ش، تهران.
۴. یادنامه حضرت آیت الله قاضی خرم آبادی، نشر دانشگاه قم، ۱۳۸۸ ه.ش، قم.

سایتها:

۱. الف
۲. آموزش نیوز
۳. امید
۴. خبر آنلاین
۵. دیدنیها
۶. سیاست و جامعه

ضمائم

ضمیمه (۱): نامه به رهبری:

بسم الله الرحمن الرحيم

«ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظيم اللهم صل على محمد و آل محمد»

محضر مبارک ولی امر مسلمین حضرت آیه الله العظمی خامنه ای «دام عزه العالی»

سلام علیکم

طرح مشکل:

بنابر سالنامه آماری سال ۱۳۷۵^۱

اما بعد، همانطوری که حضرت تعالی مستحضر هستید: بیش از ۷ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج در جمهوری اسلامی وجود دارد که با روند فعلی، امکان اصلاح امر ازدواج سالم و آبرومندانه، برای اکثر آنان فراهم نمی باشد.

* خطر عدم اصلاح جدی و فوری امر جوانان، کمتر از خطر بمب اتمی نیست، که تمام جامعه را در معرض تهدید جدی قرار می دهد.

* منوط کردن ازدواج و مسکن جوان به فراهم کردن شغل، برای بسیاری از آنان، منطق عقلی و شرعی صحیحی ندارد؛ چرا که باتوجه به حدود ۵ میلیون بیکار از گذشته و حال، باتوجه به ایجاد فرصت شغلی حدود ۵۰۰ هزار فرصت در سال، به معنی عدم اصلاح فعلی وضعیت حداقل نیمی از جوانان، در فرصت مطلوب می باشد؛ که با عدم امکان صبر بر نیاز جنسی بسیاری از جوانان، به معنی پذیرش ناچاری آلودگی جوانان و به خطر افتادن عرض و ناموس مؤمنین و مؤمنات می باشد که نتایج وحشتناکی را در آینده نه چندان دور ترسیم می نماید.

* رابطه فحشاء و قتل و غارت و آدم کشی، منطق روشن عقلی و شرعی دارد.

* و ظاهر قرار داشتن آیه شریفه «ولا تقربوا الزنا» میان دو نهی از قتل اولاد و قتل مردم نیز، از مرگ و هلاکت جامعه بر اثر فحشاء حکایت دارد؛ که دیگر چنین جامعه مرده ای را پیامبر خدا «ص» هم نمی تواند احیاء کند که: «انک لا تسمع الموتی»، و «ما انت بمسمع من فی القبور».

* خدمت استاد مصباح عرض شد جوانان بیش از آنکه شبهه فکری داشته باشند دچار شبهات روانی و نفسانی اند که عمده اش، عدم اصلاح امر ازدواج، و ابهام از آینده زندگی انسانی شان می باشد؛

۱، بنابر مطالعات سازمان جوانان سال ۸۳، ۹ میلیون نفر و بنابر سالنامه آماری سال ۱۳۸۵، بسیاری
 ملی و استخراج سازمان ملی جوانان در «۱» استان (صفحات ۱۳۰) میلیون رسیده است!

لذا ولو منطق صحیحی در رفع شبهات فکری عرضه شود، وضعیتی روانی جوانان، طالب عدم رفع شبهات است؛ چرا که شبهه افکن، جدایی دین از اجتماع را عریضه می‌کشد؛ و این به معنی چراغ سبز برای رفع نیاز جنسی جوان از هر راه ممکن می‌باشد؛ در حالی که پاسخهای امثال استاد مصباح، دخالت جدی دین در جامعه را مطرح می‌نماید و نتیجه‌اش را جوان، ایجاد سد، در راه تحقق نیاز جنسی و محرومیت خویش قلمداد می‌کند.

اینجانب، مکرر در مکرر از پس پاسخ به شبهات فکری در اردوهای دانشجویی اردبیل و غیره با عصبانیت گروههای خاص دانشجویی مواجه شدم و می‌شوم که چرا شبهات پاسخ دارد و مرتفع می‌شود! که غیرمستقیم از منشأ روانی بسیاری از شبهات عقیدتی و سیاسی حکایت دارد.

✱ اصلاح جدی و صحیح امر ازدواج، بسیاری از شبهات و مشکلات عقیدتی و سیاسی را مرتفع و یا کم‌رنگ خواهد نمود.

✱ عدم اصلاح امر جوان از جانب شبهه افکنان، سندی برای ادعای عدم کارایی دین و جدایی دین از اجتماع در ذهن جوان، القاء می‌شود.

✱ تقدم رتبی و زمانی دعوت به خیر و امر به این معروف اهم (امر ازدواج) بر نهی از فحشاء و منکر، و یا لاقول، همراهی این دو واجب در کنار یکدیگر، پرداختن به اصلاح امر ازدواج را از جمله بسترهای مساعد و مقدمات ریشه کن کردن مفاسد اخلاقی معرفی می‌نماید، و بدون آن، نهی از منکر اخلاقی و حتی عقیدتی، کارساز نخواهد بود.

✱ اصلاح فوری امر جوان، فرصت مغتنم عظیم الهی برای سازندگی مملکت و عدم آن، تهدید هول‌انگیزی به شمار می‌آید که سخت دشمن داخلی و خارجی بدان طمع کرده است.

راه حل:

✱ ظهور فرمان الهی در آیه «و انکحوا الایامی...» جامعه را مکلف به اصلاح امر جوان می‌نماید و با اقدام جامعه است که دیگر مانعیت فقر معنی نخواهد داشت: «و ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله» چرا که «یدالله مع الجماعة».

مدلول آیه شریفه «ولیس تصف الذین لایجدون نکاحاً حتی یغنهم الله من فضله» برخلاف نظر مشهور، صبر بر ازدواج به جهت فقر نیست، و الا صدر آیه با ذیل آن منافات خواهد داشت (صدر، نفی مانعیت

کند و ذیل، اثباتش نماید!) بلکه به جهت فقدان مورد مناسب است، همانگونه که مدلول آیه طلاق «و ان یتفرق ینظر قاین الله کلاً من سعة» نظر به فراهم شدن مورد مناسب برای هر یک از طرفین می‌باشد و خصوصاً مال، مطرح نیست.

✱ خطاب الهی حضرت تعالی را در محوریت امت اسلام، محور اساسی بسیج امت و دولت در اصلاح امر جوانان مطرح می‌نماید؛ و ارجاع امر به دولتیان، بدون اقدام مستقیم حضرت تعالی، کارساز نخواهد بود.

✱ همیاری مراجع با حضرت تعالی در صدور فتوا جهت بسیج مؤمنین که «الحمد لله» بعضاً صادر شده است، راه را برای ایجاد انقلابی در اصلاح امر جوانان، فراهم نموده است.

✱ نصف اول دین بودن ازدواج برای جوان نیازمند «من تزوج فقد احرز نصف دینه» تکلیف مراجع دین را مضاعف می‌نماید.

✱ اصلاح امر ازدواج جوان، مجموعه فعالیتهای آموزشی - مشورتی (قبل، هنگام و بعد از ازدواج) کمک‌دهی مالی، تأمین مسکن رایگان موقتی و یا دائمی، و تأمین شغل برای جوان و در فقدان آن پرداخت بیمه بیکاری تا یافتن شغل مناسب را دربرمی‌گیرد.

مراحل اصلاح:

الف - سیاست کلی:

- | | |
|--|---|
| ۱ - کوتاه مدت: تأمین مسکن
۲ - میان مدت: تأمین جهیزیه و بیمه بیکاری
۳ - دراز مدت: تأمین شغل برای همه واجدین شرائط | } |
|--|---|

مرحله اول:

(۱) ایجاد مسکن های ۳۰ تا ۵۰ مترمربعی جهت اسکان رایگان ۵ الی ۱۰ ساله زوجهای جوان.

(۲) فروش این مسکن ها با تسهیلات بسیار مناسب بعد از مدت مذکور برای زوجهای جوان.

ب - راه حل کاربردی:

✱ تغییر بودجه بندی مجلس، حذف فعلی مصوبات غیر ضروری به همراه توجیه علت آن به جامعه، از جمله حذف ۵ میلیارد جهت خرید تابلوهای هنری توسط دولت، حذف ساختن چندین ورزشگاه تا ۵۰ هزار نفری، حذف ساختن فرهنگسرا، مراکز تفریحی، سمینارهای پر خرج، اصلاح وضعیت یارانه ها، حذف

ضمیمه (۲): استفتاء از مراجع



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

شماره: ۴۸۹۶۳
تاریخ: ۱۳۹۴/۰۶/۰۹
پیوست:

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی بهجت دام ظلله العالی

سلام علیکم

با احترام به عرض حضرت عالی می‌رساند؛ طبق مآخذ کرامت‌آفرین ۷۸، در جمهوری اسلامی ایران حدود ۶ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج وجود دارد که اکثریت آنها از اصلاح امر ازدواج خود عاجزند و بیشتر پدر و مادرها نیز به تنهایی تحقق این معنی را ندارند؛ لذا در راستای فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی، چند سؤال شرعی در اینجا مطرح می‌باشد:

۱. آیا اصلاح امر ازدواج جوانان به عنوان یک تکلیف شرعی بر مسلمانان واجب

است یا خیر؟

۲. اگر این وجوب مستقر است، لازمه تحقق آن بذل مال، به قدر وسع، از جانب

مسلمین می‌باشد، حال، آیا این بذل مال واجب می‌باشد یا خیر؟

۳. اگر وجوب مستقر است و بذل مال واجب، در شرایط کنونی که معضل به حال

خود باقی است آیا همه مسلمین عتدالله مسؤول می‌باشند یا خیر؟ و اگر انجام ندادند

عتدالله مؤاخذ هستند یا خیر؟

با تشکر از عنایت و توجه به این معضل جوانان.

جنتی

هر کس که در این راه ایستاد و در راه خدا کوشش کند
در روز قیامت پادشاه خواهد بود و در قفسه رحمت
باشد و جایزه‌های بسیار خواهد گرفت و هر کس که در این راه
باشد و اجابت آنرا حفظ نماید



سید محمد رضایی
معاون دانشجویی و فرهنگی
دانشگاه قم



پرداختی پاداش ۳۰ ماهه آخرین حقوق بازنشستگان از ۷۵ به بعد (که موجب نارضایتی و احساس تبعیض نیز شده است) و تخصیص آن به امر مسکن زوجهای جوان، تغییر جهت مصرف موقوفات با دخالت مقام ولایت در جهت ایجاد مسکن و...

* هدایت فعلی ساختن حسینه‌ها و مساجد به مسکن زوجهای جوان.

* جهت دادن امور مستحبی به ایجاد مسکن: سفرهای زیارتی عمره، کربلا، سوریه که یک میلیون جمعیت بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان خرج را در هر سال در بردارد. (هر سفر حداقل یک میلیون تومان)

* حذف هزینه نوسازی ساختمان ادارات به جهت فقدان ضرورت فعلی در اکثر موارد و اختصاص آن به مسکن جوان.

و موارد دیگر....

* تبیین تکلیف مالی مؤمنین در باب حق اخوت ایمانی و انسانی در این جهاد مبارک و هشدار در عواقب کوتاهی در این امر با صدور حکم شرعی مؤید به فتوای مراجع بزرگوار: «باتوجه به آیات «و فی أموالهم حق (معلوم) للساائل و المحروم» و روایات ذیل آن و روایات حقوق برادر مؤمن.

* بسیج حوزه‌های علمیه، ائمه جمعه و جماعات و مراکز دانشگاهی و آموزشی و کسبه و بازار و اصناف و شورای شهرها در ساماندهی این جهاد مبارک، از جهت فرهنگی - تبلیغاتی و اداری - مالی.

* امید است با عنایات و اسعه خداوند متان، و توجهات خاصه حضرت ولیعصر «عج» و توفیقات حضرت تعالی، این جهاد عظیم مبارک، تحقق یابد و با اصلاح امر جامعه جوانان، دشمنان مأیوس، و مملکت اسلامی و اسلام و قرآن و اهل بیت «ع» تقویت گردند.

«اللهم أصلح کل فاسد من أمور المسلمین»

بنده امیدوار به رحمت الهی

و نگران از اوضاع فعلی

فرزند و پیرو حضرت تعالی

ساعت ۲۲/۳۵ جمعه شب چهارم رجب المعظم ۱۴۲۲ ولی... نقی پورفر

مصادف با ۱۳۸۰/۶/۳۰



شماره: ۴۸۹۳
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۲
پوست:

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دام ظلّه العالی

سلام علیکم

سألتانہ

با احترام به عرض حضرت عالی می‌رساند؛ طبق آمار سال ۱۳۷۶، در جمهوری اسلامی ایران حدود ۶۵ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج وجود دارد که اکثریت آنها از اصلاح امر ازدواج خود عاجزند و بیشتر پدر و مادرها نیز به تنهایی تحقق این معنی را ندارند؛ لذا در راستای فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی، چند سؤال شرعی در اینجا مطرح می‌باشد:

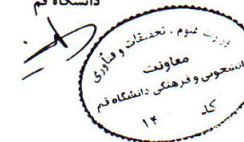
۱. آیا اصلاح امر ازدواج جوانان به عنوان یک تکلیف شرعی بر مسلمانان واجب است یا خیر؟

۲. اگر این وجوب مستقر است، لازمه تحقق آن بذل مال، به قدر وسع، از جانب مسلمان می‌باشد، حال، آیا این بذل مال واجب می‌باشد یا خیر؟

۳. اگر وجوب مستقر است و بذل مال واجب، در شرایط کنونی که معضل به حال خود باقی است آیا همه مسلمانان مسئول می‌باشند یا خیر؟ و اگر انجام ندادند عندالله مؤاخذه هستند یا خیر؟

با تشکر از عنایت و توجه به این معضل جوانان.

سید محمد رضایی
معاون دانشجویی و فرهنگی
دانشگاه قم



بسم الله الرحمن الرحیم
در جواب اول محبت اسلامی؛ درست است که این کتابت برادر است و در جواب دوم؛ این روزها سخن از آن می‌گویند که در این معضل اجتماعی سکوت دارد و در جواب سوم؛ مسلمانان ممکن به عنوان وظیفه‌گزاران باید در این امر شرکت کنند و جوانان نجات دهند به هم پیوسته باشند =



۷۹/۱۱/۳

ازدواج



شماره: ۴۸۹۳
تاریخ: ۱۳۹۰/۰۹/۲۲
پوست:

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه قم

مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی دام ظلّه العالی

سلام علیکم

با احترام به عرض حضرت عالی می‌رساند؛ طبق آمار سال ۱۳۷۶، در جمهوری اسلامی ایران حدود ۶۵ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج وجود دارد که اکثریت آنها از اصلاح امر ازدواج خود عاجزند و بیشتر پدر و مادرها نیز به تنهایی تحقق این معنی را ندارند؛ لذا در راستای فعالیت‌های دانشجویی و دانشگاهی، چند سؤال شرعی در اینجا مطرح می‌باشد:

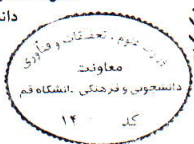
۱. آیا اصلاح امر ازدواج جوانان به عنوان یک تکلیف شرعی بر مسلمانان واجب است یا خیر؟

۲. اگر این وجوب مستقر است، لازمه تحقق آن بذل مال، به قدر وسع، از جانب مسلمان می‌باشد، حال، آیا این بذل مال واجب می‌باشد یا خیر؟

۳. اگر وجوب مستقر است و بذل مال واجب، در شرایط کنونی که معضل به حال خود باقی است آیا همه مسلمانان مسئول می‌باشند یا خیر؟ و اگر انجام ندادند عندالله مؤاخذه هستند یا خیر؟

با تشکر از عنایت و توجه به این معضل جوانان.

سید محمد رضایی
معاون دانشجویی و فرهنگی
دانشگاه قم



بسم الله الرحمن الرحیم
در جواب اول محبت اسلامی؛ درست است که این کتابت برادر است و در جواب دوم؛ این روزها سخن از آن می‌گویند که در این معضل اجتماعی سکوت دارد و در جواب سوم؛ مسلمانان ممکن به عنوان وظیفه‌گزاران باید در این امر شرکت کنند و جوانان نجات دهند به هم پیوسته باشند =

ضمیمه (۳): طرحنامه پیشنهادی به وزارت

برنامه ریزی فرهنگی در دانشگاهها

برنامه ریزی فرهنگی در دانشگاهها

بدان عنایت نمایند. بدین لحاظ ایجاد اداره کل دانشجویان و خانواده، به عنوان زیر مجموعه معاونت فرهنگی، یک ضرورت فوری است؛ با این رسالت که به آموزش مسائل ازدواج و خانواده (قبل، هنگام، و بعد از ازدواج)، مشاورت دهی مستمر و همیاری با دانشجویان در یافتن همسر مناسب از میان دانشجویان، همت گمارد. در این راستا، طرح اولیه ساماندهی امر ازدواج دانشجویان در محیط دانشگاه این چنین پیشنهاد می گردد:

ساختار پیشنهادی شورای ساماندهی ازدواج دانشجویان

ماده ۱: اعضای شورای ساماندهی امر ازدواج

- ۱- ریاست دانشگاه (رئیس شورا)
- ۲- معاونت دانشجویی و فرهنگی (دبیر شورا)
- ۳- مسئول دفتر نهاد نمایندگی ولی فقیه
- ۴- مسئول واحد خواهران
- ۵- دو نفر از مشاوران آقا و خانم به عنوان مسئول کمیته مشورتی واحد برادران و واحد خواهران
- ۶- یکی از اعضای هیئت علمی به عنوان مسئول کمیته علمی
- ۷- معاون اداری و مالی به عنوان مسئول کمیته اجرایی
- ۸- یکی از اعضای هیئت علمی به عنوان مسئول کمیته روابط عمومی
- ۹- مسئول یا نماینده کانون پیوند به تأیید شورای فرهنگی

ماده ۲: ساختار و وظایف کمیته ها

۱-۲- کمیته مشورتی واحد برادران

اعضا:

- ۱- یکی از مشاوران
 - ۲- دو نفر از اعضای هیئت علمی متعهد و متأهل به پیشنهاد مسئول کمیته و تأیید شورای فرهنگی
 - ۳- دو نفر از دانشجویان متأهل و متعهد به پیشنهاد کانون پیوند و تأیید شورای فرهنگی
- وظایف:

معاونت فرهنگی و اداره کل دانشجویان و خانواده



مسئله ازدواج دانشجویان و رفع نیازهای روحی و روانی آنان یکی از مسائلی است که در برنامه ریزی فرهنگی دانشگاه، جایگاه ویژه ای داشته از موضوعات آن و یادرواقع یکی از زیر ساخت ها در این حوزه به حساب می آید. آنچه تقدیم می شود بخشی از مقاله «چشم انداز جوانان و نهاد خانواده از دیدگاه اسلام» اثر حجت الاسلام دکتر ولی الله نقی پورفر، استاد یار دانشگاه قم است.

در هر سازمان اجتماعی انسان ها با کلیت جسمی - روانی و عقلی - قلبی شان حضور پیدا می کنند؛ لذا هر چند نهادی چون دانشگاه، نهادی علمی - معرفتی تلقی می گردد؛ نمی تواند نیازهای جسمی - روانی دانشجویان را نادیده بگیرد؛ خصوصاً نیاز جنسی جوان را که به حکم عقل و شرع، قوی ترین نیاز مادی جوان می باشد؛ از این رو، پرداختن به اصلاح این نیاز در محیط دانشگاه یکی از ضرورت هایی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری باید به جد

- ۱- گردآوری اطلاعات و مشخصات فردی داوطلب و معیارهای انتخاب همسر
- ۲- تهیه پرسشنامه، مشخصات، و کدگذاری پرونده‌های رسیده
- ۳- تطبیق پرونده‌ها و پیشنهاد زوج‌های مناسب به تأیید صاحب‌نظرانی که از سوی شورای ساماندهی معرفی می‌شوند.

روش:

- ۱- مراجعه دانشجوی و تکمیل کارت رمز و تعیین شماره ارتباط
 - ۲- تکمیل پرسشنامه مشخصات و ویژگی‌های فرد داوطلب فرد مورد نظر
 - ۳- بررسی پرسشنامه‌های داوطلبان به منظور تعیین فرد مطلوب هر داوطلب از بین پرسشنامه‌های موجود
 - ۴- برقراری رابطه با والدین طرفین جهت اقدامات عملی و دریافت اجازه با رعایت سنن خانوادگی
 - ۵- تشکیل جلسات مشاوره برای تعیین جزئیات پرسشنامه و مشخصات
 - ۲-۲- کمیته مشورتی واحد خواهران:
- مشابه ترکیب، وظایف و روش‌های کمیته مشورتی واحد برادران می‌باشد.

۲-۳- کمیته علمی

اعضا:

- ۱- یکی از اعضای هیئت علمی به پیشنهاد شورای فرهنگی و تأیید رئیس شورا
- ۲- دو نفر کارشناس و صاحب‌نظر در امر مشاوره ازدواج از بین خواهران و برادران

وظایف:

- ۱- برگزاری سمینار ازدواج و سخنرانی مناسب و زمینه‌های تبلیغی قبل از ازدواج و مسائل خانواده بعد از ازدواج
- ۲- انتشار جزوات مناسب
- ۳- معرفی کتاب و پیشنهاد برگزاری مسابقه کتابخوانی و مسابقه‌های دیگر توسط کانون پیوند و کانون‌های فرهنگی.

۲-۴. کمیته اجرایی:

اعضا:

- ۱- معاون اداری و مالی
- ۲- مدیر کل امور دانشجویی

- ۳- انتخاب ۳ نفر از والدین دانشجویان که از تمکن مالی و حسن شهرت برخوردار باشند.

وظایف:

- ۱- تأمین امکانات مورد نیاز کمیته‌های دیگر
- ۲- استفاده از امکانات دانشگاه در چارچوب مقررات
- ۳- جمع‌آوری و جذب امکانات دولتی به صورت دعوت از فرماندار یا مدیران کل و مسئولان شهر
- ۴- جمع‌آوری و جذب امکانات مردمی
- ۲-۵. روابط عمومی

اعضا:

- ۱- مدیر کل امور فرهنگی
- ۲- یک نفر از اعضای هیئت علمی
- ۳- دو نفر از دانشجویان به پیشنهاد کانون پیوند

وظایف:

- ۱- انجام هماهنگی در مراحل اجرایی مورد نیاز کمیته‌های سه‌گانه
- ۲- معرفی هر چه بهتر شورای نهادهی کردن امر ازدواج و کانون پیوند به دانشجویان
- ۳- برقراری رابطه با دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط از جمله وزارت، شورای جوانان و دیگر نهادهای مرتبط با موضوع

و در یک کلام یاد او یاد یک روحانی مخلص و خدوم است که در راه انقلاب و نهضت الهی ایران اسلامی از همه چیز خود مایه گذاشت و بدون هیچ چشم داشتی در تمام فراز و فرودها به انجام وظیفه پرداخت.

همه کسانی که با آن مرحوم مأنوس بوده‌اند خوب می‌دانند که او هم معلم بود و هم مربی و هم روحانی مخلص و وارسته.

هم دقیق بود و هم جدی و در عین حال سخت کوش و متعهد.

او هم عالم بود، هم عامل و هم مخلص، ارزش علم را به عمل می‌دانست و ارزش عمل در نزدش به اخلاص بود.

شوق و شیفتگی به سازندگی، پشتکار و پیگیری مستمر امور محوله، نستوهی و پر کاری خستگی ناپذیر، حریت و شهامت در اظهار نظر همراه با رعایت جانب احتیاط همت والا، روحیه مهرورزی و شفقت نسبت به دیگران، تواضع و فروتنی، رعایت حرمت همگان، خصوصاً بزرگان، مسئولیت پذیری دینی، دفاع از حریم قرآن و مکتب اهل بیت - علیهم السلام - و ارادت خاص به ساحت معصومان و تلاش جهت تعظیم شعائر دینی و پشتیبانی از آرمانهای انقلاب اسلامی و اندیشه‌های حضرت امام خمینی(ره) از جمله اوصاف و ویژگیهای بارز این شخصیت عظیم الشأن روحانی بود و همین اوصاف و خصلت‌ها سرچشمه صدور خدمات خالصانه‌ای شد که امروز مایه مباحات دوستان و ارادتمندان ایشان گشته و به مثابه شجره طیبه پر برگ و باری است که سالیان متمادی در جهت نشر و تعمیق و گسترش فرهنگ اسلام از آنها بهره برداری می‌گردد.

چهره پر تلاش و خستگی ناپذیر این عالم فداکار و وظیفه شناس از خاطر کسانی که با او انس و الفتی داشته و توفیق درک محضرش را پیدا کرده‌اند، هرگز محو نخواهد شد. آنچه بزرگان و اعظم و دوستان و افاضل در تمجید و بیان توانایی‌های این شخصیت کم نظیر از لحظه شنیدن خبر در گذشتش تا به امروز گفته‌اند شواهدی روشن بر صدق و

حضرت آیت‌الله قاضی (ره) از دیدگاه آقای دکتر علی احمد ناصح*

توصیه و سفارش برخی دوستان فرهیخته و همکاران بزرگوار در حوزه و دانشگاه بویژه دوست فاضل و گرانمایه حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر شاهرخی - زید عزه - دبیر محترم ستاد بزرگداشت آیت الله قاضی(ره) مبنی بر نگاشتن مطلبی به این مناسبت بهانه‌ای شد تا با بضاعت مزجاه خویش دست به قلم برده و از باب اداء دین و امثال دعوت این دوستان نوشته‌ای هرچند اندک فراهم آورم. چرا که حقیقتاً بر این باورم که نمی‌شود کرامت یک انسان را مشاهده کرد و آن را تکریم نمود.

راستی مگر می‌شود عظمت روحی یک فرد را دید و در مقابلش زبان به مدح نگشود. مگر می‌شود از کنار قداست یک حیات به راحتی گذشت.

مگر می‌شود جلالت و بزرگی یک اسوه را تجلیل نکرد.

بزرگی معنویت و خلوص یک عالم مهذب نکوداشتی هر چند کوچک را طلب می‌کند. مگر می‌توان زندگی بی هیاهو اما پر بار و پر ثمر و آن همه عظمت و ارزش اخلاقی و آن زیبایی‌های معنوی مرحوم آیت الله قاضی(ره) را مشاهده کرد و از کنار آن براحتی گذشت.

یاد و بزرگداشت خاطره او بر دوش شاگردانش یک فرض است؛ چرا که یاد او یاد یک معلم اخلاق و یک روحانی وارسته دینی است که خود دینی است بر گردن دست پروردگانش.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

صلاح و خلوص آن روح پاک و بلند است و اگر می‌بینیم که مراجع و شخصیت‌های عظیم الشان به ستایش و تمجید از فضیلت هایش پرداخته‌اند در حقیقت همه آن بیانی است که خداوند بر لسان آنان جاری ساخته است.

پیشوای اخلاص پیشگان و امام همگان مولی الموحدين امیرالمومنین (علی‌ع) می‌فرمایند: با آنچه خداوند بر زبان بندگانش جاری می‌سازد بر صالحان استدلال می‌شود.^۱ در پایان فهرست‌وار به بیان ویژگی‌های چهارده گانه‌ای که به اعتقاد این جانب مجموعه آنها از آن مرحوم یک مدیر موفق و کارآمد ساخته بود پرداخته می‌شود.^۲

این ویژگی‌ها که رمز موفقیت ایشان در اداره امور محوله بود باختصار عبارتند از:

۱- آینده نگری، نگاه جامع و همه جانبه و توجه به ابعاد گوناگون مسایل و موضوعات.

۲- داشتن تحلیل عمیق در حوادث و پیش آمدها و پرهیز از پیروی کورکورانه و حرکت کردن به دنبال فضای ایجاد شده توسط دیگران.

۳- امید به آینده درخشان و پرهیز از یأس و ناامیدی.

۴- رعایت حال دیگران مخصوصاً بزرگان و پیش کسوتان در امور مختلف.

۵- حفظ آبروی افراد و پرهیز از ایجاد مشکل برای دیگران و تلاش جهت حل و فصل امور به شکلی که به ایشان و منزلت کسی آسیب نرسیده و همگان احساس امنیت و رضایت‌مندی کنند.

۱. و انما يستدل على الصالحين بما يجرى الله لهم على السن عباده (نهج البلاغه نامه ۵۳)

۲. بدلیل محدودیت فرصت این ویژگی‌ها در اینجا فهرست وار آورده شده است و امیدواریم که توفیق بسط و تبیین آن همراه با بیان شواهد و ادله مربوطه در فرصتی دیگر به دست آید.

۶- استقلال رأی و قدرت تصمیم‌گیری فوق‌العاده به هنگام لزوم.

۷- توجه به عرفیات مردم و پرهیز از جریحه دار نمودن احساسات دیگران.

۸- سعه صدر و قدرت تحمل بالا.

۹- پشتکار مثال‌زدنی و خستگی‌ناپذیری.

۱۰- همت بلند و عدم هراس از مشکلات.

۱۱- تواضع و فروتنی و پرهیز از خودنمایی و خودمحوری.

۱۲- مسئولیت‌پذیری و تعهد.

۱۳- انضباط کاری و داشتن برنامه حساب شده.

۱۴- انتقاد‌پذیری و پرهیز از سماجت و اصرار بر آنچه خود تشخیص داده و مورد اعتراض دیگران قرار گرفته باشد.

برجسته در حوزه‌های علمیه و جامعه روحانیت» بوده‌اند، در سالگرد ارتحال ایشان کنگره ای در سطح کشوری در قم و خرم‌آباد پیرامون شخصیت وی برگزار گردد تا زوایای زندگی، خدمات و تلاش‌های خستگی ناپذیر و توفیقات حاصله، اخلاص و ایمان، همت و روح بلند مبارزاتی و انقلابی قبل و بعد از انقلاب، ویژگی‌های روحی و اخلاقی و شخصیتی و حتی نوع زندگی خصوصی ایشان مورد بررسی اندیشمندان و بزرگان و سیاستمداران، از مراجع بزرگوار تقلید تا جامعه محترم مدرسین و اساتید حوزه و دانشگاه و کارگزاران نظام اسلامی و نیروهای ارزشی و مبارز با سابقه انقلابی قرار گیرد و به گونه ای دقیق تحلیل و بررسی گردد. جامعه امروز ما به شدت نیازمند شناخت چنین شخصیت‌های ایثارگر و خداترسی است که از شهرت می‌گریختند.

نکاتی که به نظر می‌رسد عبارتند از:

۱- در حالی که رهبر معظم انقلاب به تمام این خصوصیات و روحیات کم نظیر ایشان واقفند و صریحاً در پیامشان بدان اشاره می‌نمایند، وظیفه مسئولین ذیربط در حوزه و دانشگاه قاعداً بایستی سنگین و معلوم باشد. به‌ویژه که می‌دانیم مرحوم قاضی خود به این کارها اصلاً علاقه‌مند نبودند و اکنون نیز به این تعریف‌ها نیازی ندارد.

ضرورت نظام اسلامی اقتضاء می‌کند که همت بلند و مجاهدات و ایثار و فداکاری‌های یک شخصیت روحانی با این ویژگی‌ها برای مردم و تاریخ بازگو و تحلیل گردد؛ برای مثال اگر خدمات ارزشمند وی در شورای عالی قضایی و از زبان شخصیت‌هایی چون آیت الله موسوی اردبیلی - که در آن زمان ریاست شورای عالی قضایی و دیوان عالی کشور را به عهده داشته‌اند - تجزیه و تحلیل گردد، برای نظام

زندگی و فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی آیت الله قاضی(ره) از دیدگاه آقای حاج سید محمدرضا طاهری «داماد ایشان»

مرحوم آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی چهره ای روحانی و مبارز و از شخصیت‌های سیاسی مذهبی و از پیشگامان نهضت حضرت امام خمینی و انقلاب اسلامی به شمار می‌آید، که زوایای زندگی آن فقید سعید دارای شاخص‌های بسیار ارزشمند و درخشانی است که شاید در بین جامعه روحانیت و حوزه علمیه کم نظیر و از نوادر باشد.

این‌جانب گذشته از قرابت سببی که با ایشان دارم، به جهت آشنایی و ارتباط دیرینه و نزدیکی که در دوران نوجوانی در جریان مسائل مذهبی دوران مبارزات، با آن فقید داشته‌ام، و در طی چهل سال نزدیکی با خصوصیات شخصیتی و اجتماعی ایشان آشنایی کامل داشته و دارم، وظیفه خود دانستم اشاراتی به آن موارد داشته باشم، زیرا بعضی از آن‌ها در آن دوران خاص نکاتی است که برای بسیاری از مردم بویژه نسل جوان سوم انقلاب ناگفته مانده و لازم است نسل جدید این چهره‌های شاخص و نادر و منحصر به فرد جامعه انقلابی خود را که با تمام وجود و بدون هیچ گونه چشمداشتی در خدمت اسلام، انقلاب، امام و مردم بوده‌اند، بهتر بشناسند.

لازم است از سوی حوزه علمیه و دانشگاه که دو محور مهم فکری و فرهنگی جامعه‌اند و ایشان خدمتگزاری مخلص د راین دو پایگاه ارزشمند بوده و خود نیز از چهره‌های کم نظیر و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «شخصیتی کم نظیر و

اسلامی حرکتی بسیارآموزنده است. همچنین اگر مبارزات و مجاهدت پیگر وی از سال ۴۲ تا ۵۷ در لرستان در ترویج مرجعیت حضرت امام و انقلاب مورد بازنگری و مورد تجزیه و تحلیل قرارگیرد، دقیقاً عبارت پر محتوای رهبر انقلاب مبنی بر «شخصیتی کم نظیر» بودن ایشان، کاملاً روشن می‌گردد. تشکیل این اجلاس یا کنگره در قم و خرم‌آباد بسیار ضروری است به شکلی که در سطح کشور مطرح و روی آنتن‌های خبری برود، به ویژه یک روز در خرم‌آباد چه در سطح دانشگاه و چه در حوزه علمیة کمالیه منعقد گردد تا مردم لرستان بدانند چه گوهر گرانبقدر و ارزشمندی از این خطه ولایت مدار برخاسته است.

۲- جهت دیگر ضرورت تشکیل آن در خرم‌آباد، این است که متأسفانه در اوایل انقلاب در راستای توطئه‌های ضدانقلاب در ترور شخصیت‌های لایق و شایسته و برتر، بی‌مهری‌هایی نسبت به ایشان صورت گرفت و شایعات و جو سازی‌هایی انجام پذیرفت. گرچه ایشان در کمال شایستگی و لیاقت در خدمات نظام اسلامی در رده‌های بالای مسئولیت و مورد عنایت حضرت امام و رهبر انقلاب بوده‌اند.

به هر حال این اجلاس برای نسل جدید می‌تواند به گونه‌ای اثر بخش باشد تا حقیقت و واقعیت را بدانند و افتخارات خود را بشناسند، و بدانند اگر در دوران اختناق پهلوی، مردم لرستان کاملاً مقلد حضرت امام و پس از انقلاب همه مردم دارای روحیه انقلابی و ولایت‌مداری بوده‌اند، همه این امور مرهون تلاش‌ها و مجاهدات و فداکاری‌ها و سیاست‌ها و مدیریت این شخصیت کم نظیر در آن دوران بوده و شکل‌گیری انقلاب و نهضت حضرت امام مرهون همان است. توقع زیادی نیست که به پاس خدمات کم نظیر ایشان و شخصیت برجسته و نادری که داشتند در تهران، قم

و خرم‌آباد، مؤسسات یا بزرگراه و نقاط قابل توجهی به نام ایشان نامگذاری گردد، تا نام و یاد وی برای همیشه زنده بماند و بر سر زبان‌ها باشد.

۳- تدوین کتابی جامع و متنوع، حاوی حالات و روحیات شخصی، عبادی، اخلاقی علمی، سیاسی، خدماتی، اجرائی و در واقع معرف شخصیت جامع ایشان کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. چنین کتابی می‌تواند مستند به تمامی اسناد موجود باشد. چرا که کنترل مرتب وی قبل از انقلاب توسط ساواک به طور مستقیم از تهران و از ناحیه شخص پرویز ثابتی معاون سازمان امنیت کل کشور و در واقع مغز متفکر ساواک و رژیم و زیر نظر داشتن تمامی تحرکات ایشان و نیز حساسیتی خاص که به ایشان داشتند و از طرفی وحشتی که از ناحیه ایشان احساس می‌کردند، همه در اسناد ساواک و استانداری لرستان برجا مانده است.

۴- روحیه انفاق و کمک به محرومان و مستمندان و پیشگامی در امور خیریه از دیگر نکات بسیار ارزشی است که حتماً بایستی مورد تجزیه و تحلیل و بازنگری قرار گیرد، تا مردم بدانند این چهره روحانی و انقلابی نه تنها کوچکترین امتیازی از نظر مادی از جمهوری اسلامی نگرفت، بلکه خود نیز هزینه‌های بسیار و خدمات گرانبهایی به محرومین و نیازمندان به نام نظام اسلامی ارائه دادند.

امید است ان شاء الله دست اندرکاران و مسئولان ذیربط در این زمینه اقدامات لازم را بنمایند و هر چه بهتر چهره واقعی این شخصیت استثنایی جامعه انقلابی را به نسل جدید معرفی کنند. ضرورت این کار حقیقتی است که اگر باز گو نگردد، جفایی است در حق نظام اسلامی و روحانیت متعهد و مسئول و نسل جدید انقلاب و مردم باایمان و مسلمان.

۵- لازم است در کتاب مذکور بخشی به یاد کرد شب نامه های مخالفان و منحرفین که در اوایل انقلاب توزیع و بانشر اکاذیب و شایعه و جو سازی و تهمت در صدد ترور شخصیت مفید ایشان بودند ، اختصاص یابد تا این تحرکات ایدایی منحرفین بر ضد چهره های مؤثر نظام و انقلاب در تاریخ بماند و آیندگان قضاوت نمایند آنچه که باعث شناخت بهتری ک شخصیت و انسان متعالی در جوامع می گردد، آن است که مردم نظرات دوستان و دشمنان را در مورد او بدانند.

اگر آن تبلیغات سوء و وسیع که تحت عنوان «پرسشگر» به صورت شبانه پخش می شد و در کنارش اسناد ساواک و طرح های تخریبی رژیم، قرار گیرد، مشاهده خواهد شد چه طیف هایی و با چه اهداف مشخصی چه اشخاصی را هدف قرار داده اند و در صدد تخریب و تضعیف و حذف شخصیت آنها در جامعه بوده اند و چگونه در یک راستادست به قلم شده اند و البته در کنار آن اسناد و مدارکی که کذب آن ادعاها را روشن کند، فراگیرد.

آن چه بیان گشت، واقعیت و حقیقتی است که اگر مورد توجه قرار گیرد، خیلی زیبا تر و دقیق تر چهره ی وی برای کشور اسلامی شناخته خواهد شد. اگر ملاحظه نماید شخصیت های ارزشمندی چون شهید بهشتی و شهید مطهری و... زمانی برای عامه مردم شناخته شدند که مردم متوجه گشتند دشمنان آنها چه کسانی هستند و خطری که مخالفان از وجود آنها احساس می کردند، چیست؟ و نقش آنها در جلوگیری از انحرافات تاجه اندازه است که به قیمت شخصیت و جان شان تمام می شود. دقیقاً شرایط و موقعیت آقای قاضی در استان لرستان و خرم آباد این چنین بود که منحرفین و سودجویان فرصت طلب همچون مهره های پهلوی و مزدوران

اجانب و گروهک های ضد انقلاب و محارب ایشان را مانع بزرگ و اصلی برای رسیدن به اهداف و نیات پلید خود می دانستند.

البته جایگاه و شخصیت کم نظیر آقای قاضی کاملاً شناخته شده است و شاید بهترین دلیل این اعدام مراسم تجلیل و تشییع و پیام های تسلیت و تأثر و تأسف شخصیت های مختلف مذهبی و سیاسی در مورد ایشان بود. آن مراسم تشییع باشکوه در شهر مقدس قم و آن کیفیت و کمیت مجالس مراسم بزرگداشت در مسجد اعظم و حوزه علمیه کمالیه خرم آباد و تهران، و حضور چهره های بزرگ علمی و مراجع تقلید و بزرگان نظام، به ویژه عنایات خاص رهبر گرانقدر انقلاب در ارسال پیام تسلیت اختصاص محل دفن در حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) حاکی از چهره شفاف و شناخته شده این روحانی مجاهد و فداکار در جامعه امروز است.

نماینده حضرت امام در لرستان و سرپرستی حوزه علمیه کمالیه خرم آباد

در پی ارتحال آیت الله کمالوند از علماء و چهره های شاخص و ارشد روحانیت، در اوج نهضت امام خمینی، و با وجود حضور علما و روحانیون قابل اعتنایی در خرم آباد به خاطر ذکاوت و لیاقت و مدیریت و اعتماد و روح استواری در مبارزه با رژیم، به پیشنهاد علما شهر، آقای قاضی برای جانشینی مرحوم آیت الله کمالوند به حضرت امام معرفی می شوند، با این که وی در آن زمان نسبت به بقیه علما در سنین پایین تر بودند، از سوی حضرت امام به عنوان نماینده رسمی و وکیل معظم له در استان و مسئول حوزه علمیه کماله خرم آباد منصوب گردید تا هم روند مبارزه با رژیم را تداوم بخشد و هم حوزه علمیه به نحو احسن بتواند با روحیه

انقلابی و مبارزاتی به جذب و تعلیم و تعلم طلاب اقدام کند. دقیقاً از آن تاریخ، آقای قاضی رسماً پرچم مبارزه قیام روحانیت را در راستای خط فکری حضرت امام در استان به دست گرفت و در این مسیر به لطف خدا توفیق‌های شایانی را کسب کرد.

ایجاد شهرک مدرن و زیبای قاضی آباد

مقارن با همان ایام، این چهره روحانی مبارز و مبتکر جهت خدمت به شهر محروم خرم آباد و به خاطر استقلال مالی از منابع روحانیت و حوزه علمیه، به تأسیس واحداث شهرک زیبا و مدرن قاضی آباد در محلی دور افتاده در دامنه کوه و در حاشیه جنوبی شهر اقدام می‌نماید. این اقدام عمرانی و خدماتی و مهندسی در شهر محروم خرم آباد آن هم توسط روحانی مبارز و سیاسی و انقلابی، خود دارای نکات مثبت و جذابی است که علاقه مردم را نسبت به روحانیون و انقلاب فزونی می‌بخشد. وی قبل از این عمل، در زمانی که هنوز برق و روشنایی به شهر نیامده بود، به تشکیل شرکت روشنایی برق در شهر و تهیه موتور برق به خرم آباد اقدام می‌کند، و روشنایی رابه خانه‌های مردم می‌آورند. این سابقه خدماتی در ذهن مردم کاملاً هنوز روشن و زنده است که پس از آن دست به احداث شهرک قاضی آباد می‌زند. در واقع آوردن برق به شهر و ایجاد شهرک جدید و در پی آن کسب منابع لازم مالی در این رابطه در جهت تأمین هزینه‌های اهداف نهضت روحانیت و آرمانهای حضرت امام خود حرکتی بود در جهت اقتدار و ابهت وی. ایشان در کنار برخورد با رژیم و تسریع در امور روشننگری مردم در مبارزه با رژیم پهلوی، مدیریت حوزه علمیه کمالیه، دعوت از اساتید مبرز حوزه قم برای تدریس و تهذیب طلاب، همزمان کارهای بزرگ عمرانی و خدماتی انجام می‌داد که هیچ گونه تناسب و رابطه‌ای بین آنها

وجود نداشت. برخی از آن‌ها علمی، فرهنگی - مبارزاتی و سیاسی است برخی خدماتی و عمرانی و اجرایی وقت گیر و پر دردسر، آن‌هم توسط چهرای روحانی با روحیه انقلابی و مبارز که اداره تام آنها به نحو احسن صورت می‌گرفت. نظارت دقیق و نظم و برنامه خاص، حرکتی نوین و ارزشمند بود که شاید تنها در توان شخص آقای قاضی بود، زیرا کمتر کسی می‌تواند همزمان نماینده بزرگترین مخالف رژیم و مدیر یک حوزه علمیه و فعال مبارزاتی و تبلیغی و نیز مهندسی عمرانی در شهرسازی باشد و در هر دو حرکت کاملاً موفق و نمونه نیز باشد.

طی دوران غیبت حضرت امام خمینی و تبعید وی، در واقع غربت مبارزه و تفکر خط امام، حوزه علمیه خرم آباد یکی از حوزه‌های فعال، توانمند، انقلابی و موفق کشور به شمار می‌آمد و این ویژگی به خاطر سیاست و مدیریت و اقدامات مؤثر و مفید آقای قاضی در آن زمان بود. در آن زمان لرستان خصوصاً خرم آباد و بخش‌های تابعه از جمله شهرهای نادری بودند که یکپارچه در مسیر مرجعیت و تبعیت حضرت امام بوده و از ایشان تقلید می‌کردند و به عنوان منطقه‌ای انقلابی و خط امامی در سطح کشور نیز برای مبارزان و انقلابیون و هم برای رژیم شناخته شده و دارای حساسیت خاصی بود.

تشکیل جلسات مذهبی و دعوت از شخصیت‌های علمی و انقلابی

دعوت از چهرهای علمی و عالمان موفق و نامدار برای سخنرانی و تبلیغ در سطح شهر و دعوت از استادان بزرگان جهت تدریس در حوزه علمیه از دیگر اقدامات بسیار ارزشمند ایشان در راستای رسالت مذهبی و انقلابی وی در استان بود. علمایی چون حضرات آیات: حاج شیخ علی پناه اشتهاردی، صدیقین، مجلسی، شهید مدنی

از چهره های شاخصی بودند که برای تدریس در حوزه دعوت و در شهر مستقر می‌گشتند و باعث تحول در وضعیت درس طلاب می‌گردید. به ویژه شهید مدنی که علاوه بر تحول در حوزه، باعث تحول روحی معنوی جوانان و ایجاد شور انقلابی و مذهبی شهر می‌گردید و حرکتی نوین در شهر ایجاد کرده بود که در جای خود مفصلاً بحث خواهد شد.

علاوه بر آن، در ایام تبلیغی ماه مبارک رمضان و محرم و مناسبت های مختلف مذهبی، چهره های شاخص انقلابی و اسلامی را به خرم‌آباد دعوت و با برپایی مجالس و محافل بسیار با شکوه شور و هیجان مذهبی و انقلابی و سیاسی عجیبی در بین مردم به ویژه جوانان ایجاد می‌کرد؛ برای نمونه شخصیت‌هایی نظیر شهید مطهری، شهید مفتاح، شهید هاشمی نژاد، مکارم شیرازی، جنتی، طبرسی خرم‌آبادی، فلسفی، انصاریان و افرادی بودند که به صورت مکرر به خرم‌آباد دعوت می‌شدند و مورد استقبال قرار می‌گرفتند. چهره های ارزشمندی چون آیت الله سبحانی چندین بار طی ماه مبارک رمضان دعوت می‌شدند و در زمینه های مختلف از وجود شان استفاده می‌شد. ایشان برای طلاب جلسات تفسیر داشتند و نیز ظهرها پس از نماز برای مردم سخنرانی می‌کردند و شبها نیز برای جوانان جلسه پاسخ به سوالات داشتند.

از ابتکارات و تحرکات بسیار خوب آقای قاضی به رغم مشغله کاری روزانه، خود شخصاً علمای شاخص و مورد احترام شهر را با اتومبیل شخصی خود به مجلس شب می‌آوردند تا صفی طولانی از علما و روحانیون در صدر مجلس تشکیل می‌گردید که این اقدام بر عظمت مجلس و ابهت آن محفل می‌افزود و همچنین باعث ایجاد و انسجام روحانیون و مردم بود.

احداث و تاسیس موسسه مذهبی فاطمیه

در اوج اختناق و ابتذال ستم شاهی سال های چهل تا پنجاه شمسی، ایشان در راستای اهداف مذهبی و فرهنگی و انقلابی جهت تربیت نسل جدید، در بهترین نقطه شهر یعنی حسا سترین محل در آن زمان، زمینی را جهت موسسه فاطمیه از طریق یکی از بازرگانان و خیرین به این کار اختصاص دادند و در سه طبقه با توجه به نیاز روز و توجه ویژه به خواهران بنا نهادند و آن را تکمیل و به اتمام رساند و طی مراسم با شکوهی در یکی از اعیاد اسلامی، کلنگ آن را با حضور علما و مردم و توسط آقای سبحانی به زمین زدند. اطاق های متعددی جهت کلاس درس و سالن بزرگ اجتماعات، زیر زمین ویژه تأسیسات و آشپزی از مختصات این موسسه می‌بود.

این موسسه در دوران پس از انقلاب افزون بر فعالیت فرهنگی و علمی خواهران یکی از پایگاه های آیت الله شهید مدنی در شب های پنجشنبه و جمعه جهت اقامه نماز جماعت و تفسیر قرآن و برنامه های انقلابی به شمار می‌آمد و چون در نقطه حساس و پر تردد شهر قرار داشت، حساسیت و جذابیتی خاصی ایجاد می‌کرد و دیگر شخصیت های مذهبی به مناسبت های مختلف در این محل سخنرانی می‌کردند. همچنین در آغازین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان محل اصلی جمع آوری های عنیمت های به دست آمده تلقی می‌شد و در آن روزها نقش ارزنده ای داشت. این نهاد هم اکنون نیز تحت عنوان حوزه علمیه خواهران مورد استفاده قرار می‌گیرد و پس از گذشت پنجاه سال از احداث آن، می‌توان گفت یکی از موسسات مهم و کارساز و پاسخگو از نظر موقعیت مکانی و وساختمانی و امکانات و تجهیزات محسوب می‌گردد و با برنامه ریزی متنوع و صحیح می‌تواند یکی از پایگاه های ارزشمند مذهبی و انقلابی برای خواهران مورد استفاده قرار گیرد.

تأسیس دبیرستان علوی

مرحوم قاضی در سال ۱۳۵۰ با الگوگیری از دبیرستان علوی تهران در شهر خرم‌آباد و در شهرک جدید الإحداث قاضی آباد به تأسیس دبیرستان علمی علوی در خرم‌آباد پرداخت تأسیس این دبیرستان با ویژگیهای خاصی که داشت از چندین جهت حایز اهمیت و دارای حساسیت‌های زیادی بود. این دبیرستان از نظر مکانی در زمینی بسیار وسیع با کلاس‌هایی مدرن و مجهز به لوازم و تجهیزات روز و سالن اجتماعات، سالن غذاخوری و سرویس رفت و آمد بود، که با توجه به امکانات محدود به دبیرستان‌های دولتی این مسئله خیلی مهم بود.

جذب اساتید و دبیران مومن متعهد و انقلابی از تهران و خرم‌آباد برای امور آموزشی، پرورشی و ورزشی از دیگر نکات قابل توجه بود، به گونه‌ای که بیشتر مسئولین آن زمان فرزندان خود را در آنجا ثبت نام کرده بودند. برنامه‌های ویژه درسی و مذهبی و اقامه نماز جماعت و بیان احکام شرعی از رساله حضرت امام از دیگر ویژگیهای آن دبیرستان بود که سرپرستی آن توسط یکی از فرهنگیان متعهد و مبارز و انقلابی شهر و با انتخاب آقای قاضی اداره می‌شد.

دفتر کار شهرک قاضی آباد در آن دبیرستان قرار داشت و تقریباً می‌توان گفت ایشان خود بعد نظارتی و سرپرستی را شخصاً به عهده داشت و روزانه با جوانان و محصلین سروکار داشت. برنامه‌های آن دبیرستان با دیگر دبیرستان کاملاً متفاوت بود. در اعیاد اسلامی و مذهبی برنامه‌های مذهبی و اجرای سرودهای انقلابی و سخنرانی و پذیرایی در آنجا برگزار می‌شد، ولی در هیچ‌یک از جشن‌های شاهنشاهی ورژه‌های رسمی شرکت نمی‌کردند. از برنامه‌های صبحگاهی و خواندن سرود شاهنشاهی و سرود پرچم، و نیز از زدن عکس شاه در داخل دفتر و کلاس امتناع

می‌ورزیدند و به جای آن از تابلوهای گفتار ائمه و معصومین استفاده می‌کردند. دانش‌آموزان روزانه برنامه‌های ورزشی، نماز جماعت و خواندن سرودهای اسلامی را در آنجا اجرا می‌کردند. برنامه‌های مذهبی و آموزشی و تبلیغی و انقلابی دبیرستان به گونه‌ای بود که دانش‌آموزان را با روحیه مذهبی و انقلابی و پیشرفت درسی خوبی پرورش داده بود و عقاید آنها را با جنبش دینی و انقلابی منطبق نموده بود. به همین جهت در محیط خانواده و مباحث خانوادگی مشکلاتی را برای اولیاء ایجاد نموده بود و دانش‌آموزان با پدران خود در تضاد و بحث بودند و در سطح شهر نیز پیشرفت آنها در تعلیم و تربیت با آن کادر مجرب و موفق و امکانات و تجهیزات منحصر به فرد زبانزد عام و خاص شده بود. تلاشهای مستقیم و غیرمستقیم مسئولین برای وادار ساختن آقای قاضی برای همگامی با رژیم شاهنشاهی و اجرای مقررات برای شرکت در مراسم و جشن‌های شاهنشاهی و خواندن سرود و زدن عکس شاه موثر واقع نگردید، تا اینکه با تصمیم قطعی از ناحیه تهران و طبق دستور کتبی پرویز ثابتی معاون سازمان امنیت کل کشور پس از سه سال کار، دبیرستان تعطیل گردید. خود این تعطیلی و بسته شدن مدرسه علوی سوالاتی را برای مردم و دانش‌آموزان ایجاد کرد و در واقع مقاومت آقای قاضی نوعی مبارزه منفی در قبال نظام و برضد حاکمیت محسوب می‌شد.

گرچه این دبیرستان با آن همه امکانات درسی، آموزشی و پرورشی و نیروهای مجرب انسانی در آن مدت کوتاه، خدمات ارزنده‌ای ارائه داده بود و بسته شدنش لطمه‌ای تحصیلی به جوانان و دانش‌آموزان تلقی می‌شد و رژیم از ادامه فعالیت آن شدیداً در وحشت بود، ولی تعطیلی آن به مراتب برای رژیم کوبنده تر بود، زیرا حتی در منازل خانواده‌های مسئولین، دانش‌آموزان دائماً زیر سوال بودند و بافت تحصیلی

فرزندانشان مواجه می‌گردیدند و از سویی نام و یاد آن دبیرستان با آن همه افتخارات و خدمات برای همیشه تاریخ خرم‌آباد به عنوان یک حرکت علمی - مذهبی، انقلابی و فرهنگی زنده و پاینده مانده است و شخصیت سازش ناپذیر آقای قاضی را در مقابل تهدیدات رژیم و پابندی به اصول و بنیاد های اسلامی و دینی و معیار های انقلابی برجسته تر نموده است که با بازنگری پرونده ایشان در ساواک و اسناد موجود وحشت آنها بیشتر درک می‌شود.

بی‌اعتنایی به رژیم پهلوی و تحقیر مهره های شاهنشاهی

در اوج فعالیت های عمرانی و شهرک سازی در قاضی آباد، هویدا نخست وزیر وقت به خرم‌آباد می‌آید. رژیم توسط مسئولین استان تلاش می‌کند تا کار احداث شهرک قاضی آباد را به عنوان یک کار عمرانی شهری مورد بازدید ایشان قرار دهد و آقای قاضی نیز به عنوان متولی جهت توضیح و تشویق و احتمالاً مساعدت در آنجا حضور یابد. از سویی هر فرد فعال اقتصادی که در حال توسعه و عمران و آبادی باشد، علاقه‌مند است مورد تشویق و حمایت مسئولین قرار گیرد، ولی آقای قاضی از این پیشنهاد شدیداً ناراحت و برافروخته می‌گردند و برای بازدید موافقت نمی‌کنند و در مقابل آنها مقاومت می‌نمایند. مسئولین وقت به ایشان می‌گویند سرانجام آقای هویدا از اینجا بازدید خواهند کرد و شما هم مجبورید آنجا بیایید. شما که نمی‌توانید شهرک را تعطیل نمایید!

آقای قاضی هم با تعطیلی کار شهرک در آن روز و به هم زدن وضعیت کارگاه و خیابان های شهرک، خود نیز شهر را ترک نموده و به مسافرت می‌روند و بدین

ترتیب با یک روحیه انقلابی نخست وزیر مملکت را با یکوت نموده، هیچ‌گونه دیداری با ایشان صورت نمی‌گیرد.

معمولاً شخصیت‌ها و روحانیونی که برای سخنرانی به خرم‌آباد دعوت می‌شدند، از ناحیه شهربانی و ساواک از ایشان درخواست می‌شد که حتماً می‌بایست به شهربانی و ساواک بروند و تعهد دهند تا بر علیه رژیم صحبت نکنند؛ ولی مرحوم قاضی به این فشارها اعتنا نمی‌کرد و می‌گفت در صورت اصرار بگوئید میزبان، فلانی است با ایشان تماس بگیرید و بدین ترتیب آنها ناکام می‌مانند این بی‌اعتنایی ایشان نسبت به رژیم و پشتوانه مردمی و حوزوی ایشان از طرفی دیگر، استقلال و اقتدار مالی نیز باعث گردیده بود که رژیم در خیلی از موارد در مقابل ایشان کوتاه بیاید و تسلیم گردد. چون می‌دانستند ایشان تسلیم نمی‌شوند و از سویی تعطیلی و یا دستگیری محل و سخنرانان، مشکلات مضاعفی را برای آنها ایجاد می‌کند که به نفع انقلابیون تمام می‌شود.

دعوت از آیت الله مدنی برای سرپرستی حوزه علمیه و تحركات انقلابی

در سال ۱۳۵۰ آقای قاضی در اندیشه حضور یک شخصیت انقلابی و خط امامی شناخته شده برای سکانداری انقلاب و حوزه علمیه در خرم‌آباد بود. در آن زمان آیت الله مدنی که در نجف اشرف به عنوان یکی از مجتهدین توانمند و انقلابی و طرفدار حضرت امام بود، و از طرف رژیم بعثی عراق اخراج و به ایران آمده بود، در همدان مستقر شد. آقای قاضی با هماهنگی آیت الله طاهری خرم‌آبادی، ایشان را برای حضور در خرم‌آباد بسیار مناسب تشخیص دادند و طی سفری به همدان وی را

برای این امر به خرم‌آباد دعوت کردند، ایشان پذیرفت و تحت عنوان رئیس و استاد حوزه علمیه کمالیه در خرم‌آباد مستقر شد.

این مقطع زمانی در خرم‌آباد، نقطه عطفی نسبت به انقلاب و مبارزه برضد رژیم محسوب می‌گردد، زیرا آیت الله مدنی که یکی از علما و مجتهدین مجاهد بزرگ و توانمند حوزه علمیه و از یاران مبارز حضرت امام در آنجا استقرار داشتند، در سنگر تدریس و تهذیب طلاب و مبارزه نقش حساسی ایفا می‌کردند. حضور وی در خرم‌آباد مورد توجه بی سابقه مردم و جوانان قرار گرفت و حضرت امام طی نامه ای از نجف اشرف به آقای قاضی از حضور ایشان در خرم‌آباد اظهار خرسندی نموده و این حضور را فرصتی برای حوزه علمیه کمالیه در تربیت و تحصیل طلاب و مردم خرم‌آباد دانستند و توصیه به بهره مندی هرچه بیشتر از وجود ایشان کرده بودند. این حضور باعث تسریع روند انقلاب و روح مبارزه و تحول انقلابی در حوزه و شهر گردید و ساواک ناگزیر در سال ۱۳۵۴ ایشان را به نورآباد ممسنی تبعید کرد.

حضور آیت الله مدنی در خرم‌آباد به میزبانی و محوریت آقای قاضی در رابطه با مبارزه‌ها و پرورش جوانان پاک و مؤمن و انقلابی، استان، به ویژه شهر خرم‌آباد را در ردیف چند شهر فوق العاده و مبارز و هدفمند کشور قرار داده بود. در واقع می‌توان گفت در آن زمان شهر خرم‌آباد به نحو کاملی به کانون گرم انقلابی و محل تردد و اجتماعات انقلاب و مبارزین تبدیل گشته بود و دو گروه از وجود ایشان و برنامه های طراحی شده آقای قاضی شدیداً وحشت زده و ناراحت بودند و احساس خطر جدی می‌کردند.

تشکیلات رژیم به ویژه ساواک و روحانیان وابسته درباری و ضدانقلاب که در جهت خلاف خط امام و انقلاب حرکت می‌کردند، با هماهنگی و همفکری در صدد

آزار واذیت آن بزرگ افتادند تا بتوانند این دژمحکم را از سر راه خود بردارند. آنان گرچه به ظاهر با تبعید آیت الله مدنی تا حدودی موفق شدند و به خیال خود مسیر را برای اهداف خود باز کردند؛ ولی در واقع تبعید آیت الله مدنی و تحریک احساسات مردم و جوانان با محوریت آقای قاضی باعث ناکامی اهداف آنان گردید که تمام این اظهارات در اسناد ساواک موجود است. نکته دیگر همان تبعید وی همزمان با تبعید یکی از شخصیت های سیاسی و مذهبی مشهور و مهم کشور، خود تحول بزرگی از نظر سیاسی و انقلابی در شهر ایجاد نمود و اعتبار بزرگی برای شهر محسوب گردید و خرم‌آباد را در ردیف محورهای انقلاب قرار داده بود و اتحاد و انسجام نیروهای مومن و انقلابی را باحوزه علمیه کمالیه برای مبارزه با رژیم و روحانی نماها افزون تر و اثرات خوبی در پی داشت.

زندانیان و تبعیدیان سیاسی و نقش آقای قاضی در تامین مخارج زندگی و دلگرمی آنها

همزمان با تبعید آیت الله مدنی چهره های روحانی و غیرروحانی زیادی در خرم‌آباد دستگیر، زندان و یا تبعید شدند که رسیدگی به وضعیت آنها از نظر جا و مکان مناسب و تقویت روحیه ایستادگی و مقاومت در مقابل رژیم و تأمین مخارج زندگی خانوادگی آنان، یکی از کارهای بسیار مهم و ارزنده ای بود. آقای قاضی با توجه به تدبیر و تمکن مالی که داشت هرازگاهی به صورت دسته جمعی به دیدن آنها می‌رفتند و از وضع آنها مطلع می‌شدند و آنان را روحیه می‌دادند و به آنها مساعدت مالی و معنوی می‌کردند و نمی‌گذاشتند دوری از فرزندان و خانواده باعث نگرانی در تأمین هزینه زندگی گردد. این کار در تشویق و ترغیب برای سرکشی به

آنها و مساعدت مالی به عنوان یک وظیفه انقلابی یکی از برنامه های بسیار خوب آقای قاضی در دوران مبارزه بود.

رابطه نزدیک با حضرت امام در طول تبعید در نجف اشرف

در دوران تبعید حضرت امام در نجف، نظر به اینکه آقای قاضی وکیل و نماینده رسمی ایشان در استان لرستان بود و این مسئولیت در شهر هایی چون قم، تهران، خرم‌آباد به چهره های موجه و منحصر سپرده شده بود - و آقای قاضی یکی از این چهره ها بود - ایشان با سفر از طریق دیگر کشورها با حضرت امام دیدار می کردند و یا به صورت مکاتبه از طریق اشخاص مورد اعتماد در رابطه با مسائل انقلاب و حوزه علمیه کسب تکلیف می کرد که نمونه هایی از این مکاتبات موجود است.

حضرت امام دقیقاً در جریان تحولات قرار می گرفتند و عنایت خاصی نسبت به خرم‌آباد، حوزه و مردم داشتند و در طول مبارزه نسبت به اقتدار مردمی و انقلابی عشایر به رژیم هشدار می دادند، زیرا این استان شاید از معدود استانهایی بود که یک پارچه مقلد حضرت امام بودند و این امور، مرهون تدبیر و مجاهدت کم نظیر آقای قاضی در استان بود.^۰

اخذ وجوهات شرعی از مقلدین حضرت امام، جهت مصرف در امور حوزه علمیه، توجه ویژه مردم به ایشان در پرداخت وجوهات و تمکن و استقلال مالی شخصی آقای قاضی، اعتبار و تکیه گاه خوبی برای پیشبرد اهداف این تفکر ایجاد کرده بود، به گونه ای که ساواک دقیقاً به این امر پی برده بود و در اسنادی که در ساواک برضد او به دست آمده، این نکته مشهود است. از جمله این سند:

"چون آقای شیخ مهدی قاضی وکیل و نماینده واز طرفداران سرسخت خمینی(ره) است واز سویی خود مردم وجوهات شرعی را به ایشان می دهند و خود نیز فردی متمکن می باشند که از اموال خود نیز صرف مخارج حوزه و طلاب می نماید تلاش در جهت بدنام کردن ایشان لازم است، می بایست در بین مردم شایعه و تبلیغات مسموم دسته جمعی انجام گیرد که ایشان وجوهات شرعی مردم را صرف شهرسازی می کند، تا شاید مردم نسبت به ایشان بدبین وبی توجه گردند"

در این مسیر، ساواک تلاش های زیادی را با همفکری شخص پرویز ثابتی معاون سازمان امنیت کل کشور انجام داده بود؛ ولی هرگز نتوانستند کوچکترین موفقیتی در این زمینه کسب کنند، زیرا چهره مذهبی، سیاسی، تدین و تقوای مالی آقای قاضی برای تمامی مردم موافق و مخالف وی کاملاً روشن بود. حتی مسئولین رژیم در آن زمان دقیقاً به این امر وقوف داشتند و شکست این قبیل طرح ها را از قبل محتوم می دانستند. اعتماد، سلامت، قدرت، ابهت و صلابت آقای قاضی در بین مردم به حدی بود که رژیم و مهره های محلی جرات و قدرت بر خورد با ایشان را نداشتند و هرگونه برخورد با ایشان را باعث بر هم خوردن اوضاع اجتماعی و سیاسی و درگیری می دانستند و ترجیح می دادند از کنار مسائل بگذرند.

حرکتی انقلابی در سال ۵۷ و دستگیری ایشان

در سال ۵۷ که انقلاب اسلامی به مرحله جدید و شدید ی رسیده بود و شهرهای مهم، کشور چون قم، تبریز، مشهد، اصفهان و... شاهد تظاهرات و حرکتی سریع و انقلابی بودند، آقای قاضی با برنامه ریزی دقیق حرکتی نوین در شهر ایجاد و روند انقلاب و مبارزات را سرعت بخشید. به همین منظور در ماه مبارک رمضان

سال ۵۷ تریبی اتخاذ کردو در مسجد علوی - که می‌توان گفت فعالترین و مهمترین پایگاه انقلاب در خرم‌آباد به شمار می‌رفت و امامت جماعت آن مجاهد شهید حجه الاسلام سیدفخرالدین رحیمی بود و در آن زمان در زندان بسر می‌بردند - شبهای جمعه سخنرانی برگزار گردد و از چهره های مبارز و انقلابی روحانی آن روز، حجت الاسلام آل اسحق دعوت به عمل آوردند که این جلسات با سخنان تند و انقلابی حجه الاسلام آل اسحق و با حضور چهره های روحانی و علمای شهر و شخص آقای قاضی برگزار می‌شد و جوانان را نسبت به تظاهرات و برخورد با رژیم ترغیب و تشویق می‌کردند. پس از چند جلسه، این سخنران دستگیر و به خیال خود مجلس تعطیل گردید؛ آقای قاضی بدین جهت که این مسجد تعطیل نگردد و خط مبارزه و انقلاب در شهر تداوم داشته باشد، فوراً تصمیم گرفت برای جلوگیری از تعطیلی، حتماً یک فرد روحانی دیگری در آن مجلس سخنرانی کند و راه ایشان را تداوم بخشد.

این مسئولیت، در شب پس از دستگیری به مرحوم حجت الاسلام والمسلمین سید محمد ورامینی، سپرده شد. وی بسیار صریح و شفاف تر بر ضد رژیم اقدام کرد به دستگیری سخنران و تعطیلی مجلس، اعتراض کرد که باعث شور انقلابی در بین مردم و جوانها گردید و تظاهرات و راهپیمایی و درگیری با مأمورین را در پی داشت و مقامات و مسئولین این استان را شدیداً تهدید می‌کرد. آقای قاضی به گونه ای برنامه ریزی کرده بود که در صورت دستگیری آقای ورامینی حتماً بلا فاصله شب بعد یکی دیگر از روحانیون محلی مجلس را اداره و تداوم بخشد تا مجلس تعطیل نگردد. ساواک به جهت وحشتی که از برپایی این مجلس و مسجد و تداوم آن توسط مدیریت و محوریت آقای قاضی و دیگر روحانیون مبارز شهر داشت، ضمن درگیری شدید و کشتار مردم و ایجاد جو ترس و رعب، سحرگاه همزمان به منزل تعداد پنج

نفر از علمای موثر و شخص آقای قاضی یورش بردند و با وضعیت بسیار بد و اهانت آمیز و ضرب و شتم آنها را دستگیر و مستقیماً شبانه به کمیته مشترک ضد خرابکاری شهربانی در تهران منتقل ساختند و در مسیر سخت ترین شکنجه های روحی و جسمی را به آنها می‌دادند و حتی اجازه اقامه نماز صبح را به آنها نداده بودند و بقیه علمای شهر را به ساواک احضار و با تهدید، مجبور به دادن تعهد در عدم برپایی مجلس سخنرانی و پند کرده بودند و با قفل کردن درب مسجد و ایجاد جو رعب و وحشت پلیسی و حکومت نظامی در جهت جلوگیری از بروز هر نوع اغتشاشی بر آمدند. این اعمال و رفتار نه تنها موثر واقع نگردید، بلکه جلسه مسجد علوی با بسته شدن مسجد و دستگیری علما به صحنه دیگری به صورت درگیریهای سخت مسلحانه و شبانه مردم با مأمورین تبدیل گردید. در واقع شهر خرم‌آباد در آن شب ها میدان درگیری و نبرد مسحانه جوانان با رژیم بود.

این برنامه ریزی و حرکت خود جای بسی تقدیر و تحسین داشت و مرهون تدبیر و زحمات و مجاهدات آقای قاضی بود و که با همت بلند و مقاومت و ایستادگی و حضور مستقیم، این جهش نوین و حرکت انقلابی صریح با عوامل رژیم را ایجاد کرد.

پیروزی انقلاب و نقش آقای قاضی در امنیت و آرامش شهر

در آستانه پیروزی و آزادی زندانیان سیاسی، آقای قاضی و دیگر علما از زندان آزاد گردیدند، و جهت برنامه ریزی نوین مبارزه، به خرم‌آباد بازگشتند و مورد استقبال کم نظیر مردم قرار گرفتند و حرکت های بعدی انقلاب را تداوم بخشیدند، با هماهنگی علما و محوریت آقای قاضی، با مساعدت موثر سیاسی و نظامی فرمانده

تیپ ۸۴ خرم‌آباد و متقاعد کردن آنها مبنی بر سقوط حتمی رژیم و ضرورت همکاری با مردم و روحانیت، ارتش را در منطقه با روحانیت و مردم همراه کردند و از هر گونه درگیری ارتش با مردم جلوگیری کردند و ارتش را با هر گونه همکاری و تاثیرپذیری با نیروهای نظامی و فرماندهان در مرکز برحذر داشتند و که خود یکی از سیاست‌های مؤثر آقای قاضی در جلوگیری ارتش از خشونت و برخورد با مردم بود.

تشکیل جلسات مستمر روحانیون با جوانان انقلابی برای چگونگی کنترل اوضاع در شرایط بحرانی و جلوگیری از سوءاستفاده گروهک‌های منحرف و ضد انقلاب مارکسیستی و کمونیستی و منافقین از دیگر برنامه‌های پیش‌بینی شده وی بود.

تحصن ایشان و دیگر علمای شهر در دانشگاه تهران جهت رفع مشکلات انقلاب

در جریان جلوگیری بختیار از ورود حضرت امام به کشور و بسته شدن فرودگاه و تحصن علما در مسجد دانشگاه تهران، آقای قاضی به اتفاق دیگر علما و روحانیون انقلابی به تهران مهاجرت و در دانشگاه به جمع متحصنین پیوستند و این حرکت، درخشندگی دیگری از حرکت‌های آقای قاضی در جهت سرعت انقلاب در استان محسوب گردید. این تحصن تا پایان ادامه داشت و آقای قاضی در کنار دیگر یاران حضرت امام حضور موثر خود را به اثبات رساند.

با پیروزی انقلاب و تشکیل ستاد مرکزی انقلاب در فاطمیه خرم‌آباد و تقسیم کارها با مسئولیت روحانیون و جوانان و حفاظت و صیانت از مراکز مهم دولتی و

سیاسی و نظامی و امنیتی و جلوگیری از غارت بیت المال و مهمات و سلاحهای ارتش و اسناد و مدارک موجود در ساواک و همچنین جلوگیری از فرار مقامات موثر رژیم در استان، تمام مراحل حساس و بحرانی پیروزی انقلاب و انتقال قدرت رژیم به مردم را به نحو احسن هدایت و مدیریت کرد و اجازه ندادند کوچکترین سندی از اسناد امنیتی و سیاسی به دست بیگانه بیافتد. با دستگیری رؤسای شهربانی، ساواک، ارتش و اسناددار ... و محبوس کردن آنها بصورت محرمانه، با روش اسلامی در منزل خود از آنها پذیرایی و نگهداری و نمود و طبق قانون و شرع آنها را تحویل محکمه عدل اسلامی داد و طبق موازین شرعی با توجه به نوع جرم و کارشان مجازات گردیدند. در صورتی که در خیلی از استانها و شهرها این اتفاق نیفتاد و هرج و مرج عجیبی ایجاد گردید و اموال دولتی زیادی توسط گروهکهای ضد انقلاب به یغما رفت و اسناد و مدارک زیادی به دست بیگانگان افتاد. این روند و آرامش و راه انداختن امور روزانه مردم تا استقرار دولت موقت و حاکمیت نسبی قانون در خرم‌آباد ادامه داشت.

شایان ذکر است که تمامی این دوران با توجه به وضعیت تحول و انقلاب و عدم مراکز قانونی و اعتبار دولتی، پذیرایی و نگهداری و تغذیه و مخارج ستادهای انقلاب و زندانیان و دیگر مخارج دوران بحران را آقای قاضی شخصاً از اموال شخصی خود پرداخت می‌کرد و هیچ‌گاه به این اقدام خدایسپندانه تظاهر نمی‌کرد.

جوسازی و ترور شخصیت ایشان در راستای توطئه حذف شخصیت های موثر انقلاب

متأسفانه از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی در راستای توطئه‌های ضد انقلاب و

ترور شخصیت افراد موثر و مفید انقلاب، جو شدیدی را با شایعه پراکنی و دروغ افکنی بر ضد شخص آقایی قاضی در سطح وسیعی ایجاد کردند.

از آنجا که پس از انقلاب وجود موثر و مدیریت ایشان را سدی در مسیر حرکت‌های مخرب و ضد انقلابی خود می‌دانستند و حرکتی را که بر ضد شخصیت شهید بهشتی در کشور آغاز کرده بودند، بر ضد ایشان نیز در سطح استان شروع کرده بودند و با برچسب سرمایه دار و سازش کار و کوشیدند، تا ایشان را از صحنه خارج و منزوی کنند.

گرچه متأسفانه در این مسیر بعضی از جوانان پاک سیرت و ساده را اغفال کردند و تحت تأثیر تبلیغات شوم طراحی شده قرار دادند و در دام شایعه سازان منافق گرفتار شدند.

ولی این توطئه دقیقاً موجب ارتقای شخصیت و جایگاه سیاسی و اجتماعی وی در سطح کشور و مسئولیت در جایگاه‌های کلیدی مهم کشور گشت و تیر آنها به سنگ خورد. البته باید گفت استان، در دوران عدم وجود وی دچار خسارت‌های زیادی در جهات مختلف گردید. با جرات می‌توان گفت اگر آقای قاضی در استان می‌ماند، نه تنها استان در این عقب ماندگی غوطه ور نبود؛ بلکه هم اکنون در جایگاه والا و ممتازی قرار داشت. در واقع باید گفت مردم استان از هجرت ایشان به قم و تهران متضرر گردیدند ولی نظام نوپای اسلامی در سطح کشور از وجود ارزشمند و مدیریت ارزنده ایشان در جایگاه‌های مختلف بهره مند گردید.

تأسیس مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب حوزه علمیه قم

پس از هجرت او به قم از ناحیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شورای عالی

قضایی و شخص آیت آقای دکتر بهشتی، مسئولیت و راه اندازی مدرسه عالی قضایی به ایشان واگذار گشت. که در تأسیس و راه اندازی و تربیت و تعلیم قضات کشور و دبیران الهیات و معارف اسلامی خدمات بی نظیری به نظام اسلامی کردند، تا جایی که سطح مدرسه را با تلاش و جدیت مضاعف شبانه روزی به دانشگاه قم ارتقاء دادند و در طی سی سال مسئولیت و اداره این دانشگاه عظیم را با رشته های مختلف علمی باوجود تمام فراز و نشیب های سیاسی و گروهی و اجتماعی و دانشجویی تا پایان عمر به عهده داشت و از نظر آموزشی و سیاسی و نیز بناهای متعدد ساختمانی و عمرانی و امکانات لازم خدماتی و ورزشی و فرهنگی به سطح عالی و ممتاز رساندند تا آنجا که هم اکنون به عنوان یکی از دانشگاههای بزرگ و معتبر کشور مطرح است.

هیأت عفو حضرت امام

همزمان با اداره مدرسه عالی قضایی از سوی حضرت امام به عضویت هیأت عفو حضرت امام منصوب گشت، و در کنار دیگر بزرگان منصوب به عنوان دبیر این هیئت، تلاشهای زیادی را در جهت سر و سامان بخشیدن به زندانیان و تفکیک رتبه جرائم آنها و زمینه آزادی افراد پشیمان و کم جرم به ثمر رساندند. در واقع به خاطر اعتقاد و اعتماد زیادی که بقیه اعضاء هیئت، نسبت به وی داشتند، بیشترین مسئولیت های خطیر و حساس نیز به ایشان محول می گردید و او تمام کارهای ریز و زیر بنایی را انجام می دادند و در جهت خدمت به نظام اسلامی، با تشکیل جلسات مستمر و منظم و پر محتوای هفتگی و تصویب راهکارهای لازم به حرکت هیئت، سرعت می بخشید.

معاونت شورای عالی قضایی

آقای قاضی پس از حادثه هفتم تیر و شهادت آیت الله دکتر بهشتی از سوی شورای عالی قضایی و رئیس دیوان عالی کشور آقای قاضی به عنوان معاون شورای عالی قضایی منسوب گردید. همزمان، اداره مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب قم و هیئت عفو حضرت امام، مسئولیت معاونت شورا به عهده ایشان بود و شبانه روز با تلاش خستگی ناپذیر کارهای شورا را انجام می‌داد. در واقع می‌توان گفت بازوی اصلی و توانمند و با همت شورا بود، که در این رابطه چه در کارهای اجرایی شورا و چه از نظر تأمین امکانات و تجهیزات مورد نیاز و چه از نظر نصب و جابه‌جایی قضات، بستری آرام برای کارها را فراهم آوردند و تلاش‌های بی‌ظیر و در خور تحسینی را انجام داد که در بخشی از پیام تسلیت آیت الله موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور و شورای عالی قضات وقت بیان گردیده و از تلاش‌های ایشان تقدیر به عمل آمده است.

لازم به ذکر است در تمامی این مدت در شورای عالی قضایی و دانشگاه قم و هیئت عفو حضرت امام، هیچ‌گاه از امکانات دولتی استفاده ننمود و هیچ‌گونه حقوق و وجهی نگرفت، و حتی وسیله رفت و آمد در مأموریت‌ها را نیز راننده شخصی خود استفاده می‌کرد. هزینه‌های تلفن و برق محل کار خود را شخصاً از وجوه شخصی پرداخت می‌کرد، و مواد غذایی و تغذیه ایشان نیز از هزینه شخصی پرداخت می‌گردید. و در خیلی از موارد به شهادت آیت الله موسوی اردبیلی از اموال شخصی خود برای تشکیلات متبوع هزینه می‌کرد، این موضوع برای بیشتر مسئولین وقت کاملاً مشهود بود و آقای قاضی را با این اوصاف و ویژگی می‌شناختند.

سعه صدر و توانمندی در کار

آقای قاضی فردی بسیار پرکار و توانمند بود. هر مسئولیتی به ایشان سپرده می‌شد، در هر سطح و شرایطی با قدرت و پشتکار خاص خود و مدیریت صحیح به نحو احسن و به شکلی زیبا آن را انجام می‌داد و در سطح وسیعی با عنایت به آینده، توسعه می‌داد، ایشان هر کار بزرگ و بدون امکاناتی را می‌پذیرفت و پس از مدتی آنرا در سطح وسیعی و با امکاناتی بالا و کادری مجرب راه اندازی می‌کرد.

در جذب نیروهای جوان و تازه نفس و توانمند بالقوه، مهارت خاص داشتند و سعی می‌کرد در این مسیر افراد آب دیده و ساخته شوند و در واقع افرادی توانمند تربیت می‌کرد و هیچ‌گاه به دنبال نیروهای کارکرده و آماده نمی‌رفت، به جز در مورد تعلیم و تدریس، و در مواردی خاص که حتماً بایستی طرف مجرب باشد.

افکار و جریانهای گوناگون را می‌پذیرفتند و از تجارب آنها استفاده می‌کرد و کار می‌کشید و در محیطهای گوناگون حوزوی و دانشگاهی، قضایی و اجرایی که مسئولیت داشت و انجام وظیفه می‌کرد، نظرات و تفکرات مختلف و بعضاً تند و نامطلوب را به راحتی با اخلاق و چهره‌ای جذاب و آرامش، پذیرفته و حرف آنها می‌شنید و آنها را قانع می‌کرد.

طی سی سال کار و انجام وظیفه در نظام مقدس جمهوری اسلامی با همه جریانات و خطوط فکری داخل نظام سرو کار داشت و همه را می‌پذیرفت؛ برای نمونه در دانشگاه قم که سابقه مدیریت و تأسیس سی ساله آن را داشت و چهره‌های علمی و مبرز حوزوی و مراجع تقلید تا دولتهای مختلف زمان جنگ و سازندگی و اصلاحات و اصول‌گرا و جریانهای مختلف دانشجویی در آن نقش داشتند؛ ایشان

به شکلی بی سابقه توانست با همه آنها کار کند و حرف آنها را بشنود و در عین حال کار خود را به نحو احسن انجام بدهد، و مشکلی هم ایجاد نگردد.

ظرفیت و تحمل شنیدن سخن طرف مقابل برای او بسیار راحت و آسان بود، قدرت انتقاد پذیری در وجود ایشان خیلی قوی و مشهود بود. معمولاً بی سر و صدا و بدون هیاهو و به دور از جنجال و تبلیغات کار می‌کرد و حاضر نبودند در مورد کارهای انجام شده تبلیغات و یا مصاحبه ای داشته باشد. همیشه از این موارد گریزان و طفره می‌رفتند. در زمان معاونت شورای عالی قضایی که جایگاهی ویژه و خاص داشت و معمولاً می‌بایستی مصاحبه خبری هفتگی داشته باشند؛ ایشان حتی در طول آن مدت برای یک بار نیز این کار را انجام نداد. می‌توان گفت تنها مصاحبه ایشان در اوایل سال گذشته با سیمای جمهوری اسلامی مرکز لرستان بود که آن هم با سماجت و پی گیری و اصرار و رفت و آمدهای مکرر یکی از دوستان در ارتباط با روند انقلاب در لرستان انجام پذیرفت. دیگر هیچ مصاحبه ای از ایشان وجود ندارد.

در مجالس و محافل رسمی و عمومی همیشه در گوشه و زاویه ای ناپیدا می‌نشست و کمتر پیدا می‌شد. و هیچ گاه در جایگاه خود و در ردیف شخصیت ها نمی‌نشست. از تظاهر و خودنمایی شدیداً متنفر و فراری بود، کوچکترین اعتنا و توجهی به پرستیژ شغلی و عناوین اهدایی و دکوراسیون دفتر و محل کار نمی‌کرد. با این‌که بهترین امکانات و تجهیزات را برای دیگر همکاران و مدیران زیر مجموعه حتی کارمندان معمولی تأمین می‌کرد، ولی خود اصلاً در این اندیشه نبود و با یک میز ساده فلزی و یک صندلی فلزی معمولی و اطاق کم‌تراز حد معمول قانع و کار می‌کرد.

بالاترین نظرات و سلیقه را در هر چه بهتر و زیباتر شدن بناهای ساختمانی به شکل روز و به مقتضای زمان و نیاز و زیباترین و زیننده ترین معماری را ارائه می‌کرد؛ ولی در آن مجموعه دفتر کارشان بسیار ساده بود؛ به گونه ای که اگر کسی ایشان را نمی‌شناخت و می‌خواست به دیدن ایشان برود و ابتدا با او مواجه می‌گردید، باور نمی‌کرد وی آقای قاضی و رئیس تشکیلات باشد و شاید در اطاق خود او به انتظار وی می‌ماندند. نه رئیس دفتری داشت و نه اطاق انتظار نه منشی. خیلی ساده و بی آلایش و بی ادعا؛ ولی پرکار. چون تشکیلاتی بسیار پیچیده و باعظمت را به سادگی اداره می‌کرد و در هر شرایط و ساعت و مقطع زمانی افراد مختلف و معمولی را در ضمن کارهایشان می‌پذیرفت. ساعت کاری اصلاً برای ایشان مطرح نبود: از صبح تا دیر وقت در دفتر حاضر و کار می‌کرد، آنچه برای ایشان میزان و مهم بود کار و انجام آن بود و محدودیت کاری برای ایشان اصلاً معنایی نداشت.

احترام شدید نسبت به روحانیت

نسبت به طلاب و روحانیت و عالمان دینی علاقه و احترام زیادی قائل بود. حتی در مقابل طلبهای مبتدی خاضع و فروتن بودند و با تمام وجود احترام می‌گذاشت. ارزش والایی برای این لباس می‌دانست و در تشویق و ترغیب جوانان مستعد به طلبگی کوشا بود. از انقلاب در خرم‌آباد مدتی عمامه گذاری طلاب را خود ایشان عهده دار بود و لباس آنها نظیر قبا و عمامه را تهیه و طی مراسمی آنان را با احترام و عظمت خاصی با سلام و صلوات به مجلس می‌آوردند.

او با اینکه شخصیتی متفکر و آشنا و آگاه به مسائل روز و جهان و دارای اطلاعات زیادی در زمینه‌های مختلف به خصوص سیاسی بودن و فردی خوش فکر و روشن ضمیر و مرتبط با تمام جریانهای مختلف و روشن فکری بود؛ با این همه، در هیچ شرایطی اعتبار و احترام و حساسیت لباس خود را کم نمی گرفت و با تمام وجود لوازم آن را مراعات می کرد و اجازه نمی داد کسی این لباس را تحقیر و به آن اهانت کند و اجازه سوءاستفاده از آن را نیز نمی داد و همیشه در فکر عظمت و قداست علما دینی و این لباس بود و در هیچ مکان و زمانی تحت تأثیر جو قرار نمی گرفت.

یکی از روزهای آغازین پیروزی انقلاب در دوران دولت موقت در معیت وی جهت دعوت از یکی از دوستان ملی مذهبی دوران زندان ایشان که در آن موقع معاونت یکی از وزارتخانه ها را به عهده داشت، به وزارتخانه مربوطه رفتیم، فرد مزبور بادیدن او خیلی خوشحال و احترام گذاشت و با احساسات و گرمی به گفتگو پرداختند. نامبرده در خلال سخنانش نسبت به روحانیت مطالب ناصوابی را گفت و در ادامه اظهار داشت جناب آقای قاضی شما خیلی آدم خوب و استثنایی و دارای خصوصیات منحصر به فردی می باشید و از ارزش و جایگاه والایی برخوردارید. ای کاش در لباس روحانیت نبودید و تنها ضعف شما این لباس است؟! وی بلافاصله با حالتی افروخته از جا برخاستند و اظهار داشتند.

بنده هیچ ارزش و جایگاهی ندارم و کار مثبتی انجام نداده ام و تنها امید و افتخار و امتیاز من این است که ملبّس به این لباس مقدس هستم

و خیلی سریع خداحافظی سطحی و توام با بی اعتنائی کرد و دفترشان را ترک

نمود. طرف مقابل دور از انتظارش در بهت فرورفت و هر چه در پی ایشان اصرار کرد که او ناهار را آنجا بماند با بی اعتنائی ایشان مواجه گردید.

در تمام دوران مسئولیتی که در رابطه با روحانیت و طلاب داشته‌اند، چه دوران قبل از انقلاب در حوزه علمیه کمالیه خرم آباد و چه در مدرسه عالی قضایی و تربیتی طلاب و دانشگاه قم و چه در شورای عالی قضایی همیشه احترام خاصی برای روحانیون قائل بودند و سعی می کرد در جهت رفاه آنها به شکل آبرومندی قدم بردارد و امکانات مناسبی برای آنها تأمین کنند.

تقوای مالی

آقای قاضی نسبت به مسائل مالی شدیداً حساس و محتاط بود و می بایست حتماً از وجوهای تخمیس شده باشد و با شرایط خاصی که خود بدان معتقد و آگاه بودند، برای موارد خاص استفاده کنند؛ برای نمونه لباسهایی که بر تن داشت و با آن نماز می خواند، حتماً می بایستی از وجه خاصی خریداری شده باشد. در غیر این صورت با آن لباس نماز نمی خواند، هرچند آن لباس را خود خریداری کرده بود، نه لباسی که کسی به ایشان اهدا یا سوغات آورده باشد. او سعی داشت حتماً در مکان معینی نماز بخواند، و در هر مکانی نماز نمی خواند و بسیار احتیاط می کرد و مثلاً در ساختمانهای مصادره ای اصلاً نماز نمی خواند. یا به روستایی که می رفت پس از سؤال کردن و تعیین وضعیت مالکیت آن ، نماز می خواند، در غیر این صورت به مسجد نزدیکی رفته و آنجا نماز می خواند. در مسافرتها که بعضاً حقیر در معیشتان بودم هیچ گاه از مهمانسرای دولتی و بیت المال استفاده نمی کرد و به هتل می رفت. مواردی اتفاق می افتاد که هتل و مهمانپذیر پیدا نمی شد یا جای خالی نبود و می شد

با یک هماهنگی و تلفن در یک مهمانسرای دولتی یا دانشگاهی استراحت نماید؛ ایشان قبول نمی‌کرد و ناچار شبانه به مقصد یا مبداء باز می‌گشت.

شاید در بین روحانیت و دیگر اقشار مردم کمتر کسی را بتوان یافت که تا این اندازه نسبت به بیت المال حساسیت داشته و احتیاط کند. او حتی اجازه استفاده از امکانات دولتی نظیر تلفن، اتومبیل، غذا، کاغذ و قلم را به مهمانها نمی‌داد و تمام این موارد را از هزینه شخصی تأمین می‌کرد. در رستوران تشکیلات متبوع خود حساب مشخصی خاص خود داشت، جدای از بودجه آن تشکیلات مخصوص خود و مهمانان و دوستانی که به دیدار وی می‌رفتند.

در سال ۶۱ که وی در شورای عالی قضایی حضور داشت، حقیر به اتفاق همسر از سفر حج برگشته بودیم و برای دیدن ایشان به شورای عالی قضایی محل کارشان رفته بودیم و انتظار داشتیم ایشان ما را با اتومبیلی به قم بفرستند، او ضمن اینکه ناهار را با هزینه شخصی تهیه کرد با یک اتومبیل و راننده شخصی ما را به قم فرستاد و حاضر نبود برای ما از هزینه و امکانات دولتی استفاده کند. همچنین در همان سفر حج که همسر حقیر از طرف جامعه الزهراۃ قم به عنوان مبلغ برای حج انتخاب و می‌بایست با هزینه جامعه اعزام گردد، ایشان قبول نکردند و تمام هزینه سفر را خود شخصاً پرداخت کرد. خیلی احتیاط می‌کردند. دهها نمونه دیگر از تقوای مالی ایشان که حقیر شخصاً شاهد آن بوده‌ام که کمتر کسی آنها را می‌داند و مجال ذکر تمامی آنها در این نوشته نیست.

ساده زیستی

باوجود تمکن مالی، وضعیت زندگی ایشان خیلی معمولی و در مواردی

پایین‌تراز معمول بود و خیلی ساده زندگی می‌کرد و به زرق و برق‌های ظاهری در زندگی بی‌توجه بودند. امکانات و لوازم زندگی را در سطح خیلی معمولی تهیه می‌کردند. با اینکه می‌توانستند از بهترین مدل اتومبیل‌های مجهز و راحت استفاده کنند؛ ولی اتومبیل شخصی ایشان تنها پیکان بود. از تجملات زندگی شدیداً پرهیز می‌کرد. اتاق شخصی و کار خود در منزل خیلی معمولی و از امکانات لازم اولیه محروم بود، ترجیح می‌داد با آن وضعیت زندگی کند، با این که بسیاری تصور می‌کردند شاید منزل و امکانات شخصی وی بسیار مجلل و تشریفاتی و اشیاء گران قیمت باشد.

سخاوت و روحیه مهمان‌پذیری و انفاق

سخاوت و بخشش از خصوصیات بارز آقای قاضی محسوب می‌شد. بسیاری از موارد در امور خیریه پیشگام و دارای بذل و بخشش فراوان بود. کمک مستمر به مستمندان و بازکردن گره‌های کور زندگی خیلی از افراد به صورت پنهانی و خاموش از صفات خوب ایشان بود. امور مهم اجتماعی و جلسات و نشستهای مذهبی را خود شخصاً تقبل می‌کرد و هزینه آن را پرداخت می‌کرد و با وجود ایشان کسی اجازه میزبانی را به خود نمی‌داد. مهمان‌نوازی و میزبانی شخصیتهای مذهبی و سیاسی و مبلغان و روحانیون اعزامی از دیگر خصوصیات ایشان بود. قبل از انقلاب در خرم‌آباد گاهی روحانیون و چهره‌های سیاسی و علمی که برای تبلیغ دعوت می‌شدند، همه در منزل شخصی ایشان ساکن و مستقر می‌شدند. در دوران تأسیس برق و روشنایی در خرم‌آباد و احداث شهرک قاضی آباد با هزینه‌های بسیار اندک، خانواده‌های زیادی را برق دار و خانه دار کرد و افرادی که توانایی پرداخت هزینه

برق و خانه را نداشتند، با روشهای خاصی به آنها خانه واگذار می‌کرد. در بسیاری موارد هیچ گونه وجهی از آنها نمی‌گرفت و آن را در صورت توانایی به بعد موکول می‌کردند. دادن وامهای قرض الحسنه و بسیاری موارد بلاعوض در خرم‌آباد به خانواده های مستضعف و ناتوان از طریق صندوق قرض الحسنه علوی که خود شخصاً تأسیس و تشکیل داده بود، از دیگر موارد روحیه انفاق و کمک ایشان بود. مواردیاد شده به صورت آشکارا بوده است. موارد زیادی نیز به صورت پنهانی بود و کسی از آنها مطلع نبوده و بعضی از آنها بعد از ارتحال ایشان ظاهر گردیده است؛ برای نمونه در مجلس ختم ایشان در مسجد نور تهران. آقای دکتر مصطفی محجوبی از پزشکان و جراحان به نام و مجرب و قدیمی خرم‌آباد، نقل می‌کردند در زمانی که من در خرم‌آباد بودم، در سالهای قبل از انقلاب آقای قاضی (ره) به من می‌گفتند شما بیمارانی را که مراجعه می‌کنند و توان مالی برای درمان ندارند، حتماً با هزینه وی آنها را ویزیت و مداوا و حتی جراحی نمایند و هزینه آنان را به حقیر اعلام و وجه آنرا دریافت کنند. ایشان می‌گفتند در طول اقامت من در خرم‌آباد بسیاری از بیماران را با هزینه آقای قاضی درمان کردم و جالب توجه است که این موضوع را حتی فرزندان ایشان برای اولین بار می‌شنیدند و هیچ کس از این اقدام خداپسندانه اطلاعی نداشت. ایشان گفته بودند این موضوع را به هیچ کس نگوئید. و آقای دکتر محجوبی می‌گفتند من اکنون که دیگر ایشان در قید حیات نیستند می‌گویم.

احداث مدرسه و دبستان در خرم‌آباد و اختصاص یک قطعه زمین چند هزار متری برای احداث یک مجتمع تبلیغی مذهبی و فرهنگی و مسجد در بهترین نقطه قاضی آباد، تحت عنوان مسجد الغدير و اختصاص یک سوم اموال خود جهت امور

خیریه از دیگر اقدامات و خدماتی است که ناشی از روحیه سخاوت و انفاق این مرد خط امام است.

در طول مبارزات برعلیه رژیم، آقای قاضی (ره) علاوه بر وجوهات شخصی و شرعی در بسیاری از موارد وجوهاتی برای حضرت امام (ره) ارسال می‌کردند حقیر خود در رابطه با کارهای مبارزاتی و توزیع و تکثیر اعلامیه و کتاب و نوار سخنرانی و تشکیل نمایشگاه کتاب قبل از انقلاب مرتب از ایشان وجوهاتی را دریافت می‌کردم و ایشان هیچ گاه مقداروجه را تعیین نمی‌کردند.

هر مقدار مورد نیاز بود ولو اینکه به مبلغ بالایی، ایشان بیدرننگ با روحیه ای خندان فوراً پرداخت می‌کردند و می‌گفتند در صورت نیاز مجدداً مراجعه نمائید تا تأمین کنم.

ایشان با تلاش و جدیت و پیگیری از طریق مراجع ذیربط قانونی و اعتبار شخصی خود آن مدرسه را به این دانشگاه جامع وبا عظمت تبدیل نمودند و اکثر قریب به اتفاق رشته های تخصصی و غیر تخصصی را در آن ایجاد نمایند و به دانشگاهی کم نظیر در کشور ارتقاء دهد، واز بدو تاسیس تا به امروز یعنی ارتحال ملکوتی ایشان یک دوره سی ساله را مدیریت نمایند.

یکی از نکات بسیار با اهمیت که آقای قاضی روی آن خیلی پا فشاری و ایستادگی کرد و تسلیم جوسازی ها و هیاهوهای شدید نگردید، مسئله اختلاط دانشجوی دختر و پسر بود. ایشان با عزمی راسخ اجازه ندادند در این دانشگاه که در ام القرای اسلام قرار دارد، دانشجویان مختلط باشند و با حفظ معیارهای اسلامی و رعایت عدالت و ایجاد امکانات مساوی و موازی برای دانشجویان پسر و دختر به صورت کاملاً مجزا آزادی و آرامش در حال تحصیل هستند. این اقدام شجاعانه و

دین مدارانه یک وجه خاص وعظمت بزرگی به صورت ویژه والگوبه دانشگاه قم بخشیده است، که نه تنها در کشور اسلامی ایران بلکه در کشورهای اسلامی بی نظیر است. انجام این امر مهم تنها به همت وسعه صدر وتلاش وجدیت و ریزی و تیز هوشی قاضی ممکن شده وبه حمدالله امروز قسمت خواهران این دانشگاه با مدیریت مخصوص خواهران وبنحو احسن اداره می گردد و اسوه ای برای جوامع دانشگاهی تبدیل گردیده است و شاهد حقیقتی است برای تمامی آنهایی که احساس ضعف درمقابل هیاهوها وجوسازیها فوراً تسلیم می شوند. به امید آنکه با الگوگیری از این دانشگاه بزرگ وموفق، این حقیقت به وقوع بپیوندد و در دیگر مراکز دانشگاهی اجرا شود تا از آثار سوم اختلاط به دور بوده و به موازین اسلامی نزدیک تر گردد.

زیستن افتخارآمیز و با شرافت ومردنی با عزّت

چهره ونام آقای قاضی (ره) برای تمامی کسانی که دوران سیاه اختناق پهلوی را درک کرده و به یاد دارند چهرهای مؤمن، مصمم، مجاهد، مبارز وپاکباخته انقلابی وخستگی ناپذیر است. نام آقای قاضی یعنی انقلاب ومبارزه وتبعیت از حضرت امام خمینی ودر طول زندگی این مسیر وهدف را نه تنها به اسلام؛ بلکه با عمل خالصانه به پایان برد. کسی که در استان لرستان با الفبای انقلاب ومبارزه آشنایی داشته باشد به یقین نام آقای قاضی دربرابر دیدگانش مجسم می شود واین حقیقتی است که روح انقلاب ومبارزه وآرمانهای حضرت امام با تمام وجود ایشان آمیخته بود. با جرأت می توان گفت کار اصلی وهدف نهایی ایشان ترویج اسلام وپیشبردانقلاب وموفقیت نهضت حضرت امام بوده است وخود را در این مسیر وقف نموده بود. و دیگر کارهای شخصی ایشان تحركاتی جنبی ودر جهت امر معاش وپشتوانه عالی این مسیر

بوده است وجه زیبا ایشان تا آخرین لحظات عمرش که روحی در بدن وتوانی در جسم وقدرتی وتوانایی حرکت وتفکر را داشتند، از پای نشتند ونه تنها در این دنیا کوچکترین انتظار مادی وعنوانی نداشتند؛ بلکه هیچ گونه وصیتی برای تعیین مکان دفن خود نداشتند وهیچ چیزی در این زمینه نگفتند وبرایش مهم نبود در کجا دفن شود، بلکه تمام توجهش به اعمال تفضلات ورحمت الهی بود وبس، ولی چه زیبا بعداز پیوستن روح بلندش به لقاالله ودر حالی که بازماندگانش در تدارک مراسم تشییع وتدفین او را در گلزار شهداء بودند، اخلاص وایمان ومجاهدات فی سبیل الله ایشان مشمول گردید واز ناحیه رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی دستور دفن پیکر مطهر ایشان را در کنار مرقد فاطمه معصومه (س) دادند. از دیدگاه حقیر این بهترین اجر وهدیة ای بود که خداوند بزرگ به پاس خدمات ارزشمند وخالصانه به اسلام ونظام مقدس اسلامی به دست رهبر گرانقدر به ایشان عطا فرمود ند؛ زیرا دفن شدن در جوار این بانوی با عظمت، سعادت بی بس بزرگ است که تنها با عنایت حق تعالی میسور می گرددوبه حق شایسته آن انسان بزرگ وشرافتمند وعالم متعهد ومجاهد خستگی ناپذیر وخدمتگزار بود که یک عمر تلاش ومجاهدت وفعالیت کم نظیر را در تحقق وپیشرفت دین خدا کرده است. پس از آن که روح از جسم رنجور وخسته اش جدا گردید، آن پیکر دردمند ی که مدتها با بیماری دست وپنجه نرم کرده بود در آن دار الشفاء ابدی آرمید.

آقای قاضی در کلام و پیام رهبر انقلاب

اگر در پیام تسلیت رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای اندکی تأمل شود، مشاهده می گردد عباراتی در این پیام به کار رفته است که برای

کمتر کسی از این عبارات استفاده می‌شود و از سویی همه می‌دانیم که رهبر عظیم الشان بدون جهت برای افراد و شخصیت‌ها از این تعابیر و عبارات استفاده نمی‌کنند و تا کسی واقعاً لیاقت و شایستگی لازم را نداشته باشد، از او آن‌چنان توصیف نمی‌کنند. معمولاً به کار بردن عبارات در توصیف افراد آنگاه بیشتر در خور توجه و اهمیت است که در درجه اول باید دید گوینده چه کسی است، آیا یک فرد معمولی با اطلاعات ناقص است یا یک شخصیت دوراندیش و وارسته دقیق و صادق چون رهبر انقلاب اسلامی، که یقیناً با شناختی که از ایشان داشته‌اند در مورد وی چنین سخن گفته‌اند.

رهبر انقلاب در پیامشان جمله "عالم خدمتگزار و ایثارگر" را به کار بردند این عبارت خیلی مهم است زیرا ایثارگر به کسی گفته می‌شود که در راه هدف و کارش از همه چیز گذشته است و واقعاً به مرحله ایثارگری و از خود گذشتگی رسیده است و معظم له این جمله را بارها در مورد وی به کار برده‌اند.

سپس می‌فرمایند: "این شخصیت روحانی دانا و توان" معمولاً توانمند ی و دانایی خصوصیتی است که شایستگی لازم و لیاقت به آن فرد می‌دهد آنچه قابل اهمیت است توجه رهبر عزیز به دو شاخصه توانایی و دانایی در وجود ایشان می‌باشد.

در ادامه می‌فرمایند: "خدمات برجسته این روحانی پر تلاش و مبتکر" مسئله خدمات و برجستگی خدمات در دیگر نکات بسیار مهم مورد نظر رهبر انقلاب می‌باشد که بایستی گفت این خدمات آن‌قدر چشمگیر و برجسته بوده که رهبر عظیم الشان عنایت به طرح آن در پیامشان به کار رفته است. این اوصاف در حوزه و روحانیت بسیار با ارزش و حایز اهمیت است. زیرا ایمان و اخلاص علماء و روحانیت اگر با تلاش و ابتکار و خلاقیت توأم گردد به یقین بسیار بهتر کارساز

خواهد بود که در پیام رهبر با عنایت و شناخت دقیق و ریزی که نسبت به او و کارهای ایشان داشته‌اند، نسبت به او بذل محبت فرموده‌اند.

در ادامه می‌فرمایند "چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری" این نکته بیشتر از این جهت قابل توجه و حایز اهمیت است که رهبر بزرگوار تا چه اندازه نسبت به ایشان شناخت و آشنایی داشته‌اند که حتی خدمات برجسته ایشان در دوران قبل از انقلاب را نیز متذکر گردیده‌اند و پس از گذشت حدود نیم قرن از آن دوران حضرت لازم می‌بیند حتماً از آن خدمات برجسته و ارزشمند یاد بشود.

ایشان در پایان عبارت "شخصیتی کم نظیر در جامعه روحانیت و حوزه های علمیه" را یاد آور می‌شوند و وجود آقای قاضی را از نوادر روحانیت در حوزه های علمیه می‌دانند و آن را با صراحت در پیامشان اعلام می‌کنند. رهبر بزرگوار قطعاً با شناختی که از حوزه های علمیه و جامعه روحانیت داشته‌اند و شخصیت های والا مقام و ارزشمند آنرا می‌شناسند، چنان از جایگاه وی تمجید نموده که این عبارت بیانگر شخصیت واقعی و حقیقی و ارزشمند و کم نظیر و ناشناخته آقای قاضی (ره) می‌باشد و حتماً لازم است حوزه های علمیه شخصیت ایشان را مورد بازنگری قرار دهند.

در انتهای پیامشان می‌فرمایند "در گذشت ایشان فقدانی اسفبار است" یعنی حضور وجود ایشان در نظام جمهوری اسلامی برای ایجاد خلاقیت و تلاش و مجاهدت واقعاً لازم و ضروری بوده است و اگر ایشان به حکم قضا و قدر الهی به لقاءاله پیوسته‌اند؛ اما فقدانشان اسفبار است که این عبارت از کلام رهبر، بسیار مهم و با اهمیت است.

در نهایت پیامشان را با این عبارت ارزشمند به پایان می‌رسانند "از خداوند متعال رحمت و مغفرت و اجر جزیل برای تلاش های خستگی ناپذیر و فداکارانه این روحانی عالیقدر مسئلت می‌گوییم"

وی عباراتی چون خستگی ناپذیر و فداکارانه را به کار می‌برند؛ واقعیتی که وی عمر خود را در این مسیر و با این روش طی نمودند. رهبر انقلاب با دور اندیشی خاصی روی این نکات حساس دست گذاشته‌اند. مسلماً ایشان تعمد داشته‌اند که بایستی حتماً این واقعیات گفته شود و آنها را در پیامشان آورده‌اند تا همه بدانند در بین جامعه روحانیت و مردان خط چهره های این چنینی که ایثارگرانه فداکاری نموده‌اند و خاموش حرکت کرده‌اند، راز چگونه زیستن را در مکتب تشیع علوی خوب آموخته‌اند و با این عبارت "روحانی عالیقدر" حق مطلب را درمورد ایشان ادا فرمودند که باید گفت آقای قاضی به حق یک روحانی عالیقدر بوده و در مقام عالی قرار داشتند. وجه زیبا ست این همه اوصاف حقیقی که رهبر حکیم انقلاب از شخصیتی هنرمند و بی ادعا، بیان کرده‌اند که در طول حیات حتی برای یک لحظه نیز حاضر نبودند در مورد ایشان چیزی گفته شود و تجلیل و تعریفی بیان گردد.

خوشا به حال این مرد بزرگ و متعبد و متعهدی که عمری نسبتاً طولانی و پر برکت را با ایمانی راسخ و عزمی جزم با مجاهدت و تلاش خستگی ناپذیر در خدمت خالصانه و موثر به اسلام و روحانیت و انقلاب و نظام مقدس اسلامی سپری کرد و پرونده درخشان زندگی اجتماعی و سیاسی اش را با انتخاب و دستور حضرت امام خمینی در مسیر اسلام ناب و برای رضای خداوند آغاز و به خوبی آنرا به سرانجام رسانید و در این مسیر تحت تأثیر فراز و نشیب های وسوسه انگیز قرار نگرفت و ثابت قدم در مسیر انقلاب و امام و قرار داشت تا آن جا پایان این عمر اثرگذار در

جامعه، آنچنان موفق و در مسیر اصلی خلق و خالق قرار داشت که خلف صالح آن امام راحل، ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت الله خامنه ای تقدیر و تحسینی خالصانه به شکلی کم نظیر از مأموریت و مسئولیت محوله به ایشان به عمل آوردند و با عملی صالح سرشار از اخلاص و ایمان به دیدار حق شتافتند و این پرونده موفق این مرد بزرگ الهی در این دنیای مادی از زبان عبد صالح خدا، یعنی ولی امر مسلمین است و یقیناً اجر اخروی و پاداش آن بزرگ مرد در پیشگاه پرودگار عالمیان محفوظ و در جایگاه والا و مقام بالایی قرار دارد.

روحش شاد، درجانش عالی، یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

لطف

نامه‌های حضرت امام (ره)
و بزرگان خطاب به
آیت الله قاضی (ره)

بی‌قاعه

میرت جنایت ستم در سلام و حاضر و غایب
رفع حریف و مهر و عشق و دوستی و باطنی را
در اینکه در نظر گرفته است و با حقیر و علم و شکر را
ایضا و درید که از نظر بنده حقیر و شکر است و اولد
در عودت قم و از اینجا از عودت و جمعیت باشند که نفی
عاشقانه مکن چون غم ابرو و کف سر است و دوست
از این جهت بسیار و بوقوع است و دوست است و اولد
اگر عیال و بی بر خود داشته موجب بر است و نایب
باشند در هر صورت در طرف این باب هم نمی‌تواند
تجدید تقاضی است و در ظاهر شده و حواشی است
مدیرین و محصلین و قدر است و راغزانه
دانش و چهار که غرض است و تحفه نقد
حظ و حد دارد و با آنکه نفرتیه نهانی نزد
هر روزی با در سر و نام زالی که که نفی
و در عید و در صاف و لایق

بنده و در هر صورت در طرف این باب هم نمی‌تواند
تجدید تقاضی است و در ظاهر شده و حواشی است
مدیرین و محصلین و قدر است و راغزانه
دانش و چهار که غرض است و تحفه نقد
حظ و حد دارد و با آنکه نفرتیه نهانی نزد
هر روزی با در سر و نام زالی که که نفی
و در عید و در صاف و لایق

۸۷/۲۴/۵

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقه الاسلام آقای قاضی دامت افاضاته مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را خواستار است از اینکه در نظر گرفته شده است جناب حجت الاسلام آقای مشکینی را به خرم آباد بیاورید گرچه از نظر اینکه میل داشتم ایشان اولاً در حوزه قم و بعد در یکی از حوزه‌های پر جمعیت باشند که نفعشان عام باشد لکن چون خرم آباد مرکز حساسی است و اهمیت دارد از این جهت بسیار بموقع است امید است انشاءالله تعالی اگر به موانعی بر خورد نکنند موجب برکات زیادی باشند و در هر صورت از طرف اینجانب همه نحو تایید و تجلیل مقتضی انشاءالله خواهد شد و حضرات آقایان مدرسین و محصلین هم قدر ایشان را خواهند دانست وجهی اگر خواستید نجف بفرستید دو طریق دارد یکی آنکه بفرستید تهران نزد آقای لواسانی به آدرس: امام زاده یحیی کوچه تقوی آقای حاج سید محمد صادق لواسانی و بنویسید باید به نجف بفلان برسد، دیگر آنکه بفرستید تجارت خانه آقای حاج محمد تقی دیبائی نشانی: تهران سرای خدائی تجارت خانه دیبائی وجه را در این صورت به اسم آقای خلخالی بفرستید اسم اینجانب نباشد فقط بنویسید به آقای خلخالی برسد از خداوند متعال تائید و توفیق همه آقایان را خواستار است «و السلام علیکم»

«روح الله الموسوی الخمینی»

بسمه تعالی
 بعد از این که حاج آقا را عازم خرم آباد
 تعبیرات است که تمام رفا حریفه را جواب
 دارم و نیز در خطه طایفه که
 این که شرط هر طایفه را
 به دست خود از راه
 حاج آقا در کربلا و آن در
 و بعد از آن فی نفس الامر
 شکم از راه و آن در
 به راه و آن در
 حرم دارم و آن در

بسمه

بسمه تعالی
بسمه تعالی بسمه تعالی بسمه تعالی بسمه تعالی

مرقم ترینه دهر سید و رفیق عالی را جواب است

از سید بسمه تعالی و اقامت فیالیه همه چیز که فرمود
برقرار و ادامه دارد تشریف شد که از زحمات عالی

و سید این مدرس دهر تشریف است

فدا و تالی به به ضریحیت قرار

مرقم ترینه است تاکنون به مکتوب مرقم تر

و جواب تمام جزای مکتوب که در پی

بسمه تعالی و جواب بلام که

از عالی مکتوب ترینه است

از عالی و سید این است

در پی تشریف است
بسمه تعالی

۸۶/۲ ج ۲۴

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود واصل سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. تعجب آن است که تمامی مرقومات شریفه را جواب دادم و نرسانده‌اند. گمان می‌کنم پاکت اخیر که توسط آقای طاهری فرستادم رسیده باشد در هر صورت از زحمات جنابعالی و تشریک مساعی آقایان مدرسین وجدیت آقایان فضلا ایدهم الله تعالی متشکرم از خداوند تعالی توفیق همه را خواهانم و امید دعای خیر را دارم.

« والسلام علیکم »

« روح الله الموسوی الخمینی »

بسمه تعالی

خیر جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة السلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی دامت
افاضاته ، مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است از اینکه به واسطه
زحمات و اقدام جنابعالی بحمدالله حوزه مبارکه خرم آباد برقرار و ادامه دارد تقدیر و تشکر میکنم
و از زحمات جنابعالی و سایر آقایان مدرسین و اهل خیر متشکر هستم امید است خداوند متعال به
همه جزای خیر عنایت فرماید. مرقوم شده است تا کنون سه مکتوب مرقوم شده و جواب نداده ام
(جزیک مکتوب که در چندین ماه قبل رسید و جواب دادم دیگر از جنابعالی مکتوب نرسیده
است از جنابعالی و سایر آقایان امید دعای خیر دارم.

« والسلام علیکم »

« روح الله الموسوی الخمینی »

دوستان و دوستان توفیق و سلامت جناب را خواستار است
راجع به یاد توفیق و توفیق برادر جناب را صلوات میگذارد
عمر نایب موجب وقت و در این باب است بهر حال
فراوانه ملک و توفیق فراموشی از زحمات و توفیق و توفیق
که در این باب توفیق و توفیق فراموشی از زحمات و توفیق و توفیق
جناب را خواستار است و توفیق و توفیق فراموشی از زحمات و توفیق و توفیق
محبت قرار دارد و توفیق و توفیق فراموشی از زحمات و توفیق و توفیق

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه الاسلام آقای قاضی دامت افاضاته، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود موجب تشکر گردید از برقرار بودن حوزه مبارکه خرم آباد که به همت جنابعالی و سایر آقایان تمشیت دارد خیلی متشکرم خداوند متعال انشاءالله به همه آقایان توفیق عنایت فرماید از تشریف آوردن جناب مستطاب حجت السلام آقای صدیقین دامت افاضاته که بعلم و عمل بحمدالله تعالی آراسته هستند خیلی خرسند شدم گرچه محروم بودن حوزه قم از مثل ایشان موجب تأسف است لکن حوزه علمیه خرم آباد بواسطه همین که دارد جبران می کند امید است انشاءالله تعالی فضلاء از وجود ایشان استفاده کامل نمایند از خداوند تعالی سلامت و عزت همه اهل علم و عظمت و عزت اسلام و مسلمین را خواهانم در خاتمه از همه آقایان امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم

« و اسلام علیکم »

« روح الله الموسوی الخمینی »

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه الاسلام آقای قاضی دامت افاضاته
مرقم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود موجب تشکر گردید از برقرار بودن حوزه مبارکه خرم آباد که به همت جنابعالی و سایر آقایان تمشیت دارد خیلی متشکرم خداوند متعال انشاءالله به همه آقایان توفیق عنایت فرماید از تشریف آوردن جناب مستطاب حجت السلام آقای صدیقین دامت افاضاته که بعلم و عمل بحمدالله تعالی آراسته هستند خیلی خرسند شدم گرچه محروم بودن حوزه قم از مثل ایشان موجب تأسف است لکن حوزه علمیه خرم آباد بواسطه همین که دارد جبران می کند امید است انشاءالله تعالی فضلاء از وجود ایشان استفاده کامل نمایند از خداوند تعالی سلامت و عزت همه اهل علم و عظمت و عزت اسلام و مسلمین را خواهانم در خاتمه از همه آقایان امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقه السلام آقای قاضی دامت افاضاته، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود موجب تشکر گردید از برقرار بودن حوزه مبارکه خرم آباد که به همت جنابعالی و سایر آقایان تمشیت دارد خیلی متشکرم خداوند متعال انشاءالله به همه آقایان توفیق عنایت فرماید از تشریف آوردن جناب مستطاب حجت الاسلام آقای صدیقین دامت افاضاته که بعلم و عمل بحمدالله تعالی آراسته هستند خیلی خرسند شدم گرچه محروم بودن حوزه قم از مثل ایشان موجب تا سف است لکن حوزه علمیه خرم آباد بواسطه همین که دارد جبران می کند امید است انشاءالله تعالی فضلاء از وجود ایشان استفاده کامل نمایند از خداوند تعالی سلامت و عزت همه اهل علم و عظمت و عزت اسلام و مسلمین را خواهانم در خاتمه از همه آقایان امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم « و السلام علیکم »

« روح الله الموسوی الخمینی »

مرقم ژنت مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۸ در مهر گریه قدس که مرقم از جانب
دوین تکریم رسیده است جواب دهی در کمره رسیدن ۵ شه
کم، سیه است تا غیر در جواب و مهرش در اوقات خجالتی در دست
در حیات ما بار عود مکه علم تدریس کند بکنیم بیهوش است
مرفق نبسته بار بر سینه میوه بهش در هر چه در حق بر آید
افدق جالسه بر سینه موسی فرزند مهدی پیدا کند
برای فرزند یسین در شهر رجب بطرافت بر آید تبیع السلام
نواخته لایزال در حق آقایان را خواهانم بیهوش است
حوزه علمیه طرح لایزال با کوشش خجالتی در دست بر آید
عالیه در تقایم پیدا کند و بدین معنی اجابت مجزات بر آید
در تقنین امیر هم لایزال منتهی خجالتی است
در جبهه انبیا در روزی در هر بار حسن عاقبت بهره
فرزند و لایزال است که در هر بار

میداد جلیل به رسمه کماله

مقام شریف دھرم چند جی کو بی بی بھر مہاراجہ دیا بین صاحب علی بیگم

تغیر میکنی در مراد و آثار توئی چنانرا خواستم در اینک خیریت

سید احمد، پرنسپل و محترم پروفیسر - راج سید احمد پرنسپل و محترم پروفیسر

دعوت با حق در پرتو نور که خشم از بند او بود و قید را

شربت سرور شمس بی بی بنت بر قالی او (محمّد بن علی بن فرخ) اب

و حضرت فقید مدرسہ بکرم از وجود پیری بهره مند شوند ۴۶

وعلما و بایران و قاریان و متفکران و قیدیان و غمناکان و غمناکان

روزہ ہذا دینا تو فرض و مبرا ہے یہاں تا آخرت ہم بھی باوجود تندرستی

بنیال کمال و غیرت بطوریکه از هر سه صلح نیست و تمام است

چای در اندر سر قاریا در قدح طرب و کافور

موضوع در ادای ورود و مکان است (تبعی) تابع امور

ہیں غائب ہیں رزاق تمہیں صبح اور صبح

حضرت علامہ اعظم دہلوی رحمہ اللہ

بنامه حضرت امام رضا علیه السلام

دیرینه و قدیم از کتب معتبره که در این کتاب
مجموعه گردیده و در این کتاب نیز به تفصیل

۲۹ صفر ۹۱

بِسْمِہِ تَعَالٰی

خدمت جناب ثقه‌السلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی دامت افاضاته مرقوم شریف مورخ ۱/۸/۵۰ واصل گردید قبلاً هم یک مرقوم از جنابعالی واصل شد و چون نخواستیم به وسیله پست جواب دهم و کسی که مورد اطمینان باشد نیز کم یاب است تاخیر در جواب حاصل شد از اقدامات جنابعالی در مسائل مذهبی و زحمات شما برای اعلاء کلمه اسلام تقدیر و تشکر می‌کنم امید است انشاءالله موفق به خدمت به اسلام و مسلمین باشید و هرچه توفیق برای تهذیب اخلاق جامعه بوسیله موسسات فرهنگ اسلامی پیدا کنید برای فرستادن مبلغین در شبهای جمعه به اطراف برای تبلیغ احکام اسلام موافقت کامل دارم و توفیق آقایان را خواهانم امید است انشاءالله تعالی حوزه علمیه خرم‌آباد با کوشش جنابعالی و حضرات آقایان مدرسین به مراتب عالیه ارتقاء پیدا کند ابلاغ سلام اینجانب به حضرات مدرسین و مشتغلین ایدهم الله منوط به زحمت جنابعالی است مرجو آنکه اینجانب را از دعای خیر برای حسن عاقبت بهره‌مند فرمائید. «والسلام علیکم»

«روح الله الموسوی الخمينی»

۹ شهر شوال المکرم ۹۲

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقه السلام آقای قاضی دامت افاضاته مرقوم شریف واصل از اهتمام جنابعالی بامر مدرسه و آقایان طلاب علوم دینیّه تقدیر می کنم از خداوند تعالی توفیق جنابعالی را خواستارم ازاینکه جناب مستطاب سید العلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید اسدالله مدنی دامت برکاته را در دعوت برای حفظ سرپرستی حوزه مبارکه خرم آباد نموده اید و مورد قبول ایشان شده است مسرور شدم امید است انشاءالله تعالی اهالی محترم لرستان و خرم آباد و حضرات

فضلاء مدرسه مبارکه از وجود ایشان بهره مند شوند علما و عملا و باید از جناب ایشان تشکر کنم که قبول این زحمت را فرموده اند از خداوند متعالی توفیق و سلامت ایشان را خواستارم لکن باید تذکر دهم جنابعالی که کناره گیری شما بطور کلی از مدرسه صلاح نیست و لازم است جنابعالی د ر امور مدرسه خارجا و داخلایا بجناب ایشان کمک نمائید خصوصا در اوایل ورود و ممکن است بتدریج تمام امور را محول به ایشان نمائید باید اهالی محترم خرم آباد ایدهم الله تعالی و خصوص علماء اعلام و فضلاء محترم تقاضا کنم که قدر این نعمت را بدانند و در قدردانی ایشان کوتاهی نکنند و انشاءالله تعالی بتدریج قدر ایشان معلوم خواهد شد از خداوند متعال توفیق و سعادت جنابعالی و سایر آقایان محترم خواستارم

«والسلام علیکم ورحمت الله»

«روح الله الموسوی الخمینی»

خدمت جناب مستطاب ثقه السلام آقای قاضی دامت افاضاته مرقوم شریف واصل از اهتمام جنابعالی بامر مدرسه و آقایان طلاب علوم دینیّه تقدیر می کنم از خداوند تعالی توفیق جنابعالی را خواستارم ازاینکه جناب مستطاب سید العلماء الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید اسدالله مدنی دامت برکاته را در دعوت برای حفظ سرپرستی حوزه مبارکه خرم آباد نموده اید و مورد قبول ایشان شده است مسرور شدم امید است انشاءالله تعالی اهالی محترم لرستان و خرم آباد و حضرات فضلاء مدرسه مبارکه از وجود ایشان بهره مند شوند علما و عملا و باید از جناب ایشان تشکر کنم که قبول این زحمت را فرموده اند از خداوند متعالی توفیق و سلامت ایشان را خواستارم لکن باید تذکر دهم جنابعالی که کناره گیری شما بطور کلی از مدرسه صلاح نیست و لازم است جنابعالی د ر امور مدرسه خارجا و داخلایا بجناب ایشان کمک نمائید خصوصا در اوایل ورود و ممکن است بتدریج تمام امور را محول به ایشان نمائید باید اهالی محترم خرم آباد ایدهم الله تعالی و خصوص علماء اعلام و فضلاء محترم تقاضا کنم که قدر این نعمت را بدانند و در قدردانی ایشان کوتاهی نکنند و انشاءالله تعالی بتدریج قدر ایشان معلوم خواهد شد از خداوند متعال توفیق و سعادت جنابعالی و سایر آقایان محترم خواستارم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوات و السلام على محمد و آله الطاهرين و لعنت الله على اعدائهم اجمعين.

چون پس از فوت مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای کمالوند رحمت الله علیه دسته جات و هیأت و محترمین لرستان که برای تجلیل آن مرحوم به قم مشرف شده بودند از حقیر تقاضا نمودند برای حفظ و ادامه حوزة محترمة علمیة خرم آباد اقدام و دخالت کنم و حقیر به واسطه جهاتی سکوت کردم تا آنکه اخیرا مراجعاتی کتبا و شفاه از آقایان مدرسین و طلاب و فضلاء و محترمین لرستان شد و اظهار نمودند که عدم دخالت حقیر ممکن است خدای نخواستہ منجر به انحلال یا اختلال حوزة علمیة کمالیه شود. لهذا نظر به لزوم بقاء حوزة علمیة در آن شهرستان و نظر به اینکه باید برای این منظور شخص مورد اطمینان و وثوقی جهت تصدی امور مدرسه و جریان امور طلاب معظم نصب شود و نظر به اینکه جناب مستطاب ملاذ الانام و ثقه الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی دامت افاضاته مورد تسالم مدرسین معظم و طلاب محترم می باشند به طوری که در این مدت از اظهارات آقایان محترم ثابت شد و نظر به آنکه جناب ایشان مورد وثوق این جانب هستند، معظم له را منصوب نمودم برای تصدی در امور مدرسه مبارکه کمالیه چه در امور مالی و ایصال شهریه به حضرات آقایان مدرسین و طلاب محترم و چه سایر حوایج و پیش آمدهای حادثه و جناب ایشان وکیل این جانب هستند در اخذ مطلق وجوه شرعیه سیما سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات عظام و ایصال سهم سادات را به سادات فقیر محترم غفیف چه اهل علم باشند یا نه و صرف سهم مبارک امام علیه السلام و سایر وجوه منطبقه را جهت شهریه حضرات مدرسین معظم و طلاب محترم مدرسه کمالیه و سایر حوایج به هر نحو صلاح بدانند و چنانچه زائدی باشد ایصال فرمایند نزد حقیر برای ادامه ی

حوزه علمیه در شیراز در روز یکشنبه ۱۳۸۴/۱۲/۲۵
 وادعیه برپایه تالیف باادعیه به اینست که این مدرسه را
 ابدیست و فی الدین و الدنیا و ارجحین جناب این و فی الدین و الدنیا و ارجحین
 اخوانا المؤمنین در هفته ۱۴ در باب ۱۴۴۴

نامه رئیس دیوان عالی کشور حضرت آیه الله دکتربهشتی به حجة الاسلام حاج شیخ مهدی قاضی

بسمه تعالی

جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی، دامت افاضاته
با تقدیم تحیت و سلام، روحانیت محترم و مردم پر مهر خردآباد
نهایت به جنابعالی علاقمندند و تأکید می‌کنند که به آنجا
بازگردید. در همین حال نقش مؤثر شما در مدرسه عالی
قضایی و تربیتی قم ایجاب میکند که خواستار ماندن شما
در قم باشیم. به نظر میرسد اکثر پنجشنبه و جمعه را به
خردآباد بروید و ایام دیگر در قم بمانید جمع میان هر دو
بماند. از خدای متعال برای شما توفیق آرزو میکنم.

والسلام و طیکم و رحمة الله

محمد عسکری بهشتی

۰۹/۱۱/۲

حوزه‌های علمیه و نیز مجازند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف و اخذ و
صرف و ایصال و اوصیه ایده الله تعالی به ما اوصی به السلف الصالح من ملازمت التقوی و التجنب
عن الهوی و التمسك بعروت الاحتیاط فی الدین و الدنيا و ارجو من جنابه ان لاینسائی من صالح
دعواته و السلام علیه و اخواننا المؤمنین و رحمت الله و برکاته.

بتاریخ چهاردهم شهر ربیع المولود ۱۳۸۴

روح الله الموسوی الخمینی

ضمیمہ
۱۵/۱۲/۲۰۲۲

خداوند متعال را تسبیح و تحمید و تعظیم و تهنیت عرض نموده و درود و سلام عرض می‌نمایم

59/11/2

[illegible]

بسمه تعالی

جناب مستطاب ملاذ الانام عماد الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی دامت ایامه تسلیم و تهنیت دائم به عرض میرسانم مرقوم شریف مورخ ۱/۳۰/زیارت موجب موجب تشکر شد امیداست که در صحت و عافیت باشید و بموجبات فراهمی مقاصد روحانیت برسید و از ناملات محروس شوید اینکه وضع حوزه علمیه کمالیه مرتب است بسیار خوشوقت شدم امید از آنمرکز عدّه متهم خدمتگزار ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر ارواحنا فدا فرام آید و از وجود ایشان عوالم دینی و مذهبی بهره مند گردد و اشخاصی باشند با شجاعت ایمانی و شهامت روی انشاءالله تعالی نامه که حوزه علمیه چند وقت قبل که بوسیله پست فرستاده‌اند نرسیده است و الا ممکن نبود شکر گذار نشوم و اینکه بمراسم عید در خرم‌آباد رفتار نشده است البته مورد تقدیر و تمجید است و کاشف از احساسات ایمانی است و البته تاثیر و ناراحتی طبقات اهالی از دوری حضرت آقای آیت الله خمینی دامت برکاته حکایت از شدت علاقه مندیشان بعالم روحانیت و بالاخص بحضرت معظم الیه می‌باشد و هر اندارزه متاثر و متألم باشد جای دارد تا کنون بانی و عدیده اقداماتی راجع بمراجعت معظم الیه شده است امید آنکه خدای متعال با سرعت و احسن وجه نا راحتیها را مرتفع سازد و انواع مشکلات را منحلّ بدارد و آن بزرگوار را به وطن مألوف عودت دهد «وعلیه سبخانه المتوکل و باما نه المهدی ارواحنا فداه المتوسل»

و السلام علیکم و علی الاصدقاء الاکرمین و اسئلكم الدعاء

«محمد هادی الحسینی المیلانی»

حفا

خیلی و بجز مانده



بصارت ساواک اداره کل سوم ۳۲۴

نخست وزیر

اداره فرماندهی ارشد لرستان (خرم آباد) سازمان اطلاعات امنیت کشور

س. ا. و. ا. ک.

در باره محمد کریم محسنی زاده رئیس دبیرستان طوی خرم آباد

مطابق به ۴۱۷ / ۳۲۴ - ۵۲ / ۲ / ۱۲

همان طور که طی ۱۵ / ۴ / ۴۷ هـ - ۵۲ / ۱۲ / ۵ و ۱۵ / ۶ / ۱۱ هـ - ۵۲ / ۲ / ۳۰ و ۱۵ / ۷ / ۲۶ هـ - ۵۲ / ۳ / ۳ هـ
 به استحضار رسیده مسئولین دبیرستان طوی خرم آباد به پیروجه تا به نظم و مقررات آموزش و پرورش لرستان
 پیرویه و در کلیه امور تحت نظر شیخ مهدی قاضی بوده و انتخاب رئیس و دبیران این دبیرستان نیز که
 اکثر آنها ملاقات مهدی افرا طی دارند به سلیقه مؤسسان دبیرستان شیخ مهدی قاضی طرفدار میباشند
 بوده و دارای پرونده قطوری نیز در آن اداره کل میباشند انتخاب میگردند
 در حال حاضر با آنکه رئیس اداره کل آموزش و پرورش لرستان و شورای آموزش و پرورش خرم آباد از اتمام
 کار این دبیرستان و بعد از اموزی دانش آموزان نگران نباشند بپیدا نموده اند ولی عملاً به علت نبودن کتبی
 آنها نموده قاضی در کلیه شئون اجتماعی این منطقه پیدا نموده اند صراحتاً نمیتوانند از اداه کار ایشان
 مؤسسه جلوگیری و با لا اقل نظارت بیشتری بر امور آموزش و پرورش آن داشته باشند به نظر مؤسسه
 موارد مشروحه زیر به استحضار میزند .

۱- چون مسئولین دانش آموزان مزبور در هیچکدام از مراسم ملی میهنی شرکت ننموده و در جشنهای ملی
 حتی از برافراشتن پرچم ایران و چراغانی خودداری مینمایند آموزش و پرورش طی نامه شماره ۴۷ / ۶۸۳
 - ۵۱ / ۱۱ / ۲۸ که فتوکپی آن به پیوست میباشند با دادن تذکره مسئولین آن دبیرستان را مکتوب
 مبالغه این بی نظمی و تکروی نمود و استولی توجهی به این نامه مبذول نشد و است .

۲- شورای آموزش و پرورش خرم آباد بکلیه دبستانهای این دبیرستان و دبیرستانهای این منطقه اعلام نموده که

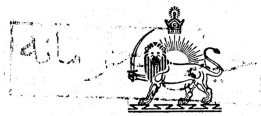
خیلی و بجز مانده

به تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۲۴

از ساواک فرمانده کل لرستان (خرم آباد)

در باره محمد کریم محسنی زاده رئیس دبیرستان علوی خرم آباد

عطف به ۳۲۴/۴۱۷ - ۵۲/۲/۱۳



سخت‌گیری
ما زمان اطلاعات امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

در باره صفحه ۲

که با بستی تصمیمات متخذه در پیشبرد هدفهای آموزشی خود را تحت نظر شورای مزبور انجام دهند ولی مسئولین دبیرستان علوی به این تذکر نیز اکتفا ننموده و اخیراً اعلامیه ای جهت ثبت نام دانش آموزان کلاس اول را هنگامی در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ بدون اطلاع اداره و شورای آموزش و پرورش چاپ و منتشر نموده اند که فتوایی آن پیوست تقدیم میگردد .

با وضع موجود اداره کار این دبیرستان با رئیس و دبیران فعلی جزء آموزشی و تلقین تبلیغات افراطی مذهبی در کودکان معصوم نتیجه دیگری نداشته واصلح است بطور جدی با امتیاز آن لغو و با بطور کلی اداره و نظارت آن بطور مستقیم در اختیار آموزش و پرورش لرستان قرار گیرد .

ضمناً محمد کریم محسنی زاده نیز که یکی از عناصر افراطی مذهبی طرفدار خمینی بوده که وضعیت وی قبلاً طی ۵۴۷۰/۵ هـ - ۴۴/۱۰/۱۶ و ۴۴/۲۸۹۶ هـ - ۴۴/۵/۶ به عرض آن اداره گسل (بخشهای ۳۲۲ و ۳۱۶ س.ا.و.ا.ک) رسیده است و اینک مشخصات ملحق به کس ایشان تقدیم میگردد و با

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - میرسیاسی

گیرنده : مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲ جهت استحضار .

همانطوریکه طی ۵۲/۱۲/۵ هـ - ۱۵/۴۷۴۲ هـ و ۱۵/۶۹۱ هـ - ۵۳/۲/۳۰ و ۱۵/۷۶۳ هـ - ۵۳/۳/۳ به استحضار رسیده مسئولین دبیرستان علوی خرم آباد به هیچ وجه تابع نظم و مقررات آموزش و پرورش لرستان نبوده و در کلیه امور تحت نظر شیخ مهدی قاضی بوده و انتخاب رئیس و دبیران این دبیرستان نیز که اکثراً تمایلات مذهبی افراطی دارند به سلیقه موسس این دبیرستان شیخ مهدی قاضی که طرفدار خمینی بوده و دارای پرونده قطوری نیز در آن اداره کل میباشد انتخاب می گردند.

در حال حاضر با آن که رئیس اداره کل آموزش و پرورش لرستان رئیس و شورای آموزش و پرورش خرم آباد از ادامه کار این دبیرستان و بدآموزی دانش آموزان نگرانی شدید پیدا نموده اند ولی عملاً به علت نفوذی که خانواده قاضی در کلیه شئون اجتماعی این منطقه پیدا نموده اند صراحتاً نمی توانند از ادامه کار این موسسه جلوگیری و یا لاقلاً نظارت بیشتری در امور آموزش و پرورش آن داشته باشند به طور نمونه موارد مشروحه زیر به استحضار میرسد.

۱. چون مسئولین، دانش آموزان مزبور در هیچکدام از مراسم ملی میهنی شرکت ننموده و در جشن های ملی حتی از برافراشتن پرچم ایران و چراغانی خودداری مینمایند آموزش و پرورش طی نامه شماره ۶۸۳/م - ۵۱/۱۱/۲۸ که فتوایی آن به پیوست میباشد با دادن تذکر مسئولین آن دبیرستان را متوجه عواقب این بی نظمی و تک روی نموده است ولی توجه ای به این نامه مبذول نشده است.

۲. شورای آموزش و پرورش خرم آباد به کلیه دبستان ها و دبیرستان ها و دبیرستان های ملی اعلام نموده که

که بایستی تصمیمات متخذه در پیشبرد هدفهای آموزشی خود را تحت نظر شورای مزبور انجام دهند ولی مسئولین دبیرستان علوی به این تذکر نیز اعتنائی ننموده و اخیراً اعلامیه‌ای جهت ثبت نام دانش‌آموزان کلاس اول راهنمایی در سال تحصیلی ۵۳-۵۲ بدون اطلاع اداره و شورای آموزش و پرورش چاپ و منتشر نموده‌اند که فتوایی آن به پیوست تقدیم میگردد.

با وضع موجود ادامه کار این دبیرستان با رئیس و دبیران فعلی جز بد آموزی و تلقین تبلیغات افراطی مذهبی در کودکان معصوم نتیجه دیگری نداشته و اصلح است به طور جدی یا امتیاز آن لغو و یا به طور کلی اداره و نظارت آن به طور مستقیم در اختیار آموزش و پرورش لرستان قرار گیرد.

ضمناً محمد کریم محسنی زاده نیز که یکی از عناصر افراطی مذهبی طرفدار خمینی بوده که وضعیت وی قبلاً طی ۱۵/۵۴۷۰هـ - ۴۴/۱۰/۱۶ و ۱۵/۲۸۹۶هـ - ۴۴/۵/۶ بعرض آن اداره کل (بخشهای ۳۲۲ و ۳۱۶ سابق) رسیده است و اینک مشخصات ملصق به عکس ایشانه تقدیم میگردد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - میر سپاسی

گیرنده مدیریت کل اداره سوم ۳۱۲ جهت استحضار.

شماره ۳۱۲/۴۴۴۴

تاریخ ۵/۵/۵۳

پیوست

جلد

شماره

به ریاست ساوا. فرماندار یکل لرستان

(خرم آباد ۱۵ هـ)

از اداره کل صنوم (۳۱۲)

نخست وزیر

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

مدیرکل

در باره شیخ مهدی قاضی

بازگشت بشماره ۱۵/۱۳۳۹ هـ - ۵۲/۴/۱۰

باتوجه به اینکه پس از لغو امتیاز مدرسه علوی خرم آباد امکان دارد مشارالیه از خود واکنش نشان داده و صادرات به تحریک برخی از طلاب و متعصبین مذهبی آن منطقه بنماید، خواهشمند است دستور فرمائید وسیله منابع و سایر امکانات موجود دقیقاً اعمال و رفتار یاد شده را تحت کنترل قرار داده و نتیجه را مرتباً^{۱۰} به این اداره کل منعکس نمایند. ب

مدیرکل ادارہ سوم - شاہپور

استاد
فخریه رستمی
۱۳۵۸/۱

نہایت سیرت و عفت و صبر و حیا۔ اور اندر سے ان کی زبان و دماغ

1215

505/12

استیلائی دستورالعمل

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

نسخه شماره یک از یک صفحه

نسخه شماره یک از یک صفحه

۸- شماره گزارش: ۱۰/۶۷۲

۹- تاریخ گزارش: ۱۰/۶/۱۳۹۶

۱۰- پیوست:

۱۱- ملاحظات حفاظتی:

۱۲- گیرندگان خبر:

۱- به: ۳۱۶

۲- از: ۱۵

۳- منشأ گزارش: عملیات غیرمراجعه شود

۴- منبع: ۲۱۸

۵- تاریخ وقوع: ۱۰/۶/۱۳۹۶

۶- تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۱۰/۶/۱۳۹۶

۷- تاریخ رسیدن خبر بر مبنای محل: ۱۰/۶/۱۳۹۶

به ریاست ساواک فرمانداری کل لرستان خرم آباد ۱۵هـ

اداره کل سوم ۳۱۲

درباره شیخ مهدی قاضی

بازگشت بشماره ۱۳۳۹/۱۵هـ - ۵۲/۴/۱۰

با توجه به اینکه پس از لغو امتیاز مدرسه علوی خرم آباد امکان دارد مشارالیه از خود واکنش نشان داده و مبادرت به تحریک برخی از طلاب و متعصبین مذهبی آن منطقه بنماید، خواهشمند است دستور فرمائید وسیله منابع و سایر امکانات موجود دقیقاً اعمال و رفتار یاد شده را تحت کنترل قرار داده و نتیجه را مرتباً به این اداره کل منعکس نمایند.

مدیر کل اداره سوم - ثابتی

عطف / پیرو:

در ساعت ۱۰/۶/۱۳۹۶ مورخه ۱۰/۶/۱۳۹۶ در منزل آقای شیخ مهدی قاضی (که تازه از کربلا مراجعت نموده) آقایان سید محمد حسین ظاهری، شیخ سلطان احمد، حاج سید جعفر ظاهری، وهاب ورجانی متعدد و ترانسپورت حضور داشتند. آقای شیخ مهدی قاضی درباره لزوم حمایت خانواده و مفراقت صحبت و اقدام دولت را در این مورد مخالف دین اسلام و حلال و حرامی بدولت نمود.

و در ضمن بهائیان چنین اظهار داشت هم وطنان روحانیون از لزوم حمایت خانواده ناراحت و همگسی مدعی هستند که چنانچه وضع بهیچ عنوان جلوه یقین عواقب و عیبی در پیش خواهد بود زیرا این قانون اساس خانواده را برهم میزند و ظهوری که من در این صافرت از کلیه مراجع مخصوصاً آقای حکیم و عینی و شوش - شنید همگی اظهار میداشتند چنانچه این موضوع در ایران عملی بشود کم کهراجع به بقیه احکام اسلام باز تصمیمات میگیرند.

ملاحظات منبع آنچه مسلم است وی تماسهایی با کلیه مراجع نجف برقرار و خصوصاً در مدت اقامتش در نجف بهشتراوقات در منزل آقای عینی بوده و احتمال دارد دستوراتی از طرف عینی برود اد شده و ممکن است ایشان هم در موقع حساس آنها را عملی نماید.

ملاحظات رهبر عملیات اسطفا گزارش فوق صحیح بنظر میرسد.

۲- جناب میرسد شیخ مهدی قاضی که در نجف بود به آقای عینی و سایر مراجع تقلید تماس و استوراتی از آنان به نظر تبلیغ روحانیون بر علیه و تشکیب و سعی میباید در فرصتهای مناسب یک روحانیون را بر علیه و تشکیب نماید. و در ملاحظات رهبر ساواک. - قیلاً گزارشات جامعی در مورد وضع شیخ مذکور به طور مشروح با استحضار رسید فایده

طبقه بندی حفاظتی

صفحه شماره: یک از یک صفحه

نسخه شماره: سه از پنج نسخه

به: ۳۱۶

از: ۱۵

منشأ: به گزارش عملیاتی خبر مراجعه شود.

منبع: ۳۱۸

تاریخ وقوع: ۴۶/۲/۹

تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۴۶/۲/۹

تاریخ رسیدن خبر به رهبر عملیات محل: ۴۶/۴/۹

شماره گزارش: ۱۵/۶۷۲

تاریخ گزارش: ۴۶/۲/۱۰

خیلی محرمانه



به تیمسار ریاست ساواک اداره

نخست‌وزیری

کل سوم ۳۱۲

ان ساواک فرماندهان کل لرستان
سازمان اطلاعات و امنیت کشور

(خرم‌آباد)

در باره: شیخ مهدی قاضی

عطف به ۳۱۲ / ۳۴۲۹ - ۵۲/۴/۳

با توجه به موقعیت فعلی نا برده با لا اصلاح میا شد که امتیاز
دبیرستان و مدرسه را هنگامی طوی خرم‌آباد لغو و سرپرستی
کلیه امور اداری و آموزشی آن به آموزش و پرورش محل وا گذار و مشارالیه
هیچگونه دخالت و نظارتی در فعالیت این دبیرستان نداشته باشد
مقرر فرمائید در صورت تصویب برابر تب هرچه زود تر از طریق وزارت -
مربوطه به اداره آموزش و پرورش لرستان ابلاغ تا در سال تحصیلی
جدید ۵۲ - ۵۳ اسم نویسی و تحصیل و تربیت را نثرأ موزان
منطبق با معیار و مقررات صحیح و سالم تربیتی آموزشی باشد %

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور

۱۰/۳/۵۲

خیلی محرمانه

در ساعت ۱۰/۳۰ مورخه ۴۶/۲/۹ در منزل آقای شیخ مهدی قاضی (که تازه از کربلا مراجعت نموده) آقایان سید محمد حسین طاهری و شیخ سلطان مراد و حاج سید جعفر طاهری و هادی رجائی متصدی ترانسپورت حضور داشتند. آقای شیخ مهدی قاضی درباره لایحه حمایت خانواده و مضراتش صحبت و اقدام دولت را در این مورد مخالف دین اسلام قلمداد و حملاتی به دولت نمود.

و در ضمن بیاناتش چنین اظهار داشت عموم علما و روحانیون از لایحه حمایت خانواده ناراحت و همگی مدعی هستند که چنانچه وضع به همین منوال جلو برود عواقب وخیمی در پیش خواهد بود زیرا این قانون اساس خانواده را برهم میزند و طوری که من در این مسافرت از کلیه مراجع مخصوصاً آقای حکیم و خمینی و خوئی شنیدم همگی اظهار میداشتند چنانچه این موضوع در ایران عملی بشود کم راجع به بقیه احکام اسلام باز تصمیماتی میگیرند.

ملاحظات منبع آنچه مسلم است وی تماس هایی با کلیه مراجع نجف برقرار و به خصوص در مدت اقامتش در نجف بیشتر اوقات در منزل آقای خمینی بوده و احتمال دارد دستوراتی از طرف خمینی به وی داده شده و ممکن است ایشان هم در موقع حساسی آنها را عملی نماید.

ملاحظات رهبر عملیات مفاد گزارش فوق صحیح بنظر میرسد.

به نظر میرسد شیخ مهدی قاضی که در نجف بوده با آقای خمینی و سایر مراجع تقلید تماس و دستوراتی از آنان به منظور تبلیغ روحانیون بر علیه دولت کسب و سعی می نماید در فرصت های مناسب و بتدریج روحانیون را بر علیه دولت تهیج نماید. ملاحظات رئیس ساواک. قبلاً گزارشات جامعی در مورد وضع شیخ مذکور به طور مشروح به استحضار رسیده است.

پیوست



سخت فزیری
سازمان اطلاعات دایت کثر
خیلی مکرر مانده

به ... رہا میت سما والک، لرستان

از بازارهای مکه

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف به ۳۶۰۹/۱۵ - ۲/۱۱/۶۶

نظریات کنعنا میرده بالا در منطقه استحفاظه. انسانا وک بمنظور تحکیم موقعیت خود مبادرت
باعمال خلاف و تحریکاتی در بین طلاب مینماید علیهذا خواهشمند است دستور فرمائید
توسط منابع مربوطه و امکانات موجود نسبت به جمع آوری مدارک مستند علیه وی اقدام
و نتیجه را اعلام تا تصمیم مقتضی در مورد شخص فوق گرفته شود ضمناً طریقی بمنظور تضعیف
یاد شده فوق تهیه و ارسال دارند تا پس از بررسیهای صورت پذیرد اجرا گذاشته شود.

مدير كل ادارة رسوم • مقدم

خداوند سواش این کفر تبه دارا به کفو

ル 24

۹۳
۶ جولاء ۱۸۵۰ء
۱۱، ۱۲
جسٹس محمد رفیع الدین علیہ دکانہ دار کے پاس سے گزرتے ہوئے
طریقہ کی طرف سے ایک شخص نے ایک چھوٹی سی جگہ پر ایک
نمبر لکھا ہے جو درج ذیل ہے

۱۱-۴۵

44-114

به تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۱۲.

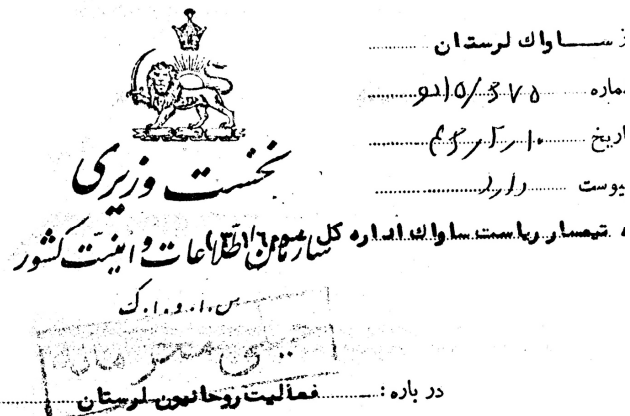
از ساواک فرمانداری کل لرستان (خرم آباد)

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف به ۳۱۲/۳۴۲۹-۵۲/۴/۳

با توجه به موقعیت فعلی نامبرده بالا اصلاح می‌باشد که امتیاز دبیرستان و مدرسه راهنمایی علوی خرم‌آباد لغو و سرپرستی کلیه امور اداری و آموزشی آن به آموزش و پرورش محل واگذار و مشارالیه هیچ گونه دخالت و نظارتی در فعالیت این دبیرستان نداشته باشد. مقرر فرمائید در صورت تصویب به مراتب هر چه زودتر از طریق وزارت مربوطه به اداره آموزش و پرورش لرستان ابلاغ تا در سال تحصیلی جدید ۵۳-۵۲ اسم نویسی و تحصیل و تربیت دانش‌آموزان منطبق با معیار و مقررات صحیح و سالم تربیتی آموزشی باشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - میر سپاسی



به ریاست ساواک لرستان

از اداره کل سوم

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف به ۱۵/۳۶۰۹-۴۶/۱۱/۲

بپرو شماره ۱۵/۵۵۲-هـ - ۶/۱/۲۰ با ایفاد بکبرگ صورت اسامی افراد یکه برای زیارت

عتبات عالیات قاجاقی بهراق عزیمت نمود مانند موارد زیر را باستحضار میرساند :

۱- استنباط میشود عدای از این افراد بمنظور زیارت امام سوم شیعیان بکربلا عزیمت

و نظر خاصی از این مسافرت خود نداشته اند .

۲- عدای دیگر از نامبردهگان که از عناصر افراطی وابسته بروحانیون و از روحانیون مخالف

دولت میباشند (ردیفهای ۶-۱۰-۱۲-۱۴-۱۵) با احتمال قوی با آقای خمینی و سایر

علماء مخالف کشور ایران تماس برقرار و احتمالاً دستوراتی در مورد مخالفت با اقدامات دولت

کسب و مجدد^۴ بایران مراجعت و سعی مینمایند در فرصتهای مناسب از وجود عناصر افراطی

مذهبی استفاده نموده و تبلیغات منفی مشکلاتی برای دولت فراهم سازند که البته اقدامات

لازم در این مورد بعمل آمده است.

۳- عدای از حجاج منطقه قبل از عزیمت بکمه معظمه هرکدام مبلغی در حدود ۱۰ هزارریال

(کمتر یا بیشتر) بشیخ مهدی قاضی سرپرست حوزه علمیه خرمآباد پرداخت و شیخ مذکور -

جمعاً^۵ در حدود دوست الی سیصد هزار تومان جمعآوری و با اطلاعاتیکه بدست آمده

احتمالاً^۶ مقداری از آنرا (در حدود صد هزار تومان) همراه خود پنجف برده و در آنجا به

(پیشینه در صفحه ۲)

نظر به اینکه نامبرده بالا در منطقه است حفاظی آن ساواک به منظور تحکیم موقعیت خود مبادرت به اعمال خلاف و تحریکاتی در بین طلاب می نماید علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید توسط منابع مربوطه و امکانات موجود نسبت به جمع آوری مدارک مستند علیه وی اقدام و نتیجه را اعلام تا تصمیم مقتضی در مورد شخص فوق گرفته شود ضمناً طرحی به منظور تضعیف یاد شده فوق تهیه و ارسال دارند تا پس از بررسی به مورد اجرا گذاشته شود.

از طرف مدیر کل اداره سوم - مقدم

شماره ۱۱۹۷۰ / ۳۱۲
تاریخ ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۵۷
پیوست
به ریاست ساواک فرماندار کل
لرستان (خرم آباد ۱۵ هـ) سخت گیری
سازمان اطلاعات امنیت کشور
از اداره کل سوم ۳۰۶
شیان

از ساواک لرستان

شماره ۱۵/۶۷۵ هـ

تاریخ ۴۶/۲/۱۰

به تیمسار ریاست ساواک اداره کل

درباره فعالیت روحانیون لرستان

درباره شیخ مهدی قاضی فرزند رضا

مطف بشماره ۱۵/۳۶۹۹ هـ - ۵۱/۹/۱۹

با عضویت نامبرده بالاد. مؤسسه خیریه فاطمیه مخالفت

گرفته است .

خواهشمند است دستور فرمائید اعمال و رفتار مشارالیه را

تحت مراقبت قرار داده نتیجه را به این اداره کسسل

اعلام نمایند بـ ح

مدیرکل اداره سوم - مقدم

(Signature)

برج

۲۳ / ۱۱ / ۵۷

۱۳۲۲ (نزد)

(Signature)

۱۱۵-۵۰

پیرو شماره ۱۵/۵۵۲ هـ - ۴۶/۱/۲۰ با ایفاد یک برگ صورت اسامی افرادی که برای زیارت عتبات عالیات قاجاقی به عراق عزیمت نموده اند موارد زیر را به استحضار میرساند:

۱. استنباط میشود عده ای از این افراد به منظور زیارت امام سوم شیعیان به کربلا عزیمت و نظر خاصی از این مسافرت خود نداشته اند.

۲. عده ای دیگر از نامبردگان که از عناصر افراطی وابسته بر روحانیون و از روحانیون مخالف دولت میباشند (ردیفهای ۶-۱۰-۱۲-۱۴-۱۵) به احتمال قوی با آقای خمینی و سایر علماء مخالف کشور ایران تماس برقرار و احتمالاً دستوراتی در مورد مخالفت با اقدامات دولت کسب و مجدداً به ایران مراجعت و سعی مینمایند در فرصتهای مناسب از وجود عناصر افراطی مذهبی استفاده نموده وبا تبلیغات منفی مشکلاتی برای دولت فراهم سازند که البته اقدامات لازم در این مورد به عمل آمده است.

۳. عده ای از حجاج منطقه قبل از عزیمت به مکه معظمه هر کدام مبلغی در حدود ۱۰ هزار ریال (کمتر یا بیشتر) به شیخ مهدی قاضی سرپرست حوزه علمیه خرم آباد پرداخت و شیخ مذکور جمعاً در حدود دویست الی سیصد هزار تومان جمع آوری و با اطلاعاتی که بدست آمده احتمالاً مقداری از آن را (در حدود صد هزار تومان) همراه خود به نجف برده و در آنجا به (بقیه در صفحه

تبت خبر	طبقه بندی حفاظتی	نسخه	از	نسخه	از
تبت خبر	طبقه بندی حفاظتی	نسخه	از	نسخه	از
به تیسار فرماندهی تیپ ۸ رکن ۲	ملاحظات حفاظتی				
از اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸					
شماره ۱/۳۲۳/۰۴/۵۰۷/۹۱۰	ریاست سازمان اطلاعات امنیتی لرستان				
تاریخ ۱۳۵۷/۱۰/۵	ریاست امنیتی خیم آباد				
پیوست					
تاریخ وقوع					
موضوع:	عطف/ پیرو				
غیر نظامی مهدی قاضی نور باتفاق چندین نفر از همدستانش مواد رتبه پخش اعلامیه های مغرضه می نمایند ضمناً نامبرده تعدادی اسلحه و مهمات غیر مجاز جمع آوری و در زیرزمینی منزلش واقع در خیابان فردوس جنب قصاصی گوشت گاوی و نان خشک پیزی که یک درب در خیابان فردوس و درب دیگری در خیابان پهلوی دارد و پله میخورد تا به سطح حیاط برسد و در حیاط نیز یک پناهگاه و قالی بانی نیز وجود دارد پنهان نموده که بموقع هر طبقه دولت از آنها استفاده نمایند					
ارزیابی - قابل بررسی است					
۱۳۵۷ ۱۳۵۷ ۱۳۵۷ ۱۳۵۷					
۰۶۶۷ - الف . ش					

به ریاست ساواک فرمانداری کل لرستان (خرم آباد ۱۵هـ)

از اداره کل سوم ۳۱۲

در باره شیخ مهدی قاضی فرزند رضا

عطف بشماره ۱۵/۳۶۹۹هـ - ۵۱/۹/۱۹

با عضویت نامبرده بالا در موسسه خیریه فاطمیه مخالفت گردیده است.

خواهشمند است دستور فرمایید اعمال و رفتار مشارالیه را تحت مراقبت قرار داده نتیجه را به

این اداره کل اعلام نمایند.

مدیر کل اداره سوم - مقدم

حجتی محرم‌مسانه

طبقه‌بندی حفاظتی

درجه فوریت

۴۹

برگه خبر

- نسخه شماره از نسخه
 ۱- به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان / موسسات حفاظتی :
 ۲- از اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸۴ خرم‌آباد
 ۳- شماره: ۱۳۳۱/۴۰/۴۰/۵۰۷/۹۱۰ - ۸ - گیرندگان :
 ۴- تاریخ: ۳۰ - ۸ - ۱۳۵۷ ریاست ضد اطلاعات وابسته به شهر یاس خرم‌آباد
 ۵- پیوست:

موضوع: مطف / پیرو:

اطلاع‌واصله حاکمیت که:

شیخ مهدی - قاضی بصاحبان مغازه هائیکه بد ستور روحانیون

روز دوی ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ - ۱۳۵۷/۸ مغازه هایشان را

سته اند مبلغی پرداخت نمایند

ارزیابی = قابل بررسی است

۱۳۲۲

ارزیابی خبر:

حجتی محرم‌مسانه

طبقه‌بندی حفاظتی

به: تیمسار فرماندهی تیپ ۸۴ رکن ۲

از: اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸۴

شماره: ۹۱۰/۵۰۷/۰۴/۳۲۳

تاریخ: ۱۳۵۷/۱۰/۵

گیرندگان: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

ریاست ۱- ض شهربانی خرم‌آباد

غیر نظامی مهدی قاضی نور به اتفاق چندین نفر از همدستانش مبادرت به پخش اعلامیه‌های مضره مینمایند ضمناً نامبرده تعدادی اسلحه و مهمات غیر مجاز جمع‌آوری و در زیرزمین منزلش واقع در خیابان فردوسی جنب قصابی گوشت گاوی و نان خشک‌پزی که یک درب در خیابان فردوسی و درب دیگری در خیابان پهلوی دارد و پله میخورد تا به سطح حیاط برسد و در حیاط مزبور قهوه خانه و قالی‌بافی نیز وجود دارد پنهان نموده که به موقع بر علیه دولت از آنها استفاده نمایند.

ارزیابی = قابل بررسی است.

شماره ۵۷-۲۴-۹۱

تاریخ ۵۷-۸-۲۸

بیوست

۵۱



وزارت کشور

شهربانی کشور شاهنشاهی

شهربانی استان لرستان

اطلاعه

خبر واصله بشرح زیر حاکیست:

- ۱- شب جمعه (۱۳۵۷/۸/۱۲) عده ای در حدود پانصد نفر از طبقات مختلف خرم آباد شام را در منزل شیخ مهدی قاضی واقع در قاضی آباد مهمان بوده اند.
- نامبرده برای مهمانان اظهار داشته که ۶۶ قصد خروج از کشور را داشته لیکن نگذاشته ایم و گفته ایم بایستی تاوان پن بد هد و از وی تحقیقات بعمل آید.
- ۲- شایع نموده که تیغسار ارتشبد اویسی کشته شده و جنازه او را به قم حمل لیکن اهالی قم از خاک کردن جنازه خود داری و جنازه امجد را* به تبران فرستاده اند.
- ۳- اظهار داشته که عشایر را مسلح میکنیم ضنا* اضافه نموده که هر کس هر مشکلی داشته باشد نزد من بیاید مراتب جهت استحضار و هر گونه اقدام اعلام میگردد.

رئیس شهربانی استان لرستان سرهنگ فاضل احمدی

گیرندگان:

- ۱- مقام محترم استانداری استان لرستان جهت استحضار
- ۲- فرماندهی ناحیه واند ارمون لرستان
- ۳- فرماندهی تیپ ۸۴ خرم آباد
- ۴- ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

دقیقا بر کس و کجی و گیرندگان
تا حتماً بنده رسیدگی کند

۸/۱۵

۱۳۲۲

به: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان لرستان

از: اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸۴ خرم آباد

شماره: ۸۹۱۰/۵۰۷/۰۴/۴۰/۱۳۱-

تاریخ: ۱۳۵۷-۸-۳۰

گیرندگان: ریاست ضد اطلاعات وابسته به شهربانی خرم آباد

اطلاع واصله حاکیست که:

شیخ مهدی قاضی به صاحبان مغازه هائی که به دستور روحانیون روزهای ۲۷ و ۲۸ و

۲۹- ۱۳۵۷/۸ مغازه هایشان را بسته اند مبلغی پرداخت مینماید.

ارزیابی = قابل بررسی است.

به مدیریت کل ادار امور (۳۸۴)
سخت گیری
از سازمان اطلاعات و امنیت کشور
لرستان
شماره ۳۱۸۱/۵۱۷
تاریخ ۲۷/۱/۲۲
پیوست

در باره: شیخ مهدی قاضی خورند رضا

حفظ بشماره ۳۱۲/۵۶۳۵ - ۳۲/۵/۱۹

نامبرد هما لاد سنگین بد بنوسله تحت مراقبت مأمورین
شهربانی استان لرستان اعزام و معرفی میگردد. سواست
و مدارک موجود باید شده متعاقباً ارسال خواهد شد. -

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان. القوانی

۵/۲۲

۱۴۲۲
خیلی بخیر مانده

۲۵۷-۲۵۵ ش

اطلاعیه

خبر واصله بشرح زیر حاکیست:

۱- شب جمعه ۱۳۵۷/۸/۱۲ عده ای در حدود پانصد نفر از طبقات مختلف خرم آباد شام را در منزل شیخ مهدی قاضی واقع در قاضی آباد مهمان بوده اند نامبرده برای مهمانان اظهار داشته کد ۶۶ قصد خروج از کشور را داشته لیکن نگذاشته ایم و گفته ایم بایستی تاوان پس بدهد و از وی تحقیقات بعمل آمد.

۲- شایع نموده که تیمسار ارتشبد اویسی کشته شده و جنازه او را به قم حمل لیکن اهالی قم از خاک کردن جنازه خودداری و جنازه را مجدداً به تهران فرستاده اند.

۳- اظهار داشته که عشایر را مسلح می کنیم ضمناً اضافه نموده که هر کس هر مشکلی داشته باشد نزد من بیاید مراتب جهت استحضار و هرگونه اقدام اعلام می گردد.

رئیس شهربانی استان لرستان سرهنگ فضائل احمدی

گیرندگان:

۱. مقام محترم استانداری استان لرستان جهت استحضار

۲. فرماندهی ناحیه ژاندارمری لرستان

۳. فرمانده تیپ ۸۴ خرم آباد

۴. ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

موضوع :
اطلاع واصله حاکمیت قراست از طرف روحانیون مقیم خرم آباد بمناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ احمد کافی مراسم ختمی در این شهرستان برگزار گردد و برابر اطلاع واصله شیخ مهدی قاضی عده ای از اهالی خرم آباد پیروزه جوانان را دعوت نموده که در روز مذکور در مراسم برگزاری ختم شرکت نمایند و به آنها آموزش داده که پس از مراسم ختم بطور دسته جمعی با فرستادن صلوات برای خمینی از مسجد خارج و در خیابان ها شروع به تظاهرات و شعارهای ضد ملی نمایند و تمام سینما ها و شعب بانک صادرات را که متعلق به بهائیان میباشد در مسیر خود مورد تخریب قرار دهند و به آنان اطمینان داده که از هر لحاظ شخصاً از شما حمایت خواهم نمود مراتب جهت استحضار اعلام میگردد

نامبرده بالا دستگیر شده بدینوسیله تحت مراقبت مأمورین شهربانی استان لرستان اعزام و معرفی میگردد. سوانق و مدارک موجود باد شده متعاقباً ارسال خواهد شد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - لیقوانی

[illegible]

درجه فوریت	ملف بندی حفاظتی
مفحه یکم از ... مفحه	گزارش خبر
نسخه شماره ... از ... نسخه	۷ - منبع ۱۵۵۵
۱ - ۳۱۲۹	۸ - منشأ شنود
۲ - از ۱۵۵	۹ - تاریخ وقوع ۲۷/۳/۱۰
۳ - شماره گزارش ۱۵/۱۸۷۷	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع ۳/۱۰/۱۰
۴ - تاریخ گزارش	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای عملیات
۵ - پیوست	محل ۲۰۳۲/۳/۱۰
۶ - گیرندگان خبر	۲ ملاحظات حفاظتی

موضوع: شیخ مهدی قاضی ملف
بهره

یکی از روحانیون خرم آبادی که ساکن قم میباشد و احتمالاً سید محمد نقی شاهرخی باشد از قم تلفنی با شیخ مهدی قاضی تماس حاصل و در مورد فقاری استوالاتی نمود و اظهار میدارد او ۶ ریز زندان داشته و میباشد آزاد شده باشد چرا آزاد نشده و از شیخ مهدی میخواهد موضوع را تحقیق و بوی اطلاع دهد شیخ مهدی قول میدهد اقدام کند سپس در مورد سید فخرالدین رحیمی و محل تبعید او و از وضع سید شکراله طاهری استوالات نمود شیخ مهدی جریان تبعیدی رحیمی را توضیح و توضیح میدهد جمعی از خرم آبادی و نفر تبعید کرد فاند که شناس میگوید مواظب خودتان باشید شیخ مهدی جواب میدهد مهم نیست شناس میگوید شنید نام سید حسن طاهری را از قم برای تابستان دعوت کرد فاید شیخ مهدی میگوید سید فخرالدین رحیمی با و گفته من هم اطلاع دادم هنوز تصمیم قطعی نگرفته است نظریه شبهه - خبر صحت دارد

نظریه یکشنبه به توجیه بگزارشات رسیده و مذاکرات تلفنی و اینکه سید فخرالدین رحیمی تبعید گردیده و در نظر دارد بجای او در مسجد علوی سید حسن طاهری بهشتی مشغول گردد و صحت خبر مورد تأیید است

شیخ مهدی قاضی
 ۱۳۳۲
 ۱۳۱۱-۱۳۱۲

از ریاست اداره اطلاعات

به شهربانی استان لرستان (اطلاعات)

شماره ۵۷-۲۴-۶۱

تاریخ ۳۷/۵/۲۳

گیرندگان: ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان لرستان جهت استحضار

اطلاع واصله حاکیست قرار است از طرف روحانیون مقیم خرم آباد به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ احمد کافی مراسم ختمی در این شهرستان برگزار گردد و برابر اطلاع واصله شیخ مهدی قاضی عده ای از اهالی خرم آباد به ویژه جوانان را دعوت نموده که در روز مذکور در مراسم برگزاری ختم شرکت نمایند و به آنها آموزش داده که پس از مراسم ختم به طور دسته جمعی با فرستادن صلوات برای خمینی از مسجد خارج و در خیابانها شروع به تظاهرات و شعارهای ضد ملی نمایند و تمام سینماها و شعب بانک صادرات را که متعلق به بهائیان میباشد در مسیر خود مورد تخریب قرار دهند و به آنان اطمینان داده که از هر لحاظ شخصاً از شما حمایت خواهم نمود مراتب جهت استحضار اعلام میگردد.

ارزیابی خبر: امکان صحت خبر وجود دارد.

جهت استحضار

نسخه شماره چهارم از چهارم نسخ

۱ به ۳۱۲

از ۱۵هـ

شماره گزارش ۱۵/۱۸۷۷هـ

تاریخ گزارش ۱۸/۳۱۶

موضوع: شیخ مهدی قاضی



یکی از روحانیون خرم آبادی که ساکن قم می باشد و احتمالاً سید محمدنقی شاهرخی باشد از قم تلفنی با شیخ مهدی قاضی تماس حاصل و در مورد غفاری سئوالاتی نموده و اظهار میدارد او ۶۱ روز زندان داشته و میبایست آزاد شده باشد. چرا آزاد نشده و از شیخ مهدی می خواهد موضوع را تحقیق و به وی اطلاع دهد شیخ مهدی قول میدهد اقدام کند سپس در مورد سید فخرالدین رحیمی و محل تبعید او و از وضع سیدشکرا اله طاهری سئوال نموده شیخ مهدی جریان تبعیدی رحیمی را تعریف کرده و به وی میگوید جمعاً از خرم آباد ۵ نفر تبعید کرده اند که ناشناس میگوید مواظب خودتان باشید. شیخ مهدی جواب میدهد مهم نیست ناشناس میگوید شنیده ام سیدحسن طاهری را از قم برای تابستان دعوت کرده اید شیخ مهدی میگوید سیدفخرالدین رحیمی به او گفته من هم اطلاع داده ام هنوز تصمیم قطعی نگرفته است.

نظریه شنبه - خبر صحت دارد.

نظریه یکشنبه - با توجه به گزارشات رسیده و مذاکرات تلفنی و اینکه سیدفخرالدین رحیمی تبعید گردیده و در نظر دارد به جای او در مسجد علوی سیدحسن طاهری پیش نماز مشغول گردد صحت خبر مورد تأیید است.

درباره شیخ مهدی قاضی
بارگشت به ۱۵/۶۹۱ هـ - ۵۲/۲/۳۰
باتوجه بسوابق موجود از نامبرده بالا و نظریه یکشنبه ذیل گزارش بارگشتی ،
مراقبت از اعمال و رفتار یاد شده و کنترل فعالیتهای وی در جانشیناری از خمینی ،
ضروری میباشد . خواهشمند است دستور فرمائید در این زمینه اقدامات لازم معمول
داشته و نتیجه را باین اداره کل منعکس نمایند .

مدیرکل اداره سوم - ثابت

به تیمسار ریاست ساواک اداره
شماره ۳۳۳۳/۳۵۱۵
تاریخ ۵۴/۹/۴
پیوست
کک سوم ۳۱۲
ساخت فیزی
سازمان اطلاعات امنیت کشور
از ساواک لرستان

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف شماره ۳۱۲/۸۵۹۷ - ۵۲/۸/۲۰

در زمینه کسب اخبار مورد نیاز نسبت به تحریرات نامبرده فوق بمنبع
۲۹۵۴ آموزش لازم داده شد و مراقبت از اعمال و رفتار وی نیز با امکانات
موجود اداره داشته و نتیجه بموقع باستحضار خواهد رسید / ا

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - میرسپاسی
از مرق

به ریاست ساواک فرمانداری کل لرستان (خرم آباد ۱۵هـ)

از اداره کل سوم ۳۱۲.

درباره شیخ مهدی قاضی

بازگشت به ۱۵/۶۹۱هـ - ۵۲/۲/۳۰

با توجه به سوابق موجود از نامبرده بالا و نظریه یکشنبه ذیل گزارش بازگشتی، مراقبت از
اعمال و رفتار یاد شده و کنترل فعالیتهای وی در جانبداری از خمینی، ضروری میباشد. خواهشمند
است دستور فرمایید در این زمینه اقدامات لازم معمول داشته و نتیجه را به این اداره کل منعکس
نمایند.

مدیر کل اداره سوم - ثابتی

خیلی محرمانه



به تیمسار ریاست ساواک اداره

شماره ۱۵/۱۴۳۹

تاریخ ۸۲/۲/۲۱

پیوست

نخست وزیر

کل سوم ۳۱۲

از ساواک فرماندهان ارشد لورستان
سازمان اطلاعات امنیت کشور

(خرم آباد)

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف به ۳۱۲ / ۳۴۲۹ - ۵۲ / ۴ / ۳

با توجه به موقعیت فعلی نا میرده با لا اصلاح میباید که امتیاز
دبیرستان و مدرسه را هنگامی طوی خرم آباد لغو و سرپرستی
کلیه امور اداری و آموزشی آن به آموزش و پرورش محل وا گذار و مشارالیه
همچگونه دخالت و نظارتی در فعالیت این دبیرستان نداشته باشد
مقرر فرمائید در صورت تصویب هر چه زود تر از طریق وزارت --
مربوطه به اداره آموزش و پرورش لورستان ابلاغ تا در سال تحصیلی
جدید ۵۲ - ۵۳ اسم نویسی و تحصیل و تربیت را نتران موزان
منطبق با معیار و مقررات صحیح و سالم تربیتی مؤثری با باشد / ا

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لورستان - میرسپاسی

۱۰/۳/۸۲

خیلی محرمانه

به تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۱۲.

از ساواک لورستان

درباره شیخ مهدی قاضی

عطف به شماره ۳۱۲ / ۸۵۹۷ - ۵۲ / ۸ / ۲۰

در زمینه کسب اخبار مورد نیاز نسبت به تحریکات نامبرده فوق به منبع ۹۹۵۴ آموزش لازم
داده شد و مراقبت از اعمال و رفتار وی نیز با امکانات موجود ادامه داشته و نتیجه به موقع به
استحضار خواهد رسید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لورستان - میرسپاسی.

درجه فوریت	خوب
صفحه یکم	از
نسخه شماره	از
۱ - ۴	۲۱۲
۲ - ۴	از
۳ - شماره گزارش	۵۱۵/۳۷۰/۵۱۵
۴ - تاریخ گزارش	۵۱/۹/۱۹
۵ - پیوست	ندارد
۶ - گیرندگان خبر	ندارد
۷ - منبع	۳۵۴۸
۸ - منشأ	ندارد
۹ - تاریخ وقوع	آخر
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	اختیار
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر به هیئت محفل	۱/۹/۱۵
۱۲ - ملاحظات حفاظتی	
موضوع	تأیید اله مدنی
عطف	پیرو

اخیراً نا مبرده فوق با عناونه خود از اعدان بنا بدعوت شیخ مهدی قاضی به لرستان وارد و در حوزه طعمه خرم آباد مشغول تدریس درس خارج میباشند و ظهرها در مسجد جامع و شب در مسجد رمضان تاراجات برگذار مینمایند و نظریه شنبه -

تاریخ یکشنبه - مدار گزارش خبری فوق مورد تأیید میباشند و نا مبرده فوق همان شخصی است که در نامه سفارش ویرا به شیخ مهدی قاضی نموده است (موضوع گزارش خبری شماره ۷۷۷۵۱۵م - ۵۱/۹/۱۹) و نظریه سه شنبه - نظریه یکشنبه صحیح است .

تاریخ ۱۵ه - تاریخی سه شنبه صحیح است .

۵۱/۹/۱۹

۱۳۲۵

خیلی خرمانه

به تیمسار ریاست ساواک اداره کل سوم ۳۱۲
از ساواک فرمانداری کل لرستان خرم آباد
درباره شیخ مهدی قاضی
عطف به ۵۲/۴/۳ - ۳۱۲/۳۴۲۹

با توجه به موقعیت فعلی نامبرده بالا اصلح می باشد که امتیاز دبیرستان و مدرسه راهنمایی علوی خرم آباد لغو و سرپرستی کلیه امور اداری و آموزشی آن به آموزش و پرورش محل واگذار و مشارالیه هیچگونه دخالت و نظارتی در فعالیت این دبیرستان نداشته باشد مقرر فرمائید در صورت تصویب مراتب هر چه زودتر از طریق وزارت مربوطه به اداره آموزش و پرورش لرستان ابلاغ تا در سال تحصیلی جدید ۵۲-۵۳ اسم نویسی و تحصیل و تربیت دانش آموزان منطبق با معیار و مقررات صحیح و سالم تربیتی و آموزشی باشد.

رئیس سازمان اطلاعات استان لرستان - میرسپاسی

شماره ۵/۱۵
تاریخ ۴۹/۲/۲۹
پیوست
وزارت کشور
شهربانی کل کشور
شهربانی فرمانداری کل لرستان
از شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - قسمت اطلاعاتی
بـه • ریاست ساواک لرستان
موضوع • اطلاعیه

بقرار اطلاع شیخ مهدی قاضی زاده سرپرست حوزه علمیه خرم آباد نمایندگی خمینی
است و وجوهی را که از مردم جمع آوری نموده به مصرف حوزه میرساند -
بنام خمینی دریافت مینماید مراتب جهت آگاهی و اقدام لازم اعلام میگردد:
رئیس شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - سرهنگ مهاجر

خیلی محترمانه

موضوع: آیت الله مدنی

اخیراً نامبرده فوق با خانواده خود از همدان بنا به دعوت شیخ مهدی قاضی به لرستان وارد و
در حوزه علمیه خرم آباد مشغول تدریس درس خارج می باشد و ظهرها در مسجد جامع و شب در
مسجد رمضان نماز جماعت برگزار مینماید.

نظریه شنبه -

نظریه یکشنبه - مفاد گزارش خبری فوق مورد تأیید می باشد و نامبرده فوق همان شخصی
است که خمینی در نامه سفارش ویرا به شیخ مهدی قاضی نموده است (موضوع گزارش خبری

شماره ۵۱/۹/۱۹ هـ ۱۳۷۰/۳۷۰۰)

نظریه سه شنبه - نظریه یکشنبه صحیح است.

نظریه ۱۵ هـ - نظریه سه شنبه صحیح است.

شماره ۲۱۶/۵۸۴
تاریخ ۳/۲/۴۸
به ریاست ساواک فرماندار کل
لرستان (خرم آباد)
از اداره کل سوم
نخست وزیر
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
خیلی مستحرمانه
در باره: شیخ مهدی قاضی

عطف به ۱۵/۹۴ هـ - ۴۸/۱/۲۳

خواهشمند است دستور فرمائید نامبرده بالا، احضار
و شدیدا بوی تذکر داده شود که چنانچه باعمال خلاف
رویه خود ادامه دهد از منطقه طرد خواهد شد و نتیجه

اقدامات معموله را اعلام نمایند.
مدیر کل اداره سوم - مقدم

روز چهارم
۴۸/۲/۴

خیلی مستحرمانه

از شهربانی های فرمانداری کل لرستان - قسمت اطلاعاتی
به ریاست ساواک لرستان
موضوع: اطلاعیه

به قرار (بقرار) اطلاع شیخ مهدی قاضی زاده سرپرست حوزه علمیه خرم آباد نماینده خمینی
است و وجوهی را که از مردم جمع آوری نموده به مصرف حوزه می رساند بنام خمینی دریافت
مینماید. مراتب جهت آگاهی و اقدام لازم اعلام میگردد.

رئیس شهربانی های فرمانداری کل لرستان - سرهنگ مهاجر

نام هدف	تاریخ عملیات ۴۷/۵/۱
ساعت	جزئیات گزارش
۰۷۰۰	شروع کار تهیه پست مراقبت در خیابان سپهبد امیرعزیزی از منزل یارو.
۰۷۲۲	یارو از منزل خارج و بطور پیاپی به سمت غرب خیابان سپهبد امیرعزیزی حرکت نمود و رجلی شرکت روشنایی - روبروی محل سکونت خود ایستاد.
۰۷۳۳	یارو از مقابل شرکت روشنایی حرکت و بلافاصله وارد منزل خود گردید.
۰۷۴۷	یارو از منزل خارج و به سمت غرب خیابان سپهبد امیرعزیزی حرکت نمود.
۰۷۴۸	یارو در خیابان سپهبد امیرعزیزی وارد شرکت روشنایی گردید.
۱۲۰۰	یارو با اتفاق پسرش از شرکت روشنایی خارج و سپس وارد منزل خود شد.
۱۲۲۵	پایان کار
۱۳۳۰	شروع کار تهیه پست مراقبت از منزل یارو.
۱۸۲۳	یارو در خیابان پهلوی مقابل دروازه لرستان مشاهده گردید در حالیکه روح اله قاضی زاده و آقای بهرامی و آقای نوری سلاحورزی مشغول صحبت گردیده بودند.
۱۸۲۵	یارو پس از خداحافظی از سه نفر مرد فوق الذکر به سمت جنوب خیابان پهلوی حرکت نمود.
۱۸۳۱	یارو پس از خرید مقداری سیب از میدان پهلوی سوار شورت شماره ۱۳۱ (۸-۸ خرم آباد) برانندگی حاج - روح اله قاضی زاده به سمت جنوب خیابان ششم حرکت نمودند.
۱۸۳۷	یارو با اتفاق مرد همراهش در جاده اندیش مقابل پمپ بنزین جدید از اتومبیل مذکور پیاده شدند.
۲۰۴۵	عملت خلوت بودن منطقه تاریک قطع و محل را ترک نمودیم.
۲۰۴۵	تاریک تمام.

به ریاست ساواک فرمانداری کل لرستان (خرم آباد)
از اداره کل سوم
درباره شیخ مهدی قاضی
عطف به ۴۸/۱/۲۳-۱۵/۶۴

خواهشمند است دستور فرمایید نامبرده بالا را احضار و شدیداً به وی تذکر داده شود که
چنانچه به اعمال خلاف رویه خود ادامه دهد از منطقه طرد خواهد شد و نتیجه اقدامات معموله را
اعلام نمایند.

مدیر کل اداره سوم-مقدم

نام هدف

تاریخ عملیات ۴۷/۵/۱

ساعت	جزئیات گزارش
۷۰۰	شروع کار تهیه پست مراقبت در خیابان سپهبد امیر عزیزی از منزل یارو.
۰۷۲۲	یارو از منزل خارج و بطور پیاده به سمت غرب خیابان سپهبد امیر عزیزی حرکت نمود و در جلوی شرکت روشنایی روبروی محل سکونت خود ایستاد.
۰۷۳۳	یارو از مقابل شرکت روشنایی حرکت و بلافاصله وارد منزل خود گردید.
۰۷۴۷	یارو از منزل خارج و به سمت غرب خیابان سپهبد امیر عزیزی حرکت نمود.
۰۷۴۸	یارو در خیابان سپهبد امیر عزیزی وارد شرکت روشنایی گردید.
۱۲۱۳	یارو به اتفاق پسرش از شرکت روشنایی خارج و سپس وارد منزل خود شدند.
۱۲۲۵	پایان کار
۱۳۳	شروع کار تهیه پست مراقبت از منزل یارو.
۱۸۲۳	یارو در خیابان پهلوی مقابل داروخانه لرستان مشاهده گردید در حالی که با روح الله قاضی زاده و آقای بهرامی و آقای نوری سلاحورزی مشغول صحبت کردن بودن.
۱۸۲۵	یارو پس از خدا حافظی از سه نفر مرد فوق الذکر به سمت جنوب خیابان پهلوی حرکت نمود.
۱۸۳۱	یارو پس از خرید مقداری سیب از میدان پهلوی سوار شورلت شماره ۱۱۳۱-۸۰ خرم-آباد به رانندگی حاج روح اله قاضی زاده شد و به سمت جنوب خیابان ششم حرکت نمودند.
۱۸۳۷	یارو به اتفاق مرد همراهش در جاده اندیمشک مقابل پمپ بنزین جدید از اتومبیل مذکور پیاده شدند.
۲۴۵	به علت خلوت بودن منطقه کار قطع و محل را ترک نمودیم.
۲۰۴۵	کار تمام.



به ریاست ساواک فرماندار کل لرستان
(خرم آباد ۱۵ هـ)
از اداره کل سوم (۳۱۲)

شماره ۳۱۲/۴۴۴ م
تاریخ ۵۲/۵/۱
پیوست

نخست وزیر
سازمان اطلاعات امنیت کشور
م. د. د. د.

در باره: قاضی مهدی قاضی

بازگشت بشماره ۱۵/۱۳۳۹ هـ - ۵۲/۴/۱۰

باتوجه به اینکه پس از لغو امتیاز مدرسه علوی خرم آباد امکان دارد مشارالیه از خود واکنش نشان داده و صادرات به تحریک برخی از طلاب و متمصبین مذهبی آن منطقه بنماید، خدا همتنا است دستور فرمائید وسیله مناسب و سایر امکانات موجود دقیقاً اعمال و رفتار یاد شده را تحت کنترل قرار داده و نتیجه را مرتباً باین اداره کل منعکس نمایند. ح

مدیرکل اداره سوم - ثابت
مهر

است. راجع
نیز در دسترس و در اختیار است. شکر لک زکریا
۵۲/۵/۱

در این باره سرکار عالی در تاریخ ۱۰ بهمن ۱۳۳۸ در نامه شماره ۵۵۸۸ از فرماندار لرستان

۵۲/۵/۱
محرور شده

دوجه نوریت

طبقه بندی حفاظتی

برگشتی

- ۱- به ریاست سازمان اطلاعات، امنیت استان و دستگاه های حفاظتی :
 ۲- از اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸ خرم آباد :
 ۳- شماره : ۱۳۳۱ / ۴۰ / ۰۴ / ۵۰۷ / ۹۱۰ - ۸ - گیرندگان :
 ۴- تاریخ : ۳۰ - ۸ - ۱۳۵۷ ریاست غذا اطلاعات وابسته به شهر ریاست خرم آباد :
 ۵- پیوست :
 موضوع :
 مضاف / پیرو :

اطلاع واصله حاکیست که :

شیخ مهدی - قاضی بصاحبان مغازه هائیکه بدستور روحانیون
 روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ - ۱۳۵۷ / ۸ مغازه هایشان را -

بسته اند مبلغی پرداخت نمایند

ارزیابی = قابل بررسی است

۱۳۲۲

ارزیابی خبر :

نظریه : **فعلی محرمات**

طبقه بندی حفاظتی

به ریاست ساواک فرمانداری کل لرستان (خرم آباد ۱۰هـ)

از اداره کل سوم ۳۱۲

در باره شیخ مهدی قاضی

بازگشت بشماره ۱۳۳۹/۱۵هـ - ۵۲/۴/۱۰

با توجه به اینکه پس از لغو امتیاز مدرسه علوی خرم آباد امکان دارد مشارالیه از خود واکنش نشان داده و مبادرت به تحریک برخی از طلاب و متعصبین مذهبی آن منطقه بنماید، خواهشمند است دستور فرمایید وسیله منابع و سایر امکانات موجود دقیقاً اعمال و رفتار یاد شده را تحت کنترل قرار داده و نتیجه را مرتباً به این اداره کل منعکس نمایند.

مدیر کل اداره سوم ثابتی

طبقه بندی حفاظتی

درجه فوریت

برگ خبر

- نسخه شماره از نسخه ۶ - تاریخ وقوع :
 ۱ - به : ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - ملاحظات حفاظتی :
 ۲ - از : شهرداری استان لرستان (اطلاعات)
 ۳ - شماره : ۸۱-۲۴-۵۷/۵ - گیرندگان : ۸ -
 ۴ - تاریخ : ۱۳۵۷/۷/۱۸
 ۵ - پیوست :

موضوع : عطف/پیرو :

اطلاع واصله حاکیست در چند اخیر عده ای در حدود ۳۰ نفر از اهالی
 قراء اطراف خرم آباد از ساعت ۲۱ - الی ۲۲ در منزل شیخ مهدی
 قاضی واقع در قاضی آباد اجتماع نموده علت اجتماع آنان در منزل نامبرده
 تا کنون معلوم نگردیده است

دستیار کی حکم خبر

۱۳۵۷

ارزیابی خبر : اهمیت غیر در ردایر
 نظریه : جهت استحضار
 حوز مانده
 طبقه بندی حفاظتی

به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت استان لرستان

از اطلاعات و ضد اطلاعات وابسته به تیپ ۸۴ خرم آباد

شماره ۸-۱۱۰/۵۰۷/۰۴/۴۰/۱۳۱

گیرندگان: ریاست ضد اطلاعات وابسته به شهرداری خرم آباد

تاریخ: ۳۰-۸-۱۳۵۷

اطلاع واصله حاکیست که:

شیخ مهدی قاضی به صاحبان مغازه‌هایی که به دستور روحانیون روزهای ۲۷ و ۲۸ و ۲۹-

۱۳۵۷/۸ مغازه‌هایشان را بسته‌اند مبلغی پرداخت مینماید.

ارزیابی = قابل بررسی است.

۲۹

طبقه بندی حفاظتی
برگ خبر

درجه فوریت
نسخه شماره از

۱ - به: رئیس مرکز ریاست اداره اطلاعات - ۷ - ملاحظات حفاظتی:
۲ - از: شهرداری استان لرستان (اطلاعات)
۳ - شماره: ۸۷۴۸۳۱ - گیرندگان: ریاست سازمان اطلاعات
۴ - تاریخ: ۱۳۵۷/۵/۲۴
۵ - پیوست:
و امنیت استان لرستان جهت
استحضار
موضوع:
عطف/پیرو:

اطلاع واصله حاکیست شیخ مهدی قاضی که از روحانیون سرشناس و ناراحت این شهرستان میباشد اغلب در خیابانهای خرم آباد با اتومبیل شخصی خود مشغول گشت زنی میباشد و اگرچه با شخصیکه در جبهات اخیر دستگیر و از زندان آزاد شده اند تماس دارد و اغلب اوقات چند نفر از روحانیون در اتومبیل وی نشسته اند و به قرار اطلاع چنانچه یک نفر روحانی وارد خرم آباد بلامانع او را به منزل خود دعوت و از وی پذیرائی مینماید مراتب جهت استحضار اعالیم میگردد

به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان
از شهرداری استان لرستان (اطلاعات)
شماره ۵/۵۷-۲۴-۶۱
تاریخ ۱۳۵۷/۷/۱۵

اطلاع واصله حاکیست در چند شب اخیر عده ای در حدود ۳۰ نفر از اهالی قراء اطراف خرم آباد از ساعت ۲۱ - الی ۲۴ در منزل شیخ مهدی قاضی واقع در قاضی آباد اجتماع نموده علت اجتماع آنان در منزل نامبرده تاکنون معلوم نگردیده است.
ارزیابی خبر: امکان صحت خبر وجود دارد
نظریه: جهت استحضار

بکلیت و محقق و بهر دستاورد
۵/۲۴

در زیرمورد به نام
به بهر دستاورد
ارزیابی خبر
نظریه جهت استحضار

۱۳/۲۴

طبقه بندی حفاظتی

به مدیریت کل ادار امور (۳۸۴)
شماره ۳۱۸۱/۵۱۷
تاریخ ۲۷/۵/۲۲
پیوست
سخت‌گیری
ارسان سازمان اطلاعات و امنیتی این کشور
لرستان

درباره: شیخ مهدی قاضی فرزند رضا

عطف به شماره ۳۱۲/۵۶۳۵ - ۳۲/۵/۱۹

نامبرد مه‌لار سنگسارید بنوسیله تحت مراقبت مأمورین
شهرهای استان لرستان اعزام و معرفی میگردد. سوابق
و مدارك موجود یاد شده متعاقباً ارسال خواهد شد. -

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان. ل. ق. ا. س.

۵/۲۲

۱۳۲۲ - ۲۷/۵/۲۲
خبرنامه

۳۵-۲۵۷

به ریاست اداره اطلاعات

از شهرهای استان لرستان (اطلاعات)

شماره ۵۷-۲۴-۶۱

تاریخ ۳۷/۵/۲۲

اطلاع واصله حاکی است شیخ مهدی قاضی که از روحانیون سرشناس و ناراحت این
شهرستان میباشد اغلب در خیابانهای خرم‌آباد با اتومبیل شخصی خود مشغول گشت زنی میباشد و
اکثراً با اشخاصی که در جریانات اخیر دستگیر و از زندان آزاد شده‌اند تماس دارد و اغلب اوقات
چند نفر از روحانیون در اتومبیل وی نشسته‌اند و به قرار اطلاع چنانچه یک نفر روحانی وارد
خرم‌آباد شود بلافاصله او را به منزل خود دعوت و از وی پذیرایی مینماید مراتب جهت استحضار
اعلام میگردد.



وزارت کشور

شهرداری کل کشور

شهرداری فرمانداری کل لرستان

از شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - قسمت اطلاعاتی

بسمه • ریاست ساواک لرستان

موضوع • اطلاعیه

بقرار اطلاع شیخ مهدی قاضی زاده سرپرست حوزه علمیه خرم آباد نمایندگی خمینی

است و وجوهی را که از مردم جمع آوری نموده بصرف حوزه میرسانند -

بنام خمینی دریافت مینمایند مراتب جهت آگاهی و اقدام لازم اعلام میگردد:

رئیس شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - سرهنگ مهاجر

مخبر مانده

به مدیریت کل اداره سوم ۳۸۴

از سازمان اطلاعات لرستان

در باره شیخ مهدی قاضی فرزند رضا

عطف بشماره ۳۱۲/۵۶۳۵ - ۳۷/۵/۱۹

نامبرده بالا دستگیر بدینوسیله تحت مراقبت مأمورین شهرداری استان لرستان اعزام و معرفی میگردد. سوابق و مدارک موجود یاد شده متعاقباً ارسال خواهد شد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - لیقوانی

تلگرافات وارده

- ۱- از *۱۳۸۵/۱۲/۲۵*
- ۲- به *۱۳۸۵/۱۲/۲۵*
- ۳- تاریخ *۱۳۸۵/۱۲/۲۵*
- ۴- شماره *۱۳۸۵/۱۲/۲۵*
- ۵- کشف شده توسط
- ۶- و قنیه مخایره شده
- ۷- تقدم *۱۳۸۵/۱۲/۲۵*
- ۸- قسمت اقدام کننده
- ۹- برای اطلاع بادار

شماره پستی ۱۱۷۱/۱۵ - ۵۲۲۷۲۷

سری . با توجه به تقصیر شیخ محمد باقر در این روش قبول افروشی
و تقصیر مذهبی آن منطقه و نگارش به فایده ای دامن دار است و الله
بمنفع غمینی در روز انعام و در برت ای علی قلم آید و طرد نماید و از
آن منطقه و با هر اقدام دیگری در مورد روحانیت و زهد و اخلاق و غیره

56

شماره ۵/۱۳

تاریخ ۴۹/۳/۳۱

از شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - قسمت اطلاعاتی

به ریاست ساواک لرستان

موضوع: اطلاعیہ

به قرار اطلاع شیخ مهدی قاضی‌زاده سرپرست حوزه علمیه خرم‌آباد نماینده خمینی است و وجوهی را که از مردم جمع‌آوری نموده به مصرف حوزه می‌رساند. بنام خمینی دریافت مینماید مراتب جهت آگاهی و اقدام لازم اعلام میگردد.

رئیس شهربانیهای فرمانداری کل لرستان - سرهنگ مهاجر

طبقه بندی اضتی

•

نسخه

•

3

0/0V-25.9

08, 9, 1:

—

عطف / پیرو :

سری. با توجه به موقعیت شیخ مهدی قاضی در بین روحانیون افراطی و متعصبین مذهبی آن منطقه و نگرش به خسارتهای ادامه دار مشارالیه بنفع خمینی در مورد لغو امتیاز دبیرستان علوی خرم آباد و طرد یاد شده از آن منطقه و یا هر اقدام دیگری در مورد روحانی مزبور بنظریه اعلام نماید.

ثابتی

11

فصل ہفتم در کتب و کتب کو

قد راجع در این فصل

نہ نہ سرور نہ مراد

محمد بن عبد الله بن محمد

152

طبقہ بندی حفاظتی

۱۴۵۵

9



وزارت کشور

شهرستانی کل کشور

شهرستانی خرم آباد لرستان

شماره ۵/۱۴۲۴

تاریخ ۲۴/۳/۴۴

پست

محرر

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور
از مرکز اطلاع عده ای معین و طلبه در قم بغداد که در این است به برگشت
بسیار این اقدام نمی نماید در منزل آقای سرستوری و کمیته ای که در قم
فصل جمع نمایند به اعداد است و او که قسم از شخص خارج می شود به
نظر رنج مهدی قاضی طلب این شهر را حرکت و بغداد بفرستد
از معین و طلبه قسم قصد شخص را داشته اند که به اطلاع از این معین
قسم از شخص خارج شده اند قصد رنج مهدی قاضی و طلبه که این شهر را عمل
خود در این مورد خودداری نموده اند سر است به اطلاع اعلام نمود

سر است محمد باقر لرستانی - سر است انیس
۱- در رنج مهدی قاضی معین
۲- در رنج مهدی قاضی معین
با سر است محمد باقر لرستانی

به ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

از شهرستانی استان لرستان (اطلاعات)

شماره ۵/۵۷/۲۴/۶۱

تاریخ ۵۷/۹/۲

اطلاع واصله حاکیست از طرف خمینی به طرفدارانش اعلام گردیده است که مبالغی از
بابت وجوه سهم امام در اختیار وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات قرار دهند و به طوری که شنیده
شده است، شیخ مهدی قاضی که از طرفداران سرسخت و طراز اول خمینی می باشد اخیراً مبلغ
یک میلیون تومان جهت کمک به وسایل ارتباط جمعی و مطبوعات از بانک دریافت نموده است
با توجه به موقعیت فعلی و سوابق مشارالیه احتمال می رود قصد داشته باشد از مبلغ مذکور بین
اشخاص اخلاکگر و مخربین و خانواده دستگیرشدگان و خانواده کسانی که در تظاهرات کشته
شده اند تقسیم نماید.

ارزیابی خبر: امکان صحبت خبر وجود دارد.

نظریه: جهت استحضار.

تهیسه ریاست ساوا مدیریت اداره کس سوم ۲۱

ساوا لرستان

پیرو ۱۳۰۷/۲۲/۵

۴۳/۱/۱

ریاست سازمان اطلاعات و امنیت لرستان

از قرار اطلاع عده‌ای معممین و طلبه‌ها در قم به عنوان اینکه چرا دولت نسبت به بازگشت خمینی به ایران اقدام نمی‌نماید در منزل آقای شریعمداری و گلپایگانی و نجفی به حال تحصن تجمع می‌نمایند که با اقدامات ساواک قم از تحصن خارج می‌شوند به همین منظور شیخ مهدی قاضی طلاب این شهر را تحریک و به عنوان پشتیبانی از معممین و طلاب قم قصد تحصن را داشته‌اند که با اطلاع از اینکه معممین قم از تحصن خارج شده‌اند فعلاً شیخ مهدی قاضی و طلبه‌ها این شهر از عمل خود در این مورد خودداری نموده‌اند مراتب جهت اطلاع اعلام میگردد.

سرپرست شهربانی‌های لرستان - سرهنگ امین طینت

در پرونده شیخ مهدی قاضی ضمیمه شود.

آقایان شیخ مهدی قاضی و نورالدین قاضی

مسئولین و صاحب شرکت روشنائی برق خرم آباد

برابر اطلاع واصله ناسردگان بالا که از عناصر متعصب مذهبی می‌باشند

تعمیم دارند از راه ترکیه به تعینات مسافرت نمایند چون مشارالیه‌ها

بابت اله خمینی علاقه مند می‌باشند احتمال است که منظورشان از

فرزعت به ترکیه حتی المقدور ملاقات با شخصی مذکور و برقراری ارتباط و

با نسب اطلاعاتی از این قبیل باشد مراتب جهت اطلاع معروض

گردد ه

شهاب

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان - شهاب

۹/۱۰

تیمسار ریاست ساواک مدیریت اداره تیپ سوم ۲۱

ساواک لرستان

پیرو ۱۳۲۸/۸هـ

تاریخ ۴۳/۱/۱

آقایان شیخ مهدی قاضی و نورالدین قاضی مسئولیت و صاحب شرکت روشنایی برق خرم‌آباد برابر اطلاع واصله نامبردگان بالا که از عناصر متعصب مذهبی میباشند تصمیم دارند از راه ترکیه به عتبات مسافرت نمایند. چون مشارالیه‌ها به آیت‌الله خمینی علاقمند می‌باشند احتمال است که منظورشان از عزیمت به ترکیه حتی‌المقدور ملاقات با شخص مذکور و برقراری ارتباط و یا کسب اطلاعاتی از این قبیل باشد مراتب جهت اطلاع معروض گردید.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت لرستان — شهاب

۹/۱۰

پیام‌های تسلیت

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی):

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم خدمتگزار و ایثارگر جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ مهدی قاضی رحمت الله علیه را به خاندان مکرم ایشان و به همه ارادتمندان این شخصیت روحانی دانا و توانا تسلیت عرض می کنم. خدمات برجسته این روحانی پرتلاش و مبتکر چه پیش از انقلاب و چه در دوران مبارک جمهوری اسلامی، از ایشان شخصیتی کم نظیر در جامعه روحانیت و حوزه های علمیه پدید آورده بود و درگذشت ایشان، فقدانی تأسف بار است. از خداوند متعال رحمت و مغفرت و اجر جزیل برای تلاش خستگی ناپذیر و فداکارانه این روحانی عالیقدر مسئلت می کنم.

سید علی خامنه ای

۱۳۸۸/۹/۵

پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

بسم الله الرحمن الرحيم

فقدان اسفناک عالم ربّانی و سخت کوش و پرتلاش و مخلص و مجاهد حضرت حجت الاسلام و المسلمین آقای قاضی (رضوان الله علیه) را به جامعه روحانیت قم و اهالی محترم خرم آباد و اساتید و دانشجویان دانشگاه قم و به آن بیت محترم صمیمانه تسلیت عرض می کنم.

مرحوم قاضی عالمی بود مدیر و مدبّر و با اخلاص و خدوم که سی سال دانشگاه قم را به طور آبرومندی سرپرستی کرد و بی آنکه ذره ای از حقوق، مزایا و پاداش استفاده کند، از هر گونه تظاهر خودداری می کرد و با تمام وجود در خدمت دانشجویان و اساتید آن دانشگاه بود بسیار با همّت و متواضع و حق شناس و عاشق اسلام و مکتب اهل بیت بود. خداوند روح پاکش را با ارواح اولیاء الله محشور گرداند و به همه بازماندگان صبر و اجر فراوان عنایت فرماید.

ناصر مکارم شیرازی

پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی موسوی اردبیلی:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم ربانی و خدمتگزار خستگی ناپذیر مرحوم حجت الاسلام و المسلمین آقای قاضی خرم‌آبادی موجب تأسف و تأثر شد. این شخصیت بزرگوار که سال‌های عمر شریفش به تحصیل و تدریس و تحقیق و مدیریت علمی و خدمات فراوان عام‌المنفعه گذشت از علمای خیراندیش و روشن‌بینی بود که جامعه ما به امثال او سخت محتاج است. این جانب سال‌ها شاهد انضباط، سخت‌کوشی و احتیاط او بودم در تمامی مدت خدمت و خصوصاً تلاش برای عفو و آزادی محکومان، دیناری از اموال دولتی و عمومی استفاده نکرد، بلکه می‌کوشید استفاده‌های قهری از بیت‌المال را نیز جبران کند. زندگی زاهدانه در عین برخورداری مادی خانوادگی، پرهیز از خودنمایی و هیاهو، حریت و استقلال فکری و تلاش برای توسعه و پیشرفت علمی جامعه از حسنات آن مرحوم بود. تأسیس دانشگاه قم به همت والای او صورت گرفت و سال‌ها خدمات او در مدیریت حوزه فراموش ناشدنی است.

اینجانب این مصیبت را به بازماندگان و بیت شریف آن مرحوم و علمای اعلام و حوزه‌های علمیه و دانشگاهیان و همه‌ی ملت شریف ایران خصوصاً مردم غیور لرستان تسلیت عرض نموده، برای ایشان علو درجات و برای بازماندگان، صبر و اجر مسالت دارم.

سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی

پیام تسلیت حضرت آیت الله العظمی سبجانی:

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم فرزانه حجت الاسلام و المسلمین آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی موجب تأسف و تحسّر شد. معظم‌له از بیت علم و تقوی برخاسته و پس از تحصیل مراتب عالی دانش و اخلاق، عمر خویش را یکسره به انجام خدمات علمی و اجتماعی دینی گذراند و زندگی پربار او مصداق آیه شریفه «والباقیات الصالحات خیر عند ربّک ثباً و خیر أَمْلاً» است، عاش و مات سعیداً.

درگذشت فقید سعید را به علمای اعلام و آیات عظام و حوزه‌های علمیه و اساتید دانشگاه قم تسلیت می‌گویم و از درگاه خداوندمنان، برای آن مرحوم، غفران و علو درجه و برای بازماندگان ایشان صبر جمیل و اجر جزیل خواهانم.

قم - مؤسسه امام صادق (علیه السلام)

جعفر سبجانی

پیام تسلیت حضرت آیت الله هاشمی رفسنجانی:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر درگذشت حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ مهدی قاضی موجب تأسف و تأثر خاطر گردید.

ارتحال آن فقید سعید که در طول عمر پربرکت خود علاوه بر بنیانگذاری دانشگاه قم، خدمات دینی، علمی و اجتماعی ارزنده‌ای از خود برجای گذاشت را به علمای اعلام، آیات عظام، حوزه‌های علمیه و اساتید دانشگاه قم تسلیت گفته از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت می‌نمایم.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس مجلس خبرگان رهبری

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

پیام تسلیت وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:

بسم الله الرحمن الرحيم

روح بلند اندیشمند فرزانه و معلم اخلاق و اسوه خدمت و فضیلت حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی به پیشگاه حضرت دوست و جایگاه ابدی صالحین شتافت و ثلمه‌ای جبران ناپذیر برای جامعه علمی کشور و قلب مشتاقان علم و دانش پدید آورد و حوزه‌های علمیه و مراکز آموزشی بخصوص دانشگاه قم را به سوگی عظیم نشاند.

بی‌شک حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی عمر خجسته خویش را در راه اعتلای دانش و تربیت دانشوران فرهیخته سپری ساخت و اندیشه زلال و مجاهدات مستمرشان در تاریخ بصیرت و دانایی، جاری بوده و صفا، پاکی، ساده زیستی و خدمت بدون چشم داشت از ویژگیهای مبرهن و بارز این انسان ساعی، صادق و سخت کوش محسوب می‌شود.

این عالم ربانی در طول حیات طویه خویش در تمام عرصه‌ها بی‌هیچ شائبه‌ای و به دور از هرگونه تعلقات فانی دنیا کوشید و با حمایت‌های همه جانبه به ویژه حمایت‌های مالی، خدمات خالصانه و خداخواهانه‌ای در حوزه و دانشگاه از خویش به یادگار گذاشت.

تلاش در تأسیس و راه اندازی و مدیریت دانشگاه جامع قم که نقشی مؤثر و انکارناپذیر در ایجاد تحول علمی در این استان داشته است، هرگز از لوح ضمیر مشتاقان دانش و پژوهش محو نخواهد شد.

اینجانب ارتحال ملکوتی حضرت آیت الله مهدی قاضی خرم‌آبادی، ریاست محترم دانشگاه قم را به جامعه حوزوی و دانشگاهی، به ویژه استادان، دانشجویان و کارکنان دانشگاه قم و بیت شریف ایشان به ویژه آقای احمد قاضی فرزند مکرّم آن عالم عالی قدر،

تسلیت و تعزیت عرض می‌نمایم و از بارگاه حضرت سبحان، علو مقامات و سمو درجات مرحوم آیت الله قاضی را خواهانم و امید آن دارم که بستگان و بازماندگان مکرمشان در ظل عنایات حق تعالی و در سایه توجهات حضرت ولی عصر(عج) پیوسته از سلامت مدید و عزت سدید، بهره‌ور گردند.

کامران دانشجو

پیام وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتحال عالم پارسا و معلم اخلاق حضرت آیت الله مهدی قاضی خرم‌آبادی (ره) را به عموم ارادتمندان ایشان خصوصا جامعه حوزوی و دانشگاهی و دانشگاهیان استان پاک آستان قم و خاندان مکرم ایشان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

بی‌تردید عمر با برکت این عالم ربانی، منشاء خدمات ارزنده‌ای بود که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها، تأسیس و اداره دانشگاه جامع قم بود که در طول سی سال گذشته نقشی بی‌بدیل در توسعه و ایجاد تحول علمی در منطقه داشت و آثار آن هرگز از لوح ضمیر مشتاقان عرصه دانایی زدوده نخواهد شد.

به یقین می‌توان مرحوم آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) را با توجه به مساعی وافر و بی‌دریغشان در دو نهاد حوزه و دانشگاه، به عنوان نمادی از وحدت حوزه و دانشگاه بر شمرد که سرمایه گرانسنگ علمی، معنوی و مادی خویش را در راستای ارتقاء و اعتلای دانشگاه و حوزه به کار گرفت. ایمان و توکل، همت بلند و اراده استوار، مناعت طبع و پارسایی، خوشرویی و وارستگی، صمیمیت و خیرخواهی، بی‌رغبتی به نام و نان و عدم دلبستگی به این و آن، سیمای واقعی شخصیت ایشان را ترسیم می‌کرد.

اینجانب با توجه به شناخت و ارتباطی که به خاطر مسائل دانشگاهی در سالهای اخیر با این روحانی فاضل داشتم از بارگاه باهر باری تعالی، علو مقامات و سمو درجات ایشان را خواهانم.

سیدمحمد حسینی

پیام تسلیت حوزه علمیّه قم و جامعه مدرسین:

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتحال عالم نستوه و مجاهد حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی موجب تأسف و تأثر و اندوه فراوان گردید. ایشان در طول زندگی با برکت خویش در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در خدمت حوزه علمیه و نظام اسلامی بود.

از سوابق درخشان ایشان شرکت فعال در نهضت امام خمینی (قدس سره) قبل از انقلاب و پس از انقلاب نیز مسئولیت‌هایی چون عضویت در شورای عالی قضایی، همکاری با شورای مدیریت حوزه علمیه قم و ریاست دانشگاه قم می‌توان نامبرد.

آیت الله قاضی به منظور تربیت نیروهای متعهد و متخصص جزو بنیان‌گذاران مدرسه عالی قضایی، تربیت مدرس و دانشگاه قم بود که تا آخرین روز حیات خویش نیز در مسئولیت ریاست دانشگاه قم به تربیت نسل جوان اهتمام داشت. پاکی و ساده زیستی و خدمت بی‌اجر و مزد از خصوصیات بارز این انسان سالم و فداکار بود.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ارتحال ایشان را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء، مقام معظم رهبری «مدظله العالی»، مراجع عظام تقلید «دامت برکاتهم»، و عموم دانشگاهیان خاصه اساتید، کادر علمی و دانشجویان دانشگاه قم تسلیت عرض نموده؛ علو درجات را برای آن فقید و صبر و اجر فراوان برای بازماندگان آن مرحوم خواستار است.

پیام تسلیت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران سراسر کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت عالم عامل، مرحوم مغفور حضرت آیت‌الله قاضی که عمر پربرکت خود را در راه گسترش علم و خدمت به ترویج دانش سپری کرد ثلمه‌ای است جبران ناپذیر. این عالم ربانی، عمر شریف خود را در راه کسب علوم دینی و ترویج و گسترش معارف و فرهنگ اسلامی سپری نمودند و بدون شک آثار این فاضل فرهیخته در عرصه اندیشه و علم، به ویژه در دانشگاه قم همچون نگینی درخشان خواهد ماند.

حضرت آیت‌الله قاضی علوم دینی را در محضر اساتید بزرگ حوزه‌های علمیه فراگرفت و در راه اهداف بلند و آرمان نظام مقدس جمهوری اسلامی، با تلاشی خستگی‌ناپذیر و با همتی بلند، گام‌های بلندی برداشت و در زمره چهره‌های ماندگار فرهنگ، دین و اندیشه کشور عزیزمان قرار گرفت.

بدون تردید طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم این یار دیرین و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه قم خدمات این عالم جاهد را از یاد نخواهند برد.

حوزه‌های علمیه خواهران این ضایعه بزرگ را به محضر حضرت ولی عصر (عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی، مردم شریف استان قم و همه دوست‌داران ارزش‌های الهی و انسانی تسلیت می‌گویند و برای آن عالم فرهیخته و دانش‌دوست علو درجات از خداوند منان مسئلت دارد.

پیام تسلیت نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد:

بسم الله الرحمن الرحيم

ارتحال عالم جلیل القدر، فقیه صمدانی حضرت آیت الله شیخ مهدی قاضی خرم‌آبادی (رئیس دانشگاه عالی قضایی قم) موجب تأسف و تأثر گردید. ایشان عمر پر برکت خود را در راه تبلیغ و نشر معارف اهل بیت (ع) و تعلیم و تربیت طلاب علوم دینی و دانشجویان عزیز سپری نموده است.

مبارزات سیاسی ایشان در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و حضور در مسئولیت‌های مختلف در بعد از انقلاب، سبب شد که همواره منشأ خدمات علمی، فرهنگی و اجتماعی ارزشمند باشد. او که یکی از شاگردان مکتب امام صادق (ع) و از یاران امام خمینی (ره) بودند تا آخرین لحظه در دفاع از ولایت و رهبری از هیچ کوششی دریغ نورزیدند و همیشه پشتیبان و حامی ولایت فقیه بودند.

اینجانب در گذشت این روحانی وارسته و مجاهد را به محضر حضرت ولیعصر (عج)، مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، حوزه‌های علمیه و بیت مکرم ایشان مخصوصاً شاگردان، فرزندان آن مرحوم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال علو درجات برای آن مرحوم و صبر و اجر برای بازماندگان مسئلت دارم.

سید احمد میر عمادی

نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم‌آباد

پیام تسلیت استاندار استان قم:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر ارتحال عالم فرزانه حضرت آیت الله قاضی خرم‌آبادی ریاست دانشگاه قم و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، موجب تأسف و تأثر اینجانب و تمامی جامعه علمی و فرهنگی استان قم شد.

این عالم وارسته و مجاهد که در طول ۳۰ سال به عنوان بنیانگذار و ریاست دانشگاه قم به جوانان و جویندگان علم و فضیلت خدمت کرد، یکی از مفاخر ارزشمند این خاک پر برکت بود.

بی‌تردید آیت الله قاضی خرم‌آبادی (ره) را می‌توان نمادی شاخص از وحدت حوزه و دانشگاه دانست که تمامی سرمایه علمی، معنوی و مادی خود را در راستای گسترش و اعتلای دانشگاه‌ها و رشد جوانان استان قم به کار بست.

ثمره مجاهدت‌های این عالم ربانی در راه رشد و بالندگی سرمایه‌های گران سنگ آینده انقلاب اسلامی جوانه‌های دانش و پیشرفت و پژوهشی است که اکنون به بار نشسته و هرگز از خاطره‌ها فراموش نخواهد شد.

آیت الله مهدی قاضی رئیس و بنیانگذار دانشگاه قم، نماینده سابق حضرت امام خمینی (ره) در استان لرستان و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم صبح امروز در سن ۸۲ سالگی در گذشت.

محمد حسین موسی‌پور

پیام تسلیت استاندار لرستان:

بسم الله الرحمن الرحيم

خبر ارتحال عالم ربانی و روحانی وارسته و سختکوش، حضرت آیت الله حاج شیخ مهدی قاضی که عمر با برکت خویش را در راه خدمت به دین مبین اسلام، حوزه‌های علمیه و انقلاب اسلامی صرف کرده و منشأ خدمات و اثرات ماندگار به اسلام و نظام اسلامی بودند موجب تأثر و تألم فراوان گردید.

در این بیانیه آمده است: اینجانب این ضایعه حزن انگیز و اندوهناک را به همه ارادتمندان، اقشار مختلف مردم شریف و ولایتمدار لرستان، روحانیت گرانقدر به ویژه بیت معظم این روحانی جلیل‌القدر تسلیت عرض کرده و از خداوند سبحان برای روح عالی ایشان رحمت واسعه الهی و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل مسالت دارم.

حسین صابری

پیام تسلیت قائم مقام دانشگاه قم:

از شمار دو چشم یک تن کم و از شمار خرد هزاران بیش

بنیانگذار دانشگاه قم، نماینده اسبق حضرت امام خمینی (ره) در استان لرستان و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم حضرت آیت الله مهدی قاضی (ره) در جوار رحمت گسترده پروردگار آرام گرفت و داغ جانسوز فراغش را در دل دوست‌داران علم و صداقت و دانایی نهاد. با دلی آکنده از تألم و تأثر هجرت ملکوتی این مرد زهد و تقوا را به محضر مبارک امام زمان (عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی، شورای تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان رهبری، هیأت دولت، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، علما و فقهای حوزه‌های علمیه، شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزیر علوم تحقیقات و فناوری، بیت رفیع معظم‌له، استادان، کارمندان و دانشجویان دانشگاه قم تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان علو درجات علین را برای روح بزرگ آن فقید مجاهد و شکیبایی و توفیق برای بازماندگان مسئلت دارد.

دکتر رضا حسین گندم‌کار